برگی از تاریخ قزوین

انتشارات

کتابخانهٔ عمومی حضرت آیة الله العظمی نجفی مرعشی مدظله العالی

(ایران ـ قم)

فارسی ـ شمارهٔ ۱

زیر نظر

سید محمود مرعشی

برگی از تاریخ قزوین

تاریخچه‌ای از آستانهٔ شاهزاده حسین و دودمان سادات مرعشی قزوین

مدرسی طباطبائی

چاپ خیام - قم
۱۳۶۱ ش

بسم الله الرحمن الرحیم

پیش گفتار چاپ

به طوری که درمتن کتاب خواهیم دید شاخه‌ای ازدودمان سادات مرعشی از روزگاران دور درشهرقزوین اقامت گزیده ودرآن جا منصدی مقامات مهم مذهبی مانند نقابت سادات وتولیت آستانهٔ شاهزاده حسین بوده‌اند . درطول قرن های ششم تا دهم بزرگان ودانشمندانی ازاین خاندان برخاسته‌اند که نام برخی‌ازآنان درمآخذ تاریخی دیده می‌شود. بااین وجود، سرگذشت وتاریخ این خاندان که به خصوص درقرن دهم افرادی ازآن درصحنهٔ سیاست ایران نیز مؤثر ومتصدی مناصب مهم کشوری بوده‌اند به علت فقد منابع تاریخی ، تاریك بوده واطلاعات بسیار کمی دراین مورد درمآخذ مربوط آمده است . خوشبختانه بخشی از اسناد مربوط به این خاندان از تصاریف زمان محفوظ مانده که می‌تواند به مدد مصرحات متون ، گوشه‌هایی از پیشینهٔ تاریخی‌آن را روشن سازد. کتاب حاضراین‌تداوم تاریخی‌را ازمیانه‌های قرن‌هشتم تاروزگار حاضربراساس همان اسناد پیگیری نموده است .

سابقهٔ این کتاب به سال ۱۳۵۵ باز می گردد . دراین سال مجموعه‌ای از اسناد مزبور به حضور آیت الله العظمی مرعشی نجفی ارائه گردیده و به دستور معظم له از تمامی آن برای ضبط در مجموعهٔ اسناد تـاریخی ومذهبی کتابخانه عمومی حضرتشان درشهر قم عکس تهیه شد . درتشرفی که همان ایام حضور ایشان داشتم اظهاراشتیاق وعلاقهٔ بسیارفرمودند که آن اسناد به صورت مناسبی مدون گردد . مجموعهٔ عکس‌های مربوط به دستور ایشان در اختیار بنده قرار گرفت. درسفری که شخصاً چندی‌بعد به قزوین نمودم دارندهٔ اسناد وبازماندهٔ دودمان مرعشی آن شهـر، آقای سید حسن مرعشی باقی ماندهٔ اسناد را نیز در اختیار گذارده که از آنها نیزعکس تهیه شد ومجموع اسناد به ترتیب تاریخی مدون گردید وباتحلیل لازم وافزودن فصولی درتاریخ وتوصیف آستانهٔ شاهزاده حسین ـ که قسمت اعظم این اسناد ، مـربوط به منصب تولیت وموقوفات آن است ـ به این‌صورت که اکنون مشاهده می‌شود درآمد ، وکارتدوین وتکمیل اثردربهارسال ۱۳۵۷ به پایان رسید . لیکن اقامت نویسنده درخارج ازکشور واشتغالات علمی بسیار دراین چند سال فرصتی برای اندیشیدن درنشراثرباقی نگذارد بـه خصوص آن که ماهیت وطبیعت اشتغالات اخیرنـویسنده بالکل با موضوع این گونه تحقیقات تاریخی بیگانه بود. تاآن که دوست عزیزودیرینم حجة الاسلام حاج سید محمودآیت الله زادهٔ مرعشی مدیروسرپرست وضامن تداوم بنیاد عظیم‌فرهنگی که بهمت والای‌پدربزرگوارش درشهرقم پی افکنده شده است درسفرمـوفق وپرباری که به منظور تکمیل منابع کتابخانهٔ عمومی وایجاد روابط فرهنگی با مراکز بزرگ علمی غرب دراسفند ماه سال ۱۳۶۰ به اروپاآمده بود بایادآوری سابقهٔکار ازاینجانب خواست تااین اثربرای نشر درسلسلهٔ انتشارات آن کتابخانه به ایشان سپرده شود. ازاین‌پیشنهاد باخرسندی

استقبال کردم، چه ازیك‌سوموضوع کتاب که درواقع‌تاریخ شاخه‌ای ازخاندان مرعشی است باشخصیتی که این کتابخانه به دست او وبه نام او برپاست ارتباط عمیق دارد وازسویی دیگراین مجموعه درواقع تحلیلی ازیك بخش ازذخائر همین مرکزعلمی است که امروزه با گردآمدن بیش ازپانزده هزارنسخهٔ خطی ومجموعهٔ مهمی‌ازاسناد تاریخی ومیکروفیلم‌ها وعکس‌ها، به اضافهٔ ده‌ها هزار کتاب چاپی ومجلات ومنابع علمی به زبان‌های مختلف ، ازمراکزدرجهٔ اول فرهنگی درجهان اسلام است .

بدین ترتیب کاری که درچند سال پیش انجام شده وبه اتمام رسیده بود اکنون با همت این دوست عزیز در دسترس علاقمندان به این گونه‌آثار قرار میگیرد با این امید که درمجموع برای اربـاب تحقیق مفید وحاوی نکات تازه وسودمند باشد .

آکسفورد ـ نوروز۱۳۶۱

سید حسین مدرسی طباطبائی

آستانه شاهزاده حسین

آستانهٔ حضرت شاهزاده حسین درشهرقزوین ـ که مشهورترین وباشکوه ترین اماکن زیارتی ومشاهد متبرکه آن‌شهر ، وازتوجه واعتقادکامل مردمان آن دیاربرخورداراست ـ ازکهن‌ترین مزارات موجود ایران است .

قدیم‌ترین مأخذی‌که ازذکر این مزار درآن‌آگاه شده‌ایم‌کتـاب « تاریخ قزوین وفضائلها »[1] تألیف حافظ ابویعلی خلیل بن عبد الله بن احمد قزوینی درگذشتهٔ ٤٤٦[2] است . این‌کتـاب اکنون دردست نیست لیکن بیشترمطالب آن درکتاب «التدوین» باذکرمأخذ نقل‌شده است .اودرتاریخ خود ازاین‌مزار ونام نسب مدفون درآن‌به گونه ای‌که چند سطربعد درنقل‌عبارت کتاب‌التدوین خواهیم دید یاد می کند[3].

---

۱. التدوین فی اخبار قزوین ، رافعی ، بـرگ ۲۰۳ نسخهٔ شمارهٔ ۲۰۱۰ کتابخانـهٔ سلیمانیهٔ استامبول (عکس‌کتابخانهٔ عمومی آیت الله مرعشی نجفی درقم) .

۲. همان مأخذ درهمان برگ .

۳. همان مأخذ : برگ ۳٦٦ أ .

پس‌از آن عالم جلیل‌شیعی شیخ عبدالجلیل رازی در کتاب شریف‌النقض (نگاشته شده پیرامون سال ۵۶۰) ضمن سخن ازاماکن زیارتی شیعیان‌آن عهد ـ پس ازذکر آستانهٔ حضرت فاطمهٔ معصومه درقم و آستانهٔ حضرت عبدالعظیم دررى ویکی دومورد دیگر ـ می نوسد : «واهل قزوین سنی وشیعی به زیارت ابوعبد الله حسین بن الرضا روند »[۱].

پس از آن ابوالقاسم عبدالکریم بن محمد بن عبدالکریم رافعی قزوینی در گذشتهٔ ۶۲۳ در کتاب مشهور «التدوین فی ذکراخبارقزوین» درفصل چهارم ذیل سخن ازمقابر قزوین ، ضمن شرح ووصف گورستان بزرگ آنجا ازاین مزاریادکرده ومی نویسد : « درایـن گورستان مزارمنسوب به فرزند حضرت علی‌بن موسی الرضا(ع) است که درخرد سالی در گذشته بود »[۲]. اوهمچنین در جایی دیگر از کتاب مزبور (ذیل شرح حال حضرت رضا ـ ع) می‌نویسد : « مشهور است که حضرت ازقزوین عبور فرموده ومی گویند که درسرای داود ابن‌سلیمان غازی ـ که نسخهٔ معروفه (صحیفة الرضا) راازوی روایت می کند ـ پنهان بوده است . این نسخه را اسحاق بن محمد وعلی بن محمد بن مهرویه وجزاین دو (از داود بن سلیمان) روایت کرده‌اند . خلیل (حافظ) گفت که فرزندی که در گورستان قزوین مدفون است می گویند دوساله یا خرد سال‌تر بوده است »[۳].

حمدالله مستوفی درنزهةالقلوب ذیل‌سخن ازقزوین می‌نوسد : «ودر آنجا مشهد امام زاده حسین پسرامام علی بن موسی الرضـا علیه السلام وقبریکی از

---

۱. النقض : شیخ عبد الجلیل رازی قزوینی ، ص ۶۴۳ چاپ میرجلال الدین محدث ارمـوی .

۲. التدوین : بر گ ۱۱ أ نسخهٔ یاد شدهٔ پیش .

۳. همان مأخذ : بر گ ۳۶۶ أ .

صحابه ومزار اولیای کبار بسیار است»[1]. اودرتاریخ گزیده نیزدر دومورد ازاین آستانه یادکرده است ، یکی درسرگذشت حضرت رضا (ع) که می نویسد : « رضا را پنج پسربود[2] محمد جواد وجعفر وحسین که به قزوین مدفون است ویك‌دختر»[3] ودیگردربخش‌مربوط‌به‌قنوات ورودخانه‌ها ومساجد ومقابرقزوین (فصل پنجم ازباب ششم) بدین گونه : «گورستان های‌آن تمـامت داخل شهر اسـت وبهترین‌آن به‌کثرت وبرکت مقبره‌ای است شرقی‌آن‌محلهٔ ری وغربی آن محلهٔ ارداق نزدیك رودخانه وشمال‌آن محلهٔ شهرستان وجنوب‌آن باروی شهرارداق[4]. . . ودرآن مقبره مشهدی است ازآن پسرعلی‌بن موسی الرضا . وفات‌آن پسردر دوسالگی بوده و گویند حسین نام داشته»[5].

درمآخذ دورهٔ صفوی ازقبیل‌سراج الانساب‌احمد بن‌محمدبن عبدالرحمن کیای گیلانی[6] ورسالـه اسدیه محمد قاسم مختاری عبیدلی سبزواری[7] وزینة

---

۱. نزهـة القلوب ، ص ٦٣ چاپ دبیرسیاقی . بنا برنوشتهٔ کتاب مینودر (ص ١٤٦) مستوفی‌درجایی دیگرازاین‌کتاب ذیل شرح ماجرای‌آمدن حضرت رضا به قزوین نیزازدفن فرزنددوسالهٔ وی دراین‌شهرکه مشهد اومعروف بوده است یاد می‌کند.

۲. دراین عبارت بیش از سه تن نـام برده نشده‌اند وگویا نام دو تن دیگـر (حسن وابراهیم) ازنسخه‌هایی‌که اساس چاپ بوده است افتاده باشد. دراین‌باره رجوع شود به رسالهٔ «تواریخ النبی والال» ازحاج شیخ محمد تقی تستری ، چاپ شده درملحقات قاموس الرجال او(جلد یازدهم) ص ٥٨ وتاریخ جهان‌آرا : ٢٧ .

۳. تاریخ گزیده ، ص ٢٠٥ چاپ عبدالحسین نوائی .

٤. شرح این حدود را درکتاب مینودر: ص ١١٦ می‌توان دید .

٥. تاریخ گزیده : ص ٧٨٤ همان چاپ .

٦. تألیف سال ٩٧٦ ، صفحهٔ آخرنسخهٔ شماره ٣٥٣٣ کتابخانهٔ ملك (برگ ٨٨پ).

۷. چاپ تبریز، ص ٩٧ .

المجالس مجد الدین محمد الحسینی مجدی [1] وتذکرهٔ هفت اقلیم [2] وضیافة الاخوان آقا رضی قزوینی [3] وکتاب‌هایی دیگر ، نیزمآخذ دورهٔ قاجاریه ازقبیل حدائق السیاحه حاجی زین العابدین شیروانی [4] وبستان السیاحه هموه [5] وجنة النعیم حـاجی ملا باقر واعظکجوری [6] ومرآت البلدان [7] ومنتخب التواریخ حاجی ملا هاشم خراسانی [8] وجزاینها [9] هـم دربارهٔ این آستانه ومدفون درآن وخصوصیات مربوط دیگرسخن‌رفته است. جزآن که دریکی دومورد [10] مدفون در مزار فرزند امام موسی الکاظم «ع» وبرادر حضرت رضا «ع» دانسته‌اند در حالی که درمصادرقدیم‌تر فرزند امام رضا «ع» دانسته شده بود چنان‌که امروز نیزبه همین گونه مشهوراست .

درسراج‌الانساب کیای گیلانی‌نسب‌امام‌زاده رابه گونهٔ‌سومی‌ذکر کرده‌است این چنین : «ابوعبدالله حسین الثائر فرزند علی بن داود بن ابی الکرام عبدالله

---

۱. چاپ سنگی تهران – ۱۳۰۹ هـ . ق ، ص ۳۸۲ .

۲. تألیف امین احمد رازی ، اقلیم چهارم ، قزوین .

۳. رضی‌الدین محمد بن‌حسن قزوینی درگذشتهٔ ۱۰۹۶، ص۲۲۳ نسخهٔ خطی شمارهٔ ۱۶۷۱ کتابخانهٔ مدرسهٔ فیضیهٔ قم .

٤. ص ۳۷۲ چاپ تهران – ۱۳۸۹ هـ . ق .

٥. ص ٤٥٨ چاپ عکسی کتابفروشی سنایی ومحمودی تهران .

٦. ص ۲۱۹ .

۷. جلد چهارم ، ص ۱۷٤–۱۷٥ .

۸. ص ٥۲۷ ، ٥۲۸ و ۷۱٤ چاپ کتابفروشی محمد حسن علمی .

۹. ازجمله سفرنـامه‌های اروپاییان مانند سفرنامهٔ مادام دیـولافوا (ص ۱۱۳–۱۱٤ ترجمهٔ فارسی) که ظاهراً ازهمه مبسوط‌تراست وسفرنامه‌های ایرانی مانندسفرنامهٔ میرزا حسین فراهانی (چاپ ۱۳٤۲ تهران) ص ۱۸–۱۹ .

۱۰. زینة المجالس : ۳۸۲/ بستان السیاحه : ٤٥۸/ حدائق السیاحه : ۳۷۲ .

بن محمد بن علی الزینبی بن عبد الله بن جعفر الطیار»[1]. ازاین شخص در «منتقلة الطالبیه» ابو اسماعیل ابراهیم بن ناصر بن طباطبا (از آثار قرن پنجم هجری) یاد شده و گفته شده است که وی درروزگار معتمد عباسی (۲۵۶ - ۲۷۹) در قزوین قیام نمود وبر آن شهر دست یافت[2]. در الفخری ابو اسماعیل مروزی (نوشتهٔ سال ۶۰۶) نیز ازاین حسین وقضایای اوباداعی حسن بن زید سخن رفته است[3]. درعمدة الطالب نیز دربارهٔ او آمده است که نسل علی بن داود ـ نوادهٔ جعفر طیار ـ ازفرزند او ابوعبدالله الحسین است که درقزوین قیام نمود وقبر او درهمان شهر است[4].

۱. سراج الانساب، پایان کتاب (برگ ۸۸ پ نسخهٔ ۳۵۳۳ کتابخانهٔ ملك تهران).
۲. منتقلة الطالبیه، چاپ نجف ـ ۱۳۸۸ هـ. ق، ص ۲۵۱.
۳. الفخری، ص ۱۰۱ نسخهٔ شمارهٔ ۳۳۰/۲ کتابخانهٔ مسجد اعظم قم.
۴. عمدة الطالب، چاپ نجف ـ ۱۳۸۱ هـ. ق، ص ۵۲، نیز لباب الانساب بیهقی: ۳۲ پ عکسی ۲۱۳۶ دانشگاه.

۱
تـاریخ مزار

بنابراین چنان که دیدیم مزار حضرت شاهزاده حسین درپایان قرن چهارم و آغازپنجم مزاری شناخته شده ومعروف بوده ، ودرمیانهٔ قرن ششم زیارتگاه عمومی مردمان قزوین ازشیعه وسنی به شمار می‌رفته است .

درباره بنای پیشین‌این مزاروتطورات آن تاآغازدورهٔ صفوی آگاهی دقیق دردست نیست. به اجمال می‌دانیم که درقرن‌های‌هشتم ونهم‌بنای آستانه منحصر به بقعهٔ روی مدفن امامزاده نبوده ومرافق وملحقاتی داشته است. درخلد برین محمد یوسف[1] ضمن‌شرح ماجرای‌شورش درویش‌رضا درقزوین‌به سال ۱۰۴۱ وتمرکز او با طرفدارانش درآستانه شاهـزاده حسین ، از« مقبرهٔ میرفغفور » حجره‌ای درکناربقعهٔ مقدس «که مدفن یکی‌ازسادات‌عظام‌آن ملك معمور بود» یاد می‌شود[2]. این میرفغفور کسی جزشریف معین‌الدین فغفورنقیب‌قزوین فرزند

۱. ازآثارخوب دورهٔ صفوی مشتمل بریك دوره تاریخ عمومی تا آغاز دورهٔ صفوی ویك‌دوره تاریخ فرمانروایی صفوی تاپایان دورهٔ شاه سلیمان (مقدمهٔ احمد سهیلی خوانساری برذیل عالم‌آرای عباسی) . لیکن‌نسخه‌هایی که درفهرست منزوی (۶: ۴۱۵۰-۴۱۵۱) ازاین‌کتاب معـرفی شده هیچ یك خاتمهٔ آن راکه تاریخ دورهٔ شاه سلیمان ومهمترین بخش‌کتاب است ندارد .

۲. خلد برین ، حدیقهٔ ششم ازروضهٔ هشتم (نسخهٔ شمارهٔ۴۱۳۲ کتابخانهٔ ملك تهران) وازآنجا درمینودر: ۴۶۲-۴۶۵ .

شمس الدین محمد نیای اعلای خاندان سادات مرعشی قزوین نمی تواند بود که درنیمهٔ اول قرن هشتم می زیسته وابن مهنا عبیدلی درتذکرنسب خود ازاو یاد نموده است[1]. بنا براین به طبع مقبرهٔ وی ازاوسط قرن مزبورجزء ضمایم مزارشاهزاده حسین بوده است[2].

دردههٔ نخستین قرن نهم حسن بن عماد بن جوانمرد مشتهربه فخر زرندی در ج ۱ – ۸۰۶ توفیق یافته بودکه صندوق مزاررا تجدید کند وصندوق منبت نفیسی راکه اکنون برتربت شریف قراردارد به جای صندوق پیشین بگذارد.

پیش‌ازآغازدورهٔ صفوی درقرن‌های هشتم ونهم، امرا وفرمانروایان گیلان ودیلمستان نسبت به این آستانـه توجهی خاص داشته‌اند. کیا ملك فـرزندکیا اسماعیل فـرزندکیا ایران شاه دیلمی، از فرمانروایان سلسلهٔ امراء هزاراسپی ـ حکمرانان ولایت دیلمستان واشکورـ درماه محرم سال ۷۷۳ به زیارت این آستانه مفتخر گردیده وتمامت هفت زیـوار ازدیه دستجرد حماد از قراء بلوك اقبال قـزوین را برمخارج ومصارف آن وقف نموده است که وقف نـامهٔ آن را مورخ ۲۰ محرم همین سال پس ازاین خواهیم دید[3].

---

۱. مقدمهٔ احقاق الحق: ۱۲۱–۱۲۲ / موارد الاتحاف ۲: ۷۸ با تغییر نام فغفور به «یعفور» که گویا خطای چاپی است/ سراج الانساب درنسب نامهٔ سید صفی‌الدین شکرالله از سادات مرعشی قـزوین در نیمهٔ دوم قرن دهم ونوادهٔ همین میرفغفور (برگ ۷۷ نسخهٔ شمارهٔ ۳۵۳۳ کتابخانهٔ ملك).

۲. با توجه به این نکته که دراین‌گونـه موارد مقبرهٔ این قبیل اشراف ورجال را بی فصل زمانی پس ازآنان بنا می‌کنند (اگرخود درزمان زندگی وحیات به فکرآن نیفتاده باشند) نه یکی دو قرن بعد. پس مقبرهٔ مورد سخن پس ازمرگ میرفغفور ودفن اودرمحل مذکور درهمان قرن هشتم وجود داشته است.

۳. سند شمارهٔ ۱ دربخش اسناد ازهمین بحث.

درسال۸٤۷ سلطان محمدکار گیارا « خاطرمایل به تفرج شهروبازارقزوین وزیارت امام زادهٔ اعظم شد . علی الصباح سوار گشته عازم قـزوین شدند . چون ازراه پنبه ریسه به . . . باغات رسیدند شیوخ وسادات وعلماء وزهاد با غلغلهٔ تکبیر وصلوات استقبـال نمودند وبه سعادت چون به شهر درآمدنـد به زیارت امام زاده مشرف گشتند . . »[۱].

درسال ۷۸۲ که میرزا سلطان ابـوسعید گورکانی به عزم جنگ با اوزون حسن روانـهٔ آذربایجان بود به هرشهرکه می‌رسید به طواف مزارات اولیاء ومشایخ رفته شرایط ارادت به تقدیم می‌رسانید وفقرا ومستحقان را به صلات وصدقات محظوظ وبهره‌ور می گردانید[۲]. اودر۷۸۳ به قزوین رسید وپس از زیارت مزارات باب الجنهٔ قزوین[۳]عازم سلطانیه شد[٤].

درسال ۸۹۸ حضرت میـرزا علی کیا از دیلمان به قزوین رفت . « بعد از استقامت نواب‌حضرت به‌قزوین، خاطرمهرتنویربه زیارت‌مزارات واستفاضت انوار سعادات امام زاده حسین مایل شد وروی دولت به گلگونه خاك آن شهید سعید برافروخت ووظایف شکر وشکرانـه به ادا رسانید وازمقام « وابتغوا من فضل الله » به بسی غنایم ازفتوحات دنیوی و کرایم ذخایر اخروی فـایز گشت

---

۱. تاریخ گیلان ودیلمستان ، سید ظهیرالدین مرعشی ، به تصحیح دکترمنوچهر ستوده ص ۲۵۹ . پیداست که این « امام زادهٔ اعظم » جزشاهزاده حسین نیست .

۲. حبیب السیر ٤ : ۸۸ چاپ تهران .

۳. جزآستانهٔ شاهزاده حسین « تـربت حضرت زبدة السالکین شیخ احمد غـزالی » (حبیب السیر۳ : ۲۳۰) نیزازمزارات مورد احترام ومعتبرآن روزگارقزوین بوده است .

٤. مقالهٔ تاریخچهٔ قزوین، حسینقلی ستوده ، مجلهٔ بررسی‌های تاریخی ، شمارهٔ ٥ و٦ سال چهارم ، ص ۱۷۱ به نقل ازتاریخ گیلان ودیلمستان : ۳۲٥ .

وخیرات وصدقات به ارباب استحقاق ومحتاجان وزایران آن بقعهٔ شریفه ایثار نمود »[1].

متولیان آستانه در این قرن ـ و گویا پیش از آن هم ـ امر احتساب قزوین را که در آن عهد منصبی بزرگ بود نیز در دست داشته‌اند[2] که خود مبین اهمیت وحرمت شغل تولیت آستانهٔ مزبور در آن روزگار، و به ملازمه کاشف از میزان اهمیت وتقدس خود مزار در آن ادوار است .

درطول قرن نهم رقباتی نیز بر موقوفات آستانهٔ مقدس افزوده شده‌بود . از جمله‌ازسندی مورخ به سال۹۳۳ که متن آن‌را پس‌ازاین درهمین‌بحث خواهیم دید[3] برمی‌آید که امیرغیاث الدین حسنی گویا دراواخر این قرن حمامی واقع درمحلهٔ شهرستان قزوین‌را بر آستانه وقف داشته که پس ازدرگذشت او، ورثهٔ وی در آغازدورهٔ صفوی دراین‌باب گفتگویی بامتولیان آستانه داشته‌اند وجمال الدین محمد صدراسترابادی (صدرشاه اسماعیل وطهماسب از ۹۲۰ تا ۹۳۱) بر نفوذ وقف وبطلان دعوی ورثه حکم نموده بود .

درقرن دهم پس از آن که صفویان بر تخت وتاج دست یافتند این آستانه نیز مانند همهٔ مزارات منسوب به دودمان پیامبر اکرم درسراسر ایران اهمیت ورونق بسیاریافت به خصوص دردوران طهماسب که قزوین در بیشتر آن دوره

---

۱. تاریخ خانی ، علی بن شمس‌الدین بن‌حاجی حسین لاهیجی ، به تصحیح منوچهر ستوده : ص ٥٤ .

۲. به شهادت فرمانی از شاهرخ که دربخش اسناد ضمن سخن ازمقام تولیت آستانه بدان‌اشاره خواهدرفت ومؤیداست به‌نوشتهٔ اسدیه :۹۷ ومجالس‌المؤمنین۱:۹:۱٤۹.

۳. سند شمارهٔ ۳ ، امکان هم داردکه این وقف مربوط به دورهٔ شاه اسماعیل اول باشد . دراین سند ازموقوفات دیگرآستانه نیز درآن تاریخ یاد می‌شود.

عملا (وسالیانی درازرسماً نیز) مقرسلطنت وپایتخت اوبه شمارمی‌رفت . بنای بقعهٔ مدفن شاهزاده حسین دراین‌دوره وسیلهٔ طهماسب تجدید گردیده وبنائی‌نو ـ ظاهراً درآغاز تبدیل شهر قزوین به پایتخت دائمی وی در دههٔ هفتم قرن مزبور[۱]ـ به جای بنای پیشین بنیاد گردیده است[۲]. درسال ۸٦۷ که باید سال اتمام بنای جدید مزار باشد به فرمان وی در منبت نفیسی برای بنا تهیه ونصب گردیده که تا این زمان دردر گاه ورود شمالی بقعه برپاست . درمیانهٔ این قرن مقبرهٔ شاهزاده حسین « محل اجتماع مردم » بود[۳].

قاسم بیك ترکمان تهرانی ازادیبان وشاعران دورهٔ طهماسب اول بود که مدتی ازجانب وی حکمرانی قزوین وتهرانرا به عهده داشت وسپس به دستور اودربقعهٔ شاهزاده حسین قزوین درس می گفت[٤]. سر گذشت ونمونهٔ شعر وی در تذکرهٔ منتخب الاشعار ، ش ۲٤۳ ب مخطوطات دانشکدهٔ الهیات دانشگاه تهران هست[٥].

دراین دوره موقوفاتی بسیار بر آستانهٔ مقدس وسیلهٔ پادشاه ودیگر افراد خاندان سلطنتی وامراء آن عهد وقف گردیده که به طبع درروا ج ورونق هرچه بیشتر آستانه سهم‌بسزا داشته است. شاه طهماسب‌خود رقباتی ـ ازجمله حمام شاهی قزوین راکه جزء مستحدثات خود وی وپیوسته به‌کاخ سلطنت بود در سال ۹۳۸ ـ بر آستانه وقف نمود وشاه بیگی بیگم همسرشاه اسماعیل اول نیز

---

۱. عالم‌آرای عباسی ۱ : ۹۵–۹٦ .

۲. خلاصة التواریخ: برگ ۲۳۲ عکس شمارهٔ ۵۵٦۷ کتابخانهٔ مرکزی‌دانشگاه تهران.

۳. فردوس درتاریخ شوشتر، ازعلاء الملك حسینی مرعشی : ۵۷ .

٤. تذکرهٔ منتخب الاشعاربه نقل فهرست الهیات ۱ : ٤۱۲ .

۵. صحیفهٔ اول ازفصل سوم .

دوبار درسال‌های ۹۳۸ و۹۴۳ املاکی چند بر آستانه موقوف داشته که اسناد آن‌را پس ازاین درهمین بحث خواهیم دید[۱]. ازسندی مورخ ۹۳۸برمی‌آید که امیر کمال‌الدین ملك‌بیك درپیرامون سال مزبورقناتی‌جهت مصارف آستانه احداث وآن را برمزارشریف وقف نموده بود[۲]. میرزا شرف جهان حسینی قزوینی ازرجال معروف این دوره ، فرزند قاضی جهان حسینی وزیرطهماسب نیزنزدیك به نیمی ازمزرعهٔ گناج ازمزارع دهستان اقبال قزوین را براین مزار موقوف داشت[۳]. به اجمال آن چنان که به خصوص ازاسناد دورهٔ صفوی[۴] بر می‌آید آستانهٔ شاهزاده حسین درقرن دهم موقوفاتی بسیاریافته بوده وبیشتراین موقوفات تا پایان آن دوره دراختیارمتولیان آستانه بوده است .

تولیت آستانه دراین دوره نیزمقامی بزرگ بود . شاه طهماسب درسال ۹۳۲ درنظرداشت سید زین العابدین متولی مزارشاهزاده حسین را به رسالت نزد خواند گارروم (پادشاه‌عثمانی) به‌استانبول بفرستد[۵]. شاه‌عباس نیزدرویش بیك ازسادات مرعشی قزوین را درسال ۱۰۲۰ همراه قاضی خان حسنی سیفی قزوینی صدرخویش به رسالت به دربارروم[۶]وپس ازآن درسال۱۰۲۳به دکن نزد نظام شاه[۷]فرستاد . پیش ازاینها شاه اسماعیل نیزقاضی ضیاء الدین نورالله

---

۱. اسناد شمارهٔ ۷ و۸ و۹ .

۲. سند شمارهٔ ۷ همین جا .

۳. سند شمارهٔ ۴۸ .

۴. ازباب نمونه فرمان مورخ رجب ۹۴۴ شاه طهماسب که دربخش اسناد به شمارهٔ ۱۰ خواهد آمد دیده شود .

۵. تذکرهٔ شاه طهماسب : ص ۱۳ چاپ ۱۳۴۳ (ه . ق) برلین .

۶. تاریخ عالم‌آرای عباسی ۲ : ۸۴۹ .

۷. همان مأخذ ۲ : ۸۶۶ و۹۵۱ .

حسینی مرعشی را نـزد شیبك خان ازبك فرستاده بود چنان که درمقدمهٔ بخش اسناد درسخن ازمقام تولیت آستانه خواهیم دید .

ازنیمهٔ دوم قرن دهم تااوائل قرن یازدهم که قزوین پایتخت رسمی ومحل دائمی اقامت پادشاهان صفوی بود اجساد پادشاهان وشاهزادگان ورجال بزرگ درگذشتهٔ آن دولت درمزار شاهزاده حسین دفن یا به امانت سپرده می‌شد . از جملهٔ آنان قاضی جهان حسینی (زادهٔ بامدادان پنج‌شنبه ۱۲ محرم ۸۸۸ درقزوین ودر گذشتهٔ شامگاهان جمعه ۱۷ ذح ـ ۹۶۰)[۱] وزبردیوان اعلی از آغازسلطنت طهماسب تاپایان زندگی[۲] است که درسال ۹۶۰ دراین مزاربه خاك رفته‌است[۳].

مولانا مالك دیلمی قزوینی ازخوشنویسان بزرگ دوران صفوی واستاد خط میرعماد قزوینی درسال ۹۶۹ در گذشته ودر« مقبرهٔ مزارامام زاده حسین » مدفون گردیده است[۴]. سر گذشت این خوشنویس مشهور دورهٔ طهماسب در گلستان هنرقاضی احمد قمی[۵] به تفصیل هست . کتابه‌های کاخ پادشاهی وایوان چهل ستون قزوین به خط وی بوده[۶] وبرشرفهٔ درگاه باغ سعادت آباد آنجا نیز که مدخل عمارات شاهی بوده کتیبه‌ای به خط وی قرارداشته است[۷]. قطعه‌ای ازخط او مورخ بـه سال ۹۶۸ درکتاب مینودر[۸] وقطعهٔ دیگری درپـایان کتاب

---

۱. خلاصة التواریخ قـاضی احمد قمی : برگ ۱٤٦ عکس شمارهٔ ٥٥٦٦ دانشگاه / جهان‌آرا : ۲۸۲ و ۳۰۱ .

۲. همان مأخذ : برگ ٥۷ و ٥۹ عکس ٥٥٦٥ .

۳. ایضاً : برگ ۱٤۰ عکس ٥٥٦٦ / احسن التواریخ روملو ۱۲ : ۳۷٦ .

٤. خلاصة التواریخ : برگ ۱٦٦ عکس ٥٥٦٦ .

٥. چاپ بنیاد فرهنگ ایران ، ص۹۳ ـ۹۷. نیز بنگرید به‌صفحات ۲٦ و ۱۲۱ آن کتاب.

٦. گلستان هنر: ۹٤ـ۹٦ .

۷. ذیل عالم‌آرای عباسی : ۱۲۸ .

۸. صفحهٔ ۷۲۳ .

گلستان هنر به چاپ رسیده است . مجموعه‌ای ازچند رساله در قم دیده‌ام که سه چهارتای آن را همین مالك دیلمی درتواریخ گوناگون نوشته ویکی‌ازآنها تاریخ سال ۹۵۰ دارد[۱]. خاندان دیلمی قزوین که ازخاندان‌های اصیل شیعی آن سرزمین بوده وبزرگانی همچون ملك محمود خان دیلمی وزیر یعقوب بیك آق قویونلو[۲] ودو فرزند او شاه میر (شاگرد شاه محمود نیریزی) وامیربیك وزیران شاه اسماعیل اول ازآن برخاسته‌اند خود را ازنژاد مالك اشتر نخعی صحابی‌بزرگ وبزرگوارحضرت مولی‌امیرمؤمنان«ع» می‌دانسته‌اند[۳]. نسبت این خاندان به « دیلمه‌کوچه »[٤] ازکوی‌های قزوین است که درکتابها با نام « محلهٔ دیلمیه »[٥] یاد می‌شود .

---

۱. مالك نسخه سید شمس الدین موسوی (هندی) است .

۲. درسندی مورخ ۹۰۲ با مهردستم بیك آق‌قویونلو نام وسجل محمود دیلمی هست (فرمان‌های ترکمانان قراقویونلو وآق‌قویونلو: ۱۳٦) . دراحسن التواریخ روملو ۱۱ : ٥٦۹ از شاه شرف الدین محمود خان دیلمی یاد می‌شود . در اسناد واحکام دورهٔ آق قویونلو توقیع ومهر نعمت الله دیلمی (فرمان‌های ترکمانان قراقویونلو وآق قویونلو : ۱۲۳) وعنایت الله دیلمی (همان مأخذ : ۱۳٦) وافرادی دیگر از این خانـدان دیده می‌شود . برنسخهٔ شمارهٔ ۲٤٦۷ کتابخانهٔ ملك ازمعالم التنزیل بغوی مـورخ جمعه ۱۱ رمضان ٥۷۳ تملك سیف الدین محمود بن حسین دیلمی هست (فهرست ملك ، عربی : ٦۹٤) .

۳. مجالس المؤمنین ۱ : ۱٤۹ چاپ حروفی تهـران . درمعرفی مالك دیلمی چون با تاریخ شهرقزوین بستگی داشت چند سطری اضافه نوشته شدکه با تاریخ آستانهٔ شاهزاده حسین به خصوص ارتباط ندارد .

٤. فهرست مشکوة ٥ : ۱۳۸٦ .

٥. رجوع شود به دیباچهٔ صافی ، شرح فـارسی براصول کافی از ملا خلیل قـزوینی درگذشتهٔ ۱۰۸۹ که آن را درسال ۱۰٦٤ درمحلهٔ دیلمیه قزوین آغازکرد . ببینید ذریعه ۱٥ : ٤ وفهرست کتابخانهٔ آیت الله مرعشی قم ٥ : ۲٦٥ .

درشب چهارشنبه ۱۴ ج۱- ۹۶۹ نیز شاهزاده سلطان مهین بانو دختر کوچك شاه اسماعیل وخواهرتنی واعیانی طهماسب ، واقف موقوفات بسیاردرشروان وتبریز وقزوین وساوج بلاغ وشهریار وری واصفهان وکرهرود واسترابـاد[۱] درگذشت . «صباح شاه بافلاح به نفس‌نفیس مبارك‌خود تشییع‌جنازهٔ محفوف به مغفرت بی‌اندازه‌اش نموده ، تا مزار کثیرالانوار امام زادهٔ واجب الاحترام شاهزاده حسین علیه وآبائه التحیه نقل فرمودند ودرآن مکان شریف به اتفـاق علما وصلحا وفضلا براونماز گزاردند »[۲].

درسال ۹۷۸ فرزندی ازمیرمحمدیوسف صدرشاه طهماسب درجوارمزار کثیرالانوارشاهزاده حسین درقزوین مدفون بود[۳].

درمیانهٔ صفرسال ۹۸۴ شاه طهماسب درگذشت ومنازعاتی خونین بـرسر تعیین جانشین اومیان امراء قزلباش آغاز گردید . روزچهارشنبه ۱۶صفرسلطان حیدرمیرزا فرزند سوم طهماسب[۴] که نامزد جانشینی او بود وسیلهٔ مخالفان به قتل رسید[۵]. جسد اورا روزپنج‌شنبه ۱۷صفر«به درآستانهٔ مقدسهٔ منورهٔ سدره مرتبهٔ امامزاده حسین‌علیه وآبائه‌السلام بردند که سادات آنجا هرجاکه خواهند وی را دفن کنند . سادت اورا در درآستانه برسرراه دفن کردند »[۶].

---

۱. سرگذشت زندگی او به تفصیل درخلاصة التـواریخ : برگ ۱۶۲-۱۶۵ عکس شمارهٔ ۵۵۶۶ دانشگاه . نیزنگاه کنید به تربت پاکان ۱ : ۳۳ و۲۲۸ .

۲. خلاصة التواریخ : برگ ۱۶۴ عکس مزبور(نیزجهان‌آرا :۳۰۷ وتواریخ دیگر).

۳. همان مأخذ : برگ ۲۱۷ عکس ۵۵۶۷ دانشگاه .

۴. عالم‌آرا ۱ : ۱۳۳ وتواریخ دیگر.

۵. عالم‌آرا ۱ : ۱۹۷ وهمهٔ تواریخ دیگراین دوره .

۶. خلاصة التواریخ : همین جا/عالم‌آرا ۱ : ۱۹۷ .

سرانجام پس ازچندین روز کشمکش خونین اسماعیل میرزا ازقلعهٔ قهقهه سررسید وبرتاج‌وتخت‌دست یافت. مهمترین‌اقدامی که اودرراه‌استقرارسلطنت خود انجام دادکشتن شاهزادگان صفوی بودکه دوتن ازآنان سلطان مصطفی میرزا وسلطان سلیمان میرزا[1] درشب سه‌شنبه ۷ شعبان ۹۸٤ کشته شده وهر دو درآستانهٔ حضرت شاه زاده حسین به خاك رفتند[2].

پس ازآن درروزچهارشنبه ۲۷ شعبان ۹۸٤ جسد شاه طهماسب‌راکه پس ازمرگ وی به خاطرناآرامی‌ها درباغچه حرمسرای‌اوبه امانت نهاده شده بود «به مزارکثیرالانوار امام زاده شاهزاده حسین علیه وآبائه السلام والتحیه نقل نموده» و«درجوارآن امامزادهٔ واجب التعظیم دفن کردند» ودرآنجا برمدفن وی چند روزفاتحه نهاده، شاه اسماعیل خود شخصاً ازصباح تا رواح خدمت می‌نمود[3]. «بعد ازچندگاه... جسد مطهرشاه دین پناه را ازآن خاك پاك بیرون‌آورده ونقل مشهد مقدس رضیهٔ رضویه نمودند»[4].

چندی بعد اسماعیل‌دوم به قتل دیگرشاهزادگان صفوی پرداخت وازجمله درروز یك شنبه ٥ ذی حجهٔ سال ۹۸٤ سلطان ابراهیم میرزا شاهزادهٔ فاضل وهنرمند صفوی‌راکشته وجسد اودرآستانهٔ مزارمقدس امامزاده حسین درجنب سایرشاهزادگان‌دفن گردید[5]. درهمان‌روزبه فرمان‌اوپنج‌تن دیگرازشاهزادگان

---

۱. شرح حال آنان درتاریخ عالم‌آرا ۱ : ۱۳۳-۱۳٤.

۲. خلاصة التواریخ : برگ ۲٤۱ عکس ٥٥٦۷ دانشگاه/عالم آرا : ۲۰٦.

۳. خلاصة التواریخ : برگ ۲٤۲ همان نسخه/نقاوة الاثارنطنزی : ۲٤-۲٥/احسن التواریخ روملو۱۲ : ٤۸٥/عالم‌آرا ۱: ۲۰٦/روضة الصفا ۸ : ۲٥۷. نیزببینید زندگانی شاه عباس اول، نصرالله فلسفی ۱ : ۲٥.

٤. نقاوة الاثار: ۳٦ ومصادردیگری که درپاورقی پیش یاد شد.

٥. خلاصة التواریخ : برگ ۲٤۳ عکس ٥٥٦۷ دانشگاه.

صفوی : امام قلی میرزا وسلطان احمد میرزا وسلطان محمود میرزا فرزندان شاه‌طهماسب ومحمد باقرمیرزا فرزند سلطان‌محمود میرزا ومحمدحسین میرزا به قتل رسیده ودر کنارشاهزادگان پیشین به خاك رفتند[1].

اندکی بعد نوبت خود شاه اسماعیل فرا رسید که درشب یك شنبه ۱۳ رمضان سال۹۸۵ دیده ازجهان فروپوشید وبامداد دوشنبه ۱٤رمضان جسداورا « به طریقی که سایرشاهزاده‌ها را حمالان نقل آستانهٔ امام زادهٔ واجب الاحترام شاهزاده حسین علیه وعلی‌آبائه التحیة والثناء نموده بودند به‌همان دستوراورا با همان شوکت وعظمت بردند ودرجنب شاهزاده‌ها دفن نمودند »[2]. « جسد اوچند مدت درمزارامام زاده حسین قزوین مدفون بود وسپس به مشهد مقدس معلی نقل گردید »[3].

ظهر پنج شنبه ۱۱ ج ۱ – ۹۸٦ شاه مظفرالدین علی انجو قاضی عسکر وصدرشاه خدا بنده درقزوین در گذشت ودرجوارامام زادهٔ بزرگوارشاهزاده حسین به خاك رفت[4].

نواب بیگم همسر شاه خدا بنده ومادر شاه عباس روز یك شنبه ۱ ج ۲ ۹۸۷ درقزوین به دست امراء قزلباش کشته شد وجسد وی نیز در روزدوشنبه ۲ ج ۲ درمزار کثیرالانوار امام زاده حسین دفن گردید[5].

---

۱. عالم‌آرا ۱ : ۲۰۹–۲۱۰ (شرح‌حال شاهزادگان در۱۳۲–۱۳۵) / احسن‌التواریخ روملو ۱۱ : ٤۹۰ / خلاصة التواریخ : همان جا .

۲. خلاصة التواریخ : برگ ۲۵۰ همان عکس ، نیزبرگ ۲٤۳ .

۳. همان مأخذ : برگ ۲٤٦ .

٤. ایضاً : برگ ۲۵۹ .

۵. خلاصة التواریخ : برگ ۲٦۷ عکس ۵۵٦۸ دانشگاه . نیز عالم‌آرا ۱ : ۲۵۱ وزندگانی شاه عباس ۱ : ۵۷ .

روز جمعه ۱۸ ع ۲ ـ ۹۹۰ میرعلاء الملك مرعشی که دردوران طهماسب قاضی‌عسکر وصدر گیلان بود درقزوین وفات‌یافت وبه اعزاز واحترام درتحت قبهٔ سامیهٔ امام زاده حسین مدفون شد[۱].

روزدوشنبه۱۸ذی‌حجهٔ سال۹۹۱ شاهزاده شهربانوخانم دخترشاه‌طهماسب وهمسرسلمان‌خان استاجلودرقزوین‌در گذشت ودرجوار آستانه به خاك‌رفت[۲].

ازدیگر نام‌آورانی که در اواخرقرن دهم درآستانهٔ شریف مدفون شده‌اند مولانا مظفرعلی‌تربتی خوشنویس ونقاش‌چیره‌دست دورهٔ شاه‌طهماسب‌است[۳].

تقی‌الدین محمد واحدی‌بلیانی‌اصفهانی نگارندهٔ تذکرهٔ عرفات‌العاشقین[۴] درسال۹۹۵ درمزارشاهزاده‌حسین قبری منسوب‌به شیخ احمد غزالی‌را زیارت کرده واز تصمیم شاه عباس به محو اثرآن وچگونگی انصراف اواز این کار سخن گفته است[۵].

درسال ۹۹۶ «شاه خجسته خصال (عباس) امرفرمودکه جسد شاه‌اسماعیل ثانی که درمزار متبرکهٔ امام زادهٔ واجب الاحترام شاهزاده حسین علیه وآبائه التحیه مدفون بود با جسد نواب غفران پناه علیهٔ عالیه بیگم[۶]وشاهزاده بیگم والدهٔ ماجده وهمشیرهٔ اعیانیهٔ شاه‌سکندرپناه وجسدشاهزاده سلطان حسن‌میرزا ـ که در طهران مدفون بود ـ پیش کرده ، به مشهد مقدس برده ، درآن‌آستانهٔ

---

۱. خلاصة التواریخ : ۲۷۹ همان عکس .

۲. همان مأخذ : ۲۹۲ .

۳. گلستان هنر: ۱٤۱ .

٤. در بارهٔ این‌کتاب ومؤلف آن رجوع شود به تاریخ تذکره های فارسی ، گلچین معانی ۲ : صفحهٔ ۳ـ۲٤ .

٥. مینودر: ٦۷۳ به نقل ازعرفات العاشقین ، نسخهٔ کتابخانهٔ ملك .

٦. خیرالنساء بیگم مادرشاه عباس ، مقتول به سال ۹۸۷ .

ملایك پاسبان مدفون گردانند»[1].

درسال ۹۹۹ « اسماعیل سلطان برادر امیرخان موصلوراکه از گریختگان درگاه بود اورا گرفته ،آوردند . درائناء سیاست گریخته پناه به‌آستانهٔ امامزادهٔ واجب الاحترام شاهزاده حسین برد . پیراحمد موصلوکه ازاقوام اوبوده اورا به قتل رسانید »[2].

درهمین سال « در روزیك شنبه بیست وهفتم شهرشوال شاهـزاده سلطان حسین میـرزاکه درسن سه سالگی بود وکمال فطرت وفراست داشت در دار السلطنهٔ قزوین داخل حوریـان بهشت شد . نواب صدارت پناه میر ابوالولی حسب الامرعالی به تجهیز وتغسیل اوقیام‌آورد واورا درجنب قبرامام زاده دفن نمودند »[3].

شاه‌عباس‌اول درروزیك‌شنبه۱۹ ع ۱ ـ۱۰۰۳ درروی‌مزارشاهزاده حسین صحنه‌ای‌ازجنك حیدری ونعمتی راکه برای‌اوترتیب شده بود تماشا می‌نموده است[4].

پس ازشاه طهماسب واسماعیل دوم سومین پادشاهی‌که درجوارآستانه به خاك رفت شاه خدا بنده بود .اودرسال ۱۰۰٤ هنگامی‌که فرزندش‌شاه عباس بـه خراسان لشکرکشیده بود درقزوبن به بیماری اسهـال درگذشت ودرحرم امامزاده مدفون گردید[5]. جسد اورانیزپس‌ازچندی‌به عتبات‌عالیات فرستادند .

---

۱. خلاصة التواریخ ، چاپ ویسبادن : ص ٤۲ .

۲. همان مأخذ ، ص ۹۹ .

۳. همان مأخذ وهمان صفحه .

٤. زندگانی شاه عباس اول ۲ : ۳۲۸ .

۵. عالم‌آرا ۱ : ۵۱٦ـ۵۱۷/زندگانی شاه عباس اول ۲ : ۱٦٦ .

درسال ۱۰۳۵ ابوتراب نامی محجری چوبین برای مرقد شریف ساخته وبر روی صندوق منبت نصب نمود[۱].

درسال ۱۰٤۰ زینب بیگم دخترشاه طهماسب ـ که محترم ترین بانوان حرم شاه عباس بوده وشاه مزبور دربیشتر امور با اومشورت می‌نمود[۲] ـ بنای مزار را تجدید کرده است. کتیبه‌ای از کاشی معرق که پیش‌تر گویا بالای درگاه ورود همین بنابوده واکنون دربالای سردرورود جنوبی صحن آستانه ازداخل نصب گردیده است ازاین تجدید حکایت می‌کند.

درسال ۱۰٤۱ درویش رضا نامی دردیه کافورآباد ازبلوك قاقزان قزوین گروهی را گرد خود جمع آورده وبرحکومت شورید وبه قزوین آمده، «روی به آستانهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ لازم التعظیم شاهزاده حسین علیه التحیة والتسلیم که درکنار شهر واقع است نهاده، بسار اقامت درحصارآن مزار کثیرالانوار گشاد وجمعی که به مرافقت آن ملحد نادان داخل حصارشده بودند بردرحجره‌ای که مدفن یکی ازسادات عظام آن ملك معمورومشهوربه میرفغفوربود جمع آمده، بنیاد شروشورو آغازفتنه وفتورنمودند». داروغه شهرشاه وردی‌خان بیك ترخان ترکمان برای سرکوبی آنان بامردمان خویش به حصارامامزاده آمده وشورشیان، «مقبرهٔ میرفغفور» را سنگرگاه خویش قراردادند وسرانجام پس ازبرخوردی

---

۱. کتیبهٔ محجر مزبورکه متن آن در مینودر نقل شده است وخود محجر پس ازنصب ضریح سیمین مزاربه بقعهٔ امامزاده محمد محروق نیشابورمنتقل گردیده وگرداگرد صندوق منبت آن مزارکه از دورهٔ طهماسب اول است نصب شده است (بررسی های تاریخی، ش ٥ سال سیزدهم، ص ۱٦۷ـ۱٦۸).

۲. عالم‌آرا ۱: ۱۳٥ وفهرست نـامها / زندگانی شاه عباس اول ۱: ۲٥ (پاورقی مربوط به کتیبهٔ یاد شدهٔ بالا دربخش دوم همین نوشته نیزدیده شود).

شدید ، درویش رضا وطرفدارانش به شرحی که درتواریخ این دورهٔ هست در داخل حصار آستانه کشته شدند وغائله پایان یافت[۱].

درسال ۱۰۴۹ شاه صفی به قزوین رفت و «به اتمام خیابان مستقیم ازدولتخانه مبارکه تا آستانه سدره درجهٔ مقدسهٔ امام زاده حسین علیه السلام مشرف شد»[۲].

دردورهٔ شاه سلطان حسین نیزتوجه واهتمامی خاص در رواج ورونق این مزارشریف مصروف گردیده است، اوخوددرسال ۱۱۳۰ به زیارت آستانهٔ مقدس نائل شده [۳] و کتیبهٔ کمربندی حرم شریف که مورخ ۱۱۳۱ است گویای آن است که به دستوروی دست کم تزیینات مزاربه صورت کامل تجدید یافته که به طبع بامرمت وتعمیر بناهمراه بوده است .او گویا درهمین سفرباغ صفی آباد مشهور به هزارجریب وباغ سلیمان آبادرا بر آستانهٔ شاهزاده حسین وامامزاده اسماعیل وپیغمبریه قزوین وقف نموده[٤].

ازمتن اسناد دورهٔ قاجاراین مزاربرمی آید که دراوائل فرمانروایی فتحعلی شاه گنبدمزاردچار ریختگی وخرابی شده ونیازمند مرمت اساسی بود[٥]. درمتن چند سند دیگرازنابسامانی واغتشاش ودرهم ریختگی وبی نظمی امور آستانه درمیانهٔ قرن سیزدهم یاد می شود[٦].ازمینودراستفاده می شود که ناصرالدین شاه نیزاین

---

۱. خلدبرین محمد یوسف، حدیقهٔ ششم ازروضهٔ هشتم (نسخهٔ شمارهٔ ٤١٣٢ کتابخانهٔ ملك)/ذیل عالم آرای عباسی ، اسکندربیك ترکمان : ۸۳-۸٤ .

۲. تاریخ شاه صفی ، از ابوالمفاخر بن فضل الله حسینی سوانح نگار تفرشی ، ش ۲۳۳۹ کتابخانهٔ مرعشی قم ، برگ ۹۱ ر .

۳. سند شمارهٔ ۲۹ دربخش سوم ازهمین نوشته .

٤. سند شمارهٔ ٤۷ همین جا .

٥. سند شمارهٔ ٥٤ دربخش سوم همین نوشته .

٦. اسناد شمارهٔ ٦۸ و٦۹ همین جا .

مزارزیارت نموده است[1].

تاریخ کتیبهٔ کنونی مقبرهٔ متولیان آستانه که باید همان «مقبرهٔ میرفغفور» باشد ذي حجهٔ سال ۱۲۷۸ است. تزیینات گچ بری این بنا وهمچنین رواق بالاسر مزار نیز گویا درهمین تاریخ به وجودآمده است.

درسال ۱۲۹۳ ایوان‌های حرم وداخل بقعهٔ شریف وسیلهٔ حاجی محمد باقر امینی ازثروتمندان قزوین آینه کاری شده است[2].

درسال ۱۳۰۸ به دستورمیرزاعلی اصغرخان امین السلطان صدراعظم به دستیاری ومباشرت آقاباقرسعد السلطنه که آن هنگام حکمران قزوین بودازبقعهٔ امام زاده مرمتی به عمل آمده وصحن پیشین آستانه را ویران ساخته، صحنی دیگربه جای آن بنیاد شد وایوانی با تزیینات کاشی‌کاری پیشاپیش درگاه ورود بقعه بنا گردید[3].

درسال ۱۳۱۸ حاجی محمد علی امینی تزیینات کاشی کاری روی گنبد را تعمیروتجدید نمود[4].

درسال ۱۳٤۰ سقاخانهٔ بزرگ جلوی ایوان‌شمالی مزارساخته شده‌است[5].

درنیم قرن اخیر نیزتعمیرات مکرری ازبنای مزار و گنبد وصحن ومرافق آستانه وسیلهٔ اهالی قزوین وادارهٔ باستانشناسی انجام گرفته که آن چه تا بیست سال پیش صورت یافته درکتاب مینودر[6] به اجمال یاد شده است. درسال‌های

---

۱. مینودر: ص ٦٥٨ سطر ۲٦.

۲. همان مأخذ: ٦٥٦.

۳. کتیبهٔ سردر ورود صحن وجبههٔ ایوان بقعه.

٤. مینودر: ٦٥٧.

٥. کتیبهٔ همین بنا.

٦. مینودر: ٦٥٧.

اخیر که تصدی آستانه باهیأت امناء[1] است به نحومستمر وپیگیراقداماتی قابل تقدیر درتعمیر وتجدید ابنیهٔ آستانه واحداث مرافق وملحقات جدیـد با رعایت اصول انجام گرفته است .

درپایان بحث از تاریخ آستانه شاهزاده حسین به این نکته نیز باید اشاره نمود که چون آستانه مزبوربه خاطرتوجه واقبال مردمان مهم‌ترین مرکزتجمع محلی شمرده مـی‌شده است[2] در وقـایع وحوادث شهر قزوین صحن وحـرم شاهزاده حسین کانون ماجرا بود . نمونه‌ای ازاین قبیل مربوط به تحصن مردم قزوین دراین آستانه به سال ۱۳۲۵ [3] درکتاب مینودر دیده می شود[4] .

---

۱ . هیأت امناءآستانهٔ شاهزاده حسین مرکب‌است ازدوبازماندهٔ دودمان تولیت‌آستانه وسه تن ازبازرگانان وافراد محترم محلی .

۲ . فردوس درتاریخ شوشتر: ۵۷ .

۳ . درماجرای انتخابات دورهٔ اول مجلس شورای ملی پس ازاعلام مشروطیت .

٤ . مینودر: ۸٦۲ .

٢
مجموعة بنـا

بقعهٔ مدفن حضرت شاهزاده‌حسین پیش‌ترها درقبرستان بزرگ شهرواقع بوده که‌اکنون به‌جای آن‌میدانی‌سرسبزدرشمال ودرختستانی‌درجنوب مزارقرار گرفته‌اند .بقعه درمیان صحن‌بزرگی‌است که‌با دودرگاه ورود درشمال وجنوب با بیرون ارتباط می یابد . آشپزخانه‌آستانه درزاویهٔ جنوب غربی وحسینیه در زاویهٔ جنوب شرقی قرار گرفته ، وپیشاپیش درگاه ورود شمالی در داخل صحن سقاخانهٔ حضرت است ، گرداگرد صحن ایوان‌هابی‌است باآرایش‌های کاشی کاری که معمولاهریك باطرحی‌خاص‌خود تزیین شده است .

پیشاپیش‌بقعهٔ متبرك‌حضرت‌شاهزاده‌حسین دوایوان‌درشمال وجنوب‌هست که ایوان شمالی جزء بنای اصلی بقعه ، وسقف آن درهمه سوبامقرنس کاری ولچکی‌های پیشانی باکاشی‌های دورهٔ صفوی آراسته است جزآن‌که در دورهٔ ناصری تالاری جلوی آن‌بنا نموده‌اند. ایوان جنوبی‌را هیأت‌امناء‌آستانه درسال های اخیربنا وبه سبك زیبایی‌باکاشی کاری آراسته‌اند. بدنهٔ خارجی بقعه دردو سوی دیگر (شرق وغرب) باکاشی کاری ونام‌های متبرك الله ومحمد وعلی به خطوط بنایی ، وبامشبك‌های کاشی کاری آراسته بوده که درتعمیرات اخیر به سبك پیش تجدید گردیده است .

درجانب شرقی وغربی‌بقعه دورواق بالاسروپایین‌پاقراردارد که درگاه‌های شرقی وغربی‌حرم بدانها گشوده می‌شود . هردورواق جزء بنای‌اصلی بقعه‌است

جز آن که رواق پایین پاساده وعاری ازتزیین ، ورواق بالاسربانقش ونگار گچ بری رنگ‌آمیزی شده درسقف وکتیبه‌ای نودر کمربند بنا مزین است که این کتیبه ـ مشتمل برابیاتی چند ـ درهمین سال جاری افزوده شده است .

به موازات ایوان شمالی ـ که با افزوده شدن تالارپشاپیش آن به صورت «دارالحفاظ» (درآستانه‌های مشابه) درآمده است ـ در دوزاویهٔ شمال غربی وشمال‌شرقی‌بقعهٔ متبرك، دوبقعهٔ کوچك است‌به شکل دارالسیاده ودارالتولیه ، که بقعهٔ شمال شرقی با چهار بدنهٔ گچ بری ظریف وزیبا ومشبك هـای ارسی چوبی، وبقعه شمال غربی ـ که‌آرامگاه خانوادگی‌متولیان پیشین مزارو گویا همان «مقبرهٔ میرفغفور» یادشده درخلدبرین است ـ باتزیینات نقش ونگاررنگ آمیزی شدهٔ زرین دربدنه وسقف وکتیبه‌ای درکمربندی‌بنا مزین است .قسمت پیشاپیش این دوبقعهٔ ازایوان نیز با مقرنس کاری‌آراسته شده است .

بنای‌بقعه ازآثارقرن دهم است .درچهارسوی بقعه شاه‌نشین‌هایی است که ازهریك درری به ایوان یارواقی گشوده می‌شود. درورود بقعه ازایوان شمالی ازنفائس فن منبت‌کاری دورهٔ صفوی است ودرورود جنوبی نیزقدیم است . ازارهٔ بقعه‌کاشی خشتی وبدنه آینه‌کاری ودر بالا گرداگرد کتیبه‌ای است‌کمر بندی به خط ثلث طلایی . درسردر درگاه ورود شمالی ـ ازداخل ـ نیزدوبیت دریك سطربه خط‌کتیبه وازهمان تاریخ نوشته شده است .

ضریح‌سیمین مزاردرمیان بقعه قرار گرفته وصندوق منبت‌مرقد شریف در وسط آن قراردارد .

* * *

طرح کلی ابنیهٔ مزارشاهزاده حسین بدین گونه است که گذشت .درکتاب مینودروصفی دقیق‌تر وتفصیلی‌ترازابنیهٔ آستانه هست که نقل‌آن به عین عبارات

سودمند است :

«آرامگاه حسین بن‌علی‌بن موسی الرضا «ع» دروسط محوطهٔ بزرگی که صحن خوانده می شود قرار دارد . محوطه ازسه طرف شمال وخاور وباختر مستقیم وازسوی جنوب انحنائی داردکه تقریباً هلالی‌شکل است . دورتادور صحن بادیوارهایی محاط است که به صورت طاق نماهای وسیعی ساخته شده وبـا کاشی‌های رنگین تزیین گردیده است . طول آن درحدود یـك صد ذرع وعرض آن ۷۰ ذرع‌است .درقسمت شمال‌دروسط وروبه روی‌ایوان طاق نمای بزرگی است که ازدوطرف شرق وغرب آن دوراهرو به درازای ۳ وپهنای ۲ متربه دالان ودر ورود متصل است . طول دالان نیزده متروعرض آن شش متر است ودرورود به صحن‌دروسط دالان قراردارد درسه جانب‌خاوری وباختری وجنوبی صحن ازداخل جمعاً پنجاه ودو طاق نما بنا شده که هریك چهارمتر درازاودومترپهنادارند. سمت شمال‌نیزعلاوه‌ازطاق نماهای‌جلو ،درعقب دارای ده باب حجرهٔ بزرگ است که درطرفین راهروها واقع شده‌اند ودرمعنی هـر حجره یك جلوخان هم درجلو دارد .کلیهٔ طاق نماها وحجرات باآجرتراش ساختـه شده وباکاشی تـزیین گردیده است ، مخصوصاً ابروان طاق نماها را باکاشی گل وبرگ‌اسلیمی‌به طرززیبایی‌بناکرده‌اند .حجره‌های ده‌گانهٔ شمالی دارای‌ارسی‌است وهریك‌ازآنهااختصاص به‌آرامگاه خانواده‌ای‌دارد .دربعضی ازحجره‌ها نیزیك یاچند نفرکه ازمعاریف بوده ولی باهم نسبتی‌ندارند مدفون گردیده‌اند . غالب این حجرات درقدیم مفروش ودارای چراغ بـوده است . اکثرشب‌های جمعه ودیگرشب‌های عزیزازمحل‌موقوفات اشخاص‌متوفی چای وقهوه داده می شد واشخاصی موظف بودند درسرمزارکلام الله مجید تلاوت نمایند ، گاهی هم روضه‌ای دربعضی ازمقابر برپا می گردید .

باری ـ درفاصلهٔ میان دالان وایوان شمالی حوض بزرگی از مرمراست وتمام کف حیاط صحن وازاردها و کف طاق‌نماها وحجرات باقطعات بزرگ سنگ مرمرمفروش است . دربرابر دربزرگ شمالی که مدخل صحن است جلوخان هلالی شکلی به درازای ۱۸ متروپهنای ده مترساخته شده که ازاره وروسازی آن‌ازسنك مرمراست و کف جلوخان راسنك‌فلوه‌فرش کرده‌اند . . .

سردرشمالی آستانه‌را باکاشی‌های رنگارنگ زینت داده، شش ستون که نوك هریك‌از آنها منارهٔ کوتاهی است با دومنارهٔ کوتاه دیگری که درانتهای دو ضلع‌دیوارشمالی‌است وباکاشی‌های خوش‌رنگ ساخته شده تزیینات قسمت شمالی صحن را تکمیل می کند .

عمارت بقعه که دروسط محوطه یاصحن قراردارد ازسه جانب مستوی الشکل وازسوی جنوب متمایل است . درشمال این بنا ایوان بزرگی است به درازای تقریباً بیست وپهنای هفت وبلندی ده متر که قسمت شمالی آن را دو ستون[1] چوبی منقش‌نگاهداری می کند. سقف‌ایوان نیزخوانچه پوش ونقاشی شده‌بود که اکنون به‌کلی ریخته است . دیوارجنوبی تماماً آینه‌کاری وپوشش سقف ایوان شیروانی ازآهن سیاه است . دوسوی خاوری وباختری ایوان دو کفشکن وسیع‌بناشده وبه وسیلهٔ پله به‌کف حیاط‌اتصال دارد. بالای کفشکن‌ها یعنی‌اشکوب‌دوم دوشاه‌نشین ساخته‌شده که ازشمال به‌حیاط وازمشرق ومغرب به ایوان مشرف است . دردیوارجنوبی هریك ازکفشکن‌ها پنجره‌ای‌ازکاشی معرق به‌کار رفته که ازنظر صنعت قابل توجه است . پشت کفشکن‌ها دوحجره واقع است که درآنها ازرواق شمالی است .

شکل داخل‌حرم به صورت دوازده ضلعی است ودرچهارجانب آن چهار

---

۱ . کذا . درست : چهارستون .

رواق بنا شده که در ورود به حرم ازایوان ورواق شمالی است. درازاره‌های رواق شمالی وایوان و کفشکن‌ها و کف آنها همچنین ازاره‌های خارج بنا تماماً سنگ‌های مرمر بزرگ وپربها به‌کاررفته که بعضی ازقطعات آن دارای نفاست خاصی است. ازارهٔ داخل‌حرم ومحوطهٔ زیر گنبدرا باکاشی‌های گل وبوته‌ای برجسته زینت داده و کف آن را باکاشی‌های کتانی مفروش کرده‌اند.

مساحت صحن وبقعه :

ساختمان اصلی بقعه که دروسط واقع شده ۷۳۰/۶۰ مترمربع(قاعدتاً باید ۷۰۰ ذرع باشد) ، ارتفاع تازیر گنبد ۸ متر، مساحت محوطهٔ صحن ۴۱۰۰ متر مربع ، مساحت ساختمان ده بـاب حجرات شمالی ۳۹۰ مترمربع ، مساحت ساختمان طاق نماهای دورتا دور محوطهٔ صحن ۵۸۹/۶۰ مترمربع . مساحت کلیهٔ بنا ۵۸۱۰/۲۰ مترمربع است »[1].

* * *

اینك وصف کتیبه‌ها وآثارمورخ این مزاربه ترتیب قدمت :

۱) صندوق منبت مرقد شریف که ازقرن نهم است واز نفایس آثار هنری شمرده می‌شود . این صندوق‌را بنابرآنچه درکتیبه‌های بدنهٔ شرقی آن (پایین پا) دیده می شود دوبرادر هنرمند به نام‌های استاد علی واستـاد بایزید فرزندان بابا خواجه تبریزی به سال ۸۰۶ ساخته وپرداخته‌اند .

گرداگرد بدنه‌های چهارگانهٔ این صندوق ، درچهار لبهٔ اضلاع هربدنه ، کتیبه‌هایی‌است که بخشی‌ازآن (کتیبه‌لبهٔ‌بالای‌مرقد دردوجانب غربی وشمالی) مشتمل برنام ونسب امام زاده ، وبـاقی مانده منظومه‌ای است درثنای معصومان چهارده گانه. متن‌این کتیبه‌ها درکتاب‌مینودرهست[2] وچون‌نکته‌ای تاریخی‌ندارد

---

۱. مینودر: ۶۵۳–۶۵۶ .

۲. ص ۶۵۹ ، لیکن با اغلاط بسیار زیـادکه البته ناشی ازآن است که درآن ایـام

ازنقل آن دراین جاخود داری می‌شود .

درقاعدهٔ صندوق که پایهٔ چهاربدنهٔ فوق است واندازه‌های بزرگ‌تر دارد کتیبه‌هایی‌است که‌قسمت شرقی آن‌مشتمل‌بر تاریخ‌ساخت ونام بانی وسازندگان صندوق چنین است :

کتیبهٔ لبهٔ بالای قاعدهٔ صندوق :

« قد من الله تعالی علی الفقیر حسن بن عماد بن جوانمرد المشتهر بفخرالزرندی جعله الله من اصحاب الصراة السوی بتجدید نجر صندوق در صدف الفتوة والولایة ووفق بوجه حسن فی اخری جمادیی حجة ست وثمانمائة من ا » ۱) .

کتیبهٔ دولبهٔ عمودی این بدنه :

اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد / وسلم تسلیماکثیـرا وعظم تعظیماً

میان این دو کتیبهٔ عمودی ، دو کتیبهٔ عمودی دیگرنیزهست این چنین :

سمت راست : عمل استاد بایزید ابن بابا خواجه تبریزی
سمت چپ : عمل استاد علی ابن بابا خواجه تبریزی

۲) درمنبت شمالی بقعه که نیز ازنفایس فن منبت‌کاری قرن دهم است وبر تنکه‌های چهارگانهٔ بالا وپایین دولنگهٔ آن این کتیبه به‌نستعلیق نوشته‌شده است:

« تم هذاالباب فی‌زمان دولت سلطان الاعدل خلاصة اولاد خیرالبشر رواج / دهندهٔ مذهب اثنی عشر ابوالمظفرسلطان شاه طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه وسلطانه / امربااتمامه اسدالله بـن درویش محمد طهرانی اصفهانی / تحریراً فی شهررمضان المبارك سنة سبع وستین وتسعمائة »

داخل ضریح تاریك بوده ونوشته‌ها به درستی آشکار نبوده است . ولی اکنـون درون ضریح باچراغ‌های قوی‌کاملا روشن‌است وکتیبه‌ها به‌آسانی خوانده‌میشود.

۱ . کلمهٔ « لهجرة » با ضمایم احتمالی آن لابد درآغاز نوشتهٔ بدنـهٔ دیگری است که نگارنده درهنگام بازدید ازمزاربه فکریافتن آن نبوده است .

بردماغهٔاین در که درلبهٔ لنگهٔ شرقی‌است صلوات کبیربه شکل‌زیر، قسمتی دربالاوقسمتی درپایین، ومیان‌آن دوقسمت‌سه‌بیت که پس‌ازمتن‌صلوات خواهد آمد به ثلث نوشته شده است :

« اللهم صل علی محمد النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی / والنقی والهادی‌العسکری والمهدی صاحب‌الزمان صلوات‌الله علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین »

« محمد عربی آبروی هر دو سرا
کسی‌که خاك درش‌نیست خاك‌برسراو
شنیده‌ام‌که تکلم نمود همچو مسیح
بدین حدیث لب لعل روح پرور او
که من‌مدینهٔ علمم علی دراست مرا
عجب‌خجسته‌حدیثی‌است‌من‌سگ‌دراو»

سپس درپایین دماغه وپایان‌کتیبه این عبارت روبه بالانوشته شده است :

«کتبه خلیل الله بن سلیم الله »

درپایین همین لنگهٔ شرقی درمیان‌کنده‌کاری‌ها این‌عبارت میان چهارترنج کوچك خوانده می شود :

« عمل علاء الدین بن محمد نجار رازی غفرلهما »

درخاتم‌کاری وقدیم جنوبی بقعه نوشته وکتیبه‌ای ندارد .

۳) کتیبهٔ سردر ورود همین بقعه‌که پس‌ازتعمیرات دورهٔ ناصری به بالای درخروجی‌جنوبی صحن منتقل‌شده دربالای سردرنصب گردیده است. متن‌آن به ثلث سفید حاکی‌ازتجدیدبنای‌مزاراست دردورهٔ سلطنت شاه‌صفی‌به دستور زینب بیگم دخترشاه طهماسب صفوی[1] این چنین :

۱. ازاین زینب بیگم دخترشاه طهماسب وقف‌نامه‌ای مورخ ذ ق ۹۹۷ دراسنادآستانهٔ ری هست‌که متن آن درمجلهٔ راهنمای‌کتاب ، شمارهٔ ۱ ازسال هفتم ، ص ۱۴۰–۱۴۳ نیز نشرشده است (نیز ببینید نشریهٔ‌کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران دربارهٔ

« بسم‌الله الرحمن الرحیم ، تیمناً بذکرمن‌بامره جری‌القلم. من التوفیقات التی خصص الله تعالی بفض عباده وامالـه صدور الامر المطاع عن نـواب الحضرة العلیة العالیة فاتحة الخیرات نتیجة اعاظم الخواقین ناموس‌العالمین زینب‌بیگم بنت‌السلطان بن‌السلطان شاه‌طهماسب الحسینی نورالله‌قبره وادام‌الله تعالی ظلال جلالها علی‌رئوس الخلایق ببناء بنیان لتلك الروضة البهیة المقدسة المنسوبة الی الحسین بن علی ابن موسی الرضا علی مشرفها وآبائه المعصومین الف الف تحیة ، فی‌زمن دولة‌السلطان الاعظم والخاقان‌الاکرم مولی ملوك العرب والعجم السلطان‌بن‌السلطان الخاقان‌بن‌الخاقان ابوالمظفرالشاه صفی‌بهادرخان خلدالله تعالی‌ملکه وسلطانه. فی‌تاریخ شهرمحرم الحرام سنة ۱۰۴۰ من الهجرة النبویة»

٤) متن کتیبهٔ گردا گرد بقعهٔ متبرك به ثلث طلایی درزمینهٔ لاجوردی سورهٔ دهر[۱] وپس‌ازآن سورهٔ جمعه[۲] است که ازاسپربالای درگاه ورود شمالی آغاز شده ودربغلهٔ شرقی همان درگاه پایان می‌پذیرد . با تاریخ «فی سنة ۱۱۳۱» در پایان کتیبه کنارزاویهٔ همین درگاه .

زیرا این کتیبه برسردرهمین درگاه ورود ، به خط کتیبه وازهمان تاریخ ، این دوبیت دریك سطرنوشته شده است :

«قزوین صفائها بلطف‌ازلی　　من لمعة بقعة حسین‌بن‌علی
یا زائر قبره الراجی منه　　طوبی‌لك ابشربلوغ الامل»

نسخه‌های خطی ۳ : ٦۳ وفهرست میکروفیلم‌های‌آن کتابخانه ۱ :۱۱) . درکتاب « تحقیق درامور دیوانی اسلامی » آقای هربـرت بوس (صفحات ۲۰۸-۲۰۹) فرمانی‌است ازشاه سلیمان مورخ شوال ۱۰۸٤ دربارهٔ موقوفات زینب‌بیگم مزبور (نیزبررسی‌های تاریخی ٤/ ٤ : ۲۳٤-۲۳۵) .

۱. قرآن کریم ، سورهٔ ۷٦ .

۲. قرآن کریم ، سورهٔ ٦۲ .

این رباعی به نوشتهٔ کتاب مینودر[1] سروده شیخ بهائی است. اگر این نسبت مستند به نقل افواهی بوده ومأخذ مکتوب معتبری نداشته باشد بـه نظر بسیار نزدیك‌تر می‌نماید که سرودهٔ قوام الـدین محمد سیفی حسنی دانشمند همین دورهٔ قزوین باشد که منظومه‌ها وابیات وسروده‌های بسیاری ازاو به زبان عربی دردست است ویك دوبیتی ازاو دربارهٔ قم به‌همین وزن وشکل در درهٔ نادره[2] هست.

۵) کتیبهٔ گرداگرد مقبرهٔ خانوادگی متولیان بقعه درغرب ایوان شمالی مزار ـ که چنان که گذشت گویا همان «مقبرهٔ میرفغفور» یادشده درخلد برین باشد ـ غزل معروف سعدی است با این مطلع :

یارب ازماچه فلاح آید اگر تونپذیری
به خداوندی لطفت که نظر بازنگیری

درمیان هردومصرع ازاین غزل بربدنه‌های چهارگانهٔ بقعه میان ترنج‌هایی صلوات کبیربدین شکل نوشته شده است :

«اللهم انی اسالك بحق محمد وعلی وفاطمه والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی والحسن والحجة المنتظر صلوات الله علیهم اجمعین بعظمتك[3] واقض حوائجنا برحمتك یا ارحم الراحمین»

---

۱. صفحهٔ ٦٥١.

۲. چاپ انجمن آثارملی، ص ۷۱۵. اشعار ورباعیات دیگری ازاو درهمین کتاب (صفحات ۱۷۳ و ۲۳۳ و ۳۷٤) هست. درکتابخانهٔ خاندان حاج سیدجوادی قزوین نسخه‌ای است ازشرح عدهٔ صدرالدین محمد حسینی که همین قـوام الدین محمد تقریظی منظوم برآن دارد (نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران دربارهٔ نسخه‌های خطی ٦ : ۳٤۵). دربارهٔ او وآثار ومنظومه‌های وی دیباچهٔ سنـد شمارهٔ ۳۰ در همین بحث دیده شود.

۳. کلمهٔ «بعظمتك» تعمیری است.

ودرچهار گوشهٔ بقعه درچهارترنج بیت :

ناد علیاً مظهر العجائب تجده عوناً لك فی‌النوائب

به همان شکل کتیبه شده ، ودرپایان دربالای در ورود کوتاه بقعه اززاویهٔ غربی‌ایوان شمالی درزیرمصرع آخرغزل سعدی رقم کاتب وتاریخ کتیبه بدین گونه خوانده می شود :

« حرره عبدالغفار. شهرذی حجة الحرام سنة ۱۲۷۸ »

٦) درجبههٔ تالار پیشاپیش ایوان شمالی بقعه ـ که چنان‌که پیشتر گفتیم دردورهٔ ناصرالدین شاه به دستورامین السلطان صدراعظم وسیلهٔ آقا باقر سعد السلطنه حکمران قـزوین ساخته شده است ـ این دوبیت به نستعلیق طلایی بر کاشی‌های لاجوردی ثبت است :

« درزمان دولت خاقان قیصر پاسبان
ناصرالدین شاه غازی خسرصاحب قران
شد علی اصغر امین داور دارا شکوه
چاکر سلطان ایران خادم این آستان
۱۳۰۷
عمل‌استادعلی‌اکبرکاشی‌پز ـ کتبه محمدالمشهوربشالی۱۳۰۷»

بربالای بدنه‌های میان ستون‌های دوطرف سردر دوبیتی زیربه نستعلیق بـر کاشی سفید روی زمینهٔ لاجوردی نوشته شده است :

سمت راست :

اختران پرتو انوار دل انور ما
دل ما مظهرکل ، کل همگی مظهرما

سمت چپ :

نه همین‌روی زمین‌را همه باب‌اللهیم
نه فلك در دورانند به دور سر ما ۱)

---

۱. با طلب مغفرت الهی بـرای روح دانشمند شریف ونجیب مرحوم سید محمد تقی مصطفوی که نگارنده را ازوجود این کتیبه مطلع ساخت.

۷) درسردرشمالی صحن بالای درگاه ورود این کتیبه به نستعلیق سفید بر کاشی لاجوردی به شکل دوسطری نوشته شده است:

« چون‌مؤید شد زلطف‌خاص رب‌العالمین
آصف دوران وزیر اعظم دارای دین
آن معین بی پناهان مأمن بیچارگان
شمع بزم‌عارفان سلطان ایران‌را امین
آن همایون فرکه ذرات وجودش ازازل
گشته با مهر ولای آل پیغمبر عجین
بهر تعمیرات صحن سبط شاه اولیا
نونهال گلشن گلذار۱) خیرالمرسلین
ریخت ازبس سیم وزرگفتا خردگویا مدام
بارد ازابرکفش یاقوت احمر بر زمین
در زمان دولت شاهنشه دارا شکوه
ناصرالدین‌شاه غازی‌صاحب‌تاج‌ونگین
پور ابـراهیم داد این‌کعبه را از نو صفا
بهر سبط قبلهٔ هفتم امام هشتمین
کند ازبنیاد برپا کرد از نو این بنـا
سودزین‌سودای‌نیکوسربه‌چرخ‌چارمین
ز اهتمامـات بلیغ وسعی سعد السلطنـه
حکمران خطهٔ قزوین وارباب یقین
آن سمی حضرت باقرکه شد ازهمتش
این‌فضای روح‌پرور رشك جنات‌برین
کوسلیمان وسکندر؟ قیصروخاقان‌کجاست
تاکه‌سایند ازپی‌رفعت‌بدین‌درگه‌جبین
گفت معمارش پی تاریخ او با مجرمان
کی گنه‌کاران سلام ادخلوها آمنین
« ۱۳۰۷

---

۱. کذا دراصل.

ودر میان دومصرع اخیرابیات نهم ودهم این عبارت به نسخ خوانده می شود :

« عمل استاد علی اکبرکاشی‌پز۱۳۰۷ »

۸) گردا گرد سقاخانهٔ حضرتی که برابرایوان‌شمالی نزدیك راهرو ورود شمالی صحن واقع‌است دربالا ابیات ذیل به نستعلیق‌سفید برکاشی نوشته شده است :

« بسم الله الرحمن الرحیم .
هر بنایی با علی وآل او شد منتسب
کعبهٔ مقصود باشد قبلهٔ حاجت طلب
ساخت اندرصحن این شهزادهٔ والا حسین
حاج آقای طبیب نام محمود النسب
چون به یاد شاه مظلومان حسین آباد شد
بریزید وتابعانش تا قیامت لعن وسب
این بنا از العطش‌گویان دشت کربلا
هم‌بود رفع‌عطش هم‌دافع رنج‌وتعب
حضرت عباس سقا وعلمدار حسین
زین بناآید به یادشیعیان درروزوشب
بی دویی بنما مکرر « عاقبت محمود » را
پس بجو تاریخ این نیکوبنای منتخب
* « ۱۳۴۰

---

* درسفرنامهٔ میرزا حسین فراهانی ، ص ۱۸ ازدوقطعه سنگ به خط میرعمادکه در صحن شاهزاده حسین بوده است یاد می‌شود. اکنون ازاین سنگ‌ها نشانی نیست.

۳
اسناد

شهرقزوین آن‌طور که ازقرائن وشواهد متعدد ونقل‌مطلعان محلی استنباط می‌شود همانند معدودی دیگر ازبلاد قدیم ایران ازمناطقی است که بسیاری از اسناد مکتوب قدیم مربوط‌بدان ازتصاریف زمان مصون‌مانده واکنون شماری قابل توجه ازاین گونه مآخذ اصیل تاریخی به تفاریق درخاندان‌های قدیم شهر ودردست افراد باقی مانده که همت به گردآوردن وحفظ آنها ـ دست کم ازراه عکس برداری ونشرمتون وتصاویر ـ خدمتی ارجمند به تاریخ آن‌منطقه است.

درکتاب «مینودر یاباب‌الجنهٔ قزوین» چند سندی ازاین‌جمله درتضاعیف کلام به مناسبات ذکرشده ویا متن آن نقل گردیده است . ازآن جمله طومار موقوفات مسجد جامع است که متن آن در ذیل سخن ازهمین مسجد درکتاب مزبور نقل شده است[1]. آن طور که ازاین سند به روشنی پیداست[2] مسجد جامع قزوین اسناد واحکام بسیارزیادی داردکه چون خاندان متولی آن به‌نحو مستمرچند صد سالی عهده دار مهم تصدی وتولیت بوده وذیل خاندان تا به روزگارما نیزرسیده است ، بنا براین بدون تردید مجموعهٔ بسیار مهمی ازاین

---

۱. مینودر: ۵۱۵ـ۵۲۰.

۲. به لحاظ شمار عظیم موقوفات مسجد ، با توجه به اینکه موقوفه ومنصب موروثی ازعوامل مهم « سند ساز » درمناطق بوده‌اند .

اسناد دراین خاندان بـاقی است[1] وبرذمهٔ علاقمندان به تاریخ و گذشتهٔ قزوین فرض است که با استقصاء فروع خاندان تولیت به این مجموعهٔ گرانقدر دست یابند ، چه تجارب مکرراین نکته را اثبات نموده است که اسناد قدیم معمولا باانقراض خاندانها ازمیان می‌رفته و گرنه به خصوص درمواردی که موضوع اسناد یامنصب خاندانی باقی‌بود این گونه اسناد تاحدود زیادی محفوظ میماند وحتی‌درخاندان‌هایی که‌ازاسناد مربوط‌به‌خود آگاهی‌نداشته وتصورمی کرده‌اند که‌آنها به طورکامل دستخوش خیانت وتلف شده است[2] سرانجام نخبهٔ اسناد دریکی ازفروع خاندان یافت شده که البته قبل از هرچیز نیاز به علاقه وشوق جوینده وپشتکار وخستگی ناپذیری وی دارد .

درهمان کتاب متن رونوشت طومارتقسیم‌نامهٔ آب باغ‌های قزوین هست[3] که مربوط به نیمهٔ اول قرن هشتم است . وقف‌نامهٔ قنات آخوند قزوین که متن آن نیز دراین کتاب دیده می‌شود[4] باید درست باشد نهایت تاریخ آن نادرست ودست برده است. بازدرآن ازطوماروقف‌نامهٔ مسجد پنجه‌علی قزوین[5] ووقف

---

۱. به خصوص باتوجه به اهمیت فوق العاده‌ای که مسجد جامع قزوین درادوار پیش ازصفوی وهمچنین دراین دوره داشته ومورد توجه وعنایت پادشاهان وامراء بوده است که مواردی ازآن درکتاب‌های تاریخ ثبت شده است .

۲. درخاندان‌هایی که اسنادی قدیم داشته‌اند معمولا فروعی که این اسناد را دردست ندارنـد علی الرسم نقل می کنندکه چند ده سال پیش‌تر اسناد آنان در واقعه‌ای مانند سیل یاآتش‌سوزی ازمیان رفته ویا به وسیلهٔ فردی ازداخل خاندان یاخارج آن برای دست انـدازی برمنصب یا موقوفه ربوده یا سوخته شده است . دراین قبیل موارد همواره اسناد منظور درفروع دیگرخاندان به دست آمده است .

۳. مینودر: ۸۳۷–۸۵۲ .

٤. همان مأخذ : ۲٦۱–۲٦۲ .

٥. ایضاً : ٥٥۳ .

نامهٔ مولی ویردی خان مورخ ۱۱٤۸[1] واسنادی دیگریاد می‌شود .

مجموعه‌ای که‌ازاسنادآستانهٔ شاهزاده‌حسین دراختیارما قرار گرفت‌مشتمل برحدود سی‌صد طغرا سندبود که یك‌صد وپنجاه‌طغرای‌آن دراین‌بخش معرفی ومتن‌آنها نقل خواهد گردید . تعداد پنجاه طغرا از این رقم فرمان یا دستخط شاهانه و٤۹ طغرای دیگراحکام شاهزادگان ووزراء ومثال وخطاب ودستور از صدور وامراء وحکام و۸ طغرا نامه (معمولا ازوزراء وبزرگان دیوان) و٦طغرا وقف‌نامه و۳۹ طغرا اسناد متفرقه ازقبیل حکم شرعی واستشهاد ومزارعه نامچه واجاره نامچه ومصالحه نامچه واسناد مشابه است[2]. از این نوع اخیر تعدادی قریب یکصد وپنجاه طغـرا درمجموعهٔ مورد سخن بود که بخشی از آن که در ایضاح تاریخ‌آستانه وتوضیح نکاتی مبهم فائدتی مهم داشت به خصوص‌آنچه ازآن متعلق به دورهٔ‌آقا محمد خان قاجاربود[3] دراین بحث نقل گردید .

٤۷ طغرا ازاین اسناد[4] مربوط به قرنهای هشتم تا دوازدهم و۱۰۳ طغرای دیگرمربوط به دورهٔ قاجاراست . اسناد مربوط به پیش ازدورهٔ قاجار ـ گذشته ازارزش خاص‌خویش واین که برخی‌ازآنها نخستین‌نمونه درنوع‌خود است ـ به خصوص از رهگذرآگاهی برنام موقوفات‌آستانه درآن ادوار ومتولیان‌آن ـ وخصوصیات دیگربسیارارزنده است، همچنان‌که اسناد دورهٔ قاجاری‌ازنظر اشتمال‌برنام وسجل بسیاری‌ازعلما ودانشمندان‌شناخته وناشناختهٔ قزوین وحکام

---

۱. ایضاً : ۵۷۹ .

۲. جمع این ارقام ۱۵۲ طغراست چه باید درنظر داشت‌که دو سند ازاین جمله دو رویه است .

۳. به صورت دقیق‌تر در۲۵ سالهٔ ۱۱۹۰ـ ۱۲۱۵ که دراین فترت هیچ‌گونه سندی دربارهٔ آستانه جزهمین اسناد دردست نیست .

٤. یعنی اسناد چاپ شده دراین بحث .

وپیشکاران حکومتی آن شهـر ـ نیز دربـررسی اوضاع اجتماعی وسیاسی دورهٔ مزبوراهمیت دارد .

اینك پیش‌ازنقل متون اسناد ، مطالبی که ازآنها درموضوع تولیت آستانه ومـوقوفات آن وهمچنین دانشمندان وحکمرانـان قزوین دانسته می‌شود ، نیز فوائدی که ازرهگذر جغرافیای تاریخی آن شهر وناحیه با بررسی اسناد مزبور به دست می‌آید دراینجا به صورت اجمال وفهرست‌وار با اشاره به شمارهٔ هر سند ثبت می‌شود[1].

۱ـ تولیت آستانه :

آستانهٔ شاهزاده حسین به طبع ازهمان دورهٔ سلجوقی که مردمان قزوین سنی وشیعی به زیارت آن می‌رفته‌اند[2] دارای خدمتگزار ونذورات وموقوفات بوده است لیکن قدیم‌ترین مأخذ موجودی که در آن از«متولی آستانه» یادشده وقف‌نامه‌ای مورخ۷۷۳ازکیاملك هزاراسپی حکمران ولایت‌دیلمستان واشکور است که متن آن را پس ازاین خواهیم دید[3].

تولیت آستانهٔ شاهزاده‌حسین‌ازدوران دوردردست خاندان سادات‌مرعشی قزوین بوده است، بااین خصیصهٔ استثنائی که درهرنسل تمامی افراد این‌خاندان درامرتولیت‌شریك‌بوده وازدرآمد موقوفات ومستمریات ومقرریات آن‌بهره‌مند می‌شده‌اند[4]. این مطلب طبعاً ناشی ازچگونگی وقف موقوفات مزبوربوده که

---

۱. بسیاری ازاین مطالب به تفاریق درديباچهٔ هرسند نیزتذکرداده شده است بانکاتی دیگـر.

۲. النقض : ٦٤٣ .

۳. سند شمارهٔ ۱ .

٤. اسناد شمارهٔ ۱۰ و۱۸ دیده شود (به خصوص سند دوم) .

تولیت موقوفه را باخاندان نه فردی خاص از آن وا می گذارده است[1]. توجه به این نکته برای درك مفاد اسناد آستانه بسیارمهم است زیرا گاه در دوسند که هم زمان تنظیم شده دو یا چند فرد مختلف به عنوان متولی یاد شده‌اند که در نظرابتدائی نوعی تعارض به نظرمی‌رسد وعنایت به‌آنچه ذکرشد این تعارض بدوی را ازمیان برمی‌دارد[2]. البته به این نکته که تا حدودی شگفت‌آوراست باید توجه داشت که با وجود سابقهٔ هـزارساله ، افراد خاندان مرعشی قزوین وبیوت آن همـواره محدود ومعدود بوده ودر این یك صد سال اخیـر تا حال تحریراین‌سطورتنها دوخانه ازسادات مزبوردرشهرقزوین وجود داشته ودارد.

آغازتصدی وتولیت‌آنان براین مزاردرست روشن نیست لیکن قدرمسلم مدتی درازپیش‌ازدورهٔ صفوی‌بوده واین که دربرخی‌اسناد متأخرتولیت‌آنان‌را ازدورهٔ صفوی‌پنداشته‌اند نادرست است. درفرمانی مورخ۹۳۷ ازشاه‌طهماسب گفته می‌شود که تولیت مزارشاهزاده حسین از« قدیم الایام » تاآن زمان باآباء واجداد متولی‌آن دوره بوده است[3].

خاندان سادات مرعشی از نوادگان حضرت امام علی بن الحسین ـ زین العابدین ـ امام چهارم شیعیاننـد که از طریق علی المرعش فرزند عبدالله بن محمد بن حسن الـد که بن حسین الاصغر بدان حضرت می‌پیوندنـد . « علی

---

۱. پس ازاین می‌بینیم که برخی ازافراد خاندان درعین حال که جزء متولیان آستانه قرارداشته‌اند قاضی عسکر یا صدر ولایات نیزبوده‌اند . درواقع معنی تولیت در این آستانه همواره همان «هدف غائی» درهمهٔ موارد مشابه بوده که برخورداری وسهم بردن ازحق التولیهٔ موقوفات ومستمریات باشد .

۲. تعدد متولیان مزارنخست‌بار درسند شمارهٔ ۳ به چشم‌می‌خوردکه درآن از«سادات متولی آستانه » سخن به میان آمده است .

۳. سند شمارهٔ ٦ .

المرعش » مزبور ـ که سادات یاد شده را به اعتبارانتساب بدو « مرعشی » می خوانند ـ بنابر آنچه از کتاب «الفخری»[1] ابوطالب اسماعیل‌بن‌حسین مروزی[2] ـ که ازمعتبرترین وقدیم‌ترین متون موجود علم انساب است ـ برمی‌آید خود درقزوین می‌بوده است چه درذکر فرزندان حسین اصغرفرزند امام سجاد (ع) می‌نویسد : « واما الحسن الدکة بن الحسین الاصغر فانتهی عقبه الصحیح الی محمد السیلق بالری وعلی المرعش بقزوین ابنی عبدالله بن محمد بن الحسن الدکه »[3]. بنابراین سادات مرعشی در هرجاکه باشند دراصل ازشهر قزوین ریشه می گیرند وتاسالیانی درازمرکز ومجمع آنان نیزشهرمزبوربوده است[4]. آن گاه ازاین‌شهربه سه‌منطقهٔ دیگرنیزرفته وبدین گونه سادات مراعشه به‌اعتبار محل سکنی به چهارتیره تقسیم گردیده‌اند[5].

ازسلسلهٔ سادات‌مرعشی قزوین دانشمندان وادیبان ونام‌آورانی‌برخاسته‌اند

---

۱. تألیف سال۶۰۶ به‌نام امام‌فخررازی دانشمند معروف(ذریعه ۲:۳۷۶ و۱۶:۱۲۵).

۲. زادهٔ ۵۷۲ ودرگذشتهٔ ۶۱۴ ، نگارندهٔ حظیرة القدس‌که حدود ۶۰ مجلد بوده است وبستان الشرف در۲۰ مجلد وآثاردیگردرعلم انساب (معجم الادباء یاقوت حموی ۲ : ۲۶۲/ کشف الظنون : ۸۲۴/اعلام زرکلی ۱ : ۳۰۸/ذریعه ۲:۳۷۶ و۳ : ۱۰۶ و۷ : ۲۶ و۱۶ : ۶۷ ، ۱۲۵ و۲۳ : ۲۵۲/عروبة العلماء المنتسبین الی البلدان الاعجمیة : ۴۶۹) .

۳. الفخری ، صفحهٔ ۳۹ نسخهٔ شمارهٔ ۲/ ۳۳۰ کتابخانهٔ مسجد اعظم قم .

۴. همان مأخذ ، ص ۴۰ دیده شود . دربارهٔ خاندان مرعشی قزوین نیز دیده شود ذریعه ۴ : ۴۱۱ ذیل نام‌کتاب « تکملة الاسماعیلیة فی انساب السادة المرعشیة » و۱۱ : ۷۶ ذیل « الرسالة الاسدیة فی‌نسب السادة المرعشیة » وشهداء الفضیلة امینی (ترجمهٔ فارسی ، ص ۲۹۴) .

۵. مجالس المؤمنین ۱ : ۱۴۷ چاپ تهران/الدرجات الرفیعه سید علی خان به نقل ریحانة الادب ، ج ۴ ، ص ۹ چاپ اول/مقدمهٔ احقاق الحق : ۱۱۷ و۱۱۹ .

که نام وسرگذشت گروهی از آنان همراه شرح حال مشاهیردیگرتیره‌های این خاندان درمقدمهٔ احقاق الحق[1]هست . در تدوین رافعی هم ازبزرگان این خاندان یادشده است. درتورق اجمالی به نام ونمونهٔ شعر«سیدزاهد ابوالفضل ابن ناصر مرعشی حسینی قزوینی » درکتاب مزبور برخورد شد[2] که درمقدمهٔ احقاق ذکری از اونیست .

شریف معین الدین فغفور فرزند شمس الدین محمد نیای اعلی دودمان مرعشی قزوین[3]نقابت سادات آن شهررا در نیمهٔ نخستین قرن هشتم عهده دار بود[4]وبا تقریبی که دربارهٔ برخی موارد مشابه دیگر گفته شده است[5]با توجه به همراه بودن این منصب با مقام تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین درقرن دهم[6] دور نیست که سرپرستی امور این مزارشریف نیز به حکم ریاست اوبرعلویان شهربراومسلم بوده است[7]. فرزند اوشریف عبدالله امیرالحاج ملقب به « فیل

---

۱. صفحات ۱۲۰ تا ۱۵۷ (۲۶ تن نیز درطبقات اعلام الشیعه ـ قرن ششم نام برده شده‌اندکه شاید برخی ازهمین‌تیرهٔ قزوین باشند) . نیز ببینید شهداء الفضیله امینی ترجمه فارسی : ۲۹۴–۲۹۵ .

۲. التدوین ، برگ ۳۳۰ پ نسخهٔ یاد شده پیش .

۳. مقدمهٔ احقاق الحق : ۱۲۱–۱۲۲ .

۴. تذکرهٔ نسب عبیدلی به نقل مقدمهٔ احقاق الحق : ۱۲۱–۱۲۲ وموارد الاتحاف ۲ : ۷۸ .

۵. تربت پاکان ۱ : ۱۹۶ دربارهٔ تولیت آستانهٔ قم .

۶. سرگذشت میرزین‌العابدین مرعشی نخستین متولی شناخته شدهٔ آستانه دردوصفحهٔ بعد (نیز تذکرهٔ شاه طهماسب ، ص ۱۳ چاپ برلین) واسناد آینده ازجمله سند شمارهٔ ۲۸ و ۴۱ دیده شود .

۷. به خصوص با توجه به این نکته نیزکه متولیان آیندهٔ مزار(ازجمله سیدصفی‌الدین

امیر» مردی دانشمند وپارسا بوده است[1].

درفرمانی‌ازشاهرخ‌تیموری مورخ ٥ ذ ق -۸۳۸ که جزء مجموعهٔ اسنادی بود که اسناد حاضر از آن گزین شد ، منصب احتساب شهر قزوین به مرتضی اعظم افتخارالسادات سید معین الدین مطهر واگذار گردیده است تا در آن‌شهر امربه معروف ونهی از منکرات کرده ومنع فسقه وفجره نماید واجرای حدود وتعزیرات کند[2]. در آن به‌فرمان پیشین همان‌پادشاه درهمین‌باب اشاره می‌شود. تردیدی نیست که این‌سید ازهمین دودمان مورد سخن‌است چه جزاین‌موضوع که سند مزبور دردست بازماندگان این خاندان است، تصریح مآخذ قرن دهم ویازدهم[3] به این که منصب احتساب شهرقزوین وتولیت آستانهٔ شاهزاده حسین ازقدیم دردست خاندان سادات مرعشی آن شهربوده است مؤید مدعاست .

درقرن های بعد نیز مشاهیر وبزرگانی نامور از خاندان مرعشی قزوین برخاسته‌اند که نام بعضی از آنان درمصادرمربوط هست . این خاندان در دورهٔ صفوی بسیارمحترم ومورد توجه بوده‌اند . شاه طهماسب مبلغ‌های کلی زر به سادات مرعشی قزوین می‌داد[4]. قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین می‌نویسد : « مرعشیهٔ قزوین که از قدیم الأیام درآن دیارکه خوار وزار وجود

شکرالله که نسب نامهٔ وی را خواهیم دید ودیگران نیز که « عم زادهٔ » اوبوده‌اند طبعاً دراجداد باوی شریك خواهند بود) نوادگان وی بوده‌اند .

۱. مقدمهٔ احقاق الحق : ۱۲۲ .

۲. مقالهٔ نگارنده با عنوان « فرمانی ازشاهرخ » درمجلهٔ راهنمای کتاب ، شمارهٔ ۸-۱۰ سال بیستم .

۳. ازجمله سراج الانساب واسدیه ومجالس‌المؤمنین به شرحی که اندکی بعد درمتن خواهیم دید .

٤. خلاصة التواریخ : برگ ۲۲۹ ب (سطر ۱) عکس ٥٥٦٧ دانشگاه .

سنیان مردم‌آزار است ازروی تقیه روزگار گذرانیده‌اند ومحنت بسیار ازاغیار جفاکار دیده‌اند وهمواره به مذهب حق ائمهٔ اثنی عشر عمل نموده‌اند ودر این ایام به یمن عنایت وحسن حمایت ورعایت امیرشمس الدین اسدالله مذکور[1] مشمول عواطف بی‌دریغ شاهی گشته ، بعضی ازایشان نقیب ومتولی آستانهٔ حضرت شاهزاده حسین‌اند وبعضی درقزوین محتسب‌اند »[2]ودراسدیه نیز آمده است : «سادات مرعشیهٔ دارالموحدین قزوین که بعضی ازایشان نقیب ومتولی آستانهٔ حضرت شاهزاده حسین قزوین‌اند وبرخی درقزوین محتسب‌اند از این قبیله ، واز قدیم به مذهب حق اثنی عشرعمل نموده‌اند »[3]ودر سراج الانساب هم هست که : « سادات مرعشیهٔ قزوین بعضی ازایشان نقیب ومتولی آستانهٔ شاهزاده حسین‌اند »[4].

شاه‌اسماعیل صفوی قاضی ضیاءالدین نورالله مرعشی قزوینی‌را به‌رسالت نزد شیبك خان ازبك فرستاد[5]. این شخص گویا همان نورالله بن علاء الدین حسینی مرعشی است که نام وسجل اودروقف‌نامه‌ای مربوط به‌آستانهٔ شاهزاده

---

۱. شاه میرمرعشی درگذشتهٔ ۹۶۳ . سرگذشت او درتواریخ صفوی عموماً ازجمله خلاصة التواریخ : ذیل وقایع همین سال ۹۶۳ واحسن التواریخ روملو۱۲:۳۹۸ وعالم‌آرا ۱ : ۱٤٤ ، ومقدمهٔ رسالهٔ اسدیه که به نام او نوشته شده ومجالس المؤمنین وفردوس درتاریخ شوشتر: ۲۱–۲۲ واعیان الشیعه ۱۲ : ۱٤٥ وریحانة الادب ٤ : ۱۰ چاپ اول ومصادری که درفرهنگ سخنوران : ٥٦٤ (ذیل تخلص ملولی) نام برده شده است وجزاینها دیده میشود ، نیزجهان‌آرا : ۲۹۲ و۳۰۳ .

۲. مجالس المؤمنین ۱ : ۱٤۸–۱٤۹ چاپ تهران .

۳. اسدیه ، میرسراج الدین محمد قاسم مختاری عبیدلی سبزواری : ۹۷ .

٤. سراج الانساب : برگ ۷۰ ر نسخهٔ شمارهٔ ۳٥۳۳ کتابخانهٔ ملك تهران .

٥. روضة الصفویة میرزا بیك منشی حسینی گنابادی ، به نقل ریاض العلماء ، مجلد ٥

حسین مورخ ۹۴۳ دیـده می‌شود[۱] وبدون تردید جز نورالله بن محمد شاه بن مبارزالدین‌مانده حسینی‌مرعشی دانشمند وعارف، شاگرد سیدمحمد نوربخش وشمس‌الدین محمد لاهیجی شارح گلشن راز وقوام الدین کربالی ، درگذشتهٔ ۹۲۵ ونگارندهٔ آثارمتعدد درتفسیروعرفان وهیأت واسطرلاب[۲] است که‌درهنگام فتح شوشتر به دست شاه اسماعیل سالخورده وناتوان بوده وتوانایی حضور درمراسم استقبـال اورا نداشته است[۳] هرچند درمقدمـهٔ احقاق الحق[۴] بلکه در ریاض العلماء[۵] نیز آن دورا یکی پنداشته‌اند .

دربخش اول گذشت که شاه طهماسب درنظر داشت سید زین العابـدین مرعشی متولی آستانهٔ شاهزاده حسین‌را به ایلچی گری‌به دربارعثمانی‌بفرستد[۶] وشاه‌عباس نیزدرویش بیك ازسادات مرعشی قزوین‌را درسال ۱۰۲۰ به‌رسالت به همان جانب[۷] ودر۱۰۲۳ نزد نظام شاه به دکن[۸] فرستاد .

* * *

شیعه ، حرف نون (نـورالله بن محمد شاه . .) . جهان‌آرا ، قاضی احمد غفاری قزوینی : ۲۷۳ .

۱. سند شمارهٔ ۹ این مجموعه .

۲. مجالس المؤمنین قـاضی نورالله شوشتری نواده‌اش/فـردوس علاء الملك حسینی شوشتری : ۱۶–۲۱/ریاض العلماء ، مجلد ۵ شیعه ، حرف نون/ذریعه ۱۳ : ۳۰۹ منزوی ۱ : ۲۳۰–۲۳۱ .

۳. فردوس : ۱۸ .

٤. صفحهٔ ۱۰۹ .

۵. مجلد ۵ شیعه ، حرف نون ، عنوان نورالله بن محمد شاه .

٦. تذکرهٔ شاه طهماسب : ۱۳ .

۷. عالم‌آرا ۲ : ۸٤۹ .

۸. همان مأخذ ۲ : ۸٦٦ و۹۵۱ .

اکنون نام‌افرادی که ازاین خاندان ازآغازدورهٔ صفوی تاروزگارماتولیت آستانهٔ شاهزاده حسین راعهده داری‌نموده‌اند براساس‌اسنادی که دراین بخش آمده است ، با توجه به نکته‌ای که درباب اشتراکی بودن امرتولیت مزارپیش ازاین گفته شد :

۱) سید زین العابدین مرعشی . درتذکرهٔ شاه طهماسب ذیل وقایع سال ۹۳۲ پس ازذکر یکی از سادات مرعشی که دراین سال رتبه ولقب خانی گرفته ودرع ۲- ۹۳۸ درگذشته بود [۱]می نوسد: «سید زین العابدین‌مرد متقی وعالم است . تولیت امام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم امـام زاده حسین بن سلطان علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام با نقیب الاشرافی به اوارزانی داشتیم والحال ارادهٔ آن است که چون مردی عالم ودیندار است به ایلچی گری نزد حضرت خواندگاربه استنبول روانه نمائیم»[۲].

دوفرمـان مورخ ۹۳۵ [۳] وشعبان ۹۳۷ [٤] ازشاه طهماسب در واگذاردن منصب تولیت‌آستانه به اوردست داریم . ازفرمانی مورخ ۲۸ رجب ۹٤٤ از

---

۱. میرشاهی بن عبدالکریم بن عبدالله مرعشی نبیرهٔ میرقوام الدین میربزرگ مرعشی درگذشتهٔ ۷۳۱ ومدفون درآمل مازندران (تذکرهٔ شاه طهماسب : ۱۳) . در ذیل عبارت ازمشارکت میرعبدالله وسید زین العابدین بامیرمراد سخن می‌رود ، آن‌گاه آمده است : « . . برادرش سید زین العابدین مـرد متقی عالم است » لیکن این سید زین العابدین نباید برادرآن امیرشاهی باشد چه این یکی از مرعشیان قزوین است . گمان می‌رودکه ضمیر درکلمهٔ « برادرش » به همین میرمراد مذکور اخیر بازگردد .

۲. تذکرهٔ شاه طهماسب : ۱۳ چاپ برلین .

۳. سند شمارهٔ ٥ همین بحث .

٤. سند شمارهٔ ٦ .

همان‌پادشاه [1] برمی‌آید که‌اودراین‌تاریخ‌در گذشته بوده‌است. تولیت موقوفات شاه بیگی‌بیگم براین‌آستانه طی حکم مورخ ۱۸ ع ۱- ۹۳۸ ازهمو[2] به همین سید وسپس فرزندان او واگذار گردیده بود همچنان‌که تولیت وقف مورخ ج۱- ۹۳۸ شاه طهماسب براین مزارنیزبا او ودوتن دیگراز افراد خاندان می بود[3]. دراین دوسند اخیرازوی بالقب «امیرمجاهد الدین» یاد می شود .

۲) سید شمس الدین اسد الله حسینی مرعشی که فرزندان او وسید زین‌العابدین‌درسنین بعد متولی‌مزاربوده‌اند[4] بنابراین‌خوداونیزبه حسب قاعده درروزگارزندگی جزء متولیان‌آنجا بوده است .

۳) میرسرهنگان مرعشی ازمتولیان‌آستانه بنا برفرمانی مورخ ۹۳۵ از طهماسب[5].

٤) سیدکمال‌الدین عبدالقادر گویا پدرمیرعلاءالملک‌بن عبدالقادرمرعشی که پس ازاین جزء متولیان‌آستانه بوده است. ازاین میرعبد القادردوم درمقدمهٔ احقاق الحق نیز[6] یاد شده است . سیدکمال الدین عبد القادردرحکم مورخ ۱۸ع۱- ۹۳۸ شاه بیگی بیگم[7] ووقفیهٔ مورخ ج۱- ۹۳۸ شاه طهماسب[8] جزء متولیان‌آستانه یاد شده ومتولی وقف شاهی مزبورنیزبوده است .

---

۱. سند شمارهٔ ۱۰ .

۲. سند شمارهٔ ۷ .

۳. سند شمارهٔ ۸ .

٤. اسناد شمارهٔ ۹ و ۱۰ .

۵. سند شمارهٔ ٤ .

٦. صفحهٔ ۱٤۰ .

۷. سند شمارهٔ ۷ .

۸. سند شمارهٔ ۸ .

۵) سید صفی‌الدین شکرالله، یاد شده درهمان دوسند ومتولی وقف شاهی مزبور. گویا هموست که نسب نامهٔ وی ذیل عنوان «نسب شریف سادات عظام مرعشیه قزوین ـ السید صفی‌الدین شکرالله الشهیر بمیربزرگ بن زین العابدین بن شکرالله بن عبد القادربن منصور بن فغفورمعین الدین[1] بن محمد . . » در سراج‌الانساب کیا گیلانی هست[2].

۶) سید وجیه الدین محب الله مشهور به میرسوار .

۷) سید نصرالدین عبدالجبار .

۸) سید شرف الدین ابواسحق .

این سه‌تن فرزندان میرشمس‌الدین اسدالله حسینی مرعشی هستند که بنابر مفاد فرمان مورخ رجب ۹۴۴ ازشاه طهماسب[3] درامرتولیت آستانه مشارکت داشته‌اند وتولیت وقف مورخ ۱۲ محرم ۹۴۳ شاه‌بیگی‌بیگم[4] نیزباآنان بوده است .

۹) میرعلاء الملك مرعشی متولی شرعی مزارشاهزاده حسین وموقوفات آن‌براساس‌فرمانی مورخ رجب ۹۴۴ ازشاه طهماسب[5] که‌درتأیید همین‌تولیت است . اوچنان‌که پیش‌تر گذشت باید فرزند همان سیدکمال الدین عبد القادر متولی پیشین آستانهٔ مزبورباشدکه دربرخی اسناد دیگرازاویاد شده بود .

---

۱. دراصل به شکل « فغفور بن معین » که‌گویا محرف بوده ودرست همین صورت است‌که نوشته شد (پایان شرح‌حال میرعلاء الملك درچند برگ بعد دیده شود).

۲. برگ ۷۷ ر نسخهٔ شمارهٔ ۳۵۳۳ کتابخانهٔ ملك .

۳. سند شمارهٔ ۱۰ .

۴. سند شمارهٔ ۹ .

۵. سند شمارهٔ ۱۰ .

این سید همان میرعلاء الملك مرعشی ازفاضل مراعشهٔ قزوین[1] است که در کتاب‌های تاریخ دورهٔ صفوی جزء مشاهیر سادات دربار طهماسب یاد شده واز فضلاء آن عصر بوده[2] ومدت‌ها به مشارکت خواجه افضل ترکه قاضی عسکر بوده[3] ودرسال ۹۷۷ ازاین منصب برکنارشده[4] ومدتی صدارت گیلان داشت[5] ودر ۹۹۰ درگذشت ودرجوار آستانهٔ شاهزاده حسین به خاك رفت. قاضی احمد قمی درخلاصة التواریخ ضمن وقایع این سال می‌نویسد: «روزجمعه ۱۸ ع ۲- ۹۹۰ مرحومی میرعلاء الملك مرعشی که ازافاضل سادات مرعشی قزوین بود به عالم بقاء رحلت کرد . مشارالیه بعد ازقضاء عسکر وصدارت گیلان چندمدت درمشهد مقدس به سربرد وایام سلطنت شاه اسماعیل (دوم) به قزوین آمده ، به واسطهٔ تقربی که با سلطان حیدر میرزا داشت رعایت نیافت ودرایام دولت وسلطنت شاه کامیاب به مبلغ بیست تومان نقد وجنس سیورغال سرافرازشد . . . فوت شد وبه اعزاز واحترام درتحت قبهٔ سامیهٔ امامزاده حسین علیه وابیه السلام والتحیه مدفون شد »[6].

در تاریخ عالم آرا نیزدربخشی که از سادات درگاه طهماسب سخن گفته است دربارهٔ وی می‌نویسد : «میرعلاءالملك ـ ازسادات مرعش دردارالسلطنهٔ قزوین ودردرگاه معلی بعض اوقات قاضی معسکر ظفراثربود . بعد ازفتح گیلان

---

۱. مجالس المؤمنین ۱ : ۱۴۹ .

۲. همان مأخذ وهمان جا/عالم آرا ۱ : ۱۴۶/مقدمهٔ احقاق الحق ۱ : ۱۱۰ و ۱۴۰ .

۳. عالم آرا ۱ : ۱۴۶ و ۱۵۵/مجالس المؤمنین ۱ : ۱۴۹/ وقایع السنین والاعوام : ۴۸۸ .

۴. خلاصة التواریخ : برگ ۲۱۶ عکس ۵۵۶۷ دانشگاه .

۵. عالم آرا ۱ : ۱۴۶/خلاصة التواریخ : برگ ۲۷۹ عکس ۵۵۶۸ دانشگاه .

۶. خلاصة التواریخ : برگ ۲۷۹ عکس یاد شده .

به منصب صدارت آن ولایت بین الاقـران ممتاز بود . جامع کمالات صوری ومعنوی ودرعلم اصول ورجال سر آمد روزگارخود ومحدث خوب بود . به غایت خوش صحبت وبذله گوومطبوع الطبایع وهمیشه درمجلس بهشت آیین زیاده ازدیگران به شرف مکالمه وهمزبانی اشراف اختصاص می‌یافت وباکمال تقوی وپرهیزکاری ازجمال ظاهرنیز حظ وافرداشت وبه هم‌زبانی‌های بی‌تکلفانه وسلیقهٔ طبعی سرورافزای خاطر ارباب ادراك وهم صحبتان بود» [1].

در کتاب فردوس در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن ـ از آثار قرن یازدهم ـ از زبان «عبدالواحد بن علی شوشتری» از دانشمندان قرن دهم آمده است که در اواسط این قرن از اصفهان به قزوین رفتم «وبه خانهٔ میرعلاءالملك مرعشی نزول نمودم واوپیش من حاشیهٔ مطالع قرائت می نمود وفاضل مدقق ملا ابوالحسن کاشی در آن زمان درقزوین بود ومیان او ومیرعلاءالملك برسر امری رقابت بود ومیرعلاء الملك می‌خواست که رقیب راآزاری کند. لاجرم درروزی که خبر گرفته بود که ملاابوالحسن برسر مقبرهٔ شاهزاده علاءالدین حسین که محل اجتماع مردم است به سیر آمده ، مراهمراه برداشته به آنجا برد وبه‌اتفاق باملاابوالحسن ملاقات واقع شد . .» [2].

نکات دیگری که دربارهٔ این میرعلاء الملك می‌دانیم چنین است [3]:

۱ـ ازنوشتهٔ عالم آرادانسته شد که اودر«علم رجال سر آمد روزگاربود». مجموعه‌ای خطی به قطع ربعی مشتمل برسه کتاب دراین علم (خلاصهٔ علامه ،

---

۱. عالم آرا ۱: ۱٤٦. درنسخهٔ چاپی دراینجا نام وی به‌صورت «میرعلاء النبی» آمده که محرف همین «علاءالملك» است به شهادت نوشتهٔ خوداین مأخذ درصفحهٔ ۱۵۵.

۲. فردوس ، چاپ انجمن آثارملی : ۵۷ .

۳. صاحب ذریعه درپاورقی صفحات ۱۳۱–۱۳۲ مجلد دهم آن کتاب وهمچنین در مصفی المقال خود : ۲٦۲–۲٦٦ بحثی مبسوط راجع به آثارمیرعلاء الملك نموده است .

رجال ابن‌داود ، رجال کشی) نزد جناب آیت‌الله مرعشی‌نجفی درقم‌دیده شد به نستعلیق علاء الملك بن عبدالقادرحسینی مرعشی درصبح چهارشنبه ١٤ محرم ٩٦٤ درقزوین (پایان کتاب اول) وپنج شنبه ٢٨ رجب ٩٦٤ (پایان کتاب دوم) وبا یادداشتی ازاودرآغاز کتاب سوم مورخ پنج شنبه ٥ شعبان ٩٦٤ ودیگری مورخ سه‌شنبه١٦ رمضان همان‌سال درقریه مزینان ازتوابع سبزواردرهنگامی که به جانب مشهد مقدس رضوی «ع» رهسپاربود ، باحواشی ازخود اوبرهر سه کتاب . ازاین نسخه درمقدمهٔ احقاق[1] نیزیاد گردیده است .

٢ـ نسخه‌ای ازاجازه محقق علی‌بن عبدالعالی کرکی به قاضی صفی‌الدین عیسی[2] مورخ ٩٣٧ درماه ذی‌قعدهٔ سال ٩٧٦ برای‌همین‌میرعلاءالملك‌استنساخ شده واودرپایان به خط خود نسب خویش راچنین نوشته است: «علاء الملك بن عبدالقادر بن شکرالله بن عبدالقادر بن منصوربن فغفوربن محمد الحسینی المرعشی »[3].

٣ـ درریاض العلماء افندی دردومورد نام و گزارش‌حال اوهست یکی در بخش نام‌ها درحرف «ع»[4] ودیگری دربخش القاب ذیل عنوان « مرعشی »[5].

---

١. صفحهٔ ١٤٠ .

٢. همان صدرمعروف دورهٔ آق قویونلو، چنان‌که کرکی درآغاز اجازه بدان تصریح می‌کند ومی‌نویسد اودرآن دولت پشتیبان شیعیان بود وبه آنان بسیارعنایت داشت چنان‌که دشمنانش بدین سبب اورا «رافضی» می‌خواندند. ببینید متن اجازه راکه مجلسی درمجلد اجازات بحار درج نموده است (بحار الانوار ، جلد ١٠٨ چاپ جدید ، ص ٦٩ـ٨١) .

٣. ذریعه ١٠ : ١٣١ـ١٣٢ پاورقی/مصفی المقال : ٢٦٢ با تحریف فغفوربه مغفور واین تحریف درهرجای ذریعه نیزکه ازاویاد شده تکرارگردیده است .

٤. ریاض العلماء ، ج ٣ شیعه . دراینجا وفات میرزا به سال٩٨٤ دانسته‌که خطاست مأخذ سرگذشت دراینجا تاریخ عالم‌آرای عباسی است .

٥. ریاض العلماء ، ج ٥ شیعه .

اودراین عنوان دوم کتابی درعلم رجال را ازآثار اوشمرده است[1].

٤ـ فهرست کتابی کافی ، ازعلاء الملك بن عبد القادربن شکرالله بن عبد القادربن منصوربن فغفوربن محمد حسینی مرعشی که آن را به خواهش مولی محمد علی ازدوستان خویش[2] طی ٦٠ روزتدوین نموده ودربامداد جمعه ١٧ ج ٢ـ ٩٨٥ به پایان رسانیده است . اودراین اثر کتب وابواب واحادیث کتاب کافی کلینی را فهرست کرده واحادیث صحیح وضعیف را مشخص ساخته واسناد روایات را بررسی نموده است . نسخه‌ای ازاین فهرست که آن را همان مولی محمد علی یك روزپس ازپایان تألیف استنساخ کرده ودرپایان اورا بسیارستوده است نزد شیخ صالح جزائری درنجف به نظرصاحب ذریعه رسیده بود[3].

٥ ـ حواشی وتعلیقات بر کتاب تهذیب شیخ طوسی ، از سید صدرعلاء الملك مرعشی که نسخه‌ای ازتهذیب را به خط خود طی سالیانی چنداستنساخ نمود ودرسال ٩٧٤ ازآن فراغت یافت . آن گاه آن را با نسخهٔ شیخ حسین بن عبدالصمدعاملی (پدرشیخ بهائی) مقابله کرد ودر ٢٤ رمضان سال ٩٨٦ درقزوین این مقابله را به پایان برد وبه خط خود برآن نسخه حواشی بسیار ومفصل در تنقیح اسانید کتاب وتحقیق احوال رجال آن نگاشت .

مولی سلطان حسین بن محمد ندوشنی استاد سلطان العلماء علاء الدین حسین مرعشی مازندرانی بخش اعظم این حواشی را ـ ازآغاز کتاب جهاد

---

١. ذریعه ١٠ : ١٣١ / مصفی المقال : ٢٦٣ به نقل ازتعلیقات حاجی نوری برمنتهی المقال استرابادی . نیزملحقات چاپ دوم توضیح المقال حاج ملا علی کنی .

٢. محمد علی بن خویبار بن داود که مجموعه‌ای نیز ازرسائل محقق کرکی را درسال های ٩٥٤ـ٩٥٥ استنساخ نموده است (ذریعه ١٠ : ١٣٢) .

٣. ذریعه ١٠ : ١٣٢ و١٦ : ٣٨٦-٣٨٧ .

تاپایان تهذیب ـ ازروی خط میرعیناًدرحواشی نسخهٔ خود (نسخ محمدحسین تبریزی مقدمی در۱۰۲٤) نقل نمود ودراوایل محرم ۱۰۲٦ درندوشن ازاین کار فراغت جست . اوبه تصریح نوشت که حواشی میرازآغازتا انجام کتاب بود که وی تنها به نقل این مقدارآن توفیق یافت .

میردرپایان کتاب مکاسب ازهمین تهذیب ازخود بدین شکل یاد نموده است:

«رقم لنفسه مادام حیاً وللمؤمنین الذین لهم استعداد الانتفاع منه بعدانقضاء الاجل الموهوب احوج الناس الی شفاعة النبی القرشی علاءالملك بن عبدالقادر بن شکرالله بن عبدالقادر بن منصور بن فغفور الحسینی المرعشی یـوم الثلاثا التاسع من اولی الجمادیین الخامس والعشرین من الجدی سنة سبعین وتسعمائة »

ندوشنی درچندجای نسخهٔ خود ازاوباستایش بسیاریاد کرده است ازجمله در پایان بدین گونه :

« السید الفاضل الکامل فی المعقولات والمنقولات ولاسیما درایةالحدیث وتحقیق احوال الرجال وتنقیح الاسانید » .

ودرمیانه درچند جابدین گونه ونظایر آن :

« السید السند الفاضل العادل السیدعلاءالملك المرعشی المتبحرفی العلوم الدینیة لاسیما علم الرجال والاخبار» .

این نسخه جزء موقوفات آخوند ملا علی نهاوندی درسال ۱۲۸۲ درنجف بوده است[۱].

٦ـ اودرپایان حواشی تهذیب خودازعده‌ای ازفضلا که همین کتاب تهذیب را نزداوخوانده وشاگردی کرده‌اند یادنموده وازدوتن آنان نام می‌برد یکی سید

---

۱. ذریعه ٦ : ٥۲ و ۱۰ : ۱۳۲/ مصفی المقال : ۲٦۳ـ۲٦٥/ یادنامهٔ هـزارهٔ شیخ طوسی ۱ : ۲٥۲ـ۲٥۳ و ۳٤۰ .

صالح سید محمدبن سیدمیران استرآبادی ، ودیگری فاضل صالح مولی ملك محمد سرکانی[1].

۷ـ صاحب ذریعه نسخه‌ای ازرجال کشی‌را دیده بود که ازروی‌نسخهٔ خط همین میرعلاء الملك ازسال ۹۷۲ تا ۹۸۳ استنساخ شده وبه گفتهٔ کاتب ، نسخهٔ میر از روی خط ابن سکون که‌آن را فاضل مقداد برسید عمیدی خوانده بود نوشته شده بود[2]. دورنیست که این نسخه همان باشد کـه درمجموعهٔ یاد شدهٔ پیش درقم است واکنون انجام‌آن افتاده است .

۸ ـ نسخه‌ای ازمـن لایحضره الفقیه صدوق بـه شمارهٔ ٤٦٠ درکتابخانهٔ مرعشی قم است به نستعلیق «علاء الملك بن عبدالقادربن شکرالله بن‌عبدالقادر ابن منصورالحسینی المرعشی» مورخ دوشنبه ۱۸ ج ۱ ـ۹۷٦[3].

ازبررسی نسب اودرسه جایی که به خط خویش‌نوشته است وسنجیدن‌آن بانسب سید صفی الدین شکرالله (شمارهٔ ٥ فهرست متولیان) معلوم می‌شود که اوبرادرزادهٔ سید زین‌العابدین مرعشی نخستین متولی شناخته شدهٔ‌آستانه بوده واین‌سید زین‌العابدین باپدرمیرعلاء الملك :سیدکمال الدین عبدالقادر(شمارهٔ ٤ فهرست متولیان) هردوفرزندان سید شکرالله بن عبدالقادر ونوادهٔ میرفغفور بوده‌اند. همچنین به‌دست‌می آید که‌نکته‌ای که درتصحیح‌عبارت سراج‌الانساب کیای گیلانی ـ باتغییر«فغفوربن معین بن‌محمد» به « فغفورمعین‌الدین بن‌محمد» ـ ذیل نام سید صفی الدین شکرالله (ش ٥ فهرست متولیان‌آستانه) درپـاورقی

---

۱. مصفی المقال : ۲٦٥ .

۲. همان مأخذ : ۲٦٦ .

۳. فهرست‌آن‌کتابخانه ۲ : ٦۷ . درشهداء الفضیله امینی نیزازاین دانشمند یـاد شده است (ترجمه ، ص ۲۹٥) .

گفته شد درست ومطابق واقع بوده است .

۱۰) سید عبدالمطلب مرعشی ، شاید فرزند دیگرهمان سیدکمال الدین عبدالقادر وبرادرمیرعلاء الملك ،که به شهادت همان فرمان مورخ رجب ۹٤٤ شاه طهماسب[۱] درآن تاریخ جزء متولیان مزاربوده وسند مزبوردرتأییدتولیت اوومیرعلاءالملك صادرشده‌است. فرمان‌مورخ۹۸۳ طهماسب[۲] که‌ازدر گذشت متولی مـزار درآن تاریخ سخن گفته وبه دو فرزند او اشاره نموده است گویا مربوط به مرگ همین سیدعبدالمطلب باشد. درفرمان مورخ۹۹۹شاه عباس[۳] از سه تن فرزندان وی امیر عزالدین محمد وامیرمحمد قاسم وامیر فخرالدین محمد یادمی‌شود .

۱۱) درویش قنبر.

۱۲) درویش عرب قلی .

۱۳) درویش محمدقلی .

این سه تن به شهادت فـرمانی ازشاه عباس مورخ رجب ۱۰۰۰ [٤] درآن هنگام متولی‌آستانه بوده‌اند. ازظاهراین‌سه نام چنین برمی‌آیدکه‌آنان ازسلسله سادات‌نبوده وبه عادت‌معهودآن دوره به‌عنوان متولی تفویضی عهده‌دارخدمت سرپرستی‌آستانه بوده‌اند . احتمال می‌توان دادکه به‌علت عدم تصدی هیچ‌یك ازافراد سلسلهٔ متولیان قدیمی، این سه تن که‌شاید خدمتگزارن‌آستانه بوده‌اند[٥]

---

۱. سند شمارهٔ ۱۰ .

۲. سند شمارهٔ ۱۲ .

۳. سند شمارهٔ ۱٤ .

٤. سند شمارهٔ ۱٥ .

٥. درسند شمارهٔ ۱۷ مربوط به سال ۱۰۱٦ ازدرویش کفشدارآستانه یاد شده است .

سرپرست آن به شمار می‌رفته‌انـد . لیکن باید توجه داشت که القابی ازقبیـل بیك وخان ودرویش ونظایر آن در آن عصر ـ آن چنان که دردوره‌های بعدرایج گردید ـ منحصربه غیرسادات نبود . درتذکرهٔ شاه طهماسب هست کـه یکی ازسادات مرعشی مازندران درسال۹۳۲ ازجانب اوبه لقب‌خانی ملقب گردید[۱] واطلاق این لقب برافرادی ازسادات درآن عهد وهمچنین دردوره‌های قاجار بسیاردیده می‌شود[۲]. نام درویش بیك ازسادات مرعشی قزوین که درسال‌های ۱۰۲۰ و۱۰۲۳ به رسالت بـه روم ودکن فرستاده شد ودرمورد اخیر فرزندش «محمدی‌بیك» پس ازمرگ پدرعهده‌دارآن خدمت گردیدپیش ازاین گذشت . بنابراین ، این سه تن می‌توانند ازهمین خاندان باشند .

۱٤) میرعبدالقادرمرعشی نوادهٔ میرعبدالمطلب(گویا فرزند میرفخرالدین محمد فرزند او)که درسال ۱۰۵۲ متولی آستانه بود[۳].

۱۵) میـرمحمد نصیر فرزند میرعبدالقادر مرعشی متولی آستانـه در سال ۱۰۹٤[٤]. فرمانی مورخ صفر۱۱۰۳ ازشاه سلیمان در واگذاردن تولیت آستانه شاهزاده حسین به وی دردست است که دراسنادآینده می‌بینیم[۵].

۱٦) میرفخرالدین‌محمد فرزند دیگرمیرعبدالقادرمرعشی که درسال۱۰۹٤

---

۱. تذکرهٔ شاه طهماسب : ۱۳ .

۲. یك نمونهٔ مشهورآن سید علی خان شوشتری حویزی دانشمند مشهوردورهٔ صفوی، وشارح صحیفهٔ سجادیه وصمدیهٔ نحو، ونگارندهٔ سلافة العصر والدرجات الرفیعه وجزاینهاست. نیزنجف‌خان صدرشاه سلیمان که ازسادات حسینی‌است وغیراینان.

۳. اسناد شمارهٔ ۲۱ و۲٤ .

٤. سند شمارهٔ ۲٤ .

۵. سند شمارهٔ ۲۵ .

با برادر مذکور خود متولی آستانه بوده[1] ودر پیرامون سال ۱۱۵٤ در گذشته است[2].

۱۷) میرعبدالقادر مرعشی فرزند میرمحمد نصیر فرزند میرعبدالقادر[3] از متولیان آستانه درسال ۱۱۳۰[4].

۱۸) میرمحمد قاسم فرزند دیگرمیرمحمد نصیرمزبور[5] ازمتولیان مزار در آن سال‌ها[6].

۱۹) میرعبدالعظیم فرزند دیگرمیرمحمد نصیر[7]. ازمتولیان آستانه درسال ۱۱۲۵[8]، قبض اومورخ ع ۱-۱۱٤۱ باعنوان متولی مزاردرپشت فرمان شمارهٔ ۳۱ این مجموعه هست ودو محضر نیز درباب انحصارتولیت به وی در دست داریم[9]. آخرین سندی که درتفویض تولیت بدو ـ باذکرنام به صراحت ـ در دست است مورخ ۱۱٦٤ است[10].

۲۰) میرمحمد ابراهیم فرزند میرعبدالعظیم ، متولی آستانه پس از پدر خود[11].

---

۱. سند شمارهٔ ۲٤ .

۲. سند شمارهٔ ۳٤ .

۳. سند شمارهٔ ۳۰ .

٤. سند شمارهٔ ۲۹ .

٥. سند شمارهٔ ۳۰ .

٦. سند شمارهٔ ۳۰ ایضاً .

۷. همان سند .

۸. سند شمارهٔ ۲۸ .

۹. دوسند شمارهٔ ۳۲ و۳۳ .

۱۰. سند شمارهٔ ٤۳ . اسناد شمارهٔ ۳٤ تا ٤۳ همگی مربوط به اوست .

۱۱. اسناد شمارهٔ ٦٥ تا ٦۷ .

۲۱) میرمحمد نصیر مشهور به‌آقا میرزایی[۱] فرزند دیگـر میرعبدالعظیم مزبور[۲]. نقیب سادات قزوین در۱۱۶۳با فرمانی ازشاه سلیمان ثانی[۳]، متولی آستانه در۱۱۹۱[٤]ودر گذشتهٔ پیش ازسال ۱۲۱۲[٥].

۲۲) میرعبدالعظیم نـوادهٔ میرعبدالعظیم پیشین ـ مذکور درشمارهٔ ۱۹ ـ (گویا فرزند میرمحمد ابراهیم فرزند او) مشهوربه‌آقا میر[٦]، متولی‌آستانه در ۱۲۰۷[۷].

۲۳) میرابراهیم مرعشی نوادهٔ دیگرمیرعبدالعظیم مزبور، مشهور به‌آقا ، که دررجب۱۲۱۰ درامورآستانه مداخله داشته[۸]واز۱۲۱۲ تاپس ازسال ۱۲۳۹ متولی‌آستانه بوده وپیش از۱۲۵۰ درگذشته است[۹].

۲٤) سید احمد مرعشی متولی‌آستانه در۱۲۱۸[۱۰].

۲٥) میرزا موسی فرزند میرعبدالعظیم‌آقامیر، متولی‌آستانه در۱۲۳۰وپس ازآن[۱۱]. اوداماد میرابراهیم مرعشی یاد شدهٔ پیش (شمارهٔ ۲۳) بود[۱۲].

---

۱. سند شمارهٔ ٤٥ .
۲. همان سند پیش واسناد شمارهٔ ٦٥ـ٦۷ .
۳. سند شمارهٔ ٤۱ .
٤. اسناد شمارهٔ ٤٥ و٤٦ .
٥. سند شمارهٔ ٥۱ .
٦. اسناد شمارهٔ ٤۹ و٦۳ .
۷. سند شمارهٔ ٤۸ .
۸. سند شمارهٔ ٥۰ .
۹. اسناد شمارهٔ ٥٤ـ۷٥ .
۱۰. سند شمارهٔ ٥۸ .
۱۱. اسناد شمارهٔ ٦٤ـ٦۷ .
۱۲. سند شمارهٔ ٦٤ .

۲۶) سید احمد فرزند میرابراهیم مرعشی مزبور، متولی آستانـه پس از پدرخود که پیش‌از ۱۲۵۰ درگذشته بود تا پس‌ازسال ۱۲۹۰[۱]، درگذشتهٔ پیش از۱۲۹۶[۲].

۲۷) سید حسن فرزند سید احمد مزبور، متولی آستانه پس ازپدرخود تا پیرامون سال ۱۳۱۵ که درگذشته است[۳].

۲۸) حاجی سید حسین فرزند دیگرسید احمد مزبور، شریك برادر خود درامرتولیت[۴]. درگذشتهٔ ع ۱ – ۱۳۱۷ .

۲۹) سید علی مرعشی فرزندآقا سید حسن مزبور (شمارهٔ ۲۷) که پس از درگذشت پـدر به مشارکت با عم خویش حاجی سید حسین[۵] وازسال ۱۳۱۷ مستقلا تولیت آستانه را عهده‌داربوده ودر۱۳۶۳ قمری درگذشته است .

۳۰) سید ابراهیم مرعشی فرزند دیگرسید حسن مزبورکه پس ازبرادربه امورآستانه می‌پرداخته است .

ازسید علی مرعشی فرزندی با نام سید حسن ، وازسید ابراهیم فـرزندی بانام سیدحسین باقی‌مانده که هردواکنون ازاعضاء هیأت پنج‌نفری امناءآستانهٔ مقدس می‌باشند .

* * *

---

۱. اسناد شمارهٔ ۷۶–۱۱۴ .

۲. سند شمارهٔ ۱۱۷ .

۳. اسناد شمارهٔ ۱۱۷–۱۳۹ .

۴. اسناد شمارهٔ ۱۲۶ و۱۲۸ و۱۳۷–۱۳۹ .

۵. اسناد شمارهٔ ۱۳۹–۱۴۱ .

به‌طوری که ازاسناد برمی‌آید درسراسر دورهٔ صفوی افرادسلسلهٔ مرعشی بـدون دخالت ومزاحمت دیگران مستقلا ادارهٔ امـور آستانه را عهـده‌داری می‌نموده‌اند ، لیکن پس ازاین دوره نمونه‌هایی ازچشمداشت دیگران بـه امر تولیت یانظارت آستانه دراسناد دیده می‌شود که پنج موردآن به قرارزیراست:

۱) سید علی فرزند سید ابراهیم قزوینی . این شخص درسال ۱۱۵٤ پس ازدر گذشت‌میرفخرالدین‌محمد فرزند میرعبدالقادرمرعشی (شمارهٔ ۱٦صورت بالا) به در گاه نادرشتافته وبه‌استناد این که سید مزبورفرزندی نداشت فرمانی‌از نادردرتفویض تولیت آستانه به خود ستانده بود . ازاین‌رومیرعبدالعظیم فرزند میرمحمد نصیر وبرادرزادهٔ میرفخرالدین مزبورکـه بـه حسب قواعد مستمر وسنن ورسوم‌آستانه متولی شرعی می‌بود به حضورنادررفت وفرمانی درنقض فرمان سید علی ازاو گرفت که ددآن بـه دعوی‌آن سید وماجرای صدورحکم مربوط بدواشاره شده است[۱].

سید علی پس ازاین واقعه رهسپاردیوان صدارت گردید تاخطابی درنقض فرمان میرعبدالعظیم برای خود بستاند . ایـن نکته در عرضه داشت همین میر عبدالعظیم به دیوان صدارت[۲] ذکرشده وخطاب صدربالای این عریضه مبنی برتأیید مقام تولیت او گویا به‌آن کشمکش پایان بخشیده است .

۲)آقا مهدی فرزند ملاعبدالکریم بزازکـه دراوائل سلطنت فتحعلی شاه دعوی نظارت‌درامورآستانه داشت وحکمی ازعباس میرزانایب‌السلطنه ولیعهد درتفویض این منصب به خود ستانده بود . فرمانی ازفتحعلی شاه وحکمی از ولیعهد هردو مورخ رجب ۱۲۱۷[۳]وحکمی دیگرازمحمد علی میرزا دولتشاه

---

۱. سند شمارهٔ ۳٤ .

۲. سند شمارهٔ ۳۵ .

۳. اسناد شمارهٔ ۵۵ و۵٦ .

مورخ ع ۱ ـ ۱۲۱۸[۱] درنقض حکم نظارت او وبـه نفع استقلال میرابراهیم متولی درامرتولیت صادرشده است .

آقا مهدی گویا بعد ازاین فرمانی نیزدرباب نظارت خود ازفتحعلی شاه به دست آورده بودکه درمتن عرضه داشت متولی مزبوربه آن پادشاه بدان اشاره شده[۲] ودرآن ازادامهٔ دعوی وی درامر نظارت یادگردیده است . فرمان مورخ ذ ح ـ ۱۲۱۹ شاه مزبوربالای همان عریضه درنقض فرمان پیشین وحکم ولیعهد صادرشده وظاهراً پس ازاین دست آقامهدی ازامورآستانه کوتاه گردیده است .

۳) درحکمی ازشاهزاده علی نقی میرزارکن الدوله حکمران قزوین مورخ ج ۲ ـ ۱۲۲۸[۳] گفته می‌شودکه کسی درآن ایام حکمی درباب تصدی نظارت امورآستانه از وی گرفته بودکه این حکم درنقض آن صادرشده است . درچند سند دیگر نیز[٤] از مداخلهٔ « بعضی معاندین » درامر تولیت آستانه سخن رفته که مربوط به همین مورد یا مورد بعد است .

٤) میر نعمت الله حسینی قزوینی که درسال‌های ۱۲۳٦ به بعد ـ که امور آستانه سخت دچاراغتشاش ودرهم ریختگی بوده ـ به صلاح دید علمـاء آن دوره حسبتاً به نظارت وتصدی امورآستانه گمارده شده[٥] وحکمی مورخ شوال ۱۲۳٦ ازشاهزاده علی نقی میرزا رکن الدوله درتفویض نظارت آستانه بدو[٦]

---

۱. سند شمارهٔ ٥٧ .

۲. سند شمارهٔ ٥٩ .

۳. سند شمارهٔ ٦۳ .

٤. اسناد شمارهٔ ٦٥ـ٦٧ .

٥. سند شمارهٔ ۸٤ .

٦. سند شمارهٔ ٦۸ .

وحکمی دیگر از همو مورخ محرم ۱۲۳۷ در واگذاردن تولیت آنجا به وی[۱] ودو حکم دیگر درهمین بـاب مورخ ذ ح ـ ۱۲۳۸ ومحرم ۱۲۳۹[۲] در اسناد حاضردیده میشود .

۵) سید رضی فرزند میرنعمت‌الله مزبورکه درسال ۱۲۷۱ به استنادتصدی پیشین پدرخود واحکام شرعی وعرفی درتفویض ادارهٔ امورآستانه بـدو، بـه دعوی‌تولیت برخاسته وحکمی مورخ‌ج۱ ـ ۱۲۷۱ ازشاهزاده سیف‌الله میرزا حکمران وقت قزوین مبنی برتولیت خود ستانده بود[۳]. ماجرای منازعهٔ او با میرسید احمد متولی‌آستانه بیش ازپانزده سال بطول انجامید وبیش‌تراسنادی که ازشمارهٔ۸۳ تا۱۱۳ دراینجامی‌بینیم درموردهمین کشمکش و گفتگواست .

۲ ـ موقوفات :

آستانهٔمقدس شاهزاده‌حسین‌چنان که گذشت ازهمان قرن‌های پنجم وششم نذورات وموقوفات داشته ودردورهٔ صفوی بـرموقوفات‌آن بسیار افزوده شده است . دراسنادآغازاین دوره پیش ازوقف‌های طهماسب وشاه بیگی بیگم از « موقوفات آستانه » یاد میشود[۴].

---

۱. سند شمارهٔ ۶۹ .

۲. اسناد شمارهٔ ۷۳ و ۷۴ .

۳. سند شمارهٔ ۸۴ دیده شود .

۴. اسناد شمـارهٔ ۳ و ۶ . درکتابچهٔ مـوقوفات وخالصه جات دورهٔ نـاصری (مقالهٔ نویسنده درمجلهٔ راهنمای‌کتاب ۱۸ : ۴۳۵-۴۴۲) ثبت موقوفات شاهزاده حسین هست (۹۳ ر ـ ۹۹ پ) . این‌کتابچه جز دفتـر رقبات ناصری است‌که به اهتمام میرزا هدایت وزیردفتردورهٔ ناصری براساس قباله‌جات آن‌عهد تهیه شده ووصف آن همراه تصویر برگ نخستین نسخه درسالنامهٔ دنیا ، شمارهٔ ۱۵ (سال ۱۳۳۸)

درمیان یکصد وپنجاه طغرا سندی که دراین بخش خواهیم دید به شرحی که‌پیش‌تر گفته‌شد شش‌طغرا وقف‌نامه است لیکن‌بسیاری ازاحکام واسناددیگر نیز مربوط به موقوفات آستانه یا مشتمل برنام آنها ، ویك طغرا نیز[1]فهرست رقبات موقوفهٔ آستانه است که بابررسی مجموع آنها نام تعدادی از موقوفات مزبور بدین شرح دانسته میشود .

۱) هفت سهم ازدیه دستجرد حماد ازقراء بلوك اقبال قزوین که وسیلهٔ کیا ملك هزاراسپی در ۲۰محرم سال ۷۷۳ برمصارف مزاروقف گردیده است[2]این قریه را در دوره‌های بعد « نجف‌آباد » خوانده‌اند[3].

۲) حمام امیرغیاث الدین واقع درمحلهٔ شهرستان قزوین که دردورهٔ شاه اسماعیل اول ازموقوفات آستانه بوده است[4].

۳) شاه بیگم بیگی همسرشاه اسماعیل اول پیش ازسال ۹۳۸ رقباتی چند برمزار وقف نمود[5] که نام وخصوصیات آنهادانسته نیست لیکن‌درفرمانی‌مورخ ۹٤٤[6]از« مواضع وباغات » وحمام که برآستانه وقف بوده‌است یاد می‌شود.

صفحهٔ ٥ دیده می‌شود .

به مناسبت ذکرمی گرددکه درکتابچهٔ قانون ش ٦۲۲۷ کتابخانهٔ ملك (منزوی ۲: ۱٦٦۰) بحثی درباب خالصهٔ قزوین هست .

۱. سند شمارهٔ ۸٦ .

۲. سند شمارهٔ ۱ .

۳. سند شمارهٔ ۸٦. درمینودر:۹۷٦ ازچهارقریه درپیرامون قزوین بانام «نجف‌آباد» یاد شده است .

٤. سند شمارهٔ ۳ .

٥. سند شمارهٔ ۷ .

٦. سند شمارهٔ ۱۰ .

٤) کمال الدین ملك بیك سرکارموقوفات بیگمی مزار درسال ۹۳۸ قناتی جهت آستانه احیاء نموده بود[۱].

۵) حمام‌شاهی قزوین پیوسته به دولت‌خانهٔ شاه طهماسب وازبناهای خود او[۲] که درج ۱ ـ ۹۳۸ برآستانه وقف داشت[۳].

٦) یك دانگ مشاع قریهٔ دزج از قراء بلوك اقبال قـزوین [٤] ، وقف شاه بیگی بیگم در ۱۲ محرم سال ۹٤۳[۵].

۷) قنات میرزایی ازقنوات مشهورقزوین درآن دوره که حمام شاهی بـر آب آن قنات وقنات خمارتاشی دایربود [٦] ازموقوفات آستانه درسال ۹٤٤ [۷] .

۸) چهار دانگ ازقریهٔ شنستق علیای رامند [۸] کـه خود وقف آستانه بود ومال وجهات آن همانند هفت سهم وقفی دیه دستجرد اقبال به سیورغال اولاد امیرحبیب الله ـ ازسلسلهٔ سادات مرعشی آن شهر ـ مقرربوده است[۹].

۹) دودانگ ازقریهٔ کچلجرد دشتبی[۱۰] که خود وقف ، ومال وجهات آن

---

۱. سند شمارهٔ ۷ .

۲. درعالم‌آرا ۱ : ۱۲٤ ازحمام چهاربازار درشمارابنیهٔ طهماسب یاد شده است .

۳. سند شمارهٔ ۸ .

٤. مینودر: ۸۸۲ .

۵. سند شمارهٔ ۹ ، وشمارهٔ ۱۰ نیزدیده شود .

٦. سند شمارهٔ ۸ مورخ ۹۳۸ .

۷. سند شمارهٔ ۱۰ .

۸. مینودر: ۸۸٤ .

۹. اسناد شمارهٔ ۱٦ و۲۰ و۲۵ و۲۸ و۲۹ و۳۸ و٤۰ و٤۱ و٥٤ و۸٦ دیـده شود ، نیزاسنادکشمکش برسر این موقوفه درپایان همین بحث .

۱۰. مینودر: ۹۳۱ـ۹۳۲ .

نیزمانند دوموقوفهٔ شنستق ودستجرد سیورغال بود [1] .

۱۰) یك دانگ ازقریهٔ امینقان ازبلوك دشتبی [2] ازاسناد چنین برمی‌آید که درآغاز مال وجهات این قریه به سیورغال مزار مقرر بوده وکم کم از موقوفات آنجا شمرده شده است .

۱۱) جوسق مره ازبلوك اقبال [3] .

۱۲) برزلجین ازبلوك رامند [4] که دربرخی اسناد جزء موقوفات آستانه ذکرشده است [5] . این قریه نیزدرآغاز مال وجهات آن سیورغال آستانه بوده وسپس موقوفهٔ آن دانسته شده است [6] .

۱۳) دوازده هنگام ازآب‌دورود ارنزك ودزج [7] شصت روزپس ازنوروز سلطانی [8] ازهمین آب وقفی در طومار تقسیم آب رودخانه‌های قزوین مورخ به سال ۱۱۰۳ [9] براساس فرمانی ازعباس دوم مورخ ج۲-۱۰۶۳ یادشده‌است.

۱۴) آب جمعگی ، وآن عبارت بود ازیك روزازهفت روزآب رودزج

---

۱. اسناد شمارهٔ ۱۶ و۲۵ و۲۸ و۳۱ و۳۸ و۴۰ و۸۶ و۸۹ و۹۵ .

۲. اسناد شمارهٔ ۱۶ و۲۵ و۲۸ و۳۸ و۴۰ و۴۲ و۵۴ و۸۶ و۸۹ و۹۵ ، جزآن که مقدارموقوفه را دربرخی ازاین اسناد یك دانگ ودریکی دوسند اخیریك دانگ ونیم نوشته‌اند .

۳. اسناد شمارهٔ ۲۵ و۳۱ و۴۰ و۴۲ و۸۹ (درمینودر: ۶۶۴ به صورت جوسب مرد یا جوسق مرد) .

۴. مینودر: ۸۸۴ .

۵. اسناد شمارهٔ ۲۵ و۳۱ و۴۰ و۴۲ و۹۵ .

۶. سند شمارهٔ ۲۹ دیده شود .

۷. دربارهٔ این دورود مینودر: ۸۳۴-۸۳۵ دیده شود .

۸. اسناد شمارهٔ ۲۵ و۲۸ و۲۹ و۳۸ و۴۰ و۴۱ و۸۶ و۹۵ و۱۱۷ و۱۲۵.

۹. سند شمارهٔ ۲۶ .

که‌درروزهای جمعه به‌آستانهٔ شاهزاده حسین اختصاص داشت [1] .

۱۵) دودانگ ازباتومجین قهپایه [2] .

۱۶) چهاردانگ ونیم طاحونهٔ قوشخانه[3].

۱۷) شش دانگ خروزان رامند[4] .

۱۸) شش دانگ مزرعهٔ گناج اقبال[5] که پنج دانگ ونیم‌آن ازموقوفات میرزا شرف فرزند قاضی جهان حسینی است[6]. نام مزرعهٔ مزبور دردوره‌های بعد به اکبرآباد تغییریافته است [7].

۱۹) باغ صفی‌آباد مشهور به هزارجریب ، وقفی شاه سلطان حسین [8].

۲۰) باغ سلیمان‌آباد ، وقف همو[9].

۲۱) قطعه زمینی درقریهٔ ده‌دوشاب رودباربا نام شاهزاده زمین که گویا از موقوفات‌آستانه بوده است[10].

---

۰۱ همین سند شمارهٔ ۲۶ .

۰۲ سند شمارهٔ ۲۸ ، اسناد شمارهٔ ۲۴ و۲۵ و۳۱ نیز دیده شود . در مینودر نام باتمه‌جین (ص ۸۳۶) وباتمجین یا بادمجین (ص ۹۶۵) هست .

۰۳ اسناد شمارهٔ ۲۸ و۴۰ و۸۶ ، نیز اسنادکشمکش برسراین موقوفه درپایان همین بحث موقوفات .

۰۴ اسناد شمارهٔ ۲۹ و۵۴ و۸۶ و۹۵ ، جزآن‌که دراین دوسند اخیر سه دانگ آن وقف دانسته شده است . نام آن در مینودر: ۹۳۱ و۹۳۲ هست .

۰۵ اسناد شمارهٔ ۳۱ و۴۰ و۴۱ و۴۵ و۴۶ و۴۸ و۵۰ و۵۳ و۸۶ و۸۹ و۹۵ .

۰۶ سند شمارهٔ ۴۸ .

۰۷ سند شمارهٔ ۸۶ .

۰۸ سند شمارهٔ ۴۷ .

۰۹ همان سند .

۱۰ سند شمارهٔ ۸۰ .

۲۲) چهار قطعه باغ ، دوقطعه متصل به فند سلیجرد ودو قطعه متصل به فندماجیل آباد [۱]. دوتای آن باید همان دوباغ وقفی شاه سلطان حسین باشد .

۲۳) سه ساعت ازجمله ۱۲ ساعت آب قنات خیابان قزوین [۲] در روزهای سه‌شنبه، وقفی میرزا نبی‌خان امیرتومان نصرالملك فرزند نصرالله خان سرکردهٔ فوج قزوین درسال ۱۳۰۹ [۳].

۲٤) یك دورهٔ یکصد وبیست پاره‌ای قرآن کریم که میرزا حسن خان کچلجردی درسال ۱۳۳۱ (ه . ق) وقف آستانهٔ شاهزاده حسین کرده است [٤].

* * *

جز اینها مال ومتوجهات دیوانی این محال نیز به عنوان مستمری آستانه یامدد معاش متولیان آنجا مقرربوده است ، البته به صورت « علی البدل » که درهردوره برخی ازاین محال درجمع‌دیوانی به نام آستانه بود :

۱) ملك آباد درویش آباد [٥] ازبشاریات [٦] . پیش‌تر ازاین نیز به عنوان سیورغال اولاد امیرحبیب‌الله [۷] مال وجهات آن راسادات متولی آستانه میبرده‌اند.

۲) قریهٔ ترکمان کندی [۸].

---

۱. سند شمارهٔ ۸۷ .

۲. ببینید : مینودر، ص ۲٦۷–۲٦۸ .

۳. سند شمارهٔ ۱۳۷ .

٤. سند شمارهٔ ۱۳۸ .

٥. چنین‌است دراسناد به‌صورت یك‌نام ، بدون فصل واوعطف . لیکن درسند شمارهٔ ۱٤ مزرعهٔ‌درویش‌آباد به‌سیورغال اولاد میرعبدالمطلب متولی‌مقرر گردیده است.

٦. اسناد شمارهٔ ۲۹ و۳۱ و٤۰ و٤۱ .

۷. سند شمارهٔ ۱٦ .

۸. سند شمارهٔ ۳۱ .

۳) یوسف‌آباد بشاریات[۱].

٤) مزرعه عبدالله مشهوربه عباس‌آباد ، ازساوج بلاغ[۲].

٥) قصبهٔ ورامین ازمحال ری[۳].

٦) برخ‌آباد محمد بیگی ، ازساوج بلاغ[٤].

۷) قریهٔعبدل‌آباد بشاریات[٥] که ازاوقاف غازانی بوده وجزء سیورغالات اولاد میرعبدالمطلب متولی است[٦].

۸) قریهٔ کلج بشاریات ، به شرح قریهٔ عبدل‌آباد[۷].

۹) قریهٔ درویش‌آباد بشاریات ، به شرح ایضاً[۸].

۱۰) مزرعهٔ مردکران (؟) ساوه که درزمان شاه خدا بنده وشاه عباس به سیورغال‌آستانه مقرر بود[۹].

۱۱) صامغان‌بشاریات[۱۰] که نخست‌به‌عنوان سیورغال‌اولادامیرحبیب‌الله[۱۱] وسپس به‌عنوان مستمری میرفخرالدین محمد ومیرمحمد نصیرمرعشی متولیان

---

۱. همان سند .

۲. ایضاً .

۳. ایضاً .

٤. سند شمارهٔ ۳۷ .

٥. مینودر: ۹۰۳–۹۰٤ .

٦. سند شمارهٔ ۱٤ .

۷. همان سند .

۸. ایضاً .

۹. سند شمارهٔ ۱٥ .

۱۰. همان شریف‌آباد واقع درکناردراه قزوین‌به‌تهران (مینودر: ٥۱٤. نیزدیده شود: صفحات ۱۱٥ و۱۱٦ و۱٤٤) .

۱۱. سند شمارهٔ۱٦.

آستانه[1] وپس‌ازاین به عنوان سیورغال اولاد قوام الدین امیر محمد جعفر مرعشی[2] به سیورغال متولیان آستانه مقرربوده است .

۱۲) مهاباد بشاریات ، ازبابت سیورغال اولاد امیرحبیب الله[3] وسیورغال اولاد قوام الدین امیرمحمد جعفرمرعشی[4].

۱۳) رضی‌آباد بشاریات[5] ازمحل سیورغال اولاد امیرحبیب الله[6].

۱٤) سالانك(؟) بشاریات ، مستمری میرفخرالدین محمد ومیرمحمدنصیر مرعشی متولیان آستانه[7].

۱۵) فخرآباد بشاریات[8] به شرح فوق[9].

۱٦) برجین (؟) آباد بشاریات ، ازمحل سیورغال اولاد قوام الدین امیر محمد جعفرمرعشی[10].

۱۷) شرف‌آباد اقبال به‌شرح فوق[11].

---

۰۱ اسناد شمارهٔ ۲٤ و۳۱ .

۰۲ اسناد شمارهٔ ۲۷ و۳۱ .

۰۳ سند شمارهٔ ۱٦ .

۰٤ اسناد شمارهٔ ۲۷ و۳۱ .

۰۵ واقع درکنارشمس‌آباد ازاین بلوك (مینودر: ۵۱۵) .

۰٦ سند شمارهٔ ۱٦ .

۰۷ اسناد شمارهٔ ۲٤ و۳۱ .

۰۸ سه دانگ این قریه ازموقوفات مسجد جامع کبیر قزوین بوده ونام آن درطومار وقف آنجا هست (مینودر: ۵۱۵) .

۰۹ اسناد شمارهٔ ۲٤ و۳۱ .

۱۰۰ اسناد شمارهٔ ۲۷ و۳۱ .

۱۱۰ همان اسناد .

۱۸) قریهٔ صفی خواجه بشاریات[۱].

۱۹) قریهٔ ماخورین قهپایه[۲].

جزاینها درپایان دورهٔ شاه‌سلطان حسین آستانه یك مستمری نقد وجنس به مبلغ ومقداربیست تومان و۳۳ خرواروه۱من داشته[۳] که دردورهٔ طهماسب دوم چهارتومان ویك‌هزار ونه صددینارنقد وسی‌خرواروسی وسه من جنس آن مجری گردیده[۴] ودرفرمان‌های بعد به مبلغ ومقدارسابق‌باز گشته ودردورهٔقاجار تغییراتی یافته است لیکن آخرین رقم آن که درپایان دورهٔ مزبورمجری بوده برابرهمان میزان نخست (بیست تومان و۳۳ خرواروه۱ من) بوده است[۵].

* * *

درمیان‌موقوفاتی که یادآن گذشت برسردو موقوفه کشمکش‌هایی روی‌داده که چون اسنادی دراین مجموعه دربـارهٔ هریك ازآن کشمکش‌ها هست بـه اجمال به‌آن دومورد اشاره‌ای می‌رود :

۱) طاحونهٔ قوشخانه که چهاردانگ ونیم آن به مقتضای مفاد اسناد شمارهٔ ۲۸ و ٤۰ و ۸٦ وقف آستانه بوده ومتولیان مزارآن را اجاره می‌داده‌اند. درسال ۱۲۱۲ برسراین طاحونه میان متولیان مزار وورثهٔ مستأجرپیشین منازعه‌ای‌بود

---

۱. سند شمارهٔ ٤۳ . منطقه‌ای به نام « امیرخواجگان » در بشاریات هست (مینودر: ۹۰۳ و۹۰٤) ولی به این نام درآن کتاب برخورد نشد .

۲. اسناد شمارهٔ ۸۱ و۸۲ (مینودر: ۹۰٦) .

۳. اسناد شمارهٔ ۲۸ و۲۹ .

٤. سند شمارهٔ ۳۱ .

۵. مینودر: ٦٦٤ ، ولی دراین‌کتاب به جای ۳۳ خروار، ۳۷ خروار است که گویـا اشتباه چاپی است .

که با اقدامات ووساطت مصلحان‌به سازش انجامید [1] لیکن پس ازاین‌شاهزاده علی نقی میرزا رکن الدوله‌ـحکمران قزوین دردورهٔ فتحعلی شاه ـدرروزگار حکومت خودآن‌را بدون اعتنا به وقفیت غصب‌نموده وبه دیگری منتقل‌ساخته بود [2] وکشمکش متولیان‌آستانه با متصرفان بعدی تا اوایل قرن حاضربه طول انجامید و گویا سودی هم نبخشید [3].

۲) قریهٔشنستق‌علیاازبلوك رامند قزوین که چهاردانگ آن چنان که‌دیدیم [4] ازموقوفات قدیم‌آستانه بود . این چهاردانگ رابرای‌نخستین باردرسال۱۰۲۹ عباس قلی یساول بدون جهت شرعی تصرف نموده ودراین باب مثالی مورخ ج ۱ ـ ۱۰۲۹ ازدیوان صدارت شاه عباس اول صادرشده بـود [5]. پس ازاین موقوفه به تصرف متولیان مزارباز گشته ، وهمچنان بود تـا نادرشاه موقوفات آستانه را مانند موارد مشابه به خالصه معمول داشت [6] واز آن پس از دست متولیان بیرون رفت .

درع ۲ـ۱۲۱۸ حاجی محمدحسین خان‌افشارسهم وقفی‌شنستق رادردست داشته ودیناری‌به‌آستانه نمی‌پرداخت [7]. درشعبان ۱۲۲۲ شاهزاده علی‌نقی‌میرزا حکمی‌برای تسلیم‌آن به متولیان صادرنمود که‌گویا مجری‌نشد [8]. سواد اجاره

---

۱. سند شمارهٔ ۵۱ .

۲. اسناد شمارهٔ ۷۶ و۷۷ .

۳. اسناد شمارهٔ ۸۹ و۹۵ و۱۲۲ و۱۲۳ و۱۲۴ دیده شود .

٤. شمارهٔ ۸ فهرست موقوفات پیش .

۵. سند شمارهٔ ۲۰ .

٦. سند شمارهٔ ۳۸ .

۷. سند شمارهٔ ۵۸ .

۸. سند شمارهٔ ٦۰ .

نامه‌ای مورخ رجب ۱۲۳۸[۱] دراسناد حاضرهست که بنا بر مدلول آن ، حاجی محمدحسین خان افشارچهاردانگ مزبوررا ازمتولی وقت اجاره نموده است، لیکن معلوم نیست این سواد تاچه اندازه اصالت دارد . پس ازاین دراسادی دیگر نیزبه مسألهٔ تصرفات غصبی دراین ملك اشاره شده است[۲].

پس از در گذشت متصرف مزبورمیان ورثهٔ اواز یك سو ومتولیان آستانه ازسوی دیگرمنازعه‌ای آغازشد که سالیانی درازبه طول انجامید. نخستین سند مربوط به‌این منازعه مورخ رمضان ۱۲۹۶ است[۳]. دوطرف منازعه یك بارنیز درمحضرحاکم‌شروع قزوین‌مرافعه نموده وحکم به سود وقف صادرشده‌بود[۴] پس‌ازاین، ورثهٔ خان‌افشارصورت نزاع رابه محاکم‌شرع‌دارالخلافه‌نقل‌نمودند که درآنجانیزامربه زیان آنان گذشت[۵] لیکن‌باآشفتگی‌های‌امورآن دوره ونفوذ محلی خوانین مزبوردرمنطقهٔ مورد نزاع با همهٔ پی گیری‌های متولی‌آن دوره (آقا سید حسن فرزندآقا سید احمد ، وفرزندش سیدعلی) که اسنادآن درهمین مجموعه هست[۶] کاری از پیش نرفت وموقوفه همچنان در تصرف متصرفان مزبورباقی ماند.

ازاسناد این کشمکش که دربررسی‌اوضاع اجتماعی‌آن دوره بسیارسودمند است به‌روشنی پیدااست که چگونه احکام ضد ونقیض‌متوالی درمورد واحداز درباروصدراعظم‌صدورمی‌یافته تاآن‌جاکه حکام محلی‌نیزنمی دانسته‌اند که کدام

---

۱. سند شمارهٔ ۷۱ .

۲. اسناد شمارهٔ ۸۹ و۹۵ و۱۲۵ .

۳. سند شمارهٔ ۱۱۷ .

٤. سند شمارهٔ ۱۲٦ .

٥. اسناد شمارهٔ ۱۲۷ و۱۲۹ .

٦. اسناد شمارهٔ ۱۱۸–۱۲۱ و۱۲٦–۱۳٥ و۱۳۹–۱٤٥ و۱٤۷ و۱٤۸ .

رابايد اجرا كنند. چند نمونهٔ جالب‌ازاحكام‌امين‌السلطان كه هريك نقض ديگرى است وبه وضوح پيداست كه خود وى‌هيچ گونه‌اطلاعى‌ازمفادآنها نداشته‌است در اين مجموعه هست . در متن عرضه داشت‌هاى متوليان به بعضى احكام ضد ونقيض شاهانه دراين باب اشاره رفته است .

دربارهٔاين گونه‌اوضاع مضحك دورهٔناصرى شرحى‌جالب در كتاب«شرح حال عباس ميرزا ملك‌آرا»هست.او كه خود چند سالى ازهمين دوره حكمران قزوين بود پس ازشرح چگونگى احكام ضد ونقيضى كه ازدارالخلافه مى‌رسيد نمونه‌اى جالب به اين شرح نقل مى نموده است :

«به جهت مثال يكى‌را مى‌نويسم. قريه‌اى درقزوين هست مسمى به انگور مجين[1]. سيد احمد نامى با حاجى فضل الله نام برسر اين ملك نزاع داشتند ، بدون‌اغراق شش‌مرتبه برحسب حكم طهران ملك رابه حاجى فضل‌الله واگذار كردم وبازبه موجب حكم‌طهران‌ازاو گرفته به سيداحمد دادم. آخرالامرلاينقطع تلگراف مى‌دادند كه ملك را به دست متصرف بدهيد، من‌هم جواب مى‌نوشتم به دست كدام متصرف بدهم آيابه متصرف سه روزقبل يابه متصرف دوروزقبل يا به متصرف يك روزقبل ؟ »[2].

دربررسى اسناد اين نزاع دنباله داريك ابهام نيزبه چشم مى‌خورد . ديديم كه چهاردانگ مزبوراز موقوفات قديم‌آستانه بوده ونام‌آن دربسيارى ازاسناد

---

۱. ازبشاريات (مينودر: ۹۳۱) كه درطوماروقف مسجد پنجه على قزوين ازموقوفات آن جا شمرده شده است (همين مأخذ : ۵۵۳) ليكن درسال ۱۲٤٤ ملكى حاجى ميرزا فضل الله ملاباشى پدر ميرزا محمد حسين عضد الملك صدر ديوانخانـه بود (بررسى‌هاى تاريخى ۵/ ۵ : ۱۵٦) .

۲. شرح حال عباس ميرزا ملك‌آرا : ۱۰۰ (چاپ اول) و۱٦۵-۱٦٦ (چاپ دوم) .

هست که نظری بدان اسناد برای ثبوت وقفیت آن کافی به نظر می‌رسد . با این همه درمرافعه‌ای که دوطرف نزاع درمحضرحاکم شرع قزوین داشته‌اند مطلقا به‌این اسناد استناد نشده وبه جای آن ازشهادت شهود استفاده گردیده که ازنظر متصرفان قابل خدشه بوده است . لیکن همین‌اسناد دردارالخلافه به‌امناء دیوان عرضه می‌شد واستناد بدان دراسناد عرفی دیده می‌شود .

می تواند احتمال دادکه دراوقاتی که مرافعه جریـان داشته این اسناد در اختیارمتولیان آستانه نبوده وپس‌ازآن به دست آنان رسیده‌است. احتمالی دیگر نیزهست که چون دربیش‌تراین‌اسناد نام شنستق همراه‌نام کچلجرد موقوفهٔ دیگر آستانه ذکرشده وبه شهادت اسناد شمارهٔ ۱۰۱ و۱۳۶ مجموعهٔ حاضریك فرد ازقریهٔ کچلجرد ملك موروثی‌متولیان دانسته می‌شده وآنان‌درآن‌تصرفات‌مالکانه داشته‌اند ،شایدبه‌این‌تصورکه درصورت‌اظهارآن‌اسناد بهانه‌ای‌به دست مغرضان افتد که یك فرد مزبور را جزء بخش وقفی‌آن قریه وانمودکرده وازاین راه مقابله به مثل کنند، ازنمایاندن‌اسناد وعرضهٔ‌آن درمحضرشرع قزوین‌خودداری نموده‌اند .

۳ـ حکام قزوین دردورهٔ قاجار :

پیش‌تر گفته شدکه‌ازفوایدتاریخی‌اسناد قاجاری مزارآگاهی برنام گروهی ازحکمرانان ونایب الحکومه‌های قزوین دراین دوره است. فهرستی ازوالیان وحکام قزوین درباب یکم‌ازفصل دهم کتاب بسیارسودمند مینودر[۱] هست که‌این اسناد می تواند مکمل آن فهرست باشد .

چنین است نام حکام قزوین ازآغازدورهٔ فتحعلی شاه تاآغازمشروطیت بر

---

۱. صفحات ۷۳۷–۷۴۷ .

اساس اسناد حاضر، بانگریستن به مینودرویکی دوماخذ عمومی دیگر:

۱) محمد علی‌میرزا دولتشاه پسربزرگ فتحعلی‌شاه، صاحب‌اختیارقزوین ازسال۱۲۱۳ تا پایان ۱۲۱۹ به مقتضای اسناد[۱] وتا ۱۲۲۱ نیز به نوشتهٔ مینودر. احکام شمارهٔ ۵۷ و۵۸ این مجموعه ازیادگارهای دورهٔ حکومت اوبراین شهر است .

۲) علی‌نقی میرزافرزند دیگرفتحعلی‌شاه که بعدها رکن‌الدوله لقب گرفت، حکمران قزوین ازسال ۱۲۲۲ تا میانهٔ صفر ـ شوال ۱۲۳۸[۲] احکام شمارهٔ ۶۲ و۶۳ و۶۸ ـ ۷۰ مجموعهٔ حاضریادگارهمین دورهٔ حکومت اوست .

۳) امام ویردی میرزا[۳]فرزند دیگرفتحعلی‌شاه، حکمران شهرپیش‌ازشوال ۱۲۳۸ تاسال ۱۲۳۹[۴]. حکم شمارهٔ ۷۴ این اسناد ازهمو درمقام حکمرانی‌این شهراست. ازاویادگاری نیزدرمسجد جامع کبیرقزوین هست وآن سنگ‌نبشتهٔ ایوان مسجد است مورخ ۱۲۳۸[۵].

۴) علی نقی میرزا ، برای باردوم ازسال ۱۲۳۹ تا ۱۲۵۰[۶].

۵) سلطان بدیع الزمان میرزا فرزند علی نقی میرزا رکن‌الدوله ، صاحب اختیارقزوین ازآغاز فرمانروایی محمد شاه تاپس ازمحرم ۱۲۵۲[۷].این بدیع

---

۱. اسناد شمارهٔ ۵۴ و۵۷ـ۵۹ .

۲. اسناد شمارهٔ ۶۰ و۶۲ و۶۳ و۶۸ـ۷۰ .

۳. درمینودر: امام قلی میرزا که خطاست .

۴. اسناد شمارهٔ ۷۲ـ۷۵ .

۵. مینودر: ۵۰۰ـ۵۰۱ .

۶. سند شمارهٔ ۷۶ دیده شود . نیزببینید زبدة المعاصرین ازمیرحسین الحسینی (چاپ محمد باقر درمجلد چهل ودوم اورینتال کالج مگزین لاهور ـ ۱۹۶۶) ص ۲۷ .

۷. اسناد شمارهٔ ۷۶ـ۷۸ ، درفهرست مینودر نام اونیست .

الزمان میرزادرسال ۱۲۵۱ سردرمسجد جامع کبیرقزوین‌را تعمیرنموده وسنگ نبشتهٔ مرمربالای همین سردر که درآن‌ازوی بدین گونه یاد می‌شود بیانگرهمین مرمت است :

« مهین فرزند رکن‌الدوله فخردورهٔ خاقان

بدیع‌العصرسلطان موردالطاف خاقانی »[۱]

۶) بهرام میرزا معزالدوله فرزند عباس میرزا نـایب السلطنه ، حکمران قزوین ازسال ۱۲۵۳ گویا تا اواخردورهٔ محمد شاه[۲].

۷) حمزه میرزا حشمت الدوله فرزند دیگرعباس میرزا[۳].

۸) اسکندرمیرزا فرزند دیگرعباس میرزاکه در۱۲۶۴ پس‌ازجلوس ناصر الدین شاه برتخت سلطنت به حکومت قزوین منصوب شد[۴].

۹) خسروخان والی[۵].

۱۰) سیف‌الله میرزافرزند فتحعلی‌شاه که چند ماهی درسال۱۲۷۱حکمران قزوین بود[۶].

---

۱. مینودر: ۴۸۷ .

۲. دیباچهٔ سند شمارهٔ ۷۹ دیده شود . در مینودر رقم ۱۲۵۶ برابرنام وی ثبت شده حاکی‌ازاین‌که او دراین‌سال حکومت داشته است. دررجال ایران بامداد۱:۱۹۴ هست‌که او در سال ۱۲۵۳ حاکم قـزوین شد ودر۱۲۶۴ به جای نظام الدولـه حکمران فارس گردید .

۳. دررجال ایران بامداد ۱: ۴۶۳ می‌نویسدکه اودر۱۲۵۵ حاکم خمسه بود ، لیکن ازحکومت قزوین اوذکری ندارد .

۴. بامداد ۴ : ۱۶۴ .

۵. ازفهرست مینودر.

۶. اسناد شمارهٔ ۸۴ و۸۵ و۹۴ .

۱۱) عبدالصمد میرزا عزالدوله فرزند محمد شاه که درسال ۱۲۷۱ پس از سیف‌الله میرزاباپیشکاری حسنعلی‌خان خوئی به حکومت قزوین منصوب شد[۱]

۱۲) عبدالصمد میرزا عزالدوله مزبور که درسال ۱۲۷۳ مجدداً باپیشکاری علاء الملك قزوینی به حکومت قزوین گماشته شد و گویا تا سال ۱۲۷۷ دراین مقام بود[۲].

۱۳) امیراصلان خان عمیدالملك مجدالدوله حکمران خمسه وقزوین در شوال ۱۲۷۷[۳]. اوتاسال ۱۲۸۰ حکمران خمسه بوده[۴] وشاید حکومت قزوین وی نیزتا تاریخ اخیرادامه داشته است.

۱٤) سلطان‌احمد میرزا عضدالدله فرزند فتحعلی شاه،از۱۲۸۲ تا ۱۲۸٤[۵]

۱۵) فیروزمیرزا نصرت الدوله، در ۱۲۸٤ و۱۲۸۵[۶].

۱٦) محمد رحیم خان امیرنظام علاء الدوله. درسال ۱۲۸۷[۷].

۱۷) غلامحسین خان سپهدار، در ۱۲۸۸[۸].

---

۱. اسناد شمارهٔ ۸۳ و۱۱۵/ بامداد ۲ : ۲٦۸.

۲. سند شمارهٔ ۸۹ ودیباچهٔ سند شمارهٔ ۹۹. دررجال ایران بامداد ۲ : ۲٦۹ امتداد حکومت اورا تاسال ۱۲۷۸ ودرصفحهٔ ۷٤ همین مجلد سال ۱۲۸۲ ذکرنموده‌اند که براساس سطرآیندهٔ متن نباید درست باشد.

۳. اسناد شمارهٔ ۱۰۰ و۱۰۱، نام این حاکم نیز درفهرست مینودر نیست.

٤. بامداد ۱ : ۱٦۷–۱٦۹.

۵. همان مأخذ ۲ : ۷٤.

٦. بامداد ۲ : ۷٤ و۳ : ۱۱۲.

۷. دوسند شمارهٔ ۱۱۲ و۱۱۳، نام اوهم درفهرست مینودر نیست.

۸. بامداد، ج ۳، ص ۳–۵.

۱۸) الله قلی میرزا ایلخانی ، از۱۲۸۹ تا ۱۲۹۲[۱].

۱۹) سلطان احمد میرزا عضد الدوله ، برای باردوم از۱۲۹۲ تا ۱۲۹۷[۲]. حکمی از اومورخ شوال ۱۲۹۶ دراین اسناد هست[۳]. یادگار دیگراین دورهٔ حکومت او تجدید کاشی کاری دروازهٔ « درب کوشك »آن شهراست[٤].

۲۰) حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار که دراواخرسال۱۲۹۷ به حکومت قزوین مأمورشده ، به‌آن شهررفت وچند روزی که درآن جا ماند فتنهٔ شیخ عبید الله کرد درآذربایجان روی داد ودرنتیجه به پیشکاری آذربایجان مأمور وعازم‌آن صوب گردید[٥].

---

۱. سند شمارهٔ ۱۱٤/بامداد ۱ : ۱٤۹ .

۲. اسناد شمارهٔ ۱۱۷–۱۲۰ . درفهرست مینودر حکومت او بـرای بار دوم ازسال ۱۲۹٦ تا ۱۲۹۷ ودررجال ایران بامداد ۲ : ۷٤ از۱۲۹٥ تا ۱۲۹۷ دانسته شده که هیچ یك درست نیست . او درروزیك شنبه ۱۸ شعبان سال ۱۲۹۲ که حاجی فرهاد میرزا درراه سفرحج خود به قزوین‌آمد (هدایة السبیل وکفایة الدلیل او: ۳۲۱–۳۲۸) ودر روزجمعه ۱۹ ع ۱ – ۱۲۹۳ که ازسفر بازمی‌گشت حکمران این شهربوده ، ودرشوال ۱۲۹۷ حاجی میرزا حسین خان سپهسالار به جای او به حکومت قزوین فـرستاده شدکه چند روزی بیش در اینجا نبود وسپس باز همو کارهارا به دست داشت تاعباس میرزا ملك‌آرا حکومت شهررا دره ع۲–۱۲۹۸ (۱٤ روز به نوروز ثیلان ئیل که بـرابر۱۹ ع ۲ – ۱۲۹۸ بود به ضبط روزنامهٔ خاطرات اعتماد السلطنه : ٦٥ چاپ دوم) از وی « تحـویل »گرفت (شرح حال عباس میرزا ملك‌آرا : ۸۸–۹٥ چاپ اول) .

۳. سند شمارهٔ ۱۱۸ .

٤. مینودر ومقالـهٔ تاریخچهٔ قزوین ازحسین قلی ستوده (مجلهٔ بررسی‌های تاریخی ، شمارهٔ ٥ و٦ سال چهارم : ۱۹۲) .

٥. شرح حال عباس‌میرزا ملك‌آرا : ۸۸–۸۹ و۹۳ (چاپ اول) و۱٥۱–۱٥۲ و۱٥٦ (چاپ دوم) .

۲۱) عباس میرزا ملك‌آرا فرزند محمد شاه ، از ع ۲- ۱۲۹۸ تا بهارسال ۱۳۰۱ [۱] که خاطرات این چند سالهٔ حکومت خود را در کتاب شرح حال خویش نگاشته است. ازیادگارهای دورهٔ حکمرانی‌اوست تنظیم مجلد مربوط به قزوین‌ازمجموعهٔ ناصری چنان‌که در آغازوانجام رسائل آن دیده می شود[۲]، نیزحکم شمارهٔ ۱۲۱ اسناد حاضر .

۲۲) میرزا رضا معین السلطنه در ۱۳۰۱[۳].

۲۳) میرزا حسین خان معتمد الملك فرزند یحیی خان مشیرالدوله. دردو سال ۱۳۰٤ و۱۳۰۵ [٤] .دوحکم شمارهٔ ۱۲۹ و۱۳۰ همین اسناد یـادگار این حکومت است .

۲٤) الله قلی میرزا ایلخانی در ۱۳۰۵ - ۱۳۰٦ برای باردوم[٥].

۲۵) باقرخان سعد السلطنه از۱۳۰٦ تا ۱۳۰۹[٦]. تعمیربقعهٔ شاهزاده حسین واحداث صحن وتالارشمالی آن ازآثارحکومت اودراین سال‌هاست[۷].

۲٦) ابوالنصرمیرزا حسام السلطنه ازاواسط ۱۳۰۹ تا ع۲ -۱۳۱۰[۸].

---

۱. که مصادف با ماه‌های جمادی الثانیه ورجب وشعبان این سال بوده است . شرح حال عباس میرزا ملك‌آرا : ۹٤ و۱۰۲چاپ اول (۱۵۹ و۱٦۷ چاپ دوم) . اودر ۱۱ ج ۱-۱۳۰۱ هنوزحاکم قزوین‌بود (روزنامهٔ خاطرات اعتماد السلطنه :۲۸۳ چاپ دوم) .

۲. فرهنگ ایران زمین ، مجلد ششم/ مینودر: ۳۹۱-٤۰٤ .

۳. از مینودر.

٤. اسناد شمارهٔ ۱۲۹ و۱۳۰ .

۵. بامداد ۱ : ۱٤۹ .

٦. سند شمارهٔ ۱۳۵ .

۷. مینودر: ۲۵٦ .

۸. بامداد ۱ : ۷۱ .

۲۷) باقرخان سعدالسلطنه برای باردوم از ج۱ـ ۱۳۱۰ تاپایان سال۱۳۱۳[۱].
از آثارهمین دورهٔ حکومت اوتعمیرمسجد جامع کبیرقزوین است[۲]. درمینودر[۳]
از رویهٔ اجتماعی واقدامات اودرقزوین تمجید وستایش شده است .

۲۸) عبدالصمدمیرزا عزالدوله ،برای بارسوم درسال‌های ۱۳۱٤ـ۱۳۱۵[٤].

۲۹) بدیع الملك میرزا عماد الدوله ، از ۱۳۱٦ تا ۱۳۱۹[۵].

۳۰) سلطان محمد میرزا سیف الدوله امیرتومان ، در۱۳۱۹[٦]

۳۱) میرزا صالح‌خان تبریزی سالاراکرم ، در۱۳۲۰ ـ ۱۳۲۳[۷].

۳۲) صدق الدوله در۱۳۲٤[۸]. حکمی ازاومورخ به همین سال یادگاراین حکومت اوست .

* * *

جـزاین ، ازاسناد مزبـورنـام گروهی ازنایب الحکومه‌ها وپیشکاران حکومت قزوین نیز که صاحب اختیاران واقعی شهربوده‌اند دانسته می‌شودکه باضم آن به چند نام دیگر که‌درمینودرهست این فهرست ناقص به‌دست می‌آید:

---

۱. شرح حال عباس میرزا ملك‌آرا : ۱۳۳ چاپ اول .

۲. مینودر: ۵۰۳ و۵۱۳ .

۳. صفحات ۲۵۲ـ۲۵٦ .

٤. اسناد شمارهٔ ۱۳۹ و۱٤۰ .

۵. سند شمارهٔ ۱٤۱ .

٦. ازفهرست مینودر.

۷. سند شمارهٔ ۱٤۵ . او فـرزند حاج علی نقی کلانتر باغ میشه‌ای است که پس از حکومت قزوین درسال ۱۳۲٤ حاکم گیلان ودر۱۳۲٦ حاکم تهران شد (بامداد ۳ : ۱۷۳ـ۱۷٤) .

۸. سند شمارهٔ ۱٤۷. اومجدداً درسال ۱۳۲۸ نیزحکومت قزوین‌یافت (مینودر:۷٤۳).

۱) سید علی خان ، درسال ۱۲۱۷[۱].

۲) محراب‌خان افشار، درسال‌های ۱۲۲۲-۱۲۲۳[۲]. درفرمانی ازفتحعلی شاه گویا به تسامح ازوی باعنوان حاکم قزوین یاد شده است[۳].

۳) خانباباخان‌سردار(سردارحسن‌خان ایروانی) که سالیانی به‌تصدی‌امور شاهزاده علی نقی میرزا امور حکومتی قزوین را در دست داشت وتاسال‌های ۱۲۳۶-۱۲۳۷ دراین شهربود[۴]. اودر۱۲۲۷ و۱۲۲۹ دوآب انبار[۵] ودر۱۲۳۱ مدرسه‌ای[۶]دراین شهرساخته است .

٤) طهماسب قلی خان قزوینی که در پشت سند شمارهٔ ۷۹ حاکم قزوین خوانده‌شده ، وازرجال ایران بامداد[۷]برمی‌آیدکه اودرسال ۱۲۵۳ به وزارت بهرام میرزا معزالدوله درحکومت این شهربوده است .

۵) میرزا موسی مستوفی تفرشی[۸] که‌به وزارت وپیشکاری اسکندرمیرزا امورحکومت قزوین راعهده‌داربود[۹]».

٦) هادی خان نایب الحکومهٔ خسروخان والی[۱۰].

---

۱. اسناد شمارهٔ ۵۵ و٥٦ .

۲. اسناد شمارهٔ ٦۰ و٦۱ .

۳. سند شمارهٔ ٦۱ .

٤. سند شمارهٔ ۷۲ .

۵. مینودر: ۲۷۸-۲۷۹ .

٦. همان مأخذ : ٥٦۵-٥۷۱ .

۷. ج ۱ ، ص ۱۹٤ .

۸. زادهٔ ۱۱۹۸ ودرگذشتهٔ ۱۲۸۲ (بامداد ٤ : ١٦٤-١٦٥) .

۹. بامداد ٤ : ١٦٤ .

۱۰. مینودر: ۷٤۳ .

۷) حاجی حسنعلی خان آجودان باشی خوئی پیشکار عبد الصمد میرزا عزالدوله درحکومت قزوین درسالهای ۱۲۷۱-۱۲۷۳[۱]. نامه‌ای ازاوبه دیوان دراین اسناد هست[۲]. اودر۱۲۷۷ در گذشت .

۸) حاجی عبدالله خان علاء الملك قزوینی برادرحاجی میرزا حسین‌خان سپهسالار، پیشکارعبد الصمد میرزا عـزالدوله دربـار دوم حکومت قزوین در سال‌های ۱۲۷۳-۱۲۷۷[۳]. نامه‌ای نیزازاو دراین اسناد هست[٤].

۹) میرزا زکی مستوفی تفرشی ضیاء الملك درسال ۱۲۷۷[٥].

۱۰) میرزا رسول در۱۲۸٦[٦].

۱۱) میرزا شفیع آشتیانی[۷] که درحکومت الله قلی میرزا ایلخانی وزارت اوداشت[۸].

۱۲) حاجی عباسقلی‌خان قاجار نایب الحکومهٔ قزوین دررجب ۱۳۰٤[۹]. درمینودراورا حکمران این شهربه سال ۱۳۰۱ دانسته‌اند[۱۰].

۱۳) اسماعیل‌خان نایب‌الحکومه درشوال ۱۳۰٤[۱۱].

---

۱. اسناد شمارهٔ ۸۳ و۱۱٥ .

۲. سند شمارهٔ ۸۳ .

۳. اسناد شمارهٔ ۹۰ و۹۳ و۹٤ و۹۹ .

٤. سند شمارهٔ ۹٤ .

٥. سند شمارهٔ ۹۹ .

٦. سند شمارهٔ ۱۱۱ .

۷. بامداد ۲ : ۱٤٤-۱٤٥ .

۸. مینودر: ۳۳۹ .

۹. سند شمارهٔ ۱۲۹ .

۱۰. مینودر: ۷٤٤ .

۱۱. سند شمارهٔ ۱۳۰ .

۱٤)باقرخان‌سعد السلطنه که دردورهٔ حکومت عباس‌میرزا ملك‌آرا(۱۲۹۸ ـ۱۳۰۱) عنوان « مدیرراه شوسهٔ تهران به قزوین » داشت ولی درواقع حاکم بالاستقلال آن شهربود[۱] وتا سال ۱۰۳٤ بـا همین عنوان ووضع باقی ماند[۲]. درسال ۱۳۰۵ و۱۳۰٦ نایب الحکومهٔآن شهر بود ودر این سال اخیر ـ چنان که گذشت ـ حاکم آنجا شد .

شرحی درباب کارها واقتداراودر کتاب شرح حال‌عباس میرزا ملك‌آرا[۳] هست .

۱۵) میرزا اسماعیل[٤]پیشکارشاهزاده عزالدوله درسال ۱۳۱۵ .

۴ ـ علماء قزوین دردورهٔ قاجار:

گفته شد که دراسناد قاجاری مزار نام بسیاری از علمـاء وفقهاء آن دورهٔ قزوین[۵]هست که بسیاری ازآنان درکتاب‌ها ومآخذ سرگذشت اعلام این قرن

---

۱. شرح حال عباس میرزا ملك‌آرا : ۹۷ چاپ اول .

۲. سند شمارهٔ ۱۳۱ .

۳. صفحات ۹۵ و۹۷ـ۹۹ چاپ اول .

٤. سند شمارهٔ ۱٤۰ .

۵. دراسناد دورهٔ صفوی نیز نام بعضی ازدانشمندان آن دورهٔ قزوین هست ، ازجمله نـام حسین بن عبدالصمد بن محمد بن برهان ، محمد شریف الشریف ، یحیی بن ابی‌المکارم بن قطب‌الدین حیدربن یحیی الحسنی وغیاث الدین محمد بن محمود الحسنی (سند شمارهٔ ۱۵۳) آخوند ملامحمد نصیرا قاضی دارالسلطنهٔ قزوین (سند شمارهٔ ۲۰) وآخونـد ملا محمد سعیدا (سند شمارهٔ ٤۵) ودیگـران . استشهادات این دوره نیز که چند طغرای آن دراسناد حاضر دیـده می‌شود محتوی نام وسجل وگواهی گروهی ازعلماء وبزرگان آن ادوار قـزوین است (شماره‌های ۳۰ و۳۲ و۳۳ اسناد) .

نامبردار وشناخته نیستند . اینك فهرست نام این اشخاص بـه ترتیب الفبایی[1] با اشاره به مآخذ مربوط درمورد افرادی که نام‌آنان درجایی‌دیگرنیزدیده شده است :

۱) حاجی ملاآقا خوئینی قزوینی[2].

۲) جناب مجتهد العصری‌آقا سید ابوتراب حسینی[3].

۳) ابوتراب[4].

---

۱. برخی‌ازاین دانشمندان بربرابری سوادها بااصل‌گواهی داده‌اندکه درمتن‌خوانده شدهٔ اسناد نام آنان نیست ودراین موارد باید به تصاویرنگریست .

۲. سند شمارهٔ ۱۲۶مورخ ۱۳۰۲وجزآن. نام‌اصلی اواحمد است (احمدبن مصطفی) زادهٔ ۱۲۴۷ ودرگذشتهٔ ۱۳۰۷ ، حاکم شرع بی منازع قـزوین درعصر خود ، نگارندهٔ آثاربسیار، سرگذشت او با یاد آثارش به تفصیل درکتاب‌های شرح‌حال هست ، ازجمله المآثر والاثار: ۱۴۳/ علمای معاصرین ، خیابانی : ۳۳۶/ اعیان الشیعـه ۱۱ : ۲۱۲–۲۱۳/نقباء البشر۱ : ۱۷۰–۱۷۱/مکارم الاثار۴ : ۱۲۹۶–۱۲۹۷/الفهرست لمشاهیرعلماء زنجان : ۳۱/مصفی المقال : ۲/مواردگوناگون ذریعه/ آشنایی با چنـد نسخهٔ خطی : ۱۱۳/زندگانی وشخصیت شیخ انصاری : ۱۹۶–۱۹۷ .

۳. درسند شمارهٔ ۱۲۶ مورخ ۱۳۰۲ ، نیزسند شمارهٔ ۱۲۲ (گویا همان حاجی سید ابوتراب مجتهد ، یادشده درمینودر: ۳۲۸) سرگذشت او درالمآثر والاثار ونقباء البشر۱: ۳۰ زیرعنوان ابوتراب بن مرتضی الحسینی القزوینی هست . او در۲۶ ذ ح – ۱۳۰۳ درگذشته بود (نیزببینید زندگانی وشخصیت شیخ انصاری : ۱۷۳ ۱۷۴). روشن‌است که اوجزابوتراب‌بن حسین حسینی قزوینی است که مجموعه‌ای به نستعلیق مورخ ۸ ذ ق –۱۲۶۲ اوبه شمارهٔ ۲۲۷۰ درکتابخانهٔ مرعشی قم هست (فهرست‌آن ۶ : ۲۵۵–۲۵۷) .

۴. سند شمارهٔ ۱۲۳ مورخ صفـر۱۳۰۲ که سجل اوبالای آن هست وپیداست که او

٤) احمد[1].

٥) احمد الحسینی[2].

٦) احمد الحسینی الرضوی[3].

٧) اسحاق[4].

٨) قدوة العلماء آقا میرزا اسحاق[5].

٩) حاجی میرزا اسحاق[6].

جزحاجی سید ابوتراب پیشین‌است که سجل او برسند۱۲۲ دیده می‌شود (درامهاد سادات معمولا نسب حسینی یا موسوی یا رضوی یا تیره‌های دیگرذکرمی‌شودکه در مهرشخص مورد سخن نیست) . او می‌تواند میرزا ابوتراب فرزند حاجی ملا عبدالوهاب مجتهد دارالشفائی باشد (مینودر: ٣٤٥) .

۰۱ سند شمارهٔ١٤٦ مورخ سال۱۳۲۳ با سجع مهر«من بعدی اسمه احمد» که پیش‌تر نیز سجع مهرحاجی ملا آقا قزوینی بود . او باید همان احمد بن ملا آقا حکمی قزوینی ، ازخواص حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل طهرانی (فقیه بزرگ نجف ، اززعماء سه‌گانه‌ای که مؤید مشروطیت بودند) مرجع روحانی قزوین در این‌سال‌ها باشد (نقباء البشر ۱ :۹۰) نه شیخ‌احمد فرزندآخوند ملایوسف حکمی، امام مسجدشاه که پدرش‌ازعلماء ودانشمندان دورهٔ فتحعلی‌شاه بود (مینودر:۳۳۷).

۰۲ سند شمارهٔ ۹۳ مورخ ۱۲۷۷ .

۰۳ سند شمارهٔ ۸۸ مورخ ۱۲۷۳ .

۰٤ همان سند .

۰٥ سند شمارهٔ ١٤٦ مورخ ۱۳۲۳ . سجل بالای این سند با مهر« اسحق الحسینی » نیز گویا از هموست . درنقباء البشر۱:۱۲۹ ازشخصی بااین‌نام که درپیرامون‌سال ۱۳۲٤ درقزوین مرجعیت شرعی داشته وشاگرد آخوند ملا محمدکاظم خراسانی بوده است یاد می‌شود .

۰٦ سند شمارهٔ ١٤٩ مورخ ۱۳۳٥ (حاشیهٔ شمارهٔ ٤۰۷ دیده شود) .

۱۰) اسماعیل[۱].

۱۱) حاجی سید تقی[۲].

۱۲) حاجی‌ملاتقی[۳].

۱۳) تقی الحسینی[۴].

---

۱. اسناد شمارهٔ ۸۸ و۹۳ مورخ به سال‌های ۱۲۷۳ و۱۲۷۷ . درمصادر ازچهار ملا اسماعیل قزوینی دراین دوره یاد شده است یکی نگارندهٔ انباء الانبیاء به فارسی (کرام البرره ۱ : ۱۳۶/ذریعه ۲ : ۳۵٤–۳۵۵) ودیگری اسماعیل بن محمدتقی شاگـرد شیخ محمد حسین قـزوینی ودرگذشتهٔ پس از۱۲۵٤ (کرام ۱ : ۱۳۹) وسومی اسماعیل بن علی بن معصوم پدرکیوان قزوینی ، درگذشتهٔ ۱۳۲۷ (نقباء البشر۱ : ۱٤۳/مینودر: ۵۵۰/مجلهٔ وحید ۷ : ۱٤۲۹/تألیفات کیوان) وچهارمی فرزند آقا محمد فرزند شهید ثالث که مجتهد بود (مینودر: ۳۲۹) .

۲. اسناد شمارهٔ ۸٤ و۱۰۱ که موضوع مذکور درسند نخست مربوط به سال ۱۲۳۶ ودر دوم مربوط به پیش‌از۱۲۷۷است . اوباید همان میرمحمدتقی حسینی قزوینی قافله باشی ، نگارندهٔ آثاربسیار ومرجع روحانی آن شهر درمیانهٔ قرن سیزدهم ، درگذشتهٔ سال ۱۲۷۰ باشدکه مدفن او درقزوین مزار اهالی است (کرام البرره ۱ : ۲۲۹–۲۳۱ با فهرست آثار وذکر مآخذ دیگرشرح حال او/ذریعه در موارد مختلف/الغدیر٤ : ۱۹۰/معجم رجال الفکر والادب فی النجف : ۳٤۸/مینودر: ٦۳٤–٦۳۵ وجزاینها) نه میرمحمد تقی بن امیرمؤمن (فوائد الرضویـه : ٤۳۷/ مینودر: ٦۳۵) .

۳. سند شمارهٔ ۸٤ مربوط به سال ۱۲۳٦(یعنی درمطلب مربوط به این‌سال) . اوباید همان‌ملامحمدتقی شهیدثالث باشدکه درسال۱۲٦٤ کشته شد وسرگذشت زندگی او درهمهٔ کتاب‌های تراجم وتاریخ دورهٔ قاجارهست .

٤. سند شمارهٔ ٤۹ مربوط به اوایل قرن سیزدهم . شاید تقی‌بن نقی صاحب الفیه در نحو(فوائد الرضویه : ۵۷) .

۱٤) جعفرالحسینی[۱].

۱۵) جمال الدین بن عبدالکریم رضوی[۲].

۱٦) جواد بن رضا الحسینی معروف به‌آقا سید عبد الجواد خیابانی[۳].

۱۷) حسن[٤].

۱۸)آقا سید حسین مجتهد[۵].

۱۹) حاجی سید رضی[٦].

---

۰۱ دوسند شمارهٔ ۵۱ و۱۳٦ که این دوم تاریخ ۱۳۰۸ دارد . اوباید جعفر بن حسین ابن‌جواد قزوینی شاگرد شیخ انصاری‌باشدکه درقزوین ریاست ومرجعیت داشت (نقباء البشر۱ : ۲۸۸/المآثر والاثار: ۱٦۳/زندگانی وشخصیت شیخ انصاری : ۲۱۱) ودر۱۳۱٦درگذشت . اونوادهٔ میرابراهیما ونیای خاندان حاج‌سیدجوادی قزوین است .

۰۲ اسناد شمارهٔ ۱۲٦ و۱٤٦ و۱٤۸ . در مینودر: ۳٤۰ نام واشاره‌ای به احوال او هست . نیز ببینید فهرست کتابخانه مرعشی ۱ : ۱۵۵ و٦ : ۵۵–۵٦ .

۰۳ اسناد شمارهٔ ۱٤٦ و۱٤۸ وجزاین دو. درمینودر: ۳٤۰ هست که سیدرضا خیابانی مردی فاضل بود . اوگویا پدرهمین شخص باشد .

۰٤ اسناد شمارهٔ ۸۸ و۹۳ ازسال‌های ۱۲۷۳ و۱۲۷۷ با مهر« ظنی بالله حسن » .

۰۵ سند شمارهٔ ۱٤٤مورخ ۱۳۱۸. اوسید حسین بن سیدعلی قزوینی است که پدرش حاشیهٔ معروفی بر قوانین الاصول میرزای قمی دارد وخود شاگرد حاجی میرزا حبیب‌الله رشتی بود(نقباء البشر۲:٦۰۲) وگویا هموست که به «شیر وخورشیدی» شهرت داشتهٔ است (مینودر: ۸٦۲) .

۰٦ اسناد شمارهٔ ۹۱ و۱۰۲ . اوحاجی سید رضی الدین ازعلماء بزرگ نیمهٔ دوم قرن سیزدهم است(کرام البرره ۲:۵۷٦–۵۷۷) که درقزوین مقبولیت‌عامه داشت (مینودر: ۵٦۱) واستاد حاجی ملاآقا سابق‌الذکربود (نقباء البشر۱ :۱۷۰) وسید علی قزوینی محشی قوانین خواهرزادهٔ او بود (کرام البرره وذریعه ٦ : ۱۷۷

۲۰) آقا سید صالح معروف به حاجی آقای مسجد شاهی[۱].

۲۱) صدرالعلماء[۲].

۲۲) عبد الجواد بن علی الحسینی من آل حاجی سید جواد[۳].

۲۳) میرعبدالصمد حسینی[٤].

۲٤) علام فهام آخوند ملا عباسعلی پیشنماز[٥].

۲٥) عبدالعلی[٦].

۲٦) عمدة العلماء العظام آقاسید عبدالکریم[۷].

والمآثر والاثار: ۱٤۳). ازاسناد حاضر برمی‌آیدکه اومیان دو تاریخ ۱۲۷۷–۱۲۸۰ درگذشته است. اومی‌تواند همان نگارندهٔ کتاب «الوظائف» (ش ۳٤۹۰ کتابخانهٔ مرعشی قم) باشدکه متنی است پاکیزه وسودمند درفقه شیعی.

۱. سند شمارهٔ ۱۲۳. ازدانشمندان سدهٔ سیزدهم بوده است.

۲. اسناد شمارهٔ ۱۲٦ و۱٤۸ وحواشی اسنادی دیگر ازنیمهٔ نخستین قرن حاضر. او نوادهٔ حاجی ملا صالح برغانی برادرشهید است (مینودر: ۸٦۲).

۳. سند شمارهٔ ۱٤۹ مورخ به سال ۱۱۱٥.

٤. اسناد شمارهٔ ۱۲٦ و۱۳۷ ازنیمهٔ نخستین این قرن. او فرزند حاجی سید تقی قزوینی وپیشنماز مسجد آقا درقزوین بوده (مینودر: ٥٤۹ نیز ۳۲۱–۳۲۲) وپیش ازسال ۱۱۱۰ درگذشته است (نقباء البشر ۱: ۱۱۳۳–۱۱۳٤).

٥. سند شمارهٔ ۹۰ مورخ ۱۲۷۷.

٦. سند شمارهٔ ٤٥ مورخ ۱۱۹۱. اوگویا همان ملا عبدالعلی بن ابراهیم قزوینی یاد شده درکرام البرره ۲: ۷٤٤ است که تا سال ۱۲٤۷ زنده بود.

۷. سند شمارهٔ ۱۲٦ مورخ ۱۱۰۲. اوپدرحاجی سید جمال الدین رضوی است که پیش‌ترگذشت ونام او وفرزندش با اشاره‌ای به احوال آن دو در مینودر: ۳٤۰ هست (نیز ببینید فهرست کتابخانهٔ مرعشی قم ۱: ۱٥٥، وقفیهٔ نسخهٔ ۱۱٤ آن کتابخانه مورخ ۱٤ رجب ۱۱۰۹) اونگارندهٔ کتاب البیع ش ۲۰٤٥ مرعشی قم است (ف ٦: ٥٥) که آنرا همان فرزند او دره شعبان ۱۱۰۹ وقف کرده بود.

۲۷) حاجی ملاعبد الوهاب مجتهد[۱].

۲۸) عبدالوهاب[۲].

۲۹) عبد الوهاب بن محمد تقی الحسینی[۳].

۳۰) عبدالله بن خلیل الحسینی[٤].

۳۱)شیخ علی[٥].

۳۲) علی الحسینی[٦].

۳۳) عیسی بن فتح‌الله[۷].

---

۱. اسناد شمارهٔ ۷۳ و ۸٤ ازسال‌های ۱۲۳٦ و ۱۲۳۸ . اوهمان حاجی‌ملاعبدالوهاب شریف‌دارالشفائی فرزند محمدعلی قزوینی دانشمند وفقیه معروف‌قزوین ونگارندهٔ آثاربسیاردرگذشتهٔ ۱۲٦٤ درعتبات‌عالیات است که سرگذشت‌زندگی وفهرست آثاراوبه تفصیل درکرام البرره ۲ : ۸۰۹–۸۱۳ هست (نیزمکارم الاثاره:۱۷۳٦ ۱۷٤۱/قصص العلماء : ٦٤ چاپ ۱۳۰٤/ذریعه درموارد مختلف/مینودر : ۳٤٥ و٤٦۷ و٤۷۱ و٦۳٥ و٦۸۱/فوائد الرضویه : ۲٦۱/معجم رجال الفکر والادب فی‌النجف : ۳٤۸) .

۲. سند شمارهٔ ۹۰ مورخ ۱۲۷۷ . شاید فرزند ملا محمد صالح برغانی ، درگذشتهٔ پیرامون ۱۲۹٥ درتهران (کرام البرره ۲ : ۸۰۸) .

۳. سندهای شمارهٔ ۱۲٦ و ۱٤٤ و ۱٤۸ همه ازقرن حاضر . در مینودر : ۳۲۲ نام او هست .

٤. سند شمارهٔ ۸۰ مورخ ۱۲٦۰ .

٥. اسناد شمارهٔ ۱٤٤ و ۱٤۸ ازنیمهٔ اول قرن حاضر، با مهر« علی مع الحق » .

٦. سند شمارهٔ ۸۸ مورخ ۱۲۷۳ . شاید همان سید علی مجتهد قوی میدانی یاد شده درمینودر: ۳٤۲ و٥٥۷ .

۷. سند شمارهٔ ۱٤۹مورخ ۱۳۳٥. فرزند ملا فتح‌الله بن رجب علی قزوینی نگارندهٔ مناهج الاحکام واصل الاصول (شناسانده شده درپاورقی بعد)که همین مهراوعیناً روی نسخ اصل آثار پدرش درکتابخانهٔ آیت الله مرعشی قم هست (شماره های

۳٤) زبدة الفضلاء العظام آخوند حاجی ملا فتح الله[۱].

---

٦٦٣ و ١٤٠٠ و ١٥٠٣ و ١٥٢٩ و ١٦٦٦ و ٢٠٦٠ و ٢٠٩٨ و ٢٨٧٢ و ٣٣٨٠ کتابخانه . فهرست آنجا ۲ : ۲۵۸ و ٤ : ۱۷۳ و ۳۰۸ و ۵/۳۳۱ : ٦/٦١ : ۷۲ و ۸/۱۱۲ : ۸۰–۸۱) نیز روی نسخه‌ای از تحریر علامه مورخ ۲۵ ع ۲ – ۸۳۳ (ش ۹۱۵ همان کتابخانه معرفی شده درفهرست آن ۳ : ۱۰٤) . واو جزعیسی بن فتح الله نوادهٔ شهید ثالث است که نام او در مینودر (ص ۳۲۹) هست . درهمین مأخذ ازشیخ عیسی لهاردی که درنیمهٔ نخستین قرن حاضر در قزوین داعیهٔ اجتهاد داشت یاد می‌شود (ص ۳٤۱) که معلوم نیست یکی از این دو تن بوده است یا شخصی ثالث .

۱. دوسند شمارهٔ ۱۰۵ و۱۰٦ مورخ به سال ۱۲۸۱ . درمینودر ازحاجی ملا فتح‌الله شاردی ازعلماء نامی دورهٔ قاجار قزوین نام آمده است (ص ۳٤۱) . درهمان جا نام حاج شیخ فتح الله فرزند آقا شیخ صادق فرزند شهید ثالث که مجتهد بسود هست (ص ۳۲۹) . دانشمندی دیگرمی‌شناسیم با نام ونسب فتح‌الله بن رجبعلی بن محمد صالح قزوینی ، نگارندهٔ آثارفقهی واصولی ازجمله «اصل الاصول» ساختهٔ ۱۲٤۷ (نسخهٔ شمارهٔ ۱٤۰۰ کتابخانهٔ مرعشی قم که اصل است . فهرست آنجا ٤ : ۱۷۲–۱۷۳) و«مجمع المسائل الحاوی للاقوال والدلائل» پایان گرفتهٔ شب پنج شنبه دههٔ آخرصفر ۱۲٤۷ که تقریرات استادش ملا عبدالکریم ایروانی است باافزوده‌هایی (ش ١٦٦٦ همان کتابخانه . فهرست آن ۵ : ٦١) ومختصرالمناهج (نسخهٔ شمارهٔ ٦٦٣ همان کتابخانه . فهرست ۲ : ۲۵۸) ومناهج الطریقه فی‌احکام الشریعه یا مناهج الاحکام که این اجزاء آن تا این زمان به نظر نگارنده سطور رسیده است :

جزء دوم طهارت ، پایان گرفتهٔ دههٔ آخر ذ ح – ۱۲۵٦ درنجف . ش ۲۰٦۰ همان کتابخانه (فهرست ٦ : ۷۱–۷۲) .

جزء سوم طهارت ، پایان گرفتهٔ ج ۲ – ۱۲۵۸ درهمان شهر. ش ۱۵۰۳ همان کتابخانه (فهرست : ٤ : ۳۰۸) .

۳۵) قوام الدین الحسینی[۱].

۳۶) محمد[۲].

۳۷) محمد[۳].

۳۸) حاجی میرزا محمد حسینی[٤].

۳۹) محمد بن محمد شفیع الحسینی[٥].

٤۰) محمدابراهیم[٦].

جزء اول صلاة ، پایان گرفتهٔ صفر ۱۲۵۱ . ش ۲۰۹۸ همان کتابخانه (فهرست ٦ : ۱۱۲) .

جزء سوم صلاة ، .پایان گرفتهٔ ج ۲ ــ ۱۲۵۷ . ش ۱۵۲۹ همان جا (فهرست ٤ : ۳۳۱) .

جزء اول کتاب المتاجر، ش ۳۳۸۰ همان جا (فهرست ۹ :) .

درپایان جزء سوم صلاة اجازهٔ اجتهادی است از شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهرفقیه بزرگ شیعی برای او.

۱. سند شمارهٔ ۹۲ مورخ ۱۲۸۰ .

۲. سند شمارهٔ ۹۳ مورخ ۱۲۷۷ . گویاآقا محمد امام‌جمعه نوادهٔ شهید ثالث (مینودر: ۳۲۹) .

۳. سند شمارهٔ ۱۳٦ مورخ ۱۳۰۸. شاید این یکی آقا محمد امام جمعه باشد وشاید هم آقا محمد پسرحاجی عبدالکریم راه‌دیی باشدکه مجتهد فاضل مدرس بود ودر پیرامون سال ۱۳۲۹ درگذشت (مینودر: ۳۳۹) .

٤. اسناد شمارهٔ ۵۱ و۱۲۳ و۱۲٤ . زنده درسال ۱۲۱۲ .

۵. سند شمارهٔ ۹۳ مورخ ۱۲۷۷ . گویا فرزند میرزا محمد شفیع نایب الصدر فرزند میرزا محمدخلیل فرزند میرزا شفیع نایب الصدراست (مینودر: ۳۲۸) . درروا‌ق شرقی حرم شاهزاده حسین قبر«المحقق الذی لیس له ثانی محمد بن الحاج شفیع ۱۲۳۹» هست‌که طبعاً ازدیگری است (مینودر: ٦۵۷ دیده شود) .

٦. سند شمارهٔ ۸۸ مورخ ۱۲۷۳ .

٤١) محمد ابراهیم الحسینی[١].

٤٢)محمد باقر[٢].

٤٣) محمد باقربن علی الحسینی[٣].

٤٤) محمد باقربن محمد تقی الحسینی[٤].

٤٥) محمد تقی بن محمد باقرحسینی[٥].

٤٦) حاجی میرزا محمدتقی شیخ الاسلام[٦].

---

١. سند شمارهٔ ١٣٨ مورخ به سال ١٣٠٩. شاید همان حاجی سید ابراهیم تنکابنی مجتهد نامی قزوین که مدرسه‌ای هم دراین شهر به نام اوهست (مینودر: ٥٦٠).

٢. سند شمارهٔ ٨٨ مورخ ١٢٧٣.

٣. سند شمارهٔ ٩٢ مورخ ١٢٨٠. گویا سید محمد باقر قوبمیدانی شاگرد صاحب جواهر که درالمآثر والاثار: ١٤٥ وکرام البرره : ١ : ١٦٤ شرح حال اوهست. اودر١٢٣٠ به دنیا آمده ودر١٢٨٦ درگذشته بود. نیز ببینید مینودر: ٣٢٤.

٤. سند شمارهٔ ١٣٥ مربوط به اواسط قرن سیزدهم. اوباید همان میرزا محمد باقر شیخ الاسلام باشدکه نامش درسنگ نبشتهٔ مدرسهٔ مسعودیهٔ قزوین هست (مینودر: ٥٧٣).

٥. دوسند شمارهٔ ٤٥ و٤٦ مورخ ١١٩١ با مهرمورخ ١١٦٩ او.

٦. سند شمارهٔ ٧١ مورخ ١٢٣٨، نیزشمارهٔ ٦٦ با مهر« محمد تقی بن محمد باقر الحسینی ». نام او درسنگ نبشتهٔ مدرسهٔ مسعودیهٔ قزوین هست (مینودر: ٥٧٣) وقبر او در رواق شرقی حرم شاهزاده حسین است با لوحی که تاریخ وفات او ـ سال ١٢٣٩ ـ ازآن دانسته می‌شود (مینودر: ٦٥٧، نیز٣٢٧). پدر اوگویا همان محمد باقربن محمد تقی الحسینی است که مهراوبااین سجع ومورخ١١٥٧ روی سواد سند شمارهٔ ٢٨ هست. نیای وی میرزا محمد تقی شیخ الاسلام که در ١١٩٩ درگذشته بود (مأخذ پیش : ٣٢٧) درسند شمارهٔ ٣٥ اینجا مورخ ١١٥٥ یاد شده است.

٤٧) محمد تقی حسینی[١].

٤٨) جناب علام فهام شیخ محمد تقی[٢].

٤٩) محمدجعفر[٣].

٥٠) محمد خلیل‌بن محمد شفیع الحسینی[٤].

٥١) محمد رضا الحسینی[٥].

٥٢) محمد صادق[٦].

---

١. سند شمارهٔ ٨٠ مورخ ١٢٦٠. شاید همان محمد تقی بن محمد حسینی درگذشتهٔ ١٢٩٩ ومدفون درارواق شرقی حرم شاهزاده حسین (مینودر: ٦٥٧).

٢. سند شمارهٔ ١٢٦ مورخ به سال ١٣٠٢.

٣. دو سند شمارهٔ ٨٨ و٩٣ مورخ ١٢٧٣ و١٢٧٧. گویا شیخ محمد جعفر فرزند شیخ صادق فرزند شهیدکه فاضل ومجتهد بود (مینودر: ٣٢٩).

٤. سند شمارهٔ ٦٥ ازپیرامون سال‌های ١٢٣٠-١٢٣٦. اوهمان میرزا محمد خلیل نایب الصدر خطیب فتحعلی شاه (مینودر: ٣٢٨) است فرزند میرزا شفیع نایب الصدارة (همان مأخذ: ٣٢٧). اوخود دو فرزند به نام‌های میرزا محمد شفیع معروف به میرزا بزرگ ومیرزا عبدالله نایب الصدر قزوین داشت ونسام میرزا عبدالحسین نایب الصدر فرزند میرزا محمد شفیع فرزند وی پس ازاین در اسناد ١٠٤ و١٠٦ خواهد آمد (مأخذ پیش: ٣٢٨ دیده شود).

٥. سند شمارهٔ ٦٧ ازپیرامون سال ١٢٣٦.

٦. دوسند شمارهٔ ١٣٦ و١٣٧ مورخ به سال‌های ١٣٠٨ و١٣٠٩. گویا همان شیخ صادق برغانی فرزند شهید ثالث‌که برکتاب انوار الفقاهه حواشی دارد (ذریعه ٦: ٢٦/الماثر والاثار: ١٦٥/نقباء البشر٢: ٨٦٤-٨٦٥/مینودر: ٣٢٩/مجلهٔ وحید٧:١٤٢٩) ودر١٣١١درگذشته است. می‌تواند هم شیخ‌صادق فرزندحاجی ملا علی رضا یزدی قزوینی باشدکه پدرش عالم فاضل ومعاصر حاجی سید تقی سابق الذکربود وخود نیزمردی فاضل بود (مینودر: ٣٣٩) وپیرامون سال١٣٤٨ درگذشت (نقباء البشر٢: ٨٧١).

۵۳) جامع المعقول والمنقول آخوند ملا محمد صالح[۱].

۵٤) محمد صالح[۲].

۵۵) محمدعلی[۳].

۵٦) محمد قاسم[٤].

۵۷) محمد یوسف بن محمد تقی حسینی[۵].

۵۸) محمود[۶].

۵۹) مرتضی بن ابوتراب الحسینی ـ قرن سیزدهم[۷].

٦۰) مرتضی‌بن ابوتراب الحسینی ـ قرن چهاردهم[۸].

---

۱. سند شمارهٔ ٦۸ مورخ ۱۲۳٦ ، نیزسند ۸٤ . اوباید همان حاجی ملا محمد صالح برغانی برادرشهید باشدکه در۱۲۸۳ درگذشته وشرح حال وفهرست آثار اودر بسیاری کتاب‌ها ومآخذ شرح حال هست که نیازی به ذکرآن نیست .

۲. سند شمارهٔ ۱۰۳ مورخ ۱۲۸۰ با مهر«محمد صالح ۱۲۷۱»که طبعاً ازحاجی ملا محمد صالح برغانی نخواهد بود . به علاوه برغانی دراین تاریخ درکربلا بود .

۳. دوسند شمارهٔ ۸۸ و۹۳ مورخ۱۲۷۳ و۱۲۷۷. شاید برغانی‌نگارندهٔ زادالعابدین لیوم الدین ، نسخهٔ ش ۷۱۷ کتابخانهٔ مرعشی قم (فهرست آن ۲: ۳۱۲) .

٤. دو سند شمارهٔ ٤۸ و۵۰ از۱۲۰۷ و۱۲۱۵ .

۵. سند شمارهٔ ۹۲ مورخ ۱۲۷۷ .

٦. سند شمارهٔ ٦٤ مورخ ۱۲۳۰ .

۷. سند شمارهٔ ۹۳ مورخ ۱۲۷۷. اوباید پدرهمان ابوتراب بن مرتضی حسینی عالم قزوین دراواخراین‌قرن ودرگذشتهٔ۱۳۰۳ باشدکه نام اوپیش ازاین‌گذشت (نقباء البشر۱ : ۳۰) .

۸. سند شمارهٔ ۱٤۹ مورخ ۱۳۳۵ با مهرمورخ ۱۳۱۷ . یاد شده در نقباء البشر۱ : ۳۰ با وصف « صاحب الاستخارة المجربة » . اوفـرزند سید ابوتراب یاد شدهٔ پیش است .

٦١) مسعود الحسینی[1].

٦٢) معین[2].

٦٣) موسی بن جعفر[3].

٦٤) موسی بن عبدالوهاب قاضی[4].

٦٥) ملا مهدی بن ملا عبدالعلی[5].

۵ - فواید تاریخی وجغرافیایی دیگر:

گذشت از آن چـه گذشت ازاسناد آستانهٔ شاهزاده حسین بسیاری فواید ونکات تاریخی وجغرفیایی واجتماعی دیگر مربوط به سرزمین قزوین دانسته می‌شود وبرخی از آنها ـ مانند طومارتقسیم آب رودخانه‌های شهر[6] ـ خود به تنهایی یك مأخذ بسیارمهم برای آگاهی بر جغرافیای تاریخی وقواعد ورسوم دیرین آن دیاراست.

صرف نظرازاینها اسناد قاجاری این مجموعه برای شناخت بهتررجال آن دوره وبه‌دست‌آوردن تاریخ تصدی مناصب ومشاغل ، وبیش از آن ازرهگذر

---

۱. سند شمارهٔ ۱۳۷ مـورخ ۱۳۰۹ . شیخ الاسلام وشخصیت مهم دورهٔ مشروطیت قزوین وبانی مدرسهٔ مسعودیهٔ آنجا (مینودر: ۵۷۳) .

۲. سند شمارهٔ ۱۲۳ مورخ ۱۳۰۲ . بنگرید به مینودر: ۳۲۸ .

۳. سند شمارهٔ ۱۲۶ . اوگویـا همان شیخ موسی قویمیدانی یـاد شده درمجلهٔ وحید ۷ : ۱۴۲۹باشد یاشیخ موسی فرزند شیخ جعفرفرزند شهید ثالث (مینودر:۳۲۹).

٤. سند شمارهٔ ۹۳ مورخ ۱۲۷۷ .

۵. سند شمارهٔ ۷۱ مورخ ۱۲۳۸ .گویا فرزند ملا عبدالعلی بن ابراهیم قزوینی زنده در۱۲٤۷ (کرام البرره ۲ : ۷٤٤) .

٦. سند شمارهٔ ۲٦ .

اطلاع بر تاریخ اعطاء القاب به‌آنان ـ که معمولا درمهرها ذکر گردیده است ـ مهم است . به این گونه نکات درمـآخذ عمومی سر گذشت رجـال این دوره کمتر توجه شده ، وآنچه هم که نوشته‌اند معمولا همراه با خطاها وتسامحات است .

پاره‌ای‌ازاین گونه فوایدتاریخی دردیباچه‌های اسنادکه پیش ازاین سطور نوشته وتدوین شده ـ وآن موقع درنظر نبودکه این طرح کلی درآغاز تنظیم گردد ـ تذکرداده شده است بنابراین تکرارآنها پسندیده نخواهد بود . نکاتی هم بوده است که درآن دیباچه‌ها نیامده وباید با نگریستن به اصل متون برآن آگاهی یافت .

درآغازهمین پخش ازاسناد دیگرمربوط به قزوین که درخاندان‌های قدیم آن شهرمحفوظ است وازچند سندکه درکتاب مینودرنقل یاذکر گردیده‌است سخن رفت . اینك درپایان این مقدمه به مناسبت ازدومجموعهٔ سند دیگر کـه پیش ازاین نشرشده ومربوط به قزوین ورجال‌آن است یاد می‌کنیم :

* اسناد خاندان میرزا محمد حسین عضد الملك قزوینی صدر دیوانخانه که شش‌طغرای‌آن درمقاله‌ای بانام «چند فرمان‌تاریخی» ازمحمود کی با دوسند دیگر(مجموعاً هشت فرمان) درشمارهٔ ٥ سال پنجم مجلهٔ بررسی‌های‌تاریخی[1] به چاپ رسیده است .

اومحمد حسین بن فضل‌الله بن محمدشفیع بن‌بهاءالدین محمد الحسینی العاملی است.اشاره‌ای به‌سابقهٔ این‌خاندان وبزرگان دیگرآن‌درکتاب‌مینودر[2] هست . محمد شفیع جد اواز ادباء وفضلاء صاحب اثر دورهٔ زندیه بود . او در

---

١. صفحات ١٥٥-١٦٦ .

٢. صفحات ٣٢٧-٣٢٨ .

۱۱۸٤« شعشعهٔ ذوالفقاردرشرح غزوات حیدر کرار»[۱] ودر۱۱۸۵تاریخ عرفاء[۲] ودر۱۱۹۰محافل المؤمنین درتتمیم مجالس‌المؤمنین قاضی نورالله‌شوشتری[۳] نوشته است . دررجال ایران بامداد[٤]عنوان شرح حال دارد .

میرفضل الله ملا باشی پدرمیرزا محمد حسین ازفضلاء دورهٔ فتحعلی‌شاه[٥] ومورد توجه مخصوص‌عباس میرزا نایب‌السلطنه وازملازمان او بوده وخط وی روی نسخهٔ کتابخانهٔ آستان قدس رضوی ازمحافل المؤمنین پدرش هست . در همان کتاب بامداد[٦]عنوانی برای شرح حال اونیزهست .

میرزا محمد حسین عضد الملك خود از رجال بزرگ عهد محمد شاه وناصرالدین شاه ومتصدی مشاغل ومناصبی مهم بوده واز جمله درسال ۱۲۷۰ وزیر وظایف واوقاف ودوباریکی از رجب ۱۲۷۲ تا محرم ۱۲۷۸ ودیگری از صفر ۱۲۸۲ تا ۱۲۸۳ متولی آستان قدس رضوی شده ودرسال ۱۲۸٤ در گذشته است[۷]. دوسند ۸٤ و۸۵اسنادحاضرازهمین عضدالملك درحین تصدی‌وزارت وظایف واوقاف وصدارت دیوانخانه است که مهراونیزپشت سند نخست با

---

۱. ذریعه ۱٤ : ۱۹۷–۱۹۸ .

۲. نسخهٔ آقای مدرس رضوی . مقدمهٔ مجمل التواریخ گلستانه : ۳۳ چاپ دوم .

۳. نسخهٔ شمارهٔ ٦٥۷۸ کتابخانهٔ آستان قدس رضوی . ذریعه ۲۰ : ۱۳۰ – ۱۳۱ / تاریخ تذکره‌های فارسی ۲ : ۷٦۷–۷٦۹ .

٤. ج ۳ ، ص ٤۰۹ .

٥. تاریخ تذکره‌های فارسی ۲ : ۷٦۸ .

٦. ج ۳ ، ص ۹٤ .

۷. بامداد ۳ : ۳۸۱–۳۸۲ . نیز ببینیدآثارالرضویة من منتخبات الصدیقیه : ٦۸ و۷۵ وجزآن / سواد وقف نامه‌های آستان قدس ، ش ۲۹۸۷ خطی دانشگاه ، صفحات ۲۰۳ ، ٤۵۰ ، ٤۵۱ .

سجع « عبده محمد حسین بن فضل الله الحسینی ۱۲٤٦ » هست . از اسناد مربوط به او فرمانی نیز از ناصرالدین شاه در اختیار سیدحسین‌شهشهانی بوده است[۱].

چنین است فهرست اسناد مزبور:

۱) فرمان فتحعلی‌شاه مورخ محرم ۱۲٤٤ خطاب به‌علی‌نقی میرزا صاحب اختیاردارالسلطنهٔ قزوین در قرار دادن مال وجهات محال ملکی حاجی میرزا فضل الله ملاباشی (پدر عضد الملك صدر دیوانخانه) که هشت قریه از توابع قزوین است دروجه وظیفهٔ او. بادستخط ناصرالدین‌شاه دربالای سند درامضای تیول میرزا فضل الله با نام مرزندش صدردیوانخانه .

۲) فرمان محمدشاه مورخ رجب ۱۲۵۰درتفویض منصب صدارت‌ممالك (صدرالممالکی) به میرزا محمد حسین ملاباشی .

۳) فرمان ناصرالدین شاه مورخ ذ ق-۱۲٦۷ دراعطاء یك قطعه نشان شیر وخورشید باحمایل سبزبه میرزا محمد حسین صدردیوانخانه .

٤) فرمان هممورخ صفر۱۲۷۲ درتفویض تولیت‌آستان‌قدس رضوی به میرزا محمد حسین عضد الملك وزیر وظایف وموقوفات .

٥) فرمان همو مورخ صفر۱۲۷۷ درتفویض منصب استیفاء دیوان اعلی به میرزا محمدعلی فرزند میرزا محمد حسین عضد الملك متولی سرکارفیض آثار(آستان قدس رضوی) .

٦) فرمان هممورخ ع ۱ - ۱۲۷۹ که نشان وزارت میرزا محمد حسین عضد الملك است .

---

۱. نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران دربارهٔ نسخه‌های خطی ۱ : ۲۵۷ . فرمان مربوط به دورهٔ اول تولیت آستان قدس رضوی اوست .

* اسناد خاندان میرزا عبد الغفار قزوینی که ازبزرگان ورجال قزوین در دورهٔ زندیه وقاجاریه بوده‌اند . این اسناد پنج طغراست که توسط آقای احسان اشراقی سلالهٔ همان دودمان درمقاله‌ای باعنوان « معرفی چند سند تاریخی »در شمارهٔ ٤سال‌هفتم مجلهٔ بررسی‌های تاریخی[1] به چاپ‌رسیده است .این‌چنین :

۱) فرمان کریم خان زند مورخ محرم ۱۱۸٤ خطاب به میرزا محمد علی صدرالممالك[2] درتفویض نظارت‌شرعیات دارالسلطنهٔ قزوین به‌میرزا عبدالغفار قزوینی .

۲) فرمان فتحعلی شاه قاجار مورخ شوال ۱۲۲۳ خطاب به شاهزاده علی نقی میرزا صاحب اختیاردارالسلطنهٔ قزوین در مورد وظیفهٔ میرزا کریم فرزند میرزا عبدالغفارقزوینی .

۳) فرمان هممورخ محرم۱۲۲۷ خطاب به همان شاهزاده علی نقی میرزا درمورد وظیفهٔ میرزاعبدالکریم شریك الکتاب که همان‌میرزاکریم فرزندمیرزا عبدالغفار قزوینی است .

٤) فرمان هممورخ ذ ق ۱۲۳۷ خطاب به همان شاهزاده در مورد وظیفهٔ میرزا عبد الکریم شریك الکتاب که دروجه برادرزادهٔ اومیرزا عبد الغفار قرار داده شده بود .

٥) فرمان هممورخ صفر ۱۲٤۷ خطاب به همان شاهزاده علی نقی میرزا رکن الدوله دروا گذردن منصب لشکرنویسی ومباشرت امور ایلات قزوین به میرزا مرتضی لشکرنویس .

---

۱. صفحات ۱۰۹–۱۲۰ .

۲. دیباچهٔ سند شمارهٔ ۳٦ این مجموعه دیده شود .

اینك متن یکصد وپنجاه طغرا ازاسناد آستانهٔ شاهزاده حسین قزوین:

(۱)

وقف‌نامهٔ مورخ ۲۰محرم ۷۷۳از کیاملك فرزند کیااسماعیل فرزند کیاایرانشاه دیلمی که درتاریخ‌مزبوربه زیارت بقاع ومزارات قزوین اشتغال‌داشت ودراثنا به‌زیارت قبهٔ متبرك حضرت ابوعبدالله حسین بن علی بن موسی الرضا «ع» مفتخر گردیده وتمامت هفت زیوار[۱] از جملهٔ چهارزیوار ازاصل بیست وچهارزیوار دیه دستجرد حماد ازقراء بلوك اقبال قزوین رابرمصالح مشهد منورومرقد معطروقف نمود تامتولی ومجاور آن‌درمخارج ومصارف بقعه صرف کنند.
باگواهی فرزند اومحمد وچند تن دیگر.
کیاملك واقف‌این‌وقف‌ازسلسلهٔ‌امراءهزاراسپی[۲]،حکمران ولایت دیلمستان[۳] واشکور ورود بارین ازمیانهٔ قرن هشتم تاپس‌ازسال۷۸۱بوده که وقایع وسوانح‌زندگی وکارهای

---

۱. سهم وحصه (لغت نامهٔ دهخدا ، حرف ز: ۶۵۸) مانند «دانگ» ، با این فرق که «دانگ» یك سهم ازشش سهم است و«زیوار» چنان‌که دراین سند ودر وقف نامهٔ مورخ ۱۰ صفر۹۲۹ شاه بیگی بیگم مربوط به‌آستانهٔ قم (چاپ شده درمجلد اول تربت پاکان : ۱۳۱–۱۴۱) دیده می‌شود یك سهم ازبیست وچهار سهم ،که در نتیجه هردانگ چهارزیوارخواهد بود (ببینید : تربت پاکان ، ج ۱ ، ص ۱۳۶) .
۲. فرمانروایان مستقل اشکور. ببینید : تاریخ گیلان ودیلمستان ، صفحات ۶۶/۱۱۹/ ۱۲۱/۱۲۵/۱۲۶/۱۳۳/۱۴۰ .
۳. تاریخ گیلان ودیلمستان : ۶۴ .

او در «تاریخ گیلان ودیلمستان» سید ظهیرالدین به تفصیل هست[1]. درهمین مأخذ از پدر او کیا اسماعیل نیز یاد می شود[2]. فرزندش کیامحمد که براین وقف گواهی داده است پس ازاوفرمانروای دیلمستان واشکوربود[3] وپس ازوی کیاجلال الدین نبیرهٔ کیا ملك عهده دار این مقام گردید[4]. هفت سهم دیه دستجرد اقبال که بنابرمفاد این سند درسال ۷۷۳ برآستانهٔ شاهزاده حسین قزوین وقف شده است تا روزگارماجزء موقوفات آن آستانه شناخته می شد[5] حدود این دیه درسند حاضرمناطق شلویر[6] وارنزك[7] وکلجین(؟) یاد شده که دونام نخست درتوابع وقـراء کنونی دهستان اقبال قزوین مشخص است دردهستان خرقان قزوین نزدیك دهستان مذکور، منطقه‌ای بانام «کلنجین» هست[8] که شاید همین محل مذکور درسند باشد.

---

۱. همان مأخذ: ۵۲ ـ ۶۵/۸۹/۹۵/۱۰۳/۱۲۱/۱۲۲/۲۳۲.

۲. ایضاً: ۳۱/۳۷.

۳. ایضاً: ۱۳۲ (درمورد فرزندان کیاملك دیباچهٔ سند شمارهٔ ۳ همین اسناد نیز دیده شود).

۴. ایضاً: ۱۲۱ـ۱۲۳/۱۲۹-۱۳۱/۲۳۳.

۵. مینودر: ٦٦٤.

۶. همین مأخذ: ۸۸۲.

۷. همان مأخذ وهمان صفحه.

۸. که اکنون مرکز دهستان مزبوراست. نگاه کنید به نقشه‌های سازمان آمارکشور، ومینودر: ۹۱۷ـ۹۱۸/نزهة القلوب: ۸۱/سرزمین قزوین: ۳۱۳.

متن این سند براساس سوادی از آن متعلق به قرن نهم ـ که قسمتی از آغاز آن افتاده و کنارهٔ آن نیز آسیب دیده است ـ دراین جا نقل می شود :

. . . . . .

. . . . . .

. . . . ین غیاث‌الدولة والدنیا و [الدین]کیاملك بن الامیر الاعدل السعید سلطان الولاة الجیل والدیلم‌اعدل حکام [العرب والعجم] مفزع سلاطین طبرستان قبره ، معین المظلومین مغیث‌الملهوفین، المستریح [بجوار] رحمة رب العالمین جلال الحق والدین کیا اسمعیل بن الکیا . . . مظفرالدولة والدین کیا ایرانشاه الدیلمی مدالله تعالی‌ظلال دولته وابد بالنصراعوان مملکته عنان‌عزیمت بر آن‌مصروف گردانید که به‌زیارت قبورمشرفه ومنازل‌متبرکه بلدة الاسلام باب الجنهٔ قزوین که بالحقیقه معدن اصفیا وبرج اولیاست مشرف گردد وباری تعالی وتقدس این توفیق اورا ارزانی فرمود .

درائناء مطاف به زیارت‌قبهٔ منوره ومرقد متبرکه‌اما [م زادهٔ] معصوم خلف رسول رب العالمین، ثمرهٔ شجرهٔ نبوت گوهرکان رسالت،درصدف مصطفوی بدرسماء مرتضوی ابوعبدالله حسین بن الامام حجة الله علی اهل الاسلام ظل الله علی کافة‌الانام علی بن موسی‌الرضا سبط رسول الله صلی‌الله علیه وعلی‌آله وعترته وآهل بیته وصحبه الطیبین الطاهرین مزین گشت ، اسعد انوار . . . برناصیهٔ‌اولامع شده،آثاراعتقاد ومحبت‌خاندان رسالت‌برصفحات حال‌اوظاهر گشت . رای مبارك بر آن قرار گرفت که ملکی برمصالح آن موضع وقف کند تافقرا ومساکین و . . . بندگیش به حظی محظوظ می گردند وصیت مآثراودر اطراف عالم منتشرمی‌شود .

بنابر . . .وقف کرد وتصدق نمود کیااعظم مشارالیه ـ زادت حسناته معارضة بجزیل الثواب ـ برمصالح قبهٔ متبرك ومشهد منور ومزارمعطرخلف سیدکائنات ثمرهٔ شجرهٔ « وما ارسلناك الا رحمة للعالمین » ، نورحدیقهٔ « لولاك لما خلقت الافلاك » ، کریم الانتساب والانتما . . نبعهٔ « اصلها ثابت وفرعها فی السماء » . ابی عبدالله حسین المشارالیه بأصابع العز والعلا ، وبرفقرا ومساکین ازصادر ووارد وغیرهم :

تمامت هفت زیوارازجملهٔ چهارزیوار/ از اصل بیست وچهار زیوارکه مجموع سهام وزواویردیه دستجرد حمادست ازناحیهٔ اقبال وکورهٔ قزوین . . / حدودآن منتهی بااراضی ارنزك وکلجین وشلویروقصبهٔ قزوین، به جمیع حقوق وحدود ونواحی / ولواحق ومضافات ومنسوبات آن. وآن یك زیوارخالی از . . [برزیگر؟] . .ونیمی ازآن معروف به نیمه زیوارموسیان ونیمهٔ دیگرمعروف به ابوعلیان ، باتمامت هفت جفت . . . / العین والسن والصفة وبیست جریب غله به جربان متعارف ثلثان آن گندم وثلثی جو .

تا متولی / ومجاورآن تصرف می نمایند ومحصولات آن برمصالح قبه واخراجات صادر ووارد مصروف می گردانند وطریقهٔ الاهم فـالاهم مسلوك می دارند. وقفی صحیح شرعی متصل/الابتداء والوسط والانتهاء محرم به محارم صدقات مؤبد مخلد الی ان یرث الله الارض/ومن علیها وهوخیرالوارثین ومن سعی فی ابطاله فعلیه لعنة الله والملائکة والناس اجمعین/ واجرالواقف علی الله سبحانه وتعالی والله لایضیع اجرالمحسنین/وجری ذلك فی العشرین من المحرم المحرم مفتتح شهورسنة ثلاث وسبعین وسبعمائه هجریه نبویه .

[دستخط واقف :]

حال براین موجب است که مذکور است . وانا العبد الضعیف المحتاج

الی رحمة الله تعالی [مهر :] . . . ملك بن اسمعیل شاه .

[گواهی‌ها :]

[۱] بر آنچ مخدوم پدرم خلد الله ایام دولته وقف کرده است بنده بدان راضی شد . حرره العبدالضعیف المحتاج الی رحمة الله تعالی [مهر:] محمد بن ملك.

[۲] براین موجب گواهی دهد. کتبه وردجان محمد الدیلمی باذنه ورضائه

[۳] شهد بما فیه علی بن احمد بن عثمان الموانی غفرله .

[٤] این ضعیف را [۱] بندگان کیا اعظم اعدل غیاث الدنیا والدین کیا ملك خلد دولته گواه گرفت که یك زیوار خراب بی برزیگر وهفت جفت گاو وبیست جریب تخم ازخاصه بدهم وآن زیوارخراب وتخم و گاوهفت جفت وقف مشهد ابوعبدالله حسین مشارالیه گردانیدم . العبد قاضی امیربن محمد بن محمد المسالی (؟) .

[٥]بندهٔ کمتررابندگان مخدوم کیااعظم‌اعدل سلطان‌الجیل والدیالم‌خسرو آفاق قاتل الکفرة الملحدین غیاث الحق والدین کیاملك ضاعف‌الله جلال‌قدره وخلد دولته گواه گرفت برموجبی که وقفیه درقلم گرفته. حرره العبد عبدالرزاق محمد بن محمد القاضی التمیمی اصلح الله شأنه فی التاریخ .

[٦] بر آنچ که درضمن‌این وقفیه‌منسوب ومضاف است‌باسلطان عادل منبع الخیروالاحسان قاتل الملحدین قامع الکفرة والمتمردین غیاث الحق والدنیا والدین کیا ملك ادام‌الله سلطنته‌این ضعیف‌را اشهاد فرمود. حرره‌العبدالضعیف تقی بن ابی بکربن محمد المتطبب غفرالله ذنوبه .

---

۱. دراصل به شکل «از» .

(۲)

وقف نامه مورخ رمضان ۸۵۵ گویا وقف چهاردانگ قریهٔ شنستق‌رامند بر آستانهٔ‌شاهزاده حسین‌ازجانب‌اتابك‌پادشاه. این سند مجعول‌است ودر گیرودارمنازعات سالهای‌اواخر قرن سیزدهم برسراین موقوفه، برای اثبات وقفیت‌آن با سبك ناشیانه‌ای جعل شده است. دربرخی اسناد مربوط به منازعات مزبور ازهمین متن باوصف« وقف نامهٔ معتبره» یاد می شود.

دیه شنستق بالاازدهستان رامند قزوین[۱] جزء موقوفات‌قدیم آستانه ، ونام ووقفیت‌آن دربسیای ازاسناد دورهٔ صفوی وپس‌ازآن مذکورومصرح‌است وهیچ‌نیازی به‌جعل چنین وقف‌نامه‌ای نبوده است . ذکراین نکته بی مورد نیست که سند مجعول دیگری نیزمنسوب به اتابك دریکی ازتوابع اصفهان وجود داشته‌که نجم‌الملك متن‌آن را درسفرنامهٔ خوزستان خودآورده[۲] وچنین برمی‌آیدکه درموردتاریخ پیش ازصفویه ، مردم کوچه وبازار بانام «اتابك» بیش از نام‌های دیگرآشنایی داشته‌اند .

سند مجعول موردسخن چون‌فاقد هر گونه ارزش تاریخی است ازآوردن متن‌آن خود داری می‌شود .

---

۱. دربخشی‌ازآن‌که سپس «رامند افشاریه» واکنون «افشاریه» نام گرفته است . ببینید نقشه‌های سازمان آمارکشور ومینودر: ۸۸٤ .

۲. به‌کوشش دبیرسیاقی ، ص ۱٦۲–۱٦٤ .

(۳)

سند دورویه که بریك روی آن حکم محکمهٔ دارالعدل شاه طهماسب است مورخ ج ۱ و۲ سال ۹۳۳ برثبوت وقفیت حمامی واقع دردارالسلطنهٔ قزوین که آن راامیرغیاث الدین حسنی بنا کرده وبر آستانهٔ شاهزاده حسین وقف نموده بود، ودرروی دیگرفرمان آن پادشاه مورخ آغازرجب سال۹۳۳ درتأیید وتنفیذ حکم مزبور .

ازمتن حکم شرعی برمی آید که مبنای ثبوت وقفیت حمام یاد شده که به حمام میرغیاث‌الدین معروف بوده ودرمحلهٔ شهرستان آن جا قرارداشته ، حکم میرجمال الدین محمد حسینی جرجانی وشهادت گروهی ازاهل اطلاع بوده‌است. این سید همان امیرجمال‌الدین صدراسترابـادی دانشمند وفقیه این دوره [۱] است که درسال ۹۲۰ به صدارت شاه اسماعیل رسید[۲] وپس ازاومدتی کوتاه نیزصدرطهماسب بود ودر ۹۳۱ درگذشت [۳]. درمیان شاهدان نیزافرادی از

---

۱. روضات الجنات ۲ : ۲۱۱–۲۱۴ با خلطها واشتباهاتی/ ریحانة الادب ۱:۲۶۳/ عالم‌آرا ۱ : ۱۴۴ و۱۵۳/وقایع السنین خاتون آبادی : ۴۵۶ ومآخذ دیگر. نیز احسن التواریخ روملو۱۲ : ۱۸۹–۱۹۰ وجهان‌آرا : ۲۷۷ .

۲. احسن التواریخ روملو۱۲ : ۱۵۰ . نیزببینید صفحات ۱۷۹ و۱۸۲ و۱۸۵ .

۳. همان مأخذ : ۱۹۰ (دراین صفحه قسمتی ازسرگذشت او با مطالبی مـربوط به مناسبات میان غیاث الدین منصور دشتکی ومحقق علی بن عبدالعـالی کرکی خلط ودرهم شده که عیناً در« روضات » تکرارگردیده است) .

خاندان‌های بزرگ وسرشناس هستند ازجمله کیا شمس الدین بن کیا علاءالدین بن کیا ملك که شاید نوادهٔ کیاملك هزاراسپی فرمانروای اشکورودیلمان[1] باشد ،نیز کیادباج بن کیا علاء الدین[2].

حکم‌شرعی همراه‌است باانهاء وامضاء میرنعمت الله حلی صدر[3] در گذشتهٔ اواخر ذی حجهٔ سال ۹٤۰ درعـراق[4]، وقاضی مسافربن حسین قاضی عسکرشاه طهماسب[5]ویکی دیگر ازقضات دارالعدل که مهر آنان درآغاز وانجام حکم هست، نیزباگواهی هادی حسینی موسوی . درمتن حکم

---

۱. ببینید دیباچهٔ سند شمارهٔ ۱ همین مجموعهٔ اسناد را .

۲. درتاریخ خانی نـوشتهٔ علی بن شمس الدین بن حاجی حسین لاهجی از امیر علاء الدین فرزند امیردباج ازسلسلهٔ فرمانروایان گیلان بیه پس‌که پس از عم خود امیر اسحاق برتخت فـرمانروایی جلوس نمود ـ سال ۹۰۷ـ ودرهمان سال کشته شد وبرادرش امیرحسام الدین جانشین وی گردید یاد می‌شود (صفحات ۱۳۰ـ۱۳۳) که نباید پدرگواه مذکورباشد .

۳. احسن التواریخ روملـو ۱۲ : ۲۲٤ و۲۳٤ و۲۵٤ـ۲۵٦ / عالم آرا ۱ : ۱٤٤ / وقایع السنین : ٤٦۲ .

٤. احسن التواریخ ۱۲ : ۲۵۵ـ۲۵٦ / جهان‌آرا : ۲۸٤ و۲۸۵ .

۵. احسن التـواریخ ۱۲ : ۲۵۵ . سجل ومهر این قاضی در انهائات وسجلات حکم مشابهی مورخ سال۹۳٤ مربوط به زاویهٔ شیخ نجم‌الدین محمودکرجی که عکس آن درپایان مقالهٔ نگارنده درشمارهٔ۲ سال یازدهم مجلهٔ بررسی‌های تاریخی (ص ۱۲٤) چاپ شده است نیز به این شکل دیده می‌شود : « مسافربن حسین القاضی علی انعساکـر المنصورة المحروسة » . درهمان جا سجل ومهر محمد بن مسافـر القاضی نیزهست . درسند شمارهٔ ۹ همین مجموعهٔ حاضرنیزسجل اودیده می‌شود .

سه جمله‌ای الحاق شده که درپایان به صورت جداگانه بر صحت آن گواهی شده است .

درفرمان طهماسب که به امضاء حکم شرعی صادر شده از اختلاف میان وارثان میر غیاث الدین حسنی واقف حمام و« سادات متولی آستانه »سخن رفته که معلوم می‌داردطبق مرسوم‌دوره‌های بعددرآن‌زمان نیزتولیت آستانه به‌صورت گروهی وسیلهٔ همهٔ افراد خاندان‌متولی‌عهده‌داری می‌شده، وبرعکس مشاهد ومزارات دیگریك فرد خاص به تنهایی به‌عنوان متولی شناخته نمی‌شده است . دراین فرمان گفته می‌شود که چون گفتگوی میان دوطرف به طـول انجامید حل وفصل دعوی به دارالعدل مرجوع شد واینك پس از صدورحکم شرعی مقررمی گرددکه ورثهٔ واقف حمام را به‌سادات متولی آستانه وا گذارند تاآنان به مصارف آستانه برسانند ودررواج ورونق آن مزارجد وجهد کنند . دراین سند ازدیگرموقوفات آستانه نیزیاد شده وبه رعایت جانب متولیان وخدمتگزاران ومجاوران آن توصیه گردیده‌است.

قسمتی ازآغاز این سنـد که از جانب حکم شرعی مشتمل بردنبالهٔسجل ومهرقاضی مسافروقاضی زرندی، وازجانب فرمان مشتمل برچند سطر ازآغاز آن ومهرطهماسب بوده افتاده است . چنین است متـن حکم شرعی وسپس فرمان پادشاه درامضاءآن :

ان الحكم الا لله يقضى الحق وهو خير الفاصلين

حمد وسپاس حاكم عادلى را سزاواراست عزحكمه وجل ملكه بر مؤداء «قل لئن اجتمعت الانس والجن» ساكنان طباق/ نه رواق ملاء اعلى ومتوطنان مواطن بسيط غبرا اتفاق‌نمايند برتبديل‌حكمى ازاحكام نافذ او،ازمضيق امتناع به فضاء / امكان بيرون نتوانند آورد . وشكربى قياس مالكى راست عظمت مملكته وجل عظمته كه ملك قديم او/ لم يزل ولا يزال برصرافت وقوت باقى ومستمراست به اين معنى كه اگرتمامت مسند نشينان محاكم وجود به موجب « ولو كان بعضهم لبعض ظهيراً » يكديگررا / معاونت نمايند درتغيير آن «حتى يلج الجمل فى سم الخياط » بـه بيع وشرا وغيرآن دروادى حيرت وافتقاد سر گردان مانند . ودرود/ نامعدود برآن واقف خفايا[ى] ملك وملكوت غياث خاك نشينان استماع كلام الملهوفين صدقهٔ عين نبوت سلطان انبيا وبرهـان / اصفيا محمد مصطفى وعلى مرتضى ، وبرآل وعترت با طهارت وعصمت آن حضرت باد الى يوم التناد .

امابعد/باعث برتزبيراين كتاب‌صواب وداعى برتسطيراين خطاب‌مستطاب آن است كه ثابت ومتحقق شد ثبوت وتحقق شرعى / مستندبه انهـاء سامى شرعى عالى حضرت سلطان الصدور والسادات والنقبا والعلماء جمـال الحق والحقيقة والصدارة والنقابة والسيادة والافادة/ والافاضة والدنيا والدين محمداً جرجانياً حسينياً روح‌الله‌تعالى روحه الاقدس‌فى‌اعلى‌عليين مع آبائه‌المعصومين كه مستفاد شده / بود ازانهاء واشهاد اعزهٔ گرامى كه اسم شريف‌خودرا به‌خط منيف خود قلمى خواهند فرمود حكم اوبرآن كه تمامت حمام كائن / دربلدة الموحدين قزوين ازبلاد عراق عجم درمحلهٔ شهرستان ومنسوب است به حمام ميرغياث الدين مستغنى ازتحديد ازغايت شهرتى كه در/ محل خود دارد بـا

کافهٔ ملحقات وتوابع وقف صحیح شرعی است برمـزار کثیرالانوار مقدس حضرت امام زادهٔ/اعظم [امام زاده شاهزاده حسین][1]علیه وآله وآبائه‌السلام والتحیة‌که واقع است دربلدهٔ مزبوره مستغنی ازتحدید لشهرته ثمة ، وبعد از آن شهادت شرعی نمودند جم غفیرمنهم جناب سید کمال الدین میرزا/ ابـن جناب سید شاه حسین بن مغفورسید تاج الدین الحسینی وکیاشمس الدین‌بن کیا علاء الدین بن کیا ملك وکیا دباج بن کیا علاء الدین / مزبور وآقاسلطان علی بن ملك الدین بن مسیح پاشا ومیربجان بن مغفورمیرزا علی بن امیر گیو وکیا جمال الدین بن مبرورمغفور/ فلك الدین بن جمال الدین الجیلانیین‌آن که حضرت سیادت‌پناه افادت دستگاه امیرغیاث‌الدین‌حسنی بانی‌حمام‌مزبور/ حمام‌مذکوررا باکافهٔ توابع وقف‌جزم صحیح‌شرعی نمود برمزارمتبرك‌مسفور مشتملا علی‌شرایط اللزوم ، وبعد ازرعایت جمیع مقدمات شرعیه ومحافظت/ متممات ملیه ورعایت مراسم دینیه مترتب شد بر این ، مقتضاء شریعت شریف غـراء نبوی ومرتضی ملت زهراء مصطفوی / مـن التنفیذ والامضاء والحکم بصحة الوقف الشرعی اللازم الصادرممن‌له ذلك شرعاً/واین چند کلمه‌تذکرة للحال قلمی شد . وذلك جری فی شهرجمادی الاولی والاخری من شهورسنة ثلاث وثلاثین وتسعمائه / والحمد لله رب العالمین والصلاة علـی نبیه وآلـه الطیبین الطاهرین اجمعین ابتعین اکتعین .

[زیرنویس :]

الحاق «که واقع است دربلـدهٔ مزبوره مستغنی ازتحدید لشهرته ثمـة » والحاق « مشتملا علی‌الشرائط اللزوم » والحاق « من التنفیذ والامضاء والحکم

---

۱. بالای سند طبق معمول دورهٔ صفوی .

بصحة الوقف الشرعى اللازم الصادرممن له ذلك شرعاً »[1]ـ تم ـ مـن كاتب الاصل سهواً . سبحان من لايسهو ولا ينسى .

[مهرهای زیرنویس :]

[۱] واذكروا نعمة الله عليكم وميثاقه الذى واثقكم به اذ قلتم سمعنا واطعنا واتقوا الله ان الله عليم بذات الصدور.

[۲] ناد علياً مظهرالعجائب ، تجده عوناً لك فى النوائب ،كل هـم وغم سينجلى ، . . . الفقيرمسافربن حسين القاضى .

[۳] . . . عبده . . . بن رستم بن على الزرندى ۹۲۷ .

[انهاء وگواهی‌ها :]

[۱] هوالله ثقتى – امـا بعد حمد المنعم المفضال والصلاة والسلام علـى سيدنا محمد وآلـه خير آل ، فقد جرى لدي ما زبـر فى هذا الكتاب الدينى واشتمل‌عليه صواب ذا الخطاب الملى من شهادة جمع من الاجلاء يعول‌عليهم ونركن فى كليات‌الامور وجزوياتها اليهم بصدورالحكم الجليل العالى والانهاء الجميل الجمالى بما هو طريقه الشرعى من التفصيل وعلى ما هونهجه الدينى الجميل وشهادة جمع‌آخر كثير وجم عظيم غفير، فأصل الوقفية المحكوم بها الحكم المذكورمستنداً اكثرهم الى‌اقرارالواقف المرحوم المغفور بحيث بلغ لدي‌نصاب الاستفاضة والشياع ولزمنى فى‌ذلك العمل بحكم الحاكم المطاع، فعندها استخرت الله سبحانه بعد تـأمل المقدمات المذكورة اولاها و اخريهـا ورتبت عليهـا بالحسبة الشرعية موجبها ومقتضاها وحكمت بمـا ظهر لى دليله وامضيت ونفذت ما اتضح لدي سبيله . وآخردعويهم ان الحمدلله رب‌العالمين

---

۱ . اين سه جمله درمتن سند الحاقى است .

وصلى الله على سيدنا محمد و آله الطيبين الطاهرين وسلم عليهم تسليماً كثيراً كثيراً كثيراً .

كتب الفقيرالى الله الغنى القوى نعمةالله بن على الحسينى الموسوىعفى عنهما وعنسايرالمؤمنين . [مهر:] واذكروا نعمةاللهعليكم وميثاقه الذىواثقكم به اذ قلتم سمعنا واطعنا واتقوا الله ان الله عليم بذات الصدور.

[٢] هوالهادى ـ ازجمله گواهان انهاء حكم مزبورعالى جمالى.واززمرهٔ جماعتى كه به شيوع واستفاضه لاصل وقفيت حمام مذكورنيز گواهى دارند . الفقيرهادى الحسينى الموسوى . [مهر] . . هادى بن . .

[٣] هوحسبى ـ الحمدلله علىنعمائه والصلاة علىمحمد سيدانبيائه وعلي اكرم احبائه . و بعد فقد جرى مضمون الكتاب الصواب المستطاب هذا لدي وثبت مـا اثبت فى الخطاب من الثبوت المستفاد من الانهاء السامى والحكم العالى الواصل اليالمقرون بالقبول والشهود. . . له علىالنمط المنقول فأثر رعاية المقدماتالشرعية [رتب]ت عليه مقتضىالشريعة الشريفة الغراء ومرتضى الطريقة المنيفة . .

[٤] هوالحق الحق ـ اما بعد حمد واجب الوجود علـى نعمائه والصلاة والسلام على سيد انبيائه وعلى اكرم احبائه . فقـد جرى مضمون هذا الصك الاسلامىغب اناستفيد الانهاء السامى الشامخ الصادرعن عالى حضرتسلطان . . . . . قدس الله روحه العزيزباعلامى[1] . . . . . .

[متن فرمان :]

. . . . . .

امارت قبابى اميرغياث الدين حسنى مسطورفى الظهر است بانى مذكور

---

١ . گويا چنين باشد .

وقف بر آستانهٔ منورهٔ مذکورهٔ حضرت [. . .][1]/ کرده وجمعی ازورثهٔ واقف مذکورمانع تصرف ایشان می‌شوند وبا وجودآن که مدتها در تصرف متولیان مذکوره بوده وحاصل آن را/صرف مصارف وجوب مزار کثیر الانوارمزبور می‌نموده‌اند بـه تصرف ایشان نمی گذارند و ورثهٔ واقف مذکور را درباب / وقفیت حمام‌مذکورمنازعه ومباحثهٔ تمام‌بود وتصدیق وقفیت نمی‌نمودند وامراء عظام وصدور کرام وقضات اسلام و/ معسکرظفراثرقرار اتیان دارالعدل کرده ، غوررسی قضیهٔ مذکوره به اتم وجوه نمودند ومضمون مسطورضمن که مشعر ومخبر بر/ وقفیت حمام مذکور است به ثبوت پیوست وبه وضوح رسید که حمام‌مذکوربه شرحی که درظهرنوشته شده/ازموقوفات آستانهٔ منورهٔ مذکوره است وحقیت سادات مشار الیهم که متولی مزار کثیر الانوارمزبورند / بـه تفصیلی که نوشته شده واضح گشت ومضمون مجلهٔ مزبورهٔ ظهرمحل تحلیت قضات اسلام گشت مقرر فرمودیم که / حمام مذکوررا ازجمله موقوفات معینهٔ آستانهٔ منورهٔ مذکوره دانسته ،به تصرف متولیان آن مزار کثیرالانوار/ گذارند واصلاهیچ آفریده به‌علت‌ملکیت‌پیرامون حمام‌مذکورنگردد ودراجاره ومستغل آن مدخل نسازدکه/دانسته به‌آستانهٔ مذکوره ارزانی داشتیم .

امراء عظام وحکام کرام وقضات اسلام واکابرفخام / واصول واعیان دار الموحدین قزوین براین موجب مقرر دانسته ، من بعد هیچ آفریده را مجال تصرف/ ومداخلت وتعرض درحمام مذکور ندهند وبـه تصرف متولیان آن مزار کثیر الانوار گذارند که ازجمله موقوفات/معینهٔ مقررهٔ مزارمذکور است . ورثهٔ امیرغیاث الدین واقف حمام مذکورحسب المسطورمقرردانسته/ به هیچ وجه من الوجوه پیرامون حمام مذکورنگردند که وقفیت آن به صحت پیوسته

---

۱. نام شاهزاده حسین که دربالای سند بوده است .

وایشان را دخل در آن/نیست .

دراین باب قدغن دانند وازمضمون مسطورظهراً ونصباً تجاوزنکرده ،دست تصدی سادات / متولی آنجا درتصرف حمام مذکور قوی و مطلق دارند و از شوائب تغییر وتبدیل مصون و محروس شناسند واحدی را / مجال تعرض وتصرف درآن ندهند . دراین باب قدغن دانند وازمخالفت که موجب خطاب وعتاب خواهد بود /محترز ومجتنب باشند .

سادات کرام مذکوره باید که چون کمال توجه به ترویج وتنسیق مزار کثیر الانوارمذکور/مصروف است نهایت اهتمام واجتهاد صرف رواج آنجا کرده، موقوفات آن را سیما مستغل حمام مذکوربه مصارف / وجوب صرف کرده ، نگذارند که قصوری درسرکار مذکور واقع شود . در این بـاب قدغن دانند و تخلف نورزند / از جوانب بر این جمله روند و رعـایت سادات مذکوره ومجاوران وخادمان آستانهٔ منوره / به همه ابواب به جای آورند واز فرموده عدول وانحراف نجویند وهرساله دراین باب نشان وپروانچهٔ مجدد/طلب ندارند وشکر وشکایت سادات مذکوره عظیم مؤثر شمرند واعتماد به توقیع رفیع / منیع اشرف اعلی نمایند .

تحریراً فی / غرهٔ شهر رجب المرجب سنه ۹۳۳ .

(٤)

فرمان شاه طهماسب مورخ ۹۳۵ دربارهٔ میرسرهنگان مرعشی که یکی ازمتولیان آستانهٔ شاهزاده حسین در حین صدور فرمان بود .

اصل این سند مانند برخی دیگر ازاسناد مربوط به آستانهٔ

شاهزاده حسین ضمن مجموعه‌ای دیگردرشهرقزوین است ودرسند شمارهٔ ۹۶ مجموعهٔ حاضرنیزبدان اشاره می‌شود. نگارنده توفیق نیافت دارندهٔ این مجموعهٔ دیگر را دیدار کرده وبراسناد موجود درآن دست یابد .

(۵)

فرمان مورخ ۹۳۵ ازشاه طهماسب به نام میرزین‌العابدین مرعشی که ضمن همان مجموعهٔ یاد شدهٔ پیش هست و در سند شمارهٔ ۹۶ مجموعهٔ حاضرنیز ازآن یاد شده است . این میر زین العابدین متولی آستانه ومورد توجه خاص طهماسب بوده[۱] وچند سند دیگرنیزدربارهٔ اوپس از این می‌بینیم .

(۶)

فرمان‌مورخ شعبان۹۳۷ازشاه طهماسب که‌نیزجزءمجموعهٔ یاد شدهٔ پیش است ودر سندی مورخ ۲۱ شوال ۱۲۷۱ ملخص مفادآن به این شرح باز گوشده است :

چون تولیت آستانهٔ امام زادهٔ به حق [. . .] ازقدیم الایام الی الآن متعلق به‌آبا واجداد سیادت مآب . . .[۲] داشته ، اکنون مقرر می‌داریم که به دستور آبا واجداد اورا متولی‌موقوفات‌آستانه دانسته، تولیت‌را مخصوص اوشناسند.

---

۱. تذکرهٔ شاه طهماسب : ص ۱۳ دیده شود .

۲. درسند مزبوراشاره شده‌که نام متولی دراین سند ریخته است وخوانده نمی‌شود.

سادات عظـام و قضـات اسلام و کلانتران و کـدخدایان و جمهور سکنهٔ دار الموحدین قزوین باید که به‌دستور او رامتولی آستانهٔ مذکوره دانسته ،محصولات موقوفات را به مشارالیه واگذارند که به مصرف شرعی برساند . خادمان وعملهٔ آن آستانه خود را به عزل اومعزول وبه نصب اومنصوب دانند[1].

(۷)

حکم مورخ ۱۸ ع ۱ - ۹۳۸ ازشاه بیگی بیگم همسرشاه اسماعیل درواگذاردن تولیت محالی راکه او بـر آستانهٔ شاهزاده حسین وقف کرده بود به امیرزین العابدین حسینی مرعشی وپس ازاوفرزندان وی نسلا بعدنسل ، وقراردادن سی خروارغله ازمحصول آن محال دروجه معیشت همان سید وسید کمال الدین عبدالقادر وسیدصفی الدین شکرالله.

نام موقوفات مزبور که باید درمیان سطرسوم وچهارم سند ذکرشده باشد درحال حاضرمعلوم نیست. سند درمیان این دوسطرپیش‌ترها پاره شده وسپس به یکدیگرچسبانیده‌اند ومی‌تواند بود که تکهٔ مشتمل برنام موقوفات دراین ضمن ازمیان رفته باشد . سرکاری رقبات موقوفه با امارت مآب کمال الدین ملك بیك بوده که قناتی نیزجهت آستانه‌احیاء نموده بود چنان که دراین سند مصرح است .

شاه بیگی بیگم ملقب به تاجلوبیگم دخترمهماد بیك بـن حمزه بیك بکتاش موصلو است که درسال۹٤٦ به دستور

---

۱. سند شمارهٔ ۸٤ همین مجموعه .

شاه طهماسب‌ازتبریزبه شیرازتبعیدشد ودرآنجادرگذشت ودرمزار بی‌بی دختران به خاك رفت[1]. « ازآثار خیرات مشارالیهاقریهٔ حسن آباد ورامین ری‌است که برمدینهٔمشرفه علی راقدها الف سلام وقف فرموده ومحصول آن از آن تاریخ الی یومنا هذا به سادات مستحقین می‌رسد . دیگر عمارت رفیعهٔ روضهٔ مقدسهٔ مطهرهٔ سمیة سیدة النساء فی العالمین معصومه است که معماران همت آن علیا حضرت درخطهٔ قم به اتمام رسانیده‌اند وقریب به هزارتومان املاك نفیس وقف آن مزارموهبت آثارفرموده وآن‌نیزخیری‌است جاریه . دیگرعمارت گنبد عالی که موسوم است به جنت سرا درجنب قبهٔمقدسهٔ صفویه در دارالارشاد اردبیل ...»[2]

تعمیر پل دختردرنزدیك میانه ـ آذربایجان شرقی ـ به‌سال ۹۳۳ گویا ازهموست[3]. او را خواهری با نام « بیکسی خانم » بوده که گویادرقم مدفون بوده است[4]. سنگ قبر عمهٔ او آقا شاه خاتون‌دخترحمزه بیك بکتاش موصلوچند سال پیش در تعمیرات مقبرهٔ شاه عباس دوم از زیر خاك بیرون آمد[5].

---

۱. خلاصة التواریخ : برگ ۱۱۰ عکس ۵۵۶۶ دانشگاه/ فارس نامهٔ ناصری۱:۱۰۴ با دو خطا درنقل/قم درقرن نهم : ۱۳۱ .

۲. خلاصة التواریخ : برگ ۱۱۰ عکس مزبور/ تربت پاکان ۱ : ۱۳۱–۱۳۲ .

۳. آثارباستانی آذربایجان : ۹۷/ نظری به تاریخ آذربایجان : ۴۰۳ .

۴. تربت پاکان ۱ : ۱۳۲ و۱۳۹ و۲۲۱ .

۵. همان مأخذ ، ص ۱۱۷ و۱۳۳ .

اوجزموقوفاتی که دراین سند بدان اشاره می‌شود درسال ۹۴۳ یك دانگ ازقریهٔ دزج اقبال ازتوابع قزوین را نیز برآستانهٔ حضرت شاهزاده حسین وقف نموده که وقف‌نامهٔ آن‌را پس ازاین درهمین بحث خواهیم دید[۱]. جزاین‌دو سند وقف‌نامه‌ای‌دیگرنیزازاومربوط به‌آستانهٔ قم مورخ ۱۰ صفر ۹۲۹درمجلد اول تربت پاکان[۲] به چاپ رسیده است. این سند تنها حکمی است که ازاو تاکنون به دست افتاده وآن در ۱۴ سطر است باندازهٔ ۴۴ در ۲۰ سانتی متر(پهنای سطور ۱۴ سانتی متر) . مهر گلابی شکل اودرپایان حکم زده‌شده ومتن آن درحاشیهٔ گردا گرد درلبهٔ مهر: نام‌چهارده معصوم (محمد مصطفی ، علی مرتضی . . . تاآخربدون کلمهٔ « اللهم صل علی . . ») وسپس در حاشیه‌ای دیگر گردا گرد متن : « ناد علیاً مظهر العجائب . . » تاپایان دو بیتی ، وآن‌گاه در میان ، میان یك مربع مستطیل عمودی عبارت « شاه بیگی خانم » است با تاریخ ساختن مهر که گویا ۹۰۸ یا ۹۱۸ است .

هو

حکم علیهٔ عالیه شد آن‌که چون بنابرکمال امانت ودیانت وتقوی وپرهیزکاری سیادت/پناهی امیرمجاهداً للسیادة والدین زین‌العابدین الحسینی المرعشی‌تولیت‌محال‌مذکورهٔ ذیل که وقف‌نمودیم/برصادرین وواردین آستانهٔ

---

۱. سند شمارهٔ ۹ .

۲. صفحات ۱۳۱ تا ۱۴۱ .

مقدسهٔ منورهٔ امامزادهٔ بحق [شاهزاده حسین علیه وعن آبائه[1] التحیة والسلام] وسرکاری آن به امارت مآب حکومت نصابی/ کمال‌الدین ملك‌بیك متعلق‌است سیادت مآب مشارالیه مرجوع شده ازابتداء توشقان ئیل، مقرر آن که/محصول رقبات مذکوره را هرساله سی خروارغله دروجه معیشت سید مشارالیه وسید کمال الدین عبد القادر/ وسید صفی الدین شکرالله صرف نماید وتتمهٔ خرج عمارت قناتی که برسرکاری امارت پناه مشارالیه احیاشده/جهت آستانهٔ مقدسهٔ منورهٔ مزبوره وصادرین وواردین آنجا نمایند .

سادات عظام وقضات وکلانتران / وکدخدایان دار الموحدین قزوین سیادت‌مآب مومی‌الیه رامتولی شرعی محال مذکوره دانسته ، بعد ازاواولاد/ امجاد اورا بطناًبعد بطن متولی شرعی دانند وهیچ آفریده درسر وکارمذکوره سیما عمال دار الموحدین مذکوره / مدخل نسازند و پیرامون نگردند وقلم وقدم از آن محال کوتاه وکشیده دارند وازشکایت که موجب مؤاخذه خواهد بود/احترازنمایند . دراین‌باب‌تقصیرننمایند ورعایت ومراقبت واعزاز واحترام سیادت مآب مشار الیه به جا آورند / وشکر وشکایت اورا عظیم شناسند .

[عن ملك سدسی (؟) / محال مذکوره درمتن عقد وقف به سیادت پناه مومی الیه داده شد][2].

تحریراً فی / ۱۸ شهرربیع الاول سنهٔ ۹۳۸ .

(۸)

وقف‌نامهٔ شاه‌طهماسب‌مورخ ج۱-۹۳۸ گویای وقف‌حمام شاهی قزوین که ازبناهای خود او، وپیوسته به دولت‌خانهٔ

---

۱. کذا .

۲. این عبارت در دوسطرمیان سطرهای ۱۱-۱۳ سند الحاق شده است .

عامره ، وبر آب قنات میرزایی وخمارتاشی‌دایر بوده است برمصارف روضهٔ ابی عبد الله حسین بن علـی بن موسی الرضا واقع‌درقبرستان‌قدیم‌قزوین ومددمعاش‌خدام وحفاظ آن روضه ، با تولیت سادات مرعشی که متولیان مـزار بوده‌اند ودرحین وقف‌عبارت بوده‌انداز: امیر کمال‌الدین عبد القادر وامیرمجاهد الدین زیـن العابدین وامیر صفی الدین شکرالله .

گویا ازهمین سند است که‌درسند شمارهٔ ۹۶ این مجموعه به شکل « فرمان مورخ۹۳۸ شاه‌طهماسب » یاد می‌شود . اصل وقف‌نامه طوماری‌است بزرگ که قسمتی از آغاز آن مشتمل برچند سطر ازدیباچه وسجلات ومهر شاه افتاده ، وقسمت باقی مانده به طول چهارمتر وشصت وسه سانت درپهنای ۲۵ سانتی مترمشتمل بر۷۸ سطراست هرسطر به پهنای ۱۷ س . م) .

. . . . . .

غیرت ریاض مملوالحیاض دارالقرار ورشك « جنات تجری مـن تحتها الانهار» گردانید .

مبدع هرچشمه که جودیش هست مخترع هرچه وجودیش هست

پادشاها سپاس نعمت توبرزبان نمی‌آریم وستایش ترا برتونمی‌شماریم . ازدست وزبان ما چه‌آید که ادای حمد وثنای ترا شاید .

از دست وزبان که بر آید کزعهدهٔ شکرت به‌در آید

انت کمااثنیت علی نفسك .

آنجا که کمال کبریای تو بود　　عالم نمی از بحر عطای تو بود
ما را چه حد حمد وثنای تو بود　　هم حمد وثنای تو سزای تو بود

وشرایف صلات صلوات ولطایف تسلیمات طیبات تحفهٔ روح پـر فتوح سالك مسالك رسالت مالك ممالك جلالت، مشارالیه رموز «وماینطق عن الهوی» معتمد علیه کنوز « ان هوالا وحی یوحی » ؛شمسهٔ ابواب پیغمبری شمس آسمان نیك اختری ، آن سروری که دایرهٔ نبوتش را نقطهٔ نخستین « کنت نبیاً و آدم بین الماء والطین » بوده وخاتم رسالتش را نقش نگین « ولکن رسول الله وخاتم النبیین » آمده ، معلم به تعلیم « فاعلم انه لا اله الا الله » مکرم به تکریم « و کفی بالله شهیداً » محمد رسول الله. وبرشاه سریر ولایت وامامت وماه منیر فلك هدایت و کرامت ، شهسوار معارك لافتی شهریار ممالك انما، واقف حقایق « من عرف » کاشف دقایق « لو کشف » ، مخصوص به فص « ما انتجبته ولکن الله اجتباه » منصوص به نص « من کنت مولاه فعلي مولاه ،اللهم وال من والاه وعاد من عاداه».

علی حبه جنة قسیم النار والجنة　　وصی المصطفی حقاً امام الانس والجنة

اسد الله الغالب وسلطان اولیاء الله فی المشارق والمغارب الامام بالحق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب. وسایر ائمهٔ معصومین که واقفان دقایق آیات بینات وعارفان حقایق معجزات اند .

علی ارواحهم تحف التحایا　　من الله الذی خلق البرایا

وبعد　　چون ارادهٔ حضرت واهب العطیات وواقف السر والخفیات بر آن جاری شده که هرصاحب همت عظیم الشأن رفیع المکان که بـه موعظهٔ حسنه « ماعندکم ینفد وما عند الله باق » متعظ گشته ، به امداد توفیق به مقتضای « یسارعون فی الخیرات » دراحیاء مراسم مبرات ورونق بقاع گردون ارتفاع وحظایر بی امثال ونظایر سعی و کوشش نمایند هر آینه به مژدهٔ پرامید « من جاء

بالحسنة فله عشر امثالها » سزاوار تواند شد ، وهـر ذی شوکت عالی رتبت سامی منزلت که دیدهٔ بصیرتش به کحل الجواهر« یهدی الله لنوره مـن یشاء » مکحل شده به اسعاد تأیید به مؤدای حقایق انتمای « الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله ثم لایتبعون ماانفقوا مناً ولااذی » اموال وجهات خود را فی سبیل الله خالصاً مخلصاً لوجه الله صرف نماید وبـه توفیق ترویج مشاهد منورهٔ متبرکهٔ مطهره که مطاف خواص عباد و کعبهٔ حصول اسباب معاش ومراد[1] فقراء عباد است فایز گشته ، گوی آن سعادت جاودانی درمیدان اقبال وکامرانی به چوگان احسان ازهمگنان رباید یقین که خودرا مستعداجتناء ثمرهٔدولت واقبال ازشاخسار سعادت آثار« لهم اجرهم عند ربهم ولاخوف علیهم ولاهـم یحزنون » ساخته ، به نوید جاوید «واما ماینفع الناس فیمکث فی الارض» امیدوارخواهد شد. پس طریقهٔمرضیهٔ واقفان طریق اهل الله وشیمهٔ کریمهٔ رضیهٔعارفان آگاه که بهرهنمونی قائد توفیق ودلالت هادی تأیید راه به مایدهٔ پرفایدهٔ « مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء » برده ، ازخوان بی کران احسان « لن تنالوا البر حتی تنفقـوا مما تحبون» محظوظند وبه عین عنایت «ان الله مع الذین اتقوا والذین هم محسنون» ملحوظ ، آن است که برحسب خطاب بلارتیاب « یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمة الله علیکم » وبرطبق کریمهٔ « واما بنعمة ربك فحدث » شکرانهٔ آن موهبت عظمی وعطیهٔ کبری در اشتداد مبانی خیرات واعتلاء مناهج ابواب مبـرات به قدرمقدور ومیسورسعی و کوشش فرمایند وچون عواری ایام همیشه درمعرض زوال است زخارف این دنیای فانی را وسیلهٔ ادخارسعادت اخروی سازند واز دوحهٔ « والاخرة خیرلك من الاولی » به اقتطاف ثمرهٔ اقبـال پردازند . ورای

---

۱ . کذا ، به جای « معاد » .

ممالك آرای ارباب دین ودول واقف وضمیرمشکل گشای اصحاب ملك وملت عـارف است که افضل واکمل صدقـات آن است که موجود وبـاقی ماند آثار وامارات آن به تکررلیالی وایام، ومعدوم وفانی‌نشود علامات آن به تواترشهور واعوام . فمن وفق لنشرهذه المکرمات فقد فاز بالفوزالعظیم . قال الله سبحانه وتعالی « وما تقدمـوا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله هوخیراً واعظم اجـراً واستغفروا الله ان الله غفوررحیم » .

خلاصهٔ این کلام دررانتظام‌سعادت فرجام آن که مصداق این مقال صورت حال همایون فال خجسته مآل خدام عرش مقام نواب کامیاب کامکارسپهر وقار گردون اقتدار اعلیحضرت سیادت وخلافت وسلطنت مرتبت فلك رتبت قمـر صورت عطارد فطنت خورشیدطلعت بهرام‌صولت مشتری منزلت کیوان‌رفعت قدرقدرت قضا شوکت

آسمان قدر ثـوابت لشکر سیاره سیـر

مشتری رأی عطارد فطنت خورشید جاه

ای به رفعت آستان ملك ودین را پای مرد

وی به‌بخشش آستینت‌بحر وکان‌را دستگاه

کو سلیمان تا ببیند مملکت را زیب وفر

کو فریدون تا بداند سلطنت‌را رسم وراه

شاه جهان پناه خورشید اشتباه جمشید سپاه ، مهرسپهرسلطنت وجهانبانی بدر فلك قدرخلافت و گیتی‌ستانی ، مخدوم اعاظم‌السلاطین متبوع افاخم‌الخواقین

سر پـادشاهان گردن فراز به درگاه او بر زمین نیـاز

ظل الله فی العالم سلطان سلاطین الترك والعرب والعجم مالك رقاب الامم

شاه عالم پناه دین پرور قرة العین احمد وحیدر

تاج بر سر نه جهانداران　　تخت ویران کن ستمکاران
والی ملك وملت نبـوی　　وارث دست و تیغ مرتضوی
باسط بساط امن وامان رافع لواء عدل واحسان
شاه فلك رتبت فرخنده بخت　　آن که مشرف شد از او تاج و تخت
عادل دیـن پـرور گیتی ستان　　شاه ملك خوی فلك آستان
تـازه نهـال چمـن داوری　　نـو گلی از گلشن پیغمبـری
داغ نـه نـاصیهٔ سرکشان　　تیـغ زن تـارك گردن کشان
داور عـادل دل عـالی نسب　　والـی کافی کف والا حسب
آفتاب تابان فلك سلطنت وداوری ماه درخشان سپهر عدالت وداد گستری
ای ز خورشید جمالت ماه را　　شرمندگی
با گدایـان تو شاهـان در مقام بنـدگی

مؤسس اساس السلطنة والخلافة بأحسن الاساس بعد ماظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت ایدی الناس، المتثل لنص « ان الله یأمر بالعدل والاحسان »، السلطان بن السلطان بن السلطان والخاقان بن الخاقان بن الخاقان ابو المظفر السلطا ن شاه طهماسب الحسینی الموسوی الصفوی بهادرخان خلد الله تعالی ملکه وسلطانه وافاض علی العالمین بره واحسانه ولازال مسند السلطنة والخلافة وسریر العدالة والنصفة مزیناً بوجوده ولاحرمنا عن فواضل احسانه وجوده ، ومادام اولیاء سلطنته واقباله مظفراً منصوراً واعداء رفعته واجلاله مخذولا مقهوراً .

تا به شرق وغرب عالم می‌رسد　　تیغ قضا
تا به بر و بحر گیتی می‌رود　　حکم قـدر
عرصهٔ ملکی که هست امروز درحکم قضا
بـاد شمشیر تـرا در قبضهٔ حکم آن قـدر

هر زمان درعرصهٔ ملکت فزون ملکی زنو

هر زمان بـا رأیت جـاه توضم فتحی دگر

آمده ، چون ازتباشیر بدوطلوع مهرلامع سلطنت بی‌زوال وثبت مناشیرحکم قاطع خلافت لاتزال همواره نیت فیض‌آثار همایون وهمت عالی نهمت‌کرم شعار به خیرمقرون بـرارتفاع ارکان اشاعهٔ خیرات واتقاء بنیان افـاضهٔ مبرات عموماً وترویج وتنسیق مشاهد مقدسهٔ منورهٔ ائمهٔ هدی ومزارات مطهرهٔ اولاد امجاد اطهار نجبـاء کرام ایشان ـ علیهم صلوات الرحمن ـ خصوصاً مفطـور ومقصوربوده وهست ، ورای‌عالم‌آرای مشکل گشای‌خورشید انجلاکه مصدر خیرات ومبـرات است دایم الاوقات مستدعی‌آن است‌که این صورت سمت تزاید وتضاعف پذیرد .

لهذا دراین اوقات فرخنده ساعات فایضة الخیرات والبرکات نـواب کامیاب اعلی حضرت همایون اعلاه الله تعالی وخلد نفاذ امره وحکمه فی‌بسیط الربع المسکون وقف فـرمودند وقفی صحیح شرعی لازم جازم مؤکد مؤبـد قربة الی‌الله تعالی وطلباً لمرضاته‌آنچه دروقت انشاء وقف مزبور درسلك ملك نواب فلك جناب منسلك ومنتظم بـود وآن جمیع حمامی است واقع در دار الموحدین قزوین وباب الجنة التی اعدت للمتقین متصل به دولت خانهٔ عامرهٔ همایون‌که ازمنشآت اعلی‌حضرت واقف سلطنت پناه سلیمان جاه سکندرسپاه است ومعماران رأفت دثارنعمت‌انبارهمت‌بلند وخاطرارجمند به‌انشاء واحداث آن امر فرموده‌اند ودایر است به‌آب قنات میرزایی وخمارتاشی ، وآن حمـام نعیم‌آساکه ازغایت‌صفا ونزهت هوا رشك جنات تجری من‌تحتها الانهاراست مستغنی‌است ازذکرحدود واوصاف زیراکه به واسطهٔ انتساب به بندگان اعلی نواب‌کامیاب درکمال اشتهارکالشمس فی رابعة النهاراست ، مع عامة التوابع

ومطرح الرماد واللواحق وكافة الحقوق والمرافق .

برحظيرهٔ متبركهٔ منوره ومقبرهٔ مطهرهٔ معطرهٔ حضرت امام زادهٔ معصوم الشهيد المظلوم نتيجة الائمة والاولياء صاحب الكرامات والمقامات العليا ، المشهوربين الانام والجارى على لسان الخواص والعوام بأبى عبدالله حسين‌بن على بن موسى الرضا على مشرفها وآبائه افضل التحية والثناء .

وآن منزل خلدآسا ومزار كثيرالانوار عرش فرسا نيز واقع است درمزار مشهوربه كهن‌تر ازمزارات بلدهٔ مذكوره وبه حكم «العيان لايحتاج الى‌البيان» مغنى‌است ازشرح وبيان. تاحاصل ومنافع آن‌حمام موصوف‌را صرف عمارت مشهد معطرمذكورنمايند اولاكه اهم است ، بعد ازآن تهيهٔ فرش وروشنايى‌از قالى وحصير وشمع وچراغ وساير اسباب اضائت وتنوير، بعد ازآن وظيفهٔ خادمى كه سعادت ازلى وتوفيق لم‌يزلى رفيق حال او گشته خدمت آن عتبهٔ عليه بدو مرجوع باشد بقدر الحاجه ، بعد ازآن وظيفهٔ حفاظ قرآن كريم مجيد كه درآن‌خجسته مقام به تلاوت وقرائت كلام‌معجزنظام حضرت ملك‌علام مواظبت ومداومت نمايند بقدر ما يليق بحالهم بحسب العرف والعادة بلانقصان وزيادة.

وامر توليت به موجب قولى عالى همايون ـ لا زال امره الاعلى المطاع وحكمه العالى اللازم الاتباع نافذاً وجارياً فى مشارق الارض ومغاربها ـ به متوليان مزار كثيرالانوار مذكورسادات عظام كرام ونقباء فخام ذوى الاحترام مرعشيين ادام الله تعالى ايام سيادتهم ونقابتهم الى يوم الدين : اميركمال‌الدين عبدالقادر واميرمجاهد الدين زين العابدين واميرصفى الدين شكرالله مفوض ومرجوع است كه به شرايط مزبوره عمل نموده ، تغيير وتبديل جايز ندارند وحق التوليه على الرسم المعهود تصرف نمايند . فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه ان الله سميع عليم .

وكان ذلك فی شهرجمادی الاولی سنة ثمان وثلاثین وتسعمائة من الهجرة النبویـة . والحمد لله رب العـالمین والختم بالصلوة علی محمد خاتـم النبیین وآله اجمعین .

(۹)

وقف نامهٔ مورخ ۱۲ محرم ۹۴۳ ازشاه بیگی بیگم دختر مهماد بیك وهمسرشاه اسماعیل که فرمانی از او با شمارهٔ ۷ گذشت ، مبنی بروقف یك دانگ مشاع قریهٔ دزج اقبال ازقراء قزوین[۱] برآستانهٔ شاهزاده حسین ، با تولیت سید وجیه‌الدین محب‌الله مشهوربه میرسوار وسید شرف‌الدین ابواسحاق وسیدنصرالدین عبدالجبارفرزندان مرحوم سید شمس الدین اسدالله حسینی مرعشی .

اصل این سند در دست نیست . آنچه هست سوادی است ازقرن یازدهم با سجل دانشمندی به نام نصیرا[۲] دربالای آن ومهـر اوهمان جا ودرمفاصل ومقاطع سند . براصل سند گروهی‌ازعلماء ومشاهیرآن‌دورهٔ قزوین‌انهاء و گواهی داشته‌اند که درسواد عیناً نقل شده است .

الحمد لله الـواقف علی السرایر المطلـع علی الضمایر الامر بـالخیرات والمبرات العالم بـالذرات ، والصلاة والسلام الاتمات الاکملات علـی افضل المخلوقات واشرف المکونات محمد صاحب المعجزات الباهرات والایات الظاهرات وعلی‌آله المعصومین من الزلات مادامت الارض والسموات .

---

۱ . که اکنون دیزج خوانده می‌شود (مینودر: ۸۸۲) .

۲ . دیباچهٔ سند شمارهٔ ۲۰ دیده شود .

وبعد غرض ازتحریراین حروف شرعیه وداعی برتسطراین سطوردینیهٔ اسلامیه آن است که چون غرض ازخلق نوع انسانی تحصیل سعادت وتوصل به حضرت قدسیه‌است واین‌سعادت بدون فعل‌خیرات وصدقات جاریات‌حاصل نمی شود واسد صدقات وقف مخلد بردوام است چنانچه درحدیث صحیح نبوی وارد شده است : «اذا مات ابن آدم انقطع عمله الامن ثلاث صدقة جارية ينتفع بها وولد صالح يذكره بعد موته اوانارة من علم» ، بناء علیه:

وقف کرد علیا حضرت عفت پناه طهارت دستگاه عصمت شعار ، خاتون عظمی بانوی کبری، الحسیبة النسیبة العجمی العابده العادلةالعلیا،ملکةالملکات ذات مستجمع السعادات ، ساعیة الخیرات بانیة المبرات خلاصة العفایف المطهرات، صفوةالاسلام والمسلمین سلیلة السلاطین نتیجة الخواقین،المستغنیة عن الاطالة والاطناب فی الالقاب بل الالقاب تباهی وتفتخربذاتها العالی ، شاه بیگی خانم‌الغالب علی‌اسمه‌الشریفة بیگم‌ـ‌خلدت ظلال‌عفتها وعصمتها وعظمتها وطهارتها مقرونة بالدوام الی یوم القیام ، وروح روح حضرت والدهـا العظیم الشان العلي المكان روح الراحة والمغفرات وهوالامیرالکبیرالعدل الاکرم خلاصةالامراء فی‌زمانه عمدةالسلاطین فی عهده وأوانه تغمده‌الله سبحانه وتعالی بغفرانه نظاماً للامارة والحکومة والرفعة والمغفرة والرضوان مهماد بیك طـاب ثراه وجعل الجنة مثواه ـ تمامت آنچه جایزبود اورا وقف نمودن آن ودرتحت تصرف وحیطهٔ تملك خود داشت بدون منع احدی ونزاع واحدی .

وآن عبارت‌ازهمگی وتمامی وجملگی سدس تام شایع‌کامل است ازتمام قریهٔ مفردهٔ مدعوه به «دزج اقبال» ازنواحی دارالموحدین قزوین ـ حمیت عن کیود المفسدین والمتمردین ـ مستغنی ازتحدید وتوصیف لغایة الشهرة ونهایة المعرفة وعدم الخفا هناك ، بجمیع توابع ولواحق ومضافات ومنسوبات از

اراضی وصحاری وقنوات وانهار وعیون وتلال وجبال ووهاد وکل حق ینسب ویضاف الیه من الحقوق الداخلیة والخارجیة القدیمیة والحدیثیة سیماآلات الفلاحة ، برمزارکثیرالانوار وبقعهٔ مطهرهٔ منورهٔ حضرت شاهزاده حسین علیه وعلی آبائه الصلاة والسلام والتحیة والاکرام ، وقفاً صحیحاً شرعیاً مؤبداً غیر المنقطع الابتداء والوسط والانتهاء .

ودرضمن عقد ، تولیت آن وقف را تولیة صحیحة شرعیة ازبرای عالی جنابین سیادت مآبین سعادت نقابین نقابت دستگاهین تقوی شعارین نتیجتی السادات والاکابرالعظام سید وجیه‌الدین محب اللهالشهیربمیرسواروالسید شرف الدین ابواسحاق والسید نصرالدین عبدالجباراولاد عالی جناب، من تغمده‌الله بغفرانه واسکنه بحبوحة جنانه ، السید شمس الدین اسدالله الحسینی المرعشی تعیین نمود وبعد ازایشان اولاد ایشان واولاد اولاد ایشان ماتوالدوا وتناسلوا بطناًبعد بطن وعقباً بعد عقب ونسلا بعد نسل. وشرط کردکه هرگاه ازطبقهٔ اول واحدی باشد یا اکثرشریك باشند درتولیت ومستحق نباشند بطن ثانی مگربعد ازانقراض بطن اول، والعیاذ بالله بتمامه منقرض شوند شریك باشند ذکورطبقهٔ ثانیه وهمچنین ماتعاقبوا الی ان یرث الله الارض ومن علیها وهوخیرالوارثین.

وتعیین نمودکه آنچه حاصل این وقف باشد اولا صرف عمارت ومصالح املاك وبذورنمایند وآنچه حاصل شود صرف روشنایی واسراج نمایند وآنچه از روشنایی فاضل شود صرف فروش آن بقعهٔ منوره کنند وآنچه ازفروش نیز فاضل آید صرف درعمارت آن زاویه نمایند علی ساکنها التحیة والسلام . واز جهت متولیان شرعی مشارالیهم بعدازاخراجات مصالح الاملاك ربع ازجمیع محصولات تعیین فرمود. واجرالواقفة المشارالیها ـ لازالت مشارآلیها ـ علی الله سبحانه وتعالی .

وکان ذلك فی الثانی عشرمن شهرمحرم الحرام غرة شهور سنة ثلاث

واربعين وتسعمائه من سنى الهجرة النبوية عليه افضل الصلاة والسلام والتحية.

[گواهی‌ها :]

[١] قد صح ووضح مضمونه الشرعى ومكنونه الملى لدي بوجه وجيه صحيح شرعى اسلامى. . حرره العبدالمعتصم بالله الغنى شرف بن قاضى جهان الحسينى غفرالله له .

[٢] هوهو ـ . . . حكم الشريعة المقدسة . حرره العبد حسين بن عبد اللطيف الحسينى .

[٣] هو ـ اثروضوح المقدمات المنطوية طيه من المبدأ الى المقطع سيما الوقفية على السطور والنمط المزبور والتولية على ماتقرر[1] وزبرمن الترتيب بين البطون والحصص المذكورعلى الوجه الشرعى والنمط الملى فرتبت على ذلك كله مااقتضاه الدين المنيف والشرع الشريف من الحكم بالصحة والامضاء مسئولا،سائلا من الله تقبل الصدقات الجاريات[2] من الواقفة الواقفة ودوام الدولة المخلودة الى . . . الساعة . وكتب اقل العبادجعفربن محمد العاملى.

[٤] لله الحمد ـ ماحواه الكتاب الشرعى وطواه الخطاب السمى ثبت لدي وتحقق. . .بين يدى بوجه وجيه شرعى ونمط صحيح ملى فرتبت عليه مقتضى الشريعة الشريفة الغراء من التنفيذ والحكم والامضاء اثرتحقق مسئلة دينية مجابة (؟) . كتبه افقرالعبيد الى الله المجيد المنشىء والمعيد ابن محمد ابن ابى القاسم بن على ابوسعيد ختم الله له بالحسنى ومع الاسلام .

[٥] هوالحق ـ وصل الى مضمونه بطريق معتبر وثبت .

[٦] هو ـ مانسب الي فيه من المبدأ الى المقطع صحيح سيما الوقفية

---

١. شايد هم «برز» .

٢. اصل : الحناب (شايد هم : الخيرات) .

والتولية المسطورة فى المتن [1].

[٧] هوالعلى الكبير ـ اعترفت علياحضرت الواقفة خلدت ظلال عصمتها بما نسب الـى ذاتها الشريفة لدي واشهدتنى عليه . كتبه العبد الفقير الراجى شمس (؟) بن مفلح القاضى .

[٨] هوهو ـ وضح مضمونه لـدي وصح مكنونه بين يدي بوجه شرعى اسلامى فـرتبت عليه مقتضى الشريعة الغراء . حـرره العبد الضعيف على بن عبداللطيف الحسينى .

[٩] هوـالمنسوب الىعلياحضرتالواقفةالمشارالیها لازالت مشاراًاليهاـ صحيحلدي وواضح بين يدي شرعاً . وانا العبدالفقيرالىالله القوىالغنىمحسن بن محمد بن يحيى العلوى الحسنى شاهداً عليه مستدعياً (؟) دوام سلطنتها .

[١٠] بما فيه اطلعت واشهد سيما الوقفية والتولية . الفقيرعبد الباقى بن حسين الحسينى الامامى الاصفهانى .

[١١] هو ـ منالمطلعين عليهالعبدنورالله بن علاءالدينالحسينىالمرعشى غفرلهما .

[١٢] هوحسبى ـ ثبت ما اثبت فى الوقفية الصحيحة الشرعية بأسرهالدي بمايعول عليه شرعاً وثبت عليه الانفاذ والامضاء . وانا خادم الشريعة مسافربن حسين القاضى خصهما الله تعالى بلطائف المراضى (؟) .

[١٣] هوالواقف علىالسرائرـ اثرثبوت المقدمات المطوية والمتممات المحكيةفيه وغيرذلك الىعليا حضرت الواقفةالمتصدقة، التىلولم تسمالشمس بالتأنيث ما اجرأت بالطلوع على حريم حرمها، المحتظى كافة البرايا من نوال كرمها،خلدت سلطنتها،صرت منالواقفين على مضمونهالمطلعين على مكنونه.

---

١. اين نوشته چنان كه ديده مى‌شود ازخود «شاه بيگى بيگم» واقف وقف ، واقرار اوست .

کتبه فقیرلطف‌الله تعالی‌احمد بن محمد بن احمدالحسینی الجیلی حسد حافده وحفد حاسده.وصلی الله علی‌النبی النبیه محمد وآله‌الائمةالمعصومین‌اجمعین. آمین .

[وسه گواهی دیگر] .

[تصدیق برابری سواد بااصل دربالای سند :] هوحسبی وکفی ـ الحمد لله الذی طابق علمه جزئیات المعلومات وکلیاتها ووافق بمقتضی الحکمة بحکم افعاله المنقبة فی‌دقایقها . والصلاة والسلام علی محمد وآله قائل انا مدینة العلم وعلی بابها فمن اراد الحکمة فلیأتها [من] بابها.وبعد فهذا السواد مطابق لاصله علی النحوالمراد . نمقه الفقیر المحتاج الی عفو ربه الغنی المغنی [مهر:] رب ادخلنی مدخل‌صدق واخرجنی مخرج‌صدق واجعل‌لی من‌لدنك سلطاناً نصیراً.

(۱۰)

فرمان شاه طهماسب مورخ ۲۸ رجب ۹٤٤ در واگذاردن تولیت شرعی‌آستانهٔ شاهزاده حسین وموقوفات‌آن از مواضع وباغات وحمام وجزآن به خصوص قریهٔ دزج وقنات میرزایی به سید عبدالمطلب وسید علاء الملك. از این سند برمی‌آیدکه بنی اعمام ایشان به فرزندان سید زین‌العابدین وامیراسد الله درهمین‌هنگام باآنان درتولیت شرعی مشارکت داشته‌اند :

فرمان همایون شد آن‌که چون تولیت شرعی مزارکثیرالانوار حضرت امام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم نقاوة الائمة والاولیا/سلالة الاتقیاء والاصفیا امام زادهٔ به حق [شاهزاده حسین علیه وعلی‌آبائه التحیة والسلام] به

خلفی السادات والنقبا سید عبدالمطلب وسید علاء [الملك وبنی اعمام][1] ایشان /مفوض ومرجوع است به همان دستور وقاعده مقرردانند ورقبات موقوفات مزارمتبرکهٔ مذکوره به‌تصرف/ایشان گذارند که حسب‌الشرع الاطهر به‌مصرف وجوب‌رسانند ودرترویج آن‌مساعی‌جمیله‌به‌جای‌آورند ومحصولات/موقوفات آن‌ازمواضع وباغات وحمام وغیرذلك سیما قریهٔ دزج وقنات‌میرزایی به‌وقوف وحضورایشان صرف نمایند/ویك دینار ویك من بار بی‌حضورایشان داد وستد ننمایند. خادم وجاروب‌کش به وقوف واذن‌مشارالیهما تعیین نمایند. بنی‌اعمام مشارالیهما/(خاصه اولاد) سیادت مآبین امیراسدالله وسید زین العابدین براین موجب مقرر شناسند وحق التولیه‌آن چه حصهٔ/ایشان باشد ستاده ، زیادتی وتغلب جایزندارند وپرسش طریق وطرق درحضورمومی الیهما نمایند ودست تصدی ایشان/دراین امورقوی ومطلق دارند .

قضات‌اسلام وداروغگان دارالموحدین قزوین حسب المسطورمقرردانسته نگذارند که/بنی اعمام مشارالیهما باایشان ستم شریکی نمایند ونذوربه سویت وراستی قسمت‌کنند . دراین‌باب قدغن دانند/وهرساله حکم وپروانچهٔ مجدد نطلبند .

تحریراً فی/۲۸ شهررجب ۹٤٤ .

(۱۱)

فرمان شاه طهماسب در بخشودن یك هزار دینار تبریزی نقد مال ومتوجهات دیوانی یك قطعه باغ در موضع وره ولایت شهریار بر سید ظهیرالدین ابراهیم به خواهش

---

۱. تکمیل قیاسی براساس بازماندهٔ حروف وتتمهٔ متن سند .

منسوب‌اوسید عبدالجلیل. این‌هردوسید ازخاندان مرعشی متولی آستانهٔ شاهزاده حسین بوده‌اند .

آخرین سطراین فرمان مشتمل برتاریخ صدورآن افتاده ، لیکن تاریخ مهر بالای سند چنان‌که درعکس بـه روشنی دیده می‌شود سال ۹٤٦ است . دراین مهـر دربالا عبارت « الله . محمد . علی » ودرحاشیهٔ دوسو بیت زیر:

گر کند بدرقهٔ لطف تو همراهی ما

چرخ بردوش کشد غاشیهٔ شاهی ما

ودرپـایین میان دو بیت عبارت « فی سنة ۹٤٦ » ودر متن عبارت «بندهٔ شاه ولایت طهماسب» نوشته شده است[۱].

جزاین‌مهر، مهردیگری نیزروی کلمهٔ «ختم» درکنارهٔ سند هست باسجع «الملك لله . غلام شاه ولایت طهماسب ..» که تاریخ آن مشخص نیست .

یا محمد یا علی

الحکم لله

ابوالمظفرطهماسب بهادرسیوزومیز

چون دراین وقت سیادت مـآب معالی نصابی سید عبدالجلیل/ معروض داشت که سیادت مآب سید ظهیرالدین ابراهیم قوم او/یك قطعه باغ واقع در موضع وره ولایت شهریارکه به ملکیت تعلق بدو دارد مجدداً احداث نمـوده

---

۱. همین مهرعیناً برسند شمارهٔ۱ اسنادگرجستان (ج ۱ ، ص ۱ و۲ وعکس شمارهٔ۱) دیده می‌شود .

وهنوز به حاصل نـرسیده وداخل جمع وتیول نشده / والتماس کردکـه مال ومتوجهات باغ مذکوررا از تـاریخی که به حاصل رسد ومثمر گردد به مبلغ یك‌هزاردینارتبریزی‌نقد [به ا]نعام اوعنایت فرماییم . چون/توجه خاطراشرف دربارهٔ سادات درنصاب کمال است ایجاباً لمسئوله مقررفرمودیم که باغ‌مزبور را به‌مبلغ مذکوربه نهج مسطوربه انعام ابدی واحسان/سرمدی آن سیادت‌مآب مقرر دانسته ، تغییر وتبدیل به قواعدآن راه ندهند ودر استمرارآن کوشیده ، تخلف نورزند .

مستوفیان کرام‌دیوان اعلی‌براین‌موجب‌مقررداننـد/وتیول‌داران وداروغگان وکلانتران ومتصدیان اموردیوانی وعمال وکدخدایان ولایت وموضع‌مزبوره حسب المسطورمقررداشته ، اصلا به علت اخراجات/ . . . . . وقلـم وقدم کوتاه وکشیده داشته ، رعایت واجب دانند وهـرساله سند وحکم مجدد نطلبند .

تحریراً فی/ . . .

(۱۲)

فرمان شاه‌طهماسب درمورد تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین که پیش ازاین حسب الحکم او با یکی ازسادات مرعشی بوده واودرهنگام صدورفرمان در گذشته بود .

ازاین‌فرمان جزتکه‌ای‌ازآغازآن مشتمل‌برسه سطرنخستین سند چیزی در دست نیست . لیکن ازعدد «۸۳» داخل‌مهر که درعکس به‌روشنی پیداست وطبعاً باید نمایانگرتاریخ آن (۹۸۳) باشد می‌توان تصور کرد که فرمان مورد سخن درهمین‌سال یا یك ماه ونیم آغازسال ۹۸٤ صادرشده باشد،

چه طهماسب درمیانهٔ صفراین سال اخیر در گذشته است .
درسند شمارهٔ ۹۶ این مجموعه نیز ازفرمان شاه طهماسب
مـورخ ۹۸۳ برای سید مرتضی ـ مرعشی ـ یاد شده که
باید همین سند حاضر باشد .
سجع مهر مزبور دربالا « الله . محمد . علی » وسپس در
متن «طهماسب بن اسمعیل ۸۳» است به ثلث ، ودرحاشیهٔ
گرداگرد بیت « گر کند بدرقهٔ لطف تو . . » به نستعلیق .

چون حسب الحکم همایون ما تولیت مزار متبرك امام زاده . . . /واقع است در دارالموحدین قزوین به سیادت مآب مرحوم سید . . . مرعشی/ وبرادران وبنی اعمام اومتعلق ومرجوع بوده ودراین ولاسیادت مآب مشارالیه به جواررحمت ایزدی پیوسته ومعروض داشتند که اولاد اوخلفی . . . . . .

(۱۳)

فـرمان مورخ ۱ ع ۲ ـ ۹۸۶ ازشاه خدا بندهٔ صفوی در واگذاردن خلافت سرزمین قزوین وحوالی آن بـه خلیفه سراهنگ مرعشی ازخاندان متولی مزارشاهزاده حسین، با اشاره به پروانچهٔ شاه طهماسب درهمین باب ، خطاب به صوفیان وطالبان آن‌محال ، باعزل شاه نظرخلیفه ودیگر خلفائی که متصدی امورخلافت آن‌نواحی بوده‌اند. سجع مهربالای سند همان‌است که در کتاب «مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی » نیزمشابه آن دیده می‌شود[۱].

---

۱. صفحهٔ ۳۶۱ . دربارهٔ شغل خلافت نگاه کنید به «سازمان اداری حکومت صفوی» ص ۱۰۳–۱۰۶ .

فرمان همایون شد آن‌که چون خلافت محال مذکورهٔ ذیل :

[قزوین وتوابع/ ابهر وتوابع/ ساوج بلاغ وتوابع/ طالقان ورود بار/ الویر. . ./دستجرد علیا]

به موجبی که درشجرهٔ علیهٔ اعلی حضرت خاقـان جم جاه/جنت مکان علیین آشیانی [شاه بابا ام انارالله برهانه] مسطور است بلا مشارکت ومساهمت غیر به سیادت پناه خلیفه سراهنگ/مرعشی متعلق بوده ، بنابراین به همان دستور به مشارالیـه متعلق دانسته ، دیگری را با او درخلافت محال مـذکور شریك ندانند/ وپروانچهٔ اعلی حضرت خاقان جم جاه علیین آشیانی [شاه بابا ام انار الله برهانه] که درباب خلافت محال مذکوره شرف صدوریافته ممضی و/منفذ شناسند. شاه نظرخلیفه وسایرخلفا حسب‌المسطورمقرردانسته ، خودرا معزول دانسته ، بااو/شریك ندانند . صوفیان وطالبان محال مذکوره اورا خلیفهٔ خود ونصب کردهٔ ما دانسته ، اوامر ونواهی/مشروعهٔ اورا مطیع ومنقاد باشند . در این‌باب قدغن دانسته، ازجوانب براین‌جمله روند وهرساله/حکم‌مجدد نطلبند.

تحریراً فی‌روزشنبه غرهٔ شهرربیع‌الاخربارس‌ئیل/ست وثمانین وتسعمائة.

(١٤)

فرمان مورخ شعبان ۹۹۹ ازشاه‌عباس اول درامضاء وظیفهٔ سیادت پناهان امیرعزالدین محمد وامیرمحمد قاسم وامیر فخرالدین محمد فرزندان میرعبدالمطلب مرعشی ـ متولی آستانهٔ شاهـزاده حسین در عهد طهماسب ـ از بابت مال وجهات سه محل‌ازاوقاف غازانی. ازکنارهٔ سند برمی‌آید که این وجه پیش‌تر در وظیفهٔ فرزندان میر زین العابـدین

کاشی وشاه ملا قزوینی مقرر بوده است . مهر بالای سند تاریخ ۹۹۹ ومهرحاشیه تاریخ ۹۹۶ دارد .

الملك لله

فرمان همایون شد آن‌که چون حسب الاحکام مطاعهٔ لازم الاطاعهٔ همایون لازال نافذاً فی الربع المسکون مبلغی ازبابت/حاصل محال مذکوره ذیل که ازاوقاف غازانی است :

[قریهٔ عبدل‌آباد بشاریات : ٤ تومان

قریهٔ کلج بشاریات : ٤ تومان

مزرعهٔ درویش‌آباد بشاریات : ٤ تومان]

دروجه وظیفهٔ سیادت پناهین صلاحیت وتقوی دستگاهین امیرعزالدین محمد وامیرمحمدقاسم/وامیرفخرالدین‌محمد اولاد سیادت‌پناه مرحوم‌امیرعبدالمطلب مرعشی مقرر است . بنا براین کدخدایان ورعایاءآن محال خصوصاً عبدل‌آباد سال به سال/ وجه وظیفهٔ سادات مشارالیهم را بلاقصور وانکسار نقداً وجنساً واصل ساخته ، موقوف ندارند وآنچه ازبابت سنوات گذشته ازوظیفهٔ ایشان مانده‌باشد تسلیم نمایند./افادت‌مآب مولانا شاه‌ملا مطلقا پیرامون وظیفهٔ‌سادات مشارالیهم خصوصاً عبدل‌آباد نگشته ، طلبی نکند . امارت پناه حکومت وشجاعت دستگاه مقرب الحضرة/العلیة العالیة . . . . . دریافت وایصال وجه وظیفهٔ سادات مومی الیهم به ایشان نهایت امداد/نموده ، نوعی کندکه خیالی ازآن جهت به خاطر. . . . . دراین باب قدغن دانسته، ازفرموده درنگذرند ./وزیر وکلانتر قزوین حسب المسطور مقرر دانسته ، از فرموده درنگذرند وهرساله حکم مجدد طلب ندارند .

تحریراً فی شهرشعبان المعظم سنهٔ ۹۹۹ .

[حاشیه :]

مقرراست که اولاد مرحوم میرزین‌العابدین/کاشی وشاه‌ملاء قزوینی وغیره مطلقا دخل در وظیفه/سیادت پناهین مشارالیهما ننموده ، پیرامون نگردند وبه عهدهٔ سعادت نصاب لاچین‌آقاء/سرکارعبدل‌آبادآن که سال به سال وجه وظیفهٔ سادات/مشارالیهم‌را به ایشان رسانیده ، به عذرموقوف ندارد که ازایشان تغییر یافته/به وظیفهٔ سادات مشارالیهم مقررشد .

[مهر:] بندهٔ شاه ولایت عباس

مهرمسودهٔ دیوان اعلی

۹۹۶

(۱۵)

فرمان مورخ رجب سال ۱۰۰۰ ازشاه عباس اول باطغرای شطرنجی او که نمونهٔ دیگری ازآن دراسناد گرجستان [۱] هست ، در واگذاردن مبلغ دوهزار دینار تبریزی ازبابت مال وجهات مزرعهٔ مردکران ساوه که اززمان شاه خدا بنده به سیورغال‌آستانهٔ حضرت شاهزاده حسین مقرر بود به دستوربه سیورغال همان‌آستانه. باذکرنام متولیان‌آستانه درآن تاریخ که سه تن با نام‌های درویش قنبر ودرویش عرب‌قلی ودرویش محمدعلی بوده‌اند . دراین‌سند مشکل مهمی هست که درآن ازشاه خدا بنده با دعاء « انار الله

---

۱. فرمان شمارهٔ ۱۲ (تصاویرپایان ج ۱) ومشابه آن برای شاه عباس دوم بالای سند شمارهٔ ۲۶ همان مجلد اسناد گرجستان .

بسرهانه » یاد شده درحالی که او درسال ۱۰۰٤ درگذشته وسند هم اصیل وصحیح است .

پشت سند چند مهر وتوقیع هست ازجمله یکی از امیر ابوالولی انجو صدرشاه عباس. اوامیرابوالولی فرزندشاه محمود انجو حسنی حسینی شیرازی ، از دودمان سادات طباطبائی[۱] است که در۹۷٤ متولی آستان قدس رضوی[۲] ودر۹۸٤ متولی آستانهٔ شیخ‌صفی[۳] ودر۹۸۷ متولی اوقاف غازانی[٤] ودر۹۸۸قاضی‌عسکر[٥] وسپس‌صدرشاه خدابنده[٦] بود که درآغازسلطنت شاه عباس مانند همهٔ ارباب‌مناصب ازکار برکنار، وپس ازاندکی مجدداً به صدارت برگزیده شد[۷] واز۹۹٦ تا۱۰۱٥ مدت بیست‌سال دراین‌مقام پایید[۸]. ابوالولی انجو مردی دانشمند بوده وشواهدآن بافهرست مآخذ شرح‌حال اودررسالهٔ مثال‌های صدورصفوی[۹] آمده

---

۰۱ فضائل السادات : ۵۰۷ چاپ قم .

۰۲ خلاصة التواریخ : ۱۷٦ ب عکس ٥٥٦٦ دانشگاه .

۰۳ همان مأخذ : ۲۳٥ ب عکس ٥٥٦۷ دانشگاه (نیزعالم‌آرای عباسی : ۷۱۹) .

۰٤ همان مأخذ : ۲۷۰ ب .

۰٥ همان مأخذ : ۲۷۳ ب/عالم‌آرا : ۱٤۸ /منشآت فتوحی شیرازی : ص ۱۱ نسخهٔ ۳۲۱۳ دانشگاه .

۰٦ عالم‌آرا : ۷۱۹ و۱۰۸۹ .

۰۷ خلاصة التواریخ : ۱٦ چاپ ویسبادن .

۰۸ عالم‌آرا : ۳۸٥ و۷۱۹ .

۰۹ چاپ قم ، صفحات ۱٤ تا ۱٦ . نیزص ۸ و۲٥-۲٦ .

است . ازاو دومثال یکی مورخ ۱۰ صفر ۱۰۱۰[۱] ودیگری مورخ محرم ۱۰۱۳[۲] وسه‌سجل یکی‌مورخ ۹۸۹[۳] ودیگری بر فروش نامهٔ مورخ ۲۰ شعبان ۹۹۲[۴] وسومی بر قباله‌ای مورخ ذ ق ـ ۹۹۹[۵] دیـده‌ام که مهر او درهمهٔ آنها جز آن است که دراینجا می‌بینیم .

یا محمد یا علی

الحکم لله

المؤید من عند الله ابوالمظفر عباس الحسینی الموسوی الصفوی
بهادرخان سیوزومیز[۶]

دراین وقت بنابرعنایت بی‌غایت شاهانه دربارهٔ متولیان‌مزارمتبرکهٔ منورهٔ [امام زاده حسین علیه وعلی‌آبائه السلام]/مبلغ دوهزار دینار تبریـزی ازبابت مال وجهات مـزرعهٔ مردکران ساوه که/اززمان شاه جنت مکان علیین‌آشیان [شاه‌باباام‌انارالله برهانه] به‌سیورغال مزارمتبرکه مقرربود به‌دستوربه سیورغال ابدی واحسان سرمدی مزارمتبرکه شفقت ومرحمت فرموده ، ارزانی داشتیم.

---

۱. اسنادآستانهٔ درویش تاج‌الدین حسن ولی درنیاك لاریجان چاپ‌شده درنسخه‌های خطی (نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران) ٤ : ٥٦٠ .

۲. فرامین فارسی ماتناداران ۲ : ٤٦٨ـ٤٦٩ (سند شمارهٔ ۳) .

۳. قبالهٔ خوئین قزوین با مهرشاه خدا بنده (مثال‌های صدورصفوی : ۲۵) .

٤. فروش نامهٔ رستم کلاته استراباد (ازآستارا تا استارآباد ٦ : ٥١٩) .

٥. قبالهٔ خرید مزرعهٔ کفشگران شراه قم (مجلهٔ وحید ، شمارهٔ ۱۰ سال یازدهم ، مقالهٔ سندی ازقرن دهم) .

٦. درخانه‌های دوازده‌گانهٔ طغرا اسماء مبارك دوازده امام (ع) ثبت شده است .

کدخدایان ورعایاء مزرعهٔ مذکوره سال به سال/مال وحقوق دیوانی خود را بلاقصور وانکسار واصل درویش قنبر ودرویش عرب‌قلی ودرویش محمدعلی متولیان آستانهٔ مزبوره ساخته ، یك‌دینار ویك من‌بار موقوف‌ندارند که متولیان مذکور/به وجه‌شرع صرف آستانهٔ متبرکه نمایند وبه‌علت مال‌مواشی ومراعی ومنال ونصب ومحصول وچشمه خانی وقشلاق حرب‌آباد مزاحمت نرسانند .

حکام وتیول‌داران‌وداروغگان/وارباب وکلانتران‌الکاه‌مذکورازاخراجات حکمی وغیرحکمی ازعلفه وعلوفه وقتلغا والاغ والام وبیگار وشکار وطرح ودست انداز وپیشکش وسلامی وعیدی ونوروزی/ومدد خرج وزرمشتلق وزر تفنگچی وزرپیاده وزراسب حکام جزو وکاه وجو وسایرتکالیف وشلتاقات به هراسم ورسم که بوده باشد اطلاق وحوالتی ننموده ، قلم وقدم کوتاه وکشیده دارند/دراین‌باب قدغن دانسته ، ازفرموده درنگذرند وهرساله نشان وپروانچهٔ مجدد طلب ندارند وچون به توقیع رفیع منیع اشرف اقدس اعلی مزین شود اعتماد نمایند .

تحریراً فی/شهررجب المرجب سنهٔ ۱۰۰۰ .

[پشت سند :]

[۱] به وقوف امارت‌پناه شوکت وحشمت دستگاه ظهیراً للایالة والاقبال ابراهیم خان ثانی .

[۲] توکلت علی الله . فی التاریخ [مهر:] بندهٔ شاه ولایت حاتم[۱].

---

۱. این مهرازحاتم بیك اردوبادی وزیراعظم شاه عباس (عالم‌آرا ۲ :۱۰۹۱وفهرست اعلام) است که درمقدمه‌ای برشناخت‌اسناد تاریخی آن‌را «خاتم بندهٔ شاه ولایت» خوانده وازشاه عباس‌گمان برده‌اند (ص ۳۶۲ کتاب مزبور دیده شود) .

[۳] توکلت علی الله . فی التاریخ [مهر:] یثق بالله الغنی[۱] ابوالولی بن محمود الانجـو الحسنی الحسینی ۹۹۶ [میان مهر :] افمـن شرح الله صدره للاسلام فهوعلی‌نورمن‌ربه [دوکناره :] اللهم‌صل علی‌النبی والوصی والسبطین والسجاد والباقرو/الصادق والکاظم والرضا والتقی والنقی والزکی والمهدی.

[با شش توقیع ومهردیگر] .

(۱۶)

فرمان مورخ ذح-۱۰۱۱ازشاه عباس‌اول دربارهٔ سیورغال امیر حبیب الله که به فرزندان او ازجمله امیـر عبداللهیار پیشنماز واگذارشده است . نام محالی که مال وجهات آن جزو این‌سیورغال بوده درپشت سند نوشته شده . برخی ازآنها موقوفات‌پیشین آستانهٔ شاهزاده‌حسین‌است وبرخی بعداً وقف آنجا انگاشته شده است. به هرحال این‌سادات ازسلسلهٔ مرعشیان متولی آستانه بوده ومتولیان‌بعدی چنان که دراسنادبعد می‌بینیم[۲] همین سیورغال‌را به‌ارث‌برده‌اند.

الملك لله

فرمان همایون شد آن‌که چون مقرر فرموده بـودیم‌که سیورغالات الکاء عراق وغیره موقوف بوده ، مادام‌که نـواب همایون ما به نفس نفیس به حقیقت استعداد / استحقاق اربـاب سیورغالات نرسیم ومجدداً حکم اشرف صادرنگرددداحدی‌دخل درسیورغال‌خودننماید ودراین‌ولاکه تحقیق‌سیورغالات

---

۱. این عبارت دربالای مهر وعبارت بعد درسطرپایین آن است .

۲. سند شمارهٔ ۱۹ و۲۲ و۲۷ و۳۱ .

دارالسلطنهٔ / قزوین می‌فرمودیم سیادت ونقابت پناه افادت وافاضت دستگاه وجیهاً للسیادة امیرعبداللهیارپیشنمازبه عزمجالست مجلس بهشت‌آئین سرفراز گشته ، به‌عرض رسانیدکه/مبلغ ضمن ازبابت مال وجهات ووجوهات ومنال محال مذکورهٔ ظهر به سیورغال اولاد سیادت ومرحمت پناه امیر رحمت الله والد او مقرراست . بنا بر شفقت ومرحمت شاهانه دربارهٔ/سیادت ونقابت پناه مشارالیه وسایر اولاد مبلغ مزبوررا دانسته به دستورسابق به سیورغال ابدی واحسان سرمدی سادات مذکور شفقت ومرحمت فرموده/ارزانی داشتیم .

مستوفیان عظام‌کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت نموده ، ازشائبهٔ تغییر وتبدیل مصون ومحروس شناسند واین عارفه را/دربارهٔ ایشان انعام مخلد بردوام دانسته ، تغییر به قواعدآن راه ندهند . رعایاء محال مذکورهٔ ضمن سیادت ونقابت پناه مومی‌الیه وشرکاء (؟) را صاحب سیورغال خود دانسته / سال به سال مال وجهات وحقوق دیوانی خود را مع فروعات تابعه موافق دستورالعمل دیوان اعلی جواب گفته ، چیزی موقوف ندارند . حکام وعمال ومتصدیان/مهمات دیوانی دارالسلطنهٔ مزبورحسب المسطورمقرر دانسته ، اطلاق وحوالتی به محل سیورغال ایشان ننمایند . دراین باب قدغن دانسته ، از فرموده درنگذرند/وهرساله حکم وپروانچهٔ مجدد طلب ندارند وچون به مهرمهرآثاراشرف اعلی مزین ومحلی گردد اعتماد نمایند .

تحریراً فی/شهرذی حجة الحرام سنهٔ احدی عشر والف من الهجرة .

[پشت سند :]

سیورغال ... الله پیشنمازازبابت محال مذکورهٔ قزوین به شرح متن....:

* قریهٔ صامغان بشاریات وغیره ازبابت وقف سرکار حضرات عالیات سدره مرتبات چهارده معصوم علیهم السلام . مقررآن‌که ازقرارعشرحاصل‌از

متصدی سرکار وقف . . . نمایند به علاوهٔ ملك‌آباد درویش‌آباد :

یك تومان وهشت هزارو ٦٥٠ دینار[1]

قریهٔ صامغان بشاریات : ١ تومان و٢ هزارو ٤٥٠ دینار(نقد : . . . /جنس: ٥ خروار و٧٢ من) .

مزرعهٔ مهاباد بشاریات : سه خروار.

قریهٔ رضی‌آباد (؟) بشاریات : یکصد . . .

* قریهٔ دستجرد اقبال وغیره کما فصله :

قریهٔ دستجرد اقبال : ازجمله ٢٤ سهم هفت سهم .

قریهٔ کچلجرد دشتبی : ٢ دانگ .

قریهٔ امینقان دشتبی : یك دانگ .

قریهٔ شنستق رامند : ٤ دانگ .

[با چند توقیع ومهر] .

(١٧)

مثال دیوان الصداره مورخ ذ ق ـ ١٠١٦ با فرمان شاه عباس مورخ به همین تاریخ که به امضای مثال صادرشده است درپشت‌آن برروی دیگرسند، درمورد تولیت‌آستانهٔ شاهزاده حسین که با سادات مرعشی بوده وعزل ونصب خدمهٔ‌آن جا منوط به رأی ایشان بوده است بنا براین میرمنصور خادم ودرویش کفشدار ومؤذن ومشعل دار وجاروب کش ودیگرخدمتگزاران‌آن‌آستانه باید خود را

---

١. ارقام تاپایان به سیاق .

به نصب ایشان منصوب وبه عزل آنان معزول دانند .
طغرای مثال چنان که می‌بینیم « معزالدین محمد الحسنی الحسینی» است. مثال دیگری باهمین طغرا مورخ شوال ۱۰۱۵ با حکم شاه عباس درروی دیگر آن دراسناد آستانهٔ بی‌بی‌هیبت[۱] هست . این معزالدین محمد دراین دوتاریخ به شهادت همین مثال‌ها وبه تصریح متن دو فرمان صدر شاه عباس بوده است لیکن درتاریخ عالم‌آرای عباسی به تصریح می‌نویسد که دراثناء فتح گنجه ـ درصفرسال۱۰۱۵ـ امیر ابوالولی انجو ازصدارت برکنار وبه جای او قاضی خان سیفی‌حسنی قزوینی فرزند میرزا برهان وجلال‌الدین حسن صلائی عهده دارمقام مزبورشدند[۲] وصلائی درسال ۱۰۱۶ درگذشته ، به جای اومیرزا رضی شهرستانی صدر شد[۳] که تاسال۱۰۲۶دراین‌مقام بود ودراین‌سال درگذشت وقاضی خان از سال ۱۰۱۵ تا سال ۱۰۲۶ صدارت نمود واونیز دراین سال معزول شد[۴]. بنا براین دراین میان از صدارت کسی با نام معزالدین محمد سخنی نیست وباید دید این‌معزالدین محمد که بی‌هیچ‌تردید (وبه شرح‌مذکور به صریح متن فرمان وشهادت مثال) صدرشاه عباس بوده است کیست . بـه خصوص با توجه به این که اگر صدر

---

۰۱ چاپ ۱۹۴۷ باکو، ص ۱۲۵–۱۲۸ .
۰۲ عالم‌آرا : ۷۱۹ .
۰۳ همان مأخذ : ۷۶۰ .
۰۴ ایضاً : ۹۲۸ . نیزصفحهٔ ۱۰۸۹ .

نایبی هم می‌داشت همواره نام صدررا درطغرا می‌نوشتند چنان‌که فرزند میرزا رضی مزبور: میرصدرالدین محمد درسن‌خردسالی عنوان صدارت یافت وباآن‌که همهٔ‌کارها به وسیلهٔ میرزا رفیع شهرستانی انجام می گرفت[1]باز هم نـام میرصدرالدین محمد را در طغرای مثال های دیـوان صدارت می‌نوشتند[2].

درفوائد الرضویه[3]وریحانة الادب[4]داستانی درمورد کتاب مفتاح‌الفلاح شیخ‌بهائی هست‌که به مقتضای‌آن می‌بایست درهنگام اتمام‌آن اثـر «معزالدین محمد» نامی صدارت دیوان داشته‌باشد[5]، وچون‌کتاب مزبور درماه صفر۱۰۱۵ در گنجه (درالتزام شاه‌عباس) پایان گرفته است[6]وازسوی دیگر نویسندگان‌آن دوکتاب شرح حال ، صدری با این نام جزمعزالدین محمد بن شاه تقی الدین محمد اصفهانی صدرشاه‌طهماسب، درگذشتهٔ۹۵۲[7]نمی‌شناخته‌اندماجرای مزبوررا ذیل‌سرگذشت همین‌اصفهانی‌آورده ، ودرریحانه

---

۱. عالم‌آرا : ۹۲۹ و۱۰۸۹ .

۲. مثال‌های صدور صفوی : ۳۸-۳۹ و عکس شمارهٔ ۲ / ازآستارا تا استارباد ٦ : ۲۱-۲۲ ، سند شمارهٔ ۲۱ .

۳. صفحهٔ ۵۰۹ .

٤. چاپ اول : ج ٤ ، ص ٤٤-٤٥ .

۵. هرچند این لازمهٔ نقل خاتمهٔ مستدرك : ٤۲۰ ازمحبوب القلوب اشکوری نیست .

٦. پایان همان‌کتاب .

۷. تحفهٔ سامی : ۲۲ چاپ وحید دستگردی .

با توجه به اختلاف زمانی تألیف مفتاح الفلاح با تاریخ زندگانی وی درصحت اصل یا اسناد داستان تأمل نموده است[1]. درحالی که آن می‌تواند ازهمین معزالدین محمد صدر مورد سخن باشد .

به نظر چنین می‌رسد که معزالدین محمد لقب ونام همان قاضی خان حسنی سیفی قزوینی باشدکه درمآخذ اورا به لقب‌مشهورش خوانده ویادکرده‌اند. ظاهراً جزاین راهی برای حل مشکل نمی‌توان یافت .

معزالدین محمد الحسنی الحسینی

چون تولیت آستانهٔ متبرکهٔ معطرهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم [امام زاده حسین علیه التحیة والثنا] /به سادات عظام مراعشه متعلق است واز قدیم الایام الی الان/عزل ونصب خدمه وعمله وفعلهٔ آن سرکار منوط به رأی سادات مشارالیهم بوده وهمگی آن جماعت به عزل ایشان معزول وبه نصب ایشان منصوب بوده‌اند/بنا براین سیادت‌پناه میرمنصورخادم ودرویش کفشدار وجاروب کش ومشعل‌دار ومؤذن وسایرعمله وفعلهٔ آن سرکار به دستورخودرا/ به عزل سادات عظام مشارالیهم معزول وبه نصب ایشان منصوب شناسند وبعد الیوم مطلقا بدون اذن ورضای سادات مذکوره/ درخدمات آن سرکار مدخل ننموده ، به احکام وامثلهٔ سابق که دردست داشته باشند یا گذرانند مستند نشوند وبعد ازآن که هریك ازایشان راکه/سادات مومی الیهم درخدمت متعلقهٔ به او رخصت دهد به نوعی که موافق شریعت غرا ورضای سادات[2] آن آستانه باشد

---

۱. ریحانة الادب ٤ : ٤٥ چاپ اول .

۲. نخست « متولیان » بوده که روی آن « سادات » نوشته‌اند .

سلوك نمـوده/ مطلقا ازآن تجاوز ننمایند . به عهدهٔ وکلاء حاکم دارالسلطنهٔ قزوین که دراین ابواب امداد سادات مومی‌الیهم به جای‌آورده، مطلقا/تمکین احدی‌ازعمله وفعله . . . احکام وامثلهٔ سابق بدون‌اذن ورضای سادات مذکوره ندهند وهرساله حکم مجدد نطلبند .

تحریراً/فی شهرذی قعدة سنه ۱۰۱٦ .

* * *

فرمان همایـون شد آن‌که به موجبی‌که مثال لازم الامتثال دیـوان الصدارة العلیة العالیة درضمن صادر گشته عمل نمایند/وازمضمون مـدلول‌آن مطلقا عدول وانحراف نورزند . سیادت پناه میرمنصورخادم ودرویش کفشدار وجاروب‌کش و/مؤذن ومشعل‌دار وسائرعمله وفعلهٔ سرکارموهبت‌آثارمذکور ضمن خود را به عزل سادات عظام مشارالیهم مسفور ضمن معزول وبـه نصب ایشان منصوب ومتمکن/شناسند وبه احکام وامثله‌که قبل ازاین گذرانیده باشند یا گذرانند مستند نگردیده بدون‌اذن ورضا[ء] سادات مشارالیهم مدخل ننمایند وبه احکام سابق ولاحق اعتماد ننمایند/به عهدهٔ حاکم دارالسلطنهٔ قزوین که در این باب امداد به جای‌آورده ، درعهده شناسد .

تحریراً فی شهرذی قعدة الحرام سنهٔ ۱۰۱٦ .

(۱۸)

فرمان مورخ ج ۲-۱۰۱۹ ازشاه‌عباس اول درمورد منافع آستانهٔ شاهزاده حسین که میان‌همهٔ سادات مرعشی به‌طور مساوی تقسیم می‌شده ، وعزل ونصب خدمتگزاران‌که بـا آنان بـوده است . با اشاره به فرمانی‌که ازشاه خدا بنده

درهمین دومورد دردست آنان بوده است :

الملك لله

فرمان همایون‌شد آن که چون‌ازمضمون پروانچهٔ مطاعهٔ اعلی حضرت شاه جم‌جاه جنت بارگاه علیین آشیانی [شاه بابا ام انارالله برهانه] که/دردست سادات کرام مرعشیه متولیان مزار کثیرالانوارحضرت امام زادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم [شاهزاده حسین‌علیه و آبائه التحیة] است/معلوم ومستفاد شد که‌منافع آن سرکار کـه ایشان را تصرف درآن جایز است میانهٔ ایشان به عدد رئـوس بالسویه/قسمت‌می‌شده وهریك‌ازاولاد واطفال‌ایشان که به‌حدبلوغ می‌رسیده‌اند با دیگرسادات شریك بوده‌اند وتا طفل بوده‌اند/چیزی نمی‌برده‌اند . بنابراین مقـرر فرمودیم که سادات عظام کرام مـذکور به همان قاعده عمل نمـوده ، از مضمون حکـم مطاع اعلی حضرت خاقانی/وطریق معمول قـدیم درنگذرند وهمان قاعده را درمیانهٔ خود مرعی ومسلوك داشته ، ازآن تجاوز ننمایند وهر یك ازسادات عظام مزبور/به حق خود قایل[1] بوده ، زیادتی به یکدیگر نکنند وچون عـزل ونصب خادم وعملهٔ سرکارآستانهٔ مذکوره حسب الحکم اعلی حضرت شاه جنت مکانی/منـوط به رأی متولیان عظام بوده به همان دستـور مقرر دانسته ، احدی ازآن تجاوز ننماید وازمخالفت که موجب مؤاخذه است اندیشه نماید وبه‌سند نقیض/مستند نگردند. به عهدهٔ وزیر وداروغهٔ دارالسلطنهٔ قزوین که دراین باب امداد به تقدیم رساند وهرساله حکم مجدد نطلبند .

تحریراً فی شهرجمادی الثانی/سنهٔ ۱۰۱۹ .

---

۱. مقصود « قانع » است .

(۱۹)

فرمان مورخ ج ۱ ـ ۱۰۲۷ ازشاه عباس اول در بارهٔ سیورغالی که سادات مرعشی متولی آستانه ازمحال وقفی حضرات‌عالیات چهارده معصوم درقزوین براساس فرمان شمارهٔ ۱۶ همین مجموعه اسناد داشته‌اند .

درمتن سندآمده است که سیورغال سادات مزبور حسب الحکم ازقرارهست وبود[1] مجری بوده لیکن عشر وده‌نیم دیوانی‌را ازقرارجمع معمولی مالیاتی‌ازآنان می‌ستانده‌اند وازاین رو زیان بسیاربرآنان می‌رسید. لذا طی این‌فرمان مقررشده‌است که مقرریات مزبوررا نیزازهمان قرارهست وبود ازایشان بازیافت کنند .

متن این‌فرمان درفرمان مورخ ذ ق ـ ۱۰۷۲ شاه‌عباس دوم که پس ازاین باشمارهٔ ۲۲ درهمین مجموعه خواهیم دید نقل شده ، وازآن سند برمی‌آید که تاریخ صدورفرمان ما سال ۱۰۲۷ است هرچند تاریخ نوشته شده درذیل خود سند به شکلی است که در نظر اول عدد ۱۰۲۵ را نشان می‌دهد .

فرمان همایون‌شد آن‌که چون سادات عظام مرعشی معروض داشتند که جزوی سیورغال از محال وقفی/سرکارحضرات عالیات [چهارده معصوم علیه السلام] واقع در دارالسلطنهٔ قزوین دارند که حسب الحکم جهان مطاع

---

۱. دربارهٔ این اصطلاح به خصوص رجوع شود به اسناد فارسی گرجستان ، ج ۱ ، ص ۹٤ وقباله‌جات فارسی ماتناداران ، ص ٤۰۰ .

مال وجهات ازقرارهست وبود بازیافت نمایند/وعشر وده نیم را وکلاء دیوان الصدارة از قرار جمع برآورد نموده ، حواله می‌دارند واز این جهت نقصان وخسران بسیار به ایشان می‌رسد/بنا براین مقرر فرمودیم که تحصیلداران عشر وده نیم ورسم المهر چون سادات عظام مذکور وجه سیورغال خود راکه/از مال وجهات‌محال وقفی سرکارحضرات‌عالیات دارند ازقرارهست‌بود می گیرند ایشان نیزعشر وده نیم و/رسم المهررا ازآن‌قرارطلب نموده ، جمع قانونی‌را منظور ندارند وتصدیق ازمتصدی سرکار وقف گرفته/آنچه ازقرار هست وبود به دست صاحب سیورغال درآمده باشد ایشان نیزبه موجب تصدیق ازآن‌قرار عشر وده نیم ورسم المهرستانند/وبه زواید مزاحمت نرسانند. به عهدهٔ حاکم ووزیر وکلانتر دارالسلطنهٔ قزوین که دراین باب امداد حسابی سادات عظام به تقدیم رسانند/ودرعهده دانند هرساله حکم مجدد نطلبند .

تحریراً فی شهرجمادی الاول ۱۰۲۷ .

(۲۰)

مثال دیوان الصداره مورخ ج ۱ ـ ۱۰۲۹ از میرزا رفیع الدین محمد صدرخلیفه دربارهٔ چهاردانگ قریهٔ شنسطاق ازاعمال رامند قزوین که وقف آستانهٔ شاهزاده حسین‌بوده وعباسقلی‌یساول بدون جهت‌شرعی درآن‌تصرف‌می‌نموده است . دراین سند بـه شخص مزبور دستور داده شده که دست‌ازتصرف دروقف‌بردارد واگرسخنی دارد به‌شریعت پناه نصیرالدین‌محمد قاضی‌دارالسلطنهٔ قزوین مراجعه‌کند تا پس ازتحقیق موافق حکم شرع عمل شود .

میرزا رفیع‌الدین‌محمد فرزند شجاع‌الدین محمود حسینی مرعشی از دانشمندان وفقیهان این دوره بـود که در سال ۱۰۲۶ پس‌ازدر گذشت قاضی‌سلطان تربتی به‌مقام صدارت بر گزیده شد[۱] وتا سال ۱۰۳٤ که در گذشت دراین مقـام باقی بود[۲]. او ردی بررسالهٔ « شرعة التسمیة » میرداماد نوشته است که افندی در ریاض العلماء از آن بسیار نقـل می‌کند[۳]. ازاو جز این سند ، مثالی دیگر مورخ ذ ق ـ ۱۰۲۹ درفرامین فارسی ماتناداران[٤]هست . نام ۲۸ مأخذ ازمصادر شرح حال او وپدران وفـرزندان دانشمندش در رسالهٔ مثال‌های صدورصفوی[٥]دیده می‌شود .

من رفیع الدین محمد الحسینی

چون معروض شد که چهاردانگ مشاع ازقریهٔ شنسطاق/من‌اعمال رامند قـزوین وقف برآستانهٔ منورهٔ حضرت [خلف ارجمند امام انس والجن علی ابن موسی الرضا ـ ع] ودو دانگ/ آن ملك رعایاء آنجاست وعبـاس قلی‌آقا یساول بی جهت شرعیه تصرف در کل آن نموده ، ازتسلیم آن بـه سرکار وقف ورعایاء مزبور امتناع/غیرمشروع می‌نماید. بنابر وقوع مقررشد که عباس‌قلی مزبور دست‌تصرف نامشروع ازقریهٔ مزبوره بازداشته ، گذاردکه/حاصل‌حصهٔ وقفی موافق شرط واقف صرف آستانهٔ مزبوره شود وحصهٔ ملکی را رعایاکه

---

۱. عالم‌آرای عباسی ۲ : ۹۲۸–۹۲۹ . نیز۱۰۸۹–۱۰۹۰ .
۲. همان مأخذ ۲ : ۱۰٤۰–۱۰٤۱ .
۳. ذریعه ۱۰ : ۲۰۲ .
٤. ج ۲ ، ص ٤۹٥–٤۹٦ ، سند شمارهٔ ۱٥ .
٥. چاپ قم ، ص ۱۷ .

ادعاء مالکیت آن می‌نمایند تصرف نمایند واز عهدهٔ/اجرة المثل ایام تصرف خلاف شرع بعد از طلب ولزوم شرعی بیرون آید واگرحرفی شرعی داشته باشند به شریعت وفضیلت پناه نصیرا محمدا / قاضی دارالسلطنهٔ مزبوره رفع نمایدکه بعد ازتحقیق موافق شرع شریف عمل نماید . به عهدهٔ داروغهٔ آنجا که امداد شرعی/نموده ، مجال تمرد نامشروع احدی ندهد .

تحریراً شهرجمادی الاولی/سنهٔ ۱۰۲۹ .

[مهر:] المتوکل علی الله الغنی

عبده رفیع الدین محمد الحسینی

(۲۱)

فرمان شاه‌صفی مورخ شعبان ۱۰۵۰ دروا گذاردن سیورغال اولاد میرعبدالمطلب که درسند شمارهٔ ۱٤ نیز بدان اشاره شده[۱] ودرزمان شاه خدا بنده برای متولی آستانهٔ شاهزاده حسین درآن عهد قرار داده شده بود ، به میرعبدالقادر مرعشی وغیره بنا بر تجویز میرزا حبیب الله صدر. گویا همین سند است که درفهرست فرامین خاندان (شمارهٔ ۹٦ این مجموعه) به شکل « فرمان مورخ ۱۰۵۱ به اسم میر عبدالقادرمرعشی » ازآن سخن رفته است .

نیمی ازاین سند (نیمهٔ چپ) اکنون در دست نیست یا به دست من نرسیده است ، لیکن خوشبختانه تمامی متن آن با تغییرمختصری درفرمانی ازشاه سلیمان که پس ازاین به

۱. باتغییر وتبدیل‌هایی درمحال اخذ سیورغال .

شمارهٔ ۲٤ خواهد آمد نقل شده که با کمك بازماندهٔ اصل وبه‌قیاس احکام مشابه به شکل زیر تکمیل شد. میرعبدالقادر مزبور چنان که درهمان سند مصرح است متولی مزار شاهزاده حسین بوده ، ومیرزا حبیب الله صدر که پشت فرمان نیز مهر وتوقیع دارد فرزند میرسید حسین حسینی کرکی خاتم المجتهدین است که درسال ۱۰٤۲ پس از عزل میرزا رفیع شهرستانی به صدارت رسید[۱] وتا پایان زندگی درهمین مقام بود . سال درگذشت اورا در خلد برین[۲] ۱۰۵۱ ودر عباس نامه[۳] ۱۰٦۳ نوشته‌اند که همین دوم درست است . او مورد توجه خاص شاه صفی بوده وفرزندان وی تا پایان عهد صفوی مناصبی مهم در دست داشته‌اند[٤]. ازاو جز مهر وتوقیع هائی که پشت فرامین شاه صفی وشاه عباس دوم دارد ٦ مثال با تواریخ شوال ۱۰٤۳[۵] و ذ ق ـ ۱۰٤۸[٦] وشعبان ۱۰٤۹[۷] و ذ ح ـ ۱۰۵۳[۸]

---

۱. ذیل عالم‌آرا : ۹۰–۹۲ .

۲. ذیل عالم‌آرا : ۲٤٤ و۲٦۵–۲٦٦ (این بخش از « ذیل عالم‌آرا » چاپی از خلد برین گرفته شده است) .

۳. ص ۱٤۳ چاپ اراك .

٤. ریاض العلماء ، حرف ح ازمجلد دوم شیعه/روضات ۲:۲۹۵ و۳۲۳/تربت پاکان ۱ : ۲٤۵–۲٤۹ / خلاصة البلدان : ۳۱۲ / امل الامل ۱ : ۵٦ و۳۰ و۳۱ و٦۹ و۱۵۵ ومآخذ دیگر(ببینید مثال‌های صدورصفوی : ۱۸–۱۹) .

۵. فرامین فارسی ماتنادران ۲ : ۵۰٦–۵۰۷ ، سند شمارهٔ ۲۱ .

٦. مجلهٔ بررسی‌های تاریخی ، شمارهٔ ٦ سال دوم/یکصد وپنجاه سند تاریخی : ٤٦ –٤۷/مثال‌های صدورصفوی ، تصویر شمارهٔ ٦ .

۷. فرامین فارسی ماتنادران ۲ : ۵۱۳–۵۱٤ ، سند شمارهٔ ۲٤ .

۸. همان مأخذ ۲ : ۵۱۵–۵۱٦ ، سند شمارهٔ ۲۵ .

ومحرم ۱۰۵٤[1] و ع ۲ ـ ۱۰٦۰[2] تاکنون به چاپ رسیده است . درمجموعهٔ شمارهٔ ۳۹۸۸ کتابخانهٔ مجلس شورای ملی رساله‌ای است در تعیین روز کشته شدن خلیفهٔ دوم که آن را به دستور او نوشته‌اند[3] او گویا پیش ازسال ۱۰٤۲ که به صدارت رسید متولی آستانهٔ قم بود[4].

فرمان همایون‌شد (آن که چون‌ازسرکار اوارجهٔ عراق تصدیق نمودند که مبلغ سه تومان وهشت هزار وهفت‌صد وهشتاد دینار وپنج دانگ ازبابت مال ومنال) محال مذکورهٔ ضمن قزوین در نسخهٔ تشخیص به (سیورغال اولاد میرعبدالمطلب به قید جدیدی نواب‌سکندرشان) [شاه سلطان‌محمد طاب‌ثراه] (مجری است) . دراین ولا میرعبدالقادرمرعشی و(غیره به درگاه عرش اشتباه آمده ، به عرض رسانیدند که میرعبدالمطلب متوفی شده) واستدعا نمودند که مبلغ (مزبور به دستور به سیورغال ایشان مقرر شود و . . .) تمیز وتحقیق به عهدهٔ سیادت وصدارت (پناه . . میرزا حبیب الله صدرممالك) محروسه شده ومشارالیه تجویزنمود که (ازتاریخ موقوف شدن سیورغالات مبلغ مزبور) به سیورغال اولاد مومی الیه مقررشود (بنابراین مبلغ مزبوررا ازتاریخ موقوف) شدن سیورغالات به سیورغال (میرعبدالمطلب وبعد ازفوت میرعبدالمطلب به سیورغال اولاد مشارالیه) مرحمت‌فرموده ، ارزانی‌داشتیم. (رعایا ومزارعان محال مزبوره مشارالیهم را صاحب سیورغال خود دانسته ، سال به سال) مال

---

۱. ایضاً ۲ : ۵۱۷–۵۱۸ ، سند شمارهٔ ۲٦ .

۲. ایضاً ۲ : ۵۵۹–۵٦۰ ، سند شمارهٔ ٤۱ .

۳. فهرست کتابخانهٔ مجلس ۱۰ : ۲۱۵۷ و۲۱٦۱–۲۱٦۲ .

٤. تربت پاکان ۱ : ۲٤۵–۲٤٦ .

وجهات وحقوق‌دیوانی خود(را موافق دستورالعمل‌دیوان جواب گفته، چیزی موقوف ندارند . کلانتر وعمال) الکاء مزبور به خلاف حکم وحساب (مدخل درمحال سیورغال مشارالیهم ننموده ، قلم وقدم‌کوتاه وکشیده دارند) . دراین باب قدغن دانسته ، هر(ساله حکم مجدد طلب ندارند ودرعهده شناسند .

تحریراً فی شهرشعبان سنهٔ ۱۰۵۰) .

[پشت سند نام ملك‌آباد ، فخرآبـاد بشاریات وصامغان بشاریات باقی مانده است با مقدار سیورغال ازهریك ازاین محال . با توقیع ومهرمیرزا حبیب الله صدرکه سجع مهراوچنین است : «حسبی الله ــ حبیب‌الله بن حسین الحسینی» باچند توقیع ومهردیگر].

(۲۲)

فرمان مورخ ذ ق ـ۱۰۷۲ازشاه عباس دوم درامضاء فرمان مورخ ج ۱ـ۱۰۲۷ بیاضی[۱]شاه عباس اول ـ سند شمارهٔ ۱۹ این مجموعه ـ که طی‌آن مقرر گردیـده بود عشر وده نیم ورسم المهر ازسیورغال سادات مرعشی ماننـد اصل سیورغال از قـرار « هست وبود » گرفته شود ، با نقل متن فرمان مزبور. سجع مهرشاه در بالای سند همان است‌که درپاورقی صفحهٔ ۲۹ مجلد ششم‌کتاب ازآستارا تااستاراباد براساس فرمان شمارهٔ ۱۹ آن‌کتاب‌آمده است .

فرمان همایون‌شد آن‌که چون سادات مرعش به دیوان‌آمده ، حکم نواب گیتی ستان فردوس مکانی که/به تاریخ شهرجمادی الاول سنهٔ ۱۰۲۷ عز اصداریافته ابرازنمودند خلاصهٔ مضمون‌آن‌که :

« چون سادات‌مرعش معروض داشتند که/جزوی سیورغال درمحال وقفی

---

۱. دربارهٔ این اصطلاح رجوع شود به اسناد فارسی گرجستان ۱ : ۸۸ .

سرکارحضرات عالیات سدره مرتبات واقع در دارالسلطنهٔ قزوین دارند که / حسب الحکم جهان مطاع مال وجهات از قرار هست وبود بازیافت می‌نمایند وعشر وده نیم را وکلاء دیوان الصداره ازقرار جمع/برآورد نموده ، حواله می‌دارند وازاین جهت نقصان وخسران بسیاربه ایشان می‌رسد . بنابراین مقرر فرمودیم که تحصیلداران/عشر وده نیم ورسم المهرچون سادات عظام مزبور وجه سیورغال خود راکه از مال وجهات محال وقفی سرکار حضرات/عالیات دارند عشر ازقرار هست وبود می گیرند ایشان نیزعشر وده نیم ورسم المهررا ازآن قرار طلب نموده ، جمع قانونی را / منظور ندارند وتصدیق ازمتصدی سرکار وقف گرفته،آنچه ازقرارهست وبود بەدست صاحب سیورغال درآمده باشد/ایشان نیزبه موجب تصدیق ازآن قرارعشر وده نیم ورسم المهر ستانند وبه زواید مزاحمت نـرسانند . به عهدهٔ حاکم ووزیر و/کلانتر قزوین که در این باب امداد حسابی سادات عظام به تقدیم رسانند » .

واستدعاء امضای نواب‌کامیاب همایون ما نمودند/بنابراین مقرر فرمودیم که تحصیلداران عشر وده نیم ورسم‌المهرحکم نواب گیتی‌ستان فردوس مکانی را/ممضی ومنفذ دانسته، تغییری بەقواعدآن راه ندهند. به عهدهٔ حاکم ووزیر وکلانتر دارالسلطنهٔ قزوین که دراین‌باب امداد حسابی/سادات مزبوره بەتقدیم رسانند . دراین‌باب قدغن دانسته ، درعهده دانند وهرساله حکم مجدد نطلبند.

تحریراً فی/ذی قعدة الحرام سنهٔ ۱۰۷۲ .

(۲۳)

خطاب دیوان‌الصداره مورخ‌صفر۱۰۸۶ازمیرزا ابوصالح صدرعامه ، درواگذاردن‌حفاری وقبرسازی‌قزوین وآستانهٔ

امامزاده حسین به محمد مسیح فرزند محمدقاسم بن استاد سلطان حسین ، بااشاره به خطاب میرزا رفیع صدرمورخ رمضان۱۰۳۲ ومثال‌های مورخ ذ ق-۱۰۵۱ وشوال۱۰۷۷ درارجاع همین مهم به او وپدرش . درمثال مورخ ذ ق - ۱۰۵۱ از محمد سعید غسال باشی قزوین هم (که تصدیق محول بودن امور قبرسازی به محمد قاسم وفرزندان او نموده بود) یاد می‌شده است .

میرزا ابوصالح صدر فرزند میرزا محمد محسن رضوی مشهدی، بانی مدرسهٔ نواب‌مشهد در۱۰۸۶وایوان مصلای آن شهر در۱۰۸۷[۱]، درسال ۱۰۷۷ صدرعامهٔ شاه سلیمان شده[۲]ودرصفر۱۰۹۲ برکنارشده[۳]ودراواخرشعبان ۱۰۹۸ درگذشته است[۴]. مثالی ازاومورخ ذ ح - ۱۰۸۰بامهری جز آنچه دراینجا می‌بینیم دراسنادآستانهٔ ری[۵]وسواد رقم صدارت او درمجموعهٔ منشآت شمارهٔ ۱۸۹ کتابخانهٔ ملی رشت[۶]هست .

---

۰۱ مطلع الشمس ۲:۴۱۲/منتخب التواریخ خراسانی : ۷۳۶ چاپ‌کتابفروشی علمیه اسلامیه تهران ومآخذ دیگر(مثال‌های صدورصفوی : ۲۰ دیده شود) .

۰۲ وقایع السنین : ۵۲۹ .

۰۳ همان مأخذ : ۵۳۶ .

۰۴ ایضاً : ۵۳۹ و۵۲۹ .

۰۵ صفحهٔ ۹۹-۱۰۰/مثال‌های صدورصفوی ، سند شمارهٔ ۱۰ .

۰۶ فیلم شمارهٔ ۲۰۲۰ دانشگاه (فهرست فیلم‌ها ۱ : ۲۱۵) ، سند شمارهٔ ۱۰۲ .

هـو

بسم الله الرحمن الرحیم

هوالله ولا اله سواه

خطاب عالی شد آن‌که چون از تصدیق مستوفی موقوفات ممالك محروسه مستفاد شد که به موجب خطاب نواب سیادت وغفران پناه / میرزا رفیع صدر سابق به تاریخ شهر رمضان سنهٔ ۱۰۳۲ حفر وقبرسازی مسلمین دارالسلطنهٔ قزوین به قاسم خان مرجوع بوده به قیدآن‌که/احدی با مشارالیه شریك وسهیم ودخیل نباشد، وبه‌موجب مثال دیوان‌الصدارهٔ سابق سابق به تاریخ شهرذی‌قعدة الحرام سنهٔ۱۰۵۱/ازابتداء یونت‌ئیل حفاری دارالسلطنهٔ مذکوره حسب التصدیق محمد سعید غسال باشی به محمد قاسم ابن استاد سلطان‌حسین وولدان/مشارالیه مرجوع‌شده به‌قیدآن‌که‌غربا وبومی‌دارالسلطنهٔ مزبوره وآستانهٔ امام زاده حسین علیه التحیه دیگری را با مومی الیه و/ولدان او درامر مزبورشریك وسهیم ندانند ، وبه موجب مثال امضاء دیوان الصدارة العلیة العالیه به تاریخ شهرشوال سنهٔ ۱۰۷۷/از ابتداء قوی ئیل به قیدآن‌که محمد قاسم مزبور فوت شده حفاری غریب وبومی وخواجه شادمان قزوین به محمد مسیح ولد محمد قاسم/مذکور مرجوع شده ، ودراین وقت محمد مسیح مومی الیه به دیوان الصدارة العلیة العالیه‌آمده ، به عرض رسانیدکه جمعی بدون امثله واخطبهٔ/دیوان الصدارة العلیة العالیه درخدمت مرجوعهٔ به او دخل می‌نمایند ومزاحمت به حال اومی‌رسانند ودراین‌باب استدعاء/خطاب مستطاب نمود .

بنا براین مقرر شدکه هرگاه از قدیم الایام الی الان حفاری وقبرسازی

غریب وبومی وخواجه‌شادمان و[1]قزوین/وآستانهٔ منورهٔ امامزاده حسین علیه التحیه به موجب احکام مطاعه وامثله واخطبهٔ علیه باآبا واجداد وبعدازآن بااو بوده به دستورسابقه/به موجب احکام وامثله واخطبه که امورمزبوره راکماکان به وی متعلق ومنسوب به اودانسته ، احدی درحفاری وقبرسازی غریب وبومی / وخواجه شادمان و[1]قزوین وآستانهٔ مزبوره دخل ننماید ومزاحمت به حال اونرساند وامرمزبوررا به‌موجب احکام وامثله واخطبه بلامشارکت/ومساهمت احدی مخصوص ومتعلق به مشارالیه دانسته ، احدی را شریك وسهیم ندانند . به عهدهٔ گماشتهٔ حاکم دارالسلطنهٔ مزبوره که/امداد واعانت شرعی وحسابی به تقدیم رسانند ودراین باب اهتمام تمام لازم شناسند .

تحریراً فی شهرصفرختم بالخیر والظفرسنهٔ ۱۰۸۶ .

[مهر:] فان الله هو مولاه وجبرئیل و
صالح المؤمنین

(۲٤)

فرمان شاه سلیمان صفوی مورخ صفر۱۰۹٤ در مورد سیورغال اولاد میرعبدالمطلب که بنابرحکم شاه خدا بنده مقررشده وطی فرمان مورخ شعبان۱۰۵۰ به میرعبدالقادر مرعشی متولی‌آستانهٔ امام زاده شاهزاده حسین واگذار گردیده بود . دراین فرمان سیورغال مزبور به میرمحمد نصیر ومیرفخرالدین فرزندان میرعبدالقادر تفویض شده است .

---

۱ . کذا .

نیمهٔ اخیر این فرمان مشتمل برتاریخ صدورآن در دست نیست لیکن چون از رقم مورخ رجب ۱۰۹۲ درآن یاد شده است ناچاربايد پس‌ازاین تاریخ صادرشده باشد واز فرمان طهماسب دوم (سند شمارهٔ ۳۱) برمی‌آیدکه‌آن در صفر۱۰۹٤ صدوریافته است[۱].

الملك لله

فرمان همایون‌شد آن‌که چون ازسرکار اوارجه عراق تصدیق‌نمودند که مبلغ سه تومان وهشت‌هزار وهفت صد وهشتاد دینار وپنج دانگ/ازبابت مال ومنال محال مزبورهٔ ذیل قزوین :

[مال

سه تومان وهشت هزار وشش صد وشصت وپنج دینار

قریهٔ سالانك (؟) بشاریات : یك تومان و٤٤۰ دینار(نقد : . . ./ جنس : . . .)

قریهٔ ملك‌آباد : نقد ـ یك هزاروه۳۷۵ دینار/جنس ـ۱٤۰۰ (۱٤خروار؟)

قریهٔ کچل جرد دشتبی : چهار هـزار و٤٦۲ دینار . نقد ـ ۱ هزار و٦۸۲ دینار (مال : ۱ هزار و٤۳۵ دینار/جهات : ۲٤۷ دینار)/جنس : ۱۸۰۰ . . (۱۸ خروار؟)

قریهٔ فخرآباد بشاریات : ۱ تومان و۳ هزار و۳۳٤ دینـار . نقد ـ ۷ هزار وپانصد دینار/جنس : . . .

قریهٔ باتومجین قهپایه : یك هزار وچهارصد وچهل وچهار دینار

---

۱. درآن فرمان‌آمده است : «مستمری محمدنصیر ومیرفخرالدین ازبابت محال‌مزبورهٔ قزوین ازقرار پروانچه به تاریخ شهرصفر۱۰۹٤» با ذکرهمین محال .

قریهٔ صامغان : ٤ هزار و١٦٨ دینار. نقد ـ ١هزار و١٦٨دینار/جنس ـ ...

وجوهات

١١٥ دینار]

در نسخهٔ تشخیص سیورغال اولاد میرعبدالمطلب بـه قید جدیدی نواب سکندرشان[شاه سلطان‌محمد بردالله مضجعه] مجری و/بعدازآن میرعبدالقادر مرعشی وغیره به‌درگاه عرش‌اشتباه‌آمده، به عرض‌رسانیدند که میرعبدالمطلب متوفی‌شده واستدعا نمودند که/مبلغ‌مزبوربه دستوربه‌سیورغال‌ایشان مقررشود ومـرحوم میرزا حبیب الله صدرسابق تجویز نموده که ازتاریخ موقوف شدن سیورغالات/مبلغ مزبوربه‌سیورغال میرعبدالمطلب وبعدازفوت‌اوبه سیورغال اولاد مومی الیه مقرر شود واز قرار پروانچهٔ مطاع به تاریخ شهر/شعبان سنهٔ ١٠٥٠ لوی ئیل مبلـغ مزبور ازتاریخ موقوف شدن سیورغالات به سیورغال میرعبدالمطلب وبعدازفوت میرعبدالمطلب/به سیورغال اولاد مشارالیه شفقت شده به قیداین که رعایا ومزارعان محال‌مزبوره مشارالیهم‌را صاحب سیورغال خود/دانسته ، سال به سال مال وجهات وحقوق دیوانی خودرا موافق دستور العمل دیوان جواب گفته ، چیزی موقوف‌نداشته وکلانتر وعمال/الکاء مزبور به خلاف حکم وحساب مدخل درمحال سیورغال‌مشارالیهم ننموده ، قلم وقدم کوتاه وکشیده دارند .

ودراین وقت / سیادت پناهـان میرمحمد نصیر ومیرفخرالدین ولدان میر عبدالقادرمرعشی متولی‌مزارامامزادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم [شاهزاده حسین علیه وآبائه التحیة والسلام] / عرض نموده که اولاد ذکورمشارالیه منحصر به ایشان است ومحضری به مهرجمعی برطبق ادعای خود ابراز واستدعاء امضاء نواب همایون ما / نمودنـد واز سرکار توجیه وسرخط نوشته‌اندکه سیورغال

مزبورمعمول است وازقراررقم اشرف به تاریخ شهررجب سنهٔ ۱۰۹۲ . . .
. . . . . مقرراست که

(۲۵)

فرمان شاه سلیمان صفوی مورخ صفر۱۱۰۳ درواگذاردن تـولیت آستانهٔ شاهـزاده حسین با مـوقوفات وسیورغال ومستمریات آن به میرمحمدنصیرمرعشی که چنان که دیدیم فرزند میرعبدالقادرمتولی پیشین آن بوده است . با اشاره به فـرامین واحکام پادشاهان پیش وتأکید در بـاب حقابهٔ موقوفهٔ دستجرد اقبال که چنان که در سند شمارهٔ ۱ دیدیم آن راکیاملك هزاراسپی برمزارشریف وقف نموده بود. نام محالی که سیورغال آستانه از آنها مقرربوده ، همچنین نـام موقوفات مزار پشت سنـد نوشته شده که به خاطـر فرسودگی قابل خواندن نیست ودرآن میان نام های ملك آباد ودرویش آباد ودستجرداقبال وباتومجین‌قهپایه وچهار دانگ‌شنستق‌علیای‌رامند و کچلجردوجوسق‌مره وبرزلجین وآب‌دورود ارنزك ودزج شصت‌روزپس‌ازنوروز وامینقان دشتبی ومستمری از بابت مال وجهات ساوج بلاغ دیـده می‌شود .

حکم جهـان مطاع شد آن که چـون علوشان ورفعت مکان سادات مرعشی به اعتبار صحت نسب برپیشگاه خاطـر خورشید مظاهر/اقدس ظاهر وهویدا ، وسلاطین گـردون مکین سبق وخواقین سپهر تمکین سلف از قـرار مضامین‌فرامین واحکام درتعظیم وتکریم/ایشان عنایت بی‌نهایت مرعی ومبذول

وتولیت آستانهٔ مقدسهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ والامقام ذوی الاحترام واجب التعظیم لازم‌التکریم [شاهزاده حسین علیه التحیه فرزندارجمند امام‌الجن والانس علی بن‌موسی الرضا]/واقعه در دارالسلطنهٔ قزوین‌را بطناً بعد بطن وصلباً بعد صلب مختص ایشان گردانیده ، دراین‌وقت که حضرت سیادت منقبت نجابت ونقابت /وهدایت‌مرتبت فضیلت و کمالات دستگاه سلالةالسادات والنجبائی میرمحمد نصیر که گلی از آن گلستان وثمری ازشجرهٔ آن‌بوستان بوده به پابوس/همایون ما استسعاد جسته ، لهذا رقم امضای تولیت شرعی آن مزار کثیرالانواررا به قید لعنت نامه نسلا بعد نسل وصلباً بعد صلب وبطناً / بعد بطن با موقوفات وسیورغال ومستمریات آن سرکار ازقرار مفصلهٔ ضمن مالا ومنالا کماکان بدون تغییر وتبدیل به معزی الیه شفقت/ ومرحمت فرمودکه هرگاه احدی در قواعد مستمریات وسیورغالات وموقوفات قدیم وجدید آن سرکار وتولیت آن مکان/ متبرکه سوی سلسلهٔ علیهٔ مرعشیه راه دهد به لعنت خدا وغضب ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم اجمعین گرفتار شود وتولیت شرعی آنجا را مختص سادات مرعشی/دانند .

درباب هفت سهم قریهٔ دستجرد اقبال وآب شلویر که رشتهٔ مجرای نهر آن ازمیان قریهٔ مزبوره الی دستجرد کشیده باید جماعت دستجرد/ آب‌مذکور را مختص قریهٔ مذکوردانسته ، اولا هفت‌سهم‌را که وقف آستانهٔ مقدسهٔ مزبوره می‌باشد مشروب وبعدازآن سایرسهام را/واحدی را درآن وقف مجال‌تصرف وتغلب راه نداده ، تمام‌آن را بدون حقیت (؟) وممانعت غیرمخصوص به قریهٔ مذکوردانند/ولات وحکام وکلانتر ومحصل‌قزوین غاصبین عین مزبوررا تنبیه وتأدیب نموده ، دیناری وحبه (ای) به علت صادرات واستصوابیات وملازمی وبیگار وشکار به موقوفات/وسیورغالات آن سرکارحواله[1] ننمایند . مستوفیان

---

۱. کلمهٔ « حواله » بالای سطرنوشته شده است .

عظام کرام رقم این عطیه را در دفاتر خلود ثبت وازشایبهٔ تغییر وتبدیل مصون دانند .

تحریراً فی صفرالمظفرسنهٔ ۱۱۰۳ .

(۲۶)

فرمان مورخ ذ ح - ۱۱۰۶ از شاه سلطان حسین که سند بسیارمهمی است گویای چگونگی تقسیم آب رودخانه‌های قزوین‌در آن‌عهد ومرسوم‌قدیم درزمان شاه‌طهماسب وپیش از آن ، به شکلی که درمتن فرمان به اجمال ودر پشت آن به‌تفصیل مبین‌است ودرهر دوجا از آب‌وقفی مزارشاهزاده حسین و کیفیت آن سخن رفته است . با اشاره به پروانچهٔ مورخ ج ۲ - ۱۰۶۳ شاه عباس دوم درهمین باب ونقل متن آن ، ورقعهٔ مربوط به عهد شاه‌طهماسب درباب تقسیم آب . با یاد باغ مشهور وشاهی سعادت‌آباد که درکتب دورهٔ صفوی نام‌آن بسیار دیده می‌شود وذکر نام برخی بزرگان قزوین در ضمن ، از جمله حمزه بیك مستوفی قزوین در عهد طهماسب اول ومیرزا شرف ودیگران [۱]. سند دیگری مربوط به تقسیم‌آب قزوین از قرن هشتم در مینودر(۸۳۷-۸۵۲) چاپ شده است .

---

۱. ازاین سند دوسواد مربوط به اواخرقرن۱۲ واوایل ۱۳ در دست است که یکی‌از آن دووسیلهٔ یکی ازبزرگان وعلماءآن دورهٔ قزوین بااصل تطبیق شده ومهر مدور اوبرآن‌نسخه دیده می‌شود لیکن ازسجع آن جز«لا اله الا الله الملك الحق المبین» آغازچیزی خوانده نشد .

فرمان همایون شد آن‌که چون دراین وقت مهرعلی وقاسم علی دهخدایان وملاك باغات دارالسلطنهٔ قزوین به عرض رسانیدندکه در رود خانهٔ دزج قدری حقابه دارندکه باغات خود را ازآن رود خانه مشروب می‌نمایند ومعمول درمیان ایشان ومیرابان سابق این بودکه دروقتی که‌آب متعلق به‌رعایا بود یك ماه بعد از نوروز به قدری که یك‌آسیا برآن دایرشود میرابان ازحصهٔ رعایا به باغ سعادت می‌برده‌اند وبعدازآن برسرآب رعیت می‌انداخته‌اند ودر وقتی که‌آب مخصوصی سرکار خاصهٔ شریفه می‌شده تدارك نموده ، در بعضی سال‌ها آب می‌داده ودر بعضی سال‌ها از مأخوذ مقرری گاه ثلث و گاه ربع کم می‌کردند ومأخوذآب‌بهاری نفری پنجاه دینار واول تابستان صد دینار واوسط تابستان دویست دیناربوده وهفت روز قبل ازآن که‌آب رودخانهٔ مزبوره متعلق به سرکارخاصهٔ شریفه شود متعلق به‌کلانتربوده که به هجده تومان مقطع است ومردم شهررا درآن حقی نیست ومیراب حال دستورسابق را منظور نداشته ، قبل ازآن‌که متعلق به سرکار خاصهٔ شریفه شودآب ایشان را تصرف ، وشبانه روزی به مبلغ هفت هزاردینارفروخته وآب سرکارخاصهٔ شریفه را شبانه‌روزی به چهارده هزار دینار وهیجده هزار دینار می‌فروشد وبه جبر قیمت بازیافت می‌نماید . ودرحینی که سیلاب می‌آمده وبه باغات خود سر می‌افتاده میرابان سابق به خلاف معمول نفری پنجاه دینارمی‌گرفته ومیراب حال نفری دویست دینار می‌خواهد . وکلانتر دارالسلطنهٔ قزوین تصدیق نموده که موافق دستور معمول واستمرار خود رودآب‌های دارالسلطنهٔ مزبور از قدیم الایام الی الان فیما بین سرکارخاصهٔ شریفه ویخچال‌ها وملاك باغات براین موجب :

[وادی ارنزك ـ از ابتداء جدی لغایت پنجم ثور حق یخچال‌ها وملاك باغات ، وازابتداء ششم ثور لغایت بیست وچهارم منه حق قریهٔ دستجرد وقفی

سرکارفیض آثار، واز ابتداء بیست وپنجم لغایت آخر ثور هفت شبانه روزمتعلق به میرابانهٔ کلانتری‌است که به‌عوض مبلغ هیجده‌تومان رسوم حکمی کلانتران موضوع‌است ورعایا وملاك باغات‌شرب ووجه مرسوم‌را فیمابین خود سویت وتوجیه نموده ، مهم سازی می‌نمایند ودر این مدت وکلاء دیوان ومیرابان را دخلی وحقی درآب مزبور نبوده واز ابتداء جوزا لغایت‌آخر قـوس متعلق به سرکارخاصهٔ شریفه است که وکلاء دیوان ومیرابان ضبط می‌نمایند .

وادی دزج ـ ازابتداء جدی‌لغایت بیست وچهارم ثورحق‌یخچال‌ها وملاك باغات ، وازابتداء بیست وپنجم لغایت آخر ثورهفت شبانه روزتعلق به میرابانهٔ کلانتری‌است که به شرح وادی ارنزك درعوض مرسوم کلانتران عمل می‌شود ودرسالی که قلت‌آب بوده‌باشد چون وادی مذکورمشرف به باغ سعادت‌است آبی که به جهت نهـال وگل‌کاری باغ مزبورضرور می‌شده از اول ثورلغایت بیست وچهارم منه رعایا وملاك بـاغات به رضای خود یك‌آسیاگردان‌آب از حق‌خود وضع وباغبانان به باغ‌مزبوربرده ، شرب‌نهال وگل‌کاری می‌نموده‌اند ومیرابـان را حقی درآب مزبور دراین مدت زیاده براین نبـوده ، واز ابتداء جوزا لغایت قـوس متعلق به سرکارخاصهٔ شریفه است که وکلاء سرکار دیوان ومیرابان ضبط می‌نمایند .

وادی زویار ـ از ابتداء شانزدهم جدی لغایت دهم ثورحق ملاك باغات ، وازابتداء یازدهم منه پنج شبانه روزمتعلق به میرابانهٔ کلانتری است که به شرح وادی اریـزك ودزج عمل می‌شود واز ابتداء شانزدهم ثور لغایت‌آخـرجوزا وپانزده شبانه‌روز ازابتداء جدی حق رعایای رویاراست که دراین‌مدت وکلاء سرکار دیـوان ومیرابان را دخلی ونسبتی درآب وادی مزبوره نبوده ونیست ، واز ابتداء سرطان لغایت‌آخرقوس متعلق به سرکارخاصهٔ شریفه است ووکلاء

دیوان ومیرابان ضبط می‌نمایند]

تقسیم می‌شده ومستمراست . ومیرآب دارالسلطنهٔ مزبورسواد پروانچهٔ نواب خاقان خلدآشیان صاحب قرانی [جد بزرگوارم طاب ثراه] که به تاریخ شهر جمادی الاخری سنهٔ ۱۰۶۳ بیاضی[1] صادر گشته ابرازنمودند مضمون آن که :

« چـون ملاك باغات دارالسلطنهٔ قزوین به دیوان آمده ، سواد پـروانچهٔ نواب جنت‌مکان علیین آشیانی به مهرمرحوم میرزا حبیب‌الله صدرسابق ممالك محروسه‌ابرازنمودند خلاصهٔ‌مضمون آن که چون‌میانهٔ ملاك‌باغات‌دارالموحدین قزوین وارباب مواضع معینه چنین مقرر ومعمول ومصالح به بوده که از ابتداء جدی تاچهارم ثورآب وادی ارنزك‌را به باغات شهربه ترتیبی که مقرر ومعهود است می‌بـرده‌اند وبعد ازآن نهرآبی ازآن وادی به قدرآن که‌آسیاها بـرآن دایراست به مواضع معینه تعلق داشته باشد تاآن که شصت روز ازابتداء حمل گذرد وبعد ازآن تمام‌آب وادی مزبورمخصوص مواضع مزبوربوده باشد تا ابتداء جدی ، وآب دزج رود از ابتـداء جدی تا بیست وهشتم حمل متعلق به باغات باشد وبعد ازآن نهـرآبی ازآن که طواحین برآن دایراست متعلق بـه مواضع مزبوره معینه باشد تـا شصت روز از اول حمل بگذرد بعد ازآن تمام آب تعلق به مواضع معینه داشته باشد تا اول جدی ، ومحاذی‌آبی که متعلق به مواضع معینه است ازهر دو وادی بعضی به ملکیت وبعضی به اجارهٔ شرعیه به مدت‌معینه ـ الا وقف‌مزارکثیرالانوارحضرت امامزادهٔ واجب‌التعظیم [شاهزاده حسین علی‌آبائـه وعلیه التحیة والسلام] کـه داخل اجاره نشده ـ بـه تفصیل وقاعده‌ای که درقبالچهٔ شرعیه مسطوراست به نواب همایون متعلق ومخصوص شده وتابع باغ مبارك سعادت‌آباد فرموده‌ایم ، مقررشد که همین‌قاعده وقانون

---

۱ . اسناد فارسی گرجستان ۱ : ۸۸ دیده شود .

را درشرب آب‌مزبورمعتبردانسته ازقاعدهٔ مزبوره تجاوزننمایند واصلا درحصهٔ باغات شهرمدخل‌ننمایند وسوای آنچه تعلق به‌سرکارخاصهٔ شریفه گرفته‌پیرامون حصص غیر نگردند و گذارند که ملاك وارباب باغات قزوین حقابهٔ خود را به دستوری که درمیانهٔ ایشان معمول است تصرف نموده به باغات خود برند. متصدیان مهمات دیوانی دارالموحدین مزبور حسب المسطور مقرر دانسته، سرکار وعمله وفعله باغ سعادت‌آباد به موجب مزبور عمل نمایند واز تمرد وتخلف اندیشه نمایند».

وازسرکار ضابطه تصدیق نمودند که درنسخهٔ تشخیص روداب‌های مزبور ضمن دارالسلطنهٔ قزوین را درتحت رقعه‌ای که درزمان شاه جنت مکان [شاه طهماسب نورالله مرقده] درتصرف بوده موافق ضابطهٔ یونت ئیل ازقراراوراق به خط مرحوم حمزه بیك مستوفی قزوین به شرحی که درتحت هریك نوشته شده نوشته‌اند وحاصل وجه مزبوره به ضبط میرابان مقرر بوده ودر تشخیص آبی که میرابان به‌دفتر آورده‌اند حاصل‌را مجملا جمع‌نموده‌اند ونسخهٔ مفصلی به دفترنرسیده وازابتداء نه ماههٔ قوی‌ئیل ضبط وجه مزبوره به محمدکاظم بیك مرجوع شده ونسخهٔ ضبط مشارالیه تا غایت به دفتر نرسیده.

بنابراین مقررفرمودیم که وزیرومستوفی وکلانتردارالسلطنهٔ قزوین مجدداً درحضوراهالی شرع انور وارباب‌اعتبار ومطلعین نحوات معمولات واستمرار سنوات درباب‌تقسیم میاه مزبور وشرب‌باغات سرکارخاصهٔ‌شریفه وسندکلانتر درباب هفت شبانه روز میرابانه که ازقرار دفتر تشخیص متعلق به سرکارخاصهٔ شریفه استرسیده وهرگاه دستورمعمول تقسیم میاه مزبوره وعمل‌میرابان‌سابق مطابق عرض رعایا وکلانتربوده، کلانترمزبورسند درباب تصرف خود داشته باشد ودر جزو مستندی که دلالت برصحت سواد پروانچهٔ فوق کند ظاهرشود

مجلهٔ معتبرهٔ مشروحهٔ درست وهمگی مهروتصدیق نمایندکه‌میراب دارالسلطنهٔ قزوین ازآن قرارعمل نموده ، از دستورقدیم ونهج استمرارکه از دفاترظاهر شده تجاوز ننموده ، پیرامون‌آب رعایا نگردیده ،آب وادی‌های مزبوره که به موجب‌فوق متعلق‌به ملاك‌باغات وغیره‌است نفروخته، به خلاف حکم وحساب زیادتی به ایشان ننمایند واصل مجلهٔ مزبوره را به درگاه معلی فرستندکه بعد ازرقم عالی‌جاه وزیردیوان اعلی ومستوفیان‌عظام دردفترعمل نمایند واگرمقدمهٔ مزبوره صورت دیگرداشته باشد جواب عرض نمایند . وچون میراب مزبور نسخهٔ عملکرد سنوات خود را به دیوان اعلی نیاورده عملکرد مشارالیه را نیز از روی دقت واحتیاط واسنـاد حسابی که دردست سکنه وملاك باغات ورعایا ومیراب مومی‌الیه بوده‌باشد وخاطرنشان حسابی درحضورجماعت مزبورفوق مشخص ساخته ، نسخهٔ منقحه در این باب نوشته ، همگی مهرنموده به دستور به درگاه معلی بفرستندکه بعد ازعرض به هرچه ازاین باب مقرون بـه حساب ورفاهیت رعایا بوده باشد ومقرر شود عمل نمایند . میراب دارالسلطنهٔ قزوین حسب المسطورمقرردانسته ، ازفرموده تخلف نورزند ودرعهده شناسند .

تحریراً فی شهرذی حجه سنهٔ ۱۱۰۶ .

[پشت سند :]

رودآب

موضع زویارکه درسنهٔ مذکوره ازاولاد میرزا شرف خریده‌اند وآب مذکور ازموضع گرگین وگیو وبلا. . . ینجرد[1] وحقابهٔ موضع گرگین که ازرودآب مذکور ازقدیم مقرربوده شاه جنت مکان ازمتولی علیشاهی به مدت نود سال

---

۱. شاید : « . . می‌خرد » ؟

اجاره نمودند ، ۳۶۵ شبانروز ـ[1]۱۸۳ شبانروز مذکور است[2].

* که به ملاك باغات شهر قـزوین متعلق است : ۱۱۵ شبانروز (جدی از ابتداء ۱۶ لغایت آخرمنه ، ۲۹ شبانروز: ۱۴ شبانروز/دلو: ۳۰ شبانروز/حوت: ۳۰ شبانروز/حمل : ۳۰ شبانروز/ثور: ۳۱ شبانروز: . . . شبانروز) .

* که به میرابی متعلق است ازابتداء یازدهم لغایت ۱۵ منه : ۵ شبانروز.

* که به رعایاء موضع زویارمتعلق است :۶۳ شبانروز(ثور: ۳۱شبانروز: ۱۶ شبانروز/جوزا : ۳۲ شبانروز/جدی ، ۲۹ شبانروز: ۱۵ شبانروز)

ـ ۱۸۲ شبانروز:

سرطان : ۳۱ شبانروز/ اسد : ۳۱ شبانروز/سنبله : ۳۱ شبانروز/میـزان : ۳۰ شبانروز/عقرب : ۳۰ شبانروز/قوس : ۲۹ شبانروز

آب

باغ سعادت آباد که عبارت از آب‌های مذکوره است موافق دفترضابطهٔ یونت ثیل به شرح آب دولت خانهٔ همایون .

رودآب قریهٔ دزج وغیره

۱ـ رودآب وادی دزج که موسوم به‌آب . . . است (۳۶۵ شبانـروز) : ۱۵۱ شبانروز.

* که به یخچال‌های قزوین متعلق است وحاصل آب آن حق جمعی است ازاول جدی تا ۱۸ ، ۲۹ شبانروز: ۱۸ شبانروز.

* که به ملاك باغات قزوین متعلق است ازابتداء ۱۹ جدی لغایت ۲۴ ثور: ۱۲۶ شبانروز (جدی ، ۲۹ شبانروز : ۱۱ شبانروز/دلو: ۳۰ شبانروز/حوت :

---

۱. یعنی «منها»ی ۱۸۳ شبانروز سرکار خاصهٔ شریفه .

۲. کلیهٔ ارقام تا پایان به سیاق .

۳۰ شبانروز/حمل : ۳۱ شبانروز/ثور، ۳۱ شبانروز: ۲٤ شبانروز) .

* که به میرابه متعلق‌است که حاصل آن به‌جهت سرکارخاصهٔ شریفه ضبط می‌نمایند ودردفتراوارجهٔ دیوان اعلی تنقیح می‌یابد ازابتداء ۲۵ ثورلغایت ۱۲ منه : ۷ شبانروز.

جوزا : ۳۲ شبانروز/ سرطان : ۳۱ شبانروز/ اسد : ۳۱ شبانروز/ سنبله : ۳۱ شبانروز/میزان : ۳۰ شبانروز/عقرب : ۳۰ شبانروز/قوس : ۲۹ شبانروز

۲ ـ قـریهٔ دزج ومحل کوره (؟) که سابقاً بدین قاعده عمل می‌شده واز چهارده هنگام که یك‌هفته باشد یك روزوقف مزارجواد الانوارشاهزاده حسین علیه السلام است چنانچه درهفته یك روز باشد روزجمعه مقررشده که به‌آب جمعگی موسوم شده :

۱۳ هنگام

دیزج : ٥ هنگام/ گناج : ٤ هنگام/ اندا . . : دو هنگام/ . . . : ۱ هنگام/ . . . : ۱ هنگام .

۳ـ قریهٔ الولك وانگشتك وغیره ، الولك : ۱٦ سهم ـ[1] ۱۳ سهم که در موضع مذکوراست ـ ۳ سهم/انگشتك : ۱۳٦ سهم بالتمام (انتقال شاه بیگم بنت خان احمد : ۸ سهم/انتقال میر. . قزوینی : ۱۲۳ سهم) .

. . ولشکر گاه . . . که . . . بدین قـاعده به سرکارخاصهٔ شریفه ونقیب ممالك‌آنجا تعلق دارد : . . . سهم (عن انتقال حسین بیك قورچی ترکمان که درعوض سی لوله‌آب ازباغ سعادت‌آباد می گذرد وبه اقطاع تملك مشارالیـه مقررشده بود وحالا به ورثهٔ اومنتقل‌شده : ۳ سهم/ازانتقال خان احمد گیلانی: ۳ سهم) لشکر گاه خان احمدی : بالتمام .

---

۱. یعنی «منها»ی ۱۳ سهم (با کسر ۱۳ سهم) .

٤- وادی ارنـزك كه موسوم به‌آب شریفی شده : ٣٦٥ شبانـروز - ١٨٣ شبانروز[1] كه ملك خاصهٔ شریفه است .

* كه به یخچال های قزوین متعلق است وحاصل آن حـق جمعی است كه ازاول جدی (٢٩ شبانروز) لغایت ١٦ منه : ١٦ شبانروز.

* كه حق ملاك باغات قزوین است ازابتداء ١٧ جدی لغایت ٢٥ جوزا : ١٦٠ شبانروز (جدی ، ٢٩ شبانروز : ١٣ شبانروز/دلو: ٣٠ شبانروز/حوت : ٣٠ شبانروز/حمل : ٣١ شبانروز/ثور: ٣١ شبانروز/جوزا : ٢٥ شبانروز) .

* كه به میرابه متعلق است از ابتـداء ٢٦ جوزا (٣٢ شبانروز) لغایت ٣٢ كه‌آخرجوزاست : ٧ شبانرور.

- ١٨٢ شبانروز

سرطان : ٣١ شبانروز/ اسد : ٣١ شبانروز/ سنبله : ٣١ شبانروز/میزان : ٣٠ شبانروز/عقرب : ٣٠ شبانروز/قوس : ٢٩ شبانروز

ارنزك : ٤٥ سهماً بالتمام

* انتقال جماعت مذكوره (میرزا خان احمد گیلانی) : ٢٨ سهماً .

* وقف (. . . خالوئی (؟) : ٨ سهم/. . دو سهم) .

. . . : ٩ هنگام

. . . انتقال آقاملك وعبدالهادی دربندی وحسن‌خان دربندی: دوهنگام.

. . . عن خان احمدی : چهارهنگام .

. . . وقفی . . مشارالیه : سه هنگام .

. . . . .

دیناق كه مقررشده كه مال ضمن از آن محال . . . . وآب آنها را به عوض

---

١. یعنی باكسر ١٨٣ شبانروز.

مال مذکور به شهر آورده‌اند : ۱۰۰ سهم .

(۲۷)

فرمان مورخ ع ۲ ـ ۱۱۰۹ ازشاه سلطان حسین در بارهٔ سیورغال اولاد قوام الدین میرمحمد جعفرمرعشی ازبابت مال وجهات قریهٔ شرف‌آباد اقبال وجزآن ، وواگذاردن آن به محمدابراهیم نوادهٔ او. بااشاره به‌فرمان شاه‌سلیمان در همین باب به تاریخ ۱۰۸۶ که حسب التجویز میرزا ابوصالح صدرصادرشده بود[۱].

پشت سند اسامی محالی که سیورغال مزبوررا ازآن‌جاها مجری بود نوشته شده که عبارت بودند ازشرف‌آباداقبال ومهاباد وصامغان وبرحین (؟)آباد بشاریات ، با مهرمیرزا طاهر واقعه نویس وزیراعظم که در۱۱۰۱ به‌جای شیخعلی خان زنگنه وزارت یافته ودر۱۱۱۰ عزل شد ودر اوائل ۱۱۱۲ یا اواخر۱۱۱۱ درگذشت[۲] ومهر میرزا محمد باقر صدرخلیفه سلطانی صدرخاصهٔ شاه سلطان حسین ازآغاز سلطنت او تا پایان[۳].

---

۱. سند شماره ۳۱ نیز دیده شود .

۲. وقایع السنین : ٥٤٧ . سرگذشت زندگی اورا درمقدمهٔ عباس نامهٔ وی (چاپ اراك) وفهرست‌آثارموجود اورا درفهرست منزوی : ۳۸۷۹ و ٤۳٦۱ ، وفهرست مآخذ شرح حال اورا در ذریعه ۹ : ۱۲٦٦–۱۲٦۷ وفرهنگ سخنوران : ٦٤۷ ببینید .

۳. وقایع السنین : ٥٦۰–٥٦۲/مثال‌های صدورصفوی : ۲۱–۲۲ نیز۱۰ و۲۹–۳۰. فهرست مآخذ شرح حال او درهمین رساله هست .

فرمان همایون‌شد آن‌که چون دراین‌وقت محمد ابراهیم ولد محمد جعفر من اولاد قـواما جعفرا مرعشی به درگاه جهان پناه /آمده ، بـه عرض رسانیدکه مبلغ سه‌تومان وشش‌هزاردینار ازبابت قریهٔ شرف‌آباد اقبال وغیرها قزوین به سیورغال والد مشارالیه مقرر بوده/ومتوفی شده ومجله (ای) به خط ومهر اجمعی درباب فـوت والد وانحصار وراثت او درخود ابـراز واستدعاء امضاء اشرف بـه اسم خود نمود وازسرکار/اوارجهٔ عراق نوشته‌اندکه مبلغ سه تومان وشش هزاردینارتبریزی[1] ازبابت قریهٔ شرف‌آباد اقبال وغیره ضمن قزوین سابقاً به سیورغال مرحوم/امیرمحمد جعفر مرعشی مقرر بوده وامضاء نواب خاقان رضوان مکان [. . .] [2] به اسم مرحوم مزبور صادر شده وامضاء نواب‌خاقان طوبی‌آشیان/قدس مکان [...][2] به‌تاریخ سنهٔ ۱۰۸۶ حسب التجویز مرحمت پناه میرزا ابوصالح به اسم محمد جعفر ومسماة به زهره . . . خانم اولاد مرحوم/ مزبور صادر وبه سیورغال ایشان مقرر گشته وصدرسابق ممالك تجویزنموده که چون شیخ الاسلام دارالسلطنهٔ مزبوره وغیره اهالی شرع/آن حدود درمجلهٔ مزبوره تصدیق برفوت محمد جعفرمزبور وانحصاراولاد او در عارض واستحقاق مشارالیـه نموده‌اند هرگاه / وجه سیورغال مزبور در دفتر معمول وحکم نقیضی صادرنشده وجهت موقوفی نداشته ونسل مرحوم محمد جعفرمزبور ازآن‌جهت واولاد اومنحصر/درمحمدابراهیم مزبورشده ازتاریخ فوت والد پروانچهٔ امضاء به اسم محمد ابراهیم مزبور صادر شود . بنا براین مقررفرمودیم که رعایاء محال مزبوره آنچه/ازبابت محال‌مزبوررسد سیورغال محمد جعفرمزبوربوده باشد به شرحی که صدرسابق تجویزنموده سال به‌سال

---

۱. رقم به حروف وسیاق .

۲. دربالای سند بوده که افتاده است .

به دستور معمول سنوات مهم سازی محمد ابراهیم مزبور/نموده ، موقوف ندارند وقبض بازیافت نمایند ودرعهده شناسند .

تحریراً فی شهر/ربیع الثانی سنهٔ ۱۱۰۹ .

[پشت سند :]

ازقرارتصدیق صدرسابق‌ممالك محروسه وتجویزشرافت ووزارت واقبال پناه عظمت وحشمت واجلال دستگاه عالی‌جاه وحید الزمانی اعتضاد السلطنة البهیة السلطانیه‌آصف جاهی اعتماد الدولة العلیة العالیة . [مهر:] لا اله الا الله الملك الحق المبین طاهر.

[با هفت توقیع ومهردیگر ازجمله :]

* المتوکل علی‌الله الملك الغنی عبده محمد باقربن سید حسن الحسینی ۱۱۰۶ .

* بندهٔ شاه دین ابوالحسن است ۱۰۹۲ .

* افوض امری الی الله عبده فضلعلی ۱۰۷۷ .

* بندهٔ‌آل محمد باقر.

(۲۸)

فرمان شاه‌سلطان حسین مورخ شوال ۱۱۲۵ درواگذاردن مستمری ومقرری‌آستانهٔ شاهزاده حسین ازبابت موقوفات آن ونقد وجنس مقرری‌ازبابت مالیات قزوین به‌آن‌آستانه به‌خواهش‌متولیان‌آنجا میرفخرالدین‌محمد ومیرعبدالعظیم حسینی مرعشی. دراین فرمان مقام نقابت سادات قزوین‌را نیزبا منصب تولیت به سادات مزبور واگذارنموده است.

اصل این سند دردست نیست . متن زیر بر اساس سوادی است از آن که با اصل برابر شده است با مهر« محمد باقر بن محمد تقی الحسینی ۱۱۵۷» :

الملك لله

فـرمان همایون شد آن که چون دراین وقت سلالة السادات العظام میرفخرالدین محمد ومیرعبدالعظیم الحسینی المرعشی متولیان شرعی آستانهٔ مقدسهٔ منـورهٔ متبرکهٔ واجب التعظیم [شاهزاده حسین علیه التحیه خلف امام الجن والانس علی بن مـوسی الرضا (علیه) الف الف ثنـا] به عرض اقـدس رسانیدند که درایام سلاطین جنت مکین قدری موقوفات به علاوهٔ مبلغ بیست تومان تبریزی نقد ومقدار سی وسه خروار وهیجده من بذرغله هرساله ازبابت مالیات دارالسلطنهٔ قزوین بهجهت روشنایی ومددمعاش متولیانوغیره مصارف سرکارآستانهٔ متبرکه مستمر وبرقراربوده ، لهذا بنا برتحصیل دعای خیر واز قرار ارقام قضا نظام براین موجب :

[* ازبابت موقوفات محال مفصله که ازقدیم‌الایام مالا ومنالا وقف سرکار آستانهٔ مقدسه است :

قریهٔ شنستق علیاء رامند : چهار دانگ

قریهٔ دستجرد اقبال ازجمله بیست وچهارسهم : هفت حصه

امینقان دشتبی ازجمله شش دانگ : یك دانگ

باتومچین قهپایه ازجمله شش دانگ : دو دانگ

کچل جرد دشتبی ازجمله شش دانگ : دو دانگ

آب رودین ارنزك ودزج شصت یوم بعد از نوروز فیروز: دوازده هنگام

طاحونهٔ قوشخانه : چهار دانگ ونیم

* ازبابت مستمری آستانهٔ منوره که از قدیم الایام هرساله ازبابت مالیات قزوین داده می‌شود :

نقد : بیست تومان

جنس : سی وسه خروار وهیجده من][1]

موقوفات را به علاوهٔ مستمری سرکارآستانهٔ منورهٔ مزبوره برقرار فرمودیم که متولیان ازروی دقت واهتمام تام وتمام متوجه تولیت‌آن مکان منوره بوده ، در نظام ورونق‌آستانهٔ منوره وخدام‌آن لازمهٔ سعی واهتمام به عمل‌آورند .

حکام وعمال دارالسلطنهٔ مزبوره محال مفصلهٔ فوق را ازحشوجمع قزوین موضوع وبه تصرف متولیان داده که خود داد وستد نمایند وبه علت صادریات وعوارضات وسیورسات به هر اسم ورسم که بوده باشد دیناری وحبه [ای] به اسم محال مزبوره وخدمهٔ‌آن‌آستانهٔ متبرکه حواله واطلاق ننموده ، قلم وقدم کوتاه وکشیده دارند ونقابت‌اشراف دارالسلطنهٔ مزبوربه نحوی که سابق‌براین باسادات‌آستانهٔ مطهره بوده بامبلغ سی تومان تبریزی مواجب خدمت مذکور را با مواجب مزبوربه دستور دروجه سادات مشارالیهما برقرارفرمودیم که هر ساله مبلغ سی تومان‌را ازحاکم وعمال قزوین بازیافت نموده، صرف معیشت خود نمایند .

مستوفیان عظام‌کرام دیوان اعلی رقم این عطیه را در دفاترخلود ثبت نموده ، ازشایبهٔ تغییروتبدیل مصون ومحروس دانند وهرساله حکم‌مجدد طلب ننمایند . درعهده شناسند .

تحریراً فی شهرشوال سنهٔ ۱۱۲۵ .

---

۱. اعداد به سیاق .

(۲۹)

فـرمان شاه سلطان حسین مورخ ذ ح ـ ۱۱۳۰ گویای آن که او در آن تاریخ به زیارت آستانهٔ شاهزاده حسین مشرف شده وموقوفات ومستمری آستانه را به دستور سابق برقرار نموده است. باذکر نام متولیان مزار: میرفخرالدین محمد ومیرعبدالقادر ومیرعبدالعظیم حسینی مرعشی[۱]:

حکم جهان مطاع شد آن که چون همگی همت والا نهمت همایون ما مصروف ومعطوف به آن است که درزمان خلافت روزافزون/وعهد خلافت ابد مقرون سادات صحیحة الانساب مرعشیه که ثمرهٔ شجرهٔ نبوت وولایتند به فراغ بال ورفاه حال گذرانیده ، به دعاگویی/دوام دولت دوران عدت قیـام واقدام نمایند ودراین اوان سعادت اقتـران که به زیارت روضهٔ مقدسهٔ مطهرهٔ بالحق [شاهزاده حسین خلف امام الجن والانس علی بن موسی الرضا (علیه) الف الف التحیة والثناء] مشرف ومستفاد شدیم / سلالـة السادات العظام میر فخرالـدین محمد ومیرعبدالقادر ومیرعبدالعظیم الحسینی المرعشی متـولیان شرعیهٔ آن مکان ملائك‌پاسبان به‌عرض رسانیدند/ که درایام سلاطین جنت‌مکین قدری موقوفات به‌علاوهٔ مبلغ بیست‌تومان تبریزی نقد ومقدارسی وسه خروار وهیجده من بـذر جنس هرساله ازبابت / مالیات دارالسلطنهٔ قزوین بـه جهت روشنایی وغیره مصارف سرکار آستانهٔ متبرکه مستمر وبرقراربوده ، لهذا بنابر تحصیل دعای خیر وازقرار/ارقام قضا نظام براین موجب :

---

۱. شاه سلطان حسین درسال ۱۱۳۰ به قزوین آمد وسه سال دراین شهرماند (انقراض صفویه لکهارت : ۱۱۵ به نقل مقالهٔ تاریخچهٔ قزوین ، مجله بررسی‌های تاریخی ٤/٦ : ۱۸۱).

در گواهی محمدبن رضی‌الدین[1] نیز ازاو باوصف «علامی فهامی میرزا قوام الدین محمد» یاد شده است .

استشهاد واستخبارواستعلام می‌رود ازسادات‌عظام وعلمای اعلام ومتولیان ذوی الاحترام براین که هریك علیم وخبیر بوده باشند که تولیت شرعی آستانهٔ متبرکهٔ منورهٔ [امام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم امام زاده حسین علیه التحیة والتسلیم] باداعیان امیرفخرالدین‌محمد ومیرعبدالقادرومیرعبدالعظیم ومیرقاسم است وقبل از زمان گیتی ستان الی الان باآبا واجداد داعیان بوده دوکلمه در ذیل وحواشی این‌صحیفه قلمی نموده ، به مهرشریف‌خود مزین ومحلی سازند که عند الحاجت حجت تواند شد . توجروا وبینوا .

[گواهی‌ها :]

* هو ـ تولیت شرعی آستانـهٔ متبرکهٔ مقدسهٔ منوره اباً عن جد با عالی حضرات رفیع مرتبات سیـادت منقبات میرفخرالدین محمدا و میرعبدالقادر ومیرعبدالعظیم ومیرقاسم‌اولاد مرحمت‌پناه میرعبدالقادرمرعشی‌بوده ومی‌باشد. حرره العبد . .

* هو ـ انحصارتولیت شرعی آستانهٔ منورهٔ مقدسهٔ متبرکه اباً عن جد با عالی حضرات سیادت ونجابت پناهان میرفخرالدین محمد ومیرعبدالقادرومیر عبدالعظیم ومیرمحمد قاسم اولادکبار مرحوم امیرعبدالقادر مرعشی‌اند . العبد الاقل محمد هادی [مهر:] محمد هادی کل خلایق .

شود به‌تذکرهٔ حزین : ۲۸ / نجوم السماء : ۱۹٤ / روضات ۲ : ۱۹٤–۱۹٦ / هدیة الاحباب : ۲۲۱ / ذریعـه ۱ : ۱۵٤ و ۲۱ : ۱۷۸ / ریحانة الادب ۳ : ۳۲۲ چاپ اول . ومآخذی که درفرهنگ سخنوران : ٤۷٦ ازآن یاد شده است .

۱ . به عنوان یك امکان شاید فرزند آقا رضی قزوینی (رضی الدین محمد بن حسن) دانشمند مشهورنیمهٔ دوم قرن یازدهم .

* هو ـ انحصار تـولیت شرعی آستانهٔ مقدسه با عالی حضرات سیـادت ونجابت پناهان کمالا میرفخرالدین محمد ومیرعبدالقادر ومیرعبدالعظیم ومیر محمد قاسم اولاد واولاد [اولاد] مـرحوم امیرعبدالقادر مرعشی‌اند . نمقه قوام الدین محمدالحسینی‌السیفی[مهر:] المتوکل‌علی‌الله قوام‌الدین محمدالحسینی.

* هو ـ حقیقت تولیت مزبور بـه نحوی است که عالی حضرت علامی فهامی میرزا قوام الدین محمد وسایر اعزه قلمی نموده‌اند . حرره الداعی ابن رضی الدین محمد [مهر:] . . .

(۳۱)

فرمان مورخ ذ ق ـ ۱۱٤۰ ازطهماسب‌دوم درموردموقوفات ومستمریات وسیورغالاتی که مربوط به‌آستانهٔ شاهـزاده حسین بوده است با اشاره به اسنادآنها بدین شرح :

۱) سیورغال‌آستانه ازقرارفرمان مورخ ۹۸٦ .

۲) سیورغال میرجعفرمرعشی ازقرار فرمان مـورخ رجب ۱۰۸٦ که در سنـد شمارهٔ ۲۷ اینجا (فرمان مورخ ع ۲ ـ ۱۱۰۹ که مربوط به همین سیورغال است) نیز ازآن یـاد می‌شود .

۳) مستمری میرفخرالدین ومیرمحمد نصیر از قرار فرمان مورخ صفر۱۰۹٤ (سند شمارهٔ ۲٤ اینجا) .

٤) نقدی که ازقرارفرمان مورخ صفر۱۱۳۲ دروجه متولیان برقرار بود .

دراین‌سند مال وجهات دوموضع ازمحال پیشین سیورغال آستانه علی‌العجاله دروجه‌آن ازقرارقبض متولیان برقرار

گردیده‌است. فرمان گویا به‌خواهش میرعبدالعظیم‌متولی صادرشده که متن قبض او درپایان نقل شده است .
اصل فرمان موردسخن دردست نیست ومتن زیر براساس سوادی است از آن که با اصل برابرشده ومتعلق بـه دورهٔ پادشاهی طهماسب دوم است با مهر دانشمندی که برابری سود را با اصل گواهی داشته است درپشت سند . جزآن که دربخشی از ارقام سیاقی گویا درهنگام سواد بـرداری اشتباهاتی رخ داده که به هرحال به شکل موجود خوانده ونقل شد .

حکم جهان‌مطاع شد آن‌که چون دراین‌وقت سیادت ونجابت ورفعت ومعالی‌پناه نظاماً لا . . . . به پایهٔ سریرخلافت مصیر آمده، عرض واستدعا نمودکه موقوفات وسیو [رغال] . . . . . در وجه متولیان مقرر بوده کماکان برقرار گردد وازد فترخانـهٔ همایون اعلی . . . . . نموده‌اند که به موجب پروانجات که دردست سیادت ونجابت‌پناه مزبوراست:

[نقد : ۳۸ تومان وچهارهزار و۵۰۰ دینار[1]/جنس : ۱۹۶ خروار

۱ـ از قـرار پروانچه به تاریخ سنهٔ ۹۸۶ که ازبابت مال وجهـات محال مذکوره به سیورغال آستانه مقررشده :

نقد : ۸ تومان وسه هزار و۵۴۴ دینار/جنس : ۹۶ خروار و۷۶ من

* موقوفی ازبابت محال مذکوره :

نقد : ۷ تـومان و۲ هزار و۸۵۰ دینار/جنس : ۷۳ خروار و۶۳ من وسه چهاریك

---

۱. ارقام همه به سیاق.

قریهٔ برزلجین رامند : ۱ تومان و۳ هزار و ۹۶۰ دینار، برآوردی بعد از وضع ۱۲یك ورسوم داروغگی (نقد : ۳ تومان و ۹ هزار و۵۶۲ دینار/جنس: ۱۷ خروار و ۴۰ من) .

قریهٔ دزج اقبال : ۱ تومان و۲ هزار و ۹۶۰ دینار، برآوردی بهشرح ایضاً (نقد : دوتومان و ۷۵۰ دینار/جنس : ۲۴ خروار و ۸۰ من وسه چهاریك) .

قریهٔ گناج ایضاً : ۸ هزارو ۷۵۰ دینار، برآوردی بهشرح ایضاً (نقد :۴۶۸ دینار/جنس : ۱۲ خروار و۹۴ من وسه چهاریك) .

قریهٔ یوسفاباد (؟) بشاریات : سه خروار، برآوردی به شرح ایضاً (نقد :۱ هزار و۶۳۴ دینار/جنس : ۹۲ من ویك چهاریك) .

قریهٔ جوسق مره ایضاً : ۶ هزار و ۷۵۰ دینار، برآوردی بـه شرح ایضاً (نقد : ۳۷۲ دینار/جنس : ۱۳ خروار) .

قریهٔ ترکمان‌کندی ایضاً : سه هزار و۸۵ دینار، برآوردی (نقد : ۹۰ . . /جنس : . .) .

* ساوج بلاغ وغیره :

نقد : . . .

ساوج بلاغ ازبابت مزرعه عبدالله مشهور بـه عباس‌آباد : ۸ هزار و ۳۵۰ دینار، برآوردی بعد ازوضع ۱۲ یك ورسوم داروغگی (نقد : یك‌هزار وسی صد وسی وهشت دینار/جنس : ۱۳ خروار و۲۹ من) .

ری از بابت قصبهٔ ورامین : شش هزار، برآوردی بعد از وضع ۱۲ یك (نقد : ۸ هزار و۳۵۲ دینار/جنس : ۴ خروار و۱۱ من) .

۲ـ که به موجب پروانجات به سیورغال اولاد میرجعفر وغیره مقرربوده:

نقد : ۲۰ تومان و۶ هزار و ۵۰۰ دینار/جنس : ۹۸ خروار و۳۸ من ویك چهاریك

* سیورغال میرجعفرمرعشی‌ازبابت محال‌مذکورهٔ قزوین ازقرارپروانچه به تاریخ شهررجب ۱۰۸٦ :

نقد : ۱۰ تـومان وهفت هزار و٦٤۰ دینار/جنس : ٤۳ خروار و٥٦ من وسه چهاریك

قریهٔ شرف‌آباد اقبال : ۲ تومان و۸ هزار و٤۳۱ دینار، برآوردی بعد از وضع ۱۲یك ورسوم داروغگی (نقد : ۸ تومان و٦ هزار و٥٦۹ دینار/جنس: ۳۸ خروار و۷۷ من) .

قریهٔ مهاباد بشاریات : ۳ هزاروا۱۱٤ دینار، برآوردی به‌شرح ایضاً (نقد: ۳ . . . /جنس : ۸ خروار و۷۹ من) .

قریهٔ سرحدآباد ایضاً : ۲ هزار و۸٥۰ دینار، بـرآوردی به شرح ایضاً : یك تومان ویك هزار و۹٦۰ دینار.

قریهٔ صامغان ایضاً : یك‌هزاروٍ٦٥٥ دینار، برآوردی به شرح ایضاً: هشت هزار و۷۳۲ دینار.

* مستمری محمد نصیر ومیرفخرالدین ازبابت محال مزبورهٔ قـزوین از قرارپروانچه به‌تاریخ شهرصفرسنهٔ۱۰۹٤ بعدازوضع ۱۲یك ورسوم داروغگی:

نقد : ۹ تومان و٦ هزار و۸۱٦ دینار/جنس : ٥٤ خروار و۷٦ من

قریهٔ سالانك بشاریات : ۱ تومان و۷٦٤ دینار، برآوردی نقد : ۲ تـومان و۱ هزار و۲۰ دینار/جنس : ۱۸ خروار و۱۱ من .

قریهٔ ملك‌آباد ایضاً : ٤ هـزار و۷۷٥ دینار، برآوردی نقد : ۱ تومان و۲ هزار و۷٥٥ دینار/جنس : ٦ خروار و٥۸ من .

قریهٔ کچل جرد دشتبی : ٤ هزار و٤٦۲ دینار، برآوردی نقد : یك تومان وسه هزار و۲۹٥ دینار/جنس : ٤ خروار و۱۳ من .

قریهٔ فخرآباد بشاریات : ۱ تومان و۳ هزار و۶۳۷ دینار، برآوردی نقد : ٤ تومان و۶۲ دینار/جنس : ۱۶ خروار.

قریهٔ باتومجین قهپایه : ۱ هزار وچهارصد و. . دینار، برآوردی نقد : ۱٤۹ دینار/جنس : ۳ خروار و۶۶ من ونیم .

قریهٔ صامغان بشاریات : ٤ هزار و۱۶۸ دینار، برآوردی نقد : ۱ تومان و۱ هزار و٥۷٤ دینار/جنس : ٥ خروار و٤۸ من .

۳ـ که ازقرارزقم به تاریخ شهرصفرسنهٔ ۱۱۳۲ به قیدآن که ازجملهٔ ۲٤ سهم قریهٔ دستجرد اقبال وقف آستانهٔ منورهٔ مزبوره وبدل اجارهٔ حصهٔ مزبوره که مبلغ نه تومان می‌شود وبه وظیفهٔ اولادی بنی‌اعمام متولی آستانه مقرربوده وشیخ صدرالدین وملایوسف هفت تومان‌را درلباسی به وظیفهٔ خود گذرانیده بوده‌اند به تغییرایشان به دستورسابق دروجه متولیان برقرار گشته ودراین‌وقت به جهت دیوان ضبط شده :

۹ تومان]

به سیورغال آستانهٔ منورهٔ مزبوره واقعه در دارالسلطنهٔ قزوین واولاد میرجعفر مرعشی وغیره مقرربوده که به جهت دیوان ضبط شده وچون وجوهات محال مذکورهٔ فوق به ضبط بیگلربیگیان وحکام الکاء مذکوره مقرر گردیده بنا بر احترام آستانهٔ متبرکهٔ مزبوره از ابتداء سنهٔ پیچی ئیل مبلغ چهار تومان ویك هزار ونهصد دینار[۱] نقد ومقدار سی خروار وسی سه من[۱] جنس ازبابت مال وجهات محال مفصلهٔ ذیل :

[* قریهٔ برزلجین قزوین که سابقاً عالی‌جاه یعقوب خان تعلیقه داده : یك تومان و۳ هزار و۹٦۰ دینار

۱ـ به حروف وسیاق .

برآوردی نقد : ۳ تومان و۹ هزار و۵۶۲ دینار/جنس : ۱۷ خروار و ۴۰ من

* مزرعه عبدالله مشهوربه عباس‌آباد ساوج بلاغ : ۸ هزار و ۳۵۰ دینار

برآوردی نقد : ۱ هزار و۳۳۸ دینار/جنس : ۱۳ خروار و۲۹ من

که به‌سیورغال آستانهٔ‌منوره مقرربوده عجالتاً برقرارفرمودیم که متولیان‌آستانهٔ مزبوره مبلغ ومقدارمذکوره‌را سال‌به سال به دستوراستمرار ازقرارقبض‌خود ازرعایا وزارعین محلین مزبورین بازیافت وصرف روشنائی وسایراخراجات آستانهٔ منوره نموده ، دعای خیربه جهت ذات نواب همایون حاصل نمایند .

بیگلربیگیان وحکام وعمال‌الکاء مزبوره مبلغ ومقدارمزبوررا به‌سیورغال آستانهٔ منورهٔ مزبوره مقرردانسته ، به‌علت وجوهات‌مذکوره وسایراخراجات وعوارضات مملکتی به هراسم ورسم که بوده باشد به محلین مزبورین حواله واطلاقی ننموده ، قلم وقدم‌کوتاه وکشیده دارند . کدخدایان ورعایاء محال مزبوره‌مبلغ ومقدارمذکوررا سال به‌سال ازقرارقبض وحوالهٔ‌سیادت ونجابت پناه مشارالیه مهم سازی نموده ، موقوف ندارند . مستوفیان عظام‌کرام دیوان اعلی رقم این عطیه در دفاترخلود ثبت واز شایبهٔ تغییر وتبدیل مصون دانسته ، هرساله به رقم مجدد محتاج ندانند ودرعهده شناسند .

تحریراً فی شهرذی قعدة الحرام سنهٔ ۱۱۴۰ .

[پشت سند :]

[۱] حسب الامرالاعلی ازقرارنوشتهٔ وزارت وشوکت واقبال پناه عظمت وحشمت واجلال دستگاه ، تربیت یافتهٔ خورشید عنایت شاهی ،آصف جاهی اعتضاد السلطنة البهیة السلطانیة عالی‌جاهی اعتمادالدولة العلیة العالیة الخاقانیة.

[۲] ثبت سرکارعالی شد .

[۳] هو- مبلغ دوهزار وسیصد وسی هشت دینار زر تبریزی نقد ومقدار

سیزده خروار وبیست ونه من جنس به موجبی که درضمن حسب الرقم مطاع مقررشده ازبابت قریه عبدالله مشهوربه عباس آباد ساوج‌بلاغ که حسب‌التعلیقهٔ رفیعهٔ وکلاء اجلاء نواب‌مستطاب معلی‌القاب که به موجب رقم . . . این وقت متصدیـان ومستأجران موضع مزبوره سهم کمترین سادات سیـد عبد العظیم متولی آستانهٔ منوره . . . گردیـده ، این دو کلمه به جهت قبض قلمی گردید . تحریراً فی شهرربیع الاول سنهٔ ۱۱٤۱ .

(۳۲)

محضر واستشهادی مربوط به سال‌های میانهٔ قرن دوازدهم پس ازسال ۱۱٤٤ (که تاریخ مهـر یکی از گواهان است) درمـورد فوت میرفخرالدین محمد فرزند میرعبدالقـادر متولی آستانهٔ شاهزاده حسین ، وانحصارتولیت آستانه در میرعبدالعظیم فرزند میرمحمد نصیر که نوادهٔ میرعبدالقادر مزبور بوده وچنان که دراسناد سابق دیدیم در امر تولیت با عم نامبردهٔ خود شریك بوده است .

این محضررا گروهی ازدانشمندان وبزرگان قزوین درآن دوره گواهی نموده‌اند وازاین رهگذرسند بسیارسودمندی است . علامی فهامی محمد حسین مدرس ، محمد مؤمن پیشنماز مسجد جامع کبیر قزوین ، محمد متـولی مسجد جامع کبیرمزبور، محمدمهدی حسینی، محمدتقی حسینی محمـد خلیل[1] ومحمد رفیـع ازآن جمله‌اند . این نـام‌ها

---

۱. دراین دوره سه دانشمند خلیل نام در قزوین می‌شناسیم ، یکی ملا خلیل بن محمد زمان قزوینی نگارندهٔ رسالهٔ اثبات حدوث الاراده (ذریعه ۱ : ۸۸) در۱۱٤۸ ،

واسامی دیگری راکه در این محضر دیده می‌شود شاید بتوان با نگریستن به فهارس واسناد دیگرمربوط به‌قزوین وجست وجوی درمصادر غیرمتداول به درستی شناخت ، هرچنددرمآخذ عمومی‌رایج بافحص‌اجمالی چیزی‌نیافت. سر گذشت نامه‌های دانشمندان ومآخذ تاریخی مربوط به قرن دوازدهم برخلاف‌آن چه معمولا تصور می‌رود کم نیست ، لیکن در دسترس نبوده وتحلیل نشده وازاین رو اطلاعات ومعلوماتی‌که به‌خصوص دربارهٔ دانشمندان این دوره درکتاب های عمومی می‌توان یافت بسیار کم ودر مقایسه با دوقرن یازدهم وسیزدهم ناچیز است . بیشترآن مآخذ هنوزهم چاپ‌نشده ونسخ‌خطی‌آن هم کمیاب است. ازجملهٔ‌آنهاست‌کتاب « تتمیم امل الامل » شیخ عبد النبی قزوینی (نگاشتهٔ سال ۱۱۹۱) که درموضوع مورد سخن بهترین مأخذ ودو نسخهٔ خطی‌آن درخارج ایران موجود است (ذریعه ۳ : ۳۳۷-۳۳۹) .

چون ازایام‌سابقه وسنوات‌سالفه زمان‌سلطنت امیرتیمور گورکان وامضای فرمانروایان سلسلهٔ صفویه الی‌الان . . . تولیت‌شرعی مزارکثیرالانوار وروضهٔ مطهرهٔ فیض‌آثارامام‌زادهٔ واجب‌التعظیم لازم‌التکریم شاهزاده‌حسین دارالسلطنهٔ قزوین علیه وعلی‌آبائه الف الف الثناء والتحیة اباً عن جد با سیادت ونجابت واصالت پناه هدایت ونقابت دستگاه میرعبدالعظیم متولی شرعی حال بوده که

ودیگری ملاخلیل‌بن حاجی‌بابا قزوینی زرکش (فوائد الرضویه : ۱۷٤) وسومی آقا خلیل بن محمد اشرف قاینی ساکن قزوین (همان مأخذ : ۱۷٤) . مهر « العلم خلیل المؤمن » پیش‌ترازآن ملا خلیل قزوینی مشهوربوده است (ایضاً : ۱۷۲) .

همواره به شایستگی واهلیت وقابلیت مرتکب‌خدمت بوده ومتوجه خاك‌روبی آستانهٔ ملایك‌آشیانهٔ مذکوره بوده ومی‌باشند .

لهذا استشهاد واستعلام واستخبار می‌رود عالی حضرات سادات عظام وعلماء اعلام وفضلاء کرام وقضات ذوی‌الاحترام ومشایخ خیریت‌انجام وعمال ومباشرین نیکوفرجام وعموم سکنه ومتوطنین دارالسلطنهٔ قزوین دراین که هر یك خبیر وعلیم ومطلع از مراتب مسطورهٔ معروضه وفوت عم مستشهد مشار الیه . . . بوده باشند مضمون خیریت مشحون شهادت صواب ارادت خودرا به دوکلمه مایه دست درحاشیهٔ این صحیفهٔ ثواب ضمیمه واین مستدعی نامچهٔ معلی رسیمه قلمی وبه امهارشریفه مزین فرمایند که عندالله ضایع نخواهد بود.

[گواهی‌ها :]

* بسم الله الرحمن الرحیم ـ اقـل سادات محمد مهدی الحسینی اهلیت شرعی را با مرحوم میرمحمد نصیر والد مستشهد مزبور درایام سابق وبعد از وفات مشارالیه سیادت مآبی مزبوررا مشاهده نموده که به امرتولیت امام زادهٔ واجب التعظیم قیام می‌نموده‌انـد وامری که منافی تولیت بوده باشد ازسیادت ونجابت پناه مزبورمشاهده . . [با مهراو وچهارمهردیگر] .

* بسم الله الرحمن الرحیم ـ اقل سادات محمد تقی الحسینی‌را به‌اعتبار خویشی علم واطلاع حاصل است که شرعاً تولیت امام زادهٔ واجب الاحترام ازقدیم الایام اباً عن‌جد باسلسلهٔ عالی‌حضرت سیادت‌پناه مستشهد بوده وچون دراین ایام عم مستشهد متن که متولی بوده وبه رحمت ایزدی پیوسته وارثی‌از اولاد ذکور ندارد سیادت پناه مزبور قـابلیت . . . امری که منافی شایستگی سیادت پناه مشارالیه . . [مهر] .

* هو ـ از قراری که بـر اقل خلایق معلوم شده تولیت مزارکثیرالانوار

مزبور همیشه از قدیم الایـام باآباء واعمام سید سند مستشهد متن بوده هرگز دیگری دخیل‌نبوده . . اهلیت وقابلیت دارد وخلاف شایستگی امری ازاو سر نزده [مهر:] غیاث الدین . .

* خدمت تولیت بعد ازفوت مرحوم والد مستشهد با جناب سیادت‌مآب مستشهد متن زید توفیقاته وبه حلیهٔ صلاح وسدادآراسته وقابلیت تولیت مـزار کثیرالانوار امام زادهٔ واجب التعظیم ارثـاً واستحقاقاً دارد . وما شهدنا الا بما علمنا [مهر] .

* بسم الله خیر الاسماء ـ بـه نحوی‌که سادات عظام وعلمای ذوی العز والاحتـرام قلمی داشته‌اند اظهر من الشمس است واین داعی به اعتبـار رابطهٔ آشنایی قـدیم‌کما هوحقه مطلع‌که تولیت مزارکثیرالانـوار امام زادهٔ واجب الاحترام علیه التحیة والاکرام باآباء واجداد جنـاب مستشهد متن بوده وحال اولاد ذکورمتولیان‌سابق انحصاریافته به جناب مستشهد معزی‌الیه و. . . مزبور به زیـورصلاح وسداد وقابلیت تولیت‌آراسته وحال به خدمت تولیت ولوازم آن قیام واقـدام می‌نماید ومعزی الیه مقبول عام وخاص است . وما شهدنا الا بما علمنا . داعی دوام دولت ابد مدت محمد مؤمن پیشنمازمسجد جامع‌کبیر دارالسلطنهٔ قزوین [مهر:] عبده محمد مؤمن بن محمد . . عفی عنهما .

* بسم الله الرحمن الرحیم ـ اقـل اقلین محمد خلیل را به اعتبار رابطهٔ آشنایی با اب وعم مستشهد متـن اطلاع وعلم حاصل است‌که تولیت شرعی آستانهٔ مزارکثیرالانـوار امام زادهٔ واجب الاحترام علیه التحیة والسلام باآباء واجداد مستشهد متن بـوده وحال اولاد ذکـور متولیان سابق انحصار یافته بـه مستشهد مزبور وبه زیورصلاح وسداد وقابلیت تولیت‌آراسته وامری‌که منافی تولیت‌باشد ازایشان ظاهرنشده وبالفعل‌نیزقیام به امرتولیت ولوازم‌آن می‌نماید

ومقبول عام وخاص است[دومهر:] یا خلیل‌الرحمن/العلم خلیل المؤمن۱۱٤٤.

* هو ـ مستشهد مشارالیه از اولاد متولیان امام زادهٔ کثیرالانوار وتولیت شرعی با سلسلهٔ اوست ومتـولی مزبور که عم مستشهد مومی الیه است فوت شده واولاد ذکورندارد و. . نیست اورا ومومی الیه نیزقابلیت واهلیت تولیت مزارکثیرالانوار دارد وحال بـه امر تولیت مشغول می‌باشد . هرگزکسی غیر سهیم وشریك به امرتولیت مزبورنبوده‌اند [دومهر] .

* اقل الخلایق آنچه برکمترین ظاهراست آن است که در مدت العمر از اعـزه واعیان ومعارف وجمهور سکنـه ومتوطنین دارالسلطنهٔ قـزوین شنیده وملاحظه‌شد همیشه اباً عن‌جد تولیت آستانهٔ مقدسهٔ‌منوره باآبا واجداد مستشهد مشارالیه بوده ودیگری را بـه هیچ وجه مدخلیتی نبوده وبعد ازفوت متولیان سابق به مستشهد مشارالیه انحصاریافته ومشارالیه به زیورصلاح وفلاح آراسته وامری که منافی تولیت بـاشد از مشارالیه به ظهور نرسیده وبالفعل نیز به امر مزبور ولوازم آن قیام واقدام می‌دارد واین‌معنی برهمه‌کس ظاهر وعیان است. العبد المذنب [مهر:] محمد علی .

* هو ـ اقل‌طلبه محمد حسین مدرس سیادت وتولیت‌پناه مستشهد مزبور را اباً عن‌جد متولی مزارکثیرالانوارمی‌دانسته‌که درالسنه وافواه چنین‌مذکور می‌شدکه تولیت ایشان شرعی است وسیادت مآب مزبـور درکمال اهتمام در رواج ورونـق آستانهٔ متبرکه می‌باشند وقابلیت تمام می‌دارند . نمقه [مهر:] لا اله الا الله الملك الحق المبین محمد حسین .

* هو ـ به نحوی که عالی حضرت علامی مدرس . . . در بـاب مراتب سیادت پناه مستشهد متولی شرعی قلمی فرموده‌اند عین واقع وخلافی ندارد. نمقه . . . [مهر:] .

* هو- اقل خلق الله محمد رفیع تولیت شرعی آستانهٔ مقدسهٔ مطهرهٔ امام زادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم باآبا واجداد مستشهد متن‌بوده وحال‌اولاد ذکور متولیان سابق انحصار یافته به مستشهد مزبور وبه زیور صلاح وسداد وقابلیت تولیت‌آراسته وامری‌که منافی تولیت باشد ازایشان ظاهرنشده وبالفعل نیزقیام به امرتولیت ولوازم‌آن می‌نماید ومقبول عام وخاص است [مهر] .

* همیشه اوقات از قدیم الایام تولیت مزبور با مستشهد واجداد او بوده وهرگز ندیده ونشنیده‌ایم که افراد دیگر دخل در خدمت مزبور نموده باشد وقابلیت واهلیت خدمت مزبور دارد . العبد [مهر] .

* هو- مستشهد متن اباً عن‌جد درخدمت مزبورقیام وسوای‌ایشان احدی را درآستانهٔ متبرکه دخل نبوده . اقل خلق الله عبدالظاهر[مهر] .

* هو- اقل عبادالله خیرالدین درمدت سکنای خود دردارالسلطنهٔ قزوین که قریب به چهل وپنج سال است مستشهد متن وعم ووالد اورا به اقدام امر تولیت امام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم دیده واستماع نموده‌که اباً عن جد متولی بوده‌اند وحال به سبب فوت عم مشارالیه منحصر به مستشهد ودررواج ورونق‌آستانه متبرکه‌کمال اهتمام مرعی می‌دارد . نمقه [مهر] .

* هو- اهلیت وقابلیت مستشهد مزبور وسعی در امور تولیت معلوم واباً عن جد متولی بوده‌اند . نمقه العبد [مهر:] .

* هو- اقل خلیقه محمد متولی مسجد جامع کبیر به اعتباررابطهٔ‌آشنایی با عم ومستشهد متن اطلاع وعلم حاصل است‌که تولیت مزارکثیرالانوارامام زادهٔ واجب الاحترام علیه التحیة والسلام باآباء واجداد سیادت پناه مستشهد متن بوده وحال اولاد ذکور متولیان سابق انحصار یافته به مستشهد مزبور وبه زیورصلاح وسداد وقابلیت تولیت‌آراسته وبالفعل نیزقیام به امرتولیت ولوازم

آن می‌نماید [مهر:] افوض امری الی الله . .

* هو- اهلیت وقابلیت مستشهد متن مزبور وسعی در امور تولیت معلوم وباآبا واجداد عالی‌حضرت مستشهد متن بوده وحال‌اولاد ذکورمتولیان سابق انحصاریافته . . .

* اقل خلق الله را علم حاصل است که تـولیت‌آستانهٔ مقدسه اباً عن جد باعالی‌حضرت مستشهد متن بوده واحدی دخل‌نداشته وقابلیت مستشهد مزبور وسعی در امور وخدمتگزاری دارد وحال بعد از فوت عم اولاد ذکور به وی انحصار دارد . نمقه . . .

(۳۳)

استشهادی دیگرمربوط به درگذشت میرفخرالدین محمد وتولیت به استقلال وانفراد میرعبدالعظیم نسبت به‌آستانهٔ شاهزاده حسین ، ازهمان تـاریخ ، جزآن‌که این یکی را بیش‌تر« اعزه واعیان »گواهی نموده‌اند تا دانشمندان . از این رو درگواهی‌هـا به نقل چند نمونه‌که حاوی فـائدتی بود اکتفا شد :

چون ازسنوات سابقه وسنین سالفهٔ قدیم الایام الی الان تولیت مزارکثیر الانوار وآستانهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم لازم التکریم شاهزاده حسین اباً عن جد بـدون دخل ومدخلیت احدی با سیادت ونجابت پناهـان سلالتی السادات میرفخرالدین ومیرعبدالعظیم مرعشی برادرزادهٔ اوبوده‌که لیلا ونهاراً به خاك روبی‌آستان نقاوهٔ دودمان امامت به جاروب مژه اشتغال وبه دعاگویی دوام دولت روز افزون مشغول واحدی درخدمت مزبور هیچ وقتی از اوقـات

شریك وسهیم ودخیل نبوده ودراین وقت که میرفخرالدین به جوار رحمت ایزدی پیوسته وازاو اولاد ذکورباقی نمانده ، اولویت ووراثت خدمت مزبور منحصر درمیرعبدالعظیم مشارالیه بوده واهلیت وقابلیت امرمذکور کما هوحقه داشته بالارث والاستحقاق اولی وانسب به تقدیم خدمت مسفور می‌باشد .

لهذا استشهاد واستعلام واستخبار می‌رود عالی حضرات سادات عظام وعلماء اعلام وفضلاء کرام ومشایخ ذوی الاحترام ومعتبرین خیریت انجام ومعتمدین وموثقین نیکوفرجام وعموم‌سکنه وقاطبهٔ متوطنین ازوضیع وشریف وخواص وعوام دارالسلطنهٔقزوین صداقت قرین‌را دراین‌که هریك‌علیم وخبیر ومطلع از مراتب معروضه واهلیت وقابلیت واولویت میرعبدالعظیم مرعشی مستشهد فوق در امر تولیت آستانهٔ مبارکه بوده به اسامی سامیه وامهار شریفه این مستدعی‌نامچه را مزین‌ومجلی واین‌صحیفهٔ ثواب‌ضمیمه را موشح ومحلی فرمایندکه هرآینه عند الله وعند رسوله ضایع نخواهد شد .

[برخی گواهی‌ها :]

* بسم الله الرحمن الرحیم ـ به نحوی که مشروحاً در متن قلمی شده تولیت مزارکثیرالانوار امام زادهٔ واجب التعظیم مختص آبا واجداد سلالة السادات والنجبائی میرفخرالدین ومیرعبدالعظیم بوده و[احدی‌را] به موجب ارقام واحکامی که ازسلاطین سابق دارند اززمان امیرتیمور گورکان تا حال در تولیت مزبوره دخل وتصرفی به غیرسادات مزبوره نبوده وبعدازفوت مرحوم میرفخرالدین تولیت اصالتاً ووراثتاً منحصر ومختص به سیادت ونجابت پناه میرعبدالعظیم‌است ومشارالیه [به صلاح وسداد] واستحقاق وقابلیت امرمزبور معروف خاص وعام ومعترف . . بین‌الانام است . من‌اعانه اعانه الله تعالی [دو مهر:] العلم خلیل المؤمن ١١٤٤/یثق بالله الغنی . . . الحسینی .

* هو ـ به نحوی که درمتن قلمی شده بیان واقع وازتاریخی که کمترین خلق‌الله خود را شناختم مستشهد متن را به امرتولیت قیام می‌نمود وهیچ کس را مدخل . . . مزبورنبود . العبد ابوتراب ولد مرحوم میرزا هادی کلانتر[دو مهریکی با تاریخ ۱۱۵۰] .

* هو ـ به نحوی که درمتن قلمی شده عین واقع است . از قدیم الایام الی الان تسولیت شرعی مزار کثیرالانوار به عالی حضرت مستشهد متن است وکس دیگررا مدخلیت نبوده واظهر من الشمس است وقبول خواص وعوام است . العبد بابا حیدر[مهر:] دارد امید شفاعت ز محمد رفیع .

* هو ـ ازقدیم الایام الی الان تولیت مزار کثیرالانوار به عالی حضرت مستشهد متن است وکس دیگررا مدخلیت نبوده ونمی‌باشد . العبد بابا رفیع بابای حیدریخانه [مهر] .

[پشت سند :]

[عرضه داشت] کمترین بندگان به موقف باریافتگان حضور باهر النور بندگان دارا دربان قیصر پاسبان اشرف اقدس ارفع اعلی روحی فداه می‌رسانند نظربه فرامین پادشاهان سلف ونوشته جات فضلا وعلمای سابق . . تولیت‌شرعی آستانهٔ منورهٔ متبرکه وشرط مرحوم واقف به اسم سلسلهٔ سادات مرعشی قلمی نموده‌اندکه همیشه اوقات اباً عن جد نسلا بعد نسل وبطناً بعد بطن به شغل . . آستانهٔ مزبورمشغول‌باشند واحدی را غیرازاین سلسلهٔ مذکور در امورآستانهٔ مذکور تعیین نساخته واز قدیم الایام الی حال کمترینان غیر از سلسلهٔ عارض احدی را دخیل در امور تولیت ونظارت این . . . نبوده است وخلاف‌شرط واقف نیزمی‌باشدکه غیرازسلسلهٔ سادات مرعشی به‌شغل نظارت آن‌آستانه متوجه شود . بعد از ملاحظه امنای دولت ابد مدت آنچه امر شود

مطاع مطاع مطاع [سه مهر] .

(۳٤)

فرمان مورخ ج ۲ ـ ۱۱۵٤ از نادرشاه افشار بالای عرضه داشت میرعبدالعظیم مرعشی متولی آستانهٔ شاهزاده‌حسین درواگذاردن تولیت آستانه به وی. ازمتن عریضه وفرمان برمی‌آید که کسی دیگر در امر تولیت با متولی مزبور به معارضه برخاسته و گویا فرمان هم برای خود گرفته بود . دراین هر دو به رقم پیشین نادر در واگذاردن تولیت به میرعبدالعظیم وخطاب دیوان‌صدارت دراین‌باره نیزاشاره شده است . سجع مهربالای فرمان چنین است : « مظهر لطف الهی نادراست ۱۱٤۸» :

عرضه داشت کمترین‌بندگان [عبدالعظیم‌الحسینی المرعشی متولی‌شرعی آستانهٔ مقدسه] به ذروهٔ عرض باریافتگان صحبت مجلس بهشت‌آیین می رساند که به‌موجب احکام وارقام سلاطین‌سلف ورقم مبارك نواب‌اشرف ارفع وبه خطاب صدر وبه مجلهٔ معتبره الفعل تولیت آستانهٔ منورهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم شاهزاده حسین علیه التحیة والتسلیم بااین دعاگو وعموی این دعاگو دراین وقت تصدق سرمبارك قبله وقدوهٔ عالمیان گردیده وشخصی از خارج حال بـه هم رسیده وعموی کمترین را بلا وارث به قلم داده وادعای تـولیت می‌نماید واولاد عموی کمترین انحصار یافته به این دعاگو. استدعاآن که به تصدق فرق مبارك اقدس ارفع [شاهنشاه جهان نادر دوران فرمانفرمای ایـران تاج بخش هند وتوران] نموده ، رقم قضا شیم شفقت ومرحمت فرمایند چنان که از قدیم الایام تولیت آستانهٔ مزبور ازسلسلهٔ این دعاگویان بوده به استمرار

سنوات سابقه کس دیگررا در تولیت مزبوره مدخلیتی نبوده بـه امر مرجوعه خود قیام وبـه دعاگویی دوام دولت دوران [عدت] اشتغال نماید که هـر آینه باعث امیدواری این دعاگویان خواهد بود . باقی امره العالی مطاع .

[متن فرمان :]

بسم الله تعالی

بعون الله تعالی ـ فرمان همایون شد آن که نظر به مراتب معروضه چنانچه بـه موجب رقم اشرف وخطاب دیوان الصدارة العلیة العالیـة خدمت تولیت آستانهٔ مزبوره باعارض وعم‌اوبوده ودیگری درلباس‌عرض ورقم صادر نموده باشد می‌باید مدخلیتی درامرمزبورننموده که عارض به نحوی که قبل از این به شغل مزبور قیام داشته به دستور متوجه امرتولیت خود به نحوی که به موجب رقم علی‌حده مقرر گردیده است بوده باشد . ودراین‌باب قدغن دانسته ازفرموده تخلف نورزند ودرعهده شناسند .

تحریراً شهرجمادی الثانی سنهٔ ۱۱۵٤ .

(۳۵)

خطاب دیوان صدارت مورخ محرم ۱۱۵۵ازمیرزا محمد ابراهیم صدر نادرشاه[1] بالای عرضه داشت میرعبدالعظیم

۱. درمجموعهٔ منشآت ش۵۸۳ سنا (نسخه‌های خطی۷ : ۶۵۳) ومنشآت میرزا مهدی خان (ش ٤٤۳۳ دانشگاه . فهرست‌آن ۱۳ : ۳۳۹۳) دیباچهٔ رقم صدارت ممالك محروسه است از نـادرشاه برای میرزا ابراهیم که خطاب مورد سخن از اوست . شاید همیـن شخص است که پس ازاین ازسوی عادل شاه افشار به تولیت آستان قدس رضوی منصوب گردید(فهرست کتابخانهٔ‌آستان قدس ، ج٤ ، مقدمه ، پاورقی صفحهٔ «و»/مکارم الاثار۳ : ۷۱۲) .

مرعشی متـولی آستانهٔ شاهزاده حسیـن ، در واگذاردن منصب تولیت آنجا به دستورسابق به او با اشاره به فرمان نادرشاه دراین باب .

ازمتن عریضهٔ متولی برمی آید که دراین موقع پس از آن که اوحدود سی‌سال درخدمت تولیت آستانه بود شخصی به‌نام سیدعلی فرزند میرابراهیم مدعی تولیت‌شده ورقمی به نام خود ازنادرشاه گرفته بود . میرعبدالعظیم به اردوی نادرشتافته وفرمانی دیگرستانده که باید همین سند شمارهٔ ۳٤مجموعهٔ حاضرباشد که پیش ازسند حاضر گذشت . به دنبال این وقعه سید علی مزبورراهی دیوان صدارت شده تا خطابی ازجانب صدر برای خود بگیرد ومیرعبدالعظیم نیز با تقدیم این عرضه داشت بـه اقدامی متقابل ومماثل دست زده است .

دراین عرضه داشت ازعلامی فهامی میرزا محمدتقی شیخ الاسلام وآخوند ملامحمد سعیدا قاضی‌دارالسلطنهٔ قزوین نیز یاد شده است .

متن زیر براساس سوادی‌است ازاین سند مربوط به‌همان زمان صدورآن که وسیلهٔ محمد تقی حسینی بااصل برابر شده ومهراو دربالای سند هست :

عرضه داشت کمترین‌بند گان [سید عبدالعظیم الحسینی المرعشی متولی] به ذروهٔ عرض نواب مستطاب معلی‌القاب فلك جناب مبادی‌آداب اسلام واسلامیان ملاذ عالی می‌رساند که تـولیت شرعی‌آستانهٔ مقدسهٔ منورهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم [شاهزاده حسین علیه التحیة والثنا] به توجهات عالی

وحسب‌الرقم پادشاهان‌سلف ورقم‌مبارك [شاهنشاه عالم وعالميان] مدت‌هاست اباً عن جد وتقريب چهارصد سال می‌شود که باآبا واجداد فقیران بـوده وبه خدمتگزاری آستانهٔ منورهٔ مزبورقیام واقدام ودرهیچ وقتی ازاوقات به‌تقصیری ازخود راضی نگشته ،آن چه لازمهٔ خدمت بود ازقدیم الایام الی‌الان به تقدیم رسانیده ومی‌رسانم واین بندهٔ دعاگوحسب الارقام پادشاهان سلف ورقم‌مبارك تقریب سی‌سال است خود درامرتولیت آستانهٔ مزبوره می‌باشم وسید علی ولد مرحوم میرابراهیم بنـده را متوفی به قلم داده وبه رقم مبارك لباس تولیت به اسم خود صادر واین معنی براین دعاگو شاق وبـه اردوی معلی روانه گردیدم وکذب سید علی مذکوررا درغرق داغستان به خاك‌پای قبلهٔ عالم عرض نمودم ورقم مبارك بـه مهرعالی حضرت علامی فهامی میرزا محمد تقی شیخ الاسلام وآخوند ملا محمد سعیدا وقـاضی دارالسلطنهٔ قزوین به نظر فیض منظر عالی رسیده ، وبه‌آن تقریب سیدعلی روانهٔ خدمت نواب‌مستطاب گردیده که خطاب عالی صادرنماید . چون تولیت شرعی به این دعاگومی‌باشد استدعاآن‌که از کرم عمیم وکلاء نـواب است که خطاب مستطاب مرخص فـرمایند که به اسم بندهٔ دعاگو قلمی نمایند باعث رونق آستانـه وامیدواری این کمترین با عمله وخدمهٔ آستانـهٔ مزبوره گردیده ، چون لازم دید مراتب را عرض نماید لهـذا جسارت نمـود ودو عریضه هم سوای ایـن عریضه به خدمت بنـدگان نواب صاحبی‌ام قلمی‌شد وبه جواب هیچ‌یك نیزسرفرازنشد واگرخدمتی ورجوعی نواب صاحبی‌ام را دراین ولا بوده باشد بندهٔ خود را در بیـن الامثال والاقران مفتخرفرمایند که باعث امیدواری این دعاگوخواهد بود . باقی امر کم مطاع.

[متن خطاب :]

خطاب عالی شد آن که به نحوی که حسب‌الرقم مبارك مطاع تولیت

آستانهٔ مقدسه متبرکه بلااشتراك به سیادت ونجابت وکمالات دستگاه عارض مشارالیه کماکان‌شفقت ومرحمت گردیده از آن‌قرارعمل ، وازمضمون ومدلول معدلت مشحون آن عدول وانحراف نورزند وآنچه به هرجهت درازاء خدمت مزبور دربارهٔ عارض مذکورمقرربوده به دستوربلاقصور مهم سازی اونموده، موقـوف ندارند . عمله وخدمهٔ سرکارآستانهٔ مقدسهٔ مـزبوره سیادت ونجابت وکمالات‌پناه مومی‌الیه را متولی‌بالانفرادآنجا دانسته، ازسخن وصلاح‌حسابی اودرباب رواج ورونق آستانهٔ مبارکه بیرون نرفته ، درعهده شناسند .

تحریراً فی شهرمحرم الحرام سنهٔ ۱۱۵۵ .

(۳۶)

خطاب دیوان صدارت مورخ رجب ۱۱۵۵ ازمیرزا محمد علی‌صدرالممالك (صدرعامه) نادرشاه درواگذاردن‌تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین به میرعبدالعظیم فـرزند میرمحمد نصیرمرعشی بـه دستور سابق ، با اشاره به احکام وارقـام پادشاهان گذشته وفرمان نادر دراین باب وطومار قرارداد آستانه که پس ازاین سند بدون فاصله نقل می‌شود .

میرزا محمدعلی مزبورکه ازدانشمندان‌بزرگ دورهٔ‌نادری است درسال ۱۱۵٤ نایب الصداره بوده ودر۱۱۵٦ به بعد صدرعامهٔ نادرشاه بوده است . ازاین سند برمی‌آیدکه او پس ازمحـرم ۱۱۵۵ وپیش از رجب این سال به این مقام برگزیده شده است. شرح‌حال او دررجال ایران بامداد[1]

---

۱. ج ۳ ، ص ٤٥٨-٤٥٩ . نیزذکراو در ج ٤ ، ص ۲۲٦ و۲۲۸ وتواریخ نادری .

هست . درفرمانی مورخ محرم ۱۱۸٤ از کریم خان زند گویاازهمین میرزا محمدعلی صدرالممالك یادمی‌شود[۱]. فرزند اومیرزا احمد نیزپس ازوی صدرالممالك کریم‌خان بوده است[۲]. درمجموعهٔ منشآت ش ۵۸۳ سنا (نسخه‌های خطی ۷ : ٦٥٤) رقم « نهی سب خلفا » ست از نادرشاه با تصویب میرزا محمد علی نایب الصداره .

خطاب عالی شد آن‌که چون از قدیم الایام الی الان تولیت شرعی آستانهٔ مقدسهٔ منورهٔ متبرکهٔ [. . .] به موجب ارقام مطاعهٔ پادشاهان / سبق وحسب الرقم قضا شیم قدر توأم نواب کامیاب سپهرر کاب [. . .] اباً عن جد با عالی حضرت سیادت منقبت سلالة النجبائی العظام سید عبدالعظیم/خلف مرحوم میرمحمد نصیرمرعشی بوده بناء علی هذاکماکان تولیت شرعی آستانهٔ مقدسهٔ منورهٔ مذکوره به مشارالیه مقرر/ ومرجوع گردیدکه درکمال دقت واهتمام به لوازم ومراسم امرمذکور پرداخته ، هرساله وجوه مقرره آستانه را حکام جلیل‌القدر/دارالسلطنهٔ قزوین ومالکان مزرعهٔ برخ‌آباد محمدبیگی واقعه درساوج بلاغ بازیافت[۳] وبه مصارف مقرره به نحوی‌که در/طومار قرارداد تعیین ومقررشده رسانیده، نسخهٔ منقحهٔ مضبوطه برجمع وخرج آن به مهرخود وعالی‌حضرت شیخ‌الاسلام/دارالسلطنهٔ مسطوره درست داشته ، به نظررساند. حکام ذوالعز والاحترام دارالسلطنهٔ قزوین مشارالیه را متولی بالانفراد /

---

۱ . مقالهٔ « معرفی چند سند تاریخی » ازاحسان اشراقی ، مجلهٔ بررسی های تاریخی ۷/٤ : ۱۱٤–۱۱۵ .

۲ . مجمل التواریخ گلستانه : ٤۲۳ چاپ دوم .

۳ . قزوین : نقد ــ ۲۰ تومان و۱هزار و . . /جنس : ۱۷خروار و۱٤ من ساوج بلاغ : عن غله ــ ۱۵ خروار و۳۵ من .

آستانـهٔ مقدسهٔ مذکوره دانسته ، هرساله وجوه مزبوره را مهم سازی وقبض بازیافت نموده ، دیگری‌را با او درتولیت شریك/وسهیم ندانند . عمله وخدمه وغسالان وحفاران مشارالیه را متـولی بالانفراد دانسته ، ازسخن وصلاح / و صوابدید اوتجاوزننمایند وهمواره درروتق وآبادی مزار کثیرالانوار پرداخته، دقیقه‌ای فوت وفروگذاشت / ننمایند وپیـوسته در تحصیل دعای خیر به جهت ذات اقدس ارفع اعلی ووجود مقدس معلی پردازند ودرعهده شناسند .

تحریراً فی شهررجب المرجب سنهٔ ۱۱۵۵ .

[مهر:] ورفعناه مکاناً علیاً

(۳۷)

طومار قرارداد وجـوه آستانهٔ شاهزاده حسین که بـه مهر میرزا محمد علی صدرالممالك نادرشاه رسیده است ، با خطاب او بالای‌آن مورخ رجب ۱۱۵۵ . دراین سند نـام خدمتگزاران‌آستانه درآن تاریخ هست . ازاین طومار در سند پیش یاد شده بود :

طومارقرارداد وجوه‌آستانـهٔ منورهٔ مقدسهٔ متبرکهٔ [شاهزاده حسین خلف ارجمند امام‌الانس والجن علی‌بن‌موسی‌الرضا] دارالسلطنه بدین‌موجب است:

وجوه

برقراری‌که هرساله ازدارالسلطنهٔ مذکوره وساوج بلاغ بدین‌موجب بازیافت وبه مصرف می‌رسانند :

نقد : ۱۳ تومان و ۷۰۰ دینار/جنس : ۳۳ خروار و۲۹ من

* قزوین ـ نقد : ۱۳ تومان وهفت‌صد دینار/جنس عن غله : ۱۷ خروار

و ٩٤ مـن

* ساوج بلاغ ـ حسب المقاطعة مالكان مزرعة برخ آباد محمد بيگى عن غله : ١٥ خروار و٣٥ من

حق التوليه وغيره :

نقد : ١٠٠ نادرى

جنس عن غله : ١٣ خروار و٢٤ من

حق التوليه :

نقد : ١٠٠ نادرى

جنس عن غلة مناصفه : ٨ خروار و٩٠ من

خدمه (ميرسيد مرتضى وغيره) :

نقد : يك تومان و٧٠٠ دينار

جنس : ٢٤ خروار و٣٩ من

ميرسيد مرتضى قارى ـ نقد : ٥ هزار و٧٠٠ دينار ، ١٢ نادرى/جنس عن غله : ٤ خروار و٥٥ من

ميرمحمد نصيرخادم ـ نقد : ١٠ نادرى/جنس : ٤ خروار

ميرمحمد ابراهيم مؤذن ـ عن غله : ٣ خروار و٧٠ من

ميرسليمان كليد دار ـ عن غله : ٣ خروار وهفتاد من

ميرمؤمن خادم ـ عن غله : ٢ خروار و٩٨ من

ميرعبدالله كفشدار ـ عن غله : ٢ خروار و٧٥ من

ميرشمس الدين چراغچى ـ عن غله : ٢ خروار و٢٠ من

روشنائى وغيره

عن نقد : ١٤٠ نادرى

* روشنائی : ۱۰۰ نادری

* تعمیرات ضروریه محدوثه : ۸ نادری

[مهر:] ورفعناه مکاناً علیاً

[متن خطاب :]

هو، بسم الله خیرالاسماء ـ خطاب عالی شد آن‌که سلالة النجبائی العظام میرسید عبدالعظیم متولی شرعی‌آستانهٔ منورهٔ عرش درجهٔ مذکوره هر ساله مبلغ ومقدارمذکورین‌را از گماشتگان عالی‌شان معلی‌مکان صاحب‌اختیار دارالسلطنهٔ قزوین وساوج بلاغ بازیافت وبه مصارف مفصلهٔ ذیل بعد ازوضع حق التولیه ونیم عشر رسانیده ، نسخهٔ منقحهٔ مشخصه برکمیت وکیفیت‌آن به مهرخود وعالی‌حضرت شیخ‌الاسلام دارالسلطنهٔ مذکوره درست داشته ، به‌نظر رسانیده ، درعهده شناسد .

تحریراً فی شهررجب المرجب سنهٔ ۱۱۵۵ .

[مهر:] ورفعناه مکاناً علیاً

(۳۸)

فرمان مورخ ۱۶ محرم ۱۱۶۲ از ابراهیم شاه نادری (۱۷ ذی حجه ۱۱۶۱–۱۷ محرم ۱۱۶۳) در باز گرداندن املاك وقفی‌آستانهٔ شاهزاده حسین ـ که موافق احکام وارقام پادشاهان سلف به وقف‌آستانه ومدد معاش متولی برقرار بود ونادرشاه‌آنهارا به‌خالصه معمول نموده بود ـ به‌وقفیت آنجا به مباشرت میرعبدالعظیم متولی .

درهامش فرمان دستور دیگری است ازهمو بامهراوبالای

آن نیز ، در بخشودن مال وجهات ووجوه دیوانی املاك مزبـور :

الملك لله تعالی ـ فرمان همایون شد آن که چون همگی همت علیا نهمت‌همایون ما مصروف ومعطوف به‌آن است که درزمان دولت روزافزون/ وعهـد خلافت ابد مقرون سادات عظام که ثمرهٔ شجرهٔ نبوت وولایت‌اند بـه فراغ‌بال ورفاه حال گذرانیده ، به دعا گوئی دوام‌دولت دوران‌عدت قیام واقدام /نمایند ودراین وقت که سیادت ونجابت ومعالی پنـاه سلالة السادات العظام میـرعبدالعظیم متولی آستانهٔ منـورهٔ متبرکه مطهرهٔ امام زادهٔ واجب التعظیـم [شاهـزاده حسین خلف امام الجن والانس علی بـن موسی الرضا الف الف (التحـ)یة و (الثنا ؟) / بـه درگاه معلی‌آمده ، به عرض اقدس رسانیدکه براین مـوجب :

[از بابت قـریهٔ امینقان دشتبی که بـه مدد معاش متولی مقرر بـوده : یك دانگ ونیم

ازبابت قریهٔ دستجرد اقبال که وقف سرکارآستانهٔ منوره بوده : هفت سهم

ازبابت قریهٔ کچله‌جرد دشتبی که به مددمعاش متولی مقرربوده : دودانگ

ازبابت قریهٔ شنسدق‌علیای رامند که وقف سرکارآستانه بوده: چهاردانگ

ازبابت‌آب رودین ارزنك ودزك که وقف‌سرکارآستانه بوده که شصت‌یوم بعد ازنوروز بوده باشد : دوازده هنگام]

املاك مزبوره قبل ازاین موافق ارقام سلاطین سلف وقف سرکارآستانهٔ منوره ومددمعاش متولی/سرکارمزبوره بوده که سابق براین درایام نواب غفران‌مآب فردوس آرامگاه عم‌بزرگوارم طاب‌الله ثراه ضبط‌بخالصه عمل کرده‌اند ونواب همایون ما بنا برتحصیل/دعای خیراملاك مفصلهٔ فوق را به دستورقبل به همان

ضابطه وقف سرکار آستانهٔ منـورهٔ مزبور ومدد معاش متولی آن سرکار مقـرر فرمودیم که حکام و/ عمـال ومباشرین امور دیوانی دارالسلطنهٔ قزوین از قرار فرموده معمول واز ابتـداء ئیلان ئیل املاك مزبوررا ازخالصه جات موضوع دانسته، مالا ومنالا/به وقف سرکار آستانهٔ منوره ومددمعاش متولی‌سرکارمزبور عمل نمایند که مباشراملاك مزبورسلالة السادات العظام متولی مشارالیه بوده ، هـرساله / محصل آنها را جمع آوری وازسرکار آستانهٔ مطهره را بـه مصارف آستانهٔ منوره رسانیده ومدد معاش‌را صرف‌خود وهرصبح وشام درآن‌آستانهٔ ملایك مقام/بـه دعای دوام دولت ابد مدت قیام واقدام نماید . مستوفیان عظام کرام دیوان‌اعلی شرح رقم اشرف را درسرکارات لازمه ثبت وازشایبهٔ تغییر/ وتبدیل مصون ومحروس دانسته ، درعهده شناسند .

تحریراً فی ١٦ شهرمحرم الحرام سنهٔ ١١٦٢ .

[حاشیهٔ سند :]

مقرر آن که نایب ووزیر وکلانتر وعمال به هیچ وجه من الوجوه دیناری به علت/عوارضات صادرات واستصوابیات وملازم وبیگار وشکار/حواله به متولی وخدمهٔ آستانـهٔ مزبور نکنند ودوازده هنگام‌آب ارزنك (و) دزك را / میرابان ودهخدایان به تصرف متـولی سرکار آستانهٔ مزبوره بدهند . درعهـده شناسند .

(٣٩)

فرمان مورخ ١٧محرم ١١٦٢ ازابراهیم شاه نادری درباب مستمری آستانهٔ شاهزاده حسین جهت اخراجات روشنایی وغیـره وحق التولیه ، بـرای میرعبدالعظیم متولی آنجا .

با اشاره به فرمان علی حده که پیش‌ترصادر شده بود وآن همان است که درشمارهٔ پیش دیده شد :

بسم الله الرحمن الرحیم

الملك لله تعالی ـ فرمان همایون شد آن‌که چون قبل‌ازاین به‌موجب رقم‌اشرف علی‌حده مقررفرموده‌ایم که هرساله صاحب‌اختیاروعمال‌دارالسلطنهٔ قزوین/مبلغ بیست تومان تبـریزی نقد ومقدار سی سه خروار وهیجده من به وزن تبریز گندم براین موجب :

[نقد : بیست تومان

گندم : سی وسه خرواروهیجده من (ازبابت آنچه قبل‌ازاین ازساوجبلاغ مقرربوده وفرموده‌ایم که ازبابت مالیات قزوین مهم سازی نمایند : ۱۵ خروار و۳٤ من/ازبابت قزوین : ۱۷ خروار و۸٤ من)[۱]]

جهت اخراجات روشنایی وغیره وحق التولیهٔ‌آستانـهٔ منورهٔ متبرکهٔ/امام زادهٔ واجب التعظیم ولازم التکریم [شاهزاده حسین علیه التحیة والثنا] مهم سازی سلالـة السادات العظام وخلاصة النجباء الکـرام میرعبدالعظیم متولی آستانهٔ منوره نمایندکه به مصارف مذکوره رساند/لهذا صاحب اختیار ووزیر وعمال دارالسلطنهٔ قزوین هرساله نقد وجنس مزبوررا از بابت انقد مالیات‌آنجا مهم سازی متولی مشارالیه نموده ، به خرج/مجری دانند واحدی ازعمال وکلانتر ومتصدیان ووکیل ومباشرین اموردیوانی وکدخدایان ومحصلان به هیچ وجه من الوجوه مـزاحمت به احوال متولی/ مشارالیه وسایرخدمه وعملهٔ آستانـه نرسانیده ، گذارندکه مرفـه الحال به خدمات‌آستانهٔ فردوس مثال ودعای دوام دولت لایزال/اشتغال نمایند وتغییر وتبدیلی به قواعدآن راه ندهند . مستوفیان

---

۱ . ارقام به سیاق .

عظام کرام دیوان اعلی شرح رقم مطاع را درسرکارات لازمه ثبت/نموده، در عهده شناسند .

تحریراً فی ۱۷ شهرمحرم الحرام سنهٔ ۱۱۶۲ .

(٤٠)

فرمان مورخ ۲۲ صفر۱۱۶۳ ازشاه سلیمان دوم (۵ صفر ۱۱۶۳- ۱۱ ربیع الثانی ۱۱۶۳) با مهر او که سجع آن « بسم الله ـ بندهٔ شاه ولایت سلیمان ۱۱۶۳» است[۱]. در واگذاردن موقوفات دایروبایر ومستمری‌نقد وجنس آستانهٔ شاهزاده حسین به متولی‌آن میرعبدالعظیم مرعشی . با اشاره به وضع موقوفات مزبور درحال صدوراین فرمان، وارقام پادشاهان صفوی درموردآنها .

ازاین فرمان درسندی‌که پس ازاین با شمارهٔ ٤١ خواهیم دید یاد شده است .

بسم الله الرحمن الرحیم

حکم جهان‌مطاع شد آن‌که چون‌دراین‌وقت سلالةالسادات والنجبائی

۱. اومیرزا سیدمحمد فرزند میرزا داود مرعشی ، خواهرزادهٔ شاه سلطان حسین است که درسال ۱۱۶۳ درمشهد برتخت پادشاهی نشست . سرگذشت زندگی ووقایع دوران‌کوتاه پادشاهی او درزبورآل داودکه فرزندش هاشم میرزا مرعشی نوشته است (عکس شمارهٔ ۵۸۷۰ دانشگاه) ومجمع التواریخ مرعشی (تألیف نواده‌اش خلیل میرزا) : صفحهٔ ۹۰ تا پایان‌کتاب ، نیز تعلیقات مجمل التواریخ گلستانه : ۳۹۶-۳۹۹ ومکارم الاثار۱ : ۱۶۲-۱۷۰ که تلخیص همان نوشته‌ها بااستفاده از مآخذ مربوط دیگراست دیده می‌شود .

میرعبدالعظیم الحسینی المرعشی متولی آستانهٔ منورهٔ امامزادهٔ واجب التعظیم والتکریم [شاهزاده حسین علیه التحیه فرزند امام الجن والانس علی‌بن موسی علیه الف الف التحیة والثناء] واقعه درقزوین / واردآستان خلافت مکان وبه عرض اقدس رسانیدکه در ایام سلاطین جنت مکین [صفویه انارالله برهانهم] قدری املاك به موقوفات آستانهٔ منوره مقرر بوده‌که بعضی ازآن دراین ایام در تصرف مشارالیه وبرخی چون خراب‌است/درتصرف اونمی‌باشد ومبلغ‌بیست تومان[1] تبریزی نقد وسی سه خروار وهیجده من[1] به وزن تبریزجنس هرساله ازبابت مالیات‌قزوین به‌جهت روشنایی وغیره مصارف اخراجات سرکارآستانه مستمر وبرقرار است/لهذا بنا برتحصیل دعای خیر براین موجب :

[املاك

* که درتصرف او می‌باشد :

ازبابت قریهٔ دستجرد اقبال‌که هفت‌سهم ازجمله بیست چهارسهم ازجمله موقوفات می‌باشدکه عمال قزوین هفت سهم مزبوررا می‌شناسند : هفت‌سهم .

ازبابت قریهٔ امینقان دشتبی‌که به مدد معاش اومقرربوده : یك دانگ .

ازبابت قریهٔ کچل جرد دشتبی‌که به مدد معاش اومقرربوده : دو دانگ .

ازبابت آب رودین ارزنك ودزج‌که وقف سرکارآستانه است شصت یوم بعد از نوروز: دوازده هنگام .

ازبابت قریهٔ شنستق علیاکه وقف سرکارآستانه است : چهار دانگ .

طاحونهٔ قوشخانه در وادی دزج قزوین : چهار دانگ ونیم .

* که چون خراب‌بوده ودرتصرف‌اونبوده حال به تصرف‌اوداده می‌شود:

مال وجهات برزلجین رامندکه موافق ارقام سلاطین جنت مکین [صفویه

---

۱. رقم به حروف وسیاق .

انارالله برهانهم] به سیورغال اجداد مشارالیه مقرر وحال چندین سال است که خراب است .

مال ومنـال ملك آباد ودرویش آباد و کچلجرد دشتبی که به دستور موافق ارقام سلاطین جنت مکین به سیورغال اجداد اومقرر بـوده است وفی الجمله آبادی دارد .

قریـهٔ دزج و گناج وجوسق مره بلوك اقبال که ازجمله مـوقوفات سرکار آستانهٔ منوره وحال چندین سال است که خراب ولم یزرع واز جمله بایـرات قدیم است که هر گاه تواند آباد نماید .

مستمری

سرکار آستانهٔ منوره که هرساله ازبابت مالیات قزوین بازیافت می‌نماید :

نقد : بیست تومان تبریزی

جنس (غله) : سی سه خروار وهیجده من به وزن تبریز]

املاك موقوفات آباد وخراب ونقد وجنس مستمری سرکار آستانهٔ منوره را برقرار فرمودیم که ازروی کمال اهتمام متوجه شغل وخدمت خود بوده/وانتظام ورونق آستانهٔ منوره وخدام آن کمال سعی به عمل آورده ، آنچه ازمحال موقوفات که آباد است هرساله مداخل ومحصول آن را جمع آوری وبـه مصرف / معاش وسایرمصارف رسانیده و آنچه که خراب است به قدرمقدور سعی درآبادی آنها به عمل آورده ، انشاء الله تعالی آباد نماید وخدمت مذکور وموقوفات مزبور را/به دستوربه موجب ارقام مطاعهٔ سلاطین جنت‌مکین آبا واجداد عظام‌فردوس مقام نواب همایون ما دروجه مشارالیه واولاد اونسلا بعد نسل وخلفاً بعدخلف برقرار فرمودیم/ که تغییر وتبدیلی به قواعد آن راه ندهند .

عالی‌جاه حاکم وعمال و کلانتر و کدخدایان دارالسلطنهٔ قزوین ومتصدیان

موقوفات وخالصه درهرباب به شرح رقم اشرف عمل/ونقد وجنس مستمری هرساله واملاك موقوفات سرکارآستانـهٔ منوره ومدد معاش متولی مشارالیه را به تصرف مشارالیـه داده ، ازمضمون حکم اقدس تخلف وانحراف نورزند/ وعوارضات واستصوابیات وبیگار وشکاربه‌موقوفات ومددمعاش محال‌مزبوره حواله ننمایند . وزیـر ومستوفی ومتصدی سرکار موقوفات درهیچ باب دخل وتصرفی به موقوفات مزبور نکرده ، گذارند/ که متولی مزبور خود داد وستد نماید . مستوفیان عظام‌کرام دیـوان اعلی شرح رقـم اشرف را در سرکارات لازمه ثبت نموده ، درعهده شناسند .

تحریراً فی ۲۲ شهر/صفرالمظفرسنهٔ ۱۱۶۳ .

(٤١)

فـرمان مورخ صفر۱۱۶۳ ازشاه سلیمان دوم در مورد مقام نقابت اشراف دارالسلطنهٔ قـزوین که به‌آباء واجداد میر عبدالعظیم مرعشی مفوض‌بوده وآنان این‌منصب‌را همراه با شغل تولیت‌آستانهٔ شاهزاده حسین تصدی می‌نموده‌اند. دراین‌سند گفته می‌شود که منصب‌تولیت طی‌فرمان‌جداگانه به میرعبدالعظیم بخشیده شده واینك نقابت را با مواجب دیوانی‌آن بنا به درخواست اوبه فرزند وی میرمحمدنصیر مفوض می‌داریم :

حکم جهان‌مطاع شد آن‌که چون به‌موجب ارقام قضا نظام سلاطین جنت مکین [صفویه انارالله برهانهم] امرنقابت‌اشراف دارالسلطنهٔ قزوین به‌آبا / واجداد سیادت ونجابت ونقابت پنـاه سلالة السادات والنجباء العظام میـر عبدالعظیم الحسینی المرعشی ومشارالیه مقرر بوده ودراین وقت‌که مشارالیه/

به عتبه بوسی درگاه آسمان جاه اعلی سرافراز گردیده چون خدمت تولیت مزار فایض الانوار[امام زادهٔ واجب التعظیم شاهزاده حسین خلف امام الانس والجن سلطان علی بن موسی الرضا ـ ع] به دستوری که اباً عن جد به علاوهٔ شغل نقابت خدمت موروثی/مشارالیه بوده وبه موجب یك طغرا پروانچهٔ مبارکهٔ علی حده به سلالة السادات مشارالیه شفقت ومرحمت فرمودیم استدعا نمود که خدمت نقابت به سیادت/ونجابت پناه سلالة السادات والنجبائی میرمحمد نصیر ولد مشارالیه مفوض ومرجوع شود . لهذا حسب الاستدعاء ازابتداء دو ماههٔ ئیلان ئیل خدمت نقابت اشراف/دارالسلطنهٔ مذکوررا به نحوی که باآبا واجداد مشارالیه مقرربوده کماکان در وجه مشارالیه شفقت ومرحمت فرموده ، مبلغ سی تومان تبریزی مواجب که در/ازاء خدمت مذکوره از بابت مالیات دارالسلطنهٔ مزبورمقرربوده به دستوربرقرارفرمودیم که سال به سال به موجب حکم مبارك مطاع از/عمال دارالسلطنهٔ مذکوره بازیافت وبه دستورآبا واجداد خود به دعاگوئی دوام دولت ابد مدت لایزال اشتغال نماید .

سادات عالی درجات/واشراف وارباب معرفت وتجرید واصحاب کسبت وتفرید وکدخدایان وریش سفیدان اصناف وسایرنقباء جزو مشارالیه را/مرشد ونقیب بالاستقلال والانفراد خود دانسته ، اعزاز واحترام اورا ازلوازم شمرده، اوامر ونواهی اورا مطیع ومنقاد باشند/عمال دارالسلطنهٔ قزوین سال به سال وجه مواجب مشارالیه‌را به‌موجب رقم قدرشیم ازقرارقبض مشارالیه مهم‌سازی وهرساله/ به رقم مجدد موقوف ومعطل ندارند . مستوفیان عظام کرام دیوان اعلی شرح رقم مبارك را در سرکارات لازمه ثبت/واز شوایب تغییر وتبدیل مصون ومحروس دانسته ، درعهده شناسند .

تحریراً شهرصفرالمظفرسنهٔ ۱۱۶۳ .

(٤٢)

فرمان مورخ ٢٤ ج ١ - ١١٦٣ ازشاهرخ نادری (٨شوال ١١٦١-١٢١٠) در واگذاردن مستمری وموقوفات آستانهٔ شاهزاده‌حسین به‌میرعبدالعظیم مرعشی‌متولی آنجا. سجع مهربالای فرمان چنین است :

« الملك لله

آفتاب ملك را گر شدکسوفی چند روز

بار دیگرشد ز نور شاهرخ گیتی فروز»

شاهرخ در٨ محرم[١] یا ٥ صفر[٢] سال ١١٦٣ وسیلهٔ گروهی ازامراء خود ازپادشاهی برکنارشد وبه جای اومیرزا سید محمد مرعشی بـا نام شاه سلیمان دوم بـرتخت نشست . سپس در١١ربیع‌الثانی این‌سال‌میرزا سیدمحمد ازسلطنت برکنار وشاهرخ مجدداً برتخت پادشاهی جلوس نمود[٣] واین مهررا به نشانهٔ ماجرای مزبور ووقوع فترتی در این میان برای خود برگزید[٤].

بسم الله خیرالاسماء

اعوذ بالله تعالی شأنه ـ فرمان همایون شد آن‌که چون دراین وقت سلالة السادات العظام میرعبدالعظیم الحسینی المرعشی متولی‌آستانـهٔ منورهٔ

---

١. تعلیقات مجمل التواریخ گلستانه : ٤٤٠ .

٢. همان مأخذ : ٣٩٨ .

٣. معجم الانساب زامباور: ٣٨٨ .

٤. مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی : ٣٨١ .

امام زادهٔ واجب‌التعظیم لازم‌التکریم [شاهزاده حسین خلف ارجمند امام‌الانس والجان علی بن موسی الرضا]/واقعه در قزوین به عرض اقدس رسانیدکه در ایام‌پادشاهان صفویه انارالله‌برهانهم قدری‌املاك به‌موقوفات مقرربوده که بعضی ازآن/ دراین ایام به تصرف مشارالیه وبرخی چون خراب است غیرمتصرف می‌باشد ومبلغ بیست تومان تبـریزی نقد ومقدار سی وسه خروار/هیجده من جنس هرساله مستمری‌ازبابت مالیات‌قزوین به جهت‌روشنایی وغیره‌اخراجات سرکارآستانه مستمر وبرقراراست. لهذا/بنابرتحصیل دعای خیربراین‌موجب:

[* املاك که درتصرف می‌باشد :

ازبابت قریهٔ دستجرد اقبال که هفت‌سهم ازجمله بیست وچهارسهم ازجمله موقوفات می‌باشد وباید مفروزشود : هفت سهم

ازبابت قریهٔ امینقان دشتبی که به مدد معاش اومقرربوده : یك دانگ

ازبابت قریهٔ کچلجرد دشتبی که به مدد معاش او مقرر بوده : دو دانگ

ازبابت رودین ارنزك ودزج که وقف سرکارآستانه است شصت یوم بعد ازنوروز: دوازده هنگام

ازبابت قریهٔ شنستق علیاکه وقف سرکارآستانه است : چهار دانگ

*که چون خراب بوده ودرتصرف نبوده وحال به تصرف داده می‌شود:

مال وجهات برزلجین‌رامندکه موافق‌ایام سلاطین صفویه سیورغال اجداد مشارالیه بوده وحال چندین سال است که خراب است : بالتمام

مالا ومنالا محصول وغیره ملك‌آباد ودرویش‌آباد وکچلجرد دشتبی کـه به دستورارقام سلاطین صفویه سیورغال اجداد مشارالیه بوده فی‌الجمله‌آبادی دارد : بالتمام

دزج وگناج وجوسق مره بلوك اقبال که ازجمله موقوفات‌آستانه وحال

چندین سال است که خراب ولم یزرع وازجمله بایرات قدیم است که هرگاه تواند آباد نماید

* مستمری سرکار آستانهٔ منوره که هرساله‌ازبابت مالیات قزوین بازیافت می‌نمایند :

نقد : بیست تومان . جنس : سی وسه خروار وهیجده من[1]]

املاك موقوفات خراب‌آباد ونقد وجنس مستمری سرکارآستانهٔ مزبوره را برقرار فرمودیم که ازروی اهتمام متوجه شغل بوده/ در انتظام‌آستانه وخدام به عمل‌آورده ،آنچه ازموقوفات که‌آباد است هرساله مداخل ومحصول‌آن را جمع‌آوری به مصرف مدد معاش وسایرمصارف رسانیده وآنچه خراب است به قدرمقدور/سعی درآبادی‌آنها به عمل‌آورده،آباد نمایند وخدمت مذکوررا به دستوربه موجب ارقام سلاطین مزبوره در وجه مشارالیه واولاد او نسلا بعد نسل برقرار فرمودیم که تغییر وتبدیلی/به قواعدآن راه نیابد .

عالی جاه حاکم وعمال وکلانتر وکدخدایان قزوین ومتصدیان موقوفات وخالصه درهرباب به شرح رقم مبارك عمل ونقد وجنس/مستمری را هرساله واملاك موقوفات سرکارآستانه را ومدد معاش متولی را به تصرف مشارالیه داده، ازمضمون‌حکم تخلف نورزند وعوارضات/واستصوابات وبیگاروشکار به موقوفات ومدد معاش محال مزبورحواله ننمایند . وزیر ومتصدی موقوفات درهیچ‌باب دخل وتصرف/به‌موقوفات مزبورنکرده ،گذارند که متولی مزبور خود داد وستد نماید . مستوفیان عظام دیوان اعلی شرح رقم اشرف را دفتری نمایند .

تحریراً فی ٢٤ شهرجمادی الاولی سنهٔ ١١٦٣ .

---

١. ارقام به سیاق .

(٤٣)

فرمان مورخ شعبان ١١٦٤ ازشاه اسماعیل سوم (١١٦٣ ـ ١١٦٦) با مهر او[1] بالای سند به این سجع :

« بسم الله

نگین دولت ودین ازعطای رب جلیل

قـرار یافت به نام . . . اسمعیل »[2]

در برقرار نمودن موقوفات وسیورغال ومستمریات آستانهٔ شاهزاده حسین ومقـرری میرعبدالعظیم متـولی ووظایف خدام به دستور سابق به علاوهٔ مال وجهات یك یا دو قریهٔ دیگرازبشاریات، حسب‌التصدیق وکیل‌الدوله محمدکریم خان زند واعتماد الدوله محمد سلیم خان افشار. با اشاره به احکام پادشاهان گذشته دراین باب درمتن وهامش که به عنوان امضای آن احکام افزوده شده است با مهر او بالای آن نیـز:

الملك لله

جکم جهان مطاع شد آن که چون پیش نهاد خاطرخطیراقدس اعلی

---

١. او ابوتراب میرزا فرزند میرزا سید مرتضی مرعشی ودخترزادهٔ شاه سلطان حسین است که کریم خان زند دررجب سال ١١٦٣ اورا بانام شاه اسماعیل سوم پادشاه خوانـد وسرانجام کار وی در رستم التواریخ وتعلیقات مجمل التواریخ گلستانـه ومجمع التواریخ مرعشی (ص ١٤٤ به بعد) دیده می‌شود .

٢. فرمانی دیگر ازاو مـورخ ٢٦ رجب ١١٦٣ در دست سید حسین شهشهانی بوده (نسخه‌های خطی ١ : ٢٦٩) با مهری جزاین .

وقرارداد ضمیرمنیرمقدس معلی درعمارت[1]/بقاع متبرکهٔ منورهٔ مطهرهٔ واجب التعظیم لازم‌التکریم ومراعات‌سلسلهٔ‌علیهٔ سادات عالی‌درجات می‌باشدخصوصاً سادات صحیح‌النسب/مرعشیه ، ودراین وقت که سلالة السادات العظام علامی فهامی میرعبدالعظیم مرعشی به خاك بوسی درگاه‌آسمان جاه/مشرف گردیده درخصوص استقـرار واستمرار موقوفات[2]ومستمریات وسیورغالات سرکار فیض‌آثار آستانهٔ مقدسهٔ متبرکهٔ منورهٔ/امامزادهٔ واجب‌التعظیم [...] واستدعای امضای رقم اشرف اقـدس نموده وعالی جاهان رفیع جایگان مقرب الخاقان امیرالامراء العظام وزبـدة الامناء الکرام وکیل الدولة العلیة العالیه محمدکریم خان زند واعتمادالدولة العلیة العالیهٔ خاقانیه محمد سلیم خان افشارنیز/تصدیق براهلیت وقابلیت سلالـة السادات العظام مشارالیه نموده ، لهذا نظر به شفقتی که دربارهٔ سادات عالیـات اخلاص واعتقادکه به امکنهٔ متبرکه/وبه مـزارات کثیرالبرکات می‌باشد واز بـواطن فیض مواطن ایشان طلب معاونت واستمداد می‌طلبد وتمامی‌موقوفات ومستمریات‌وسیورغال/سرکارفیض‌آثاروسیورغالات ومقرری متولی جلیل القدر ووظایف خـدام‌آن سرکارفیض‌آثاررا ازقرار ارقام واحکام پادشاهان/جنت مکین سلف که در دفترخانهٔ همایون اعلی ملاحظه شده تمامی را من اوله الی‌آخره بـه علاوهٔ مال وجهات قریهٔ صفی خواجه . . . / بشاریات‌نقداً وجنساً ازقراری که هرساله‌عمال وحکام ازدفاترجزء قزوین حواله وبازیافت‌می‌نموده‌اند به وظیفه ومددمعاش سلالةالسادات/مشارالیه واگذاشتیم که هرساله ازقرار قبض خود داد ستد نماید که عمال وحکام دخلی وتصرفی در آن ننمایند .

---

۱. اصل : امارت .

۲. اصل : موقوفوت .

عالی‌جاه رفیع‌جایگاه بیگلربیگی/وسایرعمال ومباشرین‌مالیات‌دارالسلطنهٔ قزوین تمامی موقوفات ومستمریات وسیورغالات‌را ازقرارارقام سلاطین‌سلف که دردست/دارند به علاوهٔ مال وجهات مال ومنال [دیوانی] محالی که شفقت شده برقرار وممضی داشته ، درعهده شناسند .

تحریراً فی شهرشعبان المعظم سنهٔ ۱۱٦٤ .

[حاشیه :]

مقررآن‌که ارقام قضا نظام‌که ازپادشاهان جنت‌مکین سلف‌که عالی‌جناب متولی/مشارالیه درخصوص‌موقوفات ومستمریات ومقرری‌خود وسایرخدمات در دست دارد/ همگی به نظر اقدس رسیده تمامی را برقرار وممضی دانسته ، به نحو مقررعمل نمایند وهرساله حکم/مجدد طلب ننمایند ومستمری ایشان‌را ازنقد وجنس‌که مرتب مستفاد می‌شود از انقد وجوه رسانند .

(٤٤)

حکم مورخ۱٤ ع۲-۱۱٦۹ دربخشودن حوالات وتکالیف دیوانی‌که از اهالی محلات قزوین گرفته می‌شد نسبت به متولی‌آستانهٔ شاهزاده حسین‌که درمحلهٔ پنبه ریسهٔ‌آن شهر منزل داشت ودرآن تاریخ همهٔ اهالی‌آن محله فرارکرده واحدی باقی‌نمانده بود، بااشاره به احکام وارقام پادشاهان سلف دراین باب بالای عرضه داشت متولی :

عرضه داشت اقل دعاگویان [متولی سرکارآستانهٔ مقدسه واجب التعظیم . . قزوین] به شرف‌عرض باریافتگان محفل‌ارم مشاکل بندگان سکندرشان ارفع والا می‌رساندکه این کمترینان درآستانهٔ مقدسهٔ منورهٔ [شاهزاده حسین

علیه التحیه خلف ارجمند امام الانس والجان علی بن موسی الرضا] معتکف ودر آناء اللیل واطراف (النهار) به دعای دوام دولت روزافزون اشتغال داشته ومی‌داریم وحسب‌الارقام مبارك مطاع آفتاب شعاع ازجملهٔ حواله‌جات دیوانی معاف ومسلم ودرهیچ ایامی ازکمترینان دیناری وحبه‌ای گرفته نشده ودرمحلهٔ پنبه‌ریسه که خانهٔ این کمترینان می‌باشد اهل آن‌محله فراروا حدی یافت نمی‌شود وچون این کمترینان شب وروز بـاید درجاروب کشی وخدمتگذاری آن مکان فیض بنیان بوده بـه دعای دوام دولت مشغول باشیم هرحواله که از دیـوان به محلهٔ مـزبور می‌شود محصلان آن به روضهٔ مقدسهٔ منوره آمده ، مطالبـهٔ وجه حواله را ازکمترینان می‌نمایند واین کمترینان وخدمهٔ آن سرکار رفیعه ازشغل آن خدمت مزار کثیرالانوار مزبور ودعاگویی دوام دولت وا مانده . استدعا آن که ذره‌ای از اشفاق بی پایان را شامل حال کمترینان فرموده ، بنا به خاطر جدبزرگوار این کمترینان وآن مکان فیض‌بنیان فرمان مطاع آفتاب‌شعاع شرف صدور یابد که احدی مزاحم احوال ومتعرض حال کمترینان نشود ، گذارند که به دعاگویی مشغول بـاشیم . که عند الله ضایع (نخواهد شد) . بـاقی امرکم مطـاع .

[متن فرمان :]

بسم الله تعالی

حکم‌عالی شد آن که چون همگی توجه‌خاطرحقانیت مظاهرمصروف برآن است که درزمان دولت روزافزون متولی وعمله وخدام مشاهدات منوره مرفه الحال وآسوده بال بوده ، به لوازم رونق وخدمت آستانه‌ای که متعلق بـه آنهاست قیام‌نمایند خصوص متولی‌سرکار آستانهٔ منورهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم ولازم التکریم [شاه زاده حسین علیه التحیة والثنا] که مراعات اوواجب است،

بنابر آن مقررفرمودیم که به دستورارقام سلاطین جنت مکین سلف که دردست دارند وهرگز معمول نبـوده که درمحله‌ای که ساکن می‌باشند توجیه وتقسیم بدهند به نحوسابق‌ازحوالات محله وسایرتکالیف معاف ومسلم‌بوده ، عالی‌جاه حاکم‌وعمال وکلانتروکدخدایان ومحصلان‌دارالسلطنهٔقزوین وکدخدا وبابای محلهٔ پنبه ریسه به هیچ وجه من الوجوه مزاحم احوال متولی سرکارفیض‌آثار نگردیده ، گذارندکه درآن‌آستانهٔ منوره به لوازم دعاگویی دوام دولت‌جاوید قیام اقدام نمایند وظهـور خلاف مرقوم را مورد بازخواست دانسته ودر عهده شناسنـد .

تحریراً فی ١٤ شهرربیع الثانی سنهٔ ١١٦٩ .

(٤٥)

سندمزارعهٔ شش‌دانگ مزرعهٔ گناج- وقفی‌آستانهٔشاهزاده حسین - مورخ ١٥ رجب ١١٩١. بنا برمدلول سند بندار علی فرزند محمد این مزرعه را بـه مدت پنج سال از میر محمد نصیرمشهور به‌آقا میرزایی متولی‌آستانه فـرزند میر عبدالعظیم به‌مزارعه قبول نموده است. این میرمحمدنصیر هموست‌که بـه دلالت سند شمارهٔ ٤١ این مجموعه نقابت اشراف قـزوین به خواهش پدر او درصفرسال ١١٦٣ از جانب شاه‌سلیمان دوم به‌وی واگذار گردیده بود. «شهود» وقوع عقد مـزارعه ملا حسین مارگیر بوده (هامش سند) ودوتن ازعلماءآن دورهٔ قزوین «الواثق بالله الولی‌المذنب عبدالعلی » و« المذنب ابن محمد باقرمحمد تقی الحسینی سنهٔ ١١٦٩» سند را تسجیل ومهرنموده‌اند .

هـو

به مزارعه ومقاطعه صحیحهٔ شرعیه قبـول نمود عزت شعار بندارعلی ولد مـرحوم محمد از عالی حضرت رفیع منزلت سلالـة السادات النجباء العظام میرمحمد نصیر الشهیر بـآقا میرزایی متولی خلف مرحمت وغفران پنـاه میر عبدالعظیم‌متولی، همگی وتمامی‌محل ومبذرشش‌دانگ مزرعهٔ گناج‌اقبال وقفی را ازابتداء سنبله سنهٔ تخاقوی ئیل لغایت مدت پنج سال‌کامل به مال المزارعه آنچه از بذرمحصولات شتوی وصیفی‌که زراعت بنماید وجناب اقدس الهی ازمحصولات آن‌کرامت فرماید ده یك ونیم‌آنرا مهم سازی نموده ، به قدرت وحی موقوف ومعطل ندارد . مقـررآن‌که متوجهات دیوانی‌آنچه به هر اسم ورسم‌که درمدت‌مزارعه رخ‌نماید تمامی درعهدهٔ عالی‌حضرت مشارالیه است وبندارعلی‌را رجوعی‌نیست واخراجات متصرفیات درعهدهٔ بندارعلی ، وصیغهٔ مزارعه جاری شد .

تحریراً فی ۱۵ شهررجب المرجب من شهورسنهٔ ۱۱۹۱ .

(٤٦)

سند قـرار اجاره ومزارعهٔ شش دانگ مزرعهٔ گناج وقفی مورخ۱۵رجب۱۱۹۱براساس اجاره‌نامچهٔ علی‌حده (سند شمارهٔ ٤٥) که مفادآن بامدلول سند پیش یکی‌است وبیش ازآن فائده‌ای تاریخی ندارد وازاین رو ازآوردن متن‌آن خود داری می‌شود . مهـر میرمحمد نصیرمتولی با سجع « محمد نصیر الحسینی المرعشی » درپایان این سند دیده می‌شود .

(٤٧)

سند مزارعهٔ اراضی صفی‌آباد مورخ ۱۲ رمضان ۱۱۹۶ .
دراین سند گفته می‌شود که ازقرار وقف نامچهٔ معتبره شاه سلطان حسین باغ صفی‌آباد مشهور به هزارجریب وباغ سلیمان‌آبادرا بر آستانهٔ شاهزاده‌حسین وامامزاده اسماعیل وپیغمبریهٔ قزوین وقف نموده است. شرح‌خصوصیات آن دومزار دیگردر کتاب مینودر به تفصیل هست[۱].

بسم الله خیرالاسماء

چون باغ مبارك صفی‌آباد مشهوربه هزارجریب را به ضمیمهٔ باغ سلیمان آباد ازقرار وقف نامچهٔ معتبره نواب طوبی‌آشیان خلد مکان فردوس‌آرامگاه [شاه سلطان حسین انارالله برهانه] وقف سرکار روضات مقدسهٔ ثلاثهٔ پیغمبریه وجناب مستطاب حضرات عالی درجات [شاهزاده حسین وامام زاده اسماعیل علیهما السلام] به شروط وشروح مرقومه دروقف نامچه نموده‌اند ودراین‌وقت رفیع مقدار عمدة الاعیان آقا محمدکبیر راغب به زراعت اراضی صفی‌آباد مذکور گردید لهذا از ابتداء سنبلهٔ هذه السنهٔ بارس ئیل این جانبان که متولی شرعی وقف مذکور می‌باشیم باآقا محمدکبیرمشارالیه قرارداد مزارعه گذاشته از طرفین شرط وعقد شرعی شدکه ازحال تحریر لغایت مدت ده سال کامل عالی قدرآقا محمدکبیر در اراضی باغ مذکور زراعت نموده ،آنچه جناب اقدس الهی ازمحصول کرامت فرمایند به قدر یك عشرآورده به هرچه ازکل حاصل تسلیم این جانبان نموده که ان شاء الله به مصارف مقررهٔ مرقومهٔ وقف

---

۱ . امام زاده اسماعیل درصفحات ۶۲۹ ـ۶۳۰ وپیغمبریه درصفحات ۶۳۴ـ۶۴۹ .

نامچه برسانیم . درهرباب جناب اقدس الهی را حاضر وناظر دانسته ، از اداء حقوق‌وقف چیزی‌را فرو گذاشت ننماید. این‌چند کلمه برسبیل‌حجت قلمی‌شد.

تحریراً فی ۱۲ شهررمضان المبارك سنهٔ ۱۱۹۶ .

(٤٨)

سند مـزارعهٔ شش دانگ مزرعهٔ گنج (گناج) اقبال ـ از جمله موقوفات آستانهٔ شاهزاده حسین ـ مورخ ۱۱رمضان ۱۲۰۷. بامهر قربان‌علی و آقا محمدحسن که قبول مزارعه نموده‌اند و« عبـده الاقل المتوکل محمد قاسم »که عقـد شرعی‌درمحضراو روی‌داده است. مزرعه‌را میرعبدالعظیم متولی‌آستانـه ومیرزا حبیب الله متولی موقوفات میـرزا شرف جهان حسینی بـه اجاره ومزارعه داده‌اند چـه پنج دانگ ونیم این مزرعه ازموقوفات او بوده است .

هـو

چون شش دانگ مزرعهٔ گنج اقبال ازجمله موقوفات متعلقه به امـام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم شاهـزاده حسین علیه السلام وپنج سهم نیم از جمله سیزده سهم شش دانگ به موجب وقف‌نامهٔ معتبره ازجمله موقوفات مرحمت وغفران پناه جنت ورضوان‌آرامگاه میـرزا شرف جهان حسینی ودراین وقت ستوده خصالی‌آقامحمد حسن ولد مرحوم کربلایی جعفرطبایدشتی (؟) رغبت به‌آبادی وزراعت مزرعهٔ مزبوره نموده ، لهذا نظربه صرفهٔ وقف ازابتداء هذه السنهٔ اودئیل سنهٔ ۱۲۰۷ لغایت مـدت چهارده سال محل مـزبورعالی حضرت رفیع منزلت سلالة السادات العظام میرعبدالعظیم متولی شرعی‌آستانهٔ مقـدسهٔ

امام زادهٔ واجب التکریم واقل خلیقةالله [حبیب الله] متولی موقوفات مرحمت وغفران پناه میرزا شرف جهان به مزارعهٔ صحیحهٔ شرعیه قبول نمودند که آقا محمد حسن و آقا قربانعلی مذکورمتوجه به زراعت ورونق مزرعهٔ مزبور، به عنایت الهی لازمهٔ سعی به عمل آورده ، بـه مال ورجال خود زراعت نمایند . آن چه محصول جناب اقدس الهی از شتوی وصیفی مرحمت نماید یك عشر از کل محصول حظین به متولی به هرجهت مهم سازی نمایند که ان شاء الله به مصارف مقررهٔ موقوفات رسیده شود ودرمدت سنوات مزارعه آن چه ازمحل سکنی زارعین وتنقیهٔ قنات به عمل آید تمامی درعهدهٔ آقا محمد حسن وقربان علی است که باید مطالبهٔ اخراجات ننمایند ومال‌وجهات وعوارضات وصادریات دیوانی نیز آن چه رخ نماید درعهدهٔ مشارالیهما می‌باشد . چنانچه درادا‌ء وجه مزارعه وامور زراعت کوتاهی ومسامحه نمایند اختیار فسخ بامتولیان خواهد بـود .

تحریراً فی ۱۱ شهررمضان المبارك سنهٔ ۱۲۰۷ .

(٤٩)

درسند پیش دیـدیم که درسال ۱۲۰۷ میرعبدالعظیم متولی آستانهٔ شاهزاده حسین بـوده است . این شخص که طبعاً نوادهٔ میرعبدالعظیم مرعشی متولی آستانه در اواخر دورهٔ صفوی تا پس‌ازدورهٔ نادربوده بنابرآن‌چه درسندی مورخ ع ۱ – ۱۲۳۱ (شمارهٔ ٦۳ مجموعهٔ حاضر) دیـده می‌شود به حاجی آقا میر شهـرت داشته است . او گویا فرزند میر محمد ابراهیم فرزند میرعبدالعظیم مزبور بوده است .

درمیان اسنادخاندان سندی دیدم دربارهٔ همین‌حاجی آقامیر یاآقا میرکه تاریخ آن درست مشخص نیست لیکن چون دورهٔ تولیت وی باسند مورخ رمضان۱۲۰۷معلوم می‌شود به نقل متن سند مورد سخن دراینجا می‌پردازد :

عالی جنابا مقدس القابا صاحبا مهربانا

چون آقا میرمتولی جناب شاهزاده حسین (ع) مدت چندین سال است که اباً عن‌جد خدمتکار آستانهٔ متبرکهٔ جناب امام زادهٔ واجب التعظیم بوده‌اند واز طریقهٔ انصاف خدمتکارمستحق قدیمی عظیم القدررا مانع شدن دور است . نواب مستطاب اشرف والا حال که روانهٔ دارالخلافه بود فرمودند که از گردن من ساقط است وواگذاشتند به اذن شما . اگرمحبتی به سادات دارند مرخص بفرمایند که به هیچ وجه خدمت معزول نباشد . امرکم مطاع .

[پاسخ دربالای سند :]

بسمه تعالی- سید متولی آستانهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین سلام‌الله‌علیه وعلی آبائه الطاهرین برتولیت خود برقرار وکسی‌اورا عزل نکرده است وبه غیراز تعیین‌شاهد من اذن‌دیگری داده نشده‌است واگرشاهد به وی‌تعدی کند شهادت وی نیزمقبول نیست . [مهر:] افوض امری الی الله عبده تقی الحسینی .

(۵۰)

سند مزارعهٔ شش دانگ مزرعهٔ گناج اقبال موقوفهٔ آستانهٔ شاهزاده حسین مورخ رجب۱۲۱۰ که بنابرمفادآن مزرعهٔ مزبوررا میرزاصالح ولد میرزاعبدالله ازمیرابراهیم‌مشهور به‌آقا نوادهٔ میرعبدالعظیم متولی آستانه به مدت ده سال به مزارعه قبول نموده است :

غرض ازتحریر وتسطیر این سطورمیمنت مسطورآن است که چون تمامی شش دانگ مـزرعهٔ گناج اقبـال من محال دارالسلطنهٔ قـزوین از جمله موقوفات آستانهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین علیه التحیة والثنا وتولیت آن به شرح وقفنامچهٔمعتبره بااولاد مرحمت وغفران‌پناه سلالةالسادات‌العظام میرعبدالعظیم که بطناً بعد بطن وعقباً بعد عقب بوده نظربه این که مزرعهٔ مزبورچندین سال می‌شود که‌خراب ولم‌یزرع وقنات آن‌منطمس، احدی‌راغب به‌اجاره واستجارهٔ آن نگردید ودر این وقت عالی حضرت رفیع منزلت میرزا صالح ولـد عالی حضرت معالی منزلت میرزا عبدالله به مزارعه ومصالحهٔ صحیحهٔ شرعیه قبول نمود ازعالی حضرت رفیع منزلت سلالـة السادات العظام میرابراهیم الشهیر به‌آقا نوادهٔ مرحمت پنـاه مرحوم مزبور ازحال تحریر که ابتداء نوروز فیروز توشقان‌ئیل خیریت تسهیل است لغایت مدت ده سال‌کامل که عبارت ازرفع ده محصول شتوی وصیفی بوده باشد، به مال‌المزارعهٔ یك عشر ازمحصول‌اربابی محل مـزبور که به مال ورجال خود زراعت نموده‌آن چه جناب اقدس الهی کرامت فرماید بعد ازوضع بذر یك عشر ازمحصول محل مزبور به صیغهٔ مال المزارعه تسلیم وادعای حواله‌جات دیوانی ننماید . وثانیاً مصالحه نمود عالی حضرت سلالـة السادات میرابراهیم مال المزارعـهٔ یك عشر ازمحصول رسد اربابی خود را با عالی حضرت رفیع منـزلت میرزا محمد صالح به مبلغ ده تومان‌تبریزی زررایج المعامله (نصفه تاکیداً له : به مبلغ پنج تومان تبریزی).

وبینهما صیغهٔ مزارعه ومصالحه درثانی‌الحال جاری وواقع‌شده که هرساله مبلغ یك تومان نقـد مصالحهٔ مال المزارعه را عند رفع خرمن آن سال تسلیم نماید مشروط براین که آنچه اخراجات در لایروب قنـات وبه هر اسم ورسم حواله‌جات درمحل مزبور رخ نماید همگی درعهدهٔ مصالح له است دخلی به

متولی ندارد .

ودر ثانی قـرارداد چنان شد که هر گاه درمدت مزارعه بنای قنات جدیـد وعمارت وبـاغات وغرس اشجارمثمره وغیرمثمره گذاشته شود دررأس مدت موافق برآورد اهل خبره عالی حضرت متولی عوض اخراجات را به مصالح له داده ، ملك را متصرف شود .

وکان ذلك تحریراً فی شهررجب سنهٔ ۱۲۱۰ [مهر:] یا ابا صالح .

(٥١)

قرارداد مصالحه‌میان ورثهٔ آقامیرزایی متولی آستانهٔشاهزاده حسین وورثهٔ کربلائی کریم طحان که برسراجارهٔ طاحونهٔ قوشخانه وقفی آستانهٔ مزبور گفتگوداشتند ، مورخ شوال ۱۲۱۲ . باسجل ومهر«العبد محمدبن عبدالحسین الحسینی» بالای سند . درسنوات بعد «صراط علی حق نمسکه جعفر الحسینی» تأیید نموده است که این سجل ومهرازآن حاج میـرزا محمد عم پدری اوست . کربلایی محمد عـلاف وحاجی صادق طحان ودو تن دیگر بـراصل سند گواهی دارنـد .

درسند شمارهٔ٤٥دانسته شد که آقامیرزایی شهرت میرمحمد نصیرفرزند میرعبدالعظیم ، متولی آستانه درچند دههٔ اخیر قرن دوازدهم بوده است .

غرض ازتحریر وتسطیر این کلمات واضحة الـدلالات آن که چـون فی‌مابین ورثهٔ مرحمت وغفران پناه جنت ورضوان آرامگاه آقا میرزایی متولی آستانـهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین زاد الله تعظیماً وورثـهٔ مرحوم کربلایی کریم

طحان درباب اجارهٔ چهاردانگ ونیم طاحونهٔ قوشخانه واقعه برود دیزج آباد وقف آستانهٔ مزبور گفتگو ودعاوی بسیار بود نظر به تعلل مستأجران درشروط اجاره نامچه ووفات موجر ومستأجر گفتگوها بود که تقریر وتحریر آن باعث ملال و کلال می‌شد، بنابراین بعضی‌ازمؤمنان خیراندیش وصالحان نیکو کیش که‌کارایشان اصلاح بین الاخوین است چنین قرارداد نمودند که ازحال‌تحریر که ابتداء نوروزفیروز سنهٔ یونت ئیل است الی انتهاء مدت اجاره نامچهٔ سابق که پنج سال وشش ماه بوده باشد هرساله مبلغ دوتومان ودوهزار وپانصد دینار نقد به مرور شهور تسلیم وکیل وصاحب اختیار آستانهٔ شاهزاده وورثهٔ مرحمت وغفران پناه مزبور نموده وهرسالی هم مقدار دو خروار شتری گندم به جهت ورثهٔ مزبوره بادواب خود برده‌آرد نموده توقع اجرت ننماید. دیگر تعلل و کوتاهی‌نکرده، درآخروقت اجاره اختیارطاحونه بامتولی وقف‌می‌باشد ودرباب‌تعلل دروجه اجاره اختیار فسخ باوکیل وصاحب اختیار آستانهٔ متبرکه می‌باشد. وصیغهٔ مصالحه ایجاباً وقبولا باذن‌اولیاء وحسبتاً‌لله تعالی بینهم جاری وواقع گردید . من بعد هریك ادعاء و گفتگونمایند باطل، ازدرجهٔ اعتبارساقط وغیرمسموع خواهد بود .

تحریراً فی غرهٔ شهرشوال المکرم سنهٔ ۱۲۱۲ [مهر:] یا محمد ادرکنی.

(۵۲)

استشهاد دربارهٔ حقابهٔ باغ امام وقفی‌آستانهٔ شاهزاده‌حسین مورخ صفر۱۲۱٤ که‌آن را چهارده تن ازدهخدایان واهل خبره گواهی نموده‌اند وهمین سند اساس حل نزاع و گفتگویی است که درسال ۱۲۷۲ دراین باب روی داده

وسند مصالحهٔ آن به شمارهٔ ۸۷ خواهد آمد .

چون متن بیشتر گواهی‌ها همانند بود به نقل چهار نمونهٔ آن اکتفا گردید .

استشهاد واستخبار واستعلام می‌رود ازجمعی مـؤمنین وموثقین ومطلعین ودهخدایان فنود واهل‌خبره وهر کدام علیم بوده باشد درخصوص این که: باغ امام که متصل‌است به فند ماجیلاباد وفند سلیجرد ، آیا از آب دوفند مذکور به قاعدهٔ الاعلی فالاعلی باید مشروب شود وحق الشرب علی الرسم القدیم به طریق استمرارقدیم از آب دو فند مذکور دارد یا ندارد . مستدعی است که هر یك ازمؤمنین که ازحقیقت مطلع باشند درحاشیهٔ صحیفه قلمی وبه امهار شریفهٔ خود مزین فرموده که عند الحاجت حجت بوده باشد . باقی امر کم مطاع !

تحریراً فی شهرصفرسنهٔ ۱۲۱٤ .

[برخی گواهی‌ها :]

* عالی حضرت دهخدا باقر دهخدای میانه راه اقرار براین می‌دهد که هر باغی متعلق به فند دارد خواه در یمین خواه در یسارخواه درجنوب خواه در شمال واقع باشد چه ملك چه وقف باید مشروب بشود [مهر] .

* دهخدا آقا نبی اقرار براین‌دارد می‌دهد که هرباغی که متعلق به‌فند است خواه در یمین فند خواه در یسار فند خواه در جنوب خواه درشمال فند واقع است وباشد چه ملك چه وقف حق‌آب دارد اعلی فالاعلی باید مشروب بشود [مهـر] .

* عالی حضرت دهخدا نجف اقـرار براین می‌دهد که هرباغی متعلق به فند دارد خواه دریمین خواه در یسار فند خواه درجنوب خواه درشمال واقع باشد چه ملك چه وقف باید مشروب بشود [مهر] .

* حقیقت امر وبیان واقع این است که هرباغی در هر بلـوکی که هست حق الشرب قدیم ازبلوك اعلی فالاعلی باید مشروب شود . هرگاه پیش ازاین باغ مزبور خـراب بوده است حق‌آب اورا غیر گرفته است حال که دایر شده است می‌باید حق خودرا ازآب فند اعلی‌فالاعلی بگیرد [مهر:] اللهم صل علی محمد وآل محمد ۱۲۰۲ .

(۵۳)

سندمزارعه ومصالحهٔ هفت‌سهم ازجمله سیزده‌سهم مزرعهٔ گناج اقبال موقوفهٔ‌آستانـهٔ شاهزاده حسین مورخ ع ۲ - ۱۲۱۵ که‌آن‌را میرزا صالح وآقا مرتضی‌قلی ازمیرابراهیم مشهوربه‌آقا نوادهٔ میرعبدالعظیم به مزارعه گرفته‌اند :

غرض ازتحریر وتسطیر این سطورمیمنت مسطورآن است که چون هفت سهم ازجمله سیزده سهم مزرعهٔ گناج اقبال من محال دارالسلطنهٔ قزوین وقف آستانهٔ متبرکهٔ شاهزاده‌حسین علیه‌التحیة والثناء وتولیت‌آن نظربه شرح وقف نامچه بـه اولاد مرحمت وغفران پناه میرعبدالعظیم بـوده ، دراین وقت عالی حضرت رفیع منزلت میرزا صالح ولد مرحمت پنـاه میرزا عبدالله وعالی قدر معلی مقدارآقا مرتضی قلی ولد محمد امین بیك به مزارعه ومصالحـهٔ صحیحهٔ شرعیه قبول نمودند ازعالی‌حضرت رفیع منزلت سلالة السادات العظام‌آقامیر ابراهیم مشهور بـه‌آقا نوادهٔ مرحمت پناه مزبور ازحال تحریرکه ابتداء سنبلهٔ پیچین ئیل خیریت دلیل مستدرك تخاقوی ئیل است از بابت مدت بیست سال کامل که عبارت‌ازرفع بیست محصول شتوی وصیفی بوده‌باشد به مال‌المزارعهٔ یك عشر ازمحصول اربابی محل مـزبورکه به مال ورجال وبذرخود زراعت

نموده ،آنچه جنـاب اقدس الهی کرامت فرماید بعد از وضع بذر یك عشر از محصول اربـابی محل مزبوررا به صیغهٔ مصالحه تسلیم وادعای حوالـه جات دیوانی ننمایند .

ودرثانی مصالحه نمود عالی حضرت سیادت پناه مال المزارعهٔ یك عشر ازمحصول رسد اربابی خود را در مدت مذکور فوق با مستأجرین مزبور به مبلغ شانزده تومان تبریزی زر رایج المعامله (نصفه تأکیداً له : به مبلغ هشت تومان تبریزی) .

بینهما عقد مزارعه ومصالحه در ثانی الحال جاری وواقع شده که هرساله مبلغ هشت هـزار دینار تبریزی نقد مصالحه ومال المزارعه را دررفع خرمن آن سال تسلیم نمایند وقبض به جهت سند خرج خود بازیافت وحاصل سازند مشروط برآن که درمدت مذکوره آنچه اخراجات لایروب قنات وبه هر اسم ورسم حواله‌جات درمحل مزبوررخ نماید همگی وتمامی درعهدهٔ مصالح‌لهما است ودخلی به عالی حضرت متـولی ندارد . ودر ثانی قرارداد چنان شدکه هر گاه درمدت مزارعه بنای قنات جدید وعمارات وبـاغات مثمره وغیرمثمره وتقادی‌رعیت گذاشته‌شود دررأس‌مدت موافق بازدید اهل‌خبره ووقوف وموافق حجت شرعی ـ درخصوص تقادی ـ عالی حضرت متولی عوض اخراجات‌را به مصالح لهما رد نموده ، ملك را متصرف شود . وشرط دیگر این که هر گاه مصالح لهما در دادن وجه اجاره ومـزارعه کوتاهی وتکاهل نمایند اختیار فسخ با عالی جناب متـولی است که به هر کس که خواهند واراده نمایند بـه اجاره ومزارعه بدهند .

وکان ذلك تحریراً فی غرهٔ شهرربیع الثانی سنهٔ ۱۲۱۵ [مهر:] یا اباصالح /افوض امری الی الله مرتضی قلی .

(٥٤)

فرمان مورخ ذ ق ـ ١٢١٥ از فتحعلی شاه قاجار بالای عرضه داشت میرابراهیم متولی آستانهٔ شاهزاده حسین ، خطاب به فرزند ارجمند نامدار محمد علی ، در مورد موقوفات آستانه که غاصبین تصرف نموده بودند ودر آن هنگام در گنبد آستانه ریختگی پدیدارشده ونیازمند مرمت وتعمیرمی‌بود . دراین سند از سه موقوفهٔ شنستق وامینقان وخروزان یاد شده است .

محمدعلی‌مزبورهمان محمدعلی‌میرزا دولتشاه پسربزرگ فتحعلی شاه است که ازسال ١٢١٣ تا ١٢١٧ عهده دار حکومت قزوین بوده است[١]. اودر١٢٠٣به دنیاآمده ودر ١٢٣٧ درگذشته است[٢].

ازاین‌سند جزاصل ـ که متن زیربراساس آن‌است ـ سوادی نیزبه گونهٔ‌اصل وبرابرشدهٔ باآن دردست‌است که درردیف نام موقوفات « طاحونهٔ مشهور به قوشخانه واقعه در سر وادی قزوین ـ چهار دانگ ونیم » را نیز بر آن افزوده‌اند درحالی که دراصل چنین چیزی نیست .

---

١ . رجال ایران بامداد ٣ : ٤٣٠ـ٤٣١ ، لیکن به شهادت اسناد حاضر تا پایان سال ١٢١٩ درهمین مقام بوده است .

٢ . مکارم الاثار١ : ١٣٥ـ١٤١ /مرآت البلدان ١ : ٥٤١ /مجمع الفصحاء ١ : ٤٦ ـ ٥٠ چاپ مظاهرمصفا . دربارهٔ اوبه کتاب‌های‌تاریخ دورهٔ قاجاری ومآخذی دیگر که درفرهنگ سخنوران : ٢١٣ نام برده شده است نیزمی‌توان مراجعه کرد .

عرضه داشت کمترین بندگان دعاگویان [میرابراهیم متولی آستانهٔ منورهٔ متبـرکهٔ واجب التعظیم شاهزاده حسین خلف ارجمند امام انس والجن علی بن موسی الرضا الف الف التحیة والثناء] به شرف عرض باریافتگان پایهٔ سریر خلافت مصیر عرش نظیر بندگان سکندرشان دارا دربان قیصرپاسبان اقدس ارفع والا روحی فداه می‌رساند که دراین دولت جاوید مدت مجموع مساجد وبقـاع درکمال رونق وانضباط می‌باشد درگنبد این آستانـهٔ واجب التکریم پاره‌ای ریختگی وخرابی به هم رسیده که درقوهٔ این دعاگویان نمی‌باشد که‌از عهدهٔ مرمت وتعمیراوبرآید. پاره‌ای‌موقوفات درمحال دارالسلطنهٔ قزوین دارد که بدون حق حساب دیگـران تصرف نموده ، مداخل اورا به مصرف آستانه نمی‌دهند ودراین خصوص نیز فـرامین سلاطین سلف ووقف نامچهٔ معتبره به مهرفضلا وعلمای سابق در دست دارد . این معنی ازعدالت خاقـان گیتی ستان بعید است که موقـوفات آستانهٔ مذکوره را دیگران به خلاف حساب تصرف مینموده ، آستانه درصورت خرابی بمانـد . روی امید به این آستانـه‌آورده ، استدعا ازمراحم‌بیکران خسروانه‌می‌نماید که فرمان‌قضا جریان به‌افتخاربندگان نواب کامیاب شاهزادهٔ والا تبار ازمصدر جاه وجلال صادرشده که قراء مفصلهٔ ذیـل :

[شنستق رامند : چهاردانگ/امینقان دشتبی: یك دانگ/خروزان رامند: شش دانگ] را موافق وقف نامچه وفرامین پادشاهان سلف وحجت ممهـورهٔ فضلای سابق از ید غاصبین گرفته ، بـه تصرف این دعاگویان داده که مداخل اوراگرفته ، صرف تعمیر وخرابی آستانهٔ متبرکه نموده که به فراغ بـال ورفاه حال درآستانهٔ مذکوره ساکن وبه‌دعاگویی دوام دولت قاهره قیام واقدام‌نماید وچون مراتب مزبورازجملهٔ لوازم بود جرأت جسارت به عرض نمود . باقی

امره العالی مطاع الاعلی الاعلی الاعلی .

[متن فرمان :]

بسم الله شأنه العزیز

الملك لله تعالی ـ حکم همـایون شد آن‌که فرزند ارجمند نـامدار وقرةالعین سعادتمند کامکارمحمد علی به ملاحظهٔ شرح عریضه قراء مفصلهٔ متن راکه موافق وقف‌نامچه وفرامین سلاطین‌ماضیه وحجت ممهوره به مهرفضلاء سابقه ازجمله موقوفات‌آستانهٔ منورهٔ شاهزاده حسین است ازتصرف غاصبین انتزاع وبه‌تصرف سیادت‌پناه صاحب‌عریضه متولی‌آستانهٔ مزبوره داده که‌منافع آنها را بازیافت وصرف تعمیروخرابی‌آستانهٔ مزبوره‌نمایند وچنانچه متصرفین را درمقابل سخن حسابی باشد ازقرارحکم اهالی شرع دارالسلطنهٔقزوین قطع وفصل گفتگو وبعد ازاثبات مطلب موقوفات را به صـاحب عریضه بدهد که به شرایط وقف عمل نموده،ثواب‌آن عاید روزگارفرخنده‌آثارهمایون گردد ودر عهده شناسند .

تحریراً فی ذی قعدهٔ سنهٔ ۱۲۱۵ .

(۵۵)

فرمان مورخ‌رجب ۱۲۱۷ ازفتحعلی‌شاه قاجاربالای عرضه داشت میرابراهیم‌مرعشی متولی‌آستانه‌که بااشاره به‌سابقهٔ امرتولیت ودخـالت شخصی به نام‌آقـا مهدی بزازدرامر نظـارت‌که فرمـانی نیزاز ولیعهد گرفته بود درخـواست واگذاردن شغل‌تولیت‌را بالاستقلال به خود نموده وپشت عریضه را نیزعده‌ای ازمردم قزوین مهر وتصدیق کرده‌اند.

درمتن فرمان منصب مزبوربه وی واگذارشده وبه سیدعلی خان نایب الحکومهٔ قزوین دستورداده شده است ازدخالت دیگری درامرنظارت جلوگیری کند .

عرضه داشت کمترین بندگان دعاگو [میرابراهیم مرعشی متولی آستانهٔ مبارکه] تراب آستان معدلت بنیان راکحل الجواهردیدهٔ اعتبار وتاج سرافتخار امیدواری خود ساخته، به موقف عرض ایستادگان پایهٔ سریرخلافت مصیرعرش نظیربندگان سکندرشان دارا دربان قیصرپاسبان اشرف اقدس والا روحنا فداه می رساند که قربان خاك پای جواهرآسای مباکت شوم چون ازایام سابقه وسنوات سالفه اززمان سلطنت امیرتیمورگورکان وامضای فرمانروایان سلسلهٔ صفویه الی الان وفرامین پادشاهان سلف ونوشته جات علمای اعلام وفضلای ذوی العز والاحترام واهالی شرع شریف مطاع تولیت شرعی مزارکثیرالانوار آستانهٔ منورهٔ متبرکهٔ [شاهزاده حسین علیه وآبائه آلاف التحیة والثناء] باسلسلهٔ سادات مرعشی که آبا واجداد کمترین دعاگوبوده اند بوده، همیشه بهخاك روبی آستان مطهره مشغول وواقف رحمه الله نیزبه قید لعنت نامه تولیت شرعی آستانهٔ متبرکه را نسلا بعد نسل وبطناً بعد (بطن) وصلباً بعد صلب به طایفهٔ سادات مرعشی گذاشته که احدی به غیر ازاین طایفه مدخلیت در امورآستانهٔ منوره نداشته باشد، ازآن تاریخ الی الان احدی به هیچ باب درامورات آستانهٔ مبارکه دخل وتصرف ننموده. دراین وقت آقامهدی نام بزازکه شغل اوکاسبی وخارج سلسله می باشد برامنای دولت بندگان نواب کامیاب مالك الرقاب ولی عهدی امررا مشتبه نموده ، فرمان لباسی صادرکه آمده درآستانهٔ منوره به امرنظارت مشغول شود . چون این عمل خلاف شرط واقف وباعث اغتشاش امورتولیت شرعي وسایرامورات آستانهٔ مبارکه می شود دراین خصوص حضرات اهالی

ولایت درضمن عـریضه چگونگی مراتب معروضه را عرضه داشت نموده که به نظر امنای دولت جاوید مدت حضرت ظل اللهی برسد که آقا مهدی مزبور درهیچ وقتی ازایام وآبا واجداد او درآستانهٔ مبارکه به هیچ اسم ورسم دخیل ومتوجه امورات آستانهٔ مذکوره نبوده. استدعاازکرم بی‌کران‌شاهانه والطاف ازحد افزون خسروانه که رقم قضا شیم ازمصدر عز وجاه شرف صدوریابد که آقا مهدی مزبور رفته ، به شغل بزازی وکاسبی خود مشغول وبه هیچ باب در امـورآستانهٔ مبارکه دخلی وتصرفی ننمایـد . این کمترین دعاگو به طریق آبا واجداد متوجه خاك روبی آستانهٔ مطهره بوده ، فارغ البال ومرفه الحال به دعا گویی دوام‌دولت ابدمدت بی‌زوال اعلی‌حضرت قدرقدرت شاهنشاهی اشتغال نمایم . چون مراتب مزبور واجب ولازم بود جرأت وجسارت بـه عرض والا شد . باقی امر کم الاعلی مطاع مطاع مطاع .

[متن فرمان :]

بسم الله تعالی شأنه

الملك لله تعالی ـ حکم همایون شد آن‌که چون اززمان پادشاهان سلف وسلاطین جنت مکین صفویه انارالله براهینهم الی الان‌که هنگام فروغ بخشی آفتاب عالم افروز دولت جاوید مدت نواب همایون ماست شغل تولیت آستانهٔ متبرکهٔ منورهٔ امامزادهٔ واجب التکریم به سادات عالی‌درجات مرعشی آباء واجداد امجاد عالی‌حضرت سیادت منقبت سلالة السادات العظام صاحب عـریضه مفوض بوده واحدی سوای سلسلهٔ مـزبوره دخل درخدمت تـولیت ونظارت آستانـهٔ مقدسه نمی‌نموده ، لهذا بنا برظهور قابلیت وشایستگی عالی حضرت مشارالیـه شغل تولیت را بـدون مشارکت ومدخلیت متولی ونـاظر علی‌حده به مومی‌الیه شفقت ومرحمت فرمودیم که به دستورازمنهٔ سابقه متوجه

خدمت آستانهٔ منـوره بوده باشد . مقرر آن که عالی جاه رفیع جایگاه عزت ومجدت همـراه فخامت ومناعت اکتناه ابهت ونبالت انتباه اخلاص وارادت آگاه سید علی خان نایب الحکومهٔ دارالسلطنهٔ قزوین بعد اززیارت حکم‌جهان مطاع‌همایون احدی‌را درامرنظارت آستانهٔمقدسه دخل‌نداده ، درعهده شناسد.

تحریراً فی شهررجب المرجب سنهٔ ۱۲۱۷ .

(٥٦)

حکم مورخ رجب ۱۲۱۷ ازعباس میرزا نایب السلطنه با مهراو که سجع آن «دردریای خسروی عباس» است بالای عرضه‌داشت میرابراهیم‌مرعشی متولی درموضوع‌دخالت مهدی بزاز فرزند ملا عبدالکریم در امرنظارت که فرمانی نیزدراین‌مورد ازولیعهد ستانده بود. درسند حاضرولیعهد به سید علی‌خان نایب‌الحکومه دستورمی‌دهد که ازدخالت دیگری درامورآستانه جلوگیری کند .

عرضه داشت کمترین بندگان دعاگو [میرابراهیم مرعشی متولی آستانهٔ مبارکه] به شرف عرض بندگان نواب مستطاب فلك جناب گردون قباب عالی‌مناب عالمیان‌مآب مالك‌رقاب والا می‌رساند که چون‌ازایام‌سابقه وسنوات سالفه اززمان سلطنت امیرتیمور گورکان وامضای فرمانروایان سلسلهٔ صفویـه الی الان وفرامین پادشاهان سلف ونـوشته جات علمای عظام وفضلای ذوالعز والاحترام واهـالی شرع شریف مطاع تولیت شرعی مزارکثیرالانوارآستانهٔ منورهٔ متبرکهٔ[شاهزاده‌حسین علی . . . الف‌الف ثناء] باسلسلهٔ سادات‌مرعشی که‌آبا واجداد کمترین دعاگو بوده همیشه به خاك روبی‌آستان مطهره مشغول

وواقف رحمه الله تـولیت شرعی را نسلا بعد نسل وبطناً بعد بطن وصلباً بعد صلب به آبا واجداد کمترین گذاشته که به غیر ازاین سلسله به‌قید لعنت‌نامه احدی دخل وتصرف درامور آستانهٔ منوره ننماید . از ابتداء بقعهٔ منوره الی الآن بـه هیچ اسم ورسم احدی دخل وتصرف درامورات آستانهٔ متبرکه ننموده است. دراین وقت مهدی بزاز ولد مرحوم ملا عبدالکریم که شغل اوبـزازی وکاسبی می‌باشد وخارج سلسلهٔ سادات مـرعشی بوده امررا بر امنای دولت ابد مدت نواب والا مشتبه ، فرمانی صادر که آمده در آستانهٔ منورهٔ متبرکه به امر نظارت مشغول شود. چون این‌معنی خلاف شرط واقف وباعث اغتشاش امورتولیت شرعی آستانهٔ منوره می‌باشد اهالی ولایت نیزهمگی مطلع ومخبرند که اجداد او درهیچ وقت ازاوقات درامورنظارت آستانهٔ منوره دخلی وتصرفی نکرده‌اند این کمترین دعاگو اباً عن جد متـولی شرعی بوده‌ایم . استدعا ازمکرمت بی کران نواب مالك‌الرقاب والاآن است که فرمان مطاع رفیع ازمصدرعز وجاه بـه عهده وسرافرازی عالی جاه رفیع جایگاه سید علی خان شرف صدور یابد که مهدی مـزبوررا جواب نموده که به هیچ باب در امور نظارت آستانه دخل وتصرف‌نکرده ، به شغل‌کاسبی خود مشغول گردد. این کمترین دعاگو به‌طریق آبا واجداد متوجه خاکروبی آستان منورهٔ مطهره مشغول ، فارغ البال بـه دعا گویی دوام دولت بی‌زوال اعلی حضرت ظل اللهی وصرف دعاگویی بندگان نواب مالك‌رقاب والا بوده ، چون مراتب مزبور واجب‌بود جسارت به‌عرض شد . باقی امرکم مطاع مطاع مطاع .

[متن فرمان :]

حکم والا شد آن‌که بنابرعرض واستدعای عارض وایجاباً لمسئوله وتصدیق عالی‌جاه رفیع‌جایگاه فخامت ومناعت اکتناه سیادت ونجابت همراه

ارادت وصداقت آگاه سید علی خان نایب‌الحکومهٔ دارالسلطنهٔ قزوین لهذا امر ومقرر می گردد که عالی جاه سابق الالقاب بعد ازحصول آگاهی بـرمضمون حکم رفیع منیع والا قدغن نماید که احدی دخل وتصرف درامر آستانهٔ مقدسهٔ منوره به غیراز اولاد میرعبدالعظیم متولی ننماید . به نحوی که از قدیم الایام موافق ارقام سلاطین سلف متولی بقعهٔ مذکوره بوده‌اند کماکان متوجه خدمت آستانهٔ مذکوره بوده ، وظیفه ونذورات آنجا را به‌طریق قرارداد سنوات‌سابق به مصارف مقررهٔ آستانه رسانیده ، دیگری را نگذارد که دخل تصرف نمایـد ودراین خصوص قدغن واهتمام تمام لازم دانسته ، درعهده شناسد .

تحریراً فی شهررجب المرجب سنهٔ ۱۲۱۷ .

(۵۷)

حکم مورخ ع ۱ ـ ۱۲۱۸ ازشاهزاده محمد علی دولتشاه بالای عرضه‌داشت اززبان کدخدایان دارالسلطنهٔ قزوین که درآن ماجرای منازعه و گفتگوی میان ملا مهدی ولـد ملا عبدالکریم ومیرمحمد ابراهیم متولی ، ورقمی که به نـام ملا مهدی ازطرف ولیعهد عباس‌میرزا صادرشده وموجب آن شده بود که وی به‌آستانه‌آمده ، درامورآن به عنـوان نظارت مداخله کند یادشده وبرای رفع وحل مشکل چنین صواب اندیشی گردیده است که مستمری سالانه‌ای بـرای این شخص قرارداده شود تاازدخالت درامورآستانه دست بردارد . سجع مهرشاهزاده چنین است :

« ز فتح علی شد چو خور منجلی

مه بـرج شاهی محمد علی » :

عرضه داشت کمترین بندگان به شرف عرض بندگان نواب مستطاب فلك جناب گردون قباب عالی مناب عالمیان مآب والا می‌رساند که دراین‌وقت عالی‌حضرت رفیع‌منزلت ملامهدی ولد مرحوم ملاعبدالکریم رقمی ازسرکار بندگان نـواب مستطاب مالك الرقاب ولی عهدی صادر نموده است که ناظر آستانهٔ منورهٔ متبرکهٔ مقدسهٔ شاهزاده حسین الف‌الف تحیة والسنا[1] بوده‌باشد وچون عالی حضرت سلالة السا[دا]ت العظام میرمحمد ابراهیم متولی شرعی آستانهٔ منورهٔ متبرکه اباً عن جد بدون مدخلیت احدی مشغول خاکروبی آن آستان ملایك پـاسبان بوده وحال عالی حضرت ملا مهدی نظر بـه حکم رقم مطاع آمده درامورنظارت دخل وتصرف درآستانهٔ مبارکه نماید به این‌تقریب فیما بین مشارالیـه وعالی حضرت سلالة السادات کرام متولی شرعی آستانـهٔ مبارکه گفتگوواقع‌شده که باعث بی‌رونقی آستانهٔ مبارکه ومتولی‌شرعی وسایر خدمه گردیده . استدعاازمکرمت بی کران والا آن‌است که رقم قدرتوأم به‌عهده وسرافرازی عالی جاهان عمال دارالسلطنهٔ قزوین شرف صدوریابد که مبلغ دو تومان تبریزی نقد ومقدار دوخروارشتری[2] ازبابت مالیات به صیغهٔ وظیفهٔ همه ساله در وجه ملا مهدی مذکور برات دفتری قلمی ومهم سازی نماینـد که ملا مهدی صرف معاش خود نموده وترك دعوی و گفتگوبا متولی شرعی نماید که کمترینان درحال محاسبه مراتب را بـه خاك پای جواهرآسای مبارك عـرضه داشت نموده ، به خرج مالیات مجری ومحسوب خواهد شد . چون مـراتب مزبور واجب‌بود عرض‌شد که هرآینه باعث امیدواری کمترینان خواهد شد. باقی امرکم مطاع مطاع مطاع .

---

۱. کذا .

۲. این تعبیر واصطلاح درعالم‌آرای عباسی ۲ : ۶۵۶ (سطر ۲۴ چاپ جدیـد) هم دیده شد .

[متن حکم :]

حکم والا شد آن که چون عارضین به شرح متن عرض ودرمقام استدعا برآمده‌اند لهذا امرومقررمی‌شود که عالی‌جاهان معلی‌جایگان اخلاص وارادت آگاهان عمال‌دارالسلطنهٔ قزوین به حصول آگاهی ازمضمون حکم رفیع منیع والا ازقراری که عالی شانان معلی مکانان کدخدایان حقیقت عرض نموده‌اند از آن قرار معمول ومرتب داشته ، تنخواه مهم سازی نمایند . دراین خصوص حسب المقررمعمول داشته وازفرموده تخلف وانحراف جایز ندانسته ، قدغن لازم دانسته ودرعهده شناسند .

تحریراً فی شهرربیع الاول سنهٔ ۱۲۱۸ .

(۵۸)

حکم مورخ ع ۲ – ۱۲۱۸ ازشاهزاده محمد علی میرزا دولتشاه‌بالای عرضه‌داشت سیداحمد متولی آستانهٔ‌شاهزاده حسین ، درمورد موقوفهٔ شنستق که حاجی حسین افشار متصرف بوده ودیناری از مداخل آن به‌آستانه نمی‌داده است . درعرضه داشت از دو فرمان فتحعلی شاه که یکی محال وقفی آستانه را به تصرف همین سید احمد متولی داده بود ودیگری مورخ۱۲۱۷ که خطاب به حاجی‌حسین افشارمزبور صادرشده ودرآن به وی دستور داده شده بود که ازملك موقوفه رفع‌ید کند ، یادشده وازخرابی آستانه درآن تاریخ ونیازآن به تعمیرسخن رفته است .

سجع مهرشاهزاده دراین حکم عیناً همان است که در دیباچهٔ سند پیش نقل شد .

عرضه‌داشت کمترین بندگان دعاگو سیداحمد متولی آستانهٔ متبرکهٔ منورهٔ [شاهـزاده حسین خلف ارجمند امام انس والجن علی ابن موسی الرضا علیه الف الف التحیة والثناء] به ذروهٔ عرض بندگان نواب مستطاب سپهر رکاب گردون قباب شاهزادهٔ والاتبار ولی النعمتی‌ام می‌رساند که حسب الفرمان مبارك مطاع آفتاب شعاع امرومقرر گردیده که محال وقفی آستانهٔ منوره را به تصرف این دعاگو داده که مداخل اورا سال به سال صرف تعمیر آستانهٔ مذکوره نماید ازجمله محلی موسوم به شنستق علیا واقعه در بلوك رامند را عالی شان کهف الحاج حاجی حسین افشار متصرف ، دیناری به مصرف آستانـه نمی‌دهد ودر سال قبل رقم قدر توأم نیز در این خصوص به اسم مشارالیه صادر گردیـده که محل مذکوررا بـه تصرف آستانه داده ، دخل تصرف ننماید اورا نیز متمـرد نموده ، تخلیهٔ ید ازمحل مزبور ننمود . چون آستانهٔ مذکوره خرابی بسیاری بـه هم رسانیده که چنان چه تعمیر نشود نقصان کلی به هم میرسد استدعـا از مرحمت بندگان والا آن است که رقم مجددی به افتخار کدخدا ورعایای محل مزبور شفقت ومرحمت فرمایند که منافع ومداخل آن جا را به احدی نداده در رفع محصول آورده تحویل متولی وخدمهٔ آستانهٔ مذکوره نمایند که به‌مصرف تعمیر وخرابی آستانه رسیـده ، رفع خرابی آنجا گردد . چون مراتب مـزبور واجب بود جرأت جسارت به عرض نمود . باقی امره الاعلی الاعلی .

[متن حکم :]

حکم والا شد آن که چون عالی جناب متولی آستانهٔ سرکارفیض آثار امامزادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم به مضمون متن‌عرض ودرمقام‌استدعا برآمده لهذا حکم‌رفیع والا به‌نفاذ مقرون، امرومقررمی‌شود که کدخدا وسرهنگاهان[1]

---

۱. کذا .

قریهٔ شنستق وقفی براین موجب :

لطف علی خان/رسول/استاد حسن/کربلایی . . .

بعد ازحصول اطلاع وآگاهی برمضمون حکم رفیع منیع والا محصول آنجا را درکمال دقت جمع‌آوری نموده ، دررفع محصول آورده تحویل متولی مزبورداده که به مصرف مرمت زاویهٔ مقدسه برساند وبه‌احدی دخل وتصرف نکرده به طریقی که مقرر شده است معمول ومرتب داشته ، مقرر آن که عالی شان رفیع مکان خیرالحاج حاجی حسین افشار حسب المقرر معمول داشته ، ملك وقفی آستانهٔ متبرکه را به تصرف متولی داده ، هیچ وجه دخل وتصرف ننماید . درعهده شناسد .

تحریراً شهرربیع الثانی سنهٔ ۱۲۱۸ .

(۵۹)

فرمان مورخ ذ ح - ۱۲۱۹ از فتحعلی شاه قاجار بالای عرضه داشت میرابراهیم متولی درمورد ملا مهدی بزاز ولد ملا عبدالکریم که درنظارت آستانه دخالت می‌نموده وبنابر آنچه ازاین‌سند دانسته‌می‌شود جزحکمی که پیش‌تر از ولیعهد گرفته بود فرمانی نیزبرای خود از دربار شاهی ستانده ، وجزآن مبلغ دوتومان نقد ودو خروارشتری غله راکه برای‌رفع گفتگوواتمام دعوی وی به صیغهٔ مستمری برای‌وی درخواست شده بود(سند شمارهٔ ۵۷) ازمستمری آستانه بابت‌روشنایی که به‌متولی داده‌می‌شد برداشته بود. درفرمان شاه بااشاره به ارقام واحکام پیشین خود او دراین

باب ، به محمد علی میرزا صاحب اختیارقزوین (شاهزادهٔ دولتشاه) دستوررفع ید از وی داده شده است .

عرضه داشت کمترین بندگان دعاگو [میرابراهیم مرعشی متولی آستانه] تراب آستان معدلت بنیان راکحل الجواهر دیدهٔ اعتبار وتاج سرافتخار امیدواری خود ساخته ، بـه موقف عرض ایستادگان پایـهٔ سریر خلافت مصیر عرش نظیر بنـدگان سکندرشان دارا دربـان قیصرپاسبان سلیمان نشان اشرف اقدس ارفع اعلی روحی‌فداه می‌رساند که قربان خاك پای مبارکت شوم چون ازایام سابقه وسنوات سالفه اززمان سلطنت امیرتیمور گورکان وفرمانروایـان سلسلهٔ صفویـه الی الان وفرامین پادشاهان سلف ونوشته جات علمای عظـام وفضلای ذوالعزوالاحترام واهالی شرع‌شریف مطاع تولیت‌شرعی مزارآستانهٔ منورهٔ متبرکهٔ [. . .] با سلسلهٔ سادات مرعشی که‌آبا واجداد کمترین دعاگو بوده همیشه به‌خاکروبی‌آستان مطهره مشغول وواقف رحمه‌الله تولیت شرعی را نسلا بعد نسل وبطناً بعد بطن به‌آبا واجداد کمترین دعاگو گذاشته‌اند که به غیرازاین سلسله به قید لعنت نامه احدی دخل وتصرف درامورآستانهٔ مبارکه ننماید . ازابتداء بقعهٔ منوره الی الان به هیچ اسم ورسم احدی دخل وتصرف درامورات آستانهٔ متبرکه ننموده است . دراین اوقات ملا مهدی بزاز ولد ملا عبدالکریم که خارج سلسلهٔ سادات مرعشی‌بوده امررا برامنای دولت ابدمدت سلطانی مشتبه ، فـرمانی صادرکه متوجه شغل نظارت آستانهٔ منوره با او باشد وحال آمده در امورآستانه می‌خواهد دخل وتصرف نمایـد . چون این معنی خلاف شرط واقف وباعث اغتشاش آستانه می‌باشد درهیچ ایام‌آبا واجداد او درآستانهٔ منوره دخل وتصرف ننموده‌اند وعلاوه برآن مبلغ دوتومان تبریزی نقد ومقدار دوخروارشتری غله ازبابت روشنایی هذه السنهٔ سیچقان‌ئیل را عنفاً

از کمترین دعاگو گرفته است ، این معنی ازمروت بندگان حضرت ظل اللهی دور است که از ایام دولت امیرتیمور الی الان احدی دخل وتصرف در امور آستانـه ننموده ، دراین دولت جاوید مدت که بر همگی اهل ایران در کمال خوشی می گذرد ازدولت حضرت ظل‌اللهی پارچه نان کمترین‌را دیگری‌بدون حق‌حساب تصرف نماید. استدعا از کرم بی کران‌شاهانه والطاف ازحد افزون خسروانه‌آن است که رقم قضا شیم ازمصدر عزجاه به عهده وسرافرازی نواب مالك رقاب والا شرف صدور یابد که به حقیقت مراتب مزبوره رسیده چنانچه ملامهدی مزبور و آبا واجداد او درهیچ‌وقت درامورنظارت آستانهٔ منوره دخل وتصرف ننموده‌اند مبلغ دوتـومان دوخرواررا ازاو بازیافت وتسلیم کمترین دعاگونموده وقدغن فرماید که به هیچ‌قسم دخل وتصرف درامور آستانهٔ منوره ننماید که کمترین دعاگو مرفه الحال درآستانهٔ متبرکه مشغول دعاگـویی دوام دولت ابد مدت سلطانی باشم . چون مراتب واجب ، جسارت به عرض شد. باقی امرکم مطاع مطاع مطاع .

[متن فرمان :]

بسم الله شأنه العزیـز

الملك لله تعالی ـ حکم والا شد آن‌که قرهٔ باصره سلطنت محمدعلی میرزا صاحب اختیار دارالسلطنهٔ قزوین نظر به ملاحظهٔ مضمون عریضه وارقام مطاعهٔ سابقه که دردست عارض است کماکان تولیت آستانهٔ متبرکه معروضه را مخصوص سیادت پناه صاحب عریضه دانسته ، نگذارد که بیگانـه‌ای خارج از سلسله دخل وتصرف‌درامورنظارت وغیره آستانهٔ مزبوره نماید و آنچه دیگری به خلاف حق بـرده باشد بازیافت وعاید اوساخته ، قدغن نماید که به دستور

سابق وحکم ارقام سابقه دیگری تصرف در امور بقعهٔ مزبوره نکنند ودرعهده شناسند .

تحریراً فی شهرذی حجة الحرام سنهٔ ۱۲۱۹ .

(٦٠)

حکم مورخ شعبان ۱۲۲۲ ازشاهزاده علی‌نقی میرزا رکن الدوله فرزند فتحعلی شاه که ازسال ۱۲۲۲ تاپایان زندگی پدرخود (۱۲۵۰) بافترتی یکی دوساله حاکم قزوین بوده است[1] بالای عرضه‌داشت میرابراهیم‌متولی درباب‌موقوفهٔ شنستق که به نوشتهٔ عریضه درآن سال محصول آن را به آستانه نداده بودند ، خطاب به محراب خان .

سجع مهرشاهزاده دراین حکم چنین است :

« علی نقی گهرشاهیانهٔ شاهی است »

عرضه داشت کمترین بندگان [میرابراهیم متولی آستانهٔ متبرکهٔ منورهٔ شاهزاده حسین خلف ارجمند امام الانس والجن علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثنا] به ذروهٔ عرض مقیمان حضورسعادت دستوربندگان نواب مستطاب والا القاب مالك‌الرقاب عالمیان‌مآب ولی‌النعمی روحی‌فداه می‌رساند که قریهٔ شنستق من‌قراء بلوك رامند من‌جمله موقوفات آستانهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین ـ ع می‌باشد که همه ساله منافع قریهٔ مذکوررا بازیافت وصرف مرمت کاری آستانهٔ متبرکه می‌نمود ودرهذه‌السنه یونت‌ئیل رعایای قریهٔ مذکورمنافع ومحصول را نگاه داشته ، تمام وکمال تسلیم این کمترین بندگان ننموده‌اند .

---

۱ . رجال ایران بامداد : ۲ : ٤٩٦ .

استدعا ازمرحمت بی‌کران وعنـایت بی پایان نواب مستطاب والاآن است‌که رقمی ازمصدرعز وجاه عزنزول وشرف وصول پذیردکه رعایای قریهٔ مذکور محصولات‌آنجا را ازشتوی وصیفی تمام وکمال تسلیم این بندهٔ درگاه خلایق امیدگاه نمـوده‌که صرف تعمیرآستانهٔ مذکور شودکه هرآینه باعث حصول دعای خیربه جهت ذات اقدس بندگان ظل‌اللهی وبندگان نواب مستطاب والا خواهد شد . باقی امرکم الاعلی الاعلی مطاع مطاع .

[متن حکم :]

حکم والا شد آن‌که چون عالی جناب متولی‌آستانهٔ سرکارفیض آثار امام زادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم به شرح متن عرض ودرمقام استدعا برآمده است لهذا حکم رفیع اشرف والا شرف نفـاذ می‌گردد که‌کدخدایان وریش سفیدان ورعایای قریهٔ شنستق وقف مزار براین موجب :

لطف علی خان/رسول/استاد حسن/کربلایی محمد ویردی/محمد خان /میرزا محمد

بعد از وصول رقم قضا شیم وحصول‌آگاهی ازمضمون قدرنمون‌آن محصول آنجارا درنهایت دقت جمع ودررفع محصولات شتوی وصیفی‌آورده تحویل عالی‌جناب متولی مزبورداده‌که به‌مصرف مرمت زاویهٔ مقدسهٔ متبرکه رساند. مقررآن‌که عالی‌جاه رفیع جایگاه اخلاص وارادت‌انتباه محراب‌خان به‌نحوی که مرقوم ومقررشده است معمول ، بهره چه محل مزبوررا قـدغن نموده‌که تمام وکمال در رفع محصول‌آورده ، تحویل متـولی مزبور ساخته ، درعهده شناسد .

تحریراً شهرشعبان سنهٔ ۱۲۲۲ .

(٦١)

فرمان مورخ ع ١ ـ ١٢٢٣ از فتحعلی شاه بـالای عرضه داشت سید ابراهیم متولی آستانهٔ شاهزاده حسین . ازمتن عریضه مستفاد می‌شود که در پیرامون سال ١٢١٢ تیره‌ای از کردها را به‌قزوین کوچانیده وبنا به مرسوم قدیم آنان‌را میان ساکنان محله های شهر تقسیم نموده بـودند . از آن جمله بهره وسهم محلهٔ پنبـه ریسه راکه خانهٔ سید ابراهیم متولی درآنجا بود درهمین خانه سکنی داده وبـا آن که طبق مقرربنا بر آن بوده است که تنها یك سال منزل اودر اختیار آنـان باشد تا تاریخ عریضه که مدت ده سال بـود همچنان درآنجا اقامت داشتند[١].

درفرمان فتحعلی شاه به محراب خان افشارنایب الحکومهٔ قزوین دستورداده شده‌است دربارهٔ قرارداد متولی بادیگر اهل محل تحقیق نموده وازآن قرارمعمول دارد[٢].

عرضه داشت کمترین بندگان [سید ابـراهیم متولی آستانهٔ منورهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین علی تحیة والثنا الف الف] . تراب آستان معدلت بنیان را کحل الجواهر دیدهٔ اعتبار وتاج سرافتخار امیدواری خود ساخته ، به موقف

---

١ . ازاین سند تاریخ کوچانیدن کردها به قزوین ـ که درمینودر(٨٥٤-٨٥٦) نامعلوم دانسته واحتمالات ووجوه مختلفی درباب آن ذکرنموده است ـ دانسته می‌شود . تفصیل طوایف کرد قزوین درهمین مأخذ : ٨٥٦-٨٥٧ هست .

٢ . درعریضه از محراب خان با عنوان «نایب» ودرفرمان با عنوان «حاکم» یاد شده است (دیباچه سند شمارهٔ ٦٠ دیده شود) .

عرض ایستادگان پایهٔ سریرعرش نظیر بندگان اعلی حضرت قدرقدرت قضا بطنت سکندرشان سلیمان نشان جم فرمان کی دربان قیصرپاسبان اقدس ارفع اعلی روحی فداه می‌رساند که قربان خاك پای جواهر آسای مبارکت شوم چون به علت کردی درهرمحله قرارادی به جهت خانه نزول مجله نموده‌انـد وازجمله درمحلهٔ پنبه ریسه قرارداد چنین است که هرسه چهارخانه یك‌خانوار را جا ومکان بدهند وکمترین دعاگو بـا دو سه نفر دیگر که بایست به شراکت یکدیگریك‌خانه به ایلات کردی بدهم وخانهٔ کمترین‌را خالی‌نموده به تصرف ایشان داده وقرارداد فی ما بین چنین شده که یك سال کمترین دعاگو جا داده، بعد را شرکاء هریك بـه قدرحصهٔ خود جا بدهند وحال مدت ده سال می‌باشد که کردی درخانهٔ کمترین‌مسکون وشرکاء به‌هیچ‌باب به‌ایشان‌جا نداده ودیناری هم به علت کرایه شرکاء به کمترین نداده‌اند وخانهٔ کمترین بالمره خـراب شده است. استدعا ازمکرمت بی کران شاهی آن است که فرمان مبارك مطاع آفتاب شعاع به سرافرازی عالی‌جاه رفیع‌جایگاه محراب‌خان نایب دارالسلطنهٔقزوین شرف صدور یابد که بـه حقیقت مراتب معروضه رسیده ، خانـهٔ کمترین را به تصرف کمترین داده، ازقراری که کمترین جا داده‌ام سایرشرکاء نیزموافق رسد خود خانواررا برده درخانهٔ خود جا داده باشند . چون مراتب مـزبور واجب بود جسارت به عرض شد . باقی امرکم الاشرف المطاع مطاع مطاع .

[متن فرمان :]

بسم الله شأنه العزیز

الملك لله تعالی ـ حکم همایون شد آن‌که چون سیادت پناه صاحب عریضه به شرح مسطورمتن‌عرض واستدعا نموده است لهذا امرومقررمی‌شود

که عالی جاه معلی جایگاه شهامت وبسالت انتباه اخلاص واراوت آگاه عمدة الخوانین العظام محراب خان افشارحاکم دارالسلطنهٔ قزوین به حقیقت مراتب معروضه رسیده ، ازقراری که اهالی محله با صاحب عریضه قرارداد کرده‌اند قدغن نموده که ازتعهدی وقراردادی خود تجاوزننموده ، ازآن قراربا صاحب عریضه رفتار نمایند . دراین باب قدغن لازم ، رفع تعدی واجحاف ازصاحب عریضه نموده باشد ودرعهده شناسد .

تحریراً شهرربیع الاول سنهٔ ۱۲۲۳ .

(٦٢)

حکم شاهـزاده علی نقی میرزا رکن الدوله مورخ رجب ۱۲۲٦ خطاب به‌آقا محمد حسین کدخدای محلهٔ پنبه ریسهٔ قـزوین در باب خانهٔ سید ابراهیم متولی‌آستانهٔ شاهزاده حسین که به شرح سند پیش « خانه نزول » درآن سکنی گزیده وبیرون نمی‌رفته است . ازمتن فرمان برمی‌آید که سید ابراهیم نزد عبدالله میرزا دارا فرزند دیگرفتحعلی‌شاه که ازسال ۱۲۲٤ به بعد حاکم خمسه بود[1] به زنجان رفته وازاوتوصیه‌ای برای خود به عنوان علی‌نقی میرزا ستانده بود وحکم شاهزاده نیز براساس توصیهٔ برادرصدور یافته است .

سجع مهرعلی نقی میرزا دراین حکم چنین است :

« افوض امری الی الله عبده علی نقی »

۱ـ رجال ایران بامداد ۲ : ۲۹۳ و۳ : ۳۲۲ .

حکم والا شد آن که عالی شان معلی مکان سلالة الاعیان آقا محمد حسین کدخدای محلهٔ پنبه ریسه بداند دراین وقت فروزان اختر برج عظمت وتاج داری برادر نامدارکامکارصاحب اختیارخمسه درباب خانهٔ سلالة السادات الکرام سید ابراهیم متولی آستانهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم شاهزاده حسین خواهشمند گردیده است که ازدست خانه نزول گرفته تسلیم ومن بعدرا نیزازهرجهت معاف ومسلم بوده ، احدی پیرامون خانهٔ مزبور نگردد . ازاین که مراعات جانب سادات عالی درجات منظورنظرمرحمت بینات وخواهش برادرارجمندکامکاردوستی آیات دراین است خانهٔ مزبورخالی شود لهذا حکم رفیع منیع مطاع به عزنفاذ مقرون گشته ، مقررمی‌شود که بعدازحصول اطلاع ازمضمون قدرنمون رقم قضا شیم مرحمت مشحون مطاع خانهٔ مزبوررا به هر کس ازایلات داده وساکن ساخته باشند پس گرفته وسکنهٔ آنجارا حرکت داده درجای دیگرساکن وخانه را به دست سید ابراهیم سپرده ، به خاطرجمعی واطمینان تمام مسکون گشته ، به‌امیدواری وافربه دعای بقای عمر ودولت جاوید عدت خسروی ظل‌اللهی روحی‌فداه ونواب والا مشغول باشند. البته ازقرازی که حکم ومقررشده است معمول ومرتب داشته ، تخلف جایزندانند . مقررآن که ریش‌سفیدان وجمهورسکنهٔ محلهٔ مزبورحسب‌المقررمرتب دارند . کوتاهی را مورد مؤاخذه وبازخواست عظیمه دانند ودرعهده شناسند .

تحریراً شهررجب سنهٔ ۱۲۲۶ .

(۶۳)

حکم شاهزاده علی نقی میرزا رکن الدوله مورخ ج ۲ ـ ۱۲۲۸ درتفویض تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین به سید

ابـراهیم متولی قدیمی با همهٔ ملزومات آن . درمتن فرمان اشاره شده که درآن‌اوقات کسی به عنوان نظارت درامور آستانه دخالت کرده وحکمی نیز ازاو ستانده بود .

حکم والا شد آن‌که چون ازایام قدیم امرتولیت آستانهٔ متبرکهٔ منورهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم شاهزاده حسین علیه وعلی‌آبائه الف التحیة والثنا متعلق بـه‌آبا واجداد عالی جناب مقدس القاب میرابراهیم متولی بـوده واحدی دیگربه علت تولیت ونظارت ورتق وفتق سایرجهات درآستانهٔ متبرکه دخیل نبوده است ودراین اوقات بعضی ازاجانب که اصلا وقطعاً هرگز دخلی در امرتـولیت ونظارت وسایرامورات آستانهٔ منوره نکرده ونداشته‌اندآمده به ادعای نظارت خود را در امورات آنجا دخیل ورقمی نیـزمشتبهاً ازسرکار والا صادرنموده بودند به این‌علت اغتشاش کلی‌درامر آستانه راه یافته بود. بناء علیه حکم رفیع منیع والا به عزنفاذ مقرون می گردد ومقررمی‌شودکه عالی جناب سیادت ونجابت‌مآب میرزا ابراهیم متولی قدیمی آستانهٔ منوره خود راکماکان متولی‌بالانفرادآنجا دانسته ، دررتق وفتق مهمات آنجا لوازم جد وجهد به‌عمل آورده، احدی‌را سوای خود دخیل‌درامر آستانهٔ منوره‌نداند وآنچه‌ازملزومات آستانه است ازقبیل تعیین نمودن و[1]قاری کلام الله وسایرخدام وعـزل ونصب آنها وتعمیرات جزئی بقعهٔ منـوره ومفروش نمودن روضهٔ مطهره وافـروختن شمـع وچراغ درلیالی وجاروب کشی آستانه همگی را موافق ضابطه وقـاعده به‌رونق انداخته، دقیقه‌ای خودرا ازاموربقعهٔ منوره معاف‌ندارد ودخل وتصرف به احدی از اجانب نداده ، همگی ملزومات آنجا را بروفق قاعدهٔ متـولی گری منسق ومضبوط‌نماید وروشنایی ونذورات ومداخل موقوفات آنجارا به‌طریقی

---

۱. واو دراصل هست وزاید است .

که درسنوات ماضیه می گرفته بازیافت وحصهٔ هریك ازخدام را بدون کسر ونقصان مهم سازی نموده ، تتمه را به قسمی که صلاح آستانه است به‌مصارف لازمهٔ‌آنجا بدون مدخلیت غیررسانیده ومخارج خودرا به طریق سنوات‌سالفه گذرانیده ، بروجه احسن رفتار نماید .

مقررآن که عالی جاهان رفیع جایگاهان مستوفیان سرکار وعالی شانان عمال خجسته اعمال وکدخدایان دارالسلطنهٔ قزوین عالی جناب مشارالیه را متولی وناظر بالانفرادآستانهٔ متبرکه دانسته ونقد وجنس روشنایی‌آستانه را از قرارقبض عالی‌جناب مشارالیه‌کارسازی‌نمایند که به‌مصارف لازمهٔ‌آستانه‌رسانیده واحدی را سوای او درامرآستانهٔ منوره دخیل ندانند ودرعهده شناسند .

تحریراً شهرجمادی الثانی سنهٔ ۱۲۲۸ .

(٦٤)

عقد نامهٔ مورخ سه شنبه ۷ ع ۱ ـ ۱۲۳۰ که بنا برمفادآن میرزا موسی فرزند مرحمت پناه حاجی میرعبدالعظیم مشهوربه حاجی‌آقا میرمتولی شاهزاده حسین با دخترسید ابراهیم متولی به صداق یاد شده درمتن سند (ازجمله دو زیوار ازقریهٔ رشتقون قهپایه) ازدواج‌نموده است، باسجل ومهر«یا محمودآکل افعاله» که اجراء عقد به عهدهٔ اوبود. درمیان عقد نامه‌ها وصداق نامه‌های این خاندان ، این یك سند چون ازدونظردربررسی تاریخ تولیت‌آستانه سودمند بود مفادآن به همین مقدارنقل وعکس‌آن گذاشته شد .

استدعانامچهٔ میرابراهیم ومیرزا موسی که مربوط بهمین سنوات است. در آن گفته می‌شود که تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین با میرعبدالعظیم بوده که سپس به میرمحمد نصیر ومیرمحمد ابراهیم رسیده ودوتن یاد شده از اولاد واحفاد اینان بوده‌اند . نیزاشاره می‌شود که برخی معاندین دراین ایام امررا بربعضی ازفضلاء مشتبه نموده ودر امر تولیت مداخله می کنند . با تصدیق محمد خلیل حسینی از علماء همین دورهٔ قزوین :

بـه شرف عرض مقدس عالی می‌رساند که ازقدیم الایام الی حال تولیت مزار کثیرالانوار آستانهٔ متبرکهٔ منورهٔ امامزادهٔ واجب‌التکریم والتعظیم شاهزاده حسین دارالسلطنهٔ قزوین علیه وعلی‌آبائه الف الف الثناء اباً عن جد بامرحمت وغفران‌پناه آقامیرعبدالعظیم مرعشی بوده وبعدازفوت اوبه مرحمت وغفران پناهان میرنصیر ومیرمحمد ابراهیم بوده که لیلا ونهاراً به خاك روبی آستان ملایك پـاسبان مشغول واحدی درخدمت مزبوره هیچ وقتی از اوقات شریك وسهیم ودخیل نبوده وامـر تولیت منحصر به مرحمت وغفران پناهان مزبور داشته وکمترین از اولاد واحفاد ایشان می‌باشم وحال بعضی ازمعاندین درخدمت بعضی فضلاء ذوی العز والاحترام امررا مشتبه نموده ، می‌خواهند که دخل تصرف درامورتولیت کمترین نموده باشد . مستدعی چنان است که آن چه برملازمان عالی محقق ومشخص شده وبه خاتم شریف مختوم بفرمایند که عندالله وعند الرسول ضایع نخواهد شد . باقی امرکم مطاع .

[گواهی بالای سند :]

هو ـ ثابت ومحقق ومعمول ومستمر است که تولیت آستانهٔ ملایك آشیانهٔ حضرت حسین بن علی بن موسی الرضا اباً عن جد خلفاً عن سلف متعلق به سلسلهٔ جلیلهٔ سادات رفیع الدرجات مرعشی آباء کرام میرعبدالعظیم واولاد واحفاد ایشان بوده است که دراین وقت بلا مشارکت ومساهمت احدی متعلق ومفوض است به عالی حضرات رفیعی الدرجات سلالتی السادات میرمحمد ابراهیم ومیرزا موسی . حرره الداعی لابود الدولة القاهره [مهر:] الراجی محمد خلیل بن محمد شفیع الحسینی

(٦٦)

گواهی وتصدیق محمد تقی بن محمد باقر حسینی از دانشمندان قزوین در آن دوره بالای عرضه داشت میرابراهیم ومیرزا موسی درباب تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین واین که پیش ازاین دو باآبا واجداد ایشان میرمحمد نصیر ومیرمحمد ابراهیم بوده است ، به شرح سند پیش :

هو

به شرف عرض مقدس عالی می‌رساند [میرابراهیم ومیرموسی] که‌از ایام‌قدیم الی‌حال تولیت مزار کثیرالانوار آستانهٔ متبرکهٔ منورهٔ امامزادهٔ واجب التکریم والتعظیم شاهزاده حسین دارالسلطنهٔ قزوین علیه وعلی‌آبائه الف‌الف الثناء اباً عن جد بنا مرحمت وغفران پناه میرمحمد نصیر ومیرمحمد ابراهیم بوده‌که لیلا ونهاراً به خاك‌روبی آستان‌ملایك آشیان مشغول واحدی درخدمت مزبوره هیچ وقتی ازاوقات شریك وسهیم ودخیل نبوده وامرتولیت منحصربه

مرحمت وغفران پناهان مزبوران داشته وکمترینان از اولاد واحفاد ایشان می‌باشیم وحال بعضی ازمعاندین درخدمت بعضی‌ازفضلاء ذوی العزوالاحترام امررا مشتبه نموده ، می‌خواهند که دخل وتصرف درامرتولیت کمترین نموده باشند. مستدعی چنان‌است که‌آنچه برملازمان‌عالی محقق ومشخص شده‌است قلمی وبه خاتم شریف خود مزین ومختوم فرمایند که عند الله وعند الرسول ضایع نخواهد شد . باقی امره العالی .

[گواهی بالای سند :]

هو- به شرحی که درمتن قلمی گردیده بیان واقع وازقدیم الایام الی الان شرعاً تولیت مزار کثیرالانوار اباً عن جد بدون دخل وتصرف احدی با اجداد سلا(لتی) السادات صاحب صحیفه بوده ودخل وتصرفی به غیرسادات مرعشی درتولیت امامزادهٔ واجب التعظیم نکرده است. حرره الداعی [مهر:] الراجی محمد تقی بن محمد باقر الحسینی .

(٦٧)

گواهی وتصدیق«محمد رضا الحسینی» یکی دیگرازعلماء قزوین بالای عرضه داشت متولیان یاد شده که متن عرضه داشت با متن پیش یکی است وازاین رو نقل نمی‌شود . چنین است متن کوتاه گواهی بالای‌آن .

هو- تولیت بقعهٔ مرقومه اباً عن‌جد در یدسادات مرعشی‌بوده ودرتصرف ایشان بوده ، واضح ومبرهن است. حرره العبد الاقل [مهر:] عبده محمدرضا الحسینی .

(٦٨)

حکم مورخ شوال ١٢٣٦ ازشاهزاده علی‌نقی میرزا رکن الدوله درواگذاردن‌نظارت ومباشرت‌امورآستانهٔ شاهزاده حسین به میرنعمت الله ، با اشاره به نوشته‌جات علماء در این بـاب . ازمتن حکم برمی‌آیدکه امورآستانـه درآن اوقات ازهرنظر بسیار درهم ریخته بوده است :

حکم والا شد آن‌که عالی جناب مقدس القاب سلالة السادات الکرام میرنعمت الله بـداندکه به جهت انتظام امور سرکار امام زادهٔ واجب التعظیـم والتکریم شاهـزاده حسین علیه الف التحیة والتحسین وجود احدی‌که به امر علماء دین مبین تواند امر به معروف ونهی ازمنکر کند وموقوفات بقعهٔ سرکار فیض‌آثاررا از ید عدوان وغصب غیرانتزاع واسترداد نموده ، منافع‌آنهـا را به اطلاع واستصواب گماشتگان حکام شرع مطاع صرف حجرات وبقعه نماید ضرورو به‌کار، وآن عالی‌جناب به این‌صفات موصوف وبه زیورامانت ودیانت آراسته وبه امر واذن عالی جنابـان مقدس القابان مجتهدین رضوان الله علیهم اجمعین به موجب نوشتهٔ ممهورهٔ ایشان مأموربه انضباط امورآنجا گشته است لهذا رقم مطاع به مفاخرت‌آن عالی جناب عزاصداریافته مقررمی گردد که بعد ازحصول‌آگاهی واطلاع ازمضمون حکم مطاع خود را مباشرمهام‌آن سرکار دانسته ، ازقرارنوشتهٔ ممهورهٔ مجتهدین که دردست دارد امورآنجا را مضبوط داشته ، از موقـوفات‌آنجا در دست هرکس باشد انتزاع نموده ، بـه اطلاع واستصواب عالی جناب مقدس القاب جامع المعقول والمنقول حاوی‌الفروع والاصول‌آخوند ملا محمد صالح به مصرف تعمیروغیره مصارف بقعه وخدام

رسانـد . چنانچه کسی نبش قبر کند تنبیه وتأدیب نموده ، مانع مرتکبین این عمل شود که تعظیم شعائرالله به عمـل آمده ، به هیچ وجه منقصتی درامر آنجا ظاهرنشود . درعهده شناسد .

تحریراً فی شهرشوال سنهٔ ۱۲۳۶ .

(٦٩)

حکم شاهزاده علی نقی میرزا رکن الدوله مورخ محرم ۱۲۳۷ درواگذاردن تولیت ونظارت آستانهٔ شاهزاده حسین به میرنعمت الله ، با اشاره به اغتشاش بسیار امورآستانـه ومداخل ومنافع موقوفات آن :

حکم والا شد آن که عالی جناب سلالـة الاطیاب والانجاب نتیجة السادات سیـد نعمت الله بداند که چون به عرض اشرف رسید که امور بقعـهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم شاهـزاده حسین بسیار مغشوش ، ومداخل ومنـافع موقوفات آنجا به مصرف حسابی آنجا نمی‌رسد ، از این که وجود احدی که به حلیهٔ امانت ودیانت وپاکی محلی بـاشد واز عهدهٔ انتظام وانتساق آنجا برآید ضرور وبه‌کار وآن عالی‌جناب به صفات کاردانی موصوف وخوش کردار واین معنی ازناصیهٔ احوال اوظاهر وهویداست ، لهذا ازابتداء هذه السنهٔ ثیلان ئیل خیریت دلیل تـولیت بقعهٔ مزبوررا به علاوهٔ نظارت به‌آن عالی جناب مفوض فرمودیم که ازاین بعد خودرا متولی‌بالاستقلال بقعه وناظربالانفرادآنجا دانسته به اذن کارگذاران سرکارخود را مختارامورات بقعه دانسته ، موقوفات آنجارا در دست هرکس باشد به اطلاع کارگذاران سرکار ضبط نموده به اجاره دهـد وخدمه که اززیارت نامه خوان وفراش وجاروب کش وغیره ضرور بکار باشد مردمان متدین تعیین وهمه شب الی دوساعت درآنجا به سربرده ، درروشنایی

وسایرموارد خدمتگزاری خودداری نکند. مداخل ومنافع موقوفات ومواجب خدام وسایر اخراجات را به استصواب کارگزاران سرکار ضابطه کرده ، به مصارف لازمهٔ آنجا وخدام رساند . درعهده شناسد .

تحریراً فی شهرمحرم الحرام سنهٔ ۱۲۳۷ .

(۷۰)

حکم شاهزاده علی نقی میرزا رکن الدوله مورخ صفر ۱۲۳۸ در واگذاردن تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین که از قرار تصدیق امناء شرع انور باآبا واجداد میرابراهیم متولی بود به او:

حکم والا شد آن که چون ازایام قدیم امرتولیت آستانهٔ متبرکهٔ منورهٔ عرش درجهٔ امام زادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم شاهزاده حسین علیه وعلی آبائه الف التحیة والثنا ازقرارتصدیق امنای شرع انور اباً وعن جداً متعلق به عالی جناب مقدس القاب سید ابراهیم متولی بوده واحدی ازغیر به علت تولیت ونظارت ورتق وفتق وسایرمهمات آن آستانهٔ متبرکه دخل وتصرفی نبوده است بناء علیه حکم اشرف ارفع والا به عز نفاذ مقرون می گردد ومقرر می‌شود که عالی جناب مقدس القاب سیادت ونجابت مآب سید ابراهیم متولی قدیمی آستانهٔ منوره خود راکماکان متولی بالاستقلال والانفراد دانسته ، دررتق وفتق مهمات آن آستانهٔ مقدسه لوازم جد وجهد به‌عمل آورده ، احدی‌را سوای خود دخیل درامر آستانهٔ منوره نداند وآنچه ازملزومات آستانه است ازقبیل تعیین نمودن قاری کلام‌الله وسایرخدام وعزل ونصب آنها وتعمیرات‌جزئی بقعهٔ‌منوره ومفروش‌نمودن روضهٔ مطهره وافروختن‌شمع وچراغ درلیالی وجاروب کشی

آنجا را موافق ضابطه وقاعده بـرونق انداخته ، دقیقه‌ای خود داری وتعلل در خدمات آستانهٔ متبر که جایزندارد وروشنایی ونذورات ومداخل موقوفات آنجا را به طریقی که در سنوات سابق می گرفته بـازیافت وحصهٔ هریك از خدام را بدون کسر ونقصان [عاید] نموده، تتمه را به‌قسمی که صلاح آستانه است بدون مدخلیت غیر بـه مصرف لازمهٔ آنجا رسانیده ومخارج خود را به طریق سابق گذرانیده رفتار نماید .

مقـرر آن که عالی جاهان رفیع جایگاهان مستوفیان سرکار وعالی شانان رفیع مکانان کلانتر وسررشته‌داران وعمال وکدخدایان دارالسلطنهٔ قزوین عالی جناب مشارالیه را متولی بالانفراد آستانهٔ متبر که دانند . نقد وجنس روشنایی آستانه را قبض بازیافت وبه مشارالیه‌کارسازی نمایند ودرعهده شناسند .

تحریراً شهرصفرالمظفرسنهٔ ۱۲۳۸ .

(۷۱)

سواد اجاره نامهٔ چهار دانگ وقفی قریهٔ شنستق رامند که آن را حاجی محمد حسین افشار از آقا میرابراهیم ملقب به‌آقا متولی آستانهٔ شاهـزاده حسین اجاره نمـوده است مـورخ رجب ۱۲۳۸ . با سواد سجل حاجی میرزا تقی شیخ الاسلام وملامهدی بن ملا عبدالعلی ازدانشمندان آن دورهٔ قزوین. باید توجه داشت که این سواد مصدق نیست ومعلوم نیست اصلی درست ومعتبرداشته است یا نه ؟

به اجارهٔ شرعیه قبول نمود عالی جاه رفیع جایگاه کهف الحاج حاجی محمد حسین افشار ازعالی حضرت رفیع منـزلت آقا میرابراهیم ملقب به آقا متولی آستانهٔ منورهٔ شاهـزاده حسین علیه السلام تمامی چهار دانگ وقفی از

جمله شش دانگ قریهٔ شنستق رامند را باکافهٔ توابع آن از اراضی ، صحاری ومزارع وقنات ودهکده وسایرما . . . بقدرالحصه ازابتدای نوروز فیروز هذه السنهٔ تخاقوی‌ئیل الی‌انقضاء مدت پنج‌سال‌کامل که عبارت ازرفع پنج‌محصول بوده باشد به مال الاجارهٔ مقدار هفتاد خروار دیوانی غله‌که عالی جاه مستأجر هرسالی مقدارچهارده خروارغله بار کرده ، بدون ادعای‌آفت ارضی وسماوی مهم سازی موجرنماید . وعقد اجاره جاری شد .

مقرراً حواله جات دیوانی ازمالیات وصادرات ولایتی ازقبیل حفر قنـات درعهدهٔ عالی جاه مستأجراست وچنانچه عالی جاه مستأجر درادا‌ء مال‌الاجارهٔ مزبوره درهرسالی تعلل نماید اختیار فسخ اجاره با موجر مذکور است . این چندکلمه برسبیل حجت قلمی گردید .

تحریراً فی شهررجب المرجب سنهٔ ۱۲۳۸ .

(۷۲)

فرمان مورخ شوال۱۲۳۸ازفتحعلی شاه بالای عرضه‌داشت سید ابـراهیم متولی آستانهٔ شاهـزاده حسین که درآن از خانبابا خان که قدری ازمستمری اوکاسته بود شکـوه کرده است. خطاب به امام ویردی میرزا صاحب اختیارقزوین. امام ویردی میرزا[۱] فرزند فتحعلی شاه وبرادر اعیانی علی نقی‌میرزا رکن‌الدوله در دوسال۱۲۳۸-۱۲۳۹ که برادرش به حکومت خراسان گمارده شده بود عهده دار حکومت

---

۱ . سرگذشت او دررجال ایران بامداد ۱ : ۱۶۲-۱۶۳ /مجمع الفصحاء هدایت۱ : ۵ . چاپ مصفا / ناسخ التواریخ قاجاریه ، چاپ سنگی ۱ : ۳۱۹ /مکارم الاثار۲ : ۴۰۰ ومآخذی که درفرهنگ سخنوران : ۲۰۵ یاد شده است دیده شود .

قزوین بود[1]. ازسندحاضربرمی آید که خانباباخان ـ سردار حسن‌خان ایروانی ـ نیزدرسال‌های ۱۲۳۶ـ۱۲۳۷ درمنصب متصدی امور شاهزاده علی نقی میرزا نایب الحکومهٔ این شهربوده است[2].

عرضه داشت کمترین داعی [سید ابراهیم متولی شاهزاده حسین مدفون درقزوین] تراب آستان معدلت بنیان را کحل‌الجواهر دیدهٔ امیدواری خود ساخته ، به موقف عرض باریافتگان حضور آفتاب ظهور اعلی حضرت قدر قدرت قضا بسطت کیوان رتبت برجیس منزلت سکندرحشمت دارا درایت افراسیاب‌شوکت جمشیدرایت جم‌جاه خدیو گیتی‌ستان روحی وروح‌العالمین فداه می‌رساند که قربان خاك‌پای توتیا آسای مبارکت شوم اززمان پادشاهان سلف الی‌دولت دوران‌عدت شاهنشاهی مبلغ هیجده تومان کسری نقد ومقدار بیست‌پنج خروارتبریزی ازبابت مالیات دارالسلطنهٔ مزبوراجداد کمترین داعی وسایرخدام روضهٔمتبرکهٔ شاهزاده‌حسین علیه‌آلاف‌تحیة والثناء موظف بوده‌اند.

[متولی : نقد ـ ده تومان/جنس ـ ۱۵ خروار

عملهجات : نقد ـ هشت تومان و۲هزارو۵۰۰ دینار/جنس ـ ۱۰خروار]

خدمت مزبوربطناً بعد بطن به این داعی رسیده . دراین اوقات که خان‌باباخان متصدی امر شاهزادهٔ اعظم شده دست تعدی وظلم را نسبت به این داعی دراز کرده ، دراین دوسال یك صد بیست . . . باج اقلی به عنوان شلتاق گرفته وقدری ازمدد معاش داعی وخدام را قطع کرده به غیرداده است واوضاع این داعی‌را بالمره پریشان ساخته است واگرچه تنخواه نقد وجنس درديوان‌اعلی

---

۱. رجال ایران بامداد ۱ : ۱۶۲ .

۲. سرگذشت اورا دررجال ایران ۱ : ۳۲۹ـ۳۳۳ می‌توان دید .

به حال خود باقی است لیکن در ولایت درمقام اضرار واذیت داعی می‌باشد . استدعا ازمـرحمت بی‌کران قبلهٔ عالم وعالمیان‌آن است‌که فـرمانی ازمصدر شوکت صادرشودکه وظیفهٔ این داعی را تمام وکمال عایدکمترین کرده ، به دعای دولت سلطانی مشغول باشد . باقی امره الاشرف الاعلی الاعلی الاعلی .

[متن فرمان :]

بسم الله تعالی شأنه العزیز

الملك لله تعالی ـ حکم همایـون شد که قرهٔ باصرهٔ خلافت‌کبـری وغرهٔ ناصیهٔ سلطنت‌عظمی خجسته فرزندمسعود نامدارامام‌ویردی میرزا صاحب اختیار دارالسلطنهٔ قزوین به عنایت شاهانه قرین مفاخرت بی‌کران بوده بـداند که چون عالی‌جناب صاحب‌عریضه به‌شرح مسطورمتن‌عرض ودرمقام استدعا بـرآمده است ورعایت جانب سادات عالی درجات منظورنظـر معدلت گستر می‌باشد لهـذا مبلـغ هیجده تومان ودوهزار وپانصد دینـار تبریزی نقد ومقدار بیست پنج خروار بـه وزن تبریزجنس ازبابت مالیات قزوین‌که به صیغهٔ وظیفه دروجه عارض وخدام برقراربوده درمعاملهٔ هذه السنهٔ قوی ئیل خیریت تحویل وما بعدها کماکان در وجه او وخدام روضهٔ متبـرکهٔ شاهزاده حسین هذه السنه ومابعده برقراروعنایت فرمودیم‌که همه‌ساله بازیافت وصرف‌معاش خودنمایند. آن‌فرزند نامدارمبلـغ ومقدارمزبوررا هرساله دروجه اوکارسازی ومعطل ندارد که‌آسوده خاطر به دعای دوام دولت مشغول باشد . تخلف جایزندانسته ، در عهده شناسد .

تحریراً فی شهرشوال سنهٔ ۱۲۳۸ .

(۷۳)

فرمان فتحعلی‌شاه مورخ ذ ح-۱۲۳۸ خطاب به‌امام ویردی میرزا بالای عرضه داشت میرنعمت الله . در عرضه داشت آمده است که سید مزبور با رقم علی‌نقی میرزا ناظر آستانهٔ شاهـزاده حسین بوده ومبلغ ده تومان نقد وپنج خـروار جنس مواجب داشته ، واکنون استدعا دارد فرمانی دراین باب به عنوان حاکم جدید امام ویردی میرزا صادرشود . درفرمان‌شاه بااشاره به محضر واستشهادی که به مهرعلماء قزوین دراین‌مورد دردست سید بوده است به امام ویردی میرزا دستورداده شده مبلغ ومقدارمستمری اورا بااطلاع حاجی ملا عبدالوهاب مجتهد به وی عاید سازند .

عرضه داشت کمترین بندگان [اقل‌السادات میرنعمت الله] تراب آستان معدلت‌بنیان راکحل‌الجواهردیدهٔ امیدوار وافتخارخود ساخته به موقف عرض شرف یافتگان انجمن حضور ومستعدان پایهٔ سریرسلطنت معدلت دستوراعلی حضرت قدرقدرت مریخ صولت کیوان رفعت پادشاه جم جاه ظل الله روحی وروح العالمین فداه می رساند که قربان خاك پای جواهرآسای مبارکت شوم

کمترین بندگان ناظرسرکارحضرت شاهزاده حسین ومبلغ هیجده تـومان ودوهزاروپانصد دینارنقد ومقداربیست وپنج‌خرواربه وزن‌تبریزجنس به سرکار معصوم‌زادهٔ مزبورموافق سررشتهٔ دفتری‌برقراروومبلغ ده تومان نقد وپنج‌خروار جنس‌ازبابت حق‌النظاره‌ازقراررقم‌نواب‌مستطاب علی‌نقی‌میرزا دروجه‌کمترین بندگان برقراربوده ، هرساله بازیافت وصرف‌اخراجات خود می‌نموده به‌شغل نظارت خود اقدام داشت . لهذا التماس واستدعا ازمراحم فزون ازحد وحصر

قبلهٔ عالم چنان‌است که فرمان قضا آثار برعنوان عریضهٔ کمترین دعاگار به افتخار نواب مستطاب شاهزادهٔ اعظم امام ویردی میرزا شرف اصدار که مبلغ ومقدار مزبوررا در وجه کمترین بندگان برقرار دانسته ، به متولی قدغن نموده که هر ساله کما فی‌السابق در وجه کمترین مستمروکارسازی نموده که درنهایت فراغت صرف اخراجات خود نموده ، بـه دعای دوام دولت اشتغال ورزد . امـر کم الاقدس الاشرف الاعلی مطاع .

[متن فرمان :]

بسم الله تعالی شأنه العزیز

الملك لله تعالی ـ حکم همایون شد که اختر فرخندهٔ برج جلالت علیه و گوهر زیبندهٔ درج خلافت بهیه ، خجسته فرزند ارجمند مسعود نـامدار امام ویـردی میرزا صاحب اختیار دارالسلطنهٔ قزوین به عنایات شاهانه مفتخر ومباهی بوده ، بداند که چون عالی‌جناب صاحب عریضه به شرح مسطورمتن عرض ودر مقام استدعا برآمده است مبلغ ده تـومان تبریزی نقد ومقدار پنج خروارجنس از حق النظاره که در وجه اومستمر وبرقرار بود ومحضری هم به مهرعلمای آنجا در دست داشت لهذا مبلغ ومقدارمزبوررا درمعاملهٔ هذه السنهٔ قوی ئیل وما بعدها کماکان در وجه او عنایت ومرحمت فرمودیم که همه سالـه بازیافت وصرف معاش خـود ساخته ، به دعای دوام دولت ابدی آفتـاب مدت اقدام نماید . آن فرزند نامدار قدغن نماید که مبلغ ومقدار مـزبوررا با اطلاع مجتهد الزمانی حاجی ملاعبدالوهاب دروجه اورسانیده ، معطل ندارد وتخلف جایزندانسته ، درعهده شناسد .

تحریراً فی شهرذی حجه سنهٔ ۱۲۳۸ .

(٧٤)

حکم شاهزاده امام ویردی میرزا مورخ محرم ۱۲۳۹ که متعقب فرمان مورخ ذ ح - ۱۲۳۸ فتحعلی شاه ، با اشاره به‌آن وبه رقم علی‌نقی میرزا که درسند پیش یاد شده بود، درمورد وظیفهٔ میرنعمت الله وشغل نظارت آستانهٔ شاهزاده حسین که به وی تعلق داشت صادرشده است .

حکم والا شد که چون حسب الرقم وقرارداد صاحب نیکونهاد علی نقی میرزا خدمت نظارت موقوفات وتعمیرات بقعهٔ مبارکه ومرقد منور مطهر شاهزاده‌حسین علیه‌الثنا والتحیات مفوض ومرجوع به‌سلالةالاطیاب والانجاب میرنعمت‌الله بوده وازبابت وجه روشنایی بقعهٔ مزبوره که نقداً وجنساً ازمالیات قزوین به صیغهٔ روشنایی ومدد معاش متولی وخدام مستمر وبرقراراست مبلغ ده تومان تبریزی‌نقد وپنج خروارتبریزی غله ازوجه برقراری دروجه مشارالیه به صیغهٔ حق النظاره برقرار وکارکنان سرکاری همه ساله‌کارسازی می‌نموده‌اند در معاملهٔ هذه السنهٔ قوی ئیل خیریت دلیل به امضای قرارداد سالفه صاحب معظم‌الیه فرمان مبارك مطاع آفتاب‌شعاع همایون نیزشرف‌صدوریافته وملحوظ افتاد. بناء علیه امتثالا لامرالاشرف الاقدس نواب ما نیزکماکان خدمت نظارت بقعهٔ مبارکه را به مشارالیه مرجوع ونقد وجنس مذکوررا دربارهٔ او مستمر وبرقرار داشتیم . مقررآن‌که عالی جاهان رفیع جایگاهان مقربوا الحضرة مستوفیان‌سرکاری وعالی‌جاهان سررشته‌داران وعمال خجسته‌اعمال دارالسلطنهٔ قزوین کما فی السابق نقد وجنس مزبوررا همه ساله بدون‌کسروقصور ازبابت بیست وپنج خروارغله وهیجده تومان وکسری وجه روشنایی بقعهٔ مزبوره که

از بابت مالیات معین ومستمراست موضوع وتسلیم سید مشارالیه نموده ، همه ساله قبض الواصل به جهت سند خرج خود ازمشارالیه حاصل سازند .

مقررآن که عالی جناب سلالة الاطیاب میرنعمت الله نظربه ظهور قابلیت وشایستگی ودیـانت خود را به تصدیق حضرات رفیعی الدرجات مجتهدیـن عصرناظرموقوفات وکافهٔ امورات بقعهٔ مبارکه دانسته ، نقد وجنس مقررهٔ سابقه را به موجب قبض ازمباشرین مالیـات همه ساله بازیافت وصرف معاش خود ساخته ، به دعای دوام دولت آناء اللیل والنهار پرداخته آید ودرعهده شناسد .

تحریراً شهرمحرم الحرام ۱۲۳۹ .

(۷۵)

فـرمان مورخ محرم ۱۲۳۹ ازفتحعلی شاه خطاب بـه امام ویردی میرزا درامضاء فرامین واحکامی که سابق براین در واگذاری وامضاء تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین برای سید ابراهیم متولی صادرشده بود . دراین سند گفته می‌شود که تولیت آستانه ازابتدای دولت جاوید آیت (سال ۱۲۱۲) به سید ابراهیم مزبورتعلق گرفته است :

الملك لله تعالی ـ حکم همان شد که فروزان کوکب آسمان دولت وشهریاری وتابان پرتومهرسلطنت وجهانداری خجسته فرزند نامدارامام ویردی میـرزا صاحب اختیار دارالسلطنهٔ قزوین به عواطف مترادف پادشاهی معـزز ومباهی بوده بداندکه چون ازقـرار فرامین سلاطین جنت مکین سابق انارالله بـرهانهم ومحضرها ومجلات معتبره به مهـرعموم فضلا واعیان وکدخدایان دارالسلطنهٔقزوین که ملحوظ انظارامنای دولت‌قاهره گردیده تولیت بقعهٔ متبرکهٔ

امام زادهٔ لازم التعظیم والتکریم شاهـزاده حسین واقعه در دارالسلطنهٔ مزبـور برحسب شرع ازبدایت حال تاکنون باسادات عالی‌درجات مرعشی بوده واز عهد این دولت ابـدآیت تولیت به عالی جناب سیادت وسعادت مآب صداقت وارادت‌آداب خلاصة السادات العظام میرسید ابراهیم رسیده وفـرامین مطاعهٔ شاهانه به امضای تولیت او شرف صدور یافته ومبلغ هجده تـومان ودو هزار وپانصد دینارنقد ومقداربیست وپنج خروار به وزن تبریزجنس ازبابت مالیات قزوین که به رسم وظیفه در وجه متولی وسایرخدام بقعهٔ مزبور ازسوابق ایـام برقراربوده سابق نیزکماکان مقررداشته‌ایم ، لهذا درهذه السنهٔ قوی‌ئیل خجسته دلیل ومابعدها نیزتولیت مزبوررا کما فی السابق به عهدهٔ عالی جناب مشارالیه مفوض ونقد وجنس مزبوررا عنایت فرمودیم که همه ساله بازیافت ومیانهٔ خود وسایرخدام تقسیم نموده، صرف معاش‌سازند وبه‌لوازم خدمت مزبورپردازند.

بایدآن فرزند نامدار تـولیت را مخصوص عالی جناب مشارالیه دانسته ، قـدغن نمایدکه احدی به خلاف شرع تصرف ننمایـد وهمه ساله نقد وجنس مزبوررا تمام وکمال به دستورسابق رسانیده، مطالبهٔ فرمان مجدد نکنند. مقرر آن‌که عالی جاهان رفیع جایگاهان عزت وجلالت دستگاهان مقربی الخاقان مستوفیان عظام دیوان‌اعلی شرح فرمان مبارك را دردفاترخلود ثبت وازشوایب تغییر وتبدیل محروس دانند ودرعهده شناسند .

تحریراً فی شهرمحرم الحرام سنهٔ ۱۲۳۹ .

(۷۶)

حکم شاهزاده علی نقی میرزا رکن الدوله مورخ ذ ح ـ ۱۲۵۰ خطاب به بدیع الزمان میرزا حاکم قزوین درباب وقف بودن چهـار دانگ ونیم طاحونهٔ مشهور به قوشخانه

واقع بـر رود دزج آن شهر کـه موقوفهٔ آستانهٔ شاهـزاده حسین بود .

ازمتن حکم چنین برمی آید که شاهزاده دردوران حکمرانی خود در قـزوین بدون اعتناء به وقفیت مورد سخن چهار دانگ ونیم مـوصوف را تصرف نموده وسپس به میرزا ابوالقاسم نـامی منتقل ساخته بود ، واکنون که پس از ۲۸ سال ازحکومت آن شهرمعزول شده ودرطهران میان خوف ورجاء[1] روزگار می گذرانید به بدیع الزمان میرزا دستور می‌دهد که موقوفـه را ازشخص مزبور باز پس گرفته وبه آقا سید احمد متولی آستانهٔ شاهزاده حسین واگذار نماید تا ذمهٔ نواب والا از گناه غصب بری شود !

درتاریخ سند حاضربه علت نامعلومی دست برده وآن را ۱۲۵۲ نموده‌اند چنان که این دست بردگی در رقم اخیر درعکس سند نیـز آشکار است . لیکن با توجه به قـرائن داخلی وخارجی وبه خصوص این که ذکراین سند درسند بعد مورخ سال ۱۲۵۱ هست تاریخ سند حاضر بی تـردید ۱۲۵۰ است .

سجـع مهرشاهزاده دراین حکم چنین است :

« شد ز رکن الدوله باز ارکان دولت استوار۱۲۴۳»

---

۱. رکن الدوله ازهواداران علی شاه ظل السلطان بود وبه دست خود تاج برسر او نهاده بود . ازاین روپس ازآمدن محمد شاه ازحکومت قزوین برکنار وتحت‌نظر قرارگرفت (۱۲۵۰ هـ . ق) ودر٤ ع ۱ – ۱۲۵۱ به قلعهٔ اردبیل منتقل وزندانی شد تا در۱۲۵۳ اززندان گریخت وبه خارج رفت ودربغداد درگذشت .

حکم والا شد آن‌که نورچشم ارجمند سعادتمند وقرة العین کامکار ارادتمند سلطان بدیع‌الزمان میرزا به‌عواطف خاطرخطیرسرکاراشرف‌مستظهر وامیدواربوده، بداندکه نظربه ملاحظهٔ نوشته‌جات معتبره واحکام‌محکم اهالی شرع مطاع لازم الاتباع ووقف نامچه وقفیت چهار دانگ نیم طاحونهٔ مشهور به قوشخانه واقعه در وادی دیزج قزوین برسرکارکالشمس فی‌رابعة النهارمحقق وبه وضوح پیوست . برذمت همت سرکار اشرف لازم واجب‌آمدکه خود را بری‌ء الذمه دارد .

لهذا مقرراست‌که بعد ازوصول رقم قضا شیم وپس ازحصول‌آگاهی از مضمون حکم محکم مطاع لازم‌الاتباع چهاردانگ نیم طاحونه راکه ازسرکار اشرف به عالی‌جناب میرزا ابوالقاسم انتقال‌یافته بود از یدتصرف عالی‌جناب مشارالیه انتزاع وبه تصرف عالی جناب مقدس القاب سلالة السادات العظام وخلاصة الاشراف الکرام آقا سید احمد متولی بقعهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم شاهزاده حسین علیه‌التحیة والثنا داده‌که مداخل ومنافع آنجا را ضبط وازقرار شرایط واقف خیرمواقف صرف مخارج بقعهٔ متبرکه نماید تا ذمهٔ سرکار از ارتکاب این معنی مبرا گردد . حسب المقرر آن فرزند ارجمند بایدکمال سعی واهتمام دراین بابت به ظهورآورده ، به نوعی‌که باید وشاید وازحسن‌کاردانی آن فرزند سزد وآید معمول دارد .

مقررآن‌که عالی جناب مقدس القاب‌آقا سید احمد متولی شرعی بعد از صدور رقم مبارك مطاع تصرفات سرکار اشرف را درچهار دانگ نیم طاحونهٔ موقوفه حسب‌الاقرار سرکارخلاف شرع‌مطاع دانسته ، همین رقم را مستمسك شرعی خود دانسته ، منافع ومداخل چهاردانگ نیم را ضبط وصرف مخارج بقعهٔ متبرکه نمایند . حسب المقررمعمول داشته . تخلف ازمدلول حکم مطاع

جایز نشمرده ، درعهده شناسند .

تحریراً فی شهرذی حجه سنهٔ ۱۲۵۰ .

(۷۷)

فرمان مورخ ذ ح - ۱۲۵۱ ازمحمد شاه قاجار خطاب به بدیع‌الزمان میرزا صاحب‌اختیارقزوین بالای عرضه‌داشت سید احمد مرعشی متولی‌آستانهٔ شاهزاده حسین در باب طاحونهٔ قوشخانه .

درعرضه داشت با اشاره به سابقهٔ وقفیت طاحونـهٔ مزبور وماجرای غصب‌آن وسیلهٔ علی‌نقی میرزا رکن الدوله گفته می‌شودکه درسال پیش (۱۲۵۰) علی نقی میرزا رقمی بـه صاحب‌اختیارقزوین نوشته ودرآن به غصب‌خود اعتراف نموده بود. لیکن چنان‌که پیداست صاحب اختیارقزوین ترتیب اثـری ننموده واینك متولی‌آستانه از شاه درخواه شده است‌که براساس همین‌اعتراف فرمان دهد متصرف مزبور دست از موقوفه بازداشته وآن را به‌آستانه ارجاع دهد . شاه نیز درفرمان مورد سخن به بدیع الزمان میرزا دستور می‌دهدکه طاحونـه را ازمتصرف گرفته وبه متولی واگذارد .

عرضه داشت‌کمترین بندگان [اقل‌السادات سید احمد الحسینی المرعشی المتولی] به موقف عرض مقیمان پایهٔ سریرعرش نظیربندگان سکندرشان دارا دربان قیصرپاسبان اعلی حضرت قدرقدرت اقدس ارفع اعلی روحنا فداه می‌رساندکه قربان خاك پای جواهرآسای مبارکت شوم چهار دانگ ونیم

ازجمله شش دانگ یك حجرطاحونه واقعه در وادی دزج دارالسلطنهٔ قزوین ازجمله موقوفات آستانهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین علیه الصلاة والسلام ، وبه موجب نوشته‌جات واجاره نامه‌جات معتبره همیشه اوقات عمل به وقفیت‌شده. چند سال قبل ازاین رکن الدوله طاحونهٔ مزبوره را غصب نموده ، منتقل به غیرساختند. درسنهٔ ماضیه ازیمن معدلت شهریاری روحی وروح‌العالمین فداه مطالبهٔ طاحونهٔ مزبوره را ازسرکاررکن‌الدوله نموده ، رقمی به صاحب‌اختیار قزوین نوشتند که طاحونهٔ مزبوره را به غصب وخلاف حق متصرف ومنتقل به غیرساخته‌ایم باید ازتصرف متصرف به خلاف انتزاع نموده که براثت ذمه حاصل شده به تصرف متولی آستانهٔ مقدسه داده شود . رقم مزبور در دست می‌باشد. استدعا ازمراحم بی کران خسروانه این که فرمان قضانشانی ازمصدر رفیع منیع شهنشاهی شرف صدوریابد که متصرف طاحونه نظر به اقرار رکن الدوله دست ازغصب کوتاه نموده ، ملك وقف را واگذارنماید تااین کمترین بندهٔ دعاگوحسب التولیة الارثیة الشرعیه هرساله مداخل طاحونهٔ مزبوره را صرف مخارج آستانهٔ مبارکه نماید . چنانچه متصرف به غصب را در مقابل عرض این بنده سخن شرعی مقرون به حساب باشد به دارالشرع مطاع حاضر گردیده درمحضرهریك ازامنای‌شرع که ازسرکاراقدس امر ومقررشود مرافعه نموده ، رفع وطی گفتگونماید. به جزازمرافعهٔ شرعیه استدعائی نیست. چون واجب دید جسارت ورزید . امرکم الاعلی مطاع .

[متن فرمان :]

بسم الله تعالی شأنه العزیز

الملك لله تعالی ـ حکم همایون شد که نورچشم ارجمند کامکار بدیع الزمان میرزا صاحب‌اختیارقزوین به توجهات خاطرخطیرملوکانه سرافرازبوده

بداند که ازقرار عرض واستدعای صاحب عریضه وتصدیق عم اکرم رکن الدوله که برطبق شرح مسطورمتن نموده موازی چهار دانگ ونیم از طاحونه در وادی دزج قزوین وقف آستانهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین علیه الصلاة است . باید طاحونهٔ مزبوررا ازقرارتصدیق عم اکرم به تصرف صاحب عریضه بدهد منال آن را سال به سال صرف آستانهٔ متبرکه نماید. پس ازاین هرکس درباب طاحونه حرف شرعی داشته باشد موافق شرع درمحضرعلماء شرع مستطاب مرافعه نمایند . حسب المقررمعمول ومرتب دارد ودرعهده شناسد .

تحریراً فی شهرذی حجة الحرام سنهٔ ۱۲۵۱ .

(۷۸)

فرمان مورخ محرم ۱۲۵۲ از محمد شاه قاجار خطاب به نورچشم کامکار سلطان بدیع الزمان میرزا صاحب اختیار قزوین بالای عرضه داشت سید احمد مرعشی در باب مستمری آستانهٔ شاهزاده حسین که بفرمان پادشاهان سلف وحکم ولیعهد عباس‌میرزا مجری بوده وچون درروزگار محمد شاه مقرر گردید که مستمریات را از عشر مالیات بپردازند بیش ازنیمی ازآن کسر گردید .

درفرمان شاه به صاحب‌اختیارقزوین دستورداده شده است که مستمری آستانه را به دستور پیش بدون کسر ونقصان ازبابت اصل مالیات قزوین بپردازد .

عرضه داشت کمترین بندگان [اقل السادات احمد الحسینی المرعشی القزوینی] به موقف عرض بندگان سکندرشان دارا دربان قیصر پاسبان

اقدس ارفع امجد اشرف اعلی روحی وروح العالمین فداه می‌رساند که قربان خاك پای جواهر آسای مبارکت شوم که از قرار فرامین خواقین سلف انارالله برهانه ورقم نواب غفران مآب ولی عهد مغفور اسکنه الله حلل النور وثبت سررشته‌جات دفترخانهٔ مبارکه مبلغ هجده تومان ودوهزاروپانصد دینارتبریزی نقد ومقدار بیست وپنج خروار به وزن تبریز غله به جهت صرف روشنایی ومصارف خدام آستانهٔ مبارکهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم والتکریم شاهزاده‌حسین فرزند علی بن موسی الرضا علیه وعلی آبائه الف تحیة وثناء واقعه در قزوین برقرار بوده که متولی هرعصری خلفاً بعد سلف میگرفته وبه مصرف مزبور می‌رسانیده. تولیت هم که برحسب شرع به این دعاگورسید هرساله بازیافت وبه مصرف مزارمی‌رسانید . دراین‌عهد فرخنده که مستوفیان عظام دیوان اعلی وظایف ووجه خیرات ولایات را موافق عشرمالیات استیفا نموده‌اند مقدار چهارده خروار از بیست وپنج خروار جنس مقرری کسر می‌شود وتتمه کفاف صرف روشنایی وخدام آستانهٔ منوره را نمی‌کند. استدعا آن که فرمان همایون ازدیوان اعلی صادرشود که نقد وجنس مزبوررا بدون نقصان وکسر از بابت مالیات دارالسلطنهٔ قزوین همه ساله برسانند که به مصارف مقررهٔ آستانهٔ منوره عاید شود ، مرفه الحال به دعاگویی دوام دولت ابد مدت اشتغال نمایند. باقی امره الاعلی الاشرف المطاع مطاع .

[متن فرمان :]

بسم الله تعالی شأنه العزیز

الملك لله تعالی ـ حکم همایون شد آن که چون عالی جناب سیادت مآب صاحب‌عریضه به شرح مسطورمتن عرض ودرمقام استدعا برآمده است لهذا نورچشم ارجمند کامکارسلطان بدیع‌الزمان میرزا صاحب‌اختیاردارالسلطنهٔ

قزوین بداند که نظر به رعایت وجانب داری عارض وموافق فرمان خاقان خلد آشیان ورقم ولی عهد مغفورمبرور وخواقین سلف مبلغ هجده تومان دوهزار وپانصد دینار نقد ومقدار بیست وپنج خروار به وزن تبریزجنس از بابت اصل مالیات دارالسلطنهٔ قزوین بدون کسرونقصان دروجه عالیجناب عارض مستمر وبرقرارفرمودیم که ازولایت بازیافت نماید ازمعاملهٔ هذه‌السنهٔ پیچی‌ئیل خیریت دلیل ومابعدها ، وصرف روشنائی بقعهٔ منـورهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین فرزند علی بن موسی الرضا (ع) نمایـد . مقرر آن که عالی جاهان رفیع جایگاهان عزت وجلالت دستگاهان مقرب الخاقان مستوفیان عظام شرح فرمان مبارك را در دفاترخلود ثبت ومبلغ ومقدار مذکوررا کماکان در وجه عارض برقرار واز شایبهٔ تغییر وتبدیل مبری دانسته ، درعهده شناسند .

تحریراً فی شهرمحرم الحرام ۱۲۵۲ .

(۷۹)

نامهٔ « افوض امری الی الله عبده محمد حسن » به «مقرب الخاقان طهماسب قلی‌خان حاکم قزوین » درابلاغ فرمان پیش مبنی برپرداخت مستمری روشنایی آستانهٔ شاهـزاده حسین ازبابت اصل مالیات قزوین بی کسر ونقصان .

دررجال ایران بامداد آمده است که بهرام میرزا معزالدوله برادرمحمد شاه ازسال ۱۲۵۳ تا ۱۲٦٤ حاکم قزوین بود وطهماسب قلی خان قزوینی وزارت اومی‌نمود[1].

مطاعا به مقتضای فرمان مبارك مبلغ هیجده تومان دوهزار پانصد دینار

---

۱. بامداد ۱ : ۱۹٤ .

نقد ومقدار بیست پنج خروار غله به جهت بقعهٔ مبارکهٔ شاهزاده حسین مقرر است که همه‌ساله باید به عالی‌جناب سلالةالسادات العظام آقا سید احمد متولی امام زادهٔ واجب التعظیم برسد . لهذا زحمت می‌دهد آنچه ازبابت عشربرقرار است حوالهٔ اورا بازیافت خواهند نمود ، تتمه آنچه باقی می‌ماند باید از اصل مالیات داده شود که روشنایی بقعهٔ متبرکه تمام کمال بدون کسر ونقصان باید کارسازی شود . معلوم است که آن مطاعی دراین گونه امورات خیربیش ازهر کسی اهتمام خواهند کرد وجد جهد در ایصال وصول آن غایت تأکید را خواهند نمود . چون مطلب مختصربود زیاده زحمت داده نمی‌شود . هر گونه سلامتی حالات مسرت علامات را درمقام اظهارخواهید برآمد .

[حاشیه :]

مبلغ ومقداری که درمتن قلمی شده موافق فرمان همایون است وهمه‌ساله به خرج می‌آید . باید در وجه متولی کارسازی شود .

(۸۰)

اجاره نامهٔ مورخ ۱۴ ج ۱ ـ ۱۲۶۰ که بنا برمفادآن ملا محمد ولد ملا کریم ده دوشابی قطعه زمینی را درقریهٔ ده دوشاب رودبار که مشهور به شاهزاده زمین بوده به مدت هفده ماه ازآقا سید احمد متولی آستانهٔ شاهزاده حسین اجاره نموده است .

این سند چون احتمالا (به خصوص با توجه به نام زمین مورد اجاره) مربوط به یکی ازموقوفات آستانه می‌بود به نقل متن آن دراینجا مبادرت گردید .

باعث بر تحریر این کلمات شرعیة المقدمات آن است که حاضر شد به دارالشرع مطاع عزت نصاب ملا محمد خلف مرحوم ملا کریم ده دوشابی به اجاره ومقاطعهٔ صحیحهٔ شرعیهٔ ملیهٔ اسلامیه قبول نمود ازعالی جناب سلیل الاطیاب آقا سید احمد متولی وخادم آستانهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم حضرت شاهزاده حسین بن علی بن موسی الرضا علیهما السلام همگی وتمامی منافع یك قطعه زمین واقعه درقریهٔ ده دوشاب رودباررا که مشهور است به شاهزاده زمین وبه حسب مساحت به قدرسه قفیزارض می‌باشد باجمیع توابع وکافهٔ لواحق آن درظرف مدت هفده ماه هلالی که عبارت ازرفع دو محصول بوده باشد به مال الاجارهٔ مقداریك خروار وبیست من تبریزی از شلتوك قریهٔ مزبوره به انضمام ده صلوات انفاذ روان حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله ، وموجرمعظم الیه نیزقبول اجاره داد وصیغهٔ اجاره فی مابین علی ما هو المقرر فی الشرع الانور جاری وواقع گردید ومقررضمن العقد آن که جمیع اخراجات وتوجهات دیوانی متعلقه به آن درعهدهٔ مستأجرمی‌باشد .

تحریراً فی چهاردهم شهرجمادی‌الاولی سنهٔ ۱۲۶۰ [مهر:] یامحمد ۱۲۵۷.

(۸۱)

دستور « عبده الراجی ابن محمد . . قلی » به کدخدایان وریش سفیدان قریهٔ ماخورین قهپایه مورخ سال ۱۲۶۲ . در آن گفته می‌شود که مال وجهات قریهٔ مزبور حسب التعلیقهٔ جناب آقا مدظله در وجه روشنایی آستانهٔ شاهزاده حسین مقرر است .

عالی شانان عزت نشانان کدخدایان وریش سفیدان قریهٔ ماخورین قهپایه‌را

اعلام می‌دارد که حسب التعلیقهٔ جناب جلالت مآب آقائی مدظله العالی مال وجهات نقدی وجنسی قریهٔ مزبوره درعوض روشنایی بقعهٔ متبرکهٔ شاهزادهٔ واجب التعظیم شاهزاده حسین علیه السلام مقرراست که ازهذه السنهٔ یونت ئیل ۱۲۶۲ ومابعدها ازمباشرین مالیات وجه روشنایی را به اسم قریهٔ مزبوره برات صادر ووجه مالیات آنجا را بـازیافت دارند که به مصرف روشنایی برسانند . لهذا آن عالی شانـان ازقرار مضمون تعلیقهٔ جناب آقائی مدظله معمول ووجه مالیات خودرا ازقراربرات مباشرین مالیات تنخواه نموده ، برات سند خرج خود را ضبط دارند . البته ازقراری که اعلام شده معمول وتخلف از مضمون جناب آقائی ننمایند .

(۸۲)

دستـور « افوض امری الی الله عبده طهماسب قلی » بـه سررشته داران مالیـات دربارهٔ تنخواه روشنایی آستانـهٔ شاهزاده حسین مورخ ع ۲ – ۱۲٦٤ . دراین دستور نیز به حکم جناب جلالت مآب آقا مدظله درمورد وجه مزبور که باید ازمحل مال وجهات قریهٔ ماخورین قهپایه تـوجیه گردد اشاره شده است .

طهماسب قلی مزبورشاید همان طهماسب قلی خان بـاشد که دردیباچهٔ سند شمارهٔ ۷۹ ازاو یاد شد .

چون ازقرارحکم محکم جناب جلالت مآب اجل اعظم افخم آقائی روحی فداه جهت تنخواه نقـد وجنس روشنائی بقعهٔ متبرکهٔ جناب شاهـزاده حسین علیه السلام قریهٔ ماخورین قهپایه را محل قرارداده‌اند که همه‌ساله معمول بوده وسررشته داران . . . عمل کرده حواله نموده‌اند لهذا به امضای حکم محکم

وامتثال امرقلمی می گردد که عالی‌جاهان رفیع‌جایگاهان سررشته‌داران مالیات قریهٔ ماخورین قهپایه را محل صدور بروات نقد وجنس روشنائی بقعهٔ متبرکه دانسته، حوالهٔ نقد وجنس روشنائی مذکوررا ازقرارمعمول حوالهٔ محل‌مزبور نموده ، در این باب تأکید را لازم دانند که امتثال امر به عمل آمده ، تغییر وتبدیل وتعلل وتسامح درآن‌جایزندارند ودرصدوربرات تکاهل معمول ندانند.

تحریراً فی شهرربیع الثانی سنهٔ ۱۲٦٤ .

(۸۳)

نامهٔ « عبده الراجی حسنعلی » به « مقرب الخاقان مخدوم مکرم امیر دیوان » در بارهٔ اختلافی که در امرتولیت میان سیداحمد متولی وآقاسیدرضی به‌وجودآمده بود(مربوط به سال ۱۲۷۱) .

سید رضی مزبور فرزند سید نعمت الله است که مدتی در دورهٔ حکمرانی‌شاهزاده علی‌نقی‌میرزا رکن‌الدوله متصدی نظارت آستانهٔ شاهزاده حسین بوده وحکم تولیت هم از او گرفته بود (اسناد شمارهٔ ٦٨/٦٩/٧٣/٧٤) . این سند آغاز ماجرای منازعه وکشمکشی است که پیرامون بیست سال میان این دو تن ادامه یافت واسنادآن را پس ازاین می‌بینیم .

« حسنعلی » نویسندهٔ نامه بی‌تردید حسنعلی خان خوئی آجودان باشی[1] است که درسال ۱۲۷۱ پیشکار عبدالصمد

---

۱ . رجال ایران بامداد ۱ : ۳٥٤ .

میرزا عزالدوله حکمران قزوین بوده است[1].

هـو

خدمت امرای دیوانخانـهٔ مبارکه عرض می‌شود درباب تولیت امام زادهٔ واجب التکریم شاهـزاده حسین درمیان عالی جنابان آقا سید احمد و آقا سید رضی حرف وسخنی حاصل شده . تا به حال آنچه به اشتباه‌کاری آمـده عرض کرده بنـده انصاف وحق را از دست نداده‌ام . این اوقات حکم صریح آورده بود گفتم فهم وقول بنده را مناطی نمانده ، مردم در هرماجرا می‌روند بنده‌را مقصروطماع وظالم وازاهل‌غرض وبی‌ایمان به‌قلم داده بدنام می‌کنند، خودت احکام وفرامین سلاطین سلف ازصفویه وقاجاریه هرچه داری ببر نشان بده ، شاید چاره‌ای بـه درد شما نمایند . این دو کلمه را عرض کردم . موافق شرع شریف وفرامین سلاطین ورضای اهل‌قزوین حق به جانب آقا سید احمد است . صاحب اختیارند . والسلام .

(۸٤)

صورت مجلس رسیدگی وحل وفصل کشمکش سیدرضی مذکور وسید احمد متولی در دیوانخانه به خط کاتب آن که به‌صورت عریضهٔ میرسید احمد متولی آستانهٔ شاهزاده حسین بـه میرزا محمد حسین عضد الملك قزوینی صدر دیوانخانه ووزیروظایف واوقاف[2]، با پاسخ عضد الملك

---

۱. همان مأخذ ۲ : ۲٦۸–۲٦۹ .

۲. از ۱۲۷۰ تا رجب ۱۲۷۲ . شرح حال او دررجال ایران بامداد ۳ : ۳۸۱–۳۸۲ هست . مهراو درپشت پاسخ با این سجع است : « عبده محمد حسین بن فضل‌الله

درحاشیهٔ نامه مورخ ۲۱ شوال ۱۲۷۱ تنظیم ونوشته شده است .

دراین‌سند مفصل ومفید که شرح ماجرای منازعهٔ میان سید احمد وسید رضی سابق الذکر (دیباچهٔ سند ۸۳) درسال ۱۲۷۱ است از اسناد طرفین نیز یاد وخلاصهٔ متن آنها نقل شده است . اسنادی که در این نامه ذکرشده همه در این مجموعه‌هست جزنوشته‌ای که به‌مهرچند تن‌ازعلماء قزوین برای سید نعمت‌الله دردست سید رضی‌بوده وفرمان سیف الله میرزا[1] مورخ ج ۲ ـ ۱۲۷۱ درباب تولیت همین سید رضی :

درسنهٔ ماضیه بارس‌ئیل عالی‌جناب آقا سید رضی ولد میرنعمت‌الله قزوینی درمقام ادعای تولیت ونظارت آستانهٔ متبرکه امامزادهٔ واجب التعظیم والتکریم شاهـزاده حسین علیه السلام برآمده ، اخلال درشغل مـوروثی اقل السادات نموده ، نواب مستطاب سیف الله میرزا نیزبه محض ادعای مشارالیه بی‌آن‌که غوررسی فرمایند ویاآن‌که ملاحظهٔ شرایط واقف را نمایند اقل‌السادات را از شغل چندین سالهٔ‌آبا واجدادی خـود منـع نموده ، رقم به مشارالیه داده بود . تا دراین‌اوقات که اقل‌السادات وآقاسید رضی به‌دارالخلافه‌آمده مراتب‌عرض شد ، بندگان عالی محض احقاق حق از طرفین اسناد شرعی وعرفی بـرطبق عرض ومدعای خود خواستید . آقا سید رضی بـه موجب تفصیل اسناد ابراز

الحسینی ۱۲٤٦» (ببینید پـایان دیباچهٔ همین بخش ازمجموعهٔ حاضر درسخن از دومجموعهٔ اسناد دیگرمربوط به قزوین) .

۱. فرزند فتحعلی شاه که درسال ۱۲۷۱ حاکم قـزوین ودرهمین سال پس از انـدکی حاکم ملایر وتویسرکان شد وبه‌آن صوب رفت (بامداد ۲ : ۱۳٤ـ۱۳۵) .

نمود که به نظر شریف رسید :

[* نوشته به مهر مرحومان حاجی ملاتقی وحاجی ملاصالح وحاجی سید تقی وحاجی ملا عبدالوهاب به شرح آن که آقا سید نعمت الله من باب الحسبه معین گردید که در اصلاح امور متعلقه به امام زاده از موقوفات وغیره مساعی جمیله به‌عمل آورد وموقوفات مغصوبه‌را استرداد کرده ، بروفق قواعد شرعیه صرف‌نماید وعالی‌جناب ملامهدی را دراین کارمعین اوقراردادیم که به‌مشورت یکدیگر امورمتعلقه به بقعه را انجام دهند .

* رقم نواب علی نقی میرزا به تاریخ ۱۲۳۶ خطاب به میرنعمت الله که به جهت امور سرکار امام زاده علیه السلام وجود احدی که به امرعلمای دین تواند امربه‌معروف ونهی‌ازمنکر کرد وموقوفات‌را ازغاصبین انتزاع ومنافعش را به اطلاع حکام شرع صرف بقعه نماید لازم است وآن عالی جناب چون به اذن مجتهدین ازقرارنوشتهٔ ایشان مأموربه انضباط این امورشده ، لهذا مقرر می‌داریم خود را مباشر این اموردانسته ، ازقرارنوشتهٔ مجتهدین امورآنجا را مضبوط نماید .

* رقم به مهرنواب علی‌نقی میرزا به تاریخ ۱۲۳۷ خطاب به میرنعمت‌الله که تولیت ونظارت بقعه را به تو مفوض نمودیم که من بعد خود را متولی وناظربالاستقلال دانسته، منافع ومداخل‌موقوفات ومواجب‌خدام وسایرمخارج آنجا را به استصواب کارگذاران سرکار ضابطه‌کرده به مصرف رساند .

* به تاریخ شهر ذی الحجة الحرام ۱۲۳۸ میرنعمت الله به خاقان مغفور به عریضه‌ای عرض نموده که در بقعهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین علیه السلام من ناظرم ، هیجده تومان ودوهزار پانصد دینارنقد وبیست وپنج خروارغله ازقرار سررشتهٔ دفتری به سرکارمعصوم‌زاده می‌رسد، ده تومان نقد وپنج خروارجنس

ازبابت حق النظاره علی نقی میرزا رقم داده ودرحق من برقرار نموده است، استدعا داردکه فرمان صادرشودکه نواب امام ویردی‌میرزا هم بدهد. ازخاقان مغفوربه افتخار امام ویردی میرزا درعنوان عریضه فرمان صادرشده است که ده تومان وپنج خرواررا به موجب محضری که ازعلما در دست داشت از بابت حق النظاره دروجه اوبرقرار بوده کماکان مقررفرمودند عاید سازد .

* درمحرم ۱۲۳۹ رقم ازنواب امام ویردی میرزا به امضای رقم علی نقی میرزا وفرمان خاقان مغفورصادرشده است .

* نواب سیف الله میرزا درشهرجمادی الثانیهٔ ۱۲۷۱ در باب تولیت وده تومان وپنج خروار رقم امضا مرحمت فرموده]

وبه این اسناد مدعی تولیت ونظارت آستانهٔ متبرکه بود . اقل السادات حسب الامرمستندات مفصلهٔ ذیل راکه ازسلاطین صفویه تا به حال که نسلا بعد نسل وبطناً بعد بطن ازآبا واجداد خود به این اقل السادات رسیده بود جمیعاً در حضورعالی ابرازگردید :

[* فرمان شاه طهماسب صفوی به تاریخ شعبان ۹۳۷ به شرح آن که‌چون تولیت آستانهٔ امامزاده به حق ازقدیم الایام الی‌الان تعلق به‌آبا واجداد سیادت مآب . . .[1] داشته اکنون مقرر فرمودیم که به دستورآبا واجداد اورا متولی موقوفات آستانه دانسته ، تولیت‌را مخصوص اوشناسند. سادات عظام ودعات اسلام وکلانتران وکدخدایان وجمهور سکنهٔ دارالموحدین قزوین بایدکه به دستور اورا متولی آستانهٔ مذکوره دانند ومحصولات موقوفات را به مشارالیه واگذارندکه به مصرف شرعی رساند. خادمان وعملهٔ آن آستانه خودرا به عزل اومعزول وبه نصب اومنصوب دانند . (دراین‌فرمان اسم متولی معلوم نمی‌شد،

---

۱. بیاض دراصل سند حاضر.

ریخته شده ، ولی فرمان دیگری که بـه تاریخ ۹۳۸ مورخ است اسم سید زین العابدین مرعشی مذکوراست که متولی است) .

* فـرمان شاه عباس صفوی به تاریخ ذی قعدهٔ ۱۰۱۶ به شرح آن که بـه موجبی که مثال لازم الامتثال دیـوان الصدارة العلیه درضمن صادر گشته عمـل نماینـد واز مضمون آن مطلقا انحراف نورزند . سیادت پناه میرمنصور خادم ودرویش کفشدار وجاروب کش ومـؤذن ومشعل دار وسایرعمله وفعلهٔ سرکار خود را به عزل سادات عظام مسطور ضمن معـزول وبه نصب ایشان منصـوب ومتمکن شناسند .

(شرح مثال دیوان الصداره : چون تولیت آستانهٔ امامزاده به سادات عظام مراعشه متعلق است وازقدیم الایام الی الان عزل ونصب خدمه وفعلهٔ آن سرکار منوط به رأی ایشان بوده وهمگی آن جماعت به عزل ایشان معزول وبـه نصب ایشان منصوب بوده‌اند بنا براین سیادت پناه میرمنصورخادم ودرویش کفشدار وجاروب کش ومشعل دار ومؤذن وسایرعملهٔ آن سرکارخود را به عزل سادات مشارالیهم معزول وبه نصب ایشان منصوب شناسند وبعد الیوم مطلقا بدون اذن ورضایت سادات مذکوره درخدمات آن سرکارمداخله ننموده ، به احکام وامثلهٔ سابق که دردست داشته باشند یا گذرانند مستند نشوند) .

* فرمان شاه سلیمان صفوی به تاریخ ۱۱۰۳ به شرح آن که چون علوشان سادات مـرعشی به اعتبار صحت نسب بـرپیشگاه خاطراقدس ظاهر وهویـدا وسلاطین سبق وخـواقین سلف ازقرار مضامین فرامین واحکام در تعظیم ایشان عنایت بی‌نهایت‌مرعی ومبذول وتولیت آستانهٔ مقدس شاهزاده‌حسین علیه‌السلام را بطناً بعد بطن مختص ایشان گردانیـده ، دراین وقت که میرمحمد نصیـر که ثمـری ازشجر آن بوستان بـوده به پابوس همایون ما استسعاد جسته لهذا رقم

امضای تـولیت شرعی آن مزاررا به قید لعنت نامه نسلا بعد نسل با موقـوفات وسیورغال ومستمریـات آن سرکار کماکان به معزی الیه مرحمت فـرمودیم که هر گاه احدی درقواعد مستمریات ، سیورغالات وموقوفات قدیم وجدیـد آن سرکار وتـولیت آن مکان سوای سلسلهٔ مرعشیه راه دهد به لعنت خدا وغضب ائمهٔ هدی گرفتارشود . تولیت آنجا را مختص سادات مرعشی دانند .

* فرامین صفویه وغیره که به این‌مضامین وقریب به این‌مضامین می‌باشد ـ فرامین صفویه : ۳طغرا/فرامین ابراهیم‌شاه نادری: یك طغرا/فرمان شاهرخ شاه نادری : یك طغرا/ فـرمان اسماعیل میرزای نادری (که به تصدیق محمد کریم خان زند موقوف داشته که وکیل الدولهٔ اوبوده است) : یك طغرا .

* فرمان‌نادری درعنوان‌عریضهٔ میرعبدالعظیم به‌تاریخ شهرجمادی الثانی ۱۱۵٤ . شرح عریضه : بـه موجب احکام وارقام سلاطین سلف ورقم مبارك وخطاب صدر ومجلهٔ معتبره بالفعل تـولیت آستانهٔ شاهزاده حسین (ع) به این دعاگووعموی این‌دعاگوبوده ، دراین‌وقت تصدق سرمبارك گردیده ، شخصی ازخارج به هم رسیده عموی کمترین را بلاوارث قلمداد نموده ادعای تولیت می‌نماید . استدعا آن که رقم مرحمت فرمایند چنانچه ازقدیم الایام تـولیت در سلسلهٔ این دعاگویان بوده کس دیگرمدخلیتی ننماید .

شرح فرمان آن که نظر بـه مراتب معروضه چنانچه به موجب رقم اشرف وخطاب دیوان الصداره تولیت آستانهٔ مزبوره با عارض وعم اوبوده ودیگری درلباس عرض ورقم صادرنموده باشد می‌باید مدخلیتی درامرمزبوره ننموده ، عارض به نحوی که قبل ازاین به شغل مزبـور قیام داشته به دستور متوجه امر تولیت باشد .

* فرمان خاقان مغفور درعنوان عریضهٔ مرحوم آقا میرابراهیم صادر شده

به تاریخ شهررجب ۱۲۱۲ .

شرح عریضه‌آن‌که اززمان سلطنت امیرتیمور گورکان وامضای سلاطین صفویه الی‌الان تولیت‌شرعی مزارآستانهٔ شاهزاده حسین باآبا واجداد دعاگو بوده ، واقف نیز تولیت را نسلا بعد نسل به طایفهٔ سادات مرعشی گذاشته ، احدی به غیرازاین طایفه مدخلیت نداشته . ازآن وقت تا به حال احدی دخل وتصرف ننموده . دراین وقت آقا مهدی نام برامنای دولت امررا مشتبه نموده فرمان صادر نموده‌که درآستانه به امرنظارت مشغول شود . دراین خصوص اهالی ولایت درضمن عریضه چگونگی‌را عرضه داشت نموده‌که به نظرامنای دولت رسید . استدعاآن‌که رقم قضا شیم شرف صدور یابدکه‌آقا مهدی دخل وتصرف را موقوف دارد .

شرح فرمان : چون اززمان پادشاهان سلف تاکنون شغل تولیت‌آستانهٔ شاهزاده حسین به سادات مرعشی‌آبا واجداد صاحب عریضه بوده واحدی سوای سلسلهٔ مزبوره دخل درخدمت تولیت ونظارت ننموده‌اند لهذا شغل مزبور بدون مشارکت ومدخلیت متولی وناظرعلی حده به مومی‌الیه مرحمت فرمودیم‌که به دستورازمنهٔ سابقه متوجه خدمت‌آستانه بوده باشد. مقررآن‌که عالی جاه سید علی خان نایب الحکومه احدی در امرنظارت‌آستانه مداخله ندهد (رقم به امضای این فرمان درعنوان عریضهٔ‌آقا میرابراهیم نیزصادر از نواب ولیعهدکه رقم به امضای فرمان وخطاب به سید علی‌خان صادرشده رقم به همین مضمون) .

* فرمان خاقان مغفور به تاریخ شهر محرم ۱۲۳۹ به شرح‌آن‌که فرزند نامدار امام ویردی میرزا بداندکه چون ازقرارفرامین سلاطین سابق ومجلات معتبربه مهرعلما وفضلا واعیان وکدخدایان قزوین تولیت بقعهٔ شاهزاده حسین

برحسب شرع انور ازبدایت حال تاکنون باسادات مرعشی بوده وازعهد این دولت تولیت به عالی جناب میرسید ابراهیم رسیده وفرامین مطاعه به امضای تولیت اوشرف‌صدوریافته ومبلغ هیجده‌تومان ودوهزارپانصد دینارنقد ومقدار بیست پنج خروارجنس ازبابت مالیات قزوین که به رسم وظیفه دروجه متولی وسایرخدام بقعه ازسوابق ایام برقرار بوده نیز کماکان مقرر داشته‌ایم ودر هذه السنهٔ قوی ئیل ومابعدها نیز تولیت مزبوررا کماکان به عهدهٔ مشارالیه مفـوض ونقد وجنس مزبوررا عنایت فرمودیم که همه ساله بازیافت ومیانهٔ خود وسایر خدام تقسیم نموده ، صرف معاش سازند .

* فرمان پادشاه بهشت جایگاه درعنوان عریضهٔ عالی‌جناب‌آقا سید احمد به تاریخ شهرمحرم ۱۲۵۲ .

شرح عریضه : ازقـرار فرامین سلاطین سلف ورقم نواب ولیعهد مبلـغ هیجده تومان ودوهزارپانصد دینارنقد ومقداربیست وپنج خروارجنس به‌جهت صرف‌روشنایی ومصارف خدام شاهزاده حسین که متولی می گرفته وبه‌مصرف می‌رسانیده ، تولیت هم که برحسب شرع به این دعاگورسید هرساله دریافت وبـه مصرف می‌رسانید . دراین عهد مستوفیان چهارده خروار ازمقدار بیست وپنج خروار کسرنموده ، تتمه کفاف مصرف مزبوره نمی کند . استدعاآن که فرمان صادرشود که نقد وجنس مزبوررا بدون کسر برسانند .

شرح فرمان آن که نورچشم‌کامکار سلطان بدیع الزمان میرزا بداند که نظر به رعایت عارض وفرمان خاقان ورقم ولی عهد وخواقین سلف مبلـغ هیجـده تومان ودوهزاروپانصد دینارنقد ومقداربیست وپنج‌خروارجنس‌ازبابت مالیات قزوین بدون کسر کماکان برقرارفرمودیم که همه ساله برسانند]

سرکارعالی اسناد طرفین را به دقت ملاحظه ورسیدگی فرموده ،آقا سید رضی

را جواب فرمودید. استدعا آن که آنچه بربندگان عالی واضح ومحقق گردیده شرحی به جناب آقا میرابراهیم قلمی فرمایند تا احقاق حق کرده ومراتب را به نـواب مستطاب عبدالصمد میرزا حکمران دارالسلطنهٔ قزوین عـرض وحالی نماید . باقی امره العالی .

[حاشیه :]

عالی‌جناب نورچشم گراما عالی جنابان آقا سید رضی و آقا سید احمد که ازسادات مرعشی است در باب تولیت بقعهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ لازم التعظیم شاهزاده‌حسین سلام‌الله علیه وعلی آبائه حال‌تحریربه دارالخلافه‌آمده و گفتگو کردند . گذشته ازعلم خود بـه حقیت عالی جناب آقا سید احمد که از بدایت سن الی یومنا هذا مشارالیه ومرحوم والدش را درآستانهٔ متبرکه متصدی امر تولیت دیده وشنیده بودم ازطرفین مطالبهٔ سند کردم هریك برطبق ادعای‌خود ازقرار مسطور متن ابـراز سند کردند ، معلوم شد که تصرف آقا سید احمد در تولیت بقعهٔ متبرکه قدیماً ابأ عن جد اززمان سلاطین صفویه انارالله بـرهانهم الی یومنا هذا موافق احکام مطاعه بوده است وبه سوای سادات سلسلهٔ مرعشیه درامرتولیت دیگری سهیم وشریك نبوده ، فرمان‌خاقان مغفوروشاهنشاه مبرور نیزبه امضای فرامین سلاطین جنت مکین سابق عزصدوریافته ودردست دارد . بناءاً علیه اسنادآقـا سید رضی ناسخ اسناد مشارالیه نمی‌باشد . آن نـورچشم مراتب‌را خدمت‌کارگزاران نواب‌مستطاب‌اشرف والا صاحب‌اختیاردارالسلطنهٔ قزوین عرض وحالی نموده ، بـه امضای فرامین مشارالیه استدعاکرده رقمی صادر فرمایند که کما فی السابق در سرشغل وعمل خود بوده مرفه وآسوده به دعای دوام دولت ابد مدت قیام واقدام نماید ودیگری مداخله درشغل اونداشته باشد . زیاده حاجت تأکید نیست .

تحریراً فی ۲۱ شهرشوال المکرم سنهٔ ۱۲۷۱ .

نورچشما مجدداً می‌نویسم وبه عالی جناب آقا سید احمد نیزمشافهتاً گفته‌ام که ثبت موقوفات منقوله وغیرمنقوله بقعهٔ‌متبرکه ومنافع‌موقوفه ونذورات وسایروجوه عایدی آستانهٔ متبرکه را به‌آن نورچشم بدهد ومصارف آن راکما هوالمقرر همه ساله به جزو نوشته وبه‌آن نورچشم تسلیم نماید . بایدآن نور چشم نیز مراقب باشدکه درمنافع آنجا حیف ومیلی واقع نشده ، به مصارف مقررهٔ واقف بی‌کسرونقص برسد . فی تاریخ فوق .

(۸۵)

حکم دیوانخانهٔ مبارکهٔ عدلیهٔ اعظم ممالك محروسهٔ ایران مورخ ذ ق ـ ۱۲۷۱ که بـراساس غوررسی عضد الملك وبا اشاره به سند گذشته (شمارهٔ ۸٤) برحقانیت سیداحمد متولی صادرشده است .

چون برحسب فرامین قضاآیین سلاطین خلد مکین مغفورارزمان دولت سلطان خلد مکان شاه طهماسب انارالله برهانه‌که تعیین متولی وخادم به جهت موقوفات مخصوصهٔ بقعه متبرکهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم شاهزاده حسین واقعه در دارالسلطنهٔ قزوین از اجلهٔ سادات عظام فرموده به شرایط مسفوره در وقف نامه‌جات موقوفـات تعیین متولی عصرخود وتفویض تـولیت از جانب سنی الجوانب به عالی‌جناب غفران‌مآب میرزین‌العابدین مرعشی‌نموده‌که ماتعاقبوا وتناسلوا ازسلسلهٔ علیه بـه اقتضای هرعصری وزمانی‌که از اولادآن سلسله در عهد دولت سلطانی واقع‌شود متولی بوده الی‌یومنا هذا خلفاً عن‌سلف برطبق فرامین‌مطاعه امرتولیت بقعهٔ متبرکه مفوض ومرجوع به احدی ازاولاد واحفاد

سلسلهٔ سادات جلیله بـوده . درزمان حکومت نواب مستطاب علی نقی میرزا المدعو برکن الدولـه بعضی ازفضلای عظام حسبتاً نصب ناظری در امورات موقوفات وخدمات متبرکه نموده بـودند ، مراتب را به عرض اولیای دولت قاهرهٔ خاقان مغفور ونایب السلطنة العلیة العالیه البسه الله حلل النور رسانیده ، فرمان همایون ورقم قضا شیم برعدم مداخلت ومشارکت احدی صادر وحکم محکم براستقلال واستقرارمتولی عصرکه غفران مآب میرمحمد ابراهیم بوده شرف نفاذ یـافته وکماکان مستقلا ومستقراً حین حیاته به خود مرحوم مـزبور وبعد وفاته به عالی جناب قـدسی القاب سلالة السادات العظام آقا سید احمد خلف مرحوم سابق الذکربوده . این اوقات درزمان حکومت نواب مستطاب سیف الله میرزا بـه سعایت جمعی ولد ناظر مرحوم مذکوررا که عالی جناب سیادت مآب سلالـة السادات العظام آقا سید رضی است بـه مشارکت در امر ومداخلت درامورسهیم وشریك قرارداده ، عالی‌جناب آقا سید احمد به دربار معدلت مدارعارض ودر دیوانخانهٔ مبارکه مستدعی احقاق حق واستقلال خود گردیـده ، برحسب فرمان قضا جریان وامر اولیای دولت جاوید عدت قـوی شوکت‌قاهره چون‌غوررسی این گونه اموربه‌جناب مقرب‌الخاقان عضدالملك میرزا محمدحسین صدردیوانخانهٔ علیه مرجوع ومرفوع بود حسب‌الامرکمال دقت درفرامین مطاعه ونهایت اهتمام‌را باحضورطرفین به عمل‌آورده ، شرحی مبسوط مفصل مشتمل برمضامین فرامین وتصریح درعدم مداخلت، ومشارکت احدی‌درامرتولیت‌متولی‌مزبوررا تصدیق‌نموده. لهذا حکم‌ازدیوانخانهٔ مبارکه صادر شده‌که عالی جاهان رفیع جایگاهان مجدت ونجدت اکتناهان مقـربی الخاقان کارگزاران ومباشرین مهام دیوانی دارالسلطنهٔ قزوین بـه شرح تصدیق جناب معظم الیـه عالی جناب مشارالیه را مستقل در امرتولیت ولوازم خدمت

بقعهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم دانسته ، احدی را نگذارند که بدون اذن واجازهٔ مشارالیه مداخلت درشغل مزبور نماید وکمال مراقبت ونهایت اهتمام را دراین باب مرعی ومبذول دارند . زیاده چه تأکید شود ودرعهده شناسند .

تحریراً فی شهرذی القعدة الحرام سنهٔ ۱۲۷۱ .

(۸۶)

فهرست موقوفات آستانهٔ متبرکه حضرت شاهزاده حسین ازقرارثبت کتابچهٔ موقوفات وفرمانها، که براساس دستور میرزا محمد حسین عضد الملك درپایان سند شمارهٔ ۸٤ برای سپردن به آقا میرابراهیم ازکارگزاران حکومت عبد الصمد میرزا عزالدوله حکمران قزوین فراهم شده است[۱].

فهرست موقوفات آستانهٔ متبرکهٔ حضرت شاهزاده حسین علیه السلام از قرار ثبت کتابچهٔ موقوفات ودر دفترخانهٔ مبارکهٔ دیوان اعلی وفرامین متعدده موجوده که در دست این چاکران ملایك پاسبان (؟) ضبط است :

ازقریهٔ شنستق علیا واقعه دربلوك رامند ـ چهار دانگ

ازقریهٔ دستجرد اقبال مشهور به نجف آباد ـ یك دانگ وسه ربع از یك دانگ

ازقریهٔ خروسان واقعه دربلوك رامند ـ سه دانگ

ازقریهٔ امینقان واقعه دربلوك دشتبی ـ یك دانگ نیم

ازقریهٔ کچلجرد واقعه دربلوك دشتبی ـ دودانگ (متصرفی : یك دانگ/

---

۱ . این آقا میرابراهیم شاید نایب الحکومهٔ قزوین درآن تاریخ بوده وبه جای حسنعلی خان خوئی پیشکاری شاهزادهٔ مزبوررا داشته است .

به غصب می‌برند ـ یك دانگ) .

ازقریهٔ دزج و گناج مشهوربه اکبرآباد ـ شش دانگ

ازطاحونهٔ مشهورقوش خانه ـ چهاردانگ نیم

ازآب رودین ارنزك ودزج شصت یوم بعدازعید سلطانی ـ دوازده هنگام

ازقریهٔ دزج اقبال مشهوربه مسکین آباد ـ یك دانگ

(۸۷)

سند مورخ شعبان ۱۲۷۲ دربارهٔ کیفیت آب چهارقطعه باغ وقفی آستانـهٔ شاهزاده حسین که درمورد شرب آنها میان متولی ومالکان باغات قزوین که ازآب‌سلطانی سی وشش روزپس ازنوروزمشروب می‌شدند اختلاف‌بود وسرانجام براساس طومارقدیمی ممهور به مهردهخدایان قدیم بنا بر مصالحه گردید. این طومارهمان سندی است که به شمارهٔ ۵۲ درهمین مجموعه نقل ودرج شد .

غرض ازتحریراین حروف آن که چون فی مابین مشروبین آب‌سلطانی سی وشش روزبعدازنوروز ومتولی حضرت شاهزاده حسین علیه‌السلام نزاع درمیان بود وسخن متولی به حضرات این‌بود که بعد ازمشروب شدن چهارده قطعه بـاغ عنایت بلا فصل چهار قطعه باغ وقفی حضرت که دو قطعه متصل به ماجیل آباد است ودوقطعه متصل به سلیجرد است باید مشروب بشود . وچون فی ما بین نزاع به طول انجامید لهذا به صوابدید جمعی ازمخادیم دهخدایان وغیره امر به این طور قرار گرفت که اگراین اقل السادات طومار قـدیمی که ممهوربه مهردهخدایان‌قدیم که درتقسیم آب‌مهر کرده‌اند وسهم‌هریك‌را مشخص نموده‌اند اگرابرازشد مجاناً حضرات مدعی‌ها قبول کرده ، درشرب آب وقف

بـاغات حضرت شاهزاده حسین علیه السلام را برخود مقدم دانسته که از آب سلطانی اول اومشروب شده بعد حضرات ببرند. اگرچنان چه همچونوشته‌ای ابرازننمودم حضرات مقدمند . این چندکلمه به جهت یادداشت قلمی شد .

تحریراً فی شهرشعبان المعظم سنهٔ ۱۲۷۲ .

[حاشیه :]

* تفصیل اسامی حضراتی که درمجلس حضور و به مضمون متن شاهدند:

عالی شان آقا مصطفی/عالی شان آقـا محمد اسماعیل/عالی شان مشهدی حاجی علی/عالی شان مشهدی محسن/کربلایی حاجی آقا/مشهدی یـوسف/ آقا ابراهیم/آقا صادق/آقا احمد/حاجی حسین علی/کربلایی محمد قلی

* تفصیل حضراتی که مخادیمی که درمجلس حضور داشتند :

خیرالحاج حاجی عبد الـوهاب/کربلائی ابراهیم/آقا محمد رضا /آقا میرمهدی متولی/آقا سید مرتضی/کربلائی حسین .

(۸۸)

محضرواستشهادی با گواهی‌علماء وبزرگان قزوین مورخ ذ ق ـ ۱۲۷۳ بـرتولیت سید احمد مرعشی . از گواهی‌ها چند نمونه نقل شدکه یکی تاریخ ع ۱ ـ ۱۲۷۵ دارد :

چون‌ازایام‌سابقه وسنوات‌سالفه اززمان سلطنت‌امیرتیمور گورکان وامضای فرمانروایان سلسلهٔ صفویه انارالله برهانهم الی الان بلافاصله وبـدون مشارکت غیرتولیت شرعیهٔ مزارکثیرالانوار روضهٔ منورهٔ مطهرهٔ لازم التعظیم والتکریم واقعه در دارالسلطنـهٔ قزوین اباً عن جد وبطناً بعد بطن با سادات عالی درجات مرعشیه بوده تاکنون‌که تولیت به قانون شریعت غرا به این اقل السادات سید

احمد مرعشی منتقل شده که همواره به جاروب کشی آن آستان ملایك پاسبان مشغول بوده . لهذا استشهاد واستخبارواستعلام می‌رود ازعالی‌حضرات سادات عظام وعلمای‌اعلام وفضلای ذوالعزوالاحترام ودانشمندان خیریت‌انجام وعمال ومعتبرین نیکوفرجام وعموم سکنهٔ دارالسلطنهٔ قزوین دراین که هریك علیم وخبیرومطلع ازمراتب مسطورهٔ معروضه بوده‌باشند واین اقل‌السادات را قابل وشایستهٔ جاروب کشی آن آستان ملایك‌پاسبان‌می‌دانند دو کلمه درعنوان‌عریضه به دست خط شریف قلمی وبه خاتم منیف مزین فرمایند .

تحریراً فی شهرذی قعدة الحرام سنهٔ ۱۲۷۳ .

[برخی گواهی‌ها :]

* هوالله تعالی شأنه العزیز- این معنی براحدی مخفی وپوشیده نیست که از زمان سلاطین جنت مکین صفویه انارالله برهانهم سادات ذوی الاحترام مرعشی متولی آستانهٔ منورهٔ مبارکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم علی بن موسی الرضا علیهماالصلاة والسلام اباً عن‌جد ونسلا بعدنسل بوده‌اند چنانچه‌صاحب کتاب مجالس‌المؤمنین تصریح به این‌معنی فرموده . بناء علیه سادات مرعشی متولی آستانهٔ مبارکه بوده‌اند ، تا این زمان تفویض به جناب سلالة السادات الاطیاب والانجاب آقا سید احمد حرسه‌الله یافته وایشان نیزدرامرتولیت موافق قانون شریعت عمل می‌نمایند . من اعانه اعان الله له [مهر:] ظنی بالله حسن .

* بسمه سبحانه وتعالی - احقرالعلماء والمتعلمین علی مارأیت وشاهدت بالشواهد والبداهة فی‌مدة عمری مارأیت وعلمت الا ما سفر وسطرمبدأ ومختماً من مباشرة السید السند الجلیل النبیل الخلیل الامجد الممجد الاقا سید احمد المستشهد دام توفیقه وعزه فیما استشهد فیه من‌خدمة من استشهد له علیه‌آلاف التحیة ومقبرته زادها الله شرفاً اباً عن جده واجداده وهذا مما لاریب فیه . نمقه

بیمناه‌الدائرة الخاسرة الی. . . . الجانی الخاطی الحقیرالذلیل[مهر:] واذکر فی الکتاب اسماعیل .

* هو ـ الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی . بلی جناب سلالـة السادات الفخام‌آقا سیداحمد وفقه‌الله تعالی‌آباء واجداد وی متولی بقعهٔ مبارکه زادها الله شرفاً بوده‌اند وسلاطین سالفه رضوان الله علیهم وعلمای اعلام قدس الله روحهم امضاء ورضا داشته‌انـد وهمچنین‌آن امضای علماء عظام الی هـذه الایام بوده ومن قلد امر کل مؤمنین لازم اطاعت فرامین واحکام ایشان ، اعانه الله تعالی من‌اعانه فی‌امرتولیته ولله‌الامر[مهر:] ابن تقی‌الحسینی عبده محمد(؟)

* هوالله تعالی ـ اقل‌المشتغلین درمدت عمرخودآنچه دیده‌ام والد ماجد جناب سلیل الاطیـاب مفخرالسادة الانجاب مستشهد معظم الیـه مستقلا درآن آستانهٔ متبرکه متولی بوده‌اند وبعد ارتحاله الی‌عالم القدس خود جناب مکرم الیه تـولیت داشته وشایستهٔ این مقام نیز می‌باشند . نمقه بیمناه الفانیه [مهـر:] افوض امری الی الله محمد علی .

* اقل خاکسار محمدکریم تاجر قزوینی مشهور به باغبان باشی درمدت عمر والد جناب مستشهد را متولی حضرت شاهـزاده حسین مستقلا دیـده‌ام ، بعدازفوت والد ایشان جناب سعادت وسیادت انتساب‌آقا سید احمد زید فضله بالاستقلال بدون‌مشارکت غیرمتولی وبه امرتولیت اشتغال دارند. حرره العبد الاقل الاثیم [مهر:] محمدکریم . شهرربیع الاول سنهٔ ۱۲۷۵ .

(۸۹)

فـرمان ناصرالدین شاه مـورخ ج ۲ ـ ۱۲۷۵ خطاب بـه عبدالصمد میرزا حکمران قزوین درباب موقوفات‌آستانهٔ

شاهزاده حسین که دیگران به غصب گرفته ، واومی‌بایست آنهارا ازید غصب خارج‌ساخته به‌متولی آستانه واگذارد:

الملك لله تعالی ـ حکم همایون شد آن‌که چون تمامی همت علیا نهمت همایون‌ما مصروف به‌آن‌است که درزمان دولت‌روزافزون وعهدخلافت ابد مقرون سادات عظام که شجرهٔ نبوت وولایت‌اند خاصه سلسلهٔ مرعشیه که از جمله سادات ذوی العز والاحترام‌اند برفاه حال گذرانیده ، به دعاگوئی دولت دوران‌عدت قیام واقدام نمایند، دراین وقت سیادت ونجابت‌پناه سلالة السادات العظام آقا سیداحمد متولی آستانهٔ منورهٔ متبرکهٔ مطهرهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم شاهزاده حسین خلف امام ثـامن علی بن موسی الرضا علیه التحیة والثناء بـه درگاه معدلت مدار آمده به عرض اقدس رسانید که بدین موجب املاك :

[قریهٔ امینقان دشتبی ازجمله شش دانگ : یك دانگ

قریهٔ شنستق علیای رامند : چهار دانگ

طاحونهٔ قوشخانه : چهاردانگ نیم

مزارع دزج و گناج وجوستق مـره موافق تشخیص وقف نامچه به انضمام خروزان رامند

قریهٔ کچلجرد دشتبی : دودانگ]

ازقدیم الایام الی‌الان ازقرارفرامین ووقف‌نامچه‌های معتبره وقف آستانهٔ متبرکه است پـاره‌ای از اهالی ولایت قزوین به غیرحق متصرف شده‌اند . لهذا امـر ومقرر می‌شود که املاك مرقومهٔ فوق را از ید غاصبین انتزاع وتصرف متولی مزبوره داده که منافع آن را سال به سال صرف روشنائی وتعمیر وسایرمخارج بقعهٔ متبرکه نموده ، هرگاه احدی درمقابل متولی مزبوره موافق قانون شرع حرفی داشته باشد طرفین را درمحضر یکی از امنای شرع انور قزوین حاضر

نموده که موافق قانون شرع طی گفتگوی طرفین بشود . مقرر آن که نورچشم کامکار عبدالصمد میرزا حکمران دارالسلطنهٔ قزوین حسب المقرر مرتب دارد . المقرر عالی جاهان مقربوا الخاقان مستوفیان عظام وسررشته داران کرام و کتبهٔ بااحترام شرح فرمان همایون را ثبت وضبط دفاترخلود ودوام نموده ، درعهده شناسند .

تحریراً فی شهرجمادی الثانی سنهٔ ۱۲۷۵ .

(۹۰)

محضرواستشهادی‌مورخ پایان صفر۱۲۷۷با گواهی حاجی میرزا عبدالوهاب ازعلماء قزوین درمورد شایستگی آقا سید رضی فرزند سید نعمت الله برای تصدی امور آستانهٔ شاهزاده حسین .

درآن اشاره شده است که سید مزبور در روز یك شنبه ۸ صفراین سال درمراسم بارعام به پیشگاه شاه شرفیاب‌شده وشرحی درباب‌تصدی‌خود وپدرانش نسبت به‌امور آستانهٔ مزبور وافراط وتفریط‌های آقا سیداحمد درمورد نذورات وموقوفات عرضه داشته بود ، وشاه تحقیق امررا به عهدهٔ حاجی میرزا عبدالله خان مستوفی واگذار نمود .

حاجی میرزا عبدالله خان مزبور فرزند میرزا نبی خان امیردیوان قزوینی بود که دربار دوم که شاهزاده عبدالصمد میرزا عزالدوله به سال ۱۲۷۳ حکومت قزوین یافت به پیشکاری اومنصوب شد وتاسال ۱۲۷۷دراین شهرعهده‌دار همین‌کاربود وسپس درسال ۱۲۷۸ با لقب علاء الملك به

پیشکاری حکومت همدان رفت و در ج۲ـ۱۳۰۸ در گذشت[۱].

چون روز فیروز یك شنبه هشتم صفر که عدالت وانصاف سایهٔ خدا را بحسن قلب اولیای این دولت جاوید عدت روز ظهور وبروز گردیده بود این اقل السادات سید رضی بن مرحوم سید نعمت الله دربابت تولیت بقعهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم سمی خامس آل عبا شاهزاده حسین علی آبائـه آلاف الثناء والتحیه که باآباء وخود اقل السادات بوده وازتفریط نمودن ودایع واسباب موقوفه که درخزانهٔ آن حضرت ازبابت نذورات وغیرها ضبط بوده وازخرابی صحن وبقعه به علت تفریط منافع موقوفات وتعمیرنکردن وازبابت بی اعتدالی آقا سید احمد به خاك پای جـواهر آسای مبارك پادشاه جم جاه رعیت پـرور عدالت گستر روحنا فداه عرض نمود وحکم صریح محکم شرف صدور یافت به عهدهٔ عالی جاه مقرب الخاقان خداوندگاری حاجی میرزا عبدالله خان زید مجده که ازعلمای عظام زاده الله امثالهم استفسار واستخبار واستعلام نمایند که هریك لیاقت وشایستگی امانت ودیانت تصدی امورات بقعهٔ متبرکه را داریم این شغل بـه او ازجانب سنی الجوانب روحنا فداه لطف ومـرحمت شود در نظم ونسق آنجا وامورات آنجا وصرف موقوفات به مصرف مقررهٔ شرعی وبه موافق وقف واقف عمل نمایند .

لهذا مستدعی است که آنچه در ضمیـر منیر شریعت مـداران عالی واضح وظاهر ولایح است درصدر عریضه مرقوم وبه خاتم شریف مبارك مختوم فرمایند. تحریراً فی سلخ صفر المظفر سنهٔ ۱۲۷۷ .

[گواهی :]

* بسمه تعالی ـ چنانچه سلالة السادات سید رضی به اطلاع واستحضار

---

۱. رجال ایران بامداد ۲ : ۲۶۹ و۲۹۴ـ۲۹۶ .

وانضمام عالی‌جناب فضایل وفواضل اکتساب العلام الفهام مقتدی الانام آخوند ملا عباس علی پیشنماز زید فضله در امورات بقعهٔ امام زاده حسین علیه السلام تصدی وتولیت نماید از آقا سید احمد الیق واصلح واولی است . ان شاء الله به انضمام مشارالیه زید فضله مراعات خواهد شد تا احتیاطات شرعیه مراعات شده باشد والسلام [مهر:] عبدالوهاب ۱۲۶۰ .

مخفی‌نماند علماء اعلام وحفاظ شرع خیرالانام از گذشتگان ومعاصرین کثرالله امثالهم درنصب مرحوم سید نعمت‌الله والد سید رضی مراعات انضمام عدل آخر نموده‌اند لذا داعی نیز احتیاط را ازدست نداده ، انضمام مشارالیه را با سید رضی مراعات نمود [مهر:] عبدالوهاب ۱۲۶۰ .

(۹۱)

محضر واستشهاد دیگری مورخ به همان تاریخ وبا همان متن ، باگواهی چند تن دیگرازعلماء این چنین :

* بسمه تعالی ـ ازقراری که علماء اعلام دارالسلطنهٔقزوین وغیرهم کثرالله امثالهم لاسیما جناب مستطاب عمدة العلماء وقدوة الفقهاء آقا سیدرضی درحق جناب سیادت انتساب سید رضی الدین مرقوم داشته‌اند واز نوشته‌جات ایشان براین اقل خدام شریعت مطهره محقق گردیده است سید مشارالیه صلاحیت تصدی امور مسطورهٔ مرجوعهٔ به وی در بقعهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم سلام الله علی آبائه الطاهرین دارند. حرره الاقل [مهر:] محمد صادق الحسینی الطباطبائی . فی ۲۰ شهرربیع المولود ۱۲۷۷ .

* بسم الله تعالی‌شأنه ـ جناب قدسی انتساب آقا سید رضی چنانچه علماء دارالسلطنه وغیره مرقوم داشته‌اند تولیت بقعهٔ متبرکهٔ امامزادهٔ واجب الاحترام

را می‌نموده‌اند و آباء ایشان متولی‌بوده‌اند حال‌هم به واسطهٔشایستگی وصلاح باید غیرازجناب سید معزی الیه مباشرت نداشته باشد ، به قاعده وقانون شرع انور بعد ازاین باکمال دقت وامانت جناب‌آقا سید رضی زید توفیقاته به امر تولیت امام زادهٔ لازم التکریم رسیدگی نمایند ومنتهای احتیاط را به عمل آورند که عندالله وعند اجداده صلوات‌الله علیهم‌اجمعین مقبول ومأجورباشند. عالی جاه مقرب الخاقان حاجی خان هم البته‌کمال التفات وجانب داری می‌فرمایند والسلام علی من اتبع الهدی . کتبه الداعی فی السابع والعشرین من شهرربیع الاول ۱۲۷۷[مهر:] عبده سید مرتضی بن محمد محسن الحسنی الحسینی .

* بسم الله تعالی ـ نظربه نوشته‌جات علماء اعلام قزوین اطال الله بقاهم لاسیما جناب غنی الالقاب المشتهرفی الافاق المنعقد علی ورعه وعلمه وتقواه الاجماع والاتفاق مولانا الوفی الحاج السید رضی زید عزه وعلاه صلاحیت جناب سیادت انتساب سید سندآقا سید رضی الدین زید عزه معلوم ومحقق است وانا الاقل [مهر:] ابن محمد حسین محمد نبی . فی ۹ شهرربیع الثانی .

(۹۲)

محضری دیگربا گواهی سه تن‌ازعلماء قزوین برشایستگی همان سید رضی که چون متن استشهاد نیز با متن پیش اختلاف دارد به نقل‌کامل سند مبادرت می‌رود .

ظاهرحال آن است که این محضربرای منازعهٔ باردوم سید رضی باآقا سید احمد فراهم شده‌که تاریخ‌آن مقارب تاریخ استشهادهای پیش خواهد بود . زیرا در صورت مجلس منازعهٔ اول‌که فهرست‌اسناد طرفین نیزدرآن ذکر

شده بود ازاین قبیل اسناد درمورد سید رضی یادی نشده وتنها به استشهادات سید نعمت الله دراین باب اشاره رفته بـود .

غرض ازتحریراین حروف خیریت مألوف آن که چون امورات متعلقه به امام زادهٔ لازم التعظیم سمی خامس آل عبا فی الجمله اغتشاشی به هم رسانیده ومحتاج بود براین که شخص متدینی درنظم واصلاح آن کوشیده تا امورات متعلقه باآن بقعهٔ مبارکه بروفق صواب منتظم گردد. لهذا من باب الحسبه معین گردیده بود عالی جناب آقا سید نعمت الله را ، چون عالی جناب سید داعی حق را لبیك واجابت نموده ازاین دارفانی به داراباقی رحلت نمود لهذا عالی جناب سیادت مآب سلالة السادات آقا سید رضی که ولد ارشد مرحمت پنـاه سید مزبور است درکمال صلاح وسداد است وبسیارمتدین است ، درصورت تدین درکمال اهتمام خود را در اصلاح امور متعلقه به امام زاده واز وقفیات وغیره مبذول داشته اعمال منهیهٔ شرعیه‌را نهی‌فرموده واعمال مستحسنهٔ شرعیه راامرنموده وآنچه ازموقوفات‌متعلقه به‌آن‌بقعهٔ مبارکه که مغصوبه است‌استرداد نموده باشد وروح مقدس آن معصوم زاده علیه السلام شاد شده ومی‌باید عالی جناب آقا سید رضی نهایت اهتمام را درامورمتعلقه به امام زاده مرعی می‌دارد . والسلام .

[گواهی‌های بالای سند :]

* عالی جناب آقا سید رضی ارشد اولاد مرحمت پناه آقا سید نعمت الله می‌باشد وبـه مضمون الولد سر ابیه کمال ورع وتقوی وآراستگـی را دارد وشایسته وآراسته می‌باشد درصفات‌حمیده واخلاق‌پسندیده ، واعانت واحسان به ایشان درانجام مستمری والد خود از اعظم طاعات واهم قربات است ، در

حقیقت خدمت به جد بزرگوار که شفیع روز جزاء باشد نموده . نمقه بیمناه خادم الشریعه [مهر:] عبده الواثق محمد باقربن علی الحسینی ۱۲٦٤.

* جناب سلالة الاطیاب آقا سید رضی شایسته وبایستهٔ هرنوعی ازاحسان واعانت می‌باشد خصوصاً درمقـررهٔ مزبوره . حرره الاثم [مهر:] قوام الدین الحسینی ۱۲٥٦ .

* هوالمعین ـ من اعان السید السند المذکورفی‌ذلك الاموراعانه الملك الغفور وهوالولی الحمید [مهر:] الراجی محمدیوسف بن محمدتقی الحسینی ۱۲٦۱ .

(۹۳)

محضری مورخ ٤ ع۱ ـ ۱۲۷۷ با گواهی گروهی ازعلماء وبزرگان آن دورهٔ قزوین که شایستگی وسابقهٔ تولیت آقا سید احمد مرعشی را گواهی وتصدیق نموده‌اند . در متن استشهاد ازحاجی میـرزا عبدالله خان حکمران قزوین که در دیباچهٔ سند شمارهٔ ۹۰ ازاوسخن رفت یاد می‌شود .

چون منصب آستان‌روبی وخدمات آستانهٔ متبرکهٔ امامزادهٔ واجب التعظیم حضرت شاهـزاده حسین علیه وعلی‌آبائه الطاهرین الف تحیة وسلام حسب الشریعة المطهره وفـرامین سلاطین سلف اززمان امیرتیمور گورکانی الی الان که شهرربیع‌المولود سنهٔ ۱۲۷۷ همواره مفوض به‌سلسلهٔ جلیلهٔ سادات مرعشیه نورالله مراقدهم نسلا بعد نسل وبطناً بعد بطن بوده وحضرات معظم الیهم نیز نظربه شایستگی واستحقاق ووسع طاقت همت جان‌نثاری وخدمتگزاری نسلا بعد نسل وبطناً بعد بطن بدون‌مداخلهٔ خارج سلسلهٔ مرعشیه مشمول خاطرخود ساخته درخدمات آستانهٔ متبرکه بوده والان سیادت پناه سید رضی صحاف به

جهت بعضی تسویلات خیالیه به دربار معدلت مدار ظل اللهی عرضه داشته که خدمات آستانهٔ حضرت امام زادهٔ معظم الیه درعهدهٔ آبا واجداد من بوده سید احمد نامی غصب نموده ومنصب قدیمی آبائی مرا تصرف کرده ، حضرت بندگان ظل‌اللهی ادام الله ظل‌حمایاته علی‌رئوس الرعایا والبرایا نظربه التفات دادرسی وغوررسی‌خود درانجام مهام وکافهٔ انام که شیوهٔ سلاطین عادل وفریاد رسان‌کامل است دستخط مبارکی حسب الفرمان قضا جریان درعهدهٔ عالی‌جاه معلی‌جایگاه عزت وجلالت‌اکتناه حاجی‌میرزا عبدالله‌خان حکمران‌دارالسلطنهٔ قزوین امرومقرر فرمودند که بندگان معظم الیه ازعلماء وفضلاء وعمال واعیان وکدخدایان ومعمرین معتبرین وسکنهٔ اهل قزوین استفسار واستخباراز کیفیت مزبوره فرموده ، بیان واقع را به عرض همایون حضرت ظل اللهی اطال الله ایام بقائه رسانند .

لهذا این بندهٔ دعاگوی سید احمد ازاحفاد وسلسلهٔ سادات عالی درجات خدام آن آستانهٔ متبرکه استشهاد واستخبار واستفهام از فضلای عظام وعلمای فخام دارالسلطنهٔقزوین وسایرعمال واعیان وبزرگواران وکدخدایان ومعمرین وجمیع‌سکنهٔ دارالسلطنهٔ قزوین می‌نماید هرکسی آباء واجداد وپدران این‌بندهٔ دعاگوی را بدون مداخلهٔ خارج سلسلهٔ مرعشیه درخدمتگزاری وآستان روبی آن آستانهٔ متبرکه دیده وشنیده وبه قدروسع وطاقت به مرور دهورلیلا ونهاراً جاروب کش وخدمتگزاربوده ومی‌باشم وغایت جان‌نثاری‌را نموده ومی‌نمایم وشایستگی این منصب را به قدروسع دارم دوکلمهٔ شهادت خود را درهامش این صحیفه قلمی فرموده وبه خاتم شریف مزین نموده تا حقیقت معلوم شود وامرخدمتگزاری آن آستان ملایك پاسبان مختل نگردد .

تحریراً چهارم شهرربیع المولود سنهٔ ۱۲۷۷ .

[برخی گواهی‌ها :]

* هوالله علی کل شیء شهید ـ جناب سلیل الاطیاب والانجاب آقا سید احمد خود واجداد طاهرین ایشانرا همواره خادم آستانهٔ متبرکهٔ امامزادهٔ معظم الیه دیده وشنیده‌ام وغیرایشان را ندیده ونشنیده‌ام . الحق به حسن اخلاص خدمت‌نموده . العبدالمذنب موسی‌بن عبدالوهاب قاضی [مهر:] عبده الراجی موسی .

* تولیت بقعهٔ مبارکهٔ امام زادهٔ واجب‌التعظیم شاهزاده حسین علیه‌السلام از قدیم الایام لغایت شهرحال که ربیع الاول سنهٔ ۱۲۷۷ است موافق فرامین سلاطین صفویه انارالله مضجعهم واحکام شرعیه با سلسلهٔ سادات مرعشیه بوده بدون مشارکت احدی اختصاص تولیت با ایشان است والحال باجناب قدسی انتساب سیادت پناه آقا سید احمد است . متولی بودن آقا سید رضی در بقعهٔ مبارکه بعینها استحقاق سید مصطفی‌است درتولیت حرم‌محترم رسول الله صلی الله علیه وآله [مهر:] عبده مرتضی بن ابوتراب الحسینی .

* هوالله تعالی شأنه العزیز ـ به داعی ابود دولت قاهره محقق است که تولیت آستانهٔ متبرکهٔ امامزادهٔ لازم‌التبجیل والتعظیم شاهزاده حسین علیه وعلی آبائه التحیة والتسلیم مفوض به سادات مرعشیه جل قدرهم به حکم سلاطین سابقه وسلاطین‌صفویه انارالله‌برهانهم وشهادت ونوشته‌جات فضلای‌هرعصری نضرالله وجههم بوده وعالی جناب قدسی القاب مرتضوی انتساب سلیل سلسلهٔ جلیلهٔ مرعشیه به حسن خدمت آستانهٔ متبرکه وبه حسن‌سلوك وکمالات‌صوری ومعنوی مشهور است وآباء واجداد واعمام معزی الیه متصدی تولیت بوده وچندین سال‌است آقا سیداحمد متصدی تولیت می‌باشد ودوسه پشت ازسلسلهٔ مزبوره را دیده‌ام که بلا مشارکت احدی متصدی تولیت بقعهٔ مبارکه بوده‌اند

وعالی جناب معـزز که چندین سال است متصدی تولیت است مدعی تولیت نداشت وسید رضی که دراین اوقات ادعای تولیت می‌نماید ازتصدی تولیت او بلکه آبا واجداد اونشنیده واطلاع ندارم ونوشته‌جات اورا ندیده‌ام [مهر:] عبده محمد بن محمد شفیع الحسینی .

* بسم الله تعـالی ـ آنچه راکه احقرالعلماء دیده وشنیده واطلاع به هم رسانیده صلاحیت جناب السند المعتمد الاقا السید احمد بوده ازجهت تصدی امورمتعلقه به بقعهٔ مبارکهٔ امام زادهٔ لازم الاعزاز والاکرام والارادة روحنا فداه وهست ، چنان که علی الدوام ومادام العمربعد الاب والجد بقدروسع وطاقت خدمتگزاربقعهٔ متبرکهٔ مسفوره الی الیوم بوده وغیرایشان را الی الان مداخل در مباشرت نـدیده ومنافسه ننموده . الداعی الجانی الاذل من الذلیل [مهر:] واذکرفی الکتاب اسماعیل .

* هوـ انحصار تـولیت آستانهٔ منورهٔ مقدسهٔ متبرکه اباً عن جد با جناب غنی‌الالقاب والاوصاف مستشهد معظم‌الیه بوده، شایسته وسزاواربوده وهستند [مهر:] العبد المذنب محمد جعفر.

* بسم الله خیرالاسماء ـ بلی آنچه جناب سلالـة الاطیاب مستشهد معظم الیه استخبارفرموده‌اند جمیعاً بیان واقع وحق وصدق است ومستشهد معظم‌الیه متصدی امـور مسطوره وشایسته وسزاوار بوده ومی‌باشند وشبهه وخفـائی در مراتب محرره نیست . تحریـراً فی شهر ربیع المولود من شهور سنهٔ ۱۲۷۷ [مهر:] محمد علی .

* هوـ احقرالمشایخ جناب سلالة الاطیاب مستشهد معظم را اباً عن جد متصدی امـور بقعهٔ مبارکه واهل وسزاوار تـولیت آن دانسته ومشاهده نمـوده والحق والانصاف شایسته وسزاواربوده ومی‌باشند وهرگزغیرایشان‌را متصدی

ندیده ونشنیده‌ام . تحریراً فی شهرربیع المولود من شهور سنهٔ ۱۲۷۷ [مهر:] ظنی بالله حسن .

* هوالله تعالی- اقل‌الطلبة والمحصلین جناب‌آقا سید احمد را مع‌اجداد سابقه‌که سلسلهٔ علیهٔ مرعشیه باشند بدون مشارکت احدی‌که خارج از سلسله باشد موافق احکامات شرعیه وفرامین پادشاهان سلف انارالله برهانهم همیشه ایشان‌را متولی مرقد منورحضرت شاهزاده‌حسین نورالله مرقده ومضجعه دیده ودانسته وشنیده‌ام . الحق جناب سید مذکور شایستهٔ چنین منصب وخدمت می‌باشند لا غیر. حرره العبد الاقل العاصی [مهر:] لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده محمد .

(۹٤)

نامهٔ « عبدالله بن نبی » ـ که همان حاجی میرزا عبدالله خان‌مستوفی فرزند میرزا نبی‌خان امیردیوان پیشکارقزوین است ـ به جناب جلالت مآب معتمد الدولة العلیة العالیة وزیرعدلیهٔ اعظم که طبعاً کسی جزعباسقلی خان جوانشیر معتمد الدوله وزیرعدلیه ازسال ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۸ نخواهد بود[۱]. درباب کشمکش مجدد سید رضی وآقا سید احمد متولی برسرتولیت آستانهٔ شاهزاده حسین .

در متن نامه‌آمده‌که حسب الحکم دیوان عدلیهٔ اعظم‌آقا سید رضی چند روز پیش راهی دربار معدلت مدار شده واکنون چون‌آقا سیداحمد روانهٔ‌آن‌صوب بود این‌سطور

---

۱. رجال ایران بامداد ۲ : ۲۲۷-۲۲۹ .

نوشته شد . دراین متن بـه سابقهٔ امرتولیت واحکام قـدیم خاندان مرعشی اشاره می‌شود .

هـو

فدایت شوم درباب امرتولیت بقعهٔ متبرکهٔ حضرت شاهزاده حسین علیه السلام که حکم از دیوان عدلیهٔ اعظم شرف صدور یافته بود زیارت شد . آقا سید رضی که مدعی تولیت بود روانهٔ دربارمعدلت مدارشد عریضه عرض کرد حقیقت را معـروض داشت . چون آقا سیـد احمد متولی آن آستانه نیـز روانه گردیده شرفیاب‌خدمت جناب جلالت‌مآب بندگان عالی می‌شود، فرامین که ازپادشاهان سلف وصفویه انارالله برهانهم وازخاقان مغفور وپادشاه مبرور البسه الله حلل‌النور وفرمان مبارك شاهنشاه جم‌جاه روحی وروح العالمین فداه در دست دارد تماماً را بـه نظربندگان عالی می‌رساند . چهارصد سال متجاوز است پشت درپشت تـولیت باآبا واجداد مشارالیه بـوده ، دراین سنوات هم متولی بـوده مگردرسال حکومت نواب سیف الله میرزا یك ماه تولیت را به ملاحظهٔ بعضی‌خیالات واگذار به‌او کرد. درهرصورت هردوشرفیاب می‌شوند، ملاحظهٔ احکام واسانیدآنها را می‌فرمایند به هرچه در ثانی حکم مقرر می‌شود ودستورالعمل مرحمت می‌فرمایند ازاین بنده اطاعت وانجام فرمایشات است. درمقدمه این دوسید مقرب‌الخاقان مطاعی صاحب‌دیوان درست مطلع می‌باشند تحقیق بفرمائید عرض می‌کند، به هرچه امرشود معمول دارد . زیاده جسارت است . همه روزه مترصد ارجاع خدمات وفرمایشات است. امرالعالی الأعلی مطـاع .

[حاشیه :]

* هوالله تعالی ـ تصدقت شوم به نمك با محك قبلهٔ عالم وعالمیـان

روحنا فداه طرفداری ازهیچ‌یك ازسادات منظورنیست . چون صراحتاً مرقوم فرموده بـودید به حقیقت رسیده عرض کند بـه فعل از قراری است که عرض می‌شود . دو روزقبل هم عریضه‌ای نوشته‌ام که آقا سید رضی حامل آن عریضه بود وحال هم مجدداً عـرض می‌نماید آقا سید احمد ازسلاطین سلف ازمدت چهارصد سال تا به حال فرامین واحکام دارد وآقا سید رضی هم ازجمعی ملا ومجتهدین نوشته وسند دارد . بدان چه حکم مجدد رسد مطیع ومنقاد هستم. زیاده عرضی نیست . ایام جلالت مستدام باد .

(۹۵)

فهرست عـرض واستدعای سید احمد متولی فرزند سید ابـراهیم مرعشی درباب تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین به حضورناصرالدین شاه . بادستخط شاه درحاشیهٔ آن‌خطاب به امین‌الدوله که کسی جزفرخ خان‌کاشی وزیرداخله‌وامین الدوله (از ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۸ که در گذشت) نمی‌تواند بود[1]. در متن عـرضه داشت آمده است کـه بیش از سیصد سال می گذرد که تولیت آستانهٔ مزبور با خاندان مرعشی است واکنـون سید رضی نامی که ازاین سلسله نیست مـدعی تولیت‌شده ومدتی است که عارض‌را در دارالخلافه معطل نموده است . بـا فهرست بخشی ازاحکام تولیت خانـدان مرعشی اززمان طهماسب اول تا حکم دیوان‌خانهٔ عدالت (سند شمارهٔ ۸۵) که تاریخ آن سال ۱۲۷۲ ذکرشده ، لیکن چنان که دیدیم تاریخ سند ۱۲۷۱ بود .

---

۱. رجال ایران بامداد ۲ : ۸۰-۸۶ .

فهـرست عرض واستدعای ارباب وظایف وموقوفات به خاك پـای اعلی حضرت قدرقدرت شاهنشاه جم جاه روحی وروح العالمین فداه .

فقرهٔ اول درباب موقوفات وتولیت :

* عرض واستدعای اقل‌السادات سیداحمد خلف مرحوم‌آقا سید ابراهیم مرعشی در باب تـولیت شاهزاده حسین علیه السلام واقعه در قزوین که مـدت سی صد وکسری است که اباً عن‌جدا تولیت بقعهٔ متبرکه با اقل‌السادات بوده است وحال سید رضی نامی که خارج ازاین‌سلسلهٔ مرعشیه است ادعای تولیت می‌نماید وچهارده[1]ماه است که اقل السادات را در دارالخلافه معطل نمـوده است وفرامین واحکام تولیت اقل السادات ازقرارتفصیل است :

فـرمان شاه طهماسب صفوی درتـاریخ شهرشعبان نهصد وسی وهشت/ فرمان شاه عباس به تاریخ ۱۰۱۶/ فرمان شاه سلیمان درتاریخ ۱۱۰۳/فرامین صفویه : ٦طغرا/فرمان نادری درتاریخ شهرجمادی‌الثانی ۱۱٥٤/فرمان‌ابراهیم شاه نادری/ فرمان شاهرخ شاه نادری/ فرمان اسماعیل میرزای نادری/ فرمان خاقان مغفور درتاریخ ۱۲۱۷/فرمان شاهنشاه بهشت‌جایگاه درتاریخ شهرمحرم ۱۲٥۲/فرمان دیوانخانهٔ عدالت درتاریخ ۱۲۷۲

* درباب صرف روشنائی بقعهٔ متبرکه که در دستورالعمل یونت ئیل هم به خرج منظورشده دوعشرکم می گذارند . استدعاآن که تمام وکمال بـدون عشربه خدام حضرت مرحمت شود .

نقد : ۱۸ تومان ودوهزار و۵۰۰ دینار/جنس : ۲۵ خروار.

بعد ازوضـع دوعشربه خرج دستورالعمل منظورمی‌شود :

نقد : ۱٥ تومان و٦ هزار و٤۷٥ دینار/جنس : ۲۲ خروار وپنجاه من .

---

۱. کذا وباید « چهارماه » باشد .

* فقره درباب موقوفات متعلقه به بقعهٔ متبرکه که اهل ولایت به عنف متصرف شده‌اند . استدعای اقل السادات آن‌که حکمی صادرشود که موافق قانون شرع انور به تصرف اقل السادات بدهند تا مشغول تعمیر بقعهٔ متبرکه شده وموقوفات ازقرارتفصیل است :

قریهٔ امین‌نقان دشتیابی: یك دانگ/قریهٔ شنستق علیای‌رامند : چهاردانگ /قریهٔ کچل جرد دشتبی : دودانگ/طاحونهٔ قوشخانه : چهاردانگ ونیم/آب رودین ارنزك ودزج شصت روز بعد از نوروز : ۱۲ هنگام/قریهٔ گناج اقبال : چهاردانگ ونیم/قریهٔ خروسان رامند: سه دانگ/برزلجین رامند : ٦ دانگ /دستجرد اقبال : ۷ سهم

[دستخط شاه درحاشیه :]

امین الدوله رسیده ، موافق معمول حکم بدهد .

(۹٦)

تفصیل فرامین پادشاهان گذشته ازروزگار طهماسب اول تا سال ۱۲۷۷ درمورد تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین . در این فهرست از «دستخط مبارك» که درشمارهٔ پیش گذشت یاد شده وازفرمان ناصرالدین شاه که درشمارهٔ بعد خواهد آمد سخن نرفته است ، بنا براین باید میان این دو برای تقدیم به دربار یا دیوان عدالت تنظیم شده باشد .
یکی دوسند ازاسنادی که دراین متن یافهرست بدان اشاره می‌شود درمجموعهٔ حاضرنیامده است .

تفصیل فرامین سلاطین خلدمکین ازبدوتعمیربقعهٔ متبرکهٔ امامزادهٔ واجب

التعظیم شاهزاده حسین بن علی بن موسی علیه وعلی آبائه الطیبین الف ثناء که پس ازتعمیربقعهٔ متبرکه که شاه طهماسب صفوی انارالله برهانه غفران‌مآب میرزین‌العابدین مرعشی را به اسم تولیت درجاروب کشی آستانهٔ متبرکه رسم خدمت وتعیین مستمری وتعیین موقوفات به شرح فرمان‌مبارك فرموده تاکنون که دراین دولت جاوید عدت که هریك‌ازسلاطین خلف امضای عمل واجرای فرامین سلف فرموده‌اند :

* سلسلهٔ علیهٔ صفویه ازسنهٔ ۹۳۸ الی زمان نادری که درتاریخ هزار وصد وپنجاه وچهار[۱] صادرشده :

فرمان شاه طهماسب بـه اسم میرزا زین العابدین ۹۳۸/ سواد (؟) فرمان شاه طهماسب به اسم امیراسدالله مرعشی ۹٤٤/سواد فـرمان شاه طهماسب به اسم امیرسرهنگان مرعشی ۹۳۵/سواد فرمان شاه‌طهماسب به اسم سیدمرتضی مرعشی ۹۸۳/سواد فرمان شاه طهماسب به اسم میرزین العابدین مرعشی۹۳۵ /فرمان شاه سلیمان به اسم میرعبدالقادر مرعشی ۱۰۹۲ /فـرمان شاه عباس به اسم میرعبدالقادر مرعشی ۱۰۵۱ /فـرمان زینب بیگم به اسم میرزین العابدین مرعشی ۹۳۸/ فرمان شاه عباس به اسم خدام ۱۰۱٤/ فرمان شاه عباس به اسم متولیان ۱۰۱۹ /فرمان شاه‌عباس به اسم امیررحمت‌الله ۱۰۱۱ /فرمان شاه‌سلطان حسین به اسم امیرعبدالمطلب ۹۹۳/فرمان شاه‌سلیمان به اسم میرنصیرمرعشی ۱۱۰۳/ فـرمان شاه سلطان حسین به اسم میرعبدالعظیم مرعشی ۱۱۰٤/ فرمان شاه سلیمان به اسم میرعبدالعظیم مرعشی ۱۱۰۳ .

فرمان نادرشاه به‌اسم میرعبدالعظیم مرعشی ۱۱۵٤ /فرمان اسماعیل میرزا به اسم میرعبدالعظیم مرعشی ۱۱٦٤ /فرمان ابراهیم شاه به اسم میـرعبدالعظیم

---

۱. به سیاق .

مرعشی ۱۱۶۲/فرمان شاهرخ شاه به اسم میرعبدالعظیم مرعشی ۱۱۶۳/فرمان ابراهیم شاه به اسم میرعبدالعظیم مرعشی ۱۱۶۲ .

* اززمان دولت روزافـزون پادشاه جم جاه فتحعلی شاه طیب مضجعـه الشریف الی دولت تمام نعمت اعلی‌حضرت اقدس شاهنشاه دین‌پناه ظل‌اللهی روحنا وروح العالمین فداه :

دستخط‌مبارك/فرمان خاقان مغفوربه‌اسم میرابراهیم مرعشی ۱۲۱۷/فرمان خاقان مغفوربه اسم میرابراهیم مرعشی ۱۲۱۹/فرمان خاقان مغفوربه اسم سید ابراهیم مرعشی ۱۲۲۳/فرمان خاقان مغفوربه اسم سید ابراهیم مرعشی ۱۲۳۹ /فرمان خاقان مغفور بـه اسم سید ابراهیم مرعشی ۱۲۳۸/ رقـم نایب السلطنهٔ مرحوم به اسم سید ابـراهیم ۱۲۱۷/فرمان خاقان مغفور به اسم سید ابـراهیم مرعشی ۱۲۱۵/فرمان شاه مرحوم به اسم سیداحمد مرعشی ۱۲۵۲/فرمان شاه مرحوم به اسم سیداحمد مرعشی ۱۲۵۱/فرمان شاه جم‌جاه به اسم سید احمد مرعشی ۱۲۷۱/رقم رکن‌الدولهٔ مرحوم به اسم سید ابراهیم ۱۲۳۷/رقم رکن الدولهٔ مرحوم به اسم سید ابراهیم ۱۲۲۸/ رقم محمد علی میرزای مرحوم به اسم سید ابراهیم ۱۲۲۳ / سواد رقم محمد علی میرزای مرحوم بـه اسم سید ابراهیم ۱۲۱۶/رقم محمد علی میرزای مرحوم به اسم سید ابراهیم ۱۲۱۷.

* استشهادات قدیمه وجدیده ۸ طغرا .

(۹۷)

فرمان ناصرالدین شاه مورخ رجب ۱۲۷۷ در واگذاردن خدمت تولیت‌آستانهٔ شاهزاده حسین به‌آقا سید احمد بـه دستور سابق ، بـه انضمام مستمری نقد وجنس که به اسم روشنایی‌آستانه مقرربوده است :

بسم الله تعالی شأنه العزیز

الملك لله تعالی ـ حکم همایون شد که چون ازقرارفرامین خواقین جنت‌مکین انارالله برهانهم وثبت وسررشتهٔ دفترخانهٔ مبارکه تولیت بقعهٔ‌متبرکهٔ شاهزاده حسین علیه السلام واقعـه در دارالسلطنهٔ قزوین به مرحوم میرابراهیم وپدران اوبوده ، بعد ازفوت مرحوم مزبور الی کنون خدمت‌آن بقعهٔ منوره با عالی جناب سیادت وسعادت مآب خلاصة السادات العظام‌آقا سید احمد بوده ومبلغ پانزده تومان شش هزار وچهارصد وهفتاد وپنج دینار نقد ومقدار بیست ودوخروار وپنجاه من تبریزجنس بـاسم صرف روشنائی بقعهٔ متبرکه برقرار بوده همه ساله دریافت نموده‌اند . محض ظهورلیاقت وشایستگی عالی جناب مشارالیه تولیت بقعهٔ منورهٔ‌آن حضرت راکماکان به مشارالیه محول وواگذار نمودیم که چون‌آباء واجدادخود به‌مراسم خدمتگزاری بقعهٔ‌متبرکهٔ‌آن‌بزرگوار قیام واقدام نموده ، نقد وجنس مرقوم راکما فی السابق اخذ ودریافت نموده ، به مصارف مقرره برساند. مقررآن‌که حکام حال واستقبال‌قزوین حسب‌المقرر مرتب داشته ، تولیت را مخصوص مشارالیه دارند ودیگری را مداخله ندهند ومبلغ مزبوررا برسانند . المقرر کتبهٔ‌کرام دفترخانهٔ مبارکه شرح فرمان مبارك را ثبت نموده ، درعهده شناسند .

فی شهررجب سنهٔ ۱۲۷۷ .

[حاشیه :]

مبلغ پانزده تومان وشش هزار وچهارصد وهفتاد وپنج دینار نقد ومقدار بیست ودوخرواروپنجاه من‌تبریزغله جهت صرف‌روشنائی وخدمهٔ بقعهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین ـ ع همه ساله به خرج قزوین‌آمده وصحیح است .

(۹۸)

حکم دیوانخانهٔ مبارکهٔ عدلیهٔاعظم ممالك محروسهٔ ایران باصحهٔ ناصرالدین شاه درکنارهٔ سطراول ، مورخ۸شعبان ۱۲۷۷ درموردکشمکش سید رضی وسید احمد وتفصیل آن باتأیید تولیت سیداحمد براساس غوررسی دیوانخانهٔ مبارکه وفرمان ناصرالدین شاه که درشمارهٔ پیش گذشت :

چون ازابتدای بنای آستانهٔ مقدسهٔ وبقعهٔ متبرکهٔ امامزادهٔ واجب التکریم شاهزاده حسین صلوات‌الله وسلامه علیه وآبائه الطاهرین برحسب فرامین قدر آئین مطاعه اززمان سلاطین صفویه انارالله براهینهم تا دراین دولت ابدآیت قاهره تولیت آستانهٔ مقدسه درهرعصری اختصاص به سلسلهٔ علیه سادات رفیع الدرجات مرعشیه داشته وهریك ازاولاد واحفاد این‌سلسلهٔ جلیله خلفاً عن‌سلف به شرح فرامین مطاعه به این‌منصب جلیل وخدمت نبیل سرافراز ومفتخربوده به لوازم این شغل خطیرکما یجب وینبغی قیام می‌نمودند تادراین اوقات عالی جنـاب سیادت نصاب آقا سید رضی قزوینی روز یك شنبه بسارعام در پیشگاه حضورمرحمت دستورخسروانه به خاك‌پای جواهرآسای‌همایون عارض گردید که عالی‌جناب فضایل‌مآب سلالةالسادات الاطیاب آقا سید احمد خلف مرحوم آقا سیدابراهیم مرعشی متولی حال بقعهٔ متبرکه به خلاف اولویت واستحقاق متصدی شغل مزبورومتکفل امرتولیت‌است وبرحسب‌شرایط واقفین استحقاق درمشارکت ویا استقلال درعمل دارد وباید به امورموقوفاف رسیدگی نماید .

چـون تحقیق دراین امور همواره منظورنظرآفتاب اثر ومکنون خاطرخطیـر معدلت گسترخدیوانه است حکم همایون بالمشافهة العلیة العالیه شرف صدور

یافت که دراین خصوص غوررسی ودقت کافی به‌عمل آمده ، هرچه‌معلوم ومعین شود ازآن قرار معمول ومجری گردیده حکم قطعی وبتی از دیوانخانهٔ مبارکهٔ عدلیهٔ اعظم صادرآید ، وبـرحسب امراقدس اعلی عالی جناب معالی القـاب آقاسیداحمد به‌دارالخلافةالباهره حاضر گردیده ودراین‌باب رسیدگی وتحقیق کافی به عمل آمده، عالی‌جناب مشارالیه فرامین قدرآئین اززمان دولت سلطان مغفرت قرین شاه طهماسب صفـوی به اقتضای هرعصری واحداً بعد واحد به امضای سلطان لاحق حکم پادشاه سابق را ، تا این عهد ابد مهد در دیوانخانهٔ عدالت ابراز واظهارداشت که محتوی ومشتمل بود براختصاص شغل مزبوربه سلسلهٔ علیهٔ سادات مرعشیه که اباً عن جد بـدون مشارکت ومداخلت دیگران متصدی امرتولیت بوده‌اند. مراتب‌مزبوره مجدداً معروض حضورعنایت‌ظهور شهریاری فتاده وفرامین مطاعه به شرف لحاظ همایون رسیده ، حکم قدر قدر جهان مطاع ازمصدرخلافت کبری وسلطنت عظمی به استقرار واستمرار شغل مزبور درحق عالی‌جناب سیادت وامانت انتساب‌آقا سید احمد متولی حال بر بقعهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ لازم التکـریم شاهزاده حسین صلوات الله وسلامه علیـه وآبائه الطاهرین عزنفاذ وشرف صدور پذیرفت .

علی هذا برحسب امرقدرتوأم به تاریخ هشتم شهرشعبان المعظم حکم محکم‌ازدیوانخانهٔ عدلیهٔ‌اعظم صادرومقررشد که حکام‌حال واستقبال وپیشکاران ومباشرین اموردیوانی دارالسلطنهٔ قزوین به‌موجب فرمان قضانشان مبارك شغل نبیل‌تولیت آستانهٔ مقدسه را درعهدهٔ عالی‌جناب مرتضوی انتساب‌آقا سیداحمد مفـوض وموکول دانسته ، قـدغن اکید نمایندکه احدی دراین بـاب متعرض ومزاحم نگـردد ونهایت تقویت وجانب داری ازعالی جناب مشارالیه مـرعی داشته ،کمال مراقبت در انتظام وانضباط اموراو به عمل‌آورند . مقـررآن‌که

عالی‌جناب آقا سید احمد نیزخود را بالاستحقاق به این منصب ارجمند مفتخر وسرافرازدانسته ، چنانچه شاید وباید وامانت ودیانت را سزد وآید به شرایط مقرره قیام واقدام نموده ، استیفای‌منافع محال موقوفه نموده ، به‌مصارف معینهٔ واقفین دربقعهٔ متبرکه به موجب وقف‌نامچه برساند ودقیقه‌ای را مهمل نگذارد وبه هیچ وجه خود را معاف ومسلم ندارد وحسب المقرر مرتب داشته ، در عهده شناسند .

حرره شهرشعبان المعظم سنهٔ ۱۲۷۷ .

(۹۹)

حکم مورخ شوال ۱۲۷۷ از« لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده عباسقلی »که همان عباسقلی خان جوانشیر معتمد الدوله وزیردیوان عدالت عظمی[۱] است به « عالی جاه مجدت ونجدت همراه میرزا زکی »که باید میرزا زکی مستوفی تفرشی ضیاء الملك درگذشتهٔ ج ۱-۱۳۰۲ باشد که‌درسال۱۲۸۲ که شاهزاده‌عبدالصمدمیرزا حکومت همدان داشت پیشکاراوبود وبه نظرمی‌رسد که درحکومت قزوین او هم که دراین سال‌ها برقرار بود همو باشد که عهده‌دار برخی مهام دیوانی دستگاه وی بوده است[۲]، با توقیع «ثبت کتابچه شد» درپشت حکم ، و«ملاحظه شده» به خط معتمد الدوله بالای متن .

درمتن سند ازمحصول موقوفات آستانهٔ شاهزاده حسین که

---

۱. ازسال ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۸ که درگذشت (رجال بامداد ۲ : ۲۲۷-۲۲۹) .

۲. شرح حال او دررجال بامداد ۲ : ۵۳-۵۴ هست .

درهنگام کشمکش آقا سید رضی و آقا سید احمد ، حاجی میرزا عبدالله خان مستوفی آن را ضبط کرده ونگاه داشته وبه همین جهت به دیوان عدلیهٔ اعظم نیزاحضارشده بود سخن می‌رود .

عالی جاها عزیز گراما ازقراری که عالی جناب سلالة الاطیاب آقا سید احمد متولی بقعهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین سلام الله علیه در پیشگاه حضور معدلت دستوراعلی‌حضرت اقدس ظل‌اللهی روحنافداه معروض داشت درحین معارضهٔ عالی جناب سلالة السادات آقا سید رضی درامرخدمت آستانهٔ امام زاده که عالی جناب آقا سید احمد برحسب امرجهان مطاع احضار به دربار معدلت مدار همایون گردید مقرب الخاقان حاجی میرزا عبدالله خان محصول موقوفهٔ زاویهٔ متبرکه را سپرده ، بعد ازظهور حقیت آقا سید احمد وبطلان عرض آقا سید رضی ازدیوان عدلیهٔ اعظم حکم بررد محصول محل مزبور وپرداختن به عالی جناب متولی صادرشده ، حاجی میرزا عبدالله خان به دربار معدلت مدار احضار وبه دیوان عدلیهٔ اعظم حاضر گردیده چنان نمود که مقدار شش خروار گندم ودوخروار جو به استحضار مباشرمتولی به عالی شان حسن بیك مباشر خود سپرده ، بایست ازعهده برآید وحسن بیك را نیزحاضرنموده ، موافق نوشتهٔ عالی شان آقا محمد ابراهیم مقدارشش خروار گندم به میرزا عباس نام آدم مشارالیه تحویل‌نموده وقدری دیگر گندم به خودآقا محمدابراهیم تحویل نموده است ومقدار دوخروار جوی که ازمحصول تحویلی حسن بیك بوده در دیوان عدالت ملتزم ومتقبل گردید که ازعهده برآید، دراین‌صورت مقدارشش خروار گندم ابواب جمعی حسن بیك را باید به هر که داده است در مطالبه نمودن ومدلل داشتن اقدام نمایند ویا خود ازعهده برآید . وهمچنین مذکور

داشت که مبلغی نقد ومقداری جنس ازبابت مستمری اودرنزدآقا محمدابراهیم مباشرحاجی میرزا عبدالله خان بـاقی است که نگاه داشته وبه متولی مشارالیه نرسانیده است .

علی هذا به‌آن عالی جاه عـزیز گرامی می‌نویسم که به وصول همین حکـم :

اولا در فقـرهٔ محصول وغلهٔ موقوفـه ووصول وایصال‌آن به استصـواب واستحضارعالی‌جناب سلالةالاطیاب مکرم نورچشم مهربان میرزا عبدالحسین کمال مـراقبت واهتمام را به عمل‌آورده ، نگذارد حبه‌ای ازمنـافع ومداخل موقوفه به معرض هدر وتلف برآمده وبه حیطهٔ وصول وایصال درآورده وبعـد ازانجام قبض عالی جناب‌آقا سید احمد را به دیوان عدلیهٔ اعظم بفرستند .

وثانیاً درخصوص نقد وجنس مستمری‌آقا سید احمد به اطلاع نـورچشم مشارالیه رسیدگی واهتمام نموده ،آنچه راکه‌آقا محمد ابراهیم یا دیگـری از میانه شلتاق‌کرده وبرده باشند تمام وکمال دریافت‌کرده وبه‌آقا سیداحمد عاید داشته ، قبض اورا نیز بـه دیوان عدالت ارسال دارند ودرتمامی فقرات متعلقه به موقوفات امام زاده سلام الله علیه بعـد از اظهارعالی جناب معزی الیه‌کمال مواظبت وغوررسی به عمل‌آورده ، نگذارد احدی دیناری وحبه‌ای ازمداخـل آنها را حیف ومیل‌کرده ، در استقلال واستقرارآقا سید احمد ساعی وجاهـد بوده خودداری ننماید . زیاده است .

حررشهرشوال ۱۲۷۷ .

(۱۰۰)

حکم مورخ شوال ۱۲۷۷ ازهمان عباسقلی خان جوانشیر

معتمد الدوله وزیردیوان عدالت عظمی با مهراو به همان سجع وباتوقیع « ثبت کتابچه شد » پشت حکم ، خطاب به « امیرالامراء العظام مقرب الخاقان مجد الدوله حاکم خمسه وقزوین » که طبعاً کسی جز امیراصلان خان عمید الملك برادرمهد علیا مادرناصرالدین شاه نخواهد بود که ازسال ۱۲۷۶ تا ۱۲۸۰ حاکم خمسه (زنجان) بود وپیش ازآن نیزچند سالی میان ۱۲۶۶ تا ۱۲۷۲ حکومت آنشهر نموده بود[1]. ازاین سند برمی‌آیدکه دراواخرسال ۱۲۷۷ حکومت قزوین نیزابواب جمعی اوبوده ، پس شاهزاده عزالدوله درماه‌های اخیراین سال تغییرمقام داده است .
حکم مربوطاست به‌وضع موقوفات آستانهٔشاهزاده‌حسین:

هو

مخدوما مهربانا چندی قبل عالی‌جناب سیادت ونجابت انتساب سلالة الا ماجد والاطیاب آقا سید احمد متولی بقعهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین واقعه در دارالسلطنهٔ قزوین به سبب‌اختلافی که دراستقراروا‌ستقلال درتولیت ویاشرکت درخدمت فی‌مابین عالی جناب معزی الیه وعالی جناب سلالة السادات آقاسید رضی‌قزوینی واقع‌بود به دربارمعدلت مدارهمایون آمده ، آقاسید رضی مدعی تولیت بقعهٔمتبرکهٔ مزبوره‌شده ، به خاك‌پای جواهرآسای مبارك اعلی‌حضرت اقدس‌شهریاری روحنافداه عارض‌شده ، حکم‌همایون به‌رسیدگی فقرهٔ مزبوره شرف صدوریافته ، چون عالی جناب آقا سید احمد متولی ابرازفرامین متعددهٔ متکثره ازسلاطین سلف رضوان الله علیهم براختصاص تولیت به‌آباء واجداد

---

۱. بامداد ۱ : ۱۶۷–۱۶۹ .

خود نسلا بعد نسل الی‌حال دردیوان عدالت ابرازداشته وهمان فرامین واحکام بتمامها ملحوظ‌نظر کیمیااثرعنایت گسترخدیوانه رسیده وچند نوشته که آقاسید رضی ابرازداشت همگی‌مجعول وغیرمعتنی به بود وبه نظرانورهمایون مقرون افتاده ، حقیت واستقـرار واستقلال عالی جناب آقا سید احمد در تولیت بقعهٔ متبرکه ظاهر وتدلیس وتلبیس آقا سید رضی درپیشگاه حضور مهرظهورمبارك باهر وآشکارا گردید. حکم جهان‌مطاع همایون براستقلال آقا سیداحمد شرف نفاذ یافته ، فرمان قضا جریان مبارك دراین خصوص عزاصدار یافت وزیارت خواهند نمود .

چون هنگام روانگی مشارالیه‌بود ومذکورداشت که دراین‌مدت اختلاف در امر مـوقوفهٔ متعلقه به بقعهٔ متبـرکه اغتشاش به هم رسیـده واز نظم ونسق افتـاده ومراتب به خاك پای مبارك معروض افتاده ، حسب الامرهمایون بـه‌آن مخدوم مهربان زحمت‌می‌دهد که درباب‌امورات موقوفه نهایت مراقبت به‌عمل آورده هرچه راکه به‌آن مخدوم مهربان اظهار نماید پس ازرسیدگی رفع بی حسابی به عمل‌آورند وبه نوعی توجه نمایندکه امورموقوفه به دستیاری عالی جناب آقا سید احمد متولی درکمال انتظام بـوده ، احدی نتواند درامر مزبور اخلال کند. بدیهی است که حسب الاظهارمراقبت خواهند کرد. زیاده زحمت نمی‌دهد .

حررشهرشوال ۱۲۷۷ .

(۱۰۱)

حکمی دیگـرازهمان معتمد الدوله بـه مجد الدوله حاکم خمسه وقـزوین مورخ به همان تاریخ (شوال ۱۲۷۷) در

مورد یك‌فرد ازنود وشش فرد[1] قریهٔ کچله‌جرد واسفقتان[2] قزوین که بنا برادعاءآقا سید احمد متولی‌آستانهٔ شاهزاده حسین ملك موروثی اوبوده وحاجی حسینعلی علاقـه بند قزوینی مدعی مالکیت‌آن شده بود ، نیز دو فرد قریهٔ خرم پشته وچهار دکان واقع دربازار خیابان قزوین که ازآن او بوده ودیگری فروخته بود .

دراین حکم ازمیرزا اسماعیل‌خان وکیل الرعایا ومرحوم حاجی سید تقی ازعلماء قزوین یاد شده است .

هـو

مخدوما مهربانا عالی جناب سیادت انتساب سلالة الا ماجد والاطیـاب آقا سیداحمد متولی بقعهٔمتبرکهٔ شاهزاده‌حسین علیه‌السلام واقعه درداراالسلطنهٔ قزوین به دیوان عدلیهٔاعظم عارض‌شد که یك‌فرد ازجمله نود وشش‌فرد قریتین کچله جرد واسفقتان واقعه درقزوین موافق احکام شرعیه ملك موروثی اوست وحاجی حسین علی علاقبند قزوینی چندی قبل مدعی ملکیت یك فرد مزبـور شده ، درهمان اوقات به استصواب عالی‌جاه میرزا اسماعیل‌خان وکیل‌الرعایا وجمعی از اعیان ومعتبرین قزوین فی مابین قـرار دادند که حاجی حسین علی هشتاد وپنج تومان به اوبدهد وملك را تصاحب نماید وقرارداد نامهٔ مزبوره‌را دردست دارد. چون حاجی حسین‌علی فوت‌شده وسه‌چهارسال است که‌بعضی گرفتاری‌ها برای عارض به‌هم رسیده ، وراث نه تنخواه قراردادی‌را می‌دهند

---

۱. یك فـرد عبارت است ازیك‌کشاورز ویك جفت‌گاو با عوامل زراعتی وپنجاه من زمین بذرافشان (مینودر: ۷۱۵–۷۱۶ درسخن ازمقیاس‌های متداول درقزوین) .

۲. درمینودر(ص ۹٦٤) نام اسفستان هست .

ونه ملك را واگذار می‌نمایند . همچنین عرض کرد که دوفرد ازقریهٔ خرم پشته وشانزده دانگ‌چهارباب دکاکین واقعه دربازارخیابان‌قزوین ملك‌اوست واحکام شرعیه دردست دارد که همگی‌ممهور ومسجل به‌سجل ومهرمرحوم غفران‌مآب حاجی سید تقی اعلی الله مقامه وسایرعلمای اعلام است وهمان املاك متعلق به نوادهٔ صغیراومی‌باشد آقا قاسم پسرمرحوم‌آقا علی‌اکبر کدخدا بدون مستمسك شرعی مدعی ملکیت شده وبه محض ادعا املاك را فروخته است . مراتب در جزو روزنامه‌جات به عرض حضورمعدلت گنجورملوکانه روحنا فداه رسیده ، دست خط جهان مطاع همایون برغوررسی واحقاق‌حق شرف اصدارپذیرفت.

علی هذا حسب الامرالاقدس به‌آن مخدوم مهربان اظهار داشت که درباب یك فردکچله جرد واسمعان هر گاه وراث حاجی حسین علی را حرفی نباشد هشتاد وپنج تومان را گرفته، به‌آقا سید احمد عاید دارند وهر گاه سخنی دارند درمحضرحکام شرع آنجا طی دعوا نمایند . وثانیاً درخصوص ملك خرم پشته ودکاکین به موجب احکام شرعیه املاك را به‌آدم امینی بسپارند وبه تصرف هیچ‌یك ازطرفین نداده، طرفین‌را رجوع به محضراحدی ازحکام‌شرع مرضی الطرفین نموده ، بعد ازثبوت حقیت عارض املاك را با اجرت المثل سنوات گذشته که نداده به عالی جناب معزی الیه مسترد سازند . بعد صورت اتمام عمل را به دیوان عدالت اظهار داشته که درعرض مجدد حجت بوده باشد . زیاده چه اظهارشود .

حررشهرشوال سنهٔ ۱۲۷۷ .

(۱۰۲)

سؤال سید رضی فرزند سید نعمت الله درباب تولیت‌خود

از«محمد صادق الحسینی الطباطبائی» وپاسخ او دربالای نامه ، مورخ صفر ۱۲۸۰[1].

سید رضی دراین نـوشته که قریب به استشهادات پیشین اوست مدعی‌است که خدمت‌تولیت آستانهٔ شاهزاده‌حسین با اووپدران اوبوده ووی بیش از آقا سید احمد شایستگی این خدمت را داراست . پیداست که دعاوی اودراین‌باب پس از دو بارمحکومیت دردیوان عدالت عظمی هنوز از میان نرفته بوده است .

درپاسخ حاکم شرع مزبورنیز براساس نوشته‌جات علماء قزوین به خصوص آقا سید رضی شایستگی او تأیید شده است .

غرض این دعاگو اقل‌السادات سید رضی بن مرحوم مغفورسید نعمت‌الله ازبابت‌تولیت بقعهٔ متبرکه امامزادهٔ واجب‌التعظیم سمی خامس آل‌عبا شاهزاده حسین علی‌آبـائه‌آلاف التحیة والثناء که باآباء وخود اقل السادات بوده واز تفریط نمودن ودایع واسباب موقوفه که درخزانهٔ‌آن حضرت ازبابت نذورات وغیرها ضبط بـوده وازخرابی صحن وبقعه وبه علت تفریط منافع موقـوفات وتعمیرنکردن وبی‌اعتدالی آقا سید احمد به خاك‌پای جواهر آسای مبارك پادشاه جم جاه رعیت پرورعدالت گستر روحنا فداه عرض نمود وحکم صریح محکم شرف صدوریافت که ازعلمای عظام دارالسلطنهٔ قزوین زاد الله امثالهم استفسار

---

۱. این شخص همان سید محمد صادق طباطبائی سنگلجی همدانی فقیه وحاکم شرع مشهورتهران ، پدرسید محمد طباطبائی ــ اززعماء مشروطیت ــ است که در ع ۲ ــ ۱۳۰۰ درگذشت (کرام البرره ۲: ٦٤٧-٦٤٨/فوائد الرضویه : ۲۱۰/ذریعه ٦ : ۲٦٥ وسرگذشت نامه‌های دیگر دانشمندان دیده شود) .

واستخبار واستعلام نمایند که هریك لیاقت وشایستگی وامانت ودیانت تصدی امورات بقعه متبرکه را دارند این شغل به اوازجانب سنی الجوانب روحنا فداه مرحمت شود که درضبط ونسق امورات آنجا وصرف موقوفات آنجا به مصرف مقررهٔ شرعی وبه موافق وقف واقف عمل نمایند . نظربه فرمان وحکم پادشاه جم جاه روحنافداه وبه تصدیق جمعی ازعلماء عظام ذوی العزوالاحترام دارالسلطنهٔ قزوین ونوشتهٔ ایشان که درحق این اقل السادات نوشته‌اند دردست دارم واین‌دعاگواولی واحقم. لهذا مستدعی ومتمنی می‌باشد که آنچه درضمیر منیرشریعت مداران عالی واضح ولایح است درصدرعریضه مرقوم وبه خاتم شریف خود مزین ومختوم فرمایند .

تحریراً فی شهرصفرالمظفرسنهٔ ۱۲۸۰ .

[گواهی بالای سند :]

بسمه تعالی ـ ازقراری که سابقاً نیز مرقوم نموده‌ام به حسب نوشته جات علماء اعلام دارالسلطنهٔقزوین کثرالله امثالهم خصوصاً مرحوم مغفورسیدالعلماء والفقهاء حاج سید رضی اعلی الله مقامه سید مزبور که آقا سید رضی الدین (باشد) صلاحیت تصدی‌امورات مسطورهٔ راجعهٔ به سوی بقعهٔ متبرکهٔ امامزادهٔ واجب التعظیم سلام الله علی‌آبائه الطاهرین را دارند . حرره الاقل [مهر:] محمد صادق الحسینی الطباطبائی . فی ۲٤ صفرالمظفر ۱۲۸۰ .

(۱۰۳)

استشهاد آقا سیداحمد مرعشی متولی آستانهٔ شاهزاده‌حسین درباب شایستگی خود مورخ صفر ۱۲۸۰، باپاسخ «محمد صالح» در تأیید این مطلب بالای نوشته . این گونه

استشهادها دربرابر اقدامات مشابه آقا سید رضی که برای بارسوم ازطریق مراجع مذهبی محلی به منازعه باآقاسید احمد برخاسته بود انجام گرفته است .

به شرف عرض مقیمان حضورشریعت دستورسرکارعالی می‌رساند اقل‌السادات والخدام سید احمد مرعشی متولی آستانهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم حضرت شاهزاده حسین ابن علی‌بن موسی‌الرضا علیه وعلی آبائه الطیبین الف تحیة والثناء درباب آن که این بندهٔ دعاگورا درآن آستانهٔ مبارکه خادم وجاروب‌کش دیده واجداد این‌بنده را نیزجاروب‌کش شنیده‌اند ودرخدمتگزاری به قدروسع وطاقت به نظرمبارك رسیده واین بنده را شایستهٔ این عمل دیده ومی‌دانید وآنچه دراین‌باب به نظرمبارك عالی رسیده ومی‌رسد واین بنده را سرافراز می‌دانند یا نه ، دوکلمه مراتب معروضه را دراین لوح عریضه قلمی فرموده ، ممهورش فرمائید . امرکم العالی مطاع .

فی شهرصفرالمظفر ۱۲۸۰ .

[گواهی بالای سند :]

بسم‌الله تعالی‌شأنه ـ قطع‌نظرازاین که چندسال‌قبل فرامین ونوشته‌جات از سلاطین صفویه رضوان‌الله علیهم دردست جناب‌شما دیده شده که تولیت بقعهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ لازم التعظیم روحی له الفـدا با املاك موقوفهٔ بقعهٔ متبرکه با سادات مرعش است درتواریخ هم که کیفیت قتل آن مظلوم تحریرشده متولی بودن سادات مرعش را نوشته‌اند! وبودن جناب شما ازسادات مرعش اشتهار دارد کاشتهارالشمس فی رابعة النهاراست وشایستگی واولویت جناب شما در خدمات بقعهٔ متبرکه از دیگران واضح است حاجت به تحریرنیست . حرره الاثم [مهر:] محمد صالح ۱۲۷۶ .

(۱۰٤)

نامهٔ « افوض امری الی الله عبده محمد » به «عالی جناب سیادت‌مآب زبدة السادات الکرام آقا سید احمد» که همان متولی آستانه است درباب ادعای آقا سید رضی در امر تولیت . با اشاره به شرحی که آقا سید احمد دراین باب بدو نوشته بود ، واین که میرزا عبدالحسین نایب الصدر که عمل وظایف واوقاف با اوست[۱] این اوقات به قزوین خواهد آمد ودراین مورد به او سفارش شده است (سند ۱۰٦ را ببینید) .

هو

عالی جنابا مشفقا مهربانا کاغذی که نوشته بودید رسید واز فقرات ومسطورات آن استحضار به‌حصول پیوست. دربابت‌تولیت بقعهٔ‌متبرکهٔ شاهزاده حسین علیه‌السلام ومدعی بودن عالی‌جناب آقا سید رضی شرحی نوشته بودید عالی جاه نورچشمی میرزا عبدالحسین نایب الصدر که عمل وظایف واوقاف به عهده ایشان محول است ، این اوقات به‌آنجا خواهد آمد ، مشافهتاً به او سفارش کرده‌ام که بعدازرسیدگی وتحقیق وملاحظهٔ‌احکام ونوشته‌جات واسانید طرفین قراری لازم است دراین باب بگذارند که مایهٔ‌آسودگی ورفع گفتگوی طرفین بشود وهرروز شاکی وعارض نشوند . نورچشم مشارالیه را غرض

---

۱. این میرزا عبدالحسین نایب الصدر فرزند میرزا شفیع میرزا بزرگ فرزند میرزا محمد خلیل فرزند میرزا محمد شفیع حسینی است که مقام نایب الصدری قزوین درخاندان اوچندین نسل موروثی بود. اوخود درسال ۱۳۱۳ درتهران درگذشت (مینودر: ۳۲۸ و۳۲۳) .

ومرضی دراین خصوص نیست بعد ازتحقیق وغوررسی آن چه لازمهٔ تکلیف خودش است به عمل خواهدآورد وقراری خواهد دادکه هرسال به همان قرار رفتار وامرامام زاده منتظم ومنافع موقوفات بقعهٔ مزبوره صرف بقعه ومخارج تعمیروسایرملزومات آن بشود. عامل روانه بود به جهت اطلاع شما این محضر را نوشتم . باقی والسلام .

(۱۰۵)

سؤال آقا سید احمد متولی ازجناب آخوند حاجی ملا فتح الله (سند شمارهٔ ۱۰۶) با پاسخ اومورخ ج ۱-۱۲۸۱ ازآن برمی آیدکه روزدوم ع ۲ - ۱۲۸۱ سید مزبوربا آقا سیدرضی مدعی تولیت آستانه بهمحضرحاکم شرع نامبرده حاضرشده ووی تولیت آقاسید احمدرا تأیید نموده است. ازسند بعد برمی آیدکه این حضور به دستور میرزا عبد الحسین نایب الصدر قزوین به منظورختم منازعه وپایان دادن به کشمکش چندین ساله صورت گرفته است .

هوالله تعالی

به شرف عرض سرکار شریعتمدارعالی می رساند که در یوم دوشنبه دوم شهر ربیع الثانی ۱۲۸۱ این احقرسادات سید احمد جاروب روب بقعهٔ متبرکهٔ حسین بن علی بن موسی الرضا علیه وعلی آبائه الف تحیة والثنا با عالی جناب آقا سید رضی به محضرشریعتمدارعالی حضور به هم رسانیده ، بعد از عرایض عالی جناب آقا سید رضی به سرکارشریعتمدارعالی آنچه راکه به لفظ درربارخود بالمشافهه درجواب مشارالیه فرمودند متوقعم که بنا به خاطراجداد

طاهرین درصدرعریضه به خطشریف مرقوم وبه‌خاتم منیف‌خود مختوم‌فرموده که عندالله وعند الرسول مأجورخواهد بود. عند الحاجت حجت بوده باشد.

[پاسخ دربالای سند:]

بسم الله تعالی شأنه العزیز- بلی مشافهتاً به جناب‌آقا سید رضی وفقه الله گفتم که تـولیت‌آستانهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ لازم التکریم شاهزاده حسین زاد الله شرفاً وتعظیماً با جناب‌آقـا سید متولی است تورا مدخلیتی نیست وتا بـه حال خیانتی هم‌ازایشان واضح‌نشده که باعث عزل ونصب بوده باشد. باری تولیت مزبوره باجناب‌آقا سید احمد است ومزاحمت ایشان دراین‌باب وجهی ندارد. نمقه الاقل بیمناه الدائرة فی‌شهرجمادی الاولی سنهٔ۱۲۸۱ [مهر:] عبده فتح‌الله.

(۱۰۶)

نامهٔ همان « افوض امری الی الله عبده محمد » به «مقرب الحضرة العلیـه نورچشم مکرم میرزا عبدالحسین نـایب الصدرقزوین » مورخ ج ۲ - ۱۲۸۱ دربارهٔ منازعهٔ دوسید برسر تولیت‌آستانـه که وسیلهٔ نایب الصدر بـه دارالشرع آخوند حاجی ملا فتح الله احاله وارجاع شده وبه حقیت آقا سید احمد ومحکومیت وبطلان دعوی‌آقا سید رضی انجامیده بود .

هوالله تعالی

نـورچشما مکرما والا مقاما شرحی که درباب عالی جناب سیـادت وسعادت‌انتساب زبدة السادات الکرام‌آقا سیداحمد متولی نوشته.بودید رسید وازفقراتش من البدو الی الختم اطلاع حاصل گردید . اظهار داشته بودید که

مشارالیه را با عالی‌جناب آقا سید رضی که مدعی تولیت بقعهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب‌التکریم شاهزاده حسین علیه‌السلام است به محضرجناب‌افادت وافاضت اکتساب زبـدة الفضلاء العظام‌آخوند حاجی ملا فتح الله زید فضله فـرستاده وایشان حقیت عالی جناب‌آقا سید احمد راکرده‌اند. الحق بااین احکام واسناد که عالی جناب مشارالیه در دست دارند وملاحظه هم شد وتصدیقی که جناب حاجی ملا فتح الله نوشته‌اند ضرورنبود که ایشان با این کبر سن ودراین سرما زحمت کشیده متحمل مخارج‌سفربشوند، لکن به یك‌ملاحظه که نعمت ملاقات با ایشان اتفاق افتاد ودرصحبت ایشان مسرور وخوشوقت شدم ازآمدن ایشان لذت بردم وازشما که واسطهٔ این نعمت غیرمترقبه شدید راضی شدم . خلاصه عالی‌جناب آقا سید احمد قطع نظرازاحکام وفرامین مطاعه که دراین‌باب دارند سید عزیزومعقول وصاحب زهد وتقوی وتاحال هم خلافی وخیانتی درتولیت ایشان ظاهرنشده که بـاعث تغییر وعزل ایشان باشد . باید شما لازمهٔ تقـویت وجانبداری از ایشان کرده ، لوازم تولیت بقعهٔ منـوره را بدون مداخلهٔ عمرو وزید به‌ایشان واگذار دارید. درباب مستمری که به‌اسم روشنائی بقعه به‌خرج می‌آید مراقب باشید که به استحضارعالی‌جناب آقا سید احمد صرف روشنائی بشود ، دخلی به عمرو وزید وآقا سید رضی ندارد . البته موافق قرار هرساله به ایشان برسانید وقبض ازایشان بگیرید. حالات ومهمات‌را نوشته بفرستید.

فی شهرجمادی الاولی ۱۲۸۱ .

(۱۰۷)

حکم «امین شورای کبری ۱۲۷۶» که همان پاشاخان امین الحضره‌است که درسال‌مزبورمقام ولقب‌مذکوررا دریافت

داشته[1] ودر ۱۲۸۱ لقب امین الملك گرفته ودر ذح-۱۲۸۹ درگذشته است . در مورد تولیت آقا سید احمد متولی آستانه :

هو

مقرب الخاقانا مخدوما عالی‌جناب آقا سید رضی درباب تولیت موقوفهٔ شاهزاده‌حسین علیه‌السلام مدعی‌شده عارض گردید که تولیت آنجا بامن است. دراین‌باب از آن‌مخدوم استفسارشده ، صحت‌عمل ونوشته‌جات واحکام طرفین را خواستم ، نوشته بودید: عالی‌جناب آقا سید احمد که اینك متولی ومشغول تولیت آنجاست به حسب صداقت وزهد وورع واحکام سلاطین خلدآئین که دردست سادات مرعشیه صادرشده است شایسته‌تر واولی‌تر است واحکام صادره تصریح برحقیت اوست. چون رعایت جانب سادات رفیع الدرجات همواره منظوراست لهذا قلمی می‌شود که آن مخدوم نیز تولیت آنجا را به عالی جناب مشارالیه واگذارنموده ، مداخله به‌احدی ندهد ومراقب‌باشد که وجه موقوفات به مصارف خود موقوفه ومخارجی که مشخص شده است برسد که روح امام زادهٔ واجب التعظیم شاد وموقوفات آنجا کمال آبادی ومعموریت داشته باشد .

فی شهرربیع الثانی ۱۲۸۰[2].

[حاشیه :]

هو- مخدوما شرحی که در باب تولیت واولویت واستحقاق عالی جناب آقا سید احمد نوشته بودید ملاحظه شد. فی‌الحقیقه باآن احکام وجهت

---

۱. بامداد ۱ : ۱۹۹-۲۰۱ .

۲. این سند ودوسند بعد زماناً براسناد سه‌گانهٔ اخیرمقدم می‌باشندکه به خاطر مربوط بودن به منازعه‌ای جدید با هم نقل شده است .

شایستگی مشارالیـه دیگری را نمی‌رسد مداخله نماید . البته باکمال اطمینـان خاطرمشغول امرتولیت خود بوده ودرآبادی موقوفهٔ آنجا نهایت‌سعی واهتمام به عمل‌آورند که ان شاء الله روز به روز انتظام امر بقعه متبرکه بیش‌تر ورونق آنجا زیادتر گردد . فی التاریخ .

(۱۰۸)

حکم همان پـاشا خان امین شورای کبری مورخ شعبـان ۱۲۸۰ در قرار دادن مستمری سالانـه برای آقا سید رضی مدعی تولیت آستانهٔ شاهزاده‌حسین ازموقوفات آن آستانه. ازمتن سند برمی‌آید که اوپیش ازاین طی حکمی دیگـر دستورداده بود مبلغ سی تومان هرساله آقا سید احمد از محل‌موقوفات به عنوان حق‌السکوت به سید مدعی بدهد وجان همه‌را ازمراجعات متوالی سید رضی آسوده سازد. متـن زیر بـراساس سوادآن حکم است چـه اصل را در حکومتی نگاه داشته بودند . درکنار سوادکسی دیگردر سال بعد خطابی بـه حاجی میرزا عزیزکه مخاطب حکم هم هموبوده نوشته ومفاد حکم امین شورای کبری راکه درموقع تحریرتعلیقه وخطاب مزبوربه لقب امین الملکی سرافرازشده بود مورد تأیید قرار داده است .

مقرب الخاقانا مخدوما درباب عالی جناب سیادت مآب آقا سید رضی شرحی سابقاً نـوشته بودم که سیادت پناه آقا سید احمد محض رعـایت حال مشارالیه وسکوت آن‌ازمبالغی مال‌الموقوفه که به‌مصرف مشعله شموع می‌رسد سالی سی تومان به اوداده ، رفع زحمت ازخود وازسایرین بکند وازاجرای

آن حکم که به صلاح ومصلحت جمعی ازاهل قزوین صادرشده است تخلف نباشد . جواب نوشته بود مشارالیه به‌آسانی قبول آن حکم را نمی‌کند ، پیغام مجبوراست که به میان بیاید دربقعهٔ متبرکه منزوی می‌شود . اولا بقعهٔ متبرکه همیشه برای اومحل انزواست ، ثانیاً عالی جناب آقا سید رضی که دراین‌مدت متحمل انواع زحمت وخسارت‌شده واحکام‌متعدده ازعرف وشرع صادرکرده درامانت واستحقاق خود بی‌حق نیست . محض اتمام حجت ورعایت آقا سید احمد می‌نویسم که اگرمشارالیه قبول حکم مزبوررا کرد وسی تومان را به مشارالیه داد چه بهتر، والا فرمان وحکم‌صریح درتولیت عالی جناب مشارالیه صادر خواهد گردید . البته‌آن مخدوم حکماً مبلغ مزبوررا ازآقا سید احمد گرفته ، مشارالیه را ازقبول حکم مجبور دارد وصلاح اورا حالی کند والا همین احکام شرعی وعرفی‌آقا سید رضی دست‌آویزشده ، حکم وفرمان تولیت آن صادرخواهد شد . زیاده چه نگارد .

شهرشعبان ۱۲۸۰ .

[حاشیه :]

مطاعی حاجی میرزا عزیز عالی جناب‌آقا سید رضی احکام مطاعه‌از علمای‌اعلام ، وبزرگان‌کرام قزوین نیزدراستشهاد اواستحقاق‌اورا نوشته وهمه ترجیح برجناب‌آقا سید احمد داده‌اند وسرکار شوکت مدار جلالت‌آثار امین الملك زید مجده جمع بین‌الجانبین فرموده ، بنابراین مصلحت‌آقا سید احمد دراین‌است که تخلف‌ازمدلول این‌سواد که اصل تعلیقهٔ رفیعه‌را شما خواسته‌اید ننماید واز تاریخ حکم سی تومان را بدهد وشما هم‌کمال اهتمام را نموده تنخواه سی تومان‌آقا سید رضی را به او برسانید که درحقیقت‌آقا سید احمد آسوده شود والا بی حرف‌آقا سید احمد عزل خواهد شد ، با منت اطاعت

حکم وقرارشمارا نماید وخود راآسوده کند والا فلا ، وسی تومان ازتاریخ تعلیقهٔ رفیعه باید به‌آقا سید رضی رسیده واز روی تعلیقه یك تعلیقه بـرای سند بآقا سید رضی بدهید .

(۱۰۹)

حکم همایون امین شورای کبری درتعقیب احکام پیشین‌او درمورد مستمری یا حق السکوت آقا سید رضی ، مـورخ ذ ح - ۱۲۸۰ .

درآن بـه حکمی که پیش‌تر راجع به گرفتن سی تومان از آقا سید احمد صادرشده وبه ملاحظهٔ برخی جهات اجرا نگردیده بـود اشاره رفته است . دراین سند گفته می‌شود که به‌رعایت جانب سید مزبور که درجریان دعوی تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین ومحکومیت متضرررومقروض شده رعایتاً سالانه ده تومان بدو داده شود . این حکم هم‌چنان که درسند بعد خواهیم دیـد اجرا نگردیده است ، لیکن پس‌ازآن‌که حکمی دیگربه‌مبلغ سی‌تومان برای‌حکومت قزوین فرستاده شد گویا به هرنحوی‌که بوده‌است مدلول ایـن حکم را به‌آقا سید احمد قبولانیده واو چنـد سالی سالانه ده تومان به وی می‌پرداخته است چنان‌که دراسناد ۱۱۱-۱۱۳ دیده می‌شود[1].

---

۱. لیکن درسند شمارهٔ ۱۱۲ گفته می‌شودکه اجبارآقا سید احمد به دادن مبلغ مزبور براساس حکمی از دیوان عدالت عظمی بوده واو یك سال را پرداخته ودر سال ۱۲۸۷ دوسالی نپرداخته بـود . پس حکم مزبور درسال ۱۲۸٤ صادرشده وآن مبنای قبول متولی بوده است .

هـو

مقرب الخاقانا مخدوما عالی جناب سیادت انتساب آقا سید رضی در فقرهٔ ادعای تـولیت شاهزاده حسین علیه السلام خیلی زحمت کشیده ومبالغی مقروض ومتضررشد . حکمی هم دربابت سی تومان آن ازعالی جناب آقا سید احمد صادرشد ازبی‌اهتمامی پاره‌ای ملاحظات آن مخدوم اجرا نگردید . این جانب محض پریشانی او رعایتی ازخود لازم دید . از هذه السنهٔ سیچقان ئیل ومابعدها هرساله مبلغ ده تومان ازمداخل حکومتی قزوین دروجه عالی‌جناب مشارالیـه ادا وکارسازی دارید که به خرج شما هـرساله مجری است و کمال رعایت ازجوانب دیگرنسبت به اومرعی دارید که رفع پریشانی واستیصال آن بشود . زیاده چه نویسد .

شهرذی حجهٔ ۱۲۸۰ .

(۱۱۰)

حکـم « امین الملك ۱۲۸۱ » که چنان که در دیباچهٔ سند شمارهٔ ۱۰۷ گفته شد همان پاشا خان امین الحضره وامین شورای کبری است که دراین سال ملقب به امین‌الملك شد مورخ رجب ۱۲۸۱ .

ازاین‌سند برمی‌آید که پس‌ازآن که حکم‌وی درباب گرفتن سی تـومان سالانه ازآقا سید احمد برای‌آقا سیـد رضی اجرا نشده ووی حکمی دیگردرباب ده تومان سالانه داده بـود ،آقا سید احمد از پرداختن این مبلغ نیز ازموقوفهٔ شاهزاده حسین خود داری کرده وازاین رو بـا این حکم

جدید مقرر گردیده است که مبلغ سی تومان از مداخل حکومتی قزوین ومستمریات به‌آقا سید رضی داده شود .

هـو

مقرب الخاقانا مخدوما عالی جناب سیادت مآب آقا سید رضی از جمله دعا گویان‌خاص وسید نجیب واجب‌الرعایه‌ای است، حال که عالی‌جناب آقا سید احمد متولی قبول آن فقره را ننمود که از موقوفهٔ حضرت شاهزاده حسین علیه‌السلام رعایتاً ده‌تومان به عالی‌جناب مشارالیه‌بدهد آن مقرب‌الخاقان ازقرار این نوشته هرساله ازهذه السنه ومابعدها مبلغ بیست تومان ازحکومتی به مشارالیه‌کارسازی داشته، ده‌تومان ازقرارقرارداد سابق عالی‌جاه نایب‌الصدر ازمستمریات بدهد که سی‌تومان هرساله به مشارالیه رسیده ، به فراغت مشغول دعا گویی باشد . زیاده چه اظهارنماید .

شهررجب المرجب ۱۲۸۱ .

(۱۱۱)

حکم « نصرة الدوله ۱۲۸٤ » که فیروز میرزا فرمانفرما (حکمران قزوین در دوسال ۱۲۸٤ و۱۲۸۵ ووزیرجنگ در۱۲۸٦-۱۲۸۸) فرزند عباس میرزاست[1] مورخ ع ۱ - ۱۲۸٦ . درباب مستمری آقا سید رضی که‌آقا سید احمد متولی باشی هرساله از بابت موقوفات آستانهٔ شاهزاده حسین بدو می‌پرداخته ودوسالی بوده که نمی‌داده است

---

۱. بامداد ۳ : ۱۱۰-۱۲٤ .

وآقا سیدرضی به دیوان عدالت عظمی شکایت برده بود.
با توقیع « ثبت شد » پشت حکم .

هـو

مقرب الحضرة العلیه میرزا رسول ، ازقراری که به عرض رسید قرار بوده است سالی ده تومان ازمنافع موقوفـهٔ بقعهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین علیه السلام جناب مستطاب آقا سید احمد متولی‌باشی به جناب آقا سید رضی بدهد ودوسال است مسامحه می‌نماید . به توسط دیوان عدالت به خاك‌پای حضرت اقدس اعلی روحنا فداه عارض شده ، امرقدر نفاذ همایون شرف صدور یافته که ازمتولی باشی مبلغ مزبوررا ازبابت لوی ئیل دریافت داشته برسانند . از توشقان ئیل هم هرگاه نرسیده باشد مطالبه ودریافت نمایند . ازقرار این حکم تنخواه دوساله را درصورتی که نرسیده باشد دریافت داشته ، به اوعاید دارید وقراربدهید همه ساله مبلغ مزبوررا بدون عذرکارسازی داشته ،آقا سید رضی را ساکت وراضی داردکه همه ساله به دارالخلافه نیاید وعارض نشود . البته انجام بدهید .

فی شهرربیع الاول سنهٔ ۱۲۸٦ .

(۱۱۲)

حکم مورخ رجب۱۲۸۷ ازمیرزا یوسف مستوفی‌الممالك ورئیس الـوزراء (صدراعظم بعد ودر گذشتهٔ ۱۳۰۳) [۱] با مهراو که سجع آن «افوض امری الی‌الله یوسف‌بن محمد حسن » است وتوقیع « ثبت شد » با مهر« ادیب الملك »

---

۱. بامداد ٤ : ٤٧٨–٤٩٠ .

پشت حکم، خطاب به «مقرب الخاقان برادرمهربان علاء الدوله حاکم قزوین» واوهمان محمد رحیم خان امیرنظام حاکم خمسه در ۱۲۸۰-۱۲۸۳ است که بعداً وسیلهٔ همین میرزا یوسف مستوفی الممالك بیگلربیگی طهران شد[۱].
سند مربوط به حق السکوت آقا سید رضی است .

مقرب الخاقانا برادرا عالی جناب آقا سید رضی درباب تولیت امام زادهٔ شاهزاده حسین باعالی‌جناب آقا سیداحمد گفتگوئی‌دارد وسابقاً به دیوان عدلیهٔ اعظم عرض نموده ، مقررشده است که آقا سید احمد سالی ده تومان به رسم حق السکوت از بابت موقوفهٔ امام زاده به مشارالیه بدهد . یك سالـه را داده ، ازبابت دوسالهٔ توشقان‌ئیل ولوی‌ئیل‌را نداده است. لهذا مرقوم می‌شود که به عالی جناب آقا سید احمد قدغن نمائید سالی ده تومان را به طوری که قرار گذارده است ازدوسالهٔ گذشته وهذه السنه بدهد ورفع‌حرف آقا سیدرضی را بنماید وتسامح دراین‌باب ننماید. البته مراقبت‌دروصول وایصال آن بنمائید.
فی شهررجب المرجب سنهٔ ۱۲۸۷ .

(۱۱۳)

حکمی‌خطاب به علاءالدوله حاکم قزوین گویا ازمستوفی الممالك مزبور که در تعدیل حکم سابق صادر شده است چه سید رضی ازبخشی از ادعاء خود صرف نظرنموده ، بلکه به صورتی دیگرادعاء را مطرح کرده است چنـان که درسنجش میان دوحکم روشن می‌شود .

---

۱. بامداد ۳ : ۳۹۷-۴۰۱ .

علاء الدوله درحاشیهٔ سند پس ازاین که به وصول تعلیقـهٔ بندگان آقا (طبعاً مستوفی‌الممالك که ناصرالدین شاه اورا «جناب آقا»می‌خواند ودیگران‌هم‌ازشاه‌تبعیت‌می‌نمودند[1]) درشعبان ۱۲۸۷ اشاره می‌کند تـوضیح می‌نمایدکه چون سیدرضی هیچگونه حق‌شرعی وعرفی به سیداحمد متولی ندارد[2] چنین قرارشدکه من سالی پنج تومان از مال خود به سید رضی بدهم. ازحکام بعدی قزوین هم استدعا دارم این پـول را به وی بدهند تا جان همه‌آسوده بـاشد ! . با مهرهموپشت این نوشته :

برادر مهربانا در باب ادعای عالی جناب سیادت مآب آقا سید رضی با عالی جناب آقا سید احمد متولی بـاشی آستانهٔ مبارکهٔ شاهزاده حسین (ع) از دیوان عدالت حکمی صادرشده که سالی ده تـومان موافق قرارداد سنوات قبل‌هرساله به‌آقا سیدرضی ازموقوفات آستانهٔ مبارکه بدهد دیگرمزاحم حالت آقا سید احمد نباشد . دوسالهٔ لوی ئیل وئیلان ئیل نرسانیده است . ده تومان سال قبل‌را ازسید معزی‌الیه مطالبه‌کرده به‌آقا سید رضی عایدسازید وده تومان هذه‌السنه را هم عالی‌جاه میرزا رسول ازبابت جنس خانواری که خدام‌آستانه از دیوان همایون برقرار دارندکسر گذاشته به عالی جناب آقا سید رضی عایـد نمایدکه‌آسوده ودعاگوی وجود مبارك باشد وهرسالـه دراین باب به دیوان همایون عارض نشود وعالی جناب آقا سیداحمد هم به زحمت سؤال وجواب سید گرفتار نباشد . البته ازقراری که قلمی گردیـده رفتارنمائید واین سخن را

---

۱. بامداد ٤ : ٤٧٨ .

۲. پس‌گویا ادعای حکم دیـوان عدالت عظمی هم‌که وسیلهٔ او به عمل می‌آمده بی اساس بوده است .

مرتفع کنید . باقی بقایت .

[حاشیه :]

قرارشد از بابت توشقان ئیل ده تومانی که مطالبه می‌نماید مطالبه نکند ، به همین ده تومان لوی ئیل وده تومان هذه السنهٔ ئیلان ئیل قناعت کند ومن‌بعد ادعائی دیگر آغازنکند . باقی بقایت .

[کنارهٔ بالای سند :]

به‌تاریخ غرهٔ شهرشعبان‌المعظم یونت‌ئیل ۱۲۸۷ بعداززیارت تعلیقهٔ مطاعهٔ جناب جلالت‌مآب اجل‌اکرم بندگان‌آقا مدظله العالی که مرقوم‌شده بود سالی ده تومان متولی‌باشی شاهزاده‌حسین به عالی‌جناب‌آقا سیدرضی حق‌السکوت بدهد چون عالی‌جناب‌آقا سیدرضی حق‌شرعی وعرفی به متولی باشی نداشت وامتثال فرمایش بندگان معظم‌الیه ادام‌الله ایام شوکته لازم بود این‌بندهٔ درگاه قرارداد مادامی که حکومت قزوین بااین بندهٔ درگاه باشد سالی پنج تومان‌از مال خود به‌آقا سیدرضی تعارفاً بدهم که اسقاط ادعای گذشته ومطالبهٔ‌آتیه مادام مأموریت این بنده درقزوین نمایند. به همین قسم خود سید رضی اقرار دارد ، مباشرین اموردیوانی قزوین درهذه السنه ومابعدها سالی پنج تومان به جناب آقا سید رضی بدهند به خرج خواهدآمد .

به مخادیم وهم رکاب‌های خودکه بعد ازاین بنده مأمور حکومت قزوین می‌شونـد عرض واستدعا می‌کنم که این پنج تومان را به جناب سید التفات بفرمایندکه اهل این شهر واولیای دولت وخود حاکم‌آسوده باشند .

(۱۱٤)

حکم ولی عهد مظفـرالدین میرزا مـورخ ع ۱ ـ ۱۲۹۰

خطاب به الله قلی میرزا ایلخانی که دراوائل سال ۱۲۸۹ به جای غلامحسین خان سپهدارحاکم قزوین شد وتا ۱۲۹۲ دراین مقام بود[1].

دراین حکم بـا اشاره به فرامین پادشاهان سلف وفـرمان ناصرالدین شاه درواگذاری تولیت آستانهٔ شاهزاده حسین به آقا سیداحمد فرزند سید ابراهیم متولی سابق آنجا ، به حاکم دستورداده‌شده که همواره رعایت‌جانب سیدمزبور را درنظرداشته باشد ودراین باب به مباشرین اموردیوانی قزوین دستورات لازم را بدهد .

اعز ارجمند کامکار ایلخانی حاکم دارالسلطنهٔ قزوین به مـراحم کامله والا بوده ، بداند چون انتظام اموربقاع واماکن مشرفه ومضاجع منورهٔ اولاد ائمهٔ هـدی علیهم السلام موجب حصول دعای خیر برای ذات ملکی صفـات سرکاراعلی حضرت قدرقدرت شاهنشاهی روحی وروح العالمین فداه خواهد شد ومن جمله امر بقعهٔ منـورهٔ مطهرهٔ امام زاده شاهزاده حسین علیـه الصلاة والسلام واقعهٔ قـزوین است واز قرار فرامین قضاآئین سلاطین سلف انـارالله برهانهم وفرمان مبارك واجب‌الاذعان همایونی روحنافداه خدمت تولیت بقعهٔ منورهٔ مزبوره محول وواگذار به عالی جناب سیادت مآب قـدسی انتساب آقا سید احمد پسرمرحوم آقا سیدابراهیم متولی سابق آنجا است ومبلغی هم نقداً وجنساً برای مصارف مقررشده . علی هذا محض ازدیاد دعاگویی عالی‌جناب مشارالیه به اصدارملفوفهٔ خیرمألوفه ازقرارفرمان مبارك قدغن تمائید همه وقت

---

۱. او دراواسط سال ۱۳۰۵ نیزبه جای میرزا حسین خان معتمد الملك برای بار دوم حاکم این شهرشد (بامداد ۱ : ۱۴۹–۱۵۰) .

رعایت حال عالی‌جناب مشارالیه‌که مشغول خدمات بقعهٔ متبرکهٔ مزبوره است مباشرین اموردیوانی قزوین به عمل‌آورندکه من حیث الجهات‌آسوده خاطر گشته ، فارغ البال ومرفه الحال به دعاگوئی دوام دولت علیهٔ روزافزون قیام واقدام دارد . درعهده شناسد .

شهرربیع الاول ۱۲۹۰ .

(۱۱۵)

نامهٔ «عبده الراجی محمدمهدی» به «مقرب‌الخاقان مخدوم مکرم مهربان حاجی‌حسنعلی‌خان پیشکارقزوین» درسفارش وتوصیه نسبت بـه‌آقا سید احمد متولی‌آستانهٔ شاهـزاده حسین، که باتوجه به‌آنچه دردیباچهٔ سندشمارهٔ ۸۳ گذشت مـربوط به سال های ۱۲۷۱-۱۲۷۲ بوده وخوب بـود در همان جا گذارده می‌شد . این حاجی حسنعلی خان درسال ۱۲۷۷ در گذشت[1].

هـو

مخدوما مکرما چون عالی جناب سیادت مآب‌آقا سید احمد ازجمله سادات رفیع‌درجات می‌باشد ومتولی‌حضرت امامزادهٔ واجب‌التعظیم شاهزاده حسین (ع) است ، مردی واجب الرعایـه ، رعایت جانب اولازم است‌که در آنجاآسوده مشغول تـولیت خود باشد . خواهش دارم که‌آن مخدوم بـه همه جهت مراقب‌احوال مشارالیه خواهندبودکه ازجانب‌همسایه واهالی‌آنجا کسی نسبت به اوبی‌احترامی وبی‌اعتدالی‌نکندکه مرفه‌الحال به دعاگوئی دوام دولت

---

۱. بامداد ۱ : ۳۵٤ .

ابدآیت قاهره باشد. خیلی دلم می‌خواهد سید مشارالیه کمال رضامندی را از آن مخدوم داشته باشد که موجب رضامندی مخلص خواهد بود . ظاهر است که شما هم به هیچ وجه مضایقه درمراقبت ورعایت احوال اونفرمائید . زیاده زحمتی ندارد. همواره حالات سلامتی را قلمی واعلام دارند . باقی والسلام.

(۱۱۶)

نـامه‌ای خطاب به «سرکارجناب بندگان قبله وامیدگاهی معتمد الدولـه» که طبعاً عباسقلی خان جوانشیر، ونـاچار مربوط به میان دوتاریخ ۱۲۷۵ و۱۲۷۸ است که درتاریخ نخست ملقب‌به «معتمد الدوله» شد ودردومی در گذشت[۱]. متن نامه سفارش وتوصیه است برای آقا سیداحمد متولی آستانـه :

فدایت شوم اولا منزل سرکاربندگان عالی مبارك . ثانی بعدازمرخصی ازخاك پای مبارك سرکاراقدس شهریاری روح‌العالمین فداه به زیارت حضرت شاهـزاده حسین (ع) مشرف شده ، با عالی جناب سیادت ونجابت‌آداب آقا سیداحمد سلمه‌الله متولی حضرت ملاقات کرده ، ازموقوفات‌حضرت تفصیلی نقل کردند، بسیارمتألم‌شدم که سلاطین‌صفویه وغیره املاکی وقف‌این‌بزرگوار کردند خدا انصاف بدهد بعضی اشخاص‌را که طمع به موقوفات‌این‌بزرگوار کرده ومی‌کنند. به جناب متولی گفتم که درهمهٔ موارد خصوصاً درچنین‌امرها اهتمام زیاددارند البته بروید کیفیت‌را عرض بکنید، انشاء الله حسب‌الخواهش شما قراری در امرموقوفات مزبورخواهند داد . بدیهی است که انشاء الله بعد

---

۱. بامداد ۲ : ۲۲۸ .

از شرفیابی جناب معزی الیه التفات واهتمامی دراین باب خواهید فـرمود که امرشان مضبوط شود. ازقرارتقریرجناب‌سید ازدیوان حکمی برضبط‌موقوفات نیست اغتشاش از اهل ملك است . ان شاء الله رفع آن آسان است . ازجنـاب سید جویا شدم که مستمری به شما چه دادند ومی‌دهند ، سکوتی کرد ، معلوم شد که تا حال نه خود اظهـاری کرده ونه کسی به این فکرها افتاده . آن هم ان شاء الله موقوف به التفات جناب عالی است . زیاده عرضی نـدارد . خداوند عالم حیاتی دهد که بازفیض یاب خدمت با رفعت شود . باقی امرعالی مطاع .

(۱۱۷)

حکم دیـوان عدالت عظمی مورخ رمضان ۱۲۹۶ با مهر «وزارت جلیلهٔ عدلیهٔ اعظم ممالك محروسهٔ ایران» و«معز الدوله ۱۲۷۵» و«صدر دیوان خانه» وتوقیع « ثبت کتابچهٔ وزارت جلیلهٔعدلیهٔاعظم ممالك‌محروسه شد» پشت‌حکم، درمورد موقوفهٔ شنستق از موقوفات قدیم آستانهٔ شاهـزاده حسین (واین آغاز منـازعه‌ای طولانی است که سال‌ها بـه درازا کشید) حسب العـرض آقا سید حسن متولی فـرزند سید احمد .

معزالدوله : بهرام میرزا فرزند عباس میرزا نایب السلطنهٔ وزیرعدلیه از۱۲۹۵ تا۱۲۹۹[1]ومخاطب حکم سلطان‌احمد میرزا عضد الدوله[2]حاکم قزوین است .

---

۱. بامداد ۱ : ۱۹۲—۱۹۵ .

۲. فرزند فتحعلی شاه ونگارندهٔ تاریخ عضدی که دوبار از۱۲۸۲ تا ۱۲۸٤ و۱۲۹۵ تا ۱۲۹۷ حکمران قزوین بود (بامداد : ۲ : ۷٤) .

فـدایت شوم عالی جناب سیادت انتساب سلالة الانجاب والاطیاب آقا سید حسن قزوینی نایب‌التولیهٔ آستانهٔ منورهٔ مقدسهٔ جناب امام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم حضرت‌شاهزاده حسین علیه وعلی‌آبائه‌آلاف‌التحیة والسلام به وزارت جلیلهٔ عدلیهٔ عظمی عارض شدکه چهار دانگ ازقـریهٔ شنستق علیا واقعه دربلوك رامند قزوین به انضمام دوازده هنگام‌آب شاهی ازرودین ارنزج ودیزج ازقرار وقف‌نامچهٔ معتبره وفرامین مطاعهٔ متعددهٔ سلاطین‌صفویه انارالله برهانهم وفـرمان مهرلمعان خاقان مغفور اسکنه الله تعالی فی دارالسرور وقف برآستانهٔ مشرفه است. سنوات‌سابقه ملك مزبوررا مرحوم حاجی محمدحسین خان افشار ازمرحوم‌آقا سید احمد متولی والد من موافق اجاره نـامچهٔ شرعیهٔ معتبره اجاره نموده ومادام‌الحیات برسبیل‌اجاره متصرف بود، بعد فوته اولاد مرحوم مشارالیه ملك‌موقوفه را جزو املاك موروثی وترکه فرض‌کرده وخیال دارنـد فی مابین خود تقسیم وتسهیم نمایند وآب موقوفـه را هم سال هاست دهخدایان فنود به باغات حوالی شهربرده ، مشروب می‌سازند وتنخواه قیمت را ازمالکین دریافت وبه مصرف خود می‌رسانند. برصدق عرض خود فرامین قضاآئین مطاعه ابرازداشته ، زیارت شد .

چون انتظام امـور روضات مقـدسه ورفع اختلال ازکلیهٔ املاك موقوفـه همواره منظورنظر مرحمت اثر اقدس همایون شاهنشاه جم جاه عالمیان پنـاه روحنافداه است لهذا ازدیوان عدالت‌عظمی به نواب‌اشرف امجد والا زحمت افزا می‌گردد که ورثـهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان ودهخدایان فنـود را احضار ودر هر دوفقره به حقیقت مراتب معروضه غوررسی وتحقیقات کافیه به عمل‌آورده ، اولا دربـاب قریهٔ شنستق بعد اززیارت فـرامین مطاعه وملاحظهٔ اجاره نامچهٔ معتبره به‌مهرمرحوم مزبور ووضوح وقفیت وحقیت‌آستانهٔ مقدسه

قدغن فـرمائید ملك موقوفه را به تصرف امنای آستانهٔ مشرفه واگذار نمایند ، وهمچنین درباب آب موقوفه غوررسی فرموده وبه‌مقتضای اسنادسابقه ومعمول سنوات‌قدیمه‌معمول وبه قانون‌حساب منافع‌مستحصله ازآب موقوفه‌را به‌متولی ومتصدیان امرآستانـه کارسازی دارند . درهرفقره که طرف مقابل را جـوابی مقرون به حساب بوده باشدکه محتاج به مرافعهٔ شرعی‌دانند رجوع به محضر احدی ازحکام شرع مرضی الطرفین فرمایند .

فی ۲۵ شهررمضان المبارك ۱۲۹۶ .

[حاشیه :]

هوـ فدایت شوم چون این دو فقره متعلق به‌آستانهٔ مبـارك حضرت است درنهایت دقت وارسی فرمائید وطوری قراردهیدکه موقوفهٔ آستانهٔ مبارك ازمیان نـرود وبرطبق موقوفه عمل شود . درهرحال شما خود به رأی العیـن واطلاع‌کامل وازروی خبرت وبصیرت دارید نهایت اهتمام‌را خواهید فرمود.
فی ۲۵ شهررمضان المبارك ۱۲۹۶ .

(۱۱۸)

حکم شاهـزاده عضد الدوله حاکم قزوین مـورخ شوال ۱۲۹۶ که مربوط به‌موقوفهٔ شنستق است، خطاب به حسین قلی خان ، با اشاره به حکم سپهسالاراعظم دراین مورد:

مقرب الحضره حسین قلی خان عالی جناب آقا سید حسن متولی بقعهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین از بابت چهار دانگ ملك شنسدق با محمد تقی خان یاور ولد حاجی محمد حسین خان افشارطرف گفتگواست وادعا می کند ملك مزبور وقف است وبرطبق عرض خود ازحضرت اجل اشرف سپهسالاراعظم

مدظله العالی به محصلی آن مقرب الحضره حکم آورده که رسیدگی واحقاق حق شود . لهذا باید عالیجاه محمد تقی خان یاوربه شهرحضوربه هم رساند وبا سید گفتگونماید . زیاده مرقوم نمی‌شود .

شهرشوال ۹۶ .

(۱۱۹)

فرمان مورخ شوال ۱۲۹۶ از ناصرالدین شاه خطاب به عضد الدوله حکمران قزوین درباب چهار دانگ موقوفهٔ قریهٔ شنستق که بعضی افراد ازطایفهٔ افشار درآن تصرف مالکانه می‌نمودند وبنابرمفاد این‌فرمان می‌بایست به‌آقاسید حسن متولی آستانهٔ شاهزاده حسین تسلیم شود .

عم اکرم اعزنامدارعضدالدوله حکمران قزوین به شمول‌الطاف خدیوانه معزز ومباهی بوده ، بداند که موافق احکام شرعیه وفرامین مطاعه ونوشته جات معتبره وثبت دفاترچهاردانگ قریهٔ شنستق‌علیا من‌بلوك دارالسلطنهٔقزوین وقف امام زادهٔ واجب التکریم شاهزاده حسین علیه السلام است . ازقراری که به توسط اولیای دولت علیه به عرض حضورهمایون رسید بعضی اشخاص از طایفهٔ افشار وغیره به خلاف شرع تصرفات مالکانه درملك مزبور کرده‌اند . چون احقاق حقوق شرعیه ونظم موقوفات اسباب‌آبادی ولایت وحصول دعا گوئی ابدی است علی هذا به‌آن عم ارجمند امرومقرر می‌داریم بعد اززیارت ملفوفهٔ فرمان مبارك به موجب احکام شرعیه وعرفیه چهار دانگ ملك وقف را به تصرف عالی جناب سیادت انتساب‌آقا سید حسن متولی بقعهٔ متبرکه داده واورا درتصرف ملك مزبور وسایراملاکی که وقف بقعهٔ متبرکه است مستقل

نماید واشخاصی‌را که مدعی ملکیت آنجا هستند درمحضریکی ازعلمای قزوین که مرضی الطرفین باشد حاضر کند ، به گفتگوی طرفین رسیدگی نماید . حسب المقررمعمول داشته ودرعهده شناسند .

فی شهرشوال المکرم ۱۲۹۶ .

(۱۲۰)

حکم مورخ ج ۲ - ۱۲۹۷ ازبهرام میرزا معزالدوله وزیر عدلیهٔ اعظم با مهراو (معزالدوله) ومهر « وزارت جلیلهٔ عدلیهٔ اعظم ممالك محروسهٔ ایران » ودو توقیع « ثبت کتابچهٔ وزارت عدلیهٔ اعظم شد » و« ثبت کتابچهٔ وزارت عدلیهٔ اعظم ممالك محروسه شد » درپشت سند .

این حکم درتأیید وتعقیب حکم مورخ رمضان ۱۲۹۶همو دربارهٔ موقوفهٔ شنستق صادر شده ومخاطب حکم شاهزاده عضد الدوله است . حکم پیشین به شمارهٔ ۱۱۷ گذشت .

فدایت شوم چندی قبل عالی جناب قدسی القاب آقا سید حسن خلف مرحوم غفران مآب آقا سید احمد قزوینی متولی آستانهٔ مقدسه وبقعهٔ شریفهٔ شاهزاده حسین علیه السلام واقعه در قزوین به دیوان عدالت عظمی تظلم نمود که چهاردانگ ازقریهٔ شنستق واقعه درمحال رامند قزوین‌ازجمله املاك موقوفهٔ امامزادهٔ واجب‌التعظیم است سنوات سابقه چهاردانگ ملك موقوفه را مرحوم حاجی محمد حسین خان افشارازمرحوم آقا سید احمد والدم برابراجاره نامچهٔ شرعی اجاره‌نموده ومادام‌الحیات برسبیل اجاره متصرف بود. بعد فوته اولاد آن مرحوم جزو املاك موروثی وترکه فرض کرده ، به واسطهٔ طول مدت

اجاره وفوت مستأجردراین‌مقام برآمده‌اند که ملك موقوفه را به ملکیت معمول داشته ، کما فرض الله به قرار ترکه بین الورات تقسیم وتسهیم نمایند وموافق وقف‌نامچهٔ‌معتبره واحکامات‌شرعیه وعرفیه واجاره‌نامچهٔ معتبره ازمرحوم‌حاجی محمد حسین خان که دردست است چهاردانگ قریهٔ مزبوره محکوم به وقفیت است . به ملاحظهٔ رؤیت اسناد وصدق عرض حکمی صادرشد که حکومت با حضور ورثهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان غوررسی به عمل آورده ، پس از وضوح صدق مراتب وثبوت وقفیت آستانهٔ مقدسه ملك وقف را به تصرف امنای آستانهٔ منوره واگذار نمایند . اگرهم آنها را جوابی مقرون به حساب باشد که محتاج به مرافعه دانند به رضای طرفین رجوع به شرع انور نمایند .

ازقراری که عالی جناب عارض این اوقات تظلم نمود هنوزحکم صادره از دیوان عدالت درعقدهٔ تأخیر وتاکنون به موقع اجرا نرسیده است . مزیداً للتأکید مجدداً خدمت نواب‌مستطاب‌اشرف والا زحمت‌می‌دهد که به‌مأموریت عالی شان عزت نشان محمد قاسم بیك گماشتهٔ معتمد السلطان صدر دیوانخانهٔ مبارکه که درقزوین است مؤکداً مقررفرمایند که عالی‌جاه تقی خان ولد ارشد وسایر ورثهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان را حاضر کرده ، قدغن فرمائید باحضورعالی جناب آقا سیدحسن متولی‌بقعهٔ متبرکه که عارض‌است غوررسی نمایند وبه قراری که درحکم سابق مشروحاً مرقوم است هرگاه محقق ومعلوم شود که چهار دانگ ملك مزبور به وقفیت مستقراست قدغن شود که وراث حاجی محمد حسین خان واگذار نمایند وازعهدهٔ مال الاجارهٔ سنواتی هرقدر که شرعاً معلوم شود برآیند ، چنانچه محتاج به مرافعهٔ شرعیه دانند به محضر شرع مرضی‌الطرفین رجوع فرمایند، پس ازصدورحکم شرعی حضوری رفع غائله فرمایند . وهم چنین مقرر فرمائید که مأمور مزبور التزامی ازکدخدا

وریش سفیدان چهار دانگ بگیرد که طرفین به هیچ وجه مداخله درمحصول هذه‌السنه ننمایند تااین که گفتگوی طرفین ازبابت‌ملکیت ووقفیت شرعاً مرتفع شود وحق به من له الحق عاید گردد .

فی شهرجمادی الثانیه ۱۲۹۷ .

[حاشیه میان دوسطر نخست :]

هو ـ فدایت شوم این امورات باید برطبق حکم شرعی مجری شود خاصه که وقف‌است. البته نهایت‌توجه‌را فرمایند که بروفق‌امرشرعی ووقفنامچهٔ واقف معمول شود . فی ۱۹ شهرجمادی الثانی ۱۲۹۷ .

(۱۲۱)

حکم مورخ شوال ۱۲۹۸ ازملك‌آرا حکمران قزوین با مهراوبه سجع « ملك‌آرا ۱۲۹۵» و «ملاحظه شد» به خط او در زیرمهـر، خطاب به ابراهیم خان درمورد موقوفهٔ شنستق که‌آقا سیدحسن متولی فرزند مرحوم‌آقا سیداحمد درباب‌آن به دیوانخانهٔ عدلیه شکایت برده وحکم ومأمور از دارالخلافه با خودآورده بود .

این ملك‌آرا: شاهزاده عباس‌میرزا فرزند محمدشاه قاجار است (۱۲۵۵ـ ۱۳۱٤) که درسال ۱۲۹۷ حکمران قزوین شد ودر۱۳۰۳ به وزارت تجارت منصوب گردید[۱].

حکم والا شد عالی‌شان ابراهیم خان بداند ازقراری که عالی‌جناب آقا سید حسن خلف مرحوم‌آقا سید احمد متولی بقعهٔ امامزادهٔ واجب التعظیم

---

۱. بامداد ۲ : ۲۲۲ـ۲۲۷ .

شاهزاده حسین به دیوانخانهٔ عدلیه عرض وتظلم نموده وحکم ومأمور از دار الخلافه آورده است چهاردانگ ازقریهٔ شنستق‌را مدعی شده که وقف امامزادهٔ لازم التکریم سابق الذکراست ودرسنوات قبل که حاجی محمد حسین خان مرحوم در چهار دانگ معامله ومداخله داشته به عنوان اجاره واستیجار بوده نه من‌باب تملك ومالکیت، وهمه‌ساله ازمرحوم آقا سید احمد اجاره می‌نموده واجاره نامچه‌ای که دال برمدعاست بالفعل در دست وموجود است واین فقره را به عرض خاك‌پای جواهر آسای قبلهٔعالم نیزرسانیده، واکنون ورثهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان افشارملك وقف‌را به ملکیت ومالکیت عمل می کنند بلکه به این‌خیال نیزافتاده‌اند که تقسیم وتسهیم نمایند میان‌خود ، وحق امامزاده را ازمیان برده باشند .

لهذا به‌موجب حکم دیوانخانهٔ عدلیهٔ عظمی وبرحسب‌الرقم والاآن عالی شان مأمور است بـه اتفاق عالی جاه قاسم آقا مأمور دیوانخانه به قریهٔ شنستق برود ورثهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان را اعلام نماید وعالی جاه عزت همراه محمد تقی خان یاوررا که ولد ارشد حاجی محمد حسین خان است با دونفر دیگر برادران اوعاجلا به شهرحاضرسازد واگر اسنادی درمقابل داشته باشند همراه خود بیاورند که درشهربتوانند باعالی‌جناب آقا سید حسن گفتگو نمایند وازطرف سایر ورثه هم باید وکالت داشته باشند وقطع سخن مدعی را بنمایند . البته حسب الامر درحاضرنمودن محمد تقی خان وبرادرانش اهمال نورزد ودرعهده شناسد .

شهرشوال ۹۸ .

(۱۲۲)

سؤال آقا سید حسن متولی آستانه از «ابوتراب الحسینی»

دربارهٔ طاحونهٔ قوشخانه وقفی مزار که درتصرف دیگران بود واستجازه برای‌مرافعهٔ شرعی درباب‌آن، بااذن حاکم شرع مزبـور به او وبرادرش حاجی سید حسین مـورخ محرم ۱۳۰۲ :

به شرف عرض مقدس جناب شریعتمدارعالی می‌رساند درخصوص چهاردانگ ونیم طاحونهٔ مشهوربه‌قوشخانه‌که وقف بر آستانهٔ متبرکهٔ حضرت شاهزاده حسین است وچندی است بـه عنوان غصب دردست دیگران است . دراین اوقات نوشته جات او ازقبیل اجاره نامچه وغیره پیدا شده وتـولیت‌آن موقوفه درهرعصربامتولی‌آستان ملك‌پاسبان بوده . علی‌هذا ازجناب مستطاب شریعتمدارعالی تمنا واستدعا دارد محض‌آن‌که سه دانگ طاحونهٔ وقف الان در ید عمدة التجارحاجی‌آقا محمد المدعو بـه خباز است مجدداً ازقبل شرع مطاع اقل السادات را مأذون بفـرمائیدکه با حاج مزبور مرافعهٔ شرعیه نمـوده ووقفیت طاحونه را به میزان شرع انورمعین نموده وبه مصارف روضهٔ متبرکه برسدکه اجر واقف هم ضایع نشود . محرم الحرام سنهٔ ۱۳۰۲ .

[حکم شرعی بالای سند :]

هوـ جناب‌آقایان مکرمان‌متولیان حرسهماالله‌تعالی هریك‌مأذون می‌باشند درمال ومنالی‌که متعلق‌است به‌آستانهٔ‌مبارکه لاسیماالخیرپیدا شودکه درمعرض تضییع به ید غصب ازروی عمد یـا جهل افتاده به صروف ازمنه خصوصاً این پارچهٔ طاحونه درمتن البته به وفق شرع انور باید معمول شود وتجاوزنشود . وذلك فی ۱۵ محرم سنهٔ ۱۳۰۲ [مهر:] ابوتراب الحسینی .

(۱۲۳)

محضری‌مورخ صفر۱۳۰۲دربارهٔ وقفیت طاحونهٔ قوشخانه

ودرخواست گواهی برصحت استناد خط ومهرموجود در سند شمارهٔ ۵۱ این مجموعه وسندی دیگربه حاجی میرزا محمد وآقا سید صالح مشهوربه حاجی آقای مسجدشاهی دوعالم وفقیه قزوین درنیمهٔ اول قرن سیزدهم ، با تصدیق دوتن ازعلماء این دورهٔ قزوین دربالای سند :

به عرض مقدس جناب عالی آن که هریك از آقایان عظام فخام ومطاعان کرام ومخادیم ذوالعز والاحترام ومؤمنین علی دین سید الانام علیه الصلاة والسلام واشخاصی که علم کامل واطلاع شامل بروقفیت چهار دانگ ونیم طاحونهٔ مشهوربه‌قوشخانه دارد که ازجمله موقوفات بقعهٔ‌متبرکهٔ حضرت‌حسین بن علی بن موسی‌الرضا علیه وعلی آبائه الف التحیة والثنا می‌باشد وحکمی که مرحوم مغفورخلدآشیان طوبی مکان آقای حاجی میرزا محمد مبرور طاب الله ثراه بروقفیت طاحونهٔ مزبوربه خط مبارك خود صادرفرموده‌اند می‌شناسند که خط ومهرخودآن مرحوم است وایضاً ازحکمی که سرکار شریعتمدار آقای آقا سیدصالح مرحوم که مشهوربوده‌اند به حاجی آقای مسجدشاهی درباب وقفیت چهار دانگ ونیم طاحونهٔ مسطوره مرقوم داشته‌اند ومی‌شناسند که خط ومهر خودآن مرحوم مغفوراست ، دو کلمه شهادت خودرا درصدر وریقه مرقوم وبه خاتم شریف منیف خود مختوم فرمایند که عند الله ضایع نخواهد بود . ۲۹ شهرصفرالمظفرسنهٔ ۱۳۰۲ .

[گواهی‌ها :]

* خط ومهرجناب‌مستطاب علیین‌آشیان متکی باعلی‌غرف فرادیس الهی حاجی میرزا محمد اعلی الله مقامه را ملاحظه شد . بی‌شك وریب خط ومهر ایشان است [مهر:] لا اله الا الله الملك الحق المبین عبده معین .

* هو- بلی ، خط ومهری که ملاحظه شد خط ومهرعلیین آشیان حاجی میرزا محمد نورالله مضجعه‌الشریف ومهرعلیین آشیان آقا سیدصالح که مشهور است به حاجی آقای مسجد شاهی است وخلافی درخط مهرآن دو بزرگوار نیست . حرره العبد [مهر:] یا ابوتراب .

(۱۲٤)

محضری در باب وقف بودن طاحونهٔ قوشخانه برآستانهٔ شاهزاده حسین که بنا برآن چه ازتاریخ مصالحهٔ مذکور درسند شمارهٔ ٥۱ ومتن گواهی‌ها دانسته می‌شود مربوط به اواسط بلکه نیمهٔ اول قرن سیزدهم است وچون تاریخ مشخصی نداشت دراینجا به مناسبت گذارده شد :

استشهاد واستعلام واستخبارمی‌رود ازعالی حضرات رفیع درجات حضار مجلس‌محاکمه درخصوص گفتگوی چهاردانگ‌نیم آسیای وقفی آستانهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین (ع) مشهوربه‌آسیای قوشخانه درخدمت مرحمت وغفران پناه جنت ورضوان آرامگاه حاجی میرزا محمد طاب ثراه فی مابین متولی‌آستانهٔ مذکوره وورثهٔ مرحوم کربلایی کریم طحان‌که موجر ومستأجر متوفی گردیده ورثهٔ کربلایی کریم مذکور اناثاً وذکوراً درخدمت مرحوم مزبور تأیید (؟) اجارهٔ پدر خود نموده مصالحه مجدد به مهرعالی جناب سابق الذکر قلمی نمودند. دوکلمه شهادت خودرا قلمی‌نموده وبه مهرشریف خود مزین فرموده که عند الحاجه حجت بوده باشد .

[گواهی‌ها :]

* هو- اقل خلق‌الله محمدرسول علم قطعی دارم‌که سابق‌براین درخدمت

عالی جناب مقدس القاب مرحمت وغفران پناه جنت ورضوان آرامگاه حاجی میرزا محمد گفتگوی طاحونهٔ مشهوره به قوشخانه می‌بود و گفتگوی طرفین مدتی کشیده ، عالی حضرت سیادت ونجابت پناه آقا میرابراهیم مشهور به آقا میرمتولی شاهزاده حسین با ورثهٔ آقا کریم طحان این بود که چهار دانگ نیم طاحونهٔ مذکوره وقف ومتعلق به سرکار شاهزاده حسین می‌باشد واز متولی سابق اجاره نموده وورثهٔ آقا کریم طحان منکر بودند که مطلق دخلی ندارید . آخرالامر مقر ومعترف گردیده که چهاردانگ نیم طاحونهٔ مذکوره وقف است واجارهٔ مجدد نیز نمودند . برطبق مدعا سابق براین نوشته شده است که این عبد نیزمهر نموده‌ام که به‌خط سیادت ونجابت‌پناه آقا میرزا حاجی‌مرحوم نوشته شده است که وراث آقا کریم اقرار وقفیت نمودند . وما شهدنا الا بما علمنا [مهر:] وما محمد الا رسول .

* هو- اقل السادات زین العابدین الحسینی درحیات جناب والد طوبی آشیان به قریهٔ الولك می‌رفتم دراثنای راه کربلایی کریم مرحوم را دیدم که در آسیای مذکورهٔ متن کارمی کرد . این جانب ازاوسؤال نمودم که این آسیا ملك کیست؟ مرحوم‌مذکور گفت که چهاردانگ نیم آن وقف آستانهٔ‌مبارکهٔ شاهزاده حسین است که ازمتولی اجاره کرده‌ام ودرزمان جناب اخ گرام طوبی آشیان وراث کربلایی کریم آمده ادعای ملکیت آسیای مذکور نمودند ، اثبات مطلب خود موافق شرع انور نتوانستند نمود . آخرالامرمجموع وراث اناثاً وذکوراً اقرار به وقفیت آسیای مذکور متن نمودند ومجدداً اجاره نمودند . وما شهدنا الا بما علمنا [مهر:] عبده زین العابدین الحسینی .

* هو- اقل خلق الله ابراهیم بن حسنعلی درخصوص آسیای قوشخانه وقفی آستانهٔ شاهزاده (ع) علم دارم که یك طغرا اجاره نامه که مرحوم کربلایی

کریم طحان ازمرحمت پناه آقا میرزای متولی به مدت بیست وپنج سال اجاره نموده که آسیای مذکوررا دایرنموده سال به سال مداخل چهاردانگ نیم آسیا را محاسبه نموده ، از اخراجات موضوع نموده به کم وکسراو رجوع نمایند واجاره نامه ملاحظه نموده ودرمجلس مرحمت پناه حاجی میرزا محمد نیزدر محاکمه حضورداشتم که ورثهٔ کربلایی کریم کلیتاً اناثاً وذکوراً اقراربه وقفیت چهاردانگ نیم آسیای مذکورنموده اجارهٔ جدید نمودند [مهر:] یا ابراهیم .

(۱۲۵)

محضری بدون تاریخ درباب وقف بودن چهاردانگ قریهٔ شنستق وهفت‌سهم قریهٔ دستجرد اقبال ودوازده هنگام آب دو رود ارزنك ودزج برآستانهٔ شاهزاده حسین .

این محضرمربوط به قرن سیزدهم است که چون تاریخ مشخصی نداشت مانند سند پیش به تناسب اسناد قبل در اینجا گذاشته شد :

استشهاد واستخبار واستعلام می‌رود ازعالی حضرات اعزه واعیان وسایر متوطنین دارالسلطنهٔقزوین برآن که هرکس که علیم وخبیر ومطلع بوده‌باشند ازاین که چهاردانگ قریهٔ شنستق علیای‌رامند وهفت‌سهم ازجمله بیست وچهار سهم قریهٔ دستجرد اقبال ودوازده هنگام آب رودین ارزنك ودیزج بعدازشصت روز ازنوروز فیروزسلطانی وقف آستانهٔ مقدسهٔ منورهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم والتکریم [حضرت شاهزاده حسین‌بن حضرت امام الجن والانس علی بن موسی الرضا علیه وعلی‌آبائه التحیة والثناء] ومداخل آنها مختص مصارف ضروریهٔ آستانهٔ مقدسه بوده دوکلمه اسامی خودرا درحاشیهٔ همین مجله نوشته به امهارشریفهٔ خود مزین ومحلی فرمایند . ان الله لایضیع اجرالمحسنین .

[برخی گواهی‌ها :]

* هو ـ مراتب استشهاد بیان واقع است وخلافی ندارد ، وما شهدنا الا بما علمنا . نمقه [مهر:] محمد باقربن محمد تقی الحسینی .

* به نحوی که عالی حضرت سلالة السادات متولی استشهاد نموده بیان واقع است . نظر به ملاحظهٔ ارقام ومطلع بودن بندهٔ درگاه که همه وقت از چگونگی املاك قزوین اطلاع داشته املاکی که درمتن قلمی شده وقف متعلق به سرکار فیض آثار امام زادهٔ واجب التعظیم دارد وارقام نیز به قید لعنت نامه [مهر:] بسم الله الرحمن الرحیم .

* مراتب استشهاد عین واقع وخلافی ندارد [مهر] .

* نظر به ملاحظهٔ ارقام سلاطین جنت مکین صفویه ومکتوبات دفتری وغیره به نحوی که استشهادکرده کمترین بندگان مطلع وخلافی ندارد . العبد الاقل . . [مهر:] دارد امید شفاعت ز محمد اوسع .

(۱۲۶)

حکم شرعی مورخ ذ ح ـ ۱۳۰۲ بالای صورت مجلس مرافعهٔ شرعی درباب شنستق میان آقا سید حسن وحاجی سید حسین فرزندان سید احمد متولیان آستانهٔ شاهزاده حسین ازیك‌سو وورثهٔ حاجی محمد حسین افشار ازسوی دیگر که این صورت‌مجلس تاریخ ۲۹ ذ ق ـ۱۳۰۲ دارد، مشتمل برتفصیل مراحل مرافعه وصدورحکم حاکم شرع که حاجی ملاآقای قزوینی مجتهد مشهور ونافذ الکلمهٔ قزوین درآغازقرن حاضربوده است .

نسخه‌ای ازاین حکم بعد ازاین به نظرعلماء اعتاب مقدس

کربلا ونجف ونیـزحکام شرع طهران رسیده وآنـان در حواشی‌حکم حاکم‌شرع‌مزبورآن‌را تأیید وتنفیذنموده‌اند که سوادی ازاین‌نسخهٔ دوم نیزجزاصل نسخهٔاول دردست است وتصدیق‌ها وتنفیذهای حاشیهٔآن هم درپایان پس از متن حکم حاجی ملاآقا نقل خواهد شد. درمجموع این دانشمندان وقفیت قریهٔ شنستق را نسبت بـه چهار دانگ مورد تأیید وحکم قرار داده‌اند :

۱) حاجی ملاآقا قزوینی حاکم شرع معروف قزوین در این تاریخ[۱].

۲) شیخ زین العابدین مازندرانی درگذشتهٔ ۱۳۰۹[۲].

۳) سیدعبدالله‌بهبهانی روحانی‌معروف که اززعماءمشروطه بـود[۳].

٤) سید باقرحایری[٤].

٥) ملا جعفرمجتهد طهرانی[٥].

٦) حاجی سید علی اکبرتفرشی[٦].

۷) میرعبدالصمد قزوینی[۷].

---

۱. المآثر والاثار: ۱٤۳ ودیگرمصادری‌که درديباچهٔ بخش اسناد ذیل سخن ازعلماء قزوین در دورهٔ قاجارنام برده شد.

۲. نقباء البشر۲ : ۸۰٥-۸۰٦.

۳. همان مأخذ ۳ : ۱۱۹۳-۱۱۹٥ ومآخذ دیگر.

٤. ایضاً ۱ : ۱۹۳-۱۹٤.

٥. ایضاً : ۲۹٥.

٦. ایضاً ٤ : ۱٥۸۱.

۷. ایضاً ۳ : ۱۱۳۳-۱۱۳٤.

۸) حاجی شیخ فضل الله نوری .

۹) ملا فتح الله مجتهد طهرانی .

به شرف عرض اقدس جناب مستطاب شریعت مآب عالی می‌رساند خصوص آن که حاضرمحضرمهرانور شرع مطاع لازم الاتباع گردیدند درمقام ترافع عالی جناب آخوند ملامحمد هادی وکیل ثابتة الوکالهٔ جنابان مستطابان معلی الالقابـان مفخری السادات والنجباء الفخام آقایان عظام کرام حاجی سید حسین وآقا سیدحسن متولیان بقعهٔ مبارکهٔ شاهزاده حسین علیه السلام وجناب شامخ الالقاب فضایل مآب آقا شیخ محمد هاشم وکیل محققة الوکالـهٔ جناب فخرالاشراف والاعاظم مقرب الخاقان میـرزا اسماعیل خان وکیل الرعایا که وکیل درتوکیل بودند به وکالت محققهٔ ثابته ازقبل عالی‌جاهان نتایج‌الخواقین العظام محمد تقی خان وعلی خان وخان بابا خان اخلاف مرحوم علیین مکان حاجی محمد حسین خان افشار طاب رمسه ومثواه ، وبعـد حضورهما مدعی گردید درمقام‌ترافع جناب آخوند ملامحمدهادی ازقبل‌موکلین خود به جناب شامخ الالقاب آقـا شیخ محمد هاشم براین که چهار دانگ مشاع ازکل شش دانگ ازقریهٔ شنستق علیا من محال رامند دارالسلطنهٔ قزوین که در یـد تصرف موکلون موکل معظم الیه شما می‌باشد ازآب وملك به انضمام آنچه متعلق بـه اربابی چهاردانگ ازقریهٔ مسطوره وقف است برآستانهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ لازم التعظیم شاهزاده حسین‌بن علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه آلاف‌التحیة والثناء وتولیت شرعیهٔ آن با جنابان موکلین من می‌باشد ویـد تصرف آنی موکلین موکل شما بلکه عموم ورثهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان وغیرایشان هرکه متصرف باشد بـه عنوان غصب وعدوان است وتخلیهٔ ید تصرف ایشان الساعه واجب ولازم وفـوراً به تصرف موکلین من دادن حسب الشرع متحتم است . وجناب

شامخ‌الالقاب آقا شیخ محمدهاشم ازقبل‌موکلون جناب موکل خود درجواب متلقی گردیـدکه موکلون موکل من درچهار دانگ قریهٔ مسطوره بـه ملکیت وحقیت متصرف شرعی می‌باشند واحدی را مالك وذی حق نمی‌دانند .

حکم شرع مطاع صادرشدکه وکیل مدعیان برطبق مدعای موکلین خود درعالی محضراقامهٔ بینه نمایـد . علی هذا امتثالا لامرکم العالی وکیل جنابان متولیان جمعی ازشهود معروفهٔ متکاثرهٔ متوافره مشتمله برعدول از سلسلهٔ سلیل اجلهٔ علماءعظام وموثقین ومتدینین‌ازاخیاروغیرهم که به‌سرحد شیاع واستفاضه بود حسب التفصیل ذیل :

جناب مستطاب شریعت مآب مجتهد العصری‌آقائی حاجی سید ابوتراب سلمه الله تعالی . شاهدان فرع : جناب علام فهام‌آقا شیخ محمد تقی زید فضله ـ جناب مفخرالسادات العظام‌آقا سیداحمد/جناب مستطاب شریعت‌مآب عمدة العلماء العظام‌آقائی‌آقـا سید عبدالکریم سلمه الله . شاهدان فرع ایضاً جنابان معزی الیهما/جناب سلالة السادات النجباء العظام آقائی‌آقا میرمحمد حسین/ جناب قدسی القاب علام مفخرالسادات النجباء العظام‌آقائی‌آقا سید حسن زید فضله العالی/ جناب مستطاب فضایل مآب‌آقائی‌آقا میرزا ابـوتراب زید فضله متولی مسجد جامع/عالی‌جناب قدوسی انتساب‌آخوند ملا محمد علی قاری/ عالی جناب مقدس القاب‌آخوند ملامحمد زید فضله/عالی‌جناب مقدس القاب آخوند ملا محمد صادق/عالی جناب مقدس القاب‌آخوند ملا مرتضی/عالی جاه عمدة الخوانین‌العظام حبیب‌الله‌خان/عالی‌جاه معلی‌جایگاه محمداسماعیل خان/عالی جاه عزت همراه‌آقا میرزا موسی/عالی جاه افتخارالحاج والعمار حاجی‌محمدقلی/عالی‌حضرت احسن‌الزوارکربلایی محمدرضا/عالی‌حضرت خیرالزایرین‌کربلایی حسین قلی/ زایرالائمة الاطهارکربلایی محمد حسین/

عالی جاه میرزا محمد حسن/عالی جاه مقرب الحضرة سهراب خان سلطان/ عالی جاه محمد قاسم بیك/عالی جاه محمد قلی بیك/عالی حضرت احسن الزوار کربلایی ولی/ عالی حضرت آقا حسین قلی/ عالی شان آقا جعفرقلی/ عالی حضرت خیرالزوار کربلایی محمد تقی / عالی حضرت خیرالزایرین مشهدی محمد مهدی/خیرالزایرین کربلایی عیوض/عالی حضرت مشهدی علی جان/خیرالزایرین کربلایی نصرالله]

درعالی محضرمهر انور اقامه نمودکه هریك شفاهاً وصریحاً اداء شهادت نمودند براین که چهار دانگ از کل شش دانگ ازقریهٔ شنستق علیای رامند از آب وملك وجملهمتعلقات آن که در یدتصرف آنی عموم ورثهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان است وقف است بر آستانهٔ متبرکه شاهزاده حسین بن علی بن موسی الرضا سلام الله علیه که تولیت آن باجنابان متولیان مسطوران است ویدتصرف آنی عموم ورثهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان وهرکه غیرآنها متصرف باشند ید غصب وظلم وعدوان است .

پس از اداء شهادت شهود متکاثرهٔ مستفیضه اعلام به وکیل مدعا علیهم فرمودندکه چنانچه شما را برشهادت شهود مفصله رافعی باشد اظهار وابراز داشته که به میزان شرع انورعمل شود. مدتی به مسامحه ومماطله گذشت ابراز مطلبی وآغازسخنی نشد . مجدداً اعلام شد تا آن که خود جناب مقرب الخاقان وکیل الرعایا حضور به هم رسانیدند ودرعالی محضرمدعی شدکه ما بینه داریم که برشهود تدلیس شده ، امربه اقامه فرمودند مدتی گذشت اثری ظاهرنشد . بعدازتحقق تسامح ضرب الاجل فرمودند بسبعة ایام، زمان ضرب الاجل منقضی گردید ایضاً اثری به ظهور نرسید . مدعیان مطالبهٔ حکم نمودند ایضاً ضرب الاجل ثانی فرمودندآن نیز منقضی شده اثری به ظهور نرسید . حکم حقیت

ووقفیت محل موقوفه به عهدهٔ تعطیل وتعویق افتاده .

حال مستدعی ازجناب مستطاب شریعت مآب عالی آن که آنچه ازشهادت شهود متکاثرهٔ متوافرهٔ مستفیضه وقراین خارجه وداخله سیما ازتحقیقات تام وغوررسی تمام خود جناب شریعت مآب عالی ازخارج وداخل درظرف این مدت نه ماه که این ترافع به طول انجامیده آنچه ازحقیقت حقیت جنابان مدعیان مسطوران ووقفیت محل موقوفه برضمیرمنیرمهرتنویررعالی واضح ولایح ومنکشف ومبرهن وبه اعلی درجهٔ ثبوت وتحقق شرعی رسیده مرحمت فرموده حسبتاً لله وطلباً لمرضاته دو کلمه حکم محکم آن را درصدرعریضه مرقوم وبه خاتم شریف منیف مبارك خود مختوم ومزین فرمایند که عندالله وعند الرسول خالی از اجر نخواهد بود که ان شاء الله حق به من له الحق عاید گردد . باقی والسلام علی من اتبع الهدی .

تحریراً فی بیست نهم شهرذی قعدة الحرام من شهورسنهٔ هزار سیصد دو هجری نبوی (ص) مطابق سال فرخنده فال ترکی تخاقوی ئیل خیریت دلیل است .

[حکم حاکم شرع دربالای سند :]

بسم الله الرحمن الرحیم ـ صورت ترافع ازقراری است که ثبت افتاده. به میزان شرع مطاع لازم الاتباع محقق وثابت گردید چهار دانگ مشاع از اراضی قریهٔ شنستق علیا ازاراضی مشغوله ومزروعه واملس وقف بربقعهٔ متبرکهٔ امام زادهٔ لازم التکریم حضرت حسین بن علی بن موسی الرضا سلام الله علیه وعلی آبائه المکرمین است وباید منافع عایده ومحصول وفایدهٔ آن اراضی با آنچه ازمتعلق عرفی وشرعی ارض فقط است ازچشمهٔ واقعه درآن وحقوق شرب از اودیه که ازقدیم الایام مرسوم بوده به مصالح خاصهٔ آستانهٔ متبرکه مصروف

شود وتصدیه ومباشرت وتولیت شرعیه دراین زمان راجع به جناب مستطاب السید الجلیل العاری من کل شین الحاج سید حسین واخ اعز ایشان الاحسن من کل حسن السید حسن حفظهما الله تعالی می‌باشد ومتصرف درتصرفش راجع به اذن ایشان‌نباشد غاصب‌است وبه حکم خلاق‌ارض وسما جلت‌عظمته باید رفع ید نموده ، به تصرف متولیان شرعی دهد . هکذا قضیت والزمت والله خیرالحاکمین .

نمقه العبد فی یوم عرفه ۱۳۰۲ [مهر:] یأتی من بعدی اسمه احمد .

[تأییدات :]

* بسم الله ولـه الحمد ـ نعم ینبغی امضاء هذا الحکم الشریف علی کل من‌علم به وهوماض عندالله تعالی وعندالاقل الجانی زین‌العابدین المازندرانی.

* بسمه تعالی ـ نعم یجب امضاء ماامضاه علم‌الاعلام جناب‌الشیخ العلام متع‌الله المسلمین بطول‌بقائه وادام‌الله تعالی ظله علی رئوس الانام وقد امضیت وانفذت‌ماامضاه . وکان ذلك فی‌عاشر ذی‌قعدة الحرام ۱۳۰۳ [محل مهرحاجی ملاجعفرمجتهد طهرانی] .

* بسمه تعالی ـ یجب‌العمل بما رسمه المولی العلامه ادام‌الله تعالی ایامه وقد حرره الجانی عبدالله الموسوی ۲۶ شهرذی قعده ۱۳۰۳ .

* هو ـ حکم محکم صادرازمرحوم علیین‌آشیان الحاج ملاآقا اعلی الله مقامه مطاع ولازم العمل است ، حکم صدرعن اهله ووقع فی‌محله ، خاصه به امضاء مرحوم طوبی‌مکان خلدآشیان شیخ الفقهاء والمجتهدین آقای شیخ زین العابدین نورالله مرقده، واطاعت آن برعامهٔ مسلمانان لازم است. حرره الاحقر [مهرشریعتمدارمرحوم آقا میرعبدالصمد] .

* بسم الله الرحمن الرحیم ـ حکم مرحوم مغفورحاجی ملاآقای قزوینی

رحمه‌الله تعالی که موشح است به امضاء مرحوم جنت مکان حجة الاسلام شیخ المشایخ شیخ زین العابـدین مازندرانی طاب ثراه متبع ومطاع است . البته معمول دارند . حرره الاحقرفضل‌الله النوری فی تاریخ ۲۱ من شهرربیع‌الاول ۱۳۱۷ .

* بسم الله الـرحمن الرحیم ـ هذا الحکم صدرمن اهله ووقع فی محله فیجب العمل به . وقد حرره العبد الجانی فی ۷ ذی قعدة الحرام ۱۳۱۷ [مهر حاجی ملا فتح الله مجتهد طهرانی) .

* بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ لاشك‌فیه ولاشبهة تعتریه که احکامات‌مقرونه به امضاء وتصحیح جناب مستطاب شریعتمـدارشیخنا وشیخ المشایخ آقائی آقا شیخ زین‌العابدین دام‌ظله العالی مصحح وممضی‌است ودرشرع‌شریف مجری ولازم الاتباع است [مهرآقا سید باقرحائری] .

* بسم الله تعالی ـ این خاتم شریف ازجناب ملاذ الاسلام مقتدی الانـام آقا شیخ زین‌العابدین ادام الله بقائه وایام افاضته می‌باشد وحکم جناب الحاکم المطاع مطاع . حرره الاحقرفی الثامن من ذی قعدة الحرام ۱۳۰۳ [مهرحاجی سید علی اکبرمجتهد تفریشی] .

(۱۲۷)

دستوریحیی‌خان مشیرالدوله پسرمیرزا نبی‌خان امیردیوان قزوینی وبـرادر حاجی میرزا حسین خان سپهسالارکه در سال۱۲۹۹به مشیرالدوله ملقب ووزیرعدلیه شد ودررجب ۱۳۰۲ برکنار گردید ودرسال ۱۳۰۹ درگذشت[1] دربـارهٔ

---

۱. بامداد ٤ : ٤٣٨ـ٤٧٢ . مهراو دربشت حکم چنین است : «مشیرالدوله ۱۲۹۹».

ادامهٔ گفتگوی آقا سید حسن متولی با ورثهٔ حاجی محمد حسین افشار برسرشنستق درمحضر آقا شیخ هادی (گویا نجم آبادی متوفی ۱۳۲۰) که سند شمارهٔ ۱۲۹ مجموعهٔ حاضر به‌آگاهی برچگونگی جریان امر وسبب این ادامه وفهم مفاد سند حاضرمدد می کند .

عالی جاه میرزا علی اکبر جناب فضایل نصاب آقا سید حسن وعالی جاه مجدت همـراه محمد تقی خان یاوررا درمحکمهٔ جناب شریعتمدارحجة الاسلام والمسلمین آقا شیخ هادی سلمه الله تعالی برای طی گفتگوئی که دارند حاضرنمائید که عالی جاه محمد تقی خان یاور نقض حکم شرعی که ازجنابان شریعتمداران حاجی ملاآقا و آقا شیخ هادی که در دست جناب فضایل نصاب آقا سید حسن می‌باشد موافق قرارداد خودش برساند وپس‌از گفتگوی طرفین خاتمهٔ امررا اطلاع بدهید تا حکم آن موافق عدل وانصاف کرده شود .

(۱۲۸)

فرمان ناصرالدین شاه مورخ رجب ۱۳۰٤ در واگذاردن تولیت آستانهٔ مقـدس حضرت شاهزاده حسین به‌آقا سید حسن وحاجی سید حسین فـرزندان سید احمد مـرعشی وتـأیید حکم شرعی بروقفیت شنستق که بنا برمفاد فرمان دستخطی نیز ازجانب وی برای رسیدگی به امرآن صادر شده بـود .

بسم الله تعالی شأنه العزیز

الملك لله تعالی ـ حکم همایون شد که چون ازقرار فرامین سلاطین

صفویه وفـرامین خاقان مغفور وشاهنشاه مبرور البسهم الله حلل النور وفرمان مبارك این‌دولت ابدمدت تولیت وجاروب کشی آستانهٔ‌متبرکهٔ حضرت‌شاهزاده حسین علیه‌السلام واقعه درد‌ارالسلطنهٔ قزوین اباً عن‌جد بامرحوم‌آقا سید احمد مرعشی بوده وبعد ازفوت‌آن مرحوم الی کنون باعالی‌جنابان سعادت وشرافت مآبان حاجی سید حسین وآقا سید حسن خلفان‌آن مرحوم است ومبلغ پانزده تومان وهفت‌هزار وهفت‌صد وپنجاه دینارنقد ومقداربیست ودوخرواروشصت من تبریز به اسم صرف روشنایی برقرار بوده است‌که همه ساله باید از منال دیوانی کچل جرد وولاذجرد موافق ثبت ودستورالعمل قزوین دریافت نمایند وچهار دانگ‌آب وملك قریهٔ شنستق علیای واقعه دربلوك رامند قـزوین‌که به شرح فرامین متعدده جزء موقوفات‌آستانهٔ مزبوره است دراین سنوات اولاد مستأجرین‌آنجا مدعی ملکیت شده بـودند حسب دستخط جهان مطاع مبارك واحکام اولیای دولت رجوع به مرافعهٔ مرضی‌الطرفین شده، متولیان بقعه احکام قطعیه بروقفیت صادرنموده‌اند وحکومت‌کما فی‌السابق به تصرف‌آستانه داده. نظربه ظهورلیاقت وشایستگی عالی‌جنابان مشارالیهما تولیت بقعهٔ مزبوره‌را به مشارالیهما محول‌وواگذارنمودیم که‌چون‌آبا واجدادخود مشغول‌خدمتگزاری بقعهٔ متبرکه باشند، منافع چهاردانگ موقوفه ونقد وجنس مزبوره را اخذ وبه مصرف مقررهٔ‌آستانه برسانند. مقررآن‌که حکام‌حال واستقبال دارالسلطنهٔ‌قزوین حسب المرقوم مرتب داشته ، دیگران را تصرف درموقوفه واخذ نقد وجنس نـدهند .

شهررجب ۱۳۰٤ .

[حاشیه :]

مبلغ پانزده تومان وهفت هزار وشش صد وسی وپنج دینار نقد ومقدار

بیست ودوخرواروشصت من غله درجزو مخارج ولایتی ازبابت صرف روشنائی بقعهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین علیه‌السلام دربابت محل کچلجرد وغیره دردستور العمل هذه السنهٔ تنگوزئیل قزوین خرج آمده ، صحیح است .

(۱۲۹)

حکم مورخ رجب ۱۳۰٤ ازحسین خان معتمدالملك فرزند یحیی خان مشیرالدوله ، حکمران قزوین تا اواخر سال ۱۳۰۵[1] خطاب به حاجی عباسقلی خان نایب الحکومهٔ آن شهر درباب موقوفهٔ شنستق وشرح چگونگی مرافعهٔ شرعی درباب آن تاحین صدوراین حکم ومراحلی که براین مرافعه گذشته است. این سند ازاین رهگذر درتوضیح مفاد اسناد گذشتهٔ مربوط به این موقوفه سودمند است .

درحکم مورد سخن بااشاره به مراحل مزبور وقطعی شدن حکم بسه وقفیت ، به نایب الحکومهٔ نامبرده دستور داده می‌شود که موقوفه را از دست ورثهٔ حاجی محمد حسین خان بیرون آورده وتسلیم متولیان آستانهٔ شاهزاده حسین نمایـد :

حکم عالی شد مقرب الخاقان عمدة الخوانین العظام حاجی عباس قلی خان نـایب الحکومهٔ قـزوین را مرقوم می‌دارد درباب چهار دانگ مشاع ازآب وملك قریهٔ شنستق‌علیای واقعه دربلوك‌رامند قزوین که ازقراروقف‌نامچهٔ معتبره وفرامین سلاطین خلد مکین صفویه وخاقان مغفور انـارالله براهینهم از جمله موقوفات آستانهٔ متبرکهٔ حضرت‌شاهزاده حسین ابن‌علی ابن‌موسی‌الرضا

---

۱. بامداد ۱ : ٤۳۰ . نیزصفحهٔ ۱٤۹ همان جلد درسرگذشت الله قلی میرزا ایلخانی.

علیه وعلی آبائه الف التحیة والثنا بوده ومرحوم حاجی محمدحسین خان افشار به خط ومهـر جمعی از اهالی قزوین ازمتولی آستانه بـه مدت طولانی اجاره نموده ، بعد ازفوت آن مرحوم عالی جاهان محمد تقی خان وعلی خان وخان بابا خان اولاد مشارالیه منکروقفیت‌شده ، مدعی مالکیت بودند . جناب سلالة الاطیاب آقا سید حسن متولی خاصهٔ آستانه به شرح عریضه‌ای به حضورمبارك عارض ودستخط جهان‌مطاع صادر گردیده که دروزارت عدلیهٔ‌عظمی رسیدگی نمایـد . چون مدعیان ادعای تصرف وملکیت نمودند در دیوانخانهٔ عدلیـه به موجب احکام موجوده که در دست جناب متولی است حکم به مرافعه نمودند وحکام قزوین بـه شرح التزام وتراضی طرفین قرار مرافعه را در محضرجناب مستطاب مجتهد الـزمان حاجی ملاآقا سلمه الله تعالی نموده ، بعد ازمدت ده ماه مرافعهٔ شرعیه آخرالامر وکیل شرعی متـولیان آستانه به شهادت جمعی از مجتهدین اعلام وفضلا وغیره وقفیت محل‌مزبوررا به اعلی‌درجهٔ ثبوت شرعی رسانیده ، حکم مفصل ومعتبری صادرنموده . باوجود این عالی‌جاه محمدتقی خان به طهران آمده عارض بشود که این‌حکم ومرافعه معیوب ومقدوح است. محض رفع سخن مشارالیه جناب نبیل الانجاب آقا سید حسن متولی امامزاده را بـه طهران احضار نمـوده ، موافق التزام ورضای طرفین رجوع به محضر جناب مستطاب مجتهد الزمان آقای حاجی شیخ‌هادی سلمه الله تعالی نموده که هرگاه عالی‌جاه محمدتقی خان‌را درمقابل‌حکم ومرافعهٔ مزبوره سخنی مقرون به شرع باشد معلوم نمایـد . بعد ازشش ماه گفتگو موافق نوشته‌ای که جنـاب مستطاب آقای شیخ هادی به جناب متولی داده است عالی جاه محمد تقی‌خان معارضی وایرادی برحکم مرقوم نتوانسته‌است اقامه نماید. بعدازختم گفتگوی شرعی عالی جاه محمد تقی خان را الـزام نمودم هرگاه سندی ونوشته‌ای که

دال برملکیت خود وبربطلان احکام امام زاده دردست دارد ابرازنماید ، معلوم شد به هیچ وجه سند معتبری که درشرع وعرف متکی به‌آن باشد ندارد .

لهذا مـرقوم می‌شود که بعد از وصول این حکم چند نفـرمأمورکافی از حکومت به قـریهٔ مزبوره بفرستند . اولا چهار دانگ‌آب وملك مرقوم را به تصرف متولیان‌آستانهٔمتبرکه داده وازریش‌سفیدان ورعایای قریهٔمزبوره عهده والتزام‌بگیرند که ازاین‌تاریخ به بعد مباشرین اولاد مرحوم حاجی‌محمدحسین خان مـداخله درملك وقف نکنند وخود را رعیت امام زاده دانسته ، ازسخن حسابی‌متولی تجاوزننمایند. ثانیاً محصول دوسالهٔ موقوفه‌را به موجب التزامی که محمد تقی خان درحکومت سپـرده است ومحصول دوساله را تحویل او کرده است ازقرارتصدیق ریش‌سفیدان محل ازکسان مشارالیه گرفته ، تحویل متولی نمایند که به‌مصارف مقررهٔ واقف برسانند. البته حسب المرقوم معمول داریـد .

شهررجب ۱۳۰٤ .

(۱۳۰)

حکم مورخ شوال ۱۳۰٤ ازهمان معتمد الملك خطاب به اسماعیل خان نایب الحکومهٔ قزوین که چـون حکم سابق به نام وی نبودآن‌را اجرا ننموده بود . دراین سند به وی دستورداده‌می‌شود هرحکمی که پیش‌تربه‌نام نایب‌الحکومهٔ آن موقع صادرشده است مجری داشته ، ودرایـن مورد حکم مربوط به موقوفهٔ شنستق را اجرا ومتولیان‌آستانـهٔ شاهزاده حسین راآسوده سازد :

حکم عالی شد مقـرب الخاقان نتیجة الامراء العظام اسماعیـل خان نایب‌الحکومهٔ قزوین‌را مرقوم می‌شود درباب ملك‌شنستق که موقوفه ومتعلق به شاهزاده حسین علیه‌السلام است سابقاً برطبق اظهارات عالی جناب سیادت انتساب خیرالحاج حاجی سید حسین متـولی واخوی ایشان موافق تحقیقات لازمه احکام حقـه صادر گردید . ازقرارمذکور تاکنون به موقع اجرا نرسیده وعلت ودقت وتعلل وتأمل محض این‌بوده است که احکام صادرهٔ سابقه به‌عنوان آن مقرب الخاقان نبوده است .

علی‌هذا مرقوم می‌شود که احکام صادرهٔ سابقه را دراین‌مورد وموارددیگر که ازطرف حکومت صادرشده است بدون استثناء حتمی‌الاجرا دانسته ، مفاد آن‌هارا به موقع اجرا بگذارند ودراین‌مورد مخصوصاً احکام سابقه را مجری وحاج متولی راآسوده دارند .

شهرشوال ۱۳۰٤ .

(۱۳۱)

حکم مـورخ ذ ق ـ ۱۳۰٤ از امین السلطان صدر اعظـم خطاب به « مقرب الخاقان برادرمهربان باقرخان سرتیپ مدیرخیابان شوسهٔ قزوین وقم» که دائی زاده امین‌السلطان بوده واحداث راه تهران به قزوین وقم چنان که ازعنـوان مزبورنیز پیداست به عهده ومباشرت او بوده است[1]. او

---

۱ . فرهنگ ایـران زمین ۲۲ : ۲٦٤ و۲۷٦/سفرنامهٔ قـم افضل الملك : ٤۳/شرح زندگانی من مستوفی ۱: ۳۸۹ چاپ دوم/روزنامهٔ خاطرات اعتماد السلطنه :٥٦۱ چاپ دوم .

بعد ازاین بـه سعد السلطنه ملقب ومدتی پیشکار وسپس دو بارحکمران قزوین شده است .

حکم در ابلاغ فرمان ناصرالدین شاه (سند شمارهٔ ۱۲۹) است درباب‌تولیت آستانهٔ شاهزاده‌حسین وموقوفهٔ شنستق با سفارش وتوصیه نسبت به متولیان مزار:

مقرب الخاقانا بـرادر مکرما تولیت آستانهٔ مقدسهٔ مبارکهٔ امام زادهٔ واجب التعظیم شاهـزاده حسین علیه السلام به موجب فرامین سلاطین صفویه نورالله مضجعهم با مرحوم آقا سید احمد مرعشی واجداد اوبوده ، حال مجدداً به امضای فرامین‌سابقه فرمان جهان مطاع مبارك به‌اسم حاجی سیدحسین و آقا سیدحسن ولدان آن مرحوم شرف صدوریافته که به امرتولیت کما فی‌السابق با خودشان باشد . لهذا به‌آن مقرب الخاقان می‌نویسم ازقرار مدلول فرمان قدر نشان همایون کمال مراقبت را دراستقلال آقـایان در امرتولیت آنها باید داشته بـاشید .

درباب چهار دانگ ملك قریهٔ شنستق علیا که اولاد مستأجرین آنجا مدعی مالکیت شده‌بودند موافق دستخط آفتاب‌نقط همایونی وحکم والتزام‌دیوانخانهٔ عدلیهٔ اعظم رجوع به مرافعه شده بود درمحضرشرع مرضی‌الطرفین به مرافعه حاضرشدند وحکم شرعی ترافعی بروقفیت ملك وغاصب بودن اولاد مستأجر صادرشد وبرطبق حکم‌شرعی فرمان‌مبارك عزاصداریافت وحکومت ازتصرف غاصبین انتزاع نموده به تصرف متولی داده ، نهایت مراقبت را داشته باشید که دیگر کسی متعرض ومزاحم نشود .

شهرذی قعدة الحرام ۳۰٤ .

(۱۳۲)

حکم امیـن السلطان صدراعظم درحاشیهٔ عریضهٔ آقا سید حسن متولی آستانه خطاب به آقاباقر پیشکارقزوین ، مورخ شوال ۱۳۰۵ ، دربارهٔ موقوفهٔ شنستق .

درهنگام صدور این دستور الله قلی میـرزا ایلخانی حاکم قزوین و آقا باقر(سعد السلطنهٔ بعد) پیشکار ونایب‌الحکومه بوده است[۱].

عریضهٔ خدام آستانهٔ حضرت شاهزاده حسین قزوین است :

تصدقت شویم این فقره ازفتوت ومروت حضرت مستطاب اجل اسعد دور است که یهـود ونصاری ومجوس از اقصی بلاد ایـران مطالب خود را به شرح عریضه وتوسط پست دولتی به حضورمبارك عرض نمایند وبه جهت هر یك جواب مساعدی مطابق عرض آنها مرحمت شود واین زمره ازاولاد فاطمه وملاکه مادام العمر بلکه ابـداً عنجداً قاری وخادم وجاروب کش آستانهٔ فرزند حضرت علی بن موسی‌الرضا هستیم وشب روزمشغول دعا گویی عمر وعزت حضرت مستطاب اجل‌اشرف دام‌ظله می‌باشیم الی امروزچند مرتبه عرض ودر مقام استدعا برآئیم جواب شافی وغیرشافی درحق دعا گویان التفات نفرمائید وحال آن که استدعای فوق الطاقه نداریم . همین قدراستدعا داریم که به سرکار معتمد السلطان محمد باقرخان سرتیپ مرقوم شود که درباب چهـار دانگ آب وملك موقوفهٔ آستانه ومحل تیـول این جزئی روشنائی امام زاده موافق فرمان جهان مطاع مبارك واحکام شرع مطهرباخدام آستانه رفتارنمائید ومدلول فرمان

---

۱. بامداد ۱ : ۱۴۹–۱۵۰ و۱۸۲ .

قضا جریان مطاع را درحق امام زاده بدون ملاحظات مجری دارید تا ان شاء الله درعوض این مطلب ومرحمت دعا گویان به رفاه حال مشغول دعا گوئی باشیم . ایام عزت مستدام .

[دستخط امین السلطان درحاشیهٔ عریضه :]

معتمد السلطان باقرخان سرتیپ پیشکار قزوین را اظهارمی‌شود : شما در آنجا هستید بصیرت به مدلول عرض حال واظهارات سلالة السادات الاطیاب آسید حسن دارید . رسیدگی نموده ، هرطور حقاً لازم می‌آید قرارآسودگی آنها را بدهید . زیاده چه نویسد .

فی ١٤ شهرشوال ١٣٠٥ [مهرپشت همین نوشته :] امین السلطان .

(١٣٣)

عریضهٔ آقا سید حسن متولی‌آستانه اززبان خدمتگزاران آن به امین السلطان صدر اعظم ، با دستور او به‌آقا باقر پیشکار قزوین درحاشیه مورخ شوال ١٣٠٥ ، با پاسخ‌آقا باقر ودستورثانوی صدراعظم نیز درحاشیه . همه در باب موقوفهٔ شنستق :

عرض واستدعای جماعت خدام‌آستانهٔ حضرت حسین‌بن علی بن موسی الرضا علیه‌آلاف التحیة والثنا واقعه درقزوین :

تصدقت شویم امرمعیشت ما خدام‌آستانهٔ متبرکه‌که تقریباً ده نفر وهر کدام زیاده از ده سرعیال داریم درپای این بقعه منحصراست به منافع چهار دانگ‌آب ملك موقوفه .آن را هم جناب متولی باشی به اجاره واگذارنموده بودند به شخصی، بعد ازفوت جناب متولی وشخص مستأجراولادآن مستأجر

درملك وقف ادعای ملکیت نمودند . بعد ازتظلمات واظهارات دعاگویان بـه خاك پای مبارك اعلی حضرت اقدس روحنا فداه برحسب دستخط رجوع بـه دیوانخانهٔ عدلیه وازدیوانخانه رجوع به شرع مرضی الطرفین گردید ، بعد از مرافعـهٔ شرعیه وکیل دعاگویان حکم قطعی بروقفیت صادرنمود ، بـرطبق آن حکم امضائات محکمه هم ازجناب حجة الاسلام علی‌المسلمین جناب آقاشیخ زین‌العابدین وجناب آقا میرزا حسن وآقای حاجی شیخ‌هادی وآقای آقا میرزا سید علی‌اکبر سلمهم‌الله تعالی گرفته. علاوه براین‌تفصیل وقایع مرافعه وصدور احکام شرعی خود را به شرح عریضه مجدداً به عرض خاك پای مبـارك اعلی حضرت اقدس عرض نمودیم استدعای فرمانی کرده ، فرمانی هم در استقلال وقفیت وتصرف امام زاده علیه السلام صادرشد. احکامات به این‌تفصیل وفرمان قضا جریان مبارك درسنهٔ مـاضیه ازجهت اغتشاش امرحکومت به معرض اجرا وامضا نرسیده است . استدعای این دعاگویان ازحضرت مستطاب اشرف آن که حکم فـرمایند که حکمران قزوین مدارج ومفاد فرمان قضا جریان مبـارك واحکامات شرعیه را درحق‌دعاگویان مجری دارد شاید به مدلول فرمان مبارك دعاگویان بقیهٔ عمر درپای بقعهٔ مبارك برفاهیت مشغول دعاگوئی وجـود اعلی حضرت اقدس روحنا له الفدا بـوده باشیم . امر امرحضرت مستطاب اشرف مطاع مطاع .

[دستخط صدراعظم درحاشیهٔ عریضه :]

معتمد السلطان بـاقرخان سرتیپ پیشکار قزوین را اظهار می‌دارد به مدلول عرض حال اینها رسیدگی کرده ، به ترتیبی که نوشته‌اند هرطورحقیت آنهـا معین شده است مراتب را قلمی دارند که تا حکم آن بشود . زیـاده چه نویسد . ۱۰ شهرشوال ۱۳۰۵ [مهرپشت همین نوشته :] امین السلطان .

[پاسخ باقرخان ، ایضاً درحاشیهٔ عریضه :]

اسناد حضرات‌خدام‌آستانهٔ حضرت شاهزاده‌حسین ملاحظه نموده ، سواد آن را بـرداشته به حضور مبارك فرستاد . هرطورکه میل مبارك است مرقوم شود اطاعت نماید . ۱۶ شهرشوال ۳۰۵ [مهرپشت این نوشته :] باقر.

[دستخط مجدد صدراعظم ، ایضاً درحاشیهٔ عریضه :]

معتمد السلطان باقرخان سرتیپ پیشکارقزوین را اظهارمی‌دارد سواد احکام خدام راکه ارسال نموده‌اند دیدم. چون این گونه امورشرعی است باید متداعیین درمحضرشرع مرضی‌الطرفین ترافع واسبات[1]حقیت نمایند، وقفیت معلوم گردید عمل بـه وقفیت شود ، ملکیت تبین یافت عمل به ملکیت خواهد شد ، شماآن وقت حق را به من له الحق واگذارکنیدکه قطع گفتگـو بشود . زیاده چه نویسد . فی ۲۴ شهرشوال ۱۳۰۵ [مهرپشت نوشته :] امین السلطان .

(۱۳۴)

عریضهٔ مجددآقـا سید حسن متولی اززبان خدمتگزاران آستانهٔ شاهزاده‌حسین به امین‌السلطان صدراعظم‌درتعقیب عریضهٔ پیشین ، بادستوراو مورخ ذ ق ـ ۱۳۰۵ درحاشیه. درمتن عریضه به ماجرای مرافعه‌ای که درسال۱۳۰۲ برسر موقـوفهٔ شنستق درمحضرحاکم شرع قـزوین انجام یافت اشاره شده است .

تصدقت شویم درتعلیقهٔ سابق به جهت اسکات ودعاگوئی خدام‌آستانهٔ حضرت شاهزاده حسین علیه السلام جوابی مرقوم شده بودکه قاطع فی مابین

---

۱. کذا ـ اثبات .

وقفیت وملکیت حکم شرع است که متداعیین به مرافعهٔ حضوریه صادرنمایند.

اولا دعاگویان با غاصبین این موقوفه برحسب قرعهٔ شرعیه وحکم ومأمورمخصوص دیوانخانهٔعدلیه وسپردن التزام به حکومت حضرت اشرف والا شاهزاده ملك‌آرا قریب چهارده ماه درخدمت جناب مستطاب حجة الانام آقای حاجی ملاآقا مجتهد مسلم قزوین مرافعهٔ شرعی حضوری کردیم ،آخر الامردعاگویان بهشهادت پنجاه سه نفرازعلما ومجتهدین واعیان اشراف ثابت کردیم که این‌چهاردانگ‌ملك وقف آستانه می‌باشد وتصرف ورثهٔ حاجی‌حسین حال غصب وبرخلاف شرع است .

ثانیاً جمیع علمای کربلا ونجف وطهران امضاء وصحت‌آن حکم قطعی‌را نوشته‌اند. درسنهٔ ماضیه همان حکم ازنظراعلی‌حضرت اقدس همایونی روحنا فداه گذشته وفرمان مبارك‌اعلی برامضاء واجراءآن حکم به حکام قزوین شرف صدوریافته است . بعد ازاین تفصیل مگردرخدمت حضرت صاحب الامر امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه بتوان مرافعهٔ ثانی کرد والا ازعدل وفتوت حضرت مستطاب اشرف اسعد امجد دور است که حکم به این اعتبار در اقتدارحضرت مستطاب اجل به معرض اجرا نرسد .

استدعا داریم به سرکار معتمد السلطان باقرخان پیشکار قزوین مرقوم شود اگرچنانچه عرایض خدام‌آستانه برطبق همین عریضه است وبدون‌خلاف عرض کرده‌اند موقوفهٔ‌آستانه را بدون معطلی وملاحظه به تصرف‌آستانه بدهد چنانچه خلاف عرض کرده‌اند مورد سیاست باشند .

[دستخط صدراعظم درحاشیهٔ عریضه :]

معتمد السلطان باقرخان سرتیپ ناظم قزوین را اظهارمی‌شود به اسناد صحیحه رسیدگی نمائید درصورتی که طرفین درمحضرشرع مرضی الطرفین

وحضورطرفین ادعا مرافعه وحکم شرعی قطعی ازحاکم شرع صادرشده باشد ازآن قرار باید اجرا گردد والا باید رجوع به مرافعه در محضرشرع مرضی الطرفین نمایند . ٦ ذی‌قعدهٔ ١٣٠٥ [مهرصدراعظم درپشت نوشته:] امین‌السلطان.

(١٣٥)

حکم مورخ صفر١٣٠٧ازامین السلطان صدراعظم خطاب بـه « معتمد السلطان عمدة الامراء العظام سعد السلطنـه حکمران قزوین » درباب همان موقوفهٔ شنستق .

آقا باقر پیشکار قزوین درسال ١٣٠٥ و١٣٠٦ ، در شعبان ١٣٠٦ به سعد السلطنه ملقب وپس ازآن حاکم قزوین‌شد وتاسال ١٣٠٩ دراین مقام بود . او دراین سال ازحکومت قزوین برکنارشد وابوالنصرمیرزا حسام السلطنه جای‌وی راگرفت ، لیکـن درسال بعد (١٣١٠) مجدداً عهـده دار حکومت همان شهر گردید وتا دوسه سال بعـد دراین مقام بـود[1].

هـو

معتمدالسلطانا عمدة الامراء العظاما ازقرارفرامین قضاء تمکین واحکام قـدرفرجام سلاطین سلف انارالله مضجعه که ملحوظ افتـاد ودرکمال صحت واعتبار است وبرطبق قباله جات شرعیه که نیزملاحظه شد قریهٔ شنسدق واقعهٔ درقـزوین ازموقوفات حضرت امام زادهٔ واجب التعظیم شاهزاده حسین علیه وعلی‌آبائه الف التحیـة والتکریم است وبه ید تصرف متصرف حالیه غصب

---

١. بامداد ١ : ١٨١–١٨٤ ، نیزصفحات ٧١ و١٥٠ .

وبرخلاف شرع ورضای موقوف علیهم است .

بناء علی هذا به‌آن معتمد السلطان اکیداً قدغن ونگارش می‌رود که به موجب فرامین واحکام مطاع قریهٔ مزبوره را ضبط حکومت نموده ، منافع آن را موافق قرارداد واقف به مصارف لازمهٔ امامزادهٔ مزبوربرساند تا اگرمتصرف حالیه اسناد شرعیه درنقض ونسخ فرامین مبارکه داشته باشد بیاورد ملاحظه وتطبیق شود، چنانچه قوی‌ترازاین احکام‌باشد حکم‌مجدد خواهدشد والا فلا.

شهرصفرالمظفر۱۳۰۷ .

(۱۳۶)

مصالحه نامهٔ مورخ ۱۵ ذ ح ـ ۱۳۰۸ گویای وقوع عقد مصالحه میان‌آقا سیدحسن متولی وآقا محمد تقی بیك بر منافع یك فرد[1] قریهٔ کچلجرد که به جهتی که درمقدمهٔ این مجموعهٔ اسناد گذشت احتمالا می‌تواند به روشن شدن برخی ابهامات در ماجرای کشمکش برسرموقوفهٔ شنستق مدد کند .

با سجل ومهر« صراط علی حق نمسکه جعفرالحسینی » و« محمد صادق » ، وگواهی چند تن :

هوالله تعالی

به‌عقد مصالحهٔ شرعیهٔ شرطیهٔ جازمه واگذارنمود به‌عنوان حاصل‌مستأجر جناب مستطاب نخبة السادات آقای‌آقا سید حسن متولی به عالی جاه رفیع جایگاه‌آقا محمد تقی بیك خلف مرحوم مبرورحاجی رجب علی کمائی (؟)

۱. دیباچهٔ سند شمارهٔ ۱۰۱ دیده شود .

منافع یك فرد ازجمله شانزده فرد یك دانگ ازنود وشش فرد قریهٔ کچل‌جرد ومزرعتان مدعوتان معروف به اسفقتان وفارسقین که من حیث‌الاشتهار مستغنی از تحدید وتوصیف است با جملهٔ توابع ومنضمات شرعیه ولواحق عرفیهٔ آن ازاراضی آبی ودیمی وصحاری وبراری ومزارع وکلمایتعلق بالحصةالمرقومه بدون استثناء شیء، به انضمام بزورات شتوی وصیفی ازمخضره وغیرمخضره به مال‌المصالحهٔ مبلغ یك صد تومان ریال ناصرالدین شاهی ازقرارعددی یك هزار دینار دیناری در وزن بیست چهار نخودی . متصالح مزبور قبول نمود ، عقد مصالحهٔ شرعیه به قانون شرع انوربینهما جاری شد ودرضمن العقد چنان شرط شرعی گردید که از ابتدای سرطان هذه السنهٔ توشقان ئیل الی رفع سه محصول که عبارت ازچهارسال کامل شمسی که ابتدای سرطان سنهٔ یونت ئیل می‌باشد درظرف مدت بیست یوم رد مثل مال المصالحه به غیرمتصالح نمود قادر برعقد مصالحه بوده باشد والا عقد لازم وخیار ساقط خواهد بود ومر متصالح‌راست استیفاء منافع مال‌المصالحه ازمنافع اربابی یك‌فرد که ماصولح عنه است درمدت مزبوره ازقرارتفصیل نماید :

[سال اول مطابق سنهٔ ترکی توشقان ئیل

سال دوم مطابق سنهٔ ترکی لوی ئیل

سال سوم مطابق سنهٔ ترکی ئیلان ئیل]

ودرسال آخر بزورات یك فردی را ازصیفی وشتوی به طریقی که قبول نموده موافق‌معمولی شش‌دانگی تسلیم جناب مستطاب مصالح نماید با یك فرد ملك واخراجات قنات‌محلی که وارد برارباب‌است سوای غلهٔ دیوانی درعهدهٔ‌جناب مصالح وآفات هرگونه که واردآید بامتصالح خواهد بود .

تحریراً پانزدهم شهرذی حجة الحرام سنهٔ ۱۳۰۸ .

[حاشیه :]

مقرراً خیارفسخ در یوم اول سرطان سال خیریت مآل یونت ئیل درظرف مدت بیست روزبا جناب مصالح است تا واضح بوده باشد .

فی یوم هفدهم شهرذی حجهٔ ۱۳۰۸ .

(۱۳۷)

وقف نامهٔ مورخ ٤ ذ ح ـ ۱۳۰۹ ازامیرتومان نصرالملك نوادهٔ میرزا نبی خان امیردیوان ، گویای وقف سه ساعت آب ملکی ازجمله دوازده ساعت آب قنات خیابان قزوین درروزهای سه شنبه برآستانهٔ شاهزاده حسین ، با تولیت متولیان آنجا حاجی سید حسین وآقا سید حسن .

این نصرالملك میـرزا نبی خان فرزند نصرالله خـان نصر الملك سرکردهٔ فـوج قزوین است که پس از درگذشت پدرخود دراواسط سال ۱۳۰۹ منصب ولقب اورا دریافت نمود[۱] . مهر او در پـایان وقف نامه با سجع « نصرالملك ۱۳۰۹» هست . با سجل ومهر« محمد صادق » بالای سند وگواهی عـده‌ای بر وقوع وقف که ازجملهٔ آنـان است : « حسام السلطنه » و« عبده الراجی عبدالحسین » :

بسمه تبارك وتعالی

الحمد لله الواقف علی الضمائروالنیات والمطلع علی السرائروالخفیات

---

۱ . بامداد ٤ : ۳٦۳/ روزنـامهٔ خاطرات اعتماد السلطنه : ۷۸۸ چاپ دوم/ مینودر : ۳۱۱/ شرح حال عباس میرزا ملك‌آرا : ۹۹ـ۱۰۰ چاپ اول .

والصلاة والسلام على اشرف الكائنات وافضل الموجودات محمد وآله الطيبين الطاهرين المعصومين اولى الدرجات العاليات .

وبعد برصحايف زاكيه وقلوب صافيه ومرآت خاطر حقانيت مظاهر ارباب فطنت وذكاء واضح ولائح وآشكاراست كه خيرات جاريات منتج نتايج رستگارى ومفيد فوائد برخورداري ومثمر ثمرات دنيويه واخرويه است . بناء على هذا توفيقات حضرت خداوندمتعال وتأييدات جناب قادر ذوالجلال جل شأنه شامل حال خيريت اشتمال جنـاب مستطاب جلالت مآب جلادت وفخامت نصاب اجل امجد اميرالامراء العظام معتمد السلطان اميرتومان آقاى عضد الملك ادام الله اقباله العالى گرديده ، درحين صحت واستقامت مزاج واعتدال احوال وقف مؤبد صحيح شرعى وحبس مخلد صريح ملى اسلامى فرمودند قربة الى الله وطلباً لمرضات الله همگى وتمامى حق الشرب سه ساعت آب ملكى موروثى آباء واجدادى خودشان را ازجملهٔ دوازده ساعت يوم سه شنبه درهرهفته على حسب قاعدة المستقرة القديمة مخصوصهٔ عمارات واقعات درمحلهٔ فشتهول من محلات دارالسلطنهٔ قزوين جوار دولتخانهٔ مباركه ، كه ازقنات خيابان جريان دارد برآستانهٔ مباركهٔ بقعهٔ شريفهٔ متبركهٔ امامزادهٔ لازم التكريم حضرت شاهزاده حسين عليـه السلام كه درآن مكان شريف صرف شود وازشرب واستعمال آن مسلمين منتفع وبهره مند گردند تا مثوبات آن در يوم لا ينفع مال ولا بنون الا من اتى الله بقلب سليم عايـد روزگار فرخنده آثار وروح پرفتوح كثيرالانوار جدمرحوم مغفور ووالد ماجد مبرورجناب ايشان عليين مقامان المتكئين بارائك الجنان ميرزا نبى خان امير وآقاى نصرالملك نورالله مضجعهما الشريف گردد وتوليت شرعيهٔ آن را واگذاشتند به جنابان مستطابان شامخى الالقاب فضائـل ومعارف انتسابان صفوتى السادات والاجلاء والاتقياء آقاى حاجى سيد حسين

وآقای آقا سید حسن دام مجدهما العالی متولیان شرعیان بقعهٔ متبرکهٔ مزبوره وبعدازجنابان معظم‌الیهما تولیت مفوض ومرجوع‌است به اولاد ذکورجنابان مسفوران نسلا بعد نسل که متولیان شرعیان بقعهٔ متبرکه می‌باشند الی ان یرث الله الارض ومن‌علیهاکه برحسب وقف جناب مستطاب جلالت‌مآب اجل امیر الامراء العظام‌آقای واقف‌خیرمواقف معظم دام اقباله‌العالی معمول‌دارند وصیغهٔ وقف صحیح شرعی کما قرره الرسول صلی الله علیه وآله وسلم جاری وواقع گردید وعمل وتصرف به وقفیت شد . وقفاً صحیحاً صریحاً شرعیاً بحیث لا یباع ولایوهب ولایورث ولایرهن فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه والله سمیع علیم .

وکان تحریرذلك فی چهارم ذی حجة الحرام من شهورسنهٔ ۱۳۰۹ .

(۱۳۸)

وقف نـامهٔ میرزا حسن فرزند میرزا نظرعلی کچلجـردی مورخ ۲۹ ذ ح ـ ۱۳۰۹ گویای وقف دو قطعه بـاغ معنب (انگورستان) واقع در قریـهٔ کچلجرد ، با تولیت حاجی سید حسین متولی وپس ازاو برادرش آقا سید حسن ، نیز مصالحهٔ سه دانگ عمارت‌ابتیاعی در درب کوشك‌قزوین که متولی‌مزبورپس ازدر گذشت اووقف نموده به‌مصرف روضه خوانی در قریهٔ کچلجرد وآستانهٔ شاهـزاده حسین بـرساند .

درحاشیهٔ بـالای سند مورخ ۲ صفر۱۳۳۱ واقف مزبـور می‌نـویسد که سه دانگ عمارت مذکوررا بـه یك دورهٔ یکصد وبیست حزبی قرآن کریم تبدیل نموده وآنرا در

آستانهٔ شاهزاده حسین برای استفادهٔ مؤمنان نهاده است .
سجل ومهر«عبدالصمد الحسینی» مورخ ۱۸ محرم ۱۳۱۰
حاکی از اقرار واقف به وقف ومورخ ٤ رجب ۱۳۱۰ ـ
گویای اقرارمتولی وقف بهمصالحه وشرط والتزام مزبور
درذیل سند درباب سه دانگ عمارت محلهٔ درب کوشك ـ
دربالای سند دیده می‌شود .

هوالواقف علی الضمایر

بسم الله خیرالاسماء رب الارض والسماء ، احمده واصلی علی احمده .

اما بعد باعث برتحریر این کلمات میمنت‌آیات آن است که چون آفتاب عمرسریع‌الزوال ومتاع دنیوی قریب‌الانتقال است پس آدمی را منزلی است وبر دنیا دل بستن ازجاهلی است وچون دنیا مزرعهٔ آخرت است ومحل تدارك عاقبت، هرکس‌باید دراوتخمی‌فشاند ونهالی‌نشاند. لذا سرکارصلاحیت شعارمکرمت وصداقت آثاراحسان مدار دیانت وامانت اطوار الموفق بتوفیقات الملك القهارآقا میرزا حسن خلف مرحمت پناه‌آقا میرزا نظرعلی کچل‌جردی حشره الله مع الشهداء والصدیقین والصالحین توفیق الهی شامل حال خیرمآل او گشته ، حبس مخلد ووقف مؤبد گردانید درحالت صحت خالصاً لوجه الله وطلباً لمرضات الله دوقطعه باغ معنب واقعه درقریهٔ مزبورهٔ خود را به‌حضرت امام الخافقین المنزه من کل شین حضرت ابی‌عبدالله الحسین (ع) که همه‌ساله محصول اوخرج تعزیه داری آن بزرگوارشود. ومتولی گردانید بر آن دوقطعه باغی که معین ومشخص است درخارج جناب سلیل‌الاطیاب حاجی سیدحسین متولی بقعهٔ متبرکهٔ حضرت شاهزاده حسین را به استصواب دو نفر همشیره زاده های خود المسمیان به‌آقا سید علی وآقا میرزاآقا . ثم صیغهٔ وقف علی

النهج الشرعی جاری گردید .

وایضاً سه دانگ عمارت ابتیاعی درمحلهٔ درب کوشك خود راکه محدود است به حدود مفصله من محلات دارالسلطنهٔ قزوین :

[حدی به خانهٔ آقا شیخ هاشم وکیل/حدی به خانهٔ طهماسب خان/حدی به خانهٔ یـوسف کرد/حدی به خانه] منتقل نمود به جناب حاجی سید حسین مزبوربه عقد مصالحهٔ شرعیه به مبلغ معین ده شاهی وجه نقد سیاه وبه انضمام یك‌سیر نبات شهری، ومتصالح مزبورقبول مصالحه ، وعقد صلح بینهما جاری وواقع گردید ومال المصالحه را متصالح مزبوربه مصالح مزبور واصل نمود. ودرضمن عقد لازم وخارج ، حاجی سید حسین مذکور ملتزم گردید به التزام شرعی براین که مادام‌الحیات مصالح مزبورعمارت درتصرفش‌باشد ومخالفت ازسکنی ننماید ولو الی پنجاه سال بوده باشد، ثم بعدازفوت مصالح عمارت مذکوره را وقف بـه جهت مصالح نماید ومنافع اورا بعد از وضع تعمیرات عمارت مـزبوره به استصواب مستصوبین مزبورین در قـریهٔ کچل گرد خرج تعزیه داری حضرت سید الشهداء ونصف منافع اورا درآستانهٔ متبرکه صرف روضه خوانی نمایند واگرمصلحت داند عمارت مزبوررا فـروخته درعوض دکان خریده وقف نماید که منـافع بیش‌تر وبهترحاصل می‌شود منافع دکان را به مصارف مفصله برساند وتولیت را مادام الحیات به خود مفوض ومرجوع دارد وبعد ازخود به اخوی خودآقا سید حسن وتولیت باغتان مزبورتان فوق سرکذلك مادام‌الحیات باحاجی سید حسین مزبور وبعدازفوت ایشان بااخوی ایشان‌آقا سیدحسن به استصواب مستصوبین نسلا بعدنسل وبطناً بعد بطن الی قیام القائم بحیث لایباع ولایورث ولایرهن .

وکان ذلك فی‌بیست نهم شهرذی‌حجة الحرام من‌شهورالمبارکه سنهٔ۱۳۰۹

[مهرواقف :] یا امام حسن .

[حاشیهٔ بالای سند :]

چون جناب حاجی سید حسین متولی‌باشی مرحوم شد به رحمت ایزدی پیوسته اولاد ذکوری نداشتند بعد ازایشان هم‌آقا سید حسن مرحوم شد ، از این‌که این بنده درحیات بودم تصور کردم‌که درزندگی خود یك‌کار خیری کرده باشم . سه دانگ عمارت متن را فروخته ، قیمت اورا یك جلد کلام‌الله که عبارت ازیك صد بیست دانه حزب باشد باجلد وجعبه تمام‌کرده‌که فعلا به توسط نورچشم مکرم‌آقا سیدعلی متولی‌باشی دربقعهٔ متبرکهٔ حضرت‌شاهزاده حسین علیه السلام است‌که قاریان قرآن تلاوت نمایند . باغات مزبور متن به موجب وقف نامهٔ علی حده وقف است‌گرچه چند سالی است حاصلی دیده نشده ولیکن مهما امکن همه ساله مجلس ذکرمصائب حضرت خامس‌آل عبا علیه‌السلام را منعقد داشته‌ام. امیدوارم‌که ان‌شاء الله مورد قبول درگاه احدیت گردیده حضرت خامس‌آل عبا علیه السلام قبول فرمایند .

فی دویم شهرصفرالمظفر۱۳۳۱ [مهرواقف :] یا امام حسن .

(۱۳۹)

فرمان‌مظفرالدین‌شاه مورخ صفر۱۳۱۵خطاب به‌عبدالصمد میرزا عزالدوله حکمران‌قزوین درباب موقوفهٔ شنستق‌که می‌بایست به حاجی سید حسین متولی واولاد مرحوم‌آقا سید حسن تسلیم شود ، با صحهٔ شاه در زیرسطر نخستین سند .

عم اکرم فرخنده شیم کامکار نامدار والا تبارعبدالصمد میرزا عزالدوله

حکمران ولایت قزوین به مراحم واشفاق خاطر آفتاب ، اشراق شاهنشاهی معزز ومباهی بوده ، بداند ازقراری که عالی جنابان سیادت وسعادت مآبان حاجی سید حسین واولاد مرحوم آقا سید حسن متولیان بقعهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین علیه السلام به عرض عاکفان حضور مهرظهور مبارك رسانیدند ازقرار فرامین سلاطین سلف وفرمان مهرلمعان شاهنشاه شهید سعید انار الله تعالی براهینهم چهار دانگ آب وملك قریهٔ شنستق علیا واقعه در بلوك رامند قزوین جزوموقوفات بقعهٔ مزبوره بوده واولاد مستأجرین ملك مزبوردرچندسال قبل مدعی مالکیت آن‌شده وطرفین به‌تراضی یکدیگردرمحضرمرحوم مبرورحاجی میرزاآقا اقدام به مرافعهٔ شرعیه نموده ، بطلان دعوی ملکیت وثبوت وقفیت ملك مزبورمحقق وحکم شرعی قطعی صادر وچهار دانگ قریهٔ شنستق از ید غصب منتزع وبه تصرف وقف واگذار شد .

لهذا به صدور این منشور قدر دستورجهان مطاع امرومقرر می‌فرمائیم آن عم اکرم خجسته شیم از قرار فرامین صادر وحکم شرعی قطعی ترافعی چهار دانگ ازقریهٔ شنستق علیا راکما فی السابق به تصرف وقف واگذار نمایدکه عالی جنابان مشارالیهما استیفای محصول ومنافع ملك مزبوررا نموده ،کما قررها الواقف به‌مصارف موقوفهٔ مقرره برسانند وحسب‌المقررمرتب ودرعهده شناسند .

شهرصفرالمظفر ۱۳۱۵ .

(۱۴۰)

حکم مورخ صفر ۱۳۱۵ ازوزارت عدلیه وتجارت درابلاغ فرمان پیش بـه شاهزاده عزالدوله حکمران قـزوین ، با

توقیعات ثبت کتابچه وثبت دفترومهرهای سه گانهٔ وزارت
(ازجمله یکی با سجع « وزارت عدلیـهٔ اعظم وتجارت
سنهٔ ۱۳۱۳») پشت سند :

به تاریخ صفرالمظفرمطابق تخاقوی ئیل فرخنده دلیل عالی جنابـان سیادت وسعادت مآبان حاجی سیدحسین واولاد مرحوم آقا سیدحسن متولیان بقعهٔ شاهزاده حسین علیه السلام واقعه در دارالسلطنهٔ قزوین به خاك پـای مهر اعتلای مبارك همایونی روحنا وارواح العالمین فداه عارض شدندکه بهموجب فرامین عدیده وفرمان مبارك شاهنشاه شهید سعید انارالله تعالی برهانـه وحکم قطعی ترافعی حضوری صادر ازمحضرمرحوم مبرورحاجی میرزاآقا اعلی الله مقامه چهار دانگ ازآب وملك قریهٔ شنستق علیا واقعه در بلوك رامند قزوین جزء موقوفات بقعهٔ مزبوره وچندسال است اولاد مستأجرین آنجا مدعی ملکیت شده ، بـه تصرف وقف وا نمی گذارند وفرامین واسناد واحکام شرعیه وعرفیهٔ خود را در وزارت عدلیه ابرازنمودند وملاحظه شده به عرض رسید . ملفوفهٔ فرمان قضا جریان جهان مطاع شرف صدور یافت که کارگزاران امور دیوانی ولایت قزوین چهاردانگ قریهٔ مزبوره را ازتصرف غاصبین انتزاع وبه تصرف وقف واگذارد .

علی هذا این حکم از وزارت عدلیهٔ اعظم وتجارت صادر وخدمت حضرت مستطاب اشرف والا شاهزاده عزالدوله حکمران ولایت قزوین عرض می‌شود که به مأموریت مقرب الخاقان میرزااسماعیل قدغن فرمایند چهاردانگ قریهٔ شنستق علیا را از ید غاصبین منتزع وبه تصرف وقف واگذار نماینـد که عالی جنابان مشارالیهما برحسب تولیت منافع چهاردانگ موقوفهٔ مزبوره را نقداً جنساً اخذ واستیفا نموده ، به مصارف مقررهٔ آستانه برسانند .

حرره شهرفوق سنهٔ ۱۳۱۵ .

(۱٤۱)

حکم مورخ صفر۱۳۱۷ از دیوانخانهٔ مبارکهٔ عدلیهٔ اعظم باتحشیه وصحهٔ امین‌السلطان صدراعظم درحاشیه، خطاب به شاهزاده عماد الدوله حاکم قزوین[۱]. در باب موقوفهٔ شنستق :

به تاریخ شهرصفر المظفر۱۳۱۷ درباب چهار دانگ وقفی قریهٔ شنستق علیا واقعه درمحال رامند قـزوین که ازموقوفات قدیمهٔ آستانهٔ متبرکهٔ حضرت شاهزاده حسین علیه‌السلام وتولیت آن باجناب محامدنصاب حاجی سیدحسین متولی سلمه‌الله است سابقاً به موجب حکم شرعی قطعی بتی ترافعی حضوری صادره ازمحضرمرحوم غفران مآب حاجی ملاآقای مجتهد قزوین طاب ثراه مقرون به امضای اجلهٔ علمای اعلام عتبات عرش درجات ودارالخلافهٔ باهرهٔ طهران که پس ازمدتی تـرافع حضوری بروقفیت چهار دانگ قریـهٔ مزبوره وتولیت‌شرعی جناب آقا سید حسین متولی وبطلان ادعای‌ملکیت ورثهٔ مرحوم حاجی محمدحسین خان صادرشده وموافق مرقومهٔ جناب مستطاب شریعتمدار ملاذ الانـام‌آقا شیخ هادی مجتهد سلمه الله تعالی وبه مقتضای فرامین سلاطین سلف وفرمان مبارك شاه شهید سعید نورالله مضجعه وملفوفهٔ فرمان جهان‌مطاع مبارك واحکام عـرفیهٔ اولیای دولت علیه وتصدیقات حکام قزوین که به موجب تفصیل ذیل است :

---

۱. بدیع الملك میرزا حشمت‌السلطنه وعماد الدوله فرزند امام قلی‌میرزا عماد الدوله (بامداد ۱ : ۱۸۸–۱۹۰) .

[حکم شرعی قطعی ترافعی حضوری مرحوم غفران مآب حاجی ملاآقای مجتهد قزوین که مقرون به امضای علمای عتبات عالیات وطهران است

مرقـومهٔ مطاعهٔ جناب مستطاب شریعتمدار ملاذ الانام آقای آقا شیخ هادی مجتهد سلمه الله

فرمان شاه شهید سعید وملفوفهٔ فرمان جهان مطاع مبارك که برطبق حکم شرعی صادرشده است

احکام دیوانخانهٔ مبارکه که سابقاً ولاحقاً صادرشده

احکام شرعیهٔ علمای اعلام قزوین که بروقفیت ملك مزبورمرقوم فرموده‌اند

وقف نامهٔ اتابیکی

تصدیقات حکام قزوین بروقفیت ملك مزبور]

احکامی از دیـوان عدالت عظمی برصحت وقفیت چهار دانگ قریهٔ مزبوره وتولیت جناب حاجی سید حسین متولی وبطلان ادعای ملکیت ورثهٔ مرحوم حاجی محمدحسین‌خان ورفع‌مزاحمت ورثهٔ‌مزبوره بعدازرسیدگی وتحقیقات لازمه وملاحظهٔ اسناد صادرشده ورفع مزاحمت ورثهٔ مزبوره نیز گردیده . از قرارمذکور باز این اوقات بعضی ازورثهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان به خلاف حق وشرع درمقام تعرض ومزاحمت برآمده وهرروز به یك وسیله در صدد مداخله هستند ودست‌ازمزاحمت خود برنمی‌دارند ودرمعروضه مستدعی رفع مزاحمت گردیدند .

لهذا خدمت نواب مستطاب اشرف‌امجد ارفع والا شاهزاده عمادالدوله حاکم قزوین دام‌اقباله العالی زحمت‌افزا می‌شود که احکام ونوشته‌جات واسناد صحیحهٔ شرعیه وعرفیـه که دست جناب حاجی سید حسین متولی است مکرر در دیوانخانهٔ مبارکه ملاحظه شده است . به مقتضای این اسناد وحکم شرعی

قطعی بتی ترافعی حضوری مرحوم غفرانمآب حاجی ملاآقای مجتهد قزوین طاب‌ثراه که مقرون به امضای اجلهٔ علمای‌اعلام عتبات وطهران‌است درصحت وقفیت چهاردانگ قریهٔ مزبوره ابداً محل شبهه وتردید نیست . قدغن فرمایند ملك مزبور کما فی السابق درتصرف جناب حاجی سید حسین متولی بوده ، منافع آن را به مصارف وقف رسانیده ،آسوده باشند ورفع مزاحمت وتعرض ورثهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان را معجلا فرموده ، نگذارند مزاحمت به ملك وقف برسانند .

شهرفوق مطابق سال تنگوزئیل ۱۳۱۷ .

[حاشیه برابرسطر اول :]

حکم صادرازدیوانخانهٔ عدلیهٔ اعظم صحیح است . مجری ومعمول شود.
شهرصفر۱۳۱۷ [مهر:] صدراعظم .

(۱۴۲)

فرمان مظفرالدین شاه مورخ ع ۲ ـ ۱۳۱۷ در واگذاردن منصب تولیت با خطاب متولی باشی گری‌آستانهٔ مقدس شاهزاده حسین، نیزمستمری‌آن‌جاکه به‌نام روشنایی مقرر است به‌آقا سید علی فرزندآقا سید حسن وداماد حاجی سید حسین متولیان در گذشتهٔ آن آستانهٔ شریف .
دراین‌فرمان به‌وقفیت قریهٔ شنستق‌علیا نیزاشاره شده‌است.

الملك لله تعالی ـ حکم همایون شد که چون ازقرار فرامین متعددهٔ سلاطین صفویه عطرالله مضجعهم وفرمان مبارك این‌دولت ابدمدت امرتولیت وجاروب کشی آستانهٔ مقدسهٔ مطهرهٔ حضرت شاهزاده حسین بن علی‌بن موسی

الرضا علیه وعلی آبائه آلاف التحیة والثنا واقعه در دارالسلطنهٔ قـزوین اززمان سلطنت امیرتیمور گورکان الی کنون نسلا بعد نسل با سادات مرعشی بوده که اباً عن جد به خدمتگزاری آن آستان ملایك پاسبان مشغول بـوده‌اند . دراین عهدمیمون وعصرهمایون که‌امر تولیت آن آستانه مخصوص جناب‌محامدنصاب آقا سید علی اخوی زاده وداماد مرحوم حاجی سید حسین متولی باشی است نظربه حسن خدمت ولیاقت و آراستگی و کمال شایستگی جناب مشارالیـه را به خطاب نبیل ورتبهٔ جلیل متولی باشی گری آستانهٔ مقدسه سرافراز فـرمودیم که بعدها بیش‌ترازپیش‌تردرانجام خدمات وتنظیمات وجاروب کشی آن آستانهٔ مقدسه بپردازد ومبلغ پانزده تومان وهفت هزار کسری نقد وبیست ودوخروار شصت [من] تبـریزی غله که همه ساله درجزو مخارج ولایت قزوین بـه اسم صرف روشنائی از بابت منال قریهٔ کچلجرد وولاذجرد بـه خرج دستورالعمل منظور می‌شود دریافت نموده ، به مصارف مقررهٔ آستانه برساند وچهار دانگ ازقریهٔ شنستق علیا که به موجب فرامین سلاطین سلف وفرمان مبـارك شاهنشاه سعید شهید وملفوفـهٔ این دولت جاوید مدت ازموقوفات قدیمهٔ آستانهٔ متبـرکه است محصول اورا اخذ نموده ، به مصارف مقررهٔ واقف برساند. مقررآن که حکام حال واستقبال دارالسلطنهٔ قزوین احدی را مداخله درملك مزبور نـداده وتقویت متولی مشارالیه‌را مرعی دارند. مقررآن که مستوفیان‌عظام شرح‌فرمان مبارك را ثبت وضبط نموده ، درعهده شناسند .

فی شهرربیع الثانی تنگوزئیل ۱۳۱۷ .

(۱۴۳)

عریضهٔ آقا سید علی متولی باشی آستانه با دستخط مظفر

الدین شاه وامین‌السلطان صدراعظم بالای آن مورخ ذ ح ۱۳۱۷ درباب موقوفهٔ شنستق . چندجای این‌سند که مشتمل برنام عارض متولی‌است گویا درمنازعات‌خانوادگی برسر مهم تولیت با تیغ بریده شده است :

[عریضهٔ . . . (متولی) آستانهٔ حضرت شاهزاده حسین قزوین است :]

قربان خاك پای جواهرآسای مبارکت شویم عرض واستدعای [داعی دوام] دولت ابدمدت قاهره [متولی] حضرت شاهزاده‌حسین به خاك‌پای مبارك اعلی حضرت شاهنشاهی ارواحنا فداه‌آن‌که محلی است درمحال رامند دارالسلطنهٔ قزوین موسوم به شنستق علیا ، چهار دانگ‌آن درعهد اتابك‌که واقف ملك معروض است به موجب وقفنامچه وفرامین معتبرهٔ متکاثره وقف تعمیر ومصارف بقعهٔ متبرکهٔ حضرت شاهزاده حسین علیه السلام است . چند سال قبل حاجی محمد حسین افشار ملك موقوفه را ازمتولی حضرت اجاره کردند به سبب طول‌مدت اجاره به ملکیت غصب نمود. بعد ازفوت مشارالیه وراث او درصددآن برآمدند که محل موقوفه را مثل ارث‌پدری درمیان ترکه تقسیم نمایند ، متولیان مرحومان عم ووالد این . . . اظهار به حکومت بلد وعرض به جناب سپهسالار وصدارت عظمی ودیوانخانهٔ عدلیه که کلا رجوع به ترافع شرعیه نموده بودند با حضرات درمحضر مرحوم خلدآشیان آقای حاجی ملاآقای مجتهد اعلی الله مقامه وقفیت محل مزبوره وغاصبیت ایشان‌را محقق‌نموده وپس‌ازصدورحکم‌شرعی بروقفیت‌محل‌مزبور وغاصبیت‌حضرات به خاك‌پای اقدس شاه شهید سعید نورالله مضجعه وعطرالله مرقده متظلم شده، دراین‌باب فرمان همایونی صادر گردید که ملك موقوفه حسب فرامین سلاطین سلف اعلی‌الله مقامهم وبه موجب حکم‌شرعی که ممضی به امضاء اکثر کملین

علمای کربلا ونجف ودارالخلافه وقـزوین است باید درتصرف متولی بقعـهٔ متبرکه باشد ومتولیان نیزتصرف نمودند وفرمان جهان مطاع ازاعلی حضرت قدرقدرت ظل اللهی روحنا فداه نیز برطبق فرامین معروضه داریم که روشنی بخش این محفل است . مع هذا دراین اوقات به واسطهٔ تصدق شدن وفوت مرحومان متولیان وراث حاجی محمد حسین خان افشاربه امناء دولت مصدع شده وبه اشتباه ملفوفه وفرمانی صادر نمودند ومجدداً به زور وعـرض خلاف ملك موقوفه را غصباً تصرف نمودند .

ازآنجائی که رای جهان آرای مبارك همایونی روحنافداه دررفاه حال رعیت وآبادی ولایات است خصوص مکان‌های متبرکه ، لذا این دعاگو . . . ازعدل وانصاف شاهنشاه عالم پنـاه روحنا فداه دور است که ملکی ازعهـد سلاطین گورکان تاکنون وقف آستانهٔ متبرکه‌باشد والحال اورا بااین‌همه احکام شرعیه وعرفیه وفرامین لا تعد لا تحصی سلاطین سلف حتی فـرمان قضا جریان خود اعلی حضرت شاهنشاهی ارواحنا فـداه به غصب وعنف تصرف نمایند . امر امراعلی حضرت اقدس شهریاری روحی له الفدا ست .

[دستخط شاه بالای عریضه :]

جناب‌اشرف صدراعظم- این‌فقره‌را رجوع‌نمائید درطهران دردیوانخانهٔ عدلیه تحقیقاً رسیدگی شود واحقاق حق به عمل بیاورند البته . شهر ذی حجهٔ ۱۳۱۷ .

[دستخط صدراعظم کنار سند :]

هو. جناب مستطاب اجل‌اکرم وزیرعدلیهٔ اعظم دام‌اقباله - دستخط انجم نقط مبارك اقدس همایون ملوکانه روحنا فداه را زیارت نموده ، به طوری که مقررفرموده‌اند دردیوان عدالت ازروی کمال حقانیت درطبق میزان شرع‌مطاع

به این عمل رسیدگی کرده ، قراری که مستلزم حقانیت و آسودگی . . . است بدهید . شهرذی حجه ۱۳۱۷ .

(۱٤٤)

حکم شرعی آقا سید حسین مجتهد قزوینی مورخ۲۲محرم ۱۳۱۸درباب وقفیت شنستق علیا بر آستانهٔ شاهزاده حسین بـالای عرضه داشت متولی ، براساس سوادی از آن که وسیلهٔ چهارتن ازعلماءآن دوره با اصل برابـر و گواهی شده است :

به شرف عرض اقدس شریعتمدارعالی دام ظله می‌رسانـد درخصوص چهار دانگ ازقریهٔ شنسطاق علیا که قریب پانصد سال‌است وقف است بربقعهٔ متبرکهٔ حضرت حسین بن علی بن موسی‌الرضا علیه السلام وقف اتابك اعظم ازجمله سلاطین‌مغول می‌باشد به‌موجب وقفنامچهٔ معتبروفرامین‌صادرهٔ سلاطین صفویه انارالله برهانهم الی فرمان مهرلمعان قدرقدرت اعلی‌حضرت شهریاری روحنافداه واحکام صادره ازعلمای دارالسلطنهٔ قزوین سیما حکم محکم صریح بتی بروقفیت ملك مزبور وابطال دعوی ملکیت دیگران ازمرحوم حاجی ملا آقا اعلی الله مقامه که صدور یـافته مقروناً بامضاء علماء کربلا ونجف وقـزوین وطهران بعد از تـرافع شرعیه با اولاد مرحوم حاجی محمد حسین خان افشار، هم : حاجی تقی خان وعلی خان وخانبابا خان واشتهار درالسن وافواه اهالی مملکت قزوین وتصرف سنواتی متولیان‌آستانهٔ متبرکه درهرعصری ازاعصار واجارهٔ حاجی محمد حسین خان افشار به مـدعیون ملك مزبوررا به موجب شرط نـامچهٔ ممهوره که ازلحاظ مبارك گذشته چهار دانگ ملك مزبور وقف

است ووقفیت ملك مزبورهم فوق مرتبهٔ شیاع واستفاضه است .

نظر به مراتب معروضه که عندکم محقق ومعلوم است مزاحمت وتصرف دیگران غصب وحرام است . متمنی است آنچه را برضمیرمنیر نظر به مراتب معروضه وغوررسی جناب عالی ثابت ومحقق است بل به اعلی درجهٔ وضوح است حکم محکم آن را درصدرعریضه به خط شریف مرقوم وبه خاتم منیف مزین فرمائید تارفع اشتباه به حکم شرعی متولی حالیه بوده باشد. انشاء الله عند الله وعند الرسول ضایع وبی اجر نخواهد بود . اجرکم علی الله تبارك وتعالی .

[حکم حاکم شرع بالای سند :]

بسم الله تعالی ـ بلی بـه مقتضی نوشته جات معتبره که مقرون به قـراین صحت است ازفرامین سلاطین ماضین ازقرب پانصد سال قبل الی زمان سلطان العصر خلد الله ملکه ووقف نامچهٔ خود واقف اتابك اعظم ونوشته جات علماء اعلام کثرالله امثالهم واجاره نامچه‌های حاجی محمدحسین‌خان مرحوم مورث متصرفین فعلی که همه تصریح به وقفیت ملك مزبور اعنی چهار دانگ شنستق علیا دارند وشهادت شهود معتبرهٔ مستفیضه که محتوی بربینهٔ عادله است به وقفیت ملك مزبور وعمل متولیان آستانهٔ مبارکه به وقفیت وتصرف آنها سابقاً واجاره نمودن حاجی محمد حسین خان افشار مرحوم ازمتولیین سابقین ورد رقبـه به متولیین بعد از انقضای مدت اجاره وغاصبیت اولاد مشارالیه مضافاً بـه اشتهار تامه بین اهل بلد وحکم بتی مرحوم حاجی ملاآقا پس ازترافع مقروناً بامضاء شیخ الفقهاء العظام آقا شیخ زین العابـدین طاب رمسه وشهادت مجله به اقرار خود غاصبین بروقفیت ، ریبی وشکی در وقفیت چهار دانگ قریهٔ مزبوره بر آستانهٔ مبارکه که فعلا تولیت اومنتهی شده به جناب سلیل السادات والانجاب

آقائی آقا سید علی نجل زکی المرحوم آقا سید حسن وغاصبیت اولاد مرحوم حاجی محمد حسین خان باقی نمانـد ، به اعلی درجه به ثبوت وتحقق رسید . پس تصرف حضرات غصب وحرام ، وواجب است رد نمایند به متولی فعلی وبه‌هیچ نحوحجتی ازبرای آنها نیست وبذلك حکمت وقضیت والله الحاکم.

فی ۲۲ محرم من شهور۱۳۱۸ .

(۱٤٥)

عرضه داشت آقا سیدعلی متولی درباب موقوفهٔ شنستق با دستورمظفرالدین شاه با صحهٔ او[1] ودستخط امین‌السلطان صدراعظم مـورخ ع ۱ ـ ۱۳۲۳ خطاب بـه سالار اکرم حکمران قزوین بالای آن :

عرضه داشت وتظلم بـه خاك پای اعلی حضرت شهریاری ارواحنا فـداه می‌نماید که دعاگوی دولت‌ابدمدت سیدعلی متولی آستانهٔ متبرکهٔ حضرت شاهزاده حسین علیه السلام چهار دانگ قریهٔ شنستق علیا واقعه دربلوك رامند به موجب وقف نامچه وفـرامین سلاطین سلف ازصفویه الی قاجاریه وفرمان شاه شهید سعید انـارالله براهینهم وفرمان مهرلمعان اعلی حضرت شهریـاری روحی له الفدا واحکام امنای دولت ووزرای دیوانخانهٔ عدلیه واحکام شرع از علمای کربلا وقزوین وطهران وقف آستانهٔ متبرکهٔ حضرت‌است. اولاد حاجی محمد حسین خان افشار همه ساله به واسطهٔ تقدیم نمودن منافـع همین وقف به اشخاص چندی ملك وقف را غصب نموده‌انـد . چنانچه عدل اعلی حضرت اقدس شهریاری در انتـزاع وقف از ید غاصبین اقتضا فرمایدکه باعث احیای

---

۱ . اصل دستور به خط او نیست .

وقف فـرزند ثامن الائمه شوند ، امید است وسیلهٔ ترضیهٔ خداوند ملك اکبـر وخوشنودی حضرت خیرالبشر وموجب ازدیاد مسرت وسلامتی ذات مقدس همایونی دراین راه خواهد بود .

[دستورشاه بالای عریضه با صحهٔ او:]

جناب اشرف صدراعظم ـ دراین باب رسیدگی کامل نموده ، تمام اسناد ونوشته جات اورا با دقتی که دارید ملاحظه کنید واگرحق با اواست به سالار قدغن کنید امراحقاق حق را سریعاً وکاملا اجرا دارد . ۸ ربیع الاول ۱۳۲۳ .

[دستخط صدراعظم :]

جناب مستطاب اجل سالار اکرم حکمران قزوین دام اقبالـه مطابق اسنادی که جناب آقاسیدعلی سلمه‌الله دردست دارند شنستق‌علیا جزو موقوفات بقعهٔ حضرت شاهزاده حسین‌است وباید درتصرف متولی باشد. حالا ازقراری که جناب مشارالیه اظهارمی‌دارد چندی است پسرهای حاج محمد حسین‌خان افشارغصباً تصرفات مالکانه درآنجا می‌کنند . چون حفظ حقوق موقوفه لازم است حسب الامر الاقدس الاعلی اکیداً می‌نویسم پسرهای حاج محمد حسین خان را بخواهید وتحقیق نمائید که به چه سند ملك وقف را متصرف شده‌اند، اگرعنوان مشروع وسند صحیحی ندارند وبدون جهت درملك وقف مـداخله می‌کنند البته‌آنها را ازمداخله ومزاحمت ممنوع داشته ، ملك وقف را مطابق احکام شرعیه به تصرف متولی بدهید واگرورثهٔ حاج محمد حسین خان هم به موجب نوشته جات واسناد شرعیه درقـریهٔ مزبوره مداخله دارند محض رفع غایله واجراء معدلت‌آنهارا به‌محضرشرع مرضی‌الطرفین رجوع‌نموده ، حکم شرعی به حقانیت هریك صادرشد ازآن قرارمجری دارید .

شهرربیع الاول ۱۳۲۳ .

(۱٤٦)

مصالحه نامچهٔ مورخ ۲٤ ع ۱ ـ ۱۳۲۳ میان آقا سید علی متولی آستانهٔ شاهزاده حسین وحاجی محمد آقا کوره پز در مورد اراضی خارج دروازهٔ شاهزاده حسین که آقا سید علی مدعی بود وقف ومتعلق به آستانه است. با مهر آن دو درپایان سند، وسجل ومهر«من بعدی اسمه احمد» مورخ ۲٦ ع ۱ ـ ۱۳۲۳ و« اسحق الحسینی »که درمتن هم ازاو یادمی‌شود و«عبده الراجی محمد» مورخ ۲٤ع۱ ـ۱۳۲۳ و « جمال الدین بن عبدالکریم الرضوی » بالای آن . با گواهی عبدالله الحسینی مشهور به کدخدا :

بعدالحمد والصلاة باعث برتحریر وریقه رشیقهٔ نمیقه صلح اندیش آن که چون اراضی محدودهٔ معینه درخارج سور ودروازه حضرت شاهزاده حسین (ع) واقعه درطرف قبرستان که فعلا اراضی بیاض است وآثاری ازقبور وغیره دراوموجودنیست وعالی حضرت فخرالحاج والعمارحاجی محمد آقای کوره پز ابتیاع نموده حسب قبالهٔ علی حده ممهوره به مهرجمله‌ای ازاجلهٔ علماء العظام ازجناب مستطاب قدوة العلماء آقا میرزا اسحاق، وبعد التصرف وبنای احداث عمارت از دکاکین وکاروانسرا جناب مستطاب قدوة الاجله آقا سید علی متولی آستانهٔ مبارکهٔ حضرت شاهزاده حسین (ع) مدعی گردید که اراضی مـزبوره متعلقه است به آستانهٔ مبـارکه ، وحسب الظاهـر شاهد وقرائن برحقیت دعوی ایشان اقامه نشد وچون صحت وگفتگوی این مطلب منجر ومتعدی به تشاجر وترافع وجسارت بـرطرفین می‌شد لهذا جهت رفع نـزاع وتشاجر واغتباطاً واحتیاطاً لمراعات الواقع ونفس الامرمصالحهٔ قطعیهٔ لازمهٔ جازمه نمود متولی

کلیهٔ دعاوی متعلقه به اراضی مزبوره به هرنحو از انحاء من جمیع الجهات حقاً فی الواقع ام باطلا به مال‌المصالحهٔ یك سیرنبات شهری وانضمام موازی مبلغ چهارتومان ریال بیست چهار نخودی ازمنافع ومداخل اعیان وعمارت محدثه ومستحدثهٔ اراضی‌مزبوره که‌هرساله در ده روزاول حمل‌ایشان متصرفین ومالکین اراضی مرقومه مادامت الارض دائرة کارسازی متولی عصرآستانهٔ مبارکه نمایندکه درمصارف آستانهٔ مبارکه صرف شود وجناب حاج مزبورهم قبول مصالحه نمود وصیغهٔ مصالحهٔ محتویهٔ لعامةالشرائط جاری وواقع گردید فغب تلك‌المصالحه متولیان‌آستانهٔ مبارکه را درهیچ‌عصری حق دعوی نیست.

فی‌بیست چهارم شهرربیع الاول هزار وسیصد وبیست وسه هجری نبوی ۱۳۲۳ .

(۱٤۷)

حکم مورخ ج ۱ ـ ۱۳۲٤ از صدق الدوله حاکم قزوین دراین تاریخ[1] در باب موقوفهٔ شنستق ، با اشاره به حکم پیشین خود او در این باب :

هـو

چون‌چهاردانگ قریهٔ شنسدق‌علیا ومزارع‌آن واقعه دربلوك‌رامند افشاریهٔ قزوین به موجب وقف‌نامچهٔ معتبره وفرامین متعددهٔ سلاطین صفویه وشاهنشاه شهید سعید انارالله‌براهینهم وقف برآستانهٔ مقدسهٔ حضرت شاهزاده‌حسین علیه السلام بوده وتولیت چهار دانگ موقوفهٔ مزبوره به سلسلهٔ جلیلهٔ سادات عظام مرعشیه واگذار شده ، بعدها اولاد مرحوم حاجی محمد حسین خان افشارکه

---

۱. مینودر: ۷٤۳ .

چهاردانگ موقوفه‌را دراجاره‌داشتند به واسطهٔ طول‌مدت اجاره دعوی‌ملکیت نمودند . مدت‌ها متولیان موقوفـه با اولاد مستأجرمزبوره در تشاجر ومرضی الطرفین درمحکمهٔ شرع‌مطاع به ترافع حاضرشدند تااین که حکم قطعی وبتی از مرحوم مبرورحاجی ملاآقای مجتهد مسلم نافذ الحکم قزوین طاب ثراه بر ثبوت وقفیت‌صادر گردید وازقرارملفوفهٔ فرمان‌مهرلمعان مبارك وحکم‌دیوانخانهٔ عدلیـهٔ اعظم برطبق احکامات شرعیه حکـم داده شدکه من بعد ورثـهٔ مرحوم حاجی محمد حسین خان افشار حق مداخله بـه هیچ وجه من الوجوه در چهار دانگ موقوفهٔ شنسدق علیا ومزارع آن‌جا نداشته باشند. تا درهذه السنهٔ یونت ئیل خیریت دلیل که دراین باب تجدید مطلعی به میان‌آمد نظربه صدورفرامین مطاعه واحکامات شرعیه وعرفیهٔ متعدده وحکم سابق خود این جانب که دلالت برثبوت وقفیت وبطلان دعوی اولاد مرحوم حاجی محمد حسین خان داشت ملاحظه گردید. بنابرهمان احکام سابقه این‌حکم مجددرا هم برحقانیت وقفیت داده‌شد که متولیان‌موقوفه درتصرفات عائدی‌آن‌مجاز ومختاربوده ، به‌مصارف وقفیت برسانند . مقـررآن که عمال ومباشرین بلوك رامند وافشاریه ورعایای قریهٔ شنسدق محصول ومنافع چهار دانگ موقوفه را به جناب سلیل الاطیـاب آقا سید علی متولی باشی‌کارسازی داشته ، تخلف نورزند .

فی شهرجمادی الاولی ۱۳۲٤ .

(۱٤۸)

حکـم حاجی شیخ فضل الله نـوری مورخ شوال ۱۳۲٦ بالای عرضه داشت متولی‌آستانه دربـاب شنستق که متن آن جزدراین باب ، ازرهگذرآشنایی با نثرادیبانه وضمناً

خط مشی وروبهٔ اجتماعی فقیه مزبور نیزمفید است .
متن زیـر براساس سوادی است از این حکم بـاگواهی «جمال الدین بن عبدالکریم الرضوی» و«عبدالوهاب بن محمد تقی الحسینی» و«علی مع الحق» و «عبده جواد بن رضا الحسینی» بر برابری آن با اصل :

به عرض حضورملازمان حضرت مستطاب حجة الاسلام ملجأ الانام متع الله المسلمین بطول بقائـه می‌رساند درخصوص چهار دانگ از شنستق علیا واقعه دربلوك‌رامند قزوین که قریب‌به پانصد سال‌است وقف‌است برآستانهٔ متبرکهٔ شاهزاده حسین رضوان الله علیه به موجب وقفنامچه وفرامین سلاطین مغول وصفویه وقاجاریـه ، چون متولی بقعهٔ متبرکه درسابق به مدت طولانی چهاردانگ موقوفهٔ مذکوره را اجاره داده بود وبه واسطهٔ بودن ملك مدتی‌در ید مستأجرین اولادآنها مدعی‌ملکیت شدند لهذا امرمنجرشده بین‌متولی وآن حضرات به تـرافع . پس از استعلام از شیخ العلماء والفقهاء مرحوم‌آقا شیخ زین العابدین اعلی الله مقامـه الشریف ایشان محضرمرحوم مبرور حاجی ملا آقای قـزوینی اعلی الله مقامه راکه از اعاظم واکابرعلما ومجتهدیـن عصرخود بودند معین فرموده ، ملتزماً مدت یك سال درآن محضر ترافع کردند وحکم بتی صریح بروقفیت چهاردانگ مذکور وابطال سخنان‌آن‌حضرات درملکیت فـرمودند وهمان حکم را مرحوم‌آقا شیخ زین العابدین وسایرعلماء عربستان وطهران وقزوین حتی خود حضرت مستطاب حجة الاسلام عالی امضاء وتنفیذ فرموده‌اند وچهاردانگ از ید حضرات‌غاصب ثانیاً برگشت به تصرف متولی آستانهٔ مبارکه . مدتی گذشت تا درزمان مرحوم معتمد الملك مشیرالدولـه‌آن حضرات اعاده‌کردند سخنان سابقه را اظهار واینکه دراین‌حکم قادح ونقوض داریم نموده ، ارجاع‌شد به محضرمرحوم مبرورآقای حاجی شیخ‌هادی اعلی

الله مقامه به تقید التزام درمدت شش ماه درآن محضرحاضر و گفتگو کردند ، صریحاً مرحوم حاجی‌شیخ‌هادی مرقوم داشتند که مدعیین قادح وناقضی برای حکم ترافعی حضوری نتوانستند بیاورند . مع تلك المراتب در سنهٔ ماضیه که زمان هرج ومرج بود حکمی غیابی ازعدلیه صادر کردند ومزاحم متولی شده وملك موقوفه را توقیف نمودند ومدت یك سال است که درمحاکمات عدلیه متولی‌آستانه باآن حضرات مشغول بوده‌اند درمحاکمه ، تا این که راپورت برحقانیت وقف واشتباه‌کاری‌آن حضرات صادرشده وهنوزآن حضرات دست برنمی‌دارند ، نظر به دوسه نوشتهٔ سؤال وجواب غیابی واشتباه‌کاری اسمی که به دست گرفته‌اند وبه وسائل پاکت‌های وسائط بی‌خبر والقاء این کلمه که باز ارجاع به شرع ومرافعه نمایند ومتولی امتناع دارد که من فعل حرام نمی‌کنم بعد ازاین همه احکام صریحهٔ بتیهٔ حضوری ازشرع وعرف مرافعه یعنی چه ؟ .

حال استدعاء حقیرمتولی‌آستانهٔ مبارکه ازملازمان عالی‌آن است که :

اولا این نوشته جات وحکم حقیر که ملاحظه فرمودید درکمال دقت ، درترافع حضوری تمامیت دارد یا خیر؟

ثانیاً رجوع به شرع ومرافعه بعد ازصدور همچوحکمی از همچوحاکم مطاعی حرام است یا خیر؟

ثالثاً سؤال جوابی نوشتهٔ قبل ازاین حکم یا بعد ازاین حکم چنانچه از کسی دست‌آن حضرات باشد برملکیت ،آیا باطل هست یا خیر؟

محضاً لله حکم این‌مراتب معروضه‌را مرقوم فرمائید تاحجت شرعیه باشد برای حقیر، ادام الله بقائکم .

[پاسخ دربالای سند :]

بسم‌الله الرحمن الرحیم ـ این زحمات و گرفتاری‌ها تماماً تولید ازتهاون

در اجراء حدود الهیه وتسامح در تنفیذ احکام شرعیه می‌شود . بعد از آن که متخاصمان معاً درمحکمهٔ مجتهد جامع‌الشرایط ترافع حضوری کردند وحکم قاطع به صدور رسید دیگر چه جای آن است که اولوالشوکة تعلل بکنند وبه ملاحظهٔ وسایط وشفعاء یا جهت دیگر در احقاق حق واغاثهٔ مستغیث ورفع ید عادیه وقطع دابر ظالمین کوتاهی بفرمایند ؟ . دشمنان دین ودولت به همین دست‌آویز است که مردم را جری وجسور می‌سازند ودهن‌ها را باز وزبان‌ها را دراز می کنند .

اما جواب سؤالات شما آن که : حکم ترافع حضوری شما را از مرحوم خلد مقام حاجی ملاآقا مجتهد خوئینی قدس الله تعالی سره که سابقاً هم دیده وامضاء کرده بودم مجدداً مطالعه نمودم ، حکمی است تمام ومطاع وتخلف از مفادآن وارجاع به مرافعهٔ مجدد حرام ونوشته جات دیگران که بعد ازصدور حکم مزبور است بباطل . براولیاء دولت علیه ومتصدیان امورعدلیه لازم بل واجب است که حکم مسطوررا بدون هیچگونه تعلل وتسویف درموقع اجراء گذارده وحکم الله را بیش‌ازاین درعهدهٔ تأخیروتعویق نگذارند که الیوم چهار دانگ شنستق علیا وقف است برآستانهٔ متبرکهٔ حضرت شاهزاده حسین واقعه در دارالسلطنهٔ قزوین وباید درتصرف متولی حالیهٔ اوقاف آن آستانهٔ شریفه که جناب مستطاب سیادت وشرافت نصاب آقا سید علی مرعشی سلمه الله است بوده باشد وهرکس بدون‌اجازهٔ معزی‌الیه تصرف ودخالتی درآن چهاردانگ مذکور بنماید حرام وموجب سخط حضرت علام عزاسمه خواهد بود .

حرره الاحقرالداعی فضل الله فی تاریخ شهرشوال المکرم سنهٔ ۱۳۲۶ .

(۱٤۹)

محضری به مهر وتصدیق چهارتن ازعلماء قزوین در باب تولیت شرعی آقا سید علی فرزندآقا سید حسن متولی که شهادات بـالای آن تـاریخ ع ۲ ـ ۱۳۳۵ (ه . ق) دارد . عکس این محضربرای تکمیل تاریخ تولیت آستانه دراین اوراق گذارده می‌شود .

علماء مزبورعبارت‌بوده‌اند از: خادم الشریعه حاجی‌میرزا اسحاق (با مهر « اسحق ۱۳۲٤») وعبدالجـواد الحسینی آل مرحوم حاجی سید جواد (با مهر«عبدالجواد بن علی الحسینی») و « عبده عیسی بن فتح الله ۱۳۲۵» و « العبـد مرتضی بن ابوتراب الحسینی ۱۳۱۱» .

(۱۵۰)

فرمان ناصرالدین‌شاه مورخ رمضان ۱۲۸۵ دربارهٔ مالیات قریهٔ شادات من‌محال زهرا من اعمال دارالسلطنهٔ قزوین[۱] که بـه عنوان سند برای مردم‌آن قریه در بـرابر اجحاف وتعدی مأموران دیوان صادرشده است .

متن این سند که ربطی به دیگراسناد این مجموعه نداردازرهگذرتکمیل عدد درپایان این مجموعه گذارده می‌شود .

الملك لله تعالی ـ حکم همایون شد آن‌که به شکرانهٔ این‌که خداوند عالم جلت عظمته وعمت نعمته وجود اقدس ما را بر گزید وما را نازل منزلهٔ

---

۱. مینودر: ۹۵۸ .

پدررعیت ونوکرومالك‌رقاب امم گردانید برخود لازم می‌دانیم که عموم نوکر ورعیت ممالك محروسهٔ ایران درمهد امن وامان غنوده وابداً ازجانب احدی چه حکام وچه عمال وچه کارگـزاران وچه کدخدایان وچه مأمورین دیـوانی وحکومتی به‌قدر ذره‌ای‌تعدی وبی‌حسابی واجحاف علاوه برمالیات وفروعات مقررهٔ دفتری به هیچ‌اسم ورسم بر کسی ازنوکرورعایای قراء وبلوکات وغیره وارد نیاید . لهذا دراین سال فرخنده فال ئیلان ئیل این فرمان همایـون صادر ومقررمی‌شودکه حکام ومباشرین امور دیوانی قریهٔ شادات من محال زهرا من اعمال‌قزوین بدانندکه مالیات قریهٔ مزبوره را دیوانیان‌عظام ازدفترخانهٔ مبارکه اصلا فرعاً ازقرار تفصیل ذیل مشخص ومعین کرده‌اند ، نباید حبه ودیناری بـه هیچ اسم ورسم زیاده برآن مطالبه ومعامله ننمایند :

[نقد : هشت تومان وشش هزار وپانصد وپنج دینار، جنس : سه خروار

اصل ـ نقد : شش تومان وشش هزار وپنجاه دینار/جنس : سه خروار

فرع ـ دوتومان وچهارصد وپنجاه وپنج دینار

. . . . . .

مالیات قریهٔشادات اصلا فرعاً مبلغ هشت‌تومان وشش‌هزار وپانصد وپنج دینارنقد ومقدارسه خروار به وزن تبریزغله است]

این پرلیغ‌بلیغ وفرمان‌مبارك سندقریهٔ مزبوره‌است که اگرحکام ومباشرین جزو اعم ازدیوانی وغیردیوانی ازکدخدایان ومحصلین حکام وغیره بخواهند درعرض سال زیاده ازآن چه دراین فرمان همایون تشخیص یافته است مطالبه نمایند رعایا اذن‌ندهند وجواب بگویند. وبازمأذون می‌باشندکه هرکس زیاده برمالیات دیوانی مفصلهٔ فوق بخواهد چیزی مطالبه‌کند وشلتاق نماید رعایای قریهٔ مزبوره مأذون ومرخصندکه‌آن شخص مطالبه‌کننده را هرکه می‌خواهـد

باشد گرفته ، درحبس وزنجیـر نگاه دارند وبه دربار معدلت مدار همایون در طهران به عرض اولیای دولت برسانند تا اورا وآن کسی راکه اورا برای این مهم فرستاده است درکمال افتضاح به سیاست دولتی برسانند . به علاوه مقرر می‌شود که حکام ومباشرین جزو اذن ندارند به اسم جریمه چیزی ازرعایا اخذ ودریافت نمایند، اگربه این‌اسم چیزی مطالبه نمایند همان‌حکم تنبیه وسیاست فوق را دارند که درزیادتی مالیات معین شده است . حسب المقررمعمول ودر عهده شناسند .

تحریراً فی شهررمضان المبارك سنهٔ ۱۲۸۵ .

ضمیمه

متن چند سند دیگر که درمیان اسناد دودمان سادات مرعشی قزوین دیده شد وبه طبع با این خاندان ربط دارد :

(۱۵۱)

فرمان مورخ ۵ ذ ق-۸۳۸ ازشاهرخ تیموری درواگذاردن منصب احتساب بلدهٔ قزوین به مرتضی اعظم افتخارالسادات سید معین الدین نیای اعلی دودمان مرعشی قزوین . متن کامل این سند با توضیحات لازم درمقالهٔ نگارنده درمجلهٔ راهنمای کتاب ، جلد بیستم ، صفحات ۷۰۰-۷۰۴ آمده است . چنین است متن سند :

شاه رخ بهادر سوزمیز

سادات وحکام وقضاة ولایت وقزوین/بدانند که پیش تر ازاین حکم همایون شرف/نفاذ یافت که مرتضی اعظم افتخارالسادات سید معین الدین مطهردرآن ولایت احتساب/امرمعروف ونهی منکر کند. درین وقت به بساط بوس مستسعد

گشت والتماس/امضا حکم سابق نمود . بنا برملتمس او این حکم نفـذه [الله تعالی] فی الاقطار/سمت نفاذ یافت تا سید مشارالیه راآمرمعروف وناهی‌منکر داننـد وغیررا با او شریك ندانند/ ومنـع فسقه وفجره نماید واجـرای حدود وتعزیرات کما یقتضیه الشرع/کند . او می‌باید که امر احتساب به نوعی قیـام نماید که عند الخالق والخلایق/مستحسن ومشکورباشد. باید که فرامین مطاعهٔ اوراکه درین باب دارد/من کل‌الوجوه مقرون به امضا شناسند وتغییر به قواعد آن راه ندهند .

تحریراً/فی‌الخامس من شهرذی قعدة الحرام سنة ثمان وثلثین وثمانمائه.

(۱۵۲)

جریـدهٔ نسب مورخ ذ ق ـ ۹۸٦ درمورد انتساب سیادت پناه وزارت دستگاه امیرسید معزالدین موسی‌بن امیرسید مقصود که ظاهراًازسوی مادر بااین دودمان انتساب داشته است . با توشیح وتأیید او نسابهٔ‌آن عهد حسن بن محمد قاسم النسابه العبیدلی(فرزند نگارندهٔ اسدیه که درباب‌اول از فصل نخستین همان‌کتاب ، ص ۲۹ـ۳۰ از این سلسله سخن گفته است) ومحمد اصغرالحافظ الخطیب. این‌سند نمونهٔ خوبی است ازمشجرات نسب قرن دهم :

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الـذی شرف بنی‌آدم بشرف الانساب وفضیلة الاحساب وفضل منهم بنی هاشم علی من سواهم بشرایف الاعتاب ومفاخرالالقاب واصطفی‌آل عمران من بینهم علی العالمین واوصل انسابهم واعقابهم الی یوم الحساب کما

قال النبی العربی المکی المـدنی کل حسب ونسب منقطع الا حسبی ونسبی ، وابتغاء للوسیلة الیه بجمیل الانتساب اوجب مودتهم علی عباده ورتب علیهـا عظیم الاجروالثواب کما اوحی الی رسوله قل لا اسئلکم علیه اجراً الا المودة فی‌القربی ، ان فی‌ذلك لتذکرة وذکری[1] لاولی الا[لباب] . والصلاة والسلام الاتمان الاکملان علی اشرفهم واشرف الخلایق محمد الذی انزل علیه فی بیته الکتاب وعلی آله واولاده وعترته وذریته الذین‌اذهب عنهم الرجس وارشدهم الی طریق الصدق والصواب .

بعدازتقدیم حمد خالقی که بیافرید خلق‌را به قوهٔ‌کامله ، وابداع کرد انسان را به قـدرت شامله ، وازمیان مخلوقات ومکونات انبیا واولیا را اختیارکرد وبحکم «وربك یخلق ما یشاء ویختار» حضرت خاتم پیغمبران ورحمة عالمیان راکه « وما ارسلناك الا رحمة للعالمین » اعنی سیدکاینات وخلاصهٔ موجودات مقصودآفرینش خاك ومشرف به تشریف « لولاك لما خلقت الافلاك »

رسولی کاصل هستی شد وجودش　　جهان گردی ز شادروان جودش
محمد سید الکونین والثقلین　　والفریقین من عرب ومن عجم

را ازاکرم کرومه واشرف‌ارومه به‌خوبترین وجهی وملتی بربهترین‌امتی مرسل ومبعوث گردانیـد . فصلی علیه صلوة لا ینقطع اولها ولا ینفدآخرها . وقال « ان الله وملائکته یصلون علی النبی ، یا ایها الذین آمنوا صلوا علیه وسلمـوا تسلیماً » .

چون توقیع مشیت الهی وطغرای ارادت پادشاهی به تغریس شجرهٔ طیبهٔ نبوت «اصلها ثابت وفرعها فی‌السماء» موشح‌شد شجرهٔ مثمرهٔ امامت وولایت را ازآن منشعب گردانیدکه « ولولاهم ما عرفناهم » وفرمودکه «الیوم اکملت

---

۱. اصل : ذکرا .

لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دیناً » ، واهل ایمان‌را بدین کرامت ممنون‌منت گردانید وخلعت مرحمت‌پوشانید وبه‌خطاب مستطاب « قل لا اسئلکم علیه اجراً الا المودة فی القربی » تنبیه فرمود تا درآن معنی به حصول مرادات دوجهانی مشرفشان فرماید ودر« یوم ندعوا کل اناس بامامهم» مستوثق ومستظهر باشند ودرسلك « ومـن تبع هدای فلا خوف علیهم ولا هم یحزنون» منخرط ومنتظم گردند ، وچون ائمهٔ معصومین اغصان شجرهٔ نبوتند در بساتین امـامت ، ذریات ایشان به منزلهٔ ثمرهٔ‌آن شجره باشند ، پس بـدین دلایل واضحه وبـراهین لایحه برخاطرخطیر وضمیرمنیر اولی الالباب ظاهـر وروشن وهویدا ومبرهن گرددکه دراثبات علونسب وسموحسب هیچ مرتبتی اعلی وهیچ‌منزلتی‌عظمی‌ازانتساب به دودمان‌رسالت وخاندان‌عصمت وطهارت نیست کما قیل :

الیهم کل مکرمة تـؤول اذا ما قیل جدهم الرسول

وتعظیم وتکریم وتربیت وتقویت ومعاونت ومعاضدت سادات عظام‌که صدور جوامع شرع وبـدور مطالع اصل وفرع وامرای دولت احـدی ووزرای ملت محمدی‌انـد ومحبت ومودت با ایشان احسن عادات وافضل خیـرات واعظم طاعات واشرف عبادات است سیماکسانی‌کـه خاندان‌کریم ایشان به صحت نسب وفضیلت حسب مشهور ومعروف ، وازمطاعن « لعن الله الداخل فینا ولم یکن منا » معرا ومبرا ، وبه موهبت وکرامت «اولادنا اکبادنا» مشرف ومحلی باشند وسوابق‌نسب‌ظاهرطاهرخودرا به‌لواحق حسب‌فاخرزاهرمزین گردانیده، لباس سعادت سیادت را به طراز اعزاز دیانت وزهادت مطرزکرده باشند . لا شك رعایت ومراقبت این صنف بـر ذمم همم جمیع امم واصناف بنی وبنات آدم کاللازم للملزوم والنورللنجوم است. چنان‌که متوسل این وسیله ومتوصل

این ذریعه وهو:

سیادت پنـاه وزارت دستگاه رفعت ومعالی انتباه عمدة السادات والاکابـر والاشراف زبدة الا ماجد من آل عبدمناف نتیجة اولاد سید المرسلین بقیة احفاد امیرالمؤمنین امیرسید معزالدین موسی بن سیادت مآب مرحوم امیرسیدمقصود بن مرتضی بن نعمةالله بن محمد بن ابونصر مرتضی بن خسروشاه بن قاسم بن خسروشاه بن ابی‌حرب‌بن خسروشاه بن روشنایی بن ملك‌داد بن ابی‌حرب بن عراقی حمزه بن‌احمدبن عبدالعظیم بن عبدالله بن‌محمد بن احمد بن عبدالله بن علی‌بن حسن‌بن زید بن امام المعصوم حسن‌بن امیرالمؤمنین وامام‌المتقین علی بن ابیطالب علیه الصلوة والسلام .

که از اجلـهٔ سادات صحیح النسب صریح الحسب است واتصال سلسلهٔ نسب او به ائمـهٔ معصومین صلوات الله علیهم اجمعین برموجب مسطور بیان واقع است وبا وجودآن که نسب آبـاء کرام واجداد عظام او در بحرالانساب وتواریخ سادات مذکور ومسطور بود درین وقت رای صائب او چنان اقتضا نمود که تجدیدآن مـذکورات وتأکیدآن مزبورات نماید تا چون بـه توقیع سادات ونقبای زمان وخطوط علما وفضلاء عصرواوان وجمهوراصول واعیان موشح ومحلی گردد به مرور دهور ومضی اعوام وشهورقصور وفتوربدان راه نیابد وبرصفحات روزگاروجنات لیل ونهارمنتقش‌ماند وصورت‌حال بررای جهان آرای وضمیرمنیرعقده گشای ارباب دین ودولت واصحاب عز ومکنت‌از سلاطین کامکار وامرای‌نامدار وحکام‌زمان وخداوندان امروفرمان ونقبا وسادات وولاة وقضاة وعـامهٔ طبقات وکافـهٔ درجات واعیان با مروت وارکان با ثروت شید الله قواعد دولتهم مخفی نماند بل ظاهروهویدا گرددکه این سید مشارالیه را به شرف صحت نسب مشرف ومعزز دانند وازمطاعن ومعایب معـرا ومبرا شناسند وآثارعنایت ومرحمت وانوارعاطفت وشفقت‌نسبت به‌مشارالیه به‌ظهور رسانند ودر اعزاز واکرام واحتـرام اومساعی جمیله تقدیم نمایند وبه هردیـار

وهرمقام که رسد مقدم‌شریف عزیزاورا معززومکرم ودولت ملاقات اورا مغتنم شمرنـد ومراضی کردگار ومحامدآفریدگار درضمن آن صنیعه مندرج دانند وتوفیق این دولت را فـرصت شمرند که هرآینه در دنیا مستوجب ذکرجمیل ودرعقبی مستحق اجرجزیل گردند . والسلام علی من اتبع الهدی .

تحریراً فی شهرذی قعدة الحرام سنه ست وثمانین وتسعمائه .

[حاشیه :]

هو ـ انتماء السید المذکورالی‌الشجرة الطیبة المصطفویة صحیح وانتسابه الی الدوحة العلیة العلویه صریح اظهرمن‌الشمس وابین من‌الامس . کتبه العبد المذنب المحتاج بعنایة الله الملك القوی الغنی حسن بن محمد قـاسم النسابة الحسنی الحسینی من‌آل ابی‌علی المختارالنقیب امیرالحاج العبیدلی عفی‌عنه.

[مهر:] ما رآه المؤمنون حسناً

فهوعند الله حسن

[ذیل سند :]

انتماء عالی حضرة السید المذکورعلی النهج المسطورصحیح واعتمـاده الی اولاد الـرسول صریح . کتبه اضعف عباد الله الملك المجیب محمد اصغر الحافظ الخطیب عفی عنه بکرمه وبمحمد وعترته .

[مهر:] . . . . . الحافظ

(۱۵۳)

قبالـهٔ فروش مورخ ۱ ذ ح ـ ۹۹۹ که براساس آن استاد قادرجان بن حاجی قـاسم خان طحان قـزوینی تمامی سه پنجم از دو باغ را در درب جوسق قزوین به خان احمـد

گیلانی فروخته بود . این سند به خط عبدالعزیز جنیدی است که به خط اوقبالهٔ فروش کنشگران شراه قم مورخ اواخر ذ ق ـ ۹۹۹ نیزدر دست است[1]. متن این سند اخیر در مقاله نگارنده درمجلهٔ وحید ، سال یازدهم ، صفحات ۹۹۱ ـ ۹۹۶ با توضیحات لازم نشرشده است جزآن که اشتباهات چاپی بسیار درآن راه یافته که باید با مقایسه با عکس آن که درپایان اسناد این مجموعه به عنوان ضمیمه سند شمارهٔ ۱۵۳ گذارده شده‌است تصحیح گردد(نیز ببینید مثال‌های صدورصفوی ، ص ۲۶) .

چنین‌است متن وحواشی سند فروش دوباغ درب جوسق که مشتمل برنام وسجل عده‌ای ازعلماءآن دورهٔ قزوین است .

حمد بی‌حد واجب الوجودی را درخوراست که ملك اواز وصمت زوال مبراست ومملکت او ازسمت تبدیل وانتقال معرا .

نادیت لك الحمد تعالی وتقدس ای ناطقه در بارگه حمد تو اخرس

ملك تو زتبدیل وزوال است مبرا ذات‌تو زنقصان وزعیب‌است‌مقدس

وتحیت وصلوة متوالی المدد برسلطان سریررسالت ، مسند نشین ایوان جلالت ، خاتم انبیاء ورسل ، هادی خلایق به اقوم سبل ، شاه یثرب وحرم ، متکلم به‌کلام اعجازانجام انا افصح العرب والعجم ، مقرب بارگاه اله محرم خلوت سرای لی مع الله ، محمد رسول الله وبرآل عصمت منقبت واهل بیت

---

۱. سند فروش دیگری ازاین دست می‌شناسیم وآن قبالهٔ فروش دیه زرجرد قهپایهٔ قزوین است مورخ ۵ ذ ح ـ ۸۹۷ که اصل آن‌اکنون درکتابخانهٔ مجلس درتهران است (مجلهٔ وحید ٤ : ٦٤٨) .

خلافت مرتبت اوكه دوازده كوكب منير امامت بلكه هريك خورشيد جهانگير اوج عظمت‌اند . سيما حضرت اميرالمؤمنين ويعسوب الدين اخ رسول الله وابن عمه وكاشف غمه اسد الله الغالب ابوالحسنين على بن ابى طالب عليهم من الصلوات اكملها ومن التسليمات اتمها .

اما بعد اين نامهٔ نامى واين صحيفهٔ سامى مخبراست ازآن كه حاضر شد سعادت آثارمحامد اطوار استاد قادرجان بن المرحوم زاير بيت الله الملك المنان حاجى قاسم خان طحان قزوينى ، ودرحالت صحت نفس واختيار، من دون ظهور شايبة اكراه واجبار، بفروخت به وكيل جليل نبيل بندگان نواب مستطاب عالميان‌مآب قدسى‌القاب معلى‌آداب اشرف‌اقدس‌ارفع اعلى‌حضرت سيادت منقبت فلك رتبت گردون بسطت كيوان رفعت مشترى سعادت مريخ صولت خورشيد منزلت عطارد فطنت قمرطلعت ، سلطان سعادت قرين ثريا مكان، ناصب اعلام الفتح المبين رافع‌الوية العزوالتمكين ، ظل‌الله فى‌الارضين قهرمان الماء والطين ، الذى اختاره الله من افراد الانسان الكريم الذى من الله عليه باللطف العظيم وشرفه بكمال العقل المستقيم ، باسط بساط الامن والامان ناشرصحايف‌العدل والاحسان رافع‌مآثرالظلم والعدوان المؤيد بتأييدات‌الجلية من‌الله المنان [ظل‌الله الرحمن خان احمد خان الحسينى] لازالت سماء سلطنته وخلافته بكواكب‌المواهب مزينه وآيات‌عظمته وجلالته على‌صفحات الكاينات مبينه ، والوكيل جناب رفعت ومعالى قباب ، سعادت وعزت انتساب ، معتمد السلاطين العظام اميين اسرار الخواقين الكرام نظاماً للرفعة والسعادة والعزة والعالى خليل‌بيكا ضوعف قدره وغفرالله والده المتغمد فى يم رحمة‌الله وغفرانه زيناً للمغفرة والرضوان سهراب بيكا انصارياً

تمامت ثلاثة اخماس دوباغ محصور مكروم به‌كروم اعناب متنوعه . يك

باغ واقع است در فند میان رودان درب جوسق دارالسلطنه قزوین ، ودیگری درفند خروزبار درب جوسق به نحوی که درذیل حدود واوصاف آن قلمی شده:

[باغی محصور مشتمل برهفتده[1] قطعه ، دوازده قطعه شاهانی وپنج قطعه تخمی ، محدود به شارع وبه یخچال ورثهٔ مغفورفرح زاد بیك وبه باغات فند میان رودان وبه خانهٔ حسین بیك افشار (در ثانی الحال ظاهرشدکه نه قطعه از باغات مذکوره شاهانی است وهشت قطعه تخمی) ـ ثلاثة اخماس .

باغی دیگرمشتمل برباغات متعدده مکرومه به کروم اعناب شاهانی، محدود به شارع . . . . وبه یخچال ورثهٔ مهدی قلی بیك چاوشلو وبه نهرآب حیدری وبه زمین رعیت قابودان بیك موسحدار(؟) . واین حصارمشتمل است به هیجده باغ شاهانی ـ ثلاثة اخماس]

باعامهٔ توابع ولواحق شرعیه ازارض وکروم وحقابهٔ تابعهٔ آنها علی الرسم القدیم والعادة المستمرة بقدر الحصة الشایعة به ثمن معلوم معین قدرآن از زر نقد رایج فضی وذهبی دومثقالی مسکوك مضروب تمام عیارمبلغ سی وپنج تومان تبریزی رایج ، نصفه هفتده تومان وپنج هزار دینار . وبین البایع والوکیل الجلیل عقد مبایعهٔ صحیحهٔ شرعیه جاری شده ، وبایع اقراربه اخذ تمامی ثمن نمود وعالماً بکمیة المبیع وکیفیته یوم البیع اسقاط خیارغبن وان کان فاحشاً نمود والتزام به ضمان درك شرعی کرد چنانچه اگریوماً من الایام احدی از آحاد الناس کل یا بعض مبیع را ازتصرف وکلاء مخدوم اقدس اعلی مبتاع مطاع لازال حکمه نافذاً فی الاقطاع والارباع به استحقاق شرعی مخرج سازد عهده برباییع خواهد بود کما هومقتضی الشریعة الشریفة الغراء ومرتضی الملة المنیفة الزهراء .

---

۱ . کذا (هفده) .

ووقع ذلك فی غرة شهرذی الحجة الحرام حجة تسع وتسعین وتسعمائه.

نمقه اقل الداعی خلود ظلال اعلی حضرت المبتاع المطاع المتحتم الاتباع عبدالعزیز بن آقا میر القاری الجنیدی .

[مهر:] ومن یتوکل علی الله فهوحسبه عبده عبدالعزیز الجنیدی

[تصدیق فروشنده در ذیل سند :]

آنچه نسبت به فقیرحقیرقادرجان ابن حاجی قاسم خان طحان نموده‌اند بیان واقع است وبراین جمله گرفتم [مهر:] عبده قادرجان

[سجلات :]

* الله ولاسواه ـ بعد حمد الله علی نواله والصلوة علی مصدوق یأتی من بعدی اسمه احمد والطیبین من آله ، قدصدرالاعتراف المعتبرفی الشرع المطهر من البایع الطایع المسمی فیه . . . ما اسند ونمی الیه فی مطاویه لاسیما قبض الثمن واسقاط خیار الغبن لدی . علقه الفقیر الی الله الغنی ابن عبدالصمد بن محمد بن برهان حسین . . .[1]

* اعترف البایع الراغب المشارالیه فیه بجملة ما اسند الیه فیه کما فیه . حرره العبد الفقیرالداعی لخلود ظلال سلطنته النواب المطاع المبتاع المشارالیه خلد الله ظلال مراحمه السلطانیة

[مهر:] الواثق بالصمد اللطیف عبده محمد شریف الشریف[2]

---

۱. سجع مهراین حاکم شرع که در میانهٔ سند (درمحل الصاق دونیمهٔ سند) زده شده است چنین است : « رضیت بما قسم الله لی ـ وفوضت امری الی خالقی . عبده قوام الدین حسین بن عبدالصمد الحسنی (؟) احسن الله . . . » .

۲. سجل ومهراین دانشمند درسند ضمیمه هم دیده می‌شود .

البايع الطايع الراغب المزبورفيه بجميع مانسب واسند واضيف اليه فيه اقر واعترف كما فيه . حرره العبد الاقل [مهر:] . . . . محمد على

* هوهو ـ جرى ذلك بمحضرى . حرره العبد الفقير الى الله الغنى ابن ابى المكارم بن قطب الدين حيدربن يحيى ، يحيى الحسنى غفرالله لهماآمين. بمحمد وآله . [مهر:] المتوكل على الله العلى قطب الدين يحيى الحسنى(؟)

* هوـ اعترف البايع بما فيه لدى . نمقه العبد الفقير المحتاج الى الله الغنى ابن محمود غياثا الدين محمد الحسنى . [مهر:] . . . .

* من الشاهدين عليه . حرره العبد [مهر:] . . .

* شهد بما فيه العبد الاقل ابن شمس الدين محمود غفرله [مهر:] الله المحمود فى كل فعاله

* شهد بمضمونه العبد شاه نظربن آقا بابای انصاری عفی‌عنه [مهر:] . . .

* شهد بما فيه العبد الاقل ابن ملك محمد رضا خوئينى[1].

---

۱ . كلیهٔ اسنادی که دراین مجموعه آمده است متعلق است به آقای سید حسن مرعشی بازماندهٔ دودمان متولی آستانهٔ شاهزاده حسین . نگارنده از مهربانی های ایشان وفرزند ارجمندشان آقای سید رضا مرعشی بسیار سپاسگزارم .

تکملـه

درصفحهٔ ۱۶ ازمالك دیلمی خوشنویس قرن دهم وبرخی دیگرازمنسوبان به بیت دیلمی قزوین سخن رفت. سر گذشت این‌خوشنویس ازرهگذرآن‌که او درشمار سرایندگان نیزبوده است در بسیاری ازتذکره‌ها هست‌که فهرست آنها درفرهنگ سخنوران : ۵۰۵ وتعلیقات‌آتشکدهٔ‌آذر: ۱۲۰۱ (چاپ سادات ناصری)آمده است. همچنین سر گذشت فرزنداوصغیری (فرهنگ سخنوران: ۳۴۱/آتشکده : ۱۱۹۳) وچند تن دیگـر ازسرایندگان منتسب به این دودمان (فرهنگ : ۲۱۴ و۴۰۸/آتشکده : ۱۱۱۶ و۱۱۵۰ و۱۱۹۹) .

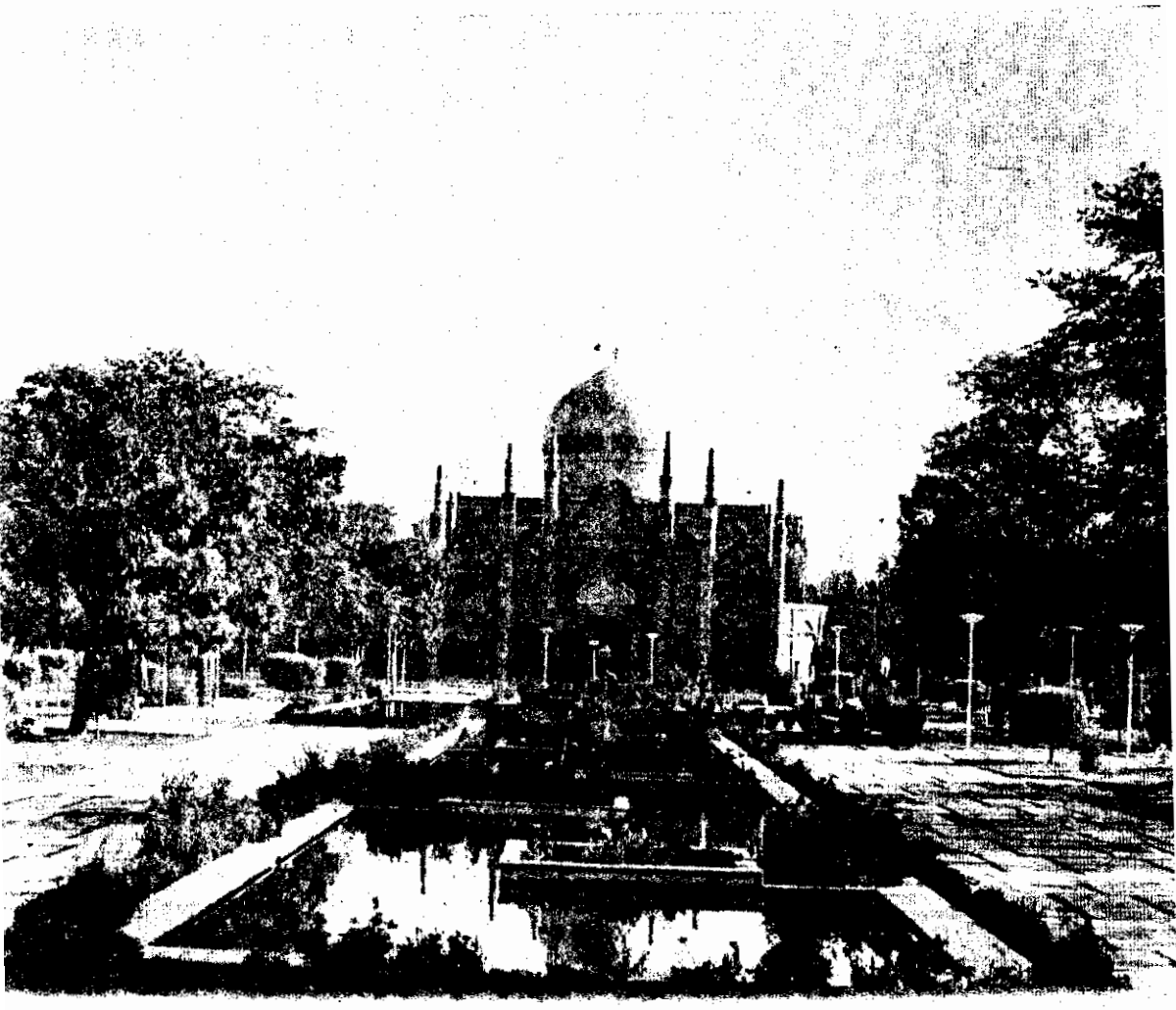

(۱) آستانه شاهزاده حسین ـ قزوین

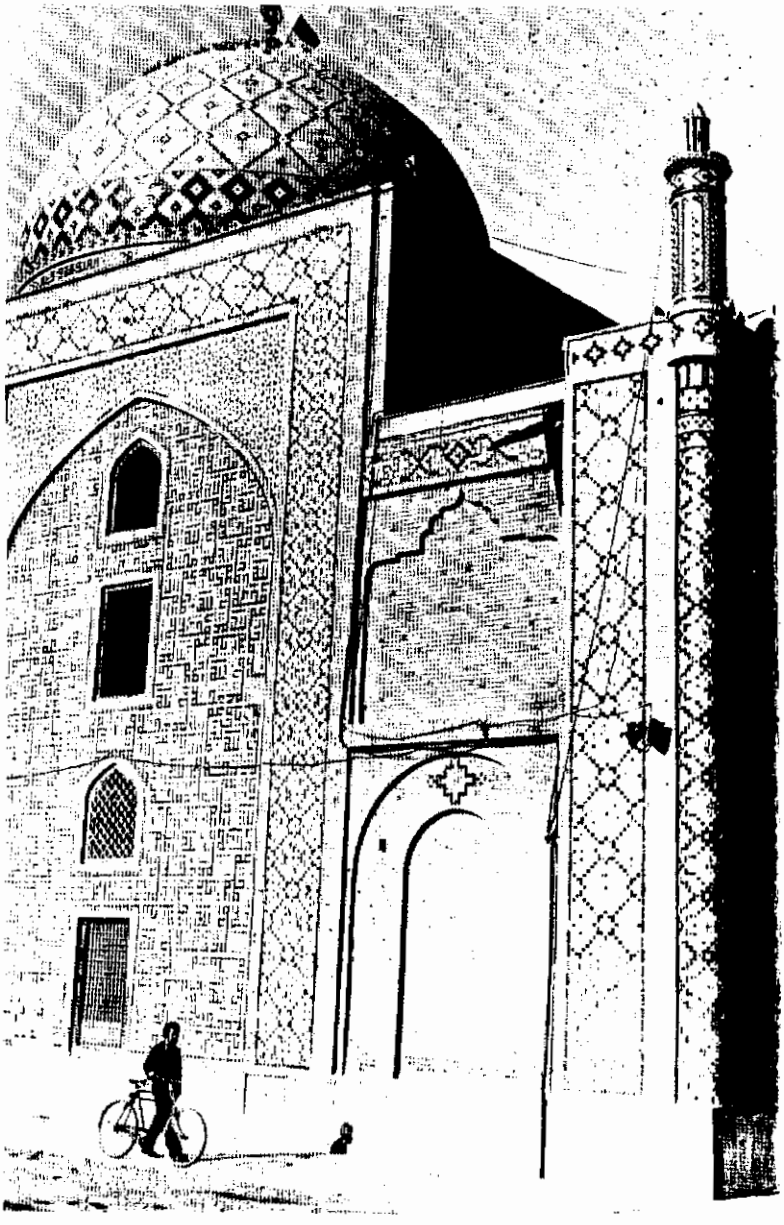

(۲) آرایش جوارخارجی بقعه

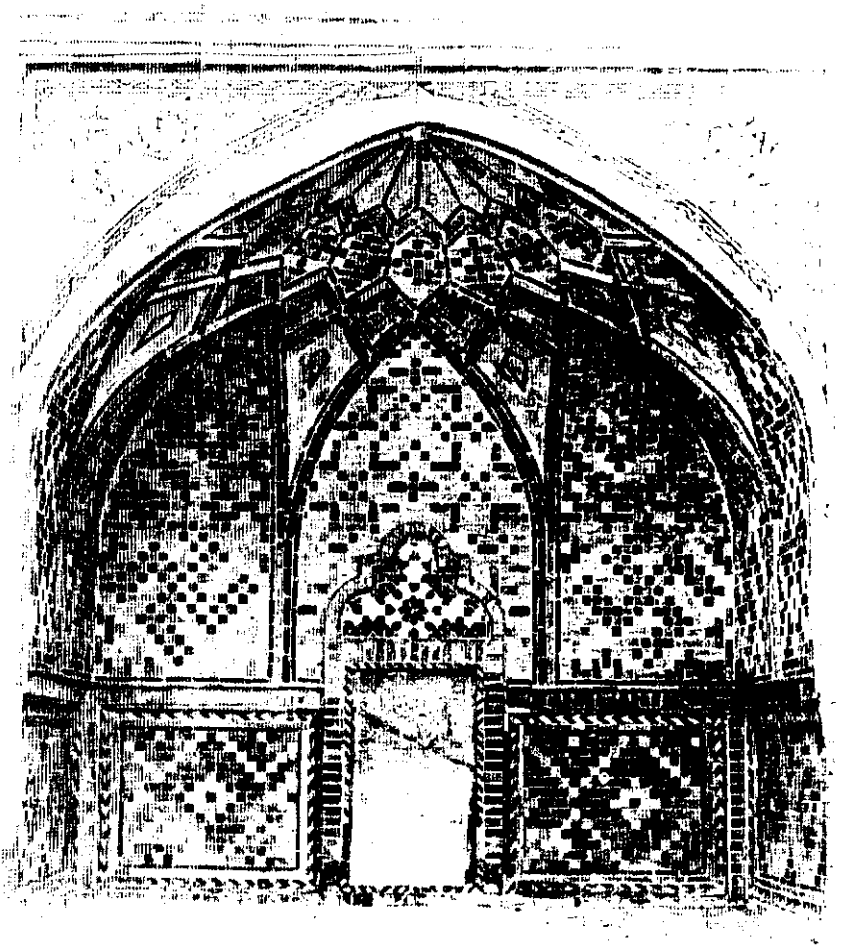

(۳) نمونه آرایش کاشی کاری طاق نماهای گردا گرد صحن

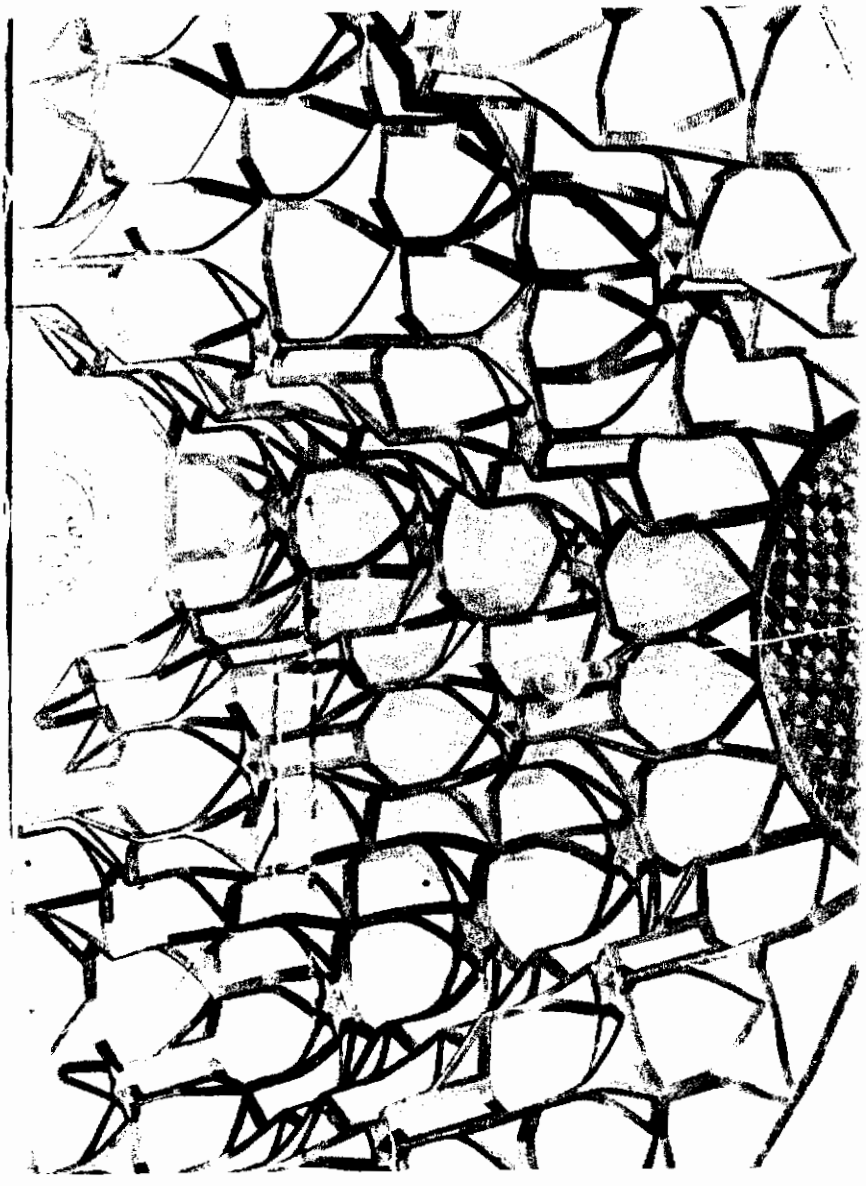

(٤) مقرنس‌کاری پیشاپیش در ورود مقبره میرفغفور

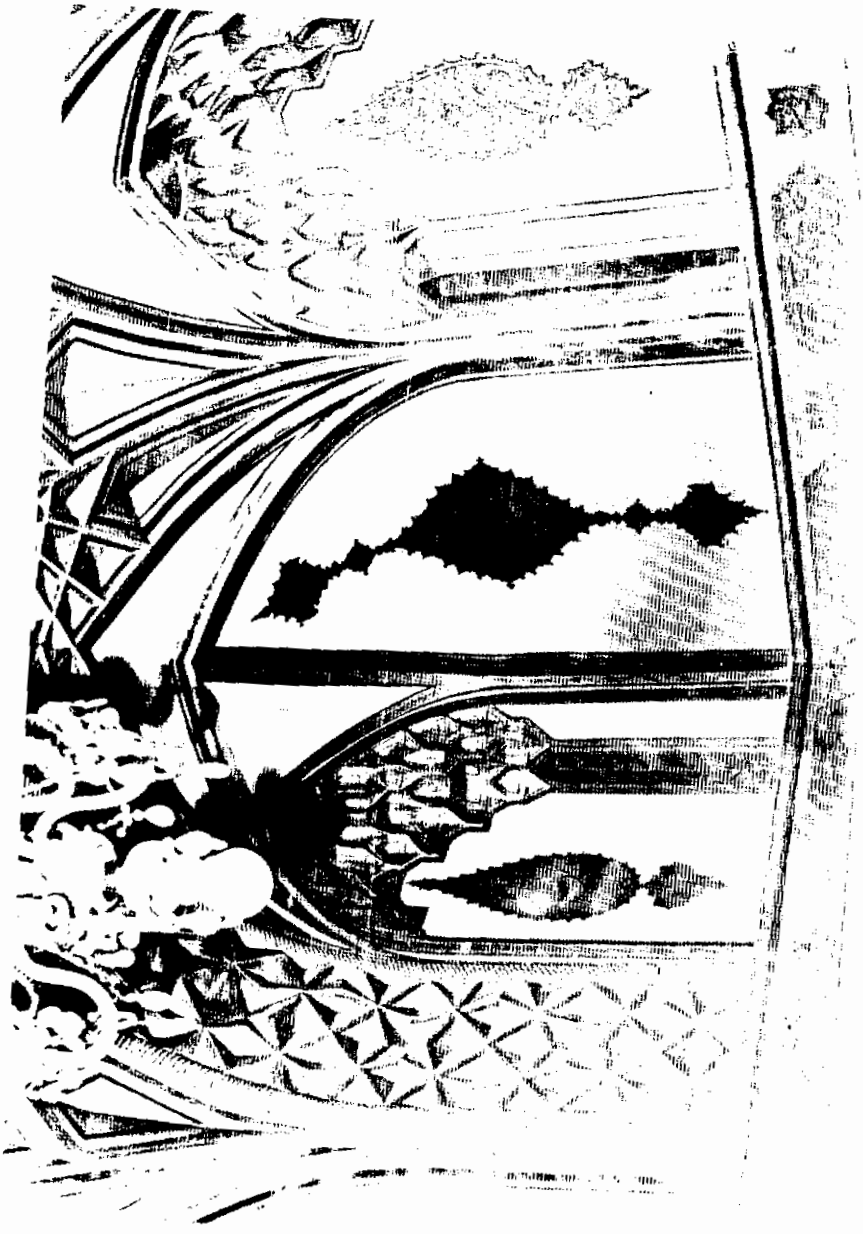

(٦) مقرنس‌کاری مقبره میر محمود

(۷) در ورود شمالی بقعه از دورهٔ طهماسب اول

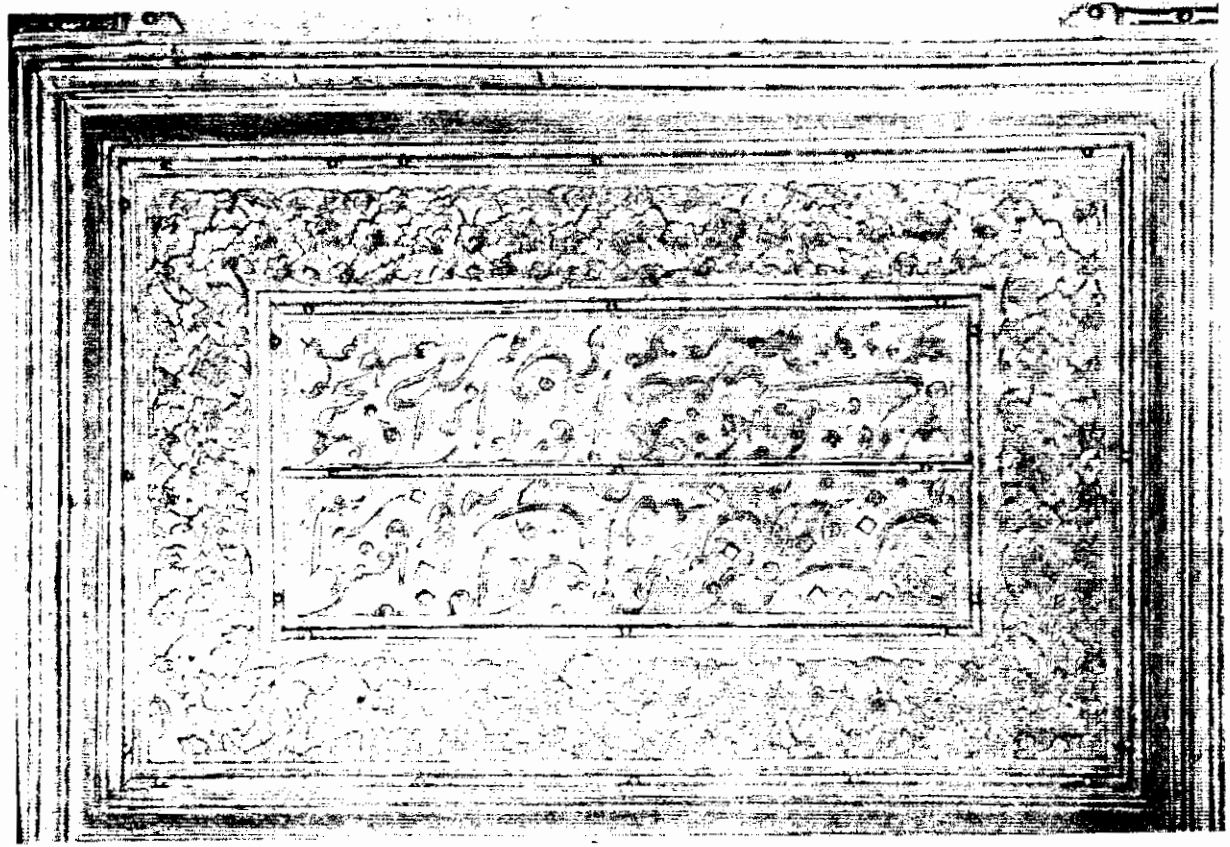

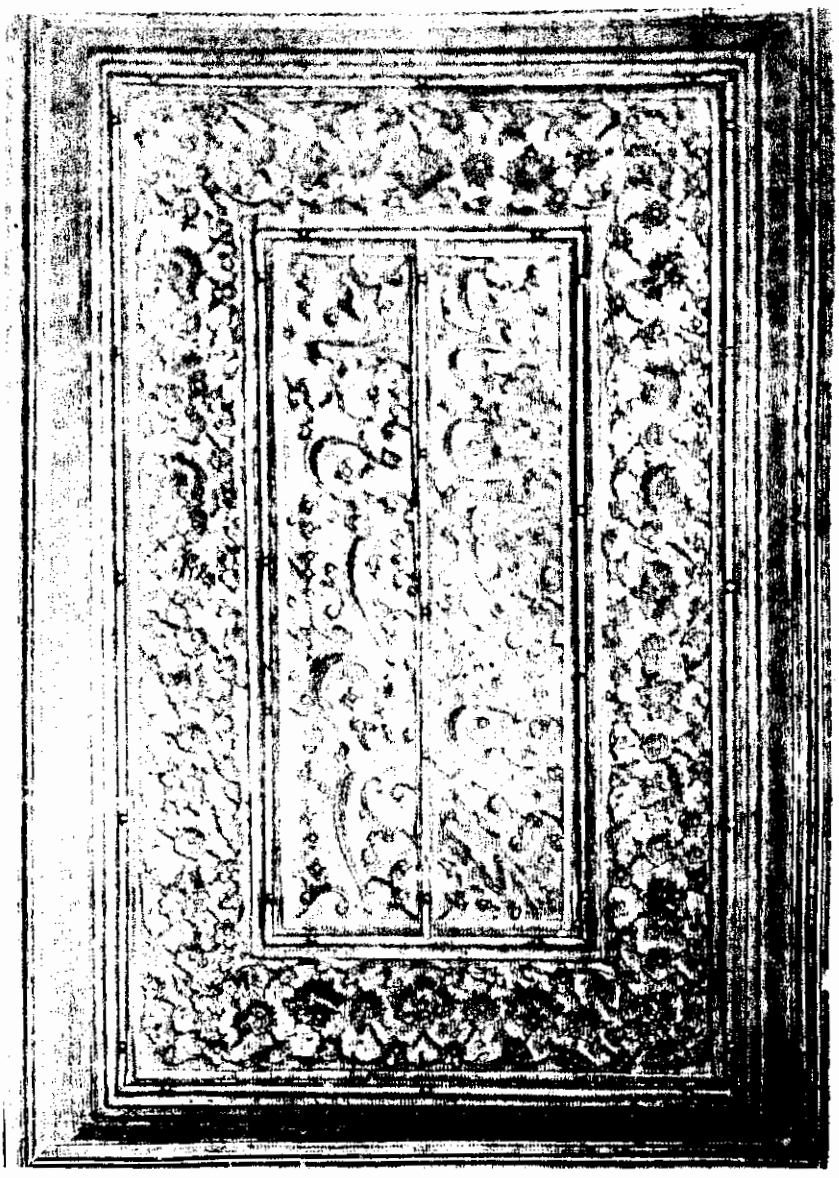

(۱۰) سردر جنوبی بقعه

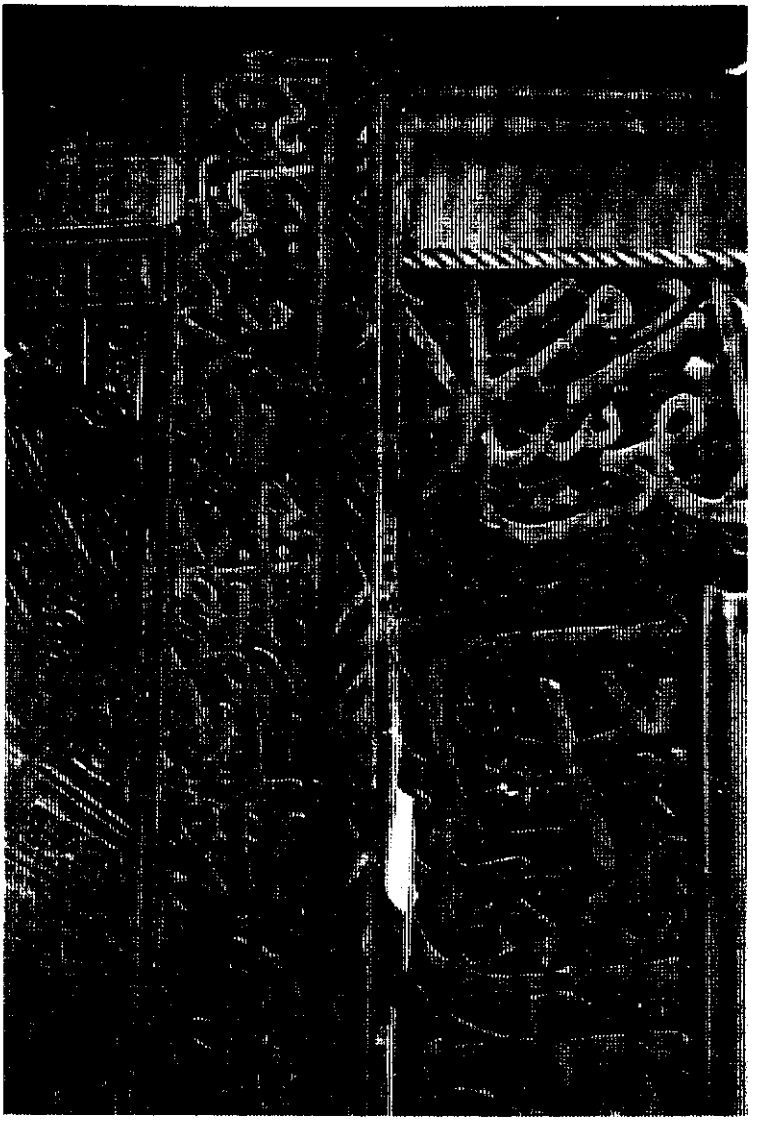

(۱۱) پایان کتابه سردر شرقی صندوق منبت مشتمل بر تاریخ آن (۸۰۶)

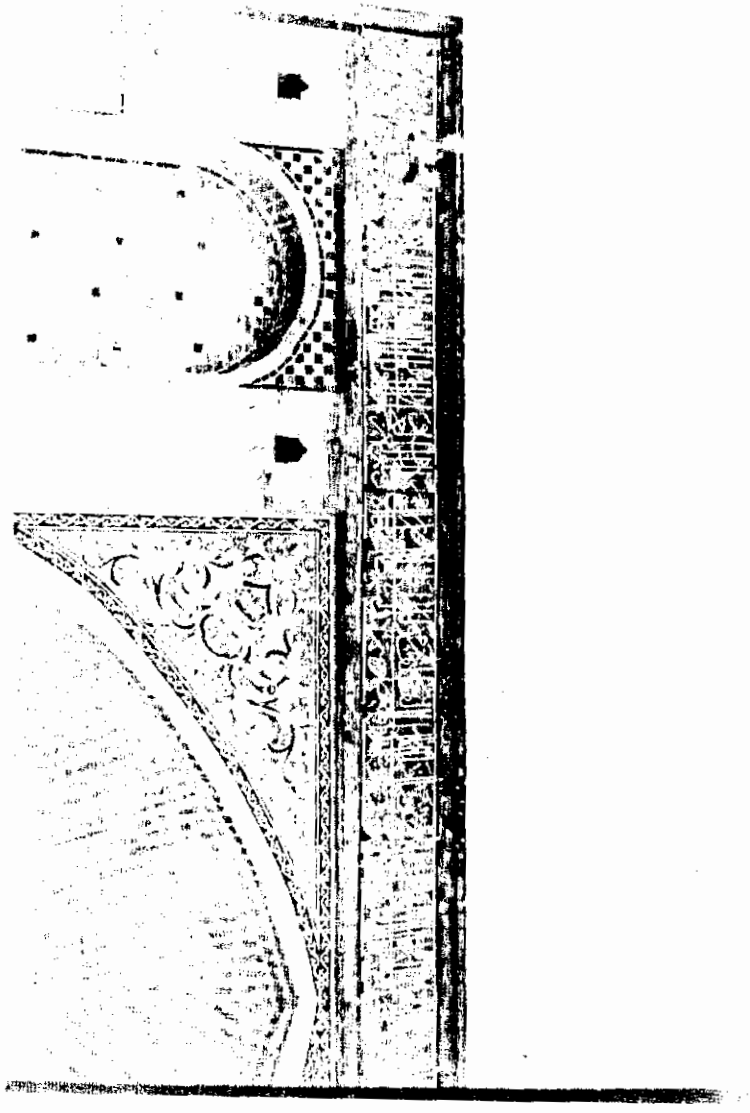

(۱۲) کتابهٔ سردرجنوبی مورخ۱۰٤۰

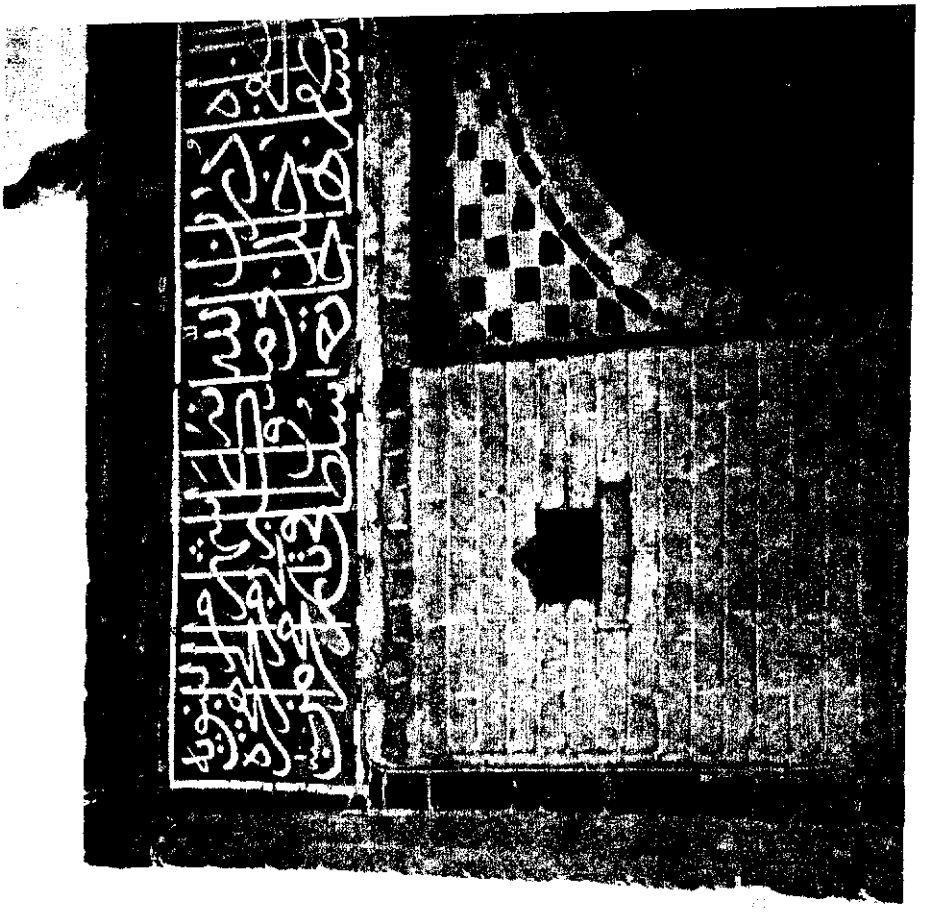

(۱۳) پایان کتابهٔ سردر جنوبی ... مشتمل برتاریخ آن

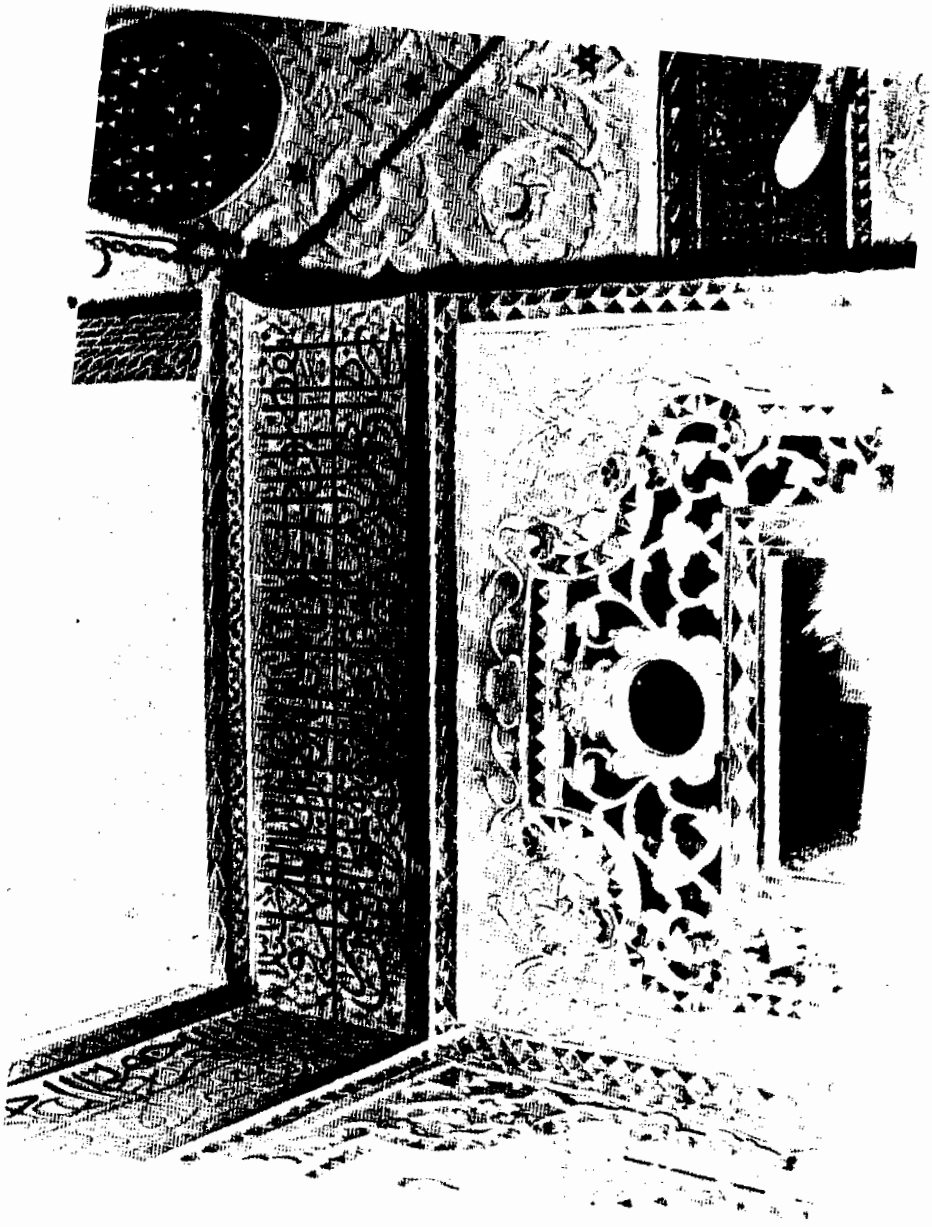

(١٤) انتهای کتیبهٔ حرم

(۱۵) پایان کتیبهٔ آئین نامه فغفور

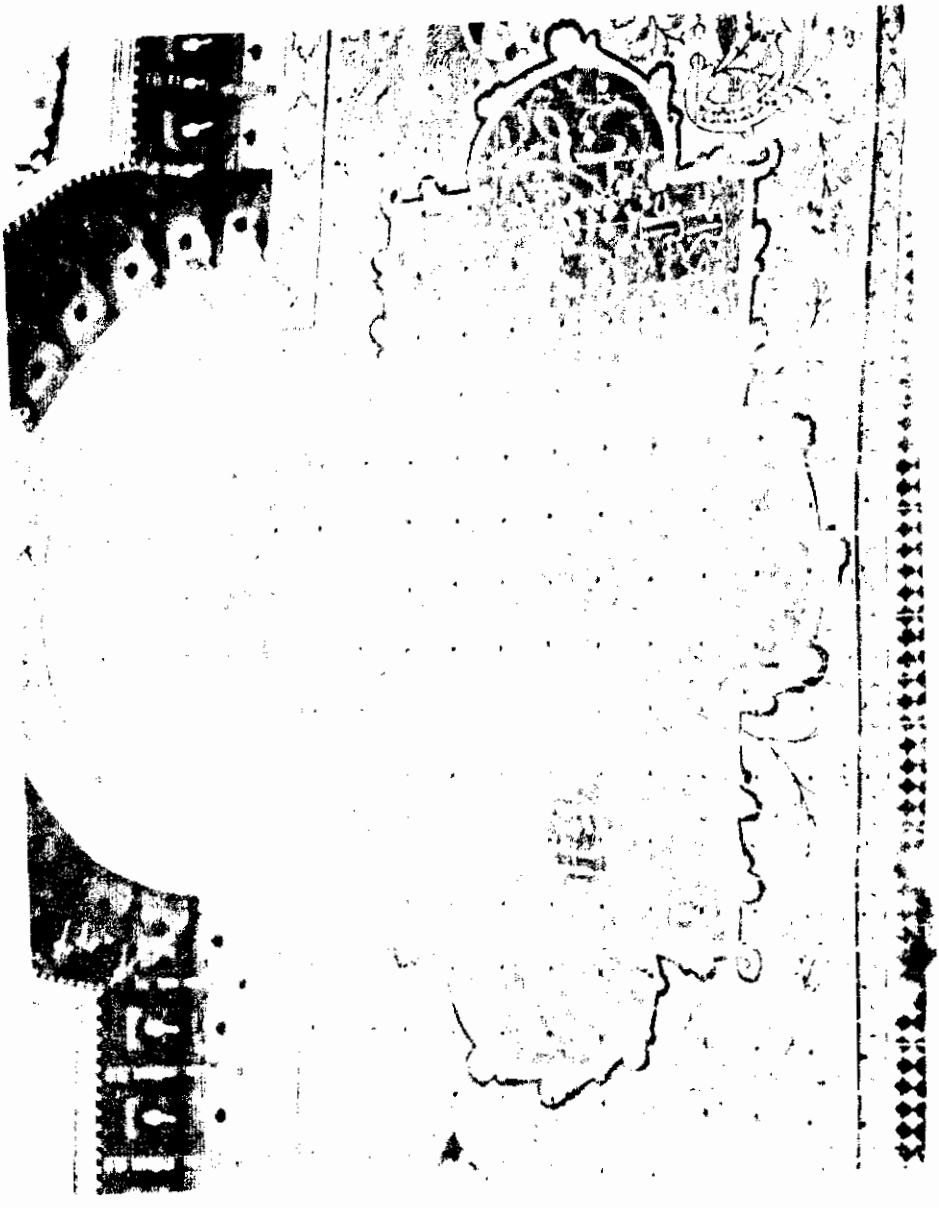

(۱۶) کتیبهٔ شمالی جبه ایوان شمالی

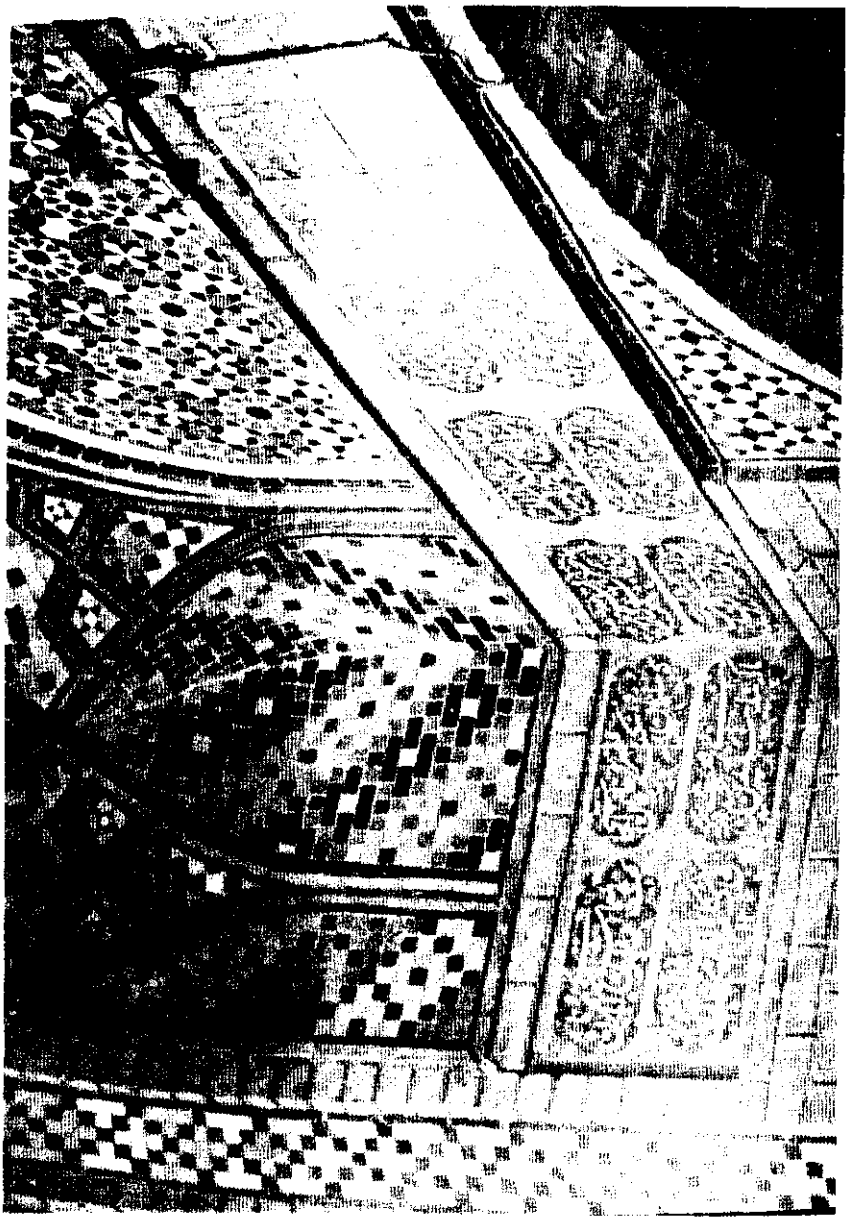

(۱۷) کتیبهٔ در گاه ورود صحن (در گاه شمالی)

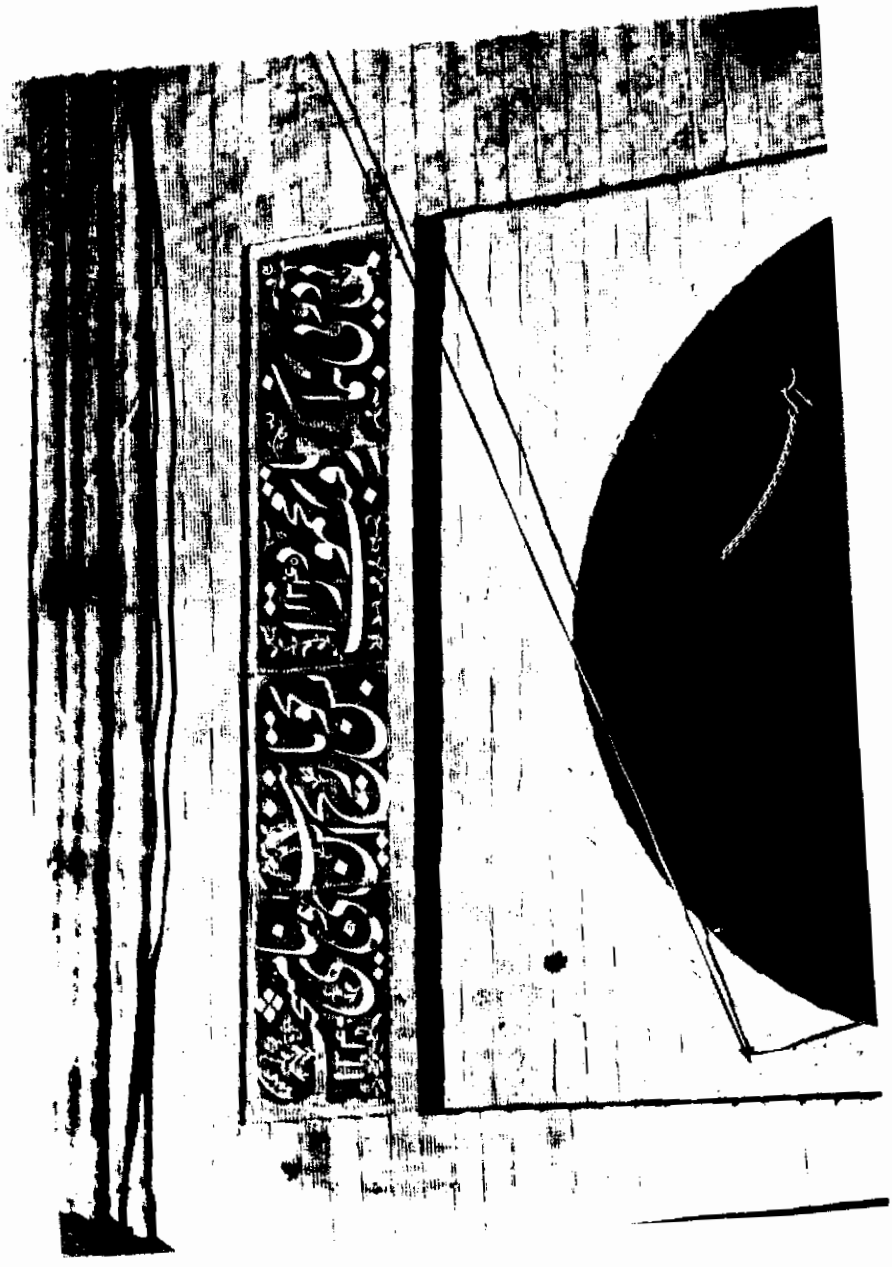

(۱۸) پایان کتیبهٔ سقا خانه صحن

سند شماره ۱ (قسمت اول)

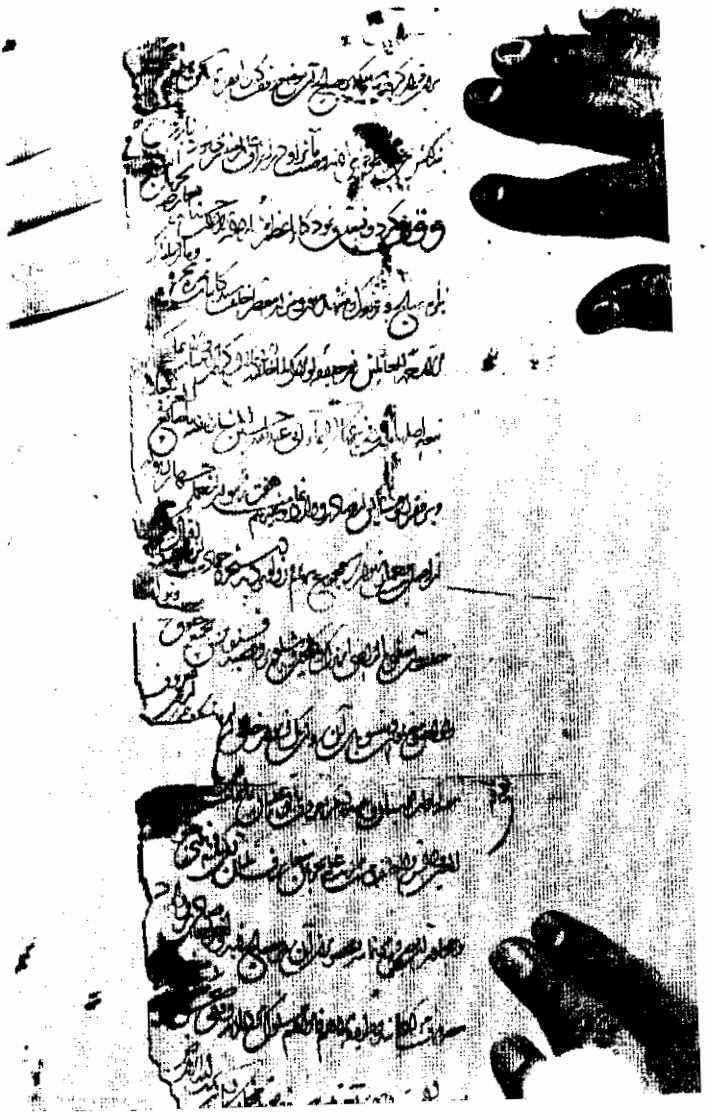

سند شماره ۱ (قسمت دوم)

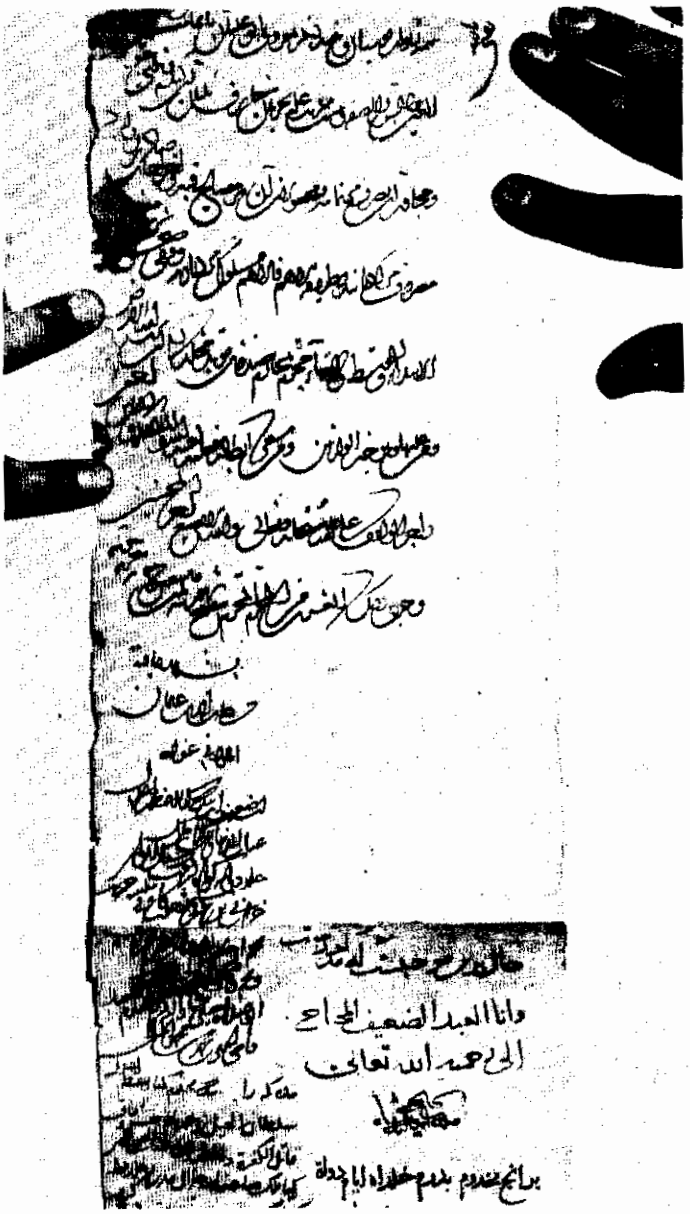

سند شماره ۱ (قسمت سوم)

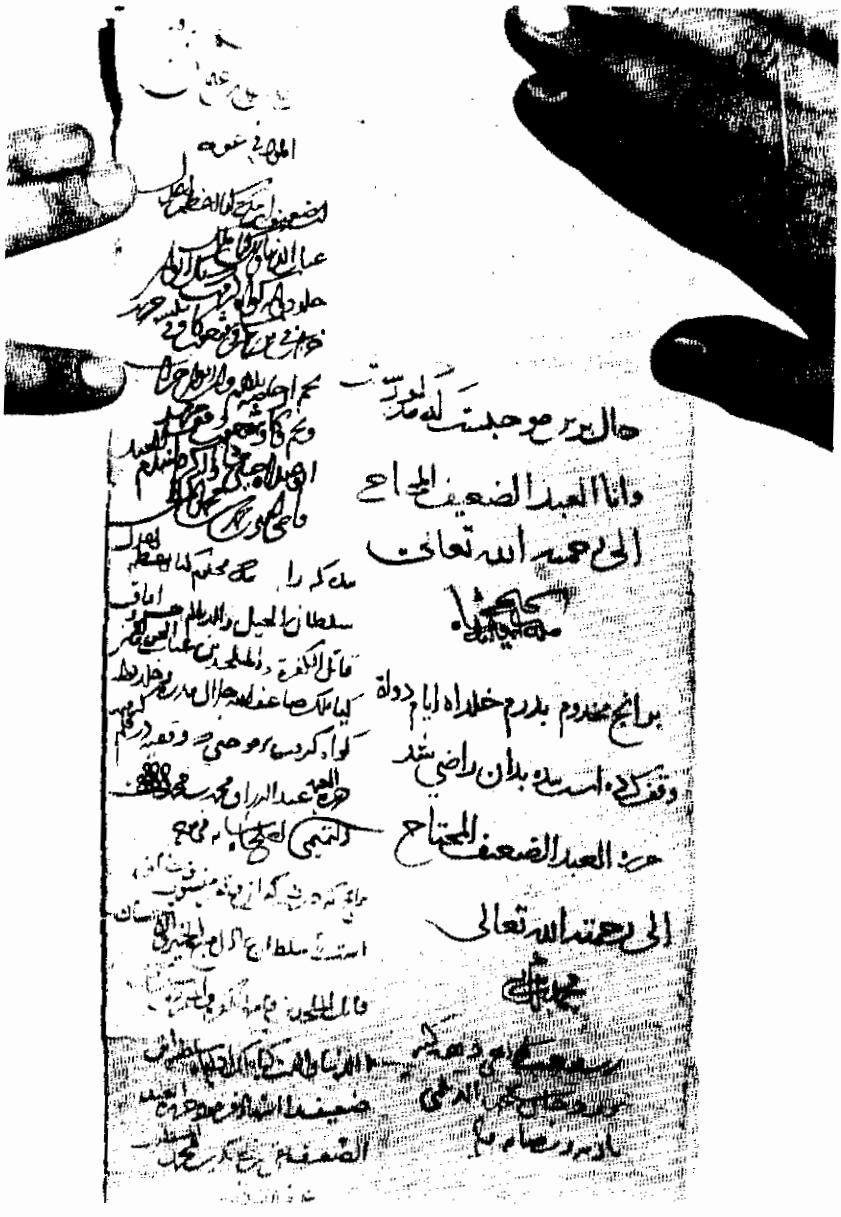

سند شماره ۱ (قسمت چهارم)

سند شماره ۳ حکم شرعی (قسمت اول)

سند شماره ۳ حکم شرعی (قسمت دوم)

سند شماره ۳ حکم شرعی (قسمت سوم)

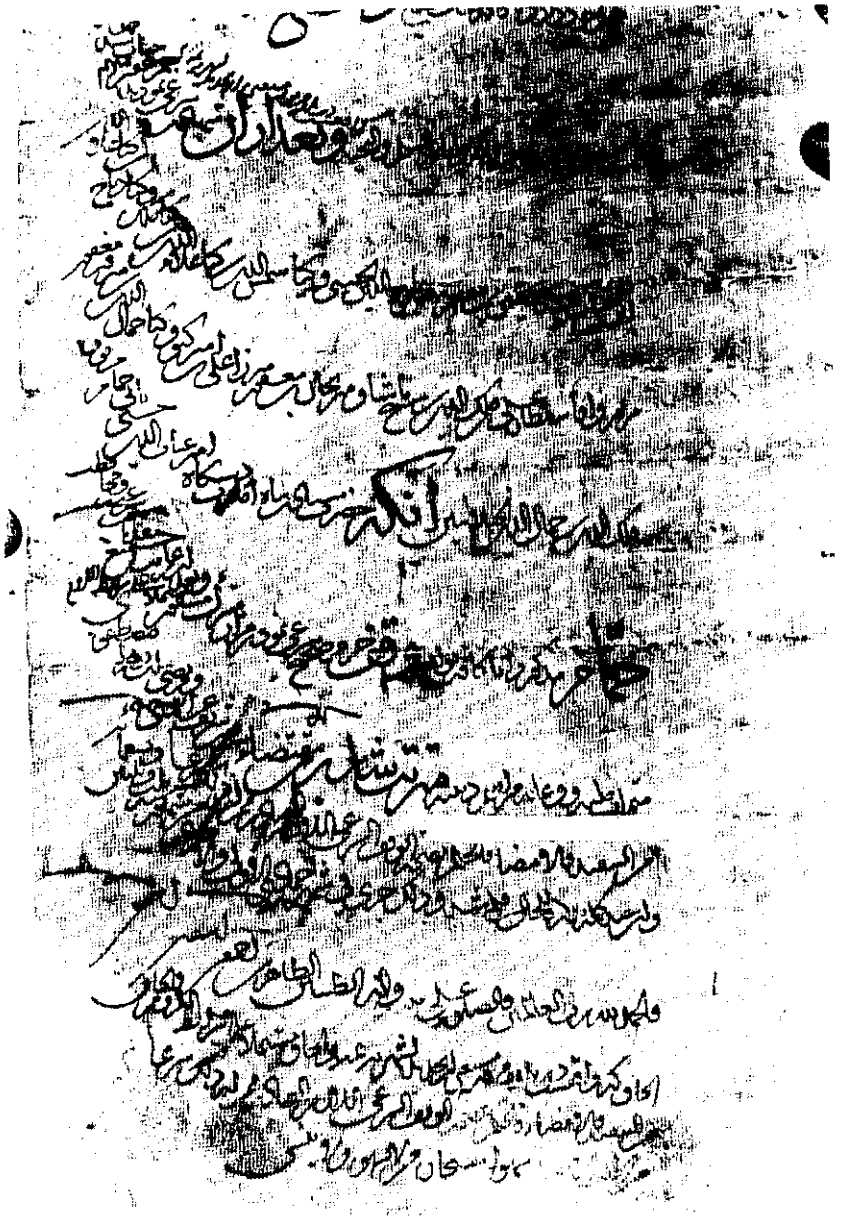

سند شماره ۳ حکم شرعی (قسمت چهارم)

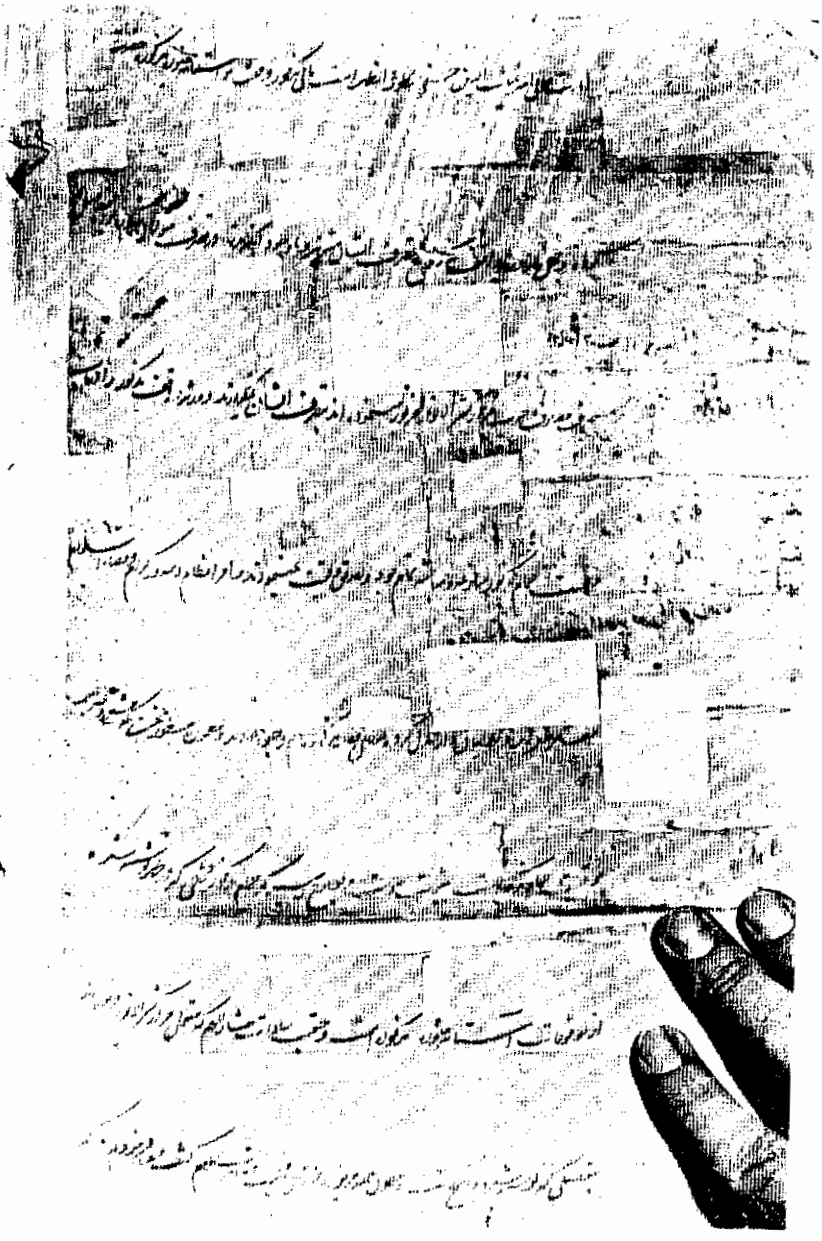

سند شماره ۳ فرمان شاه طهماسب (قسمت اول)

سند شماره ۳ فرمان شاه طهماسب (قسمت دوم)

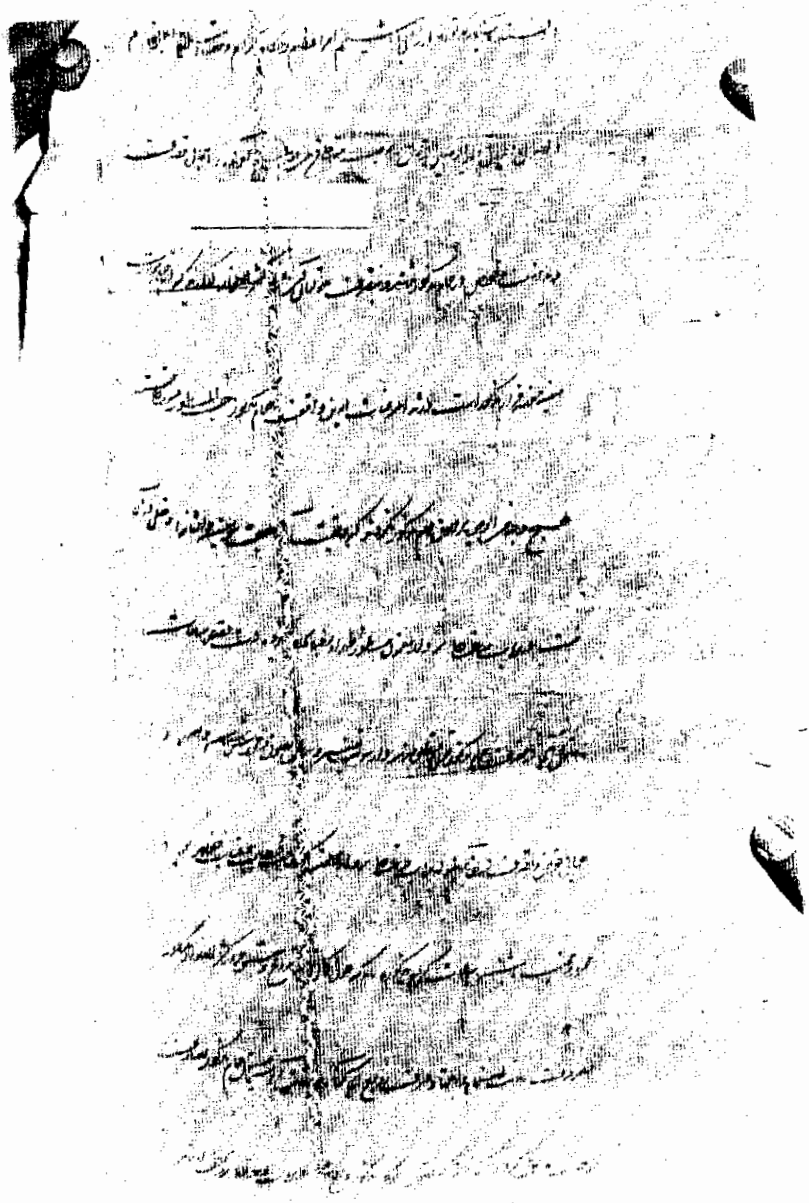

سند شماره ۳ فرمان شاه طهماسب (قسمت سوم)

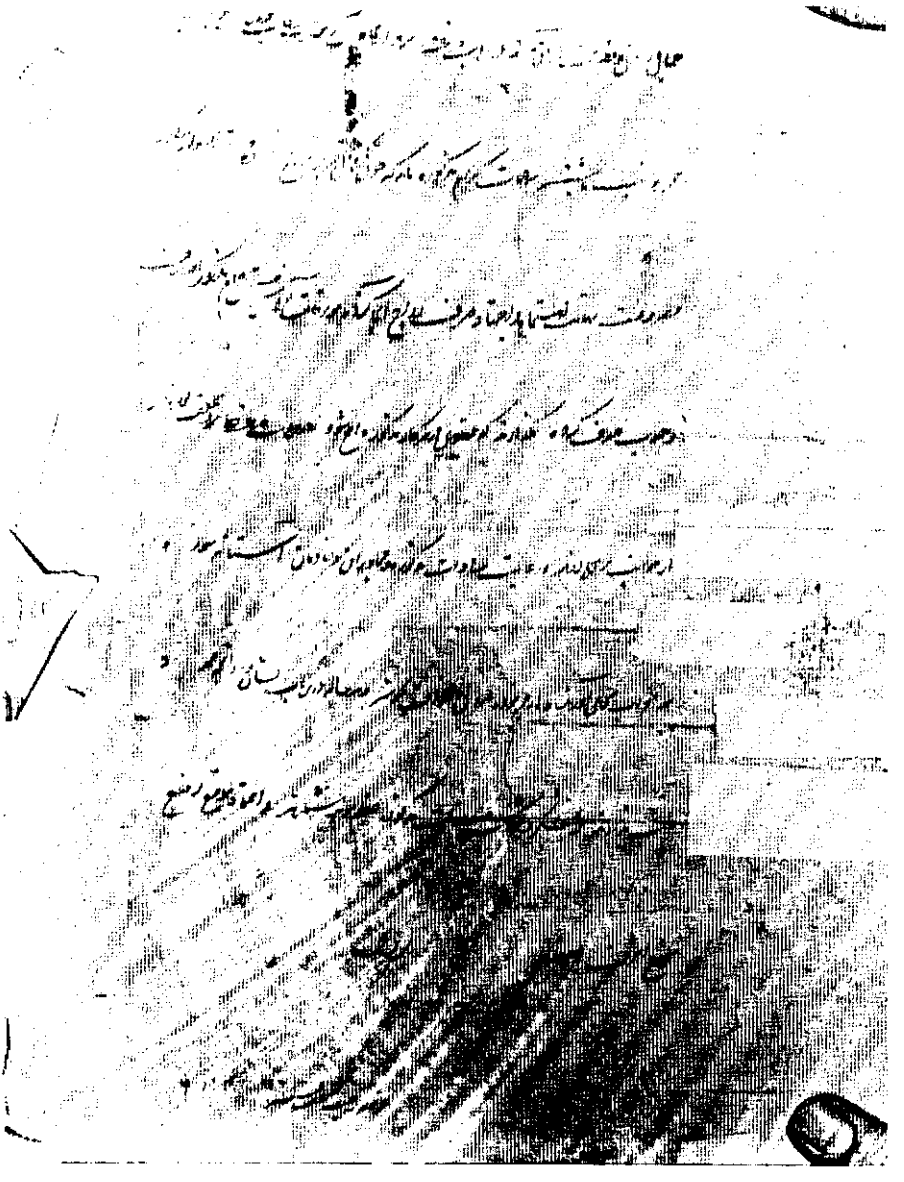

سند شماره ۳ فرمان شاه طهماسب (قسمت چهارم)

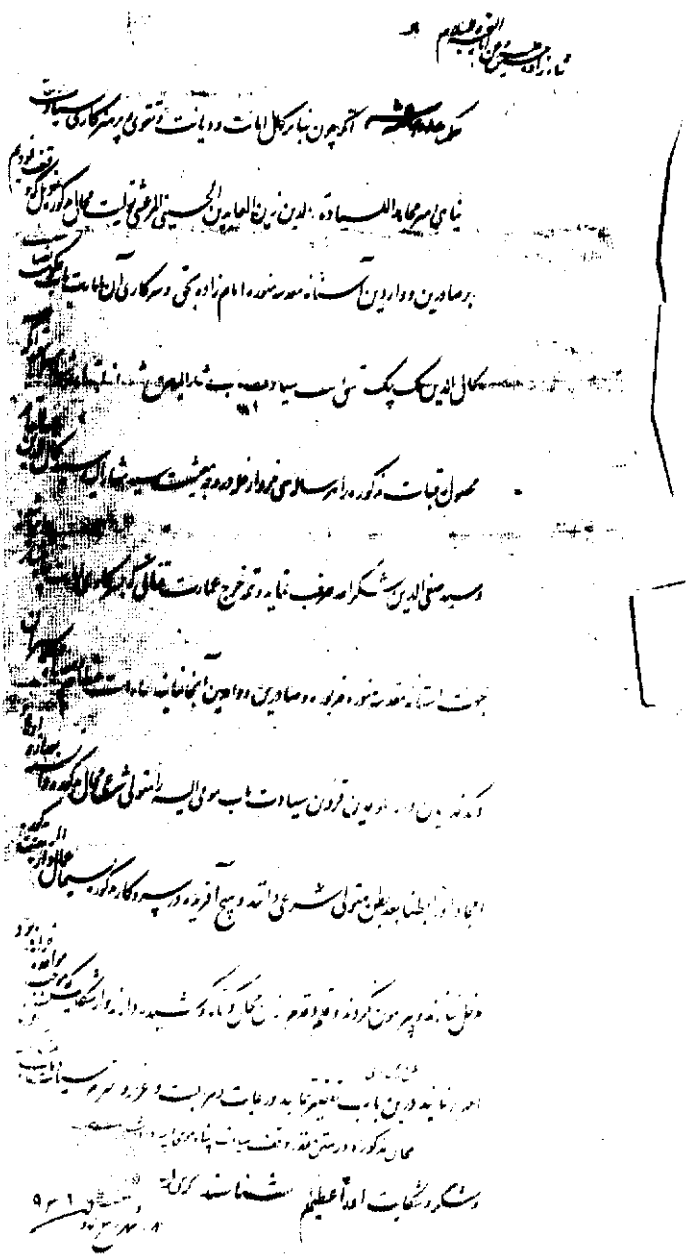

سند شماره ۷

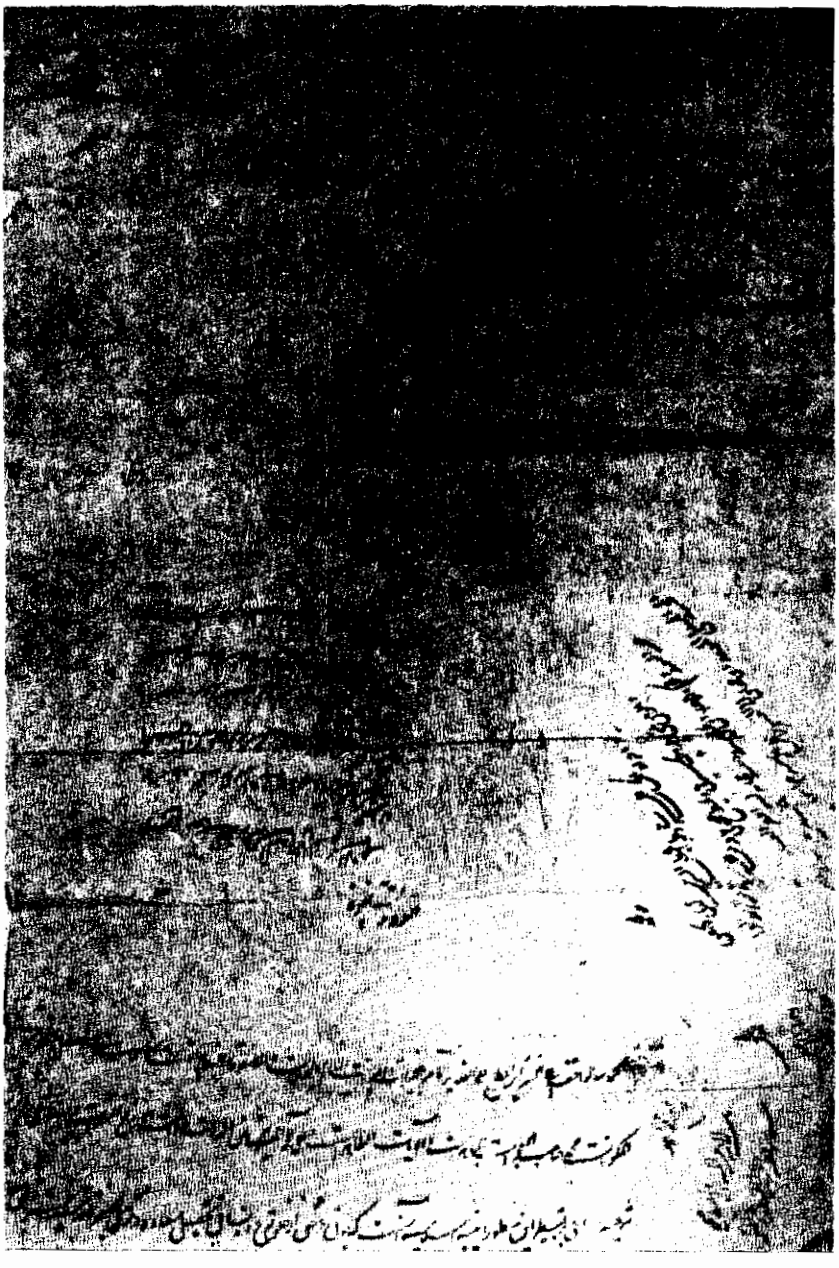

سند شماره ۸ (قسمت اول)

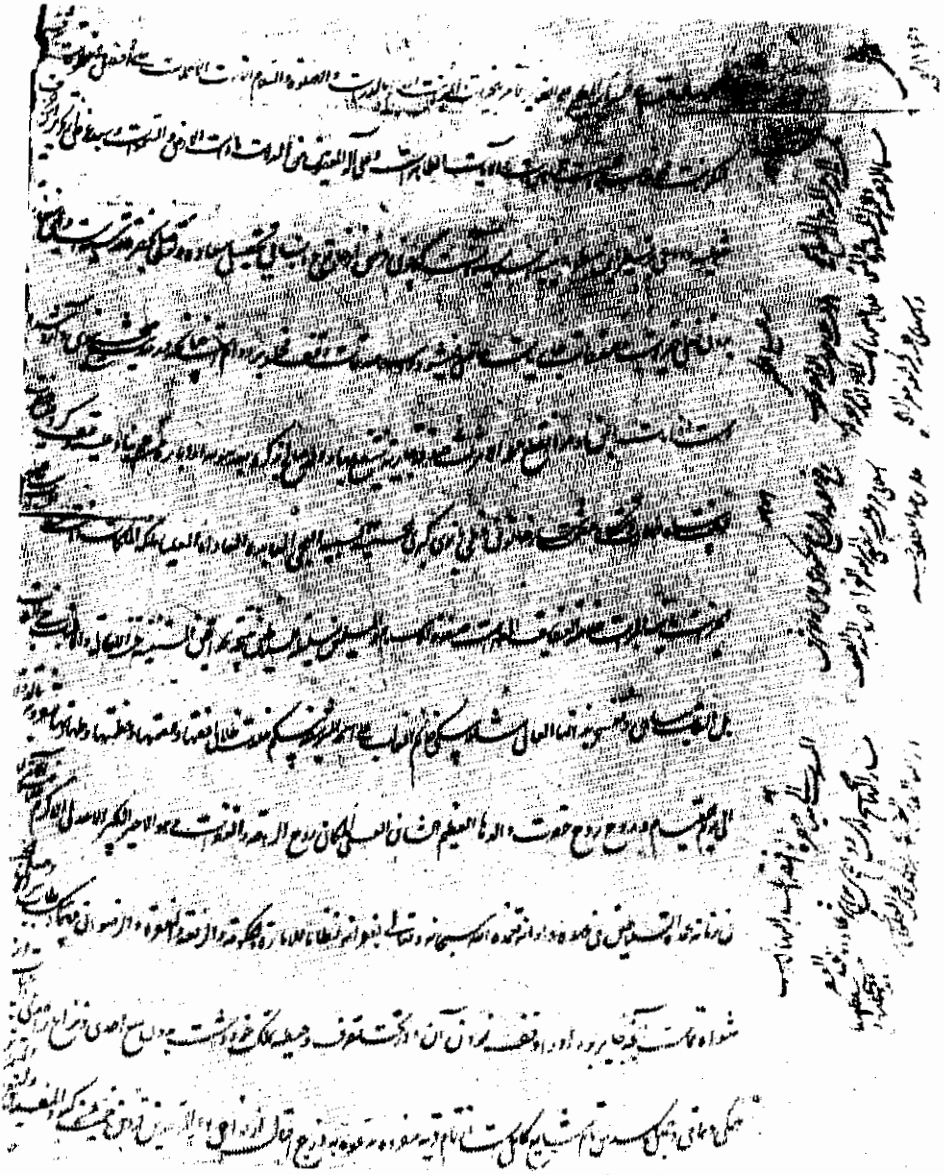

سند شماره ۸ (قسمت دوم)

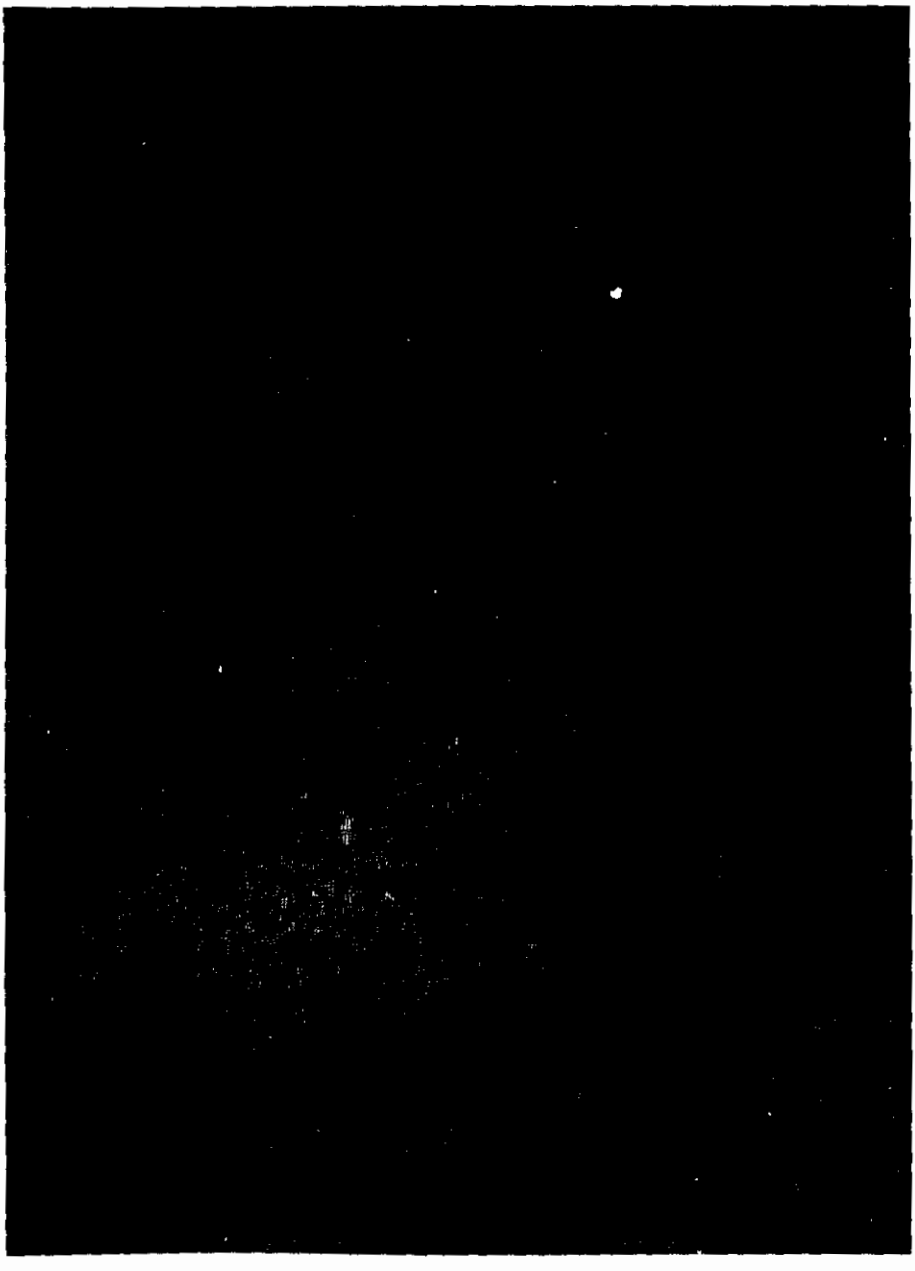

سند شماره ۸ (قسمت سوم)

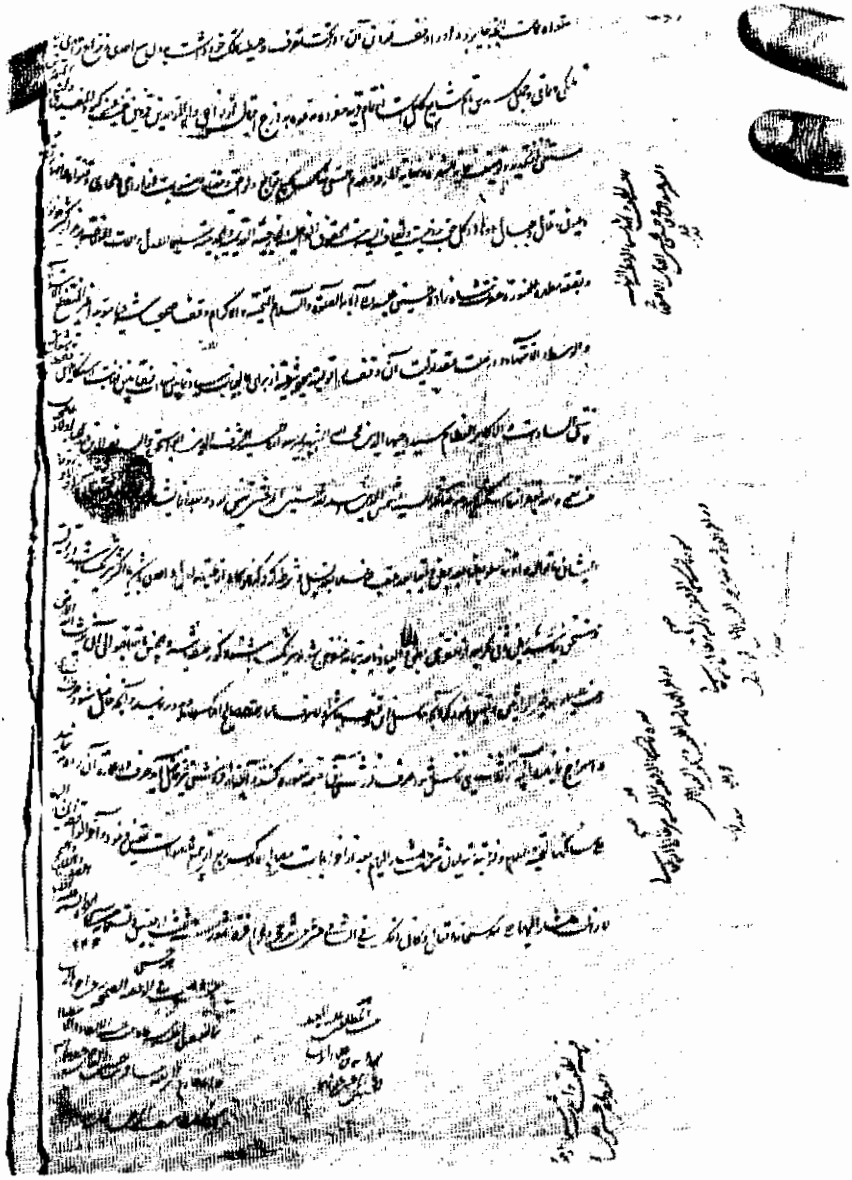

سند شماره ۸ (قسمت چهارم)

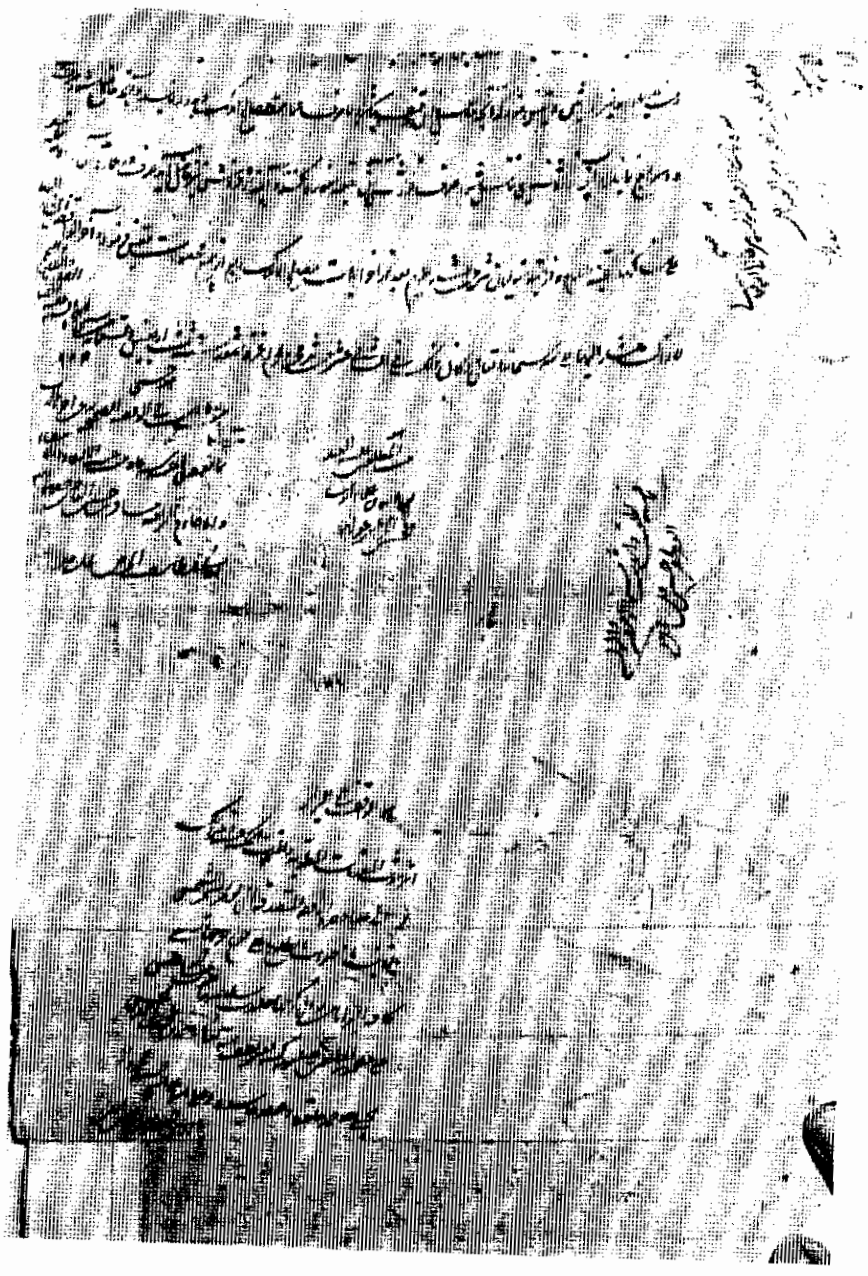

سند شماره ۸ (قسمت پنجم)

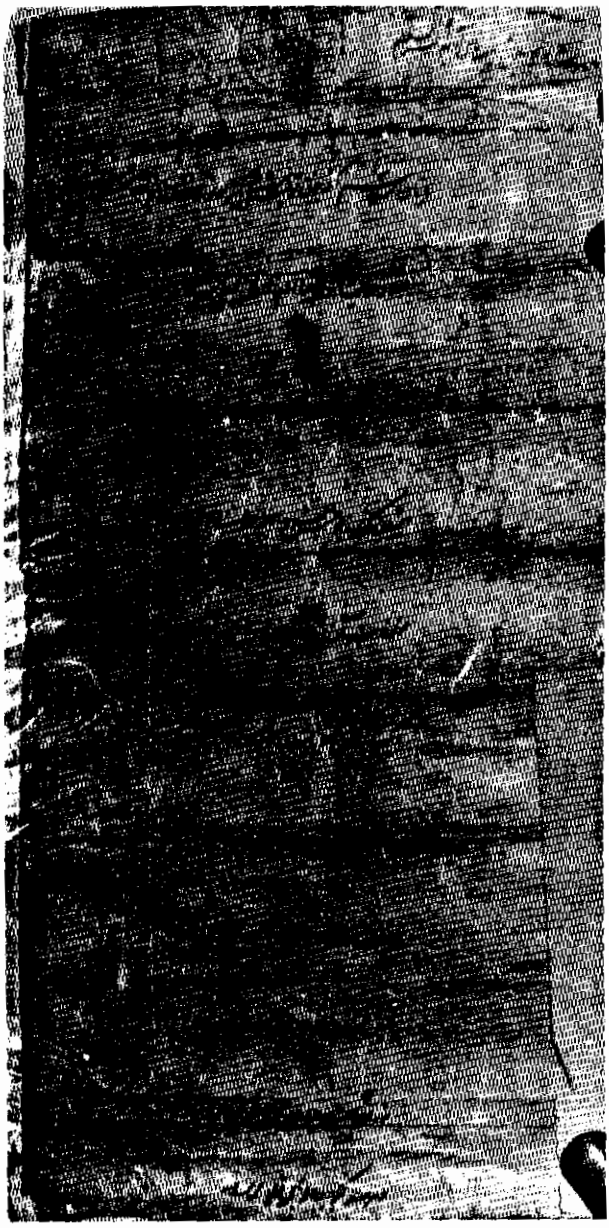

سند شماره ۱۰

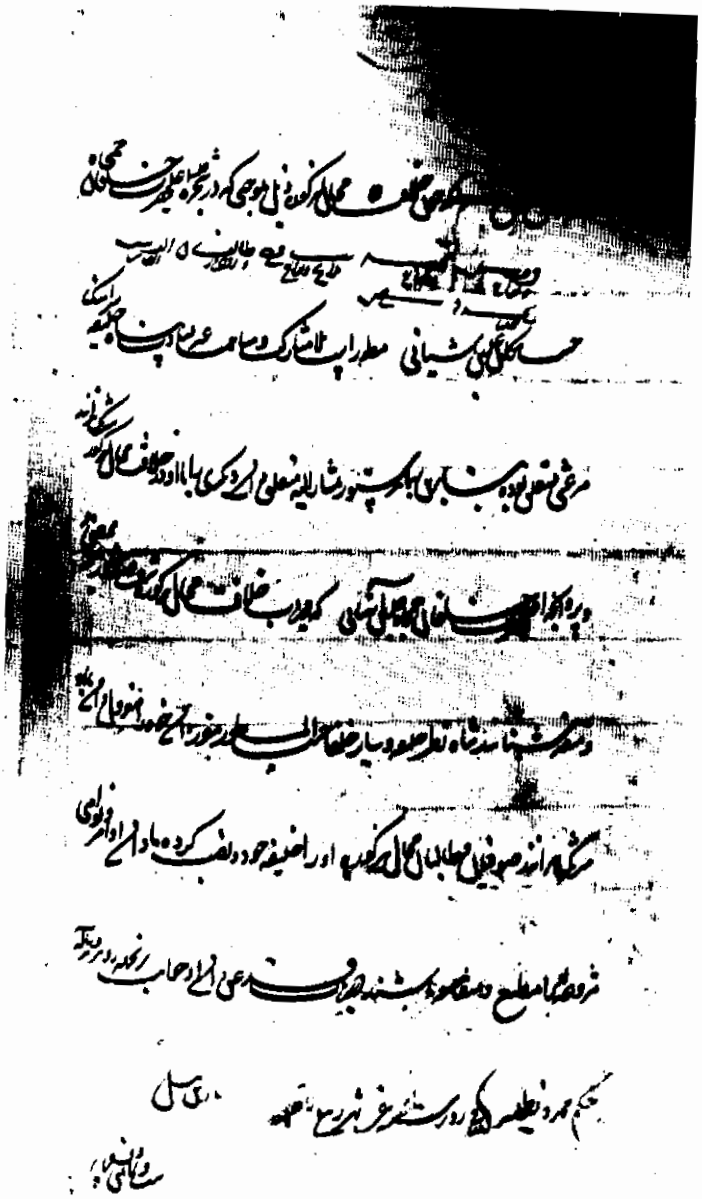

سند شماره ۱۳

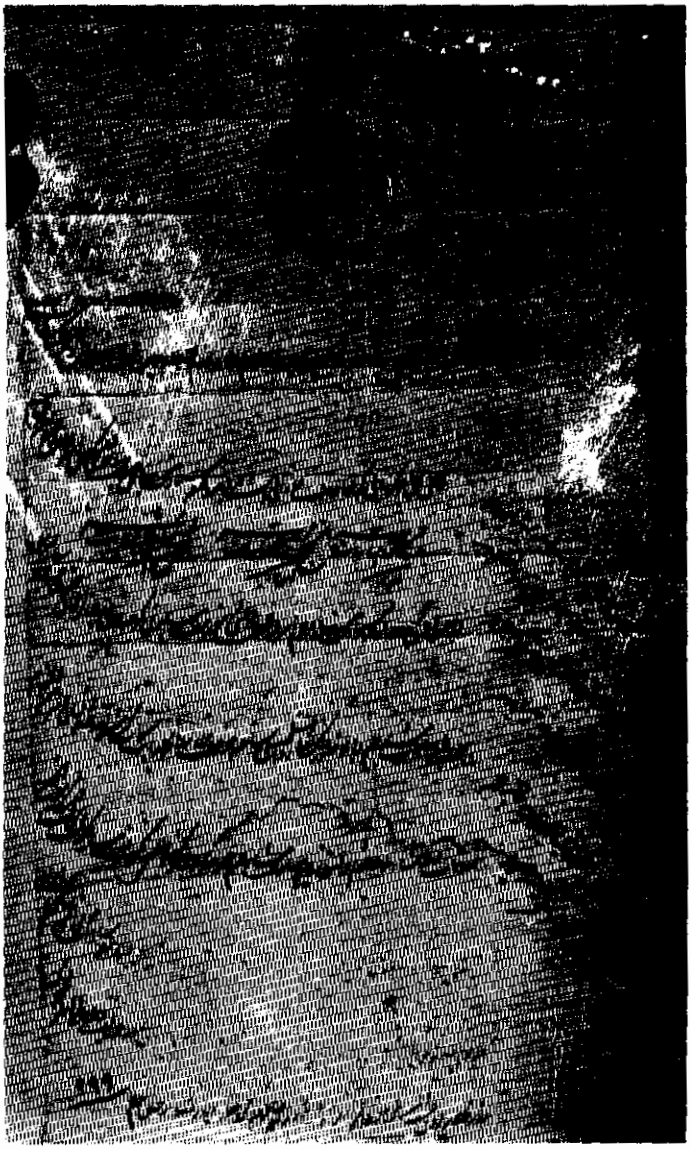

سند شماره ۱٤

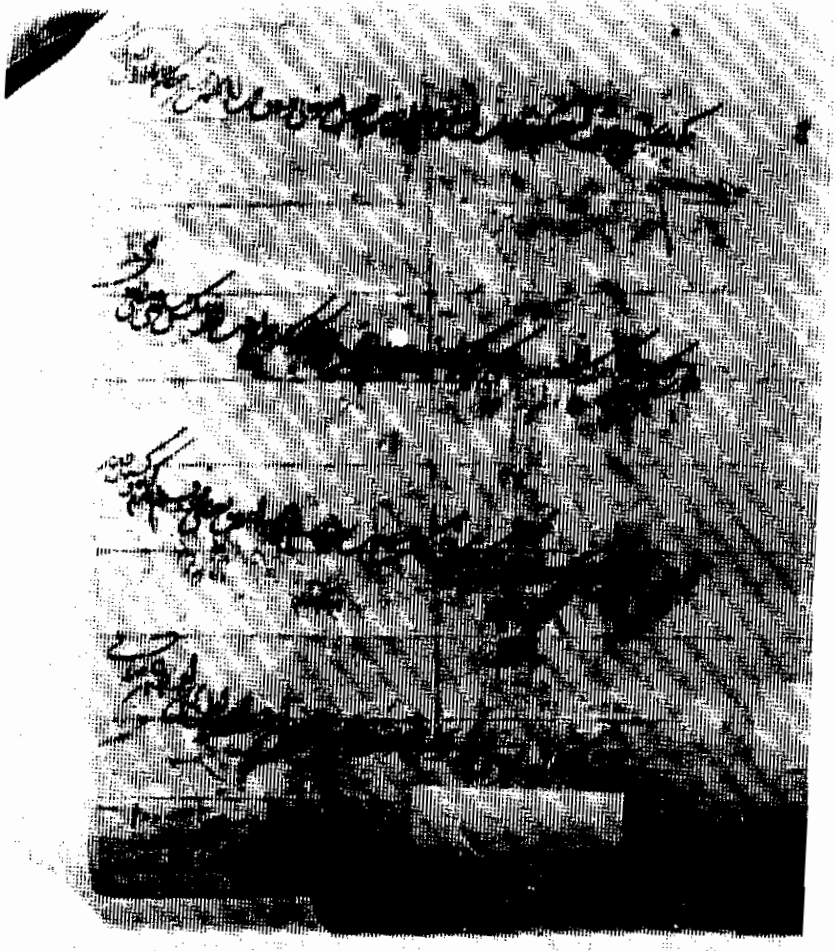

سند شماره ۱۵ (قسمت سوم)

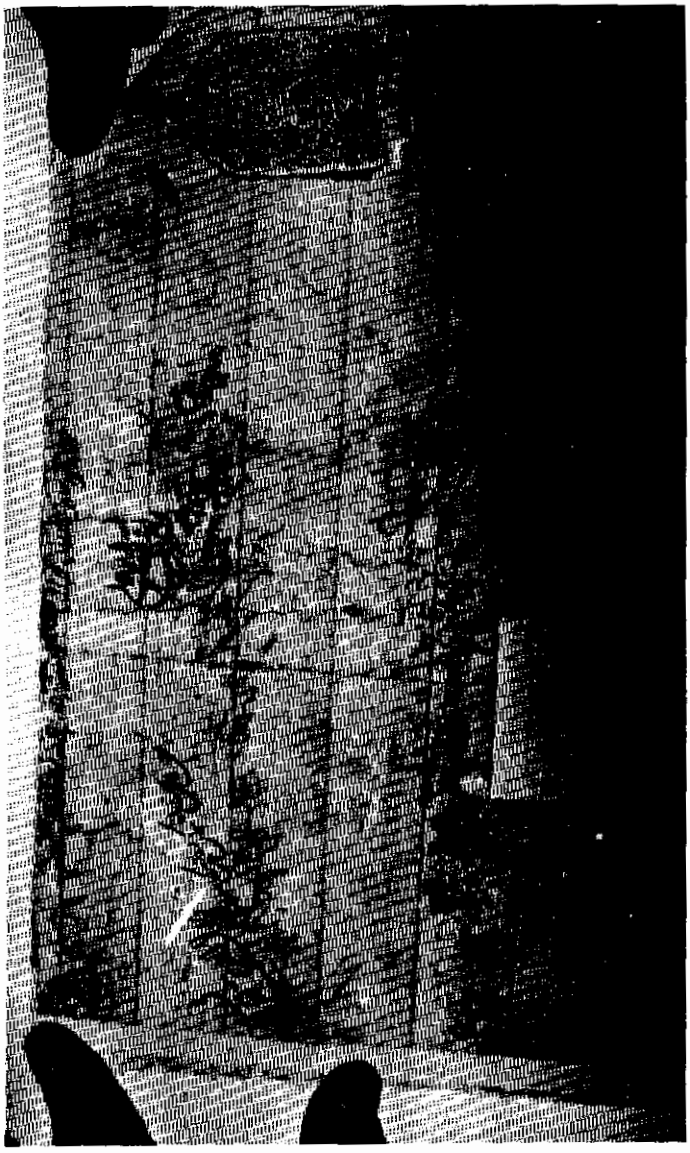

سند شماره ۱۵ (قسمت چهارم ـ پشت سند)

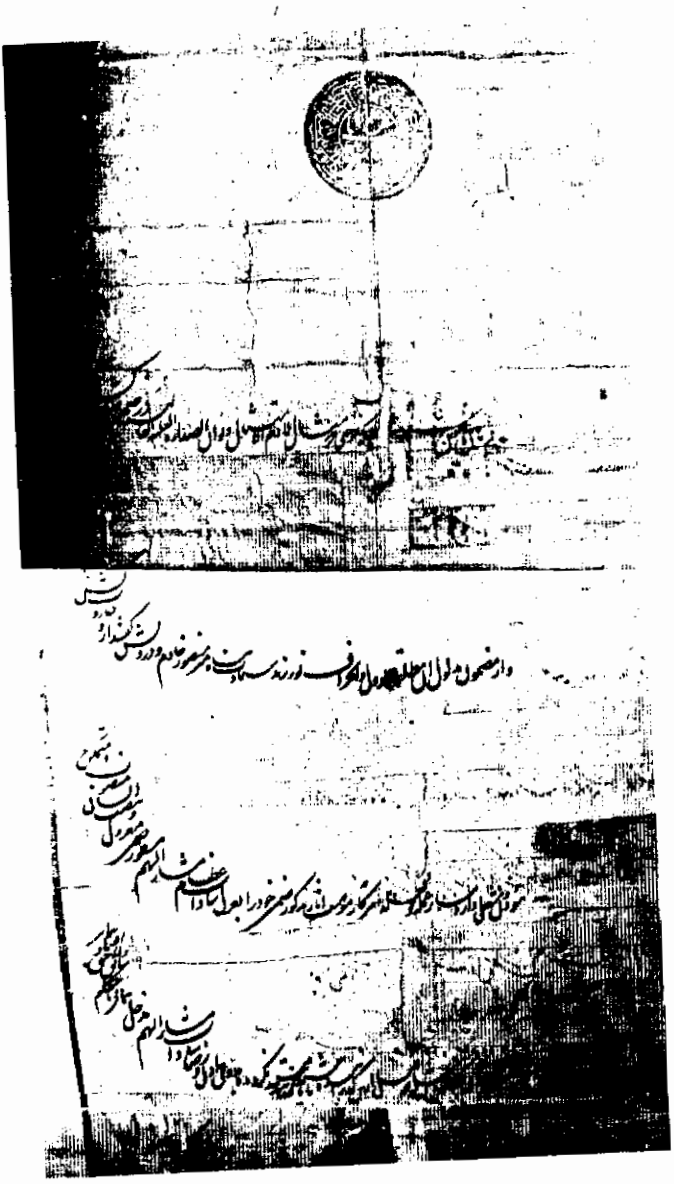

سند شماره ۱۷ (فرمان شاه)

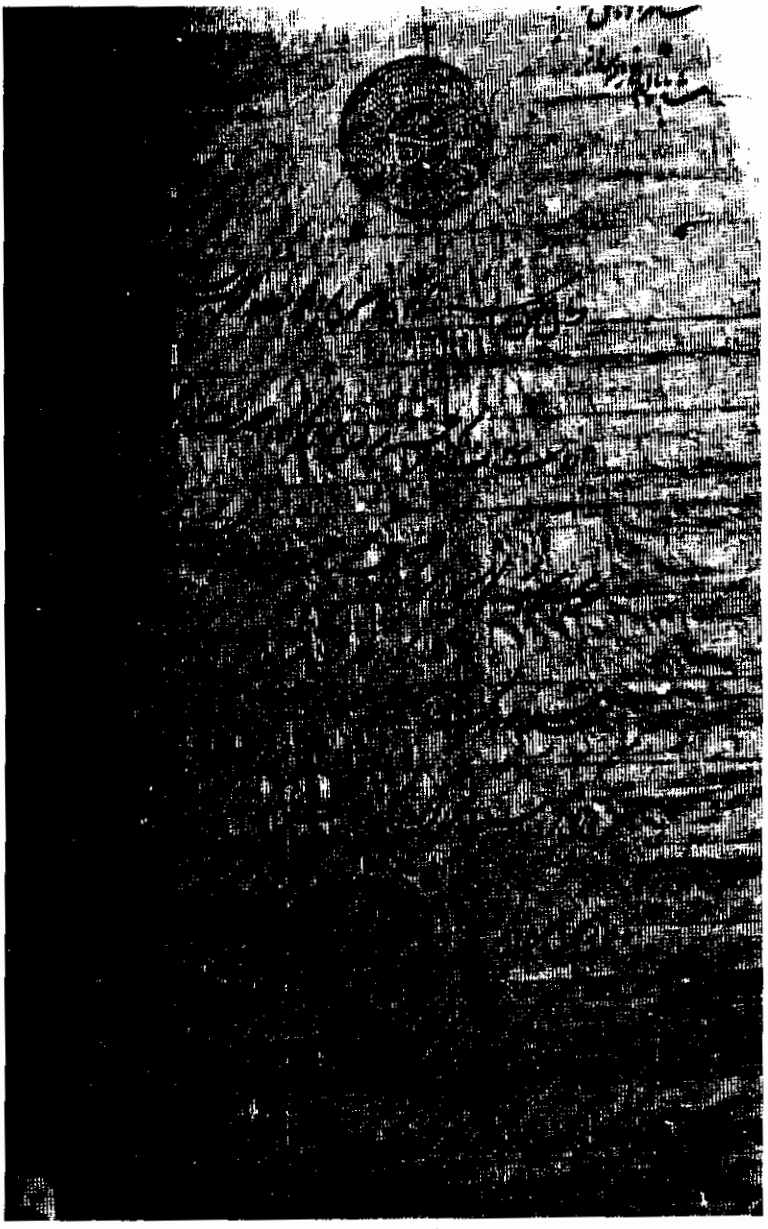

سند شماره ۱۸

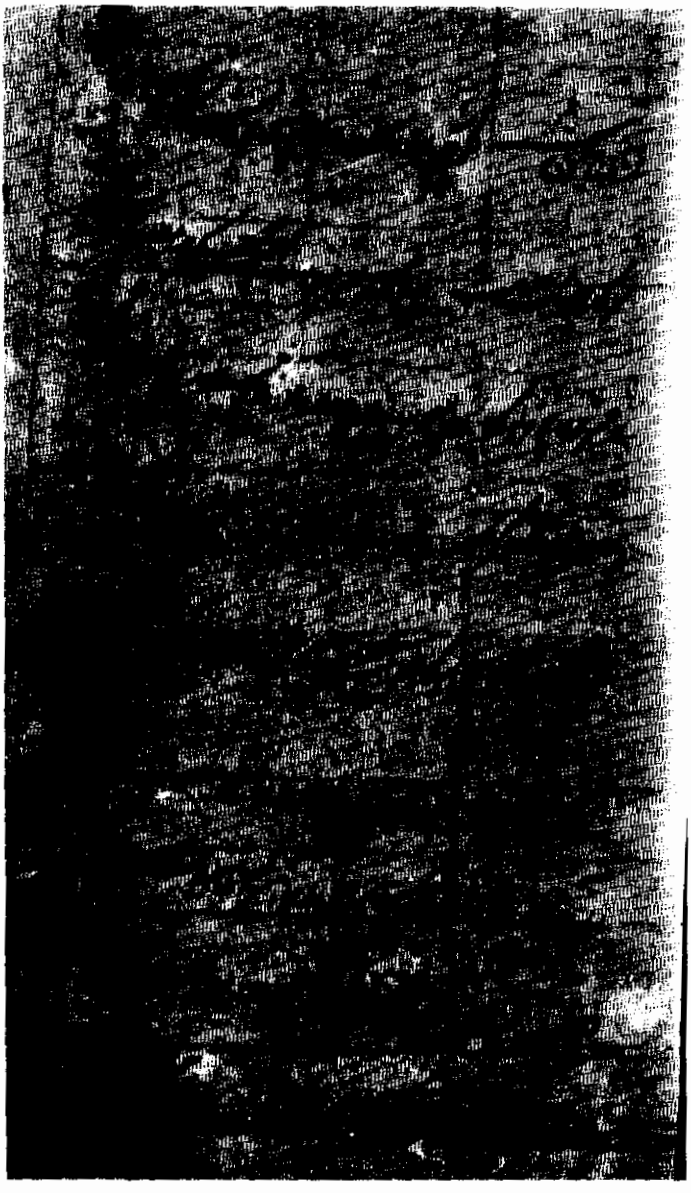

سند شماره ۱۹

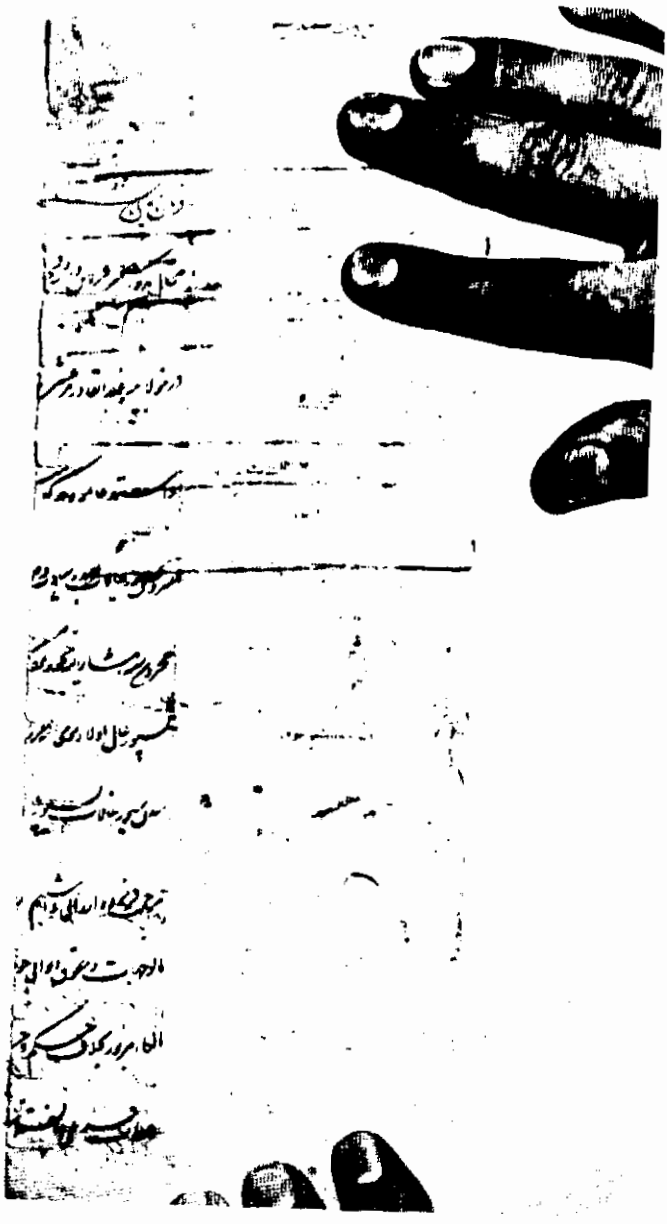

سند شماره ۲۱

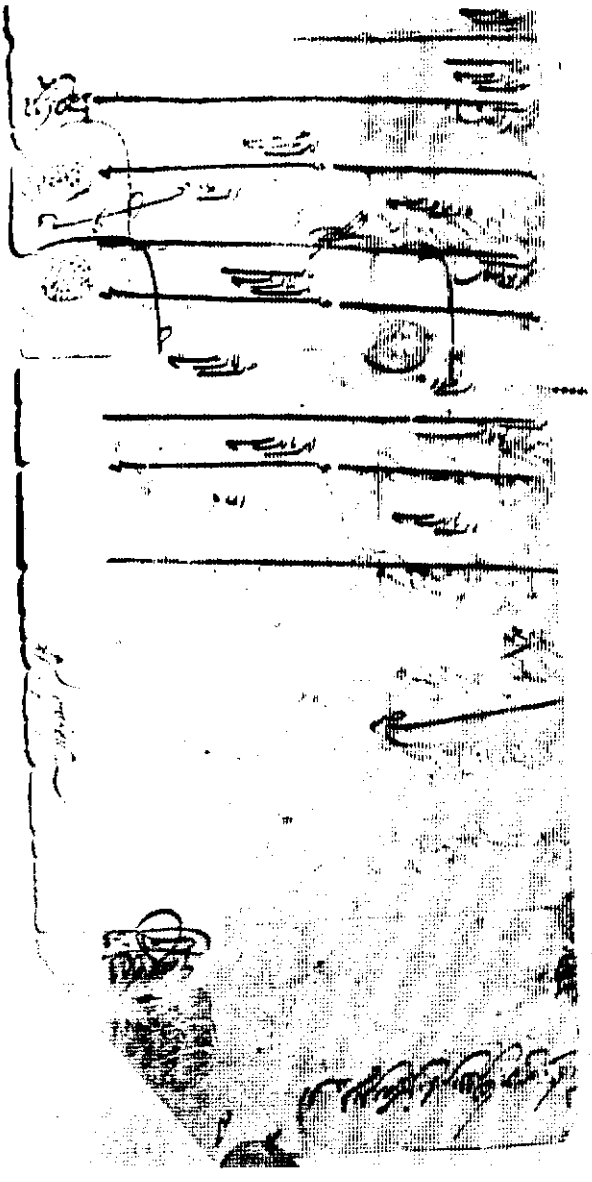

سند شماره ۲۱ (پشت سند)

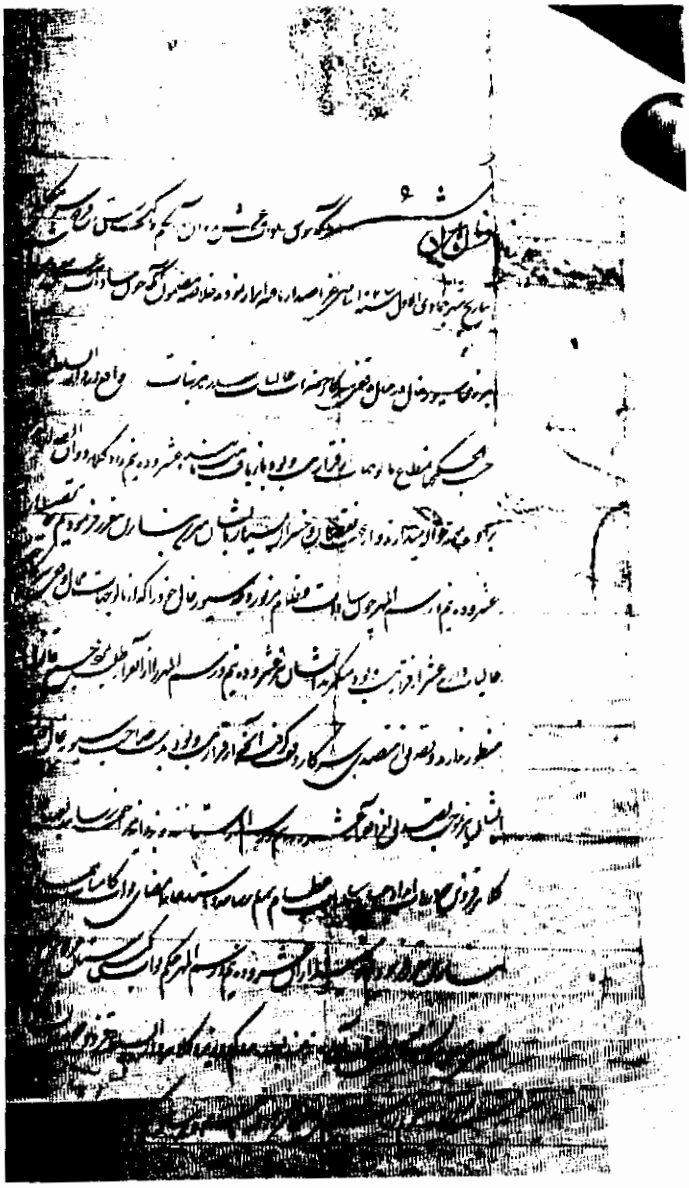

سند شماره ۲۲

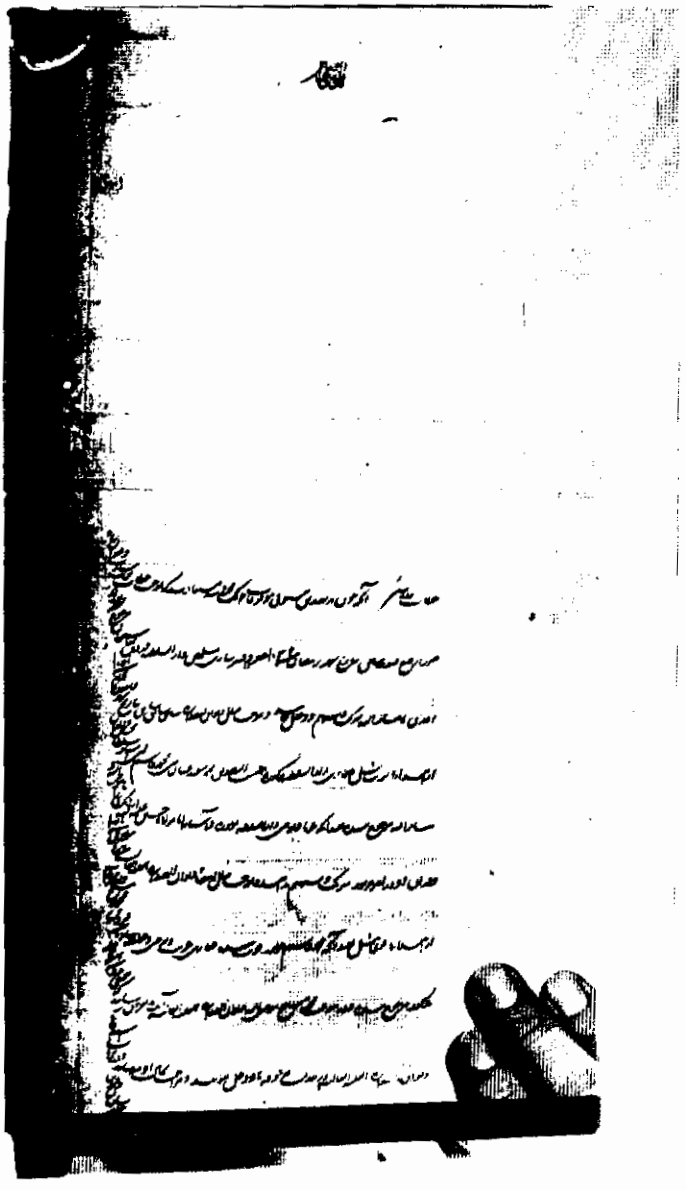

سند شماره ۲۳ (قسمت اول)

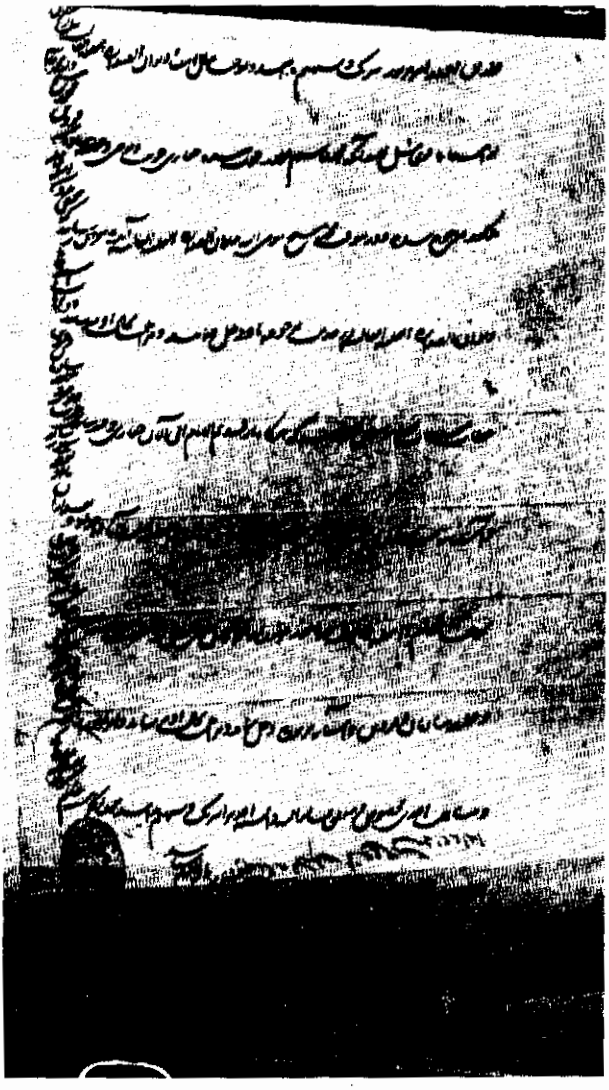

سند شماره ۲۳ (قسمت دوم)

سند شماره ۲٤

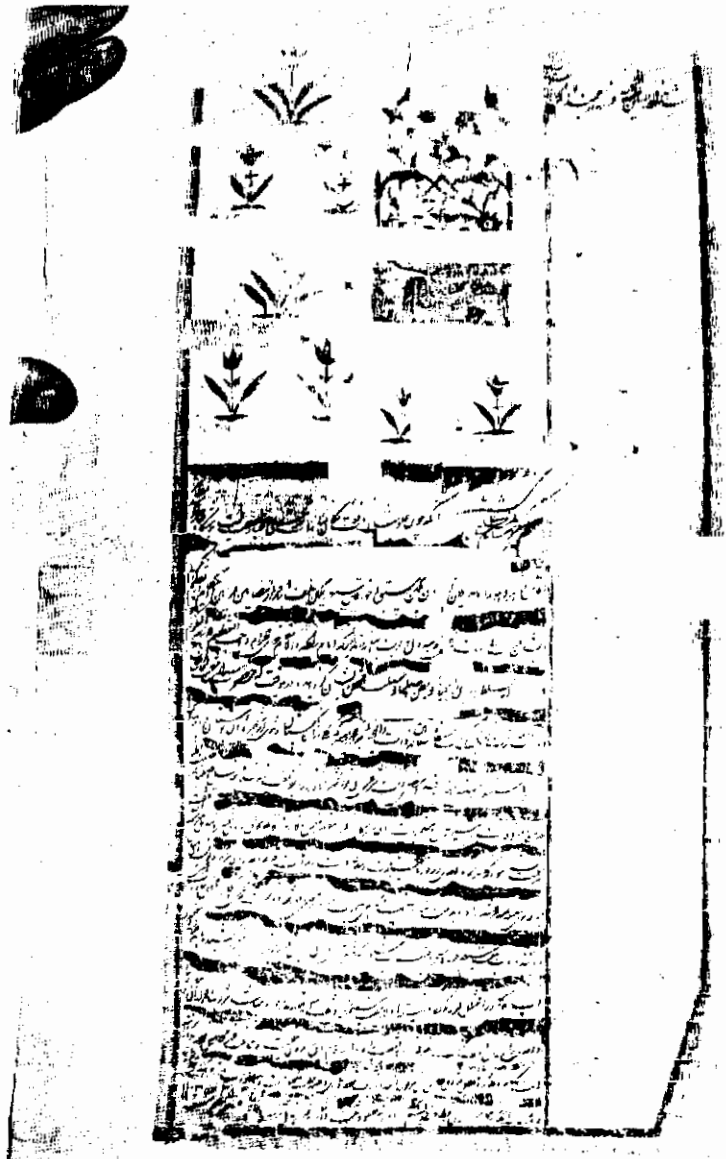

سند شماره ۲۵

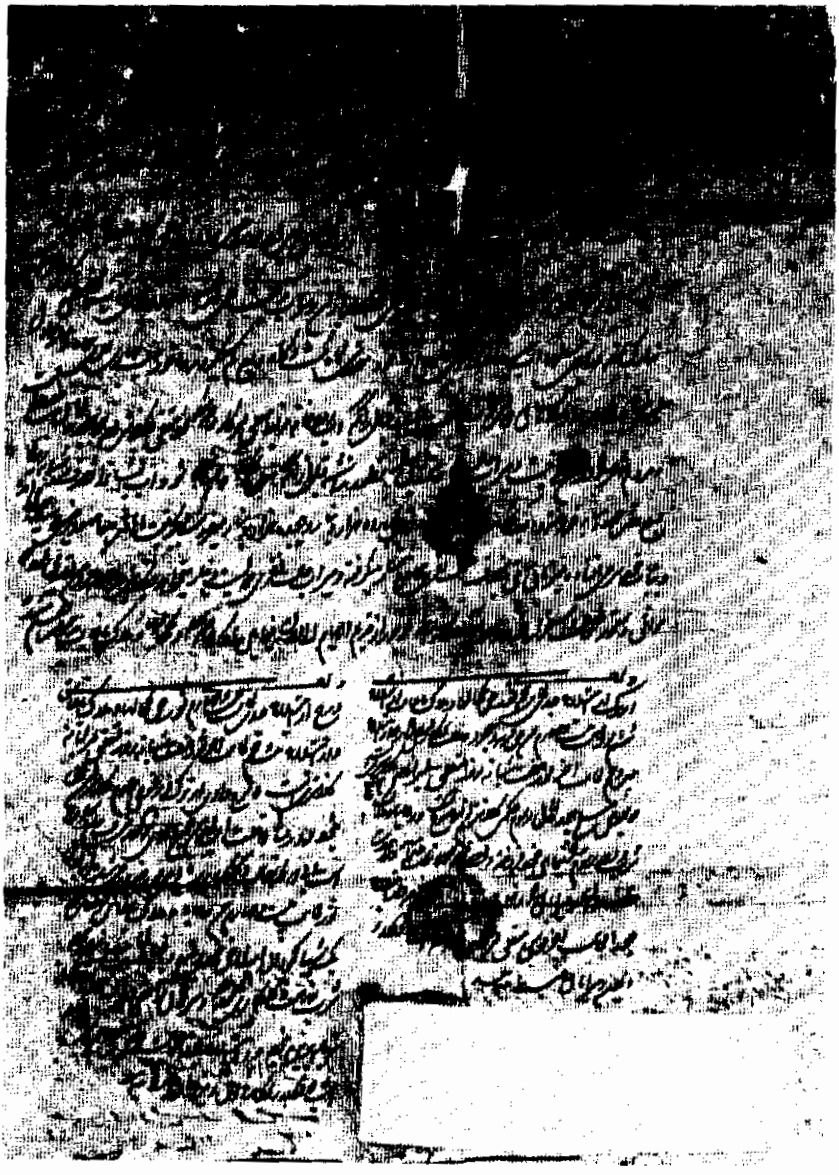

سند شماره ۲۶ (قسمت اول)

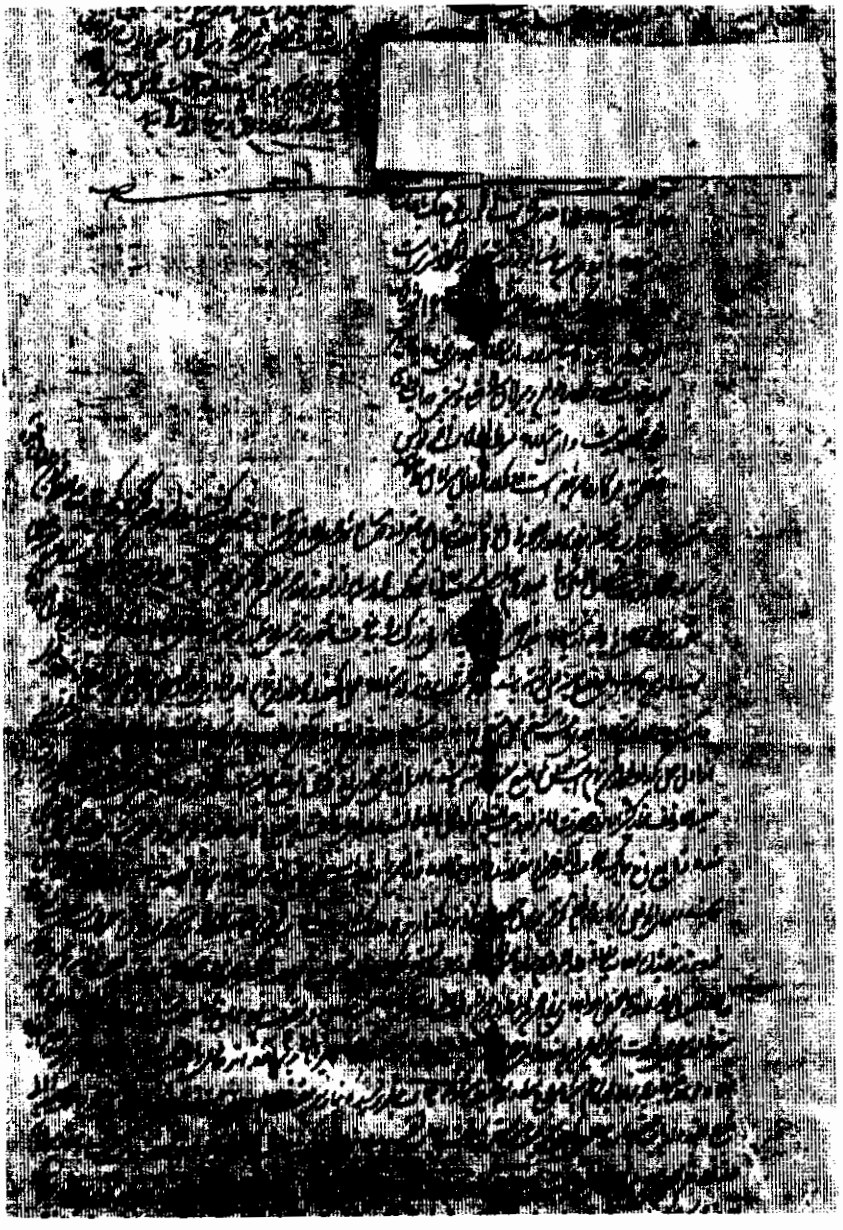

سند شماره ۲۶ (قسمت دوم)

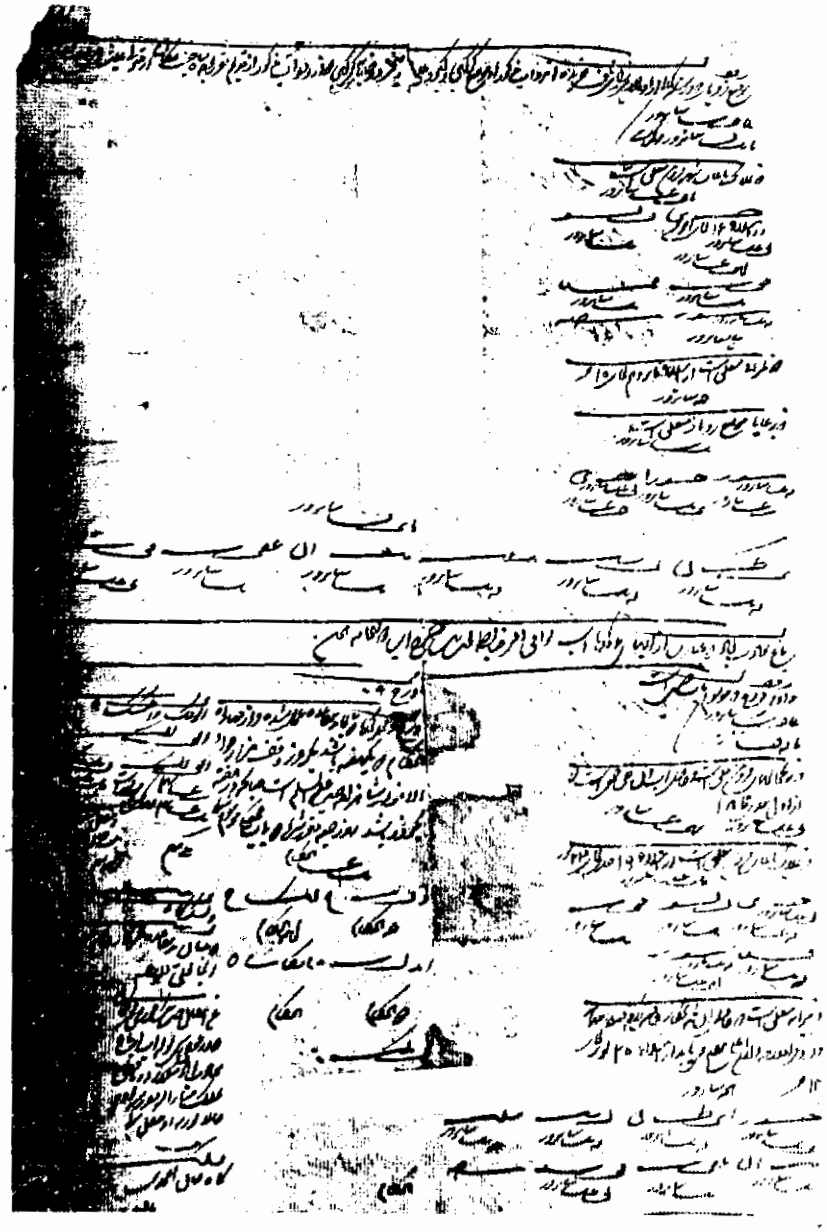

سند شماره ۲۶ (قسمت سوم ـ پشت سند)

سند شماره ۲۶ (قسمت چهارم ـ پشت سند)

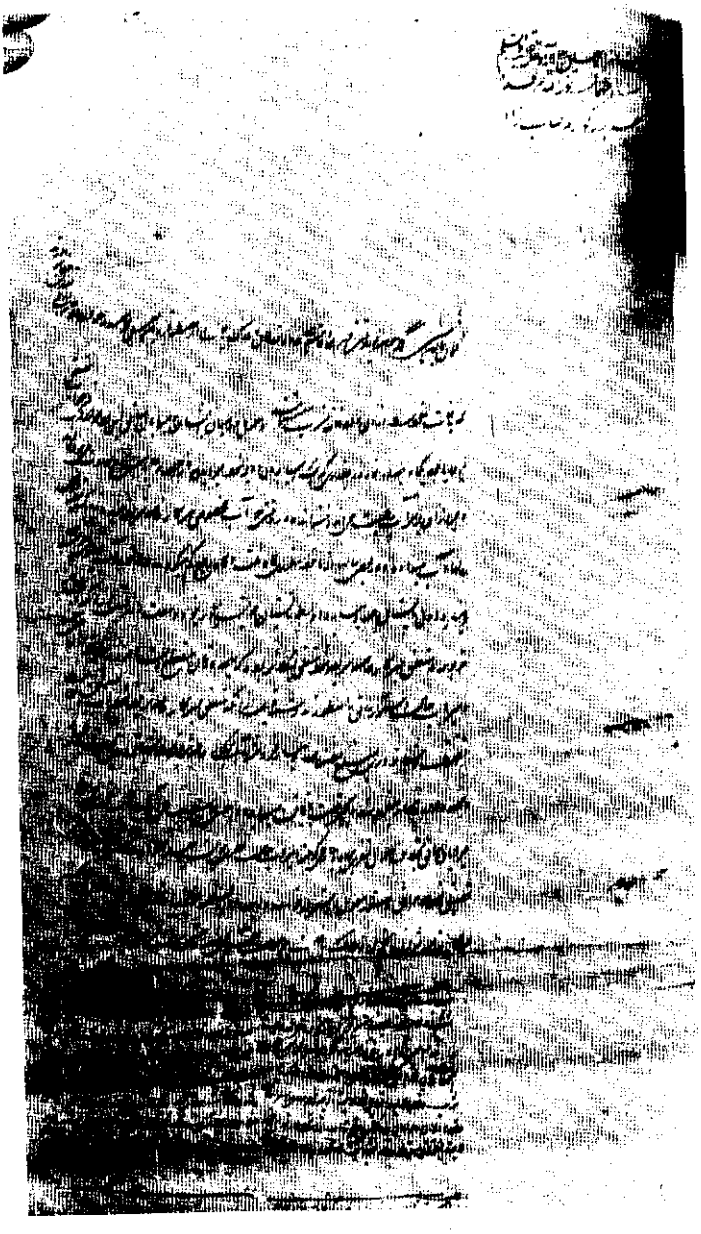

سند شماره ۲۶ (آغاز سوادی دیگر)

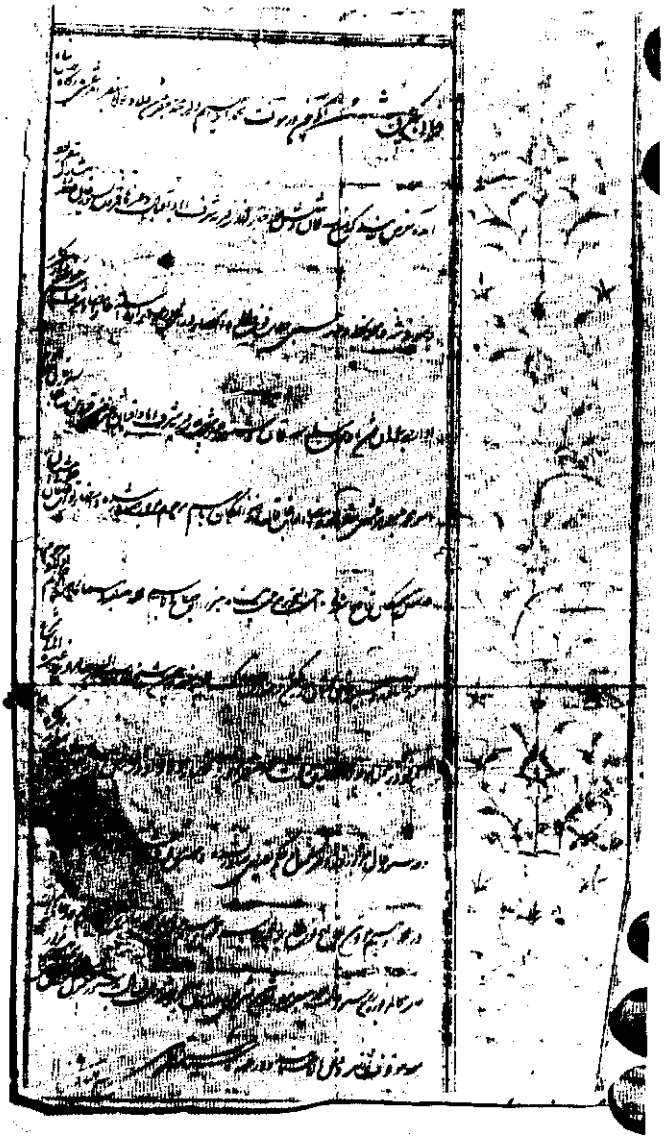

سند شماره ۲۷

سند شماره ۲۹

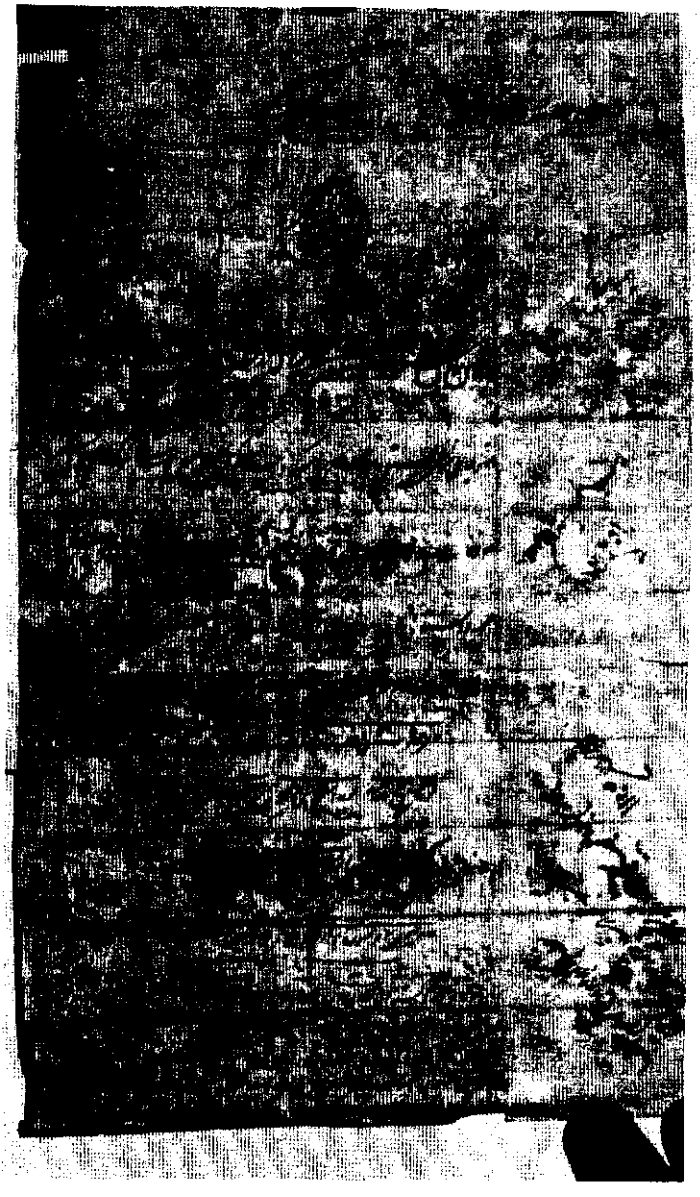

سند شماره ۲۹

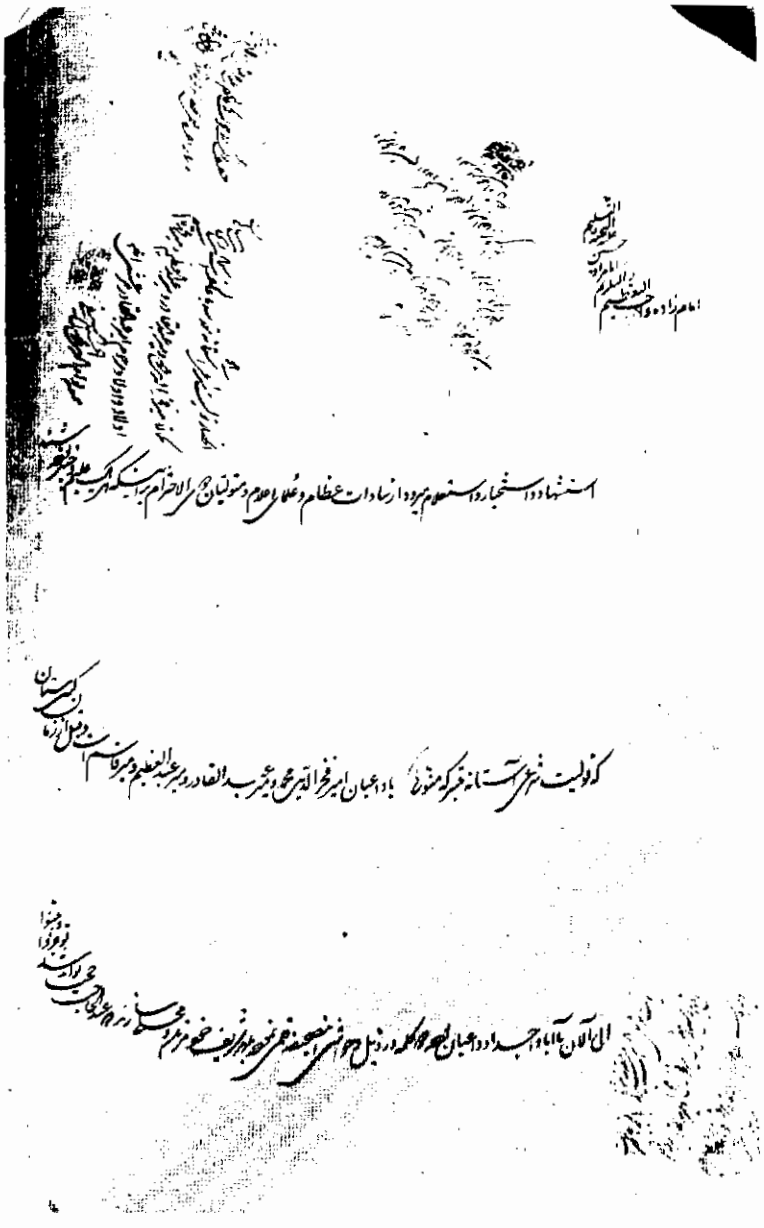

سند شماره ۳۰

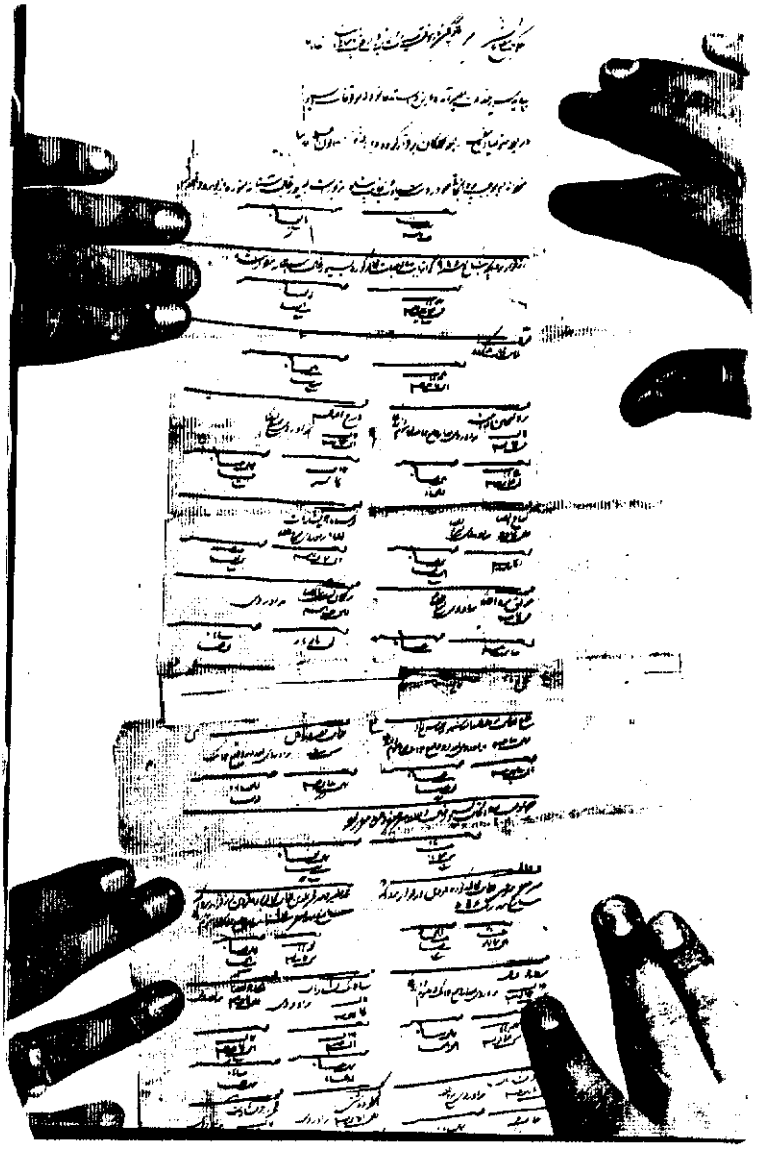

سند شماره ۳۱ (قسمت اول)

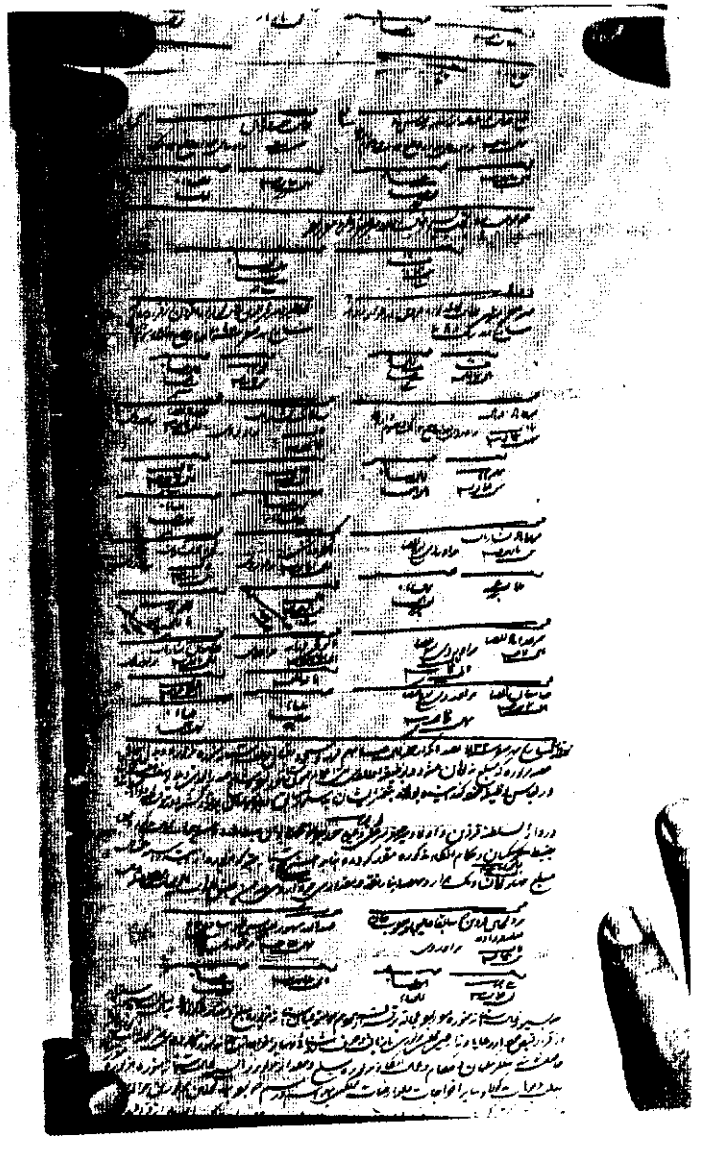

سند شماره ۳۱ (قسمت دوم)

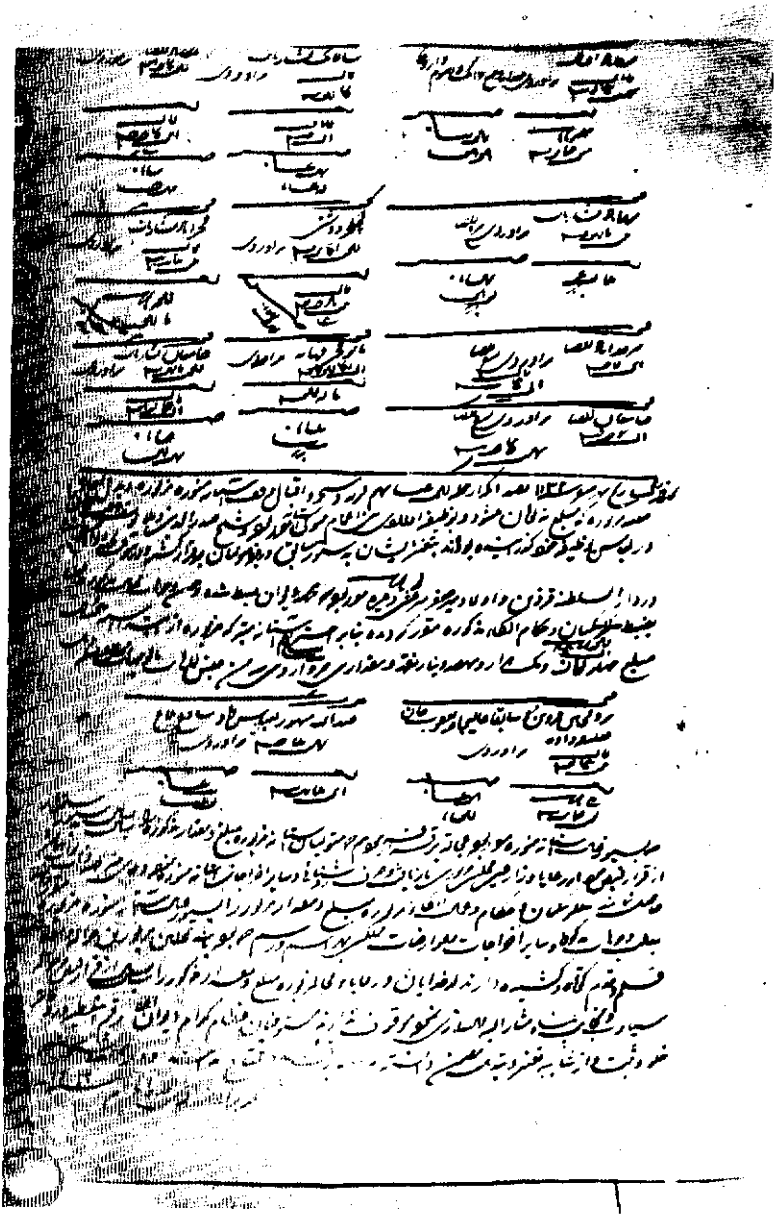

سند شماره ۳۱ (قسمت سوم)

سند شماره ۳۲ (قسمت اول)

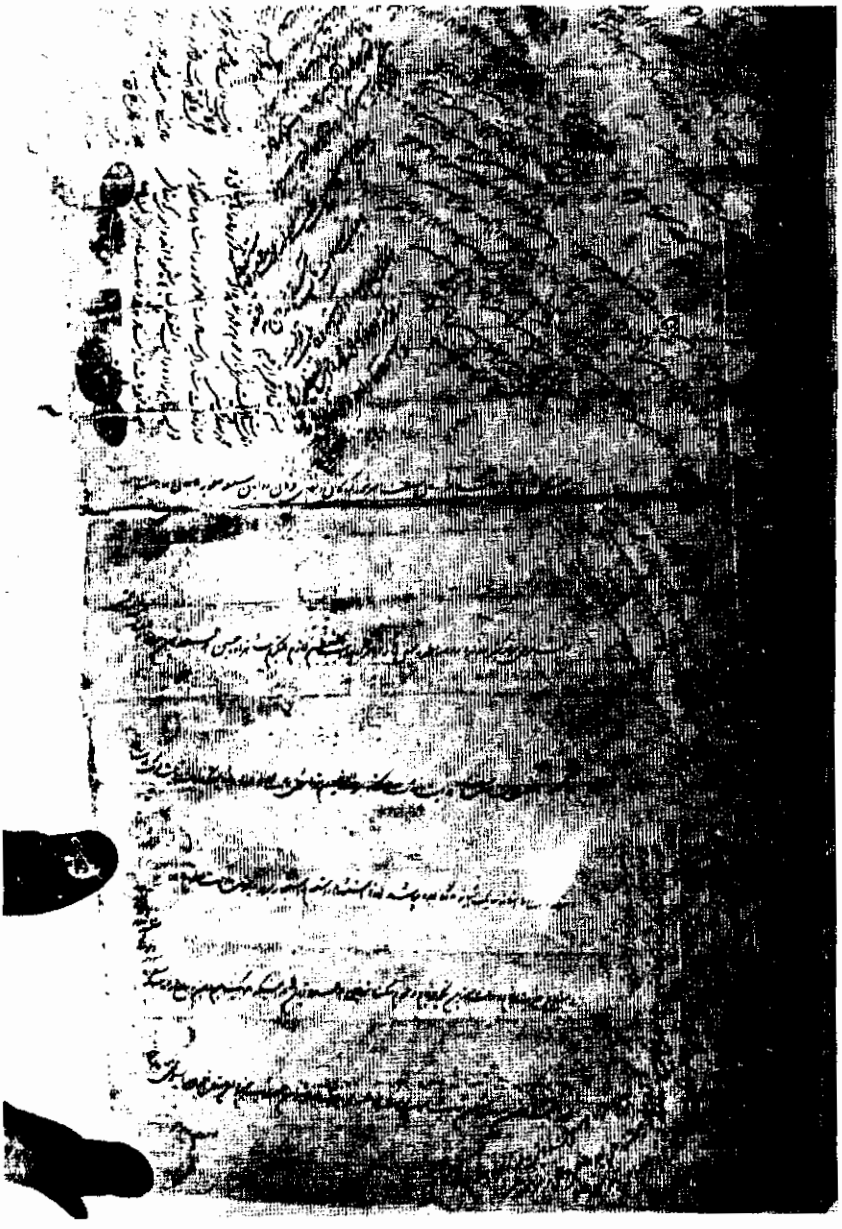

سند شماره ۳۲ (قسمت دوم)

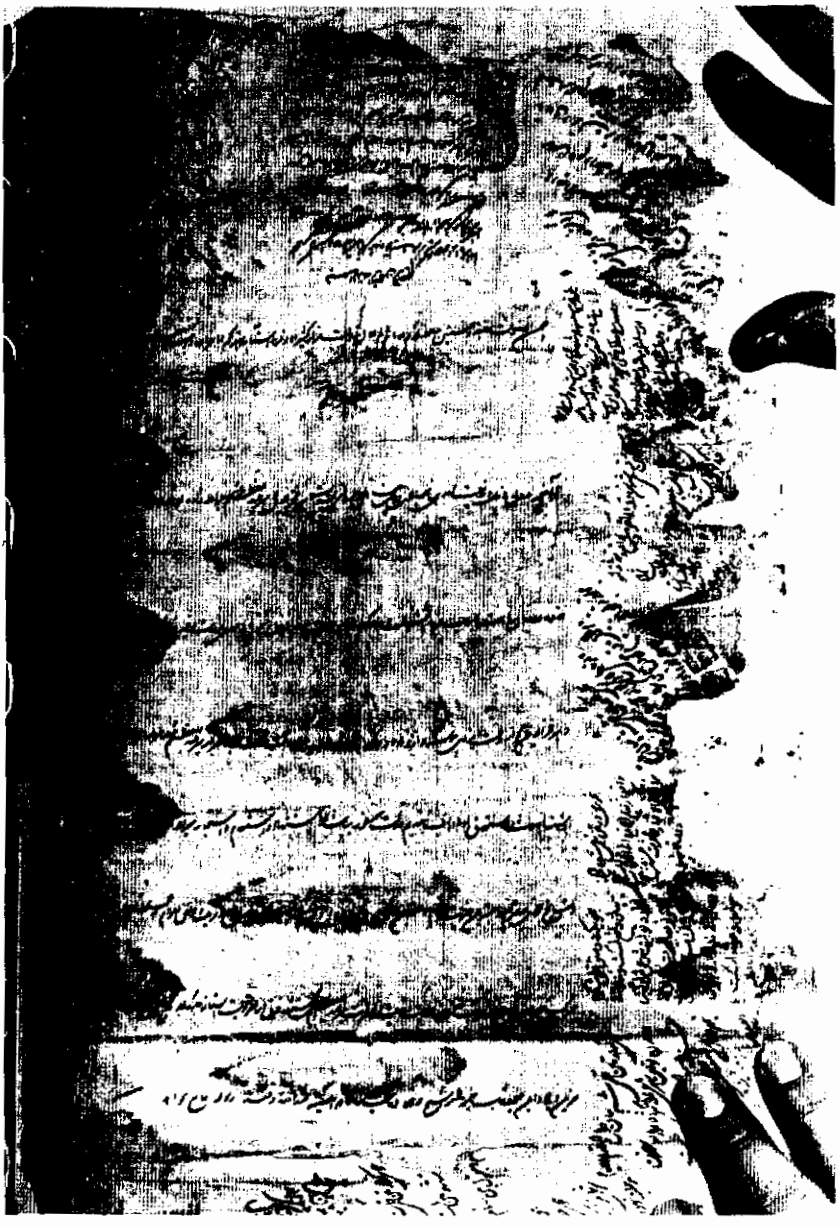

سند شماره ۳۳ (قسمت اول)

سند شماره ۳۳ (قسمت دوم)

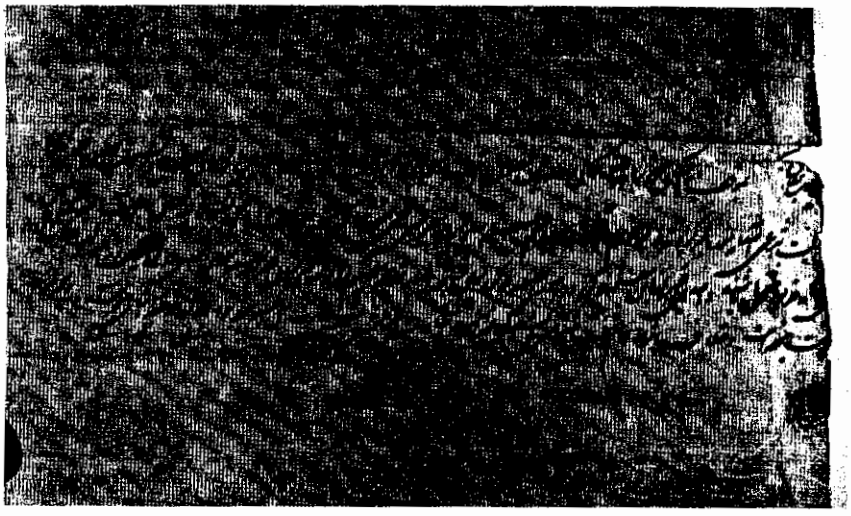

سند شماره ۳۳ (کپی سند)

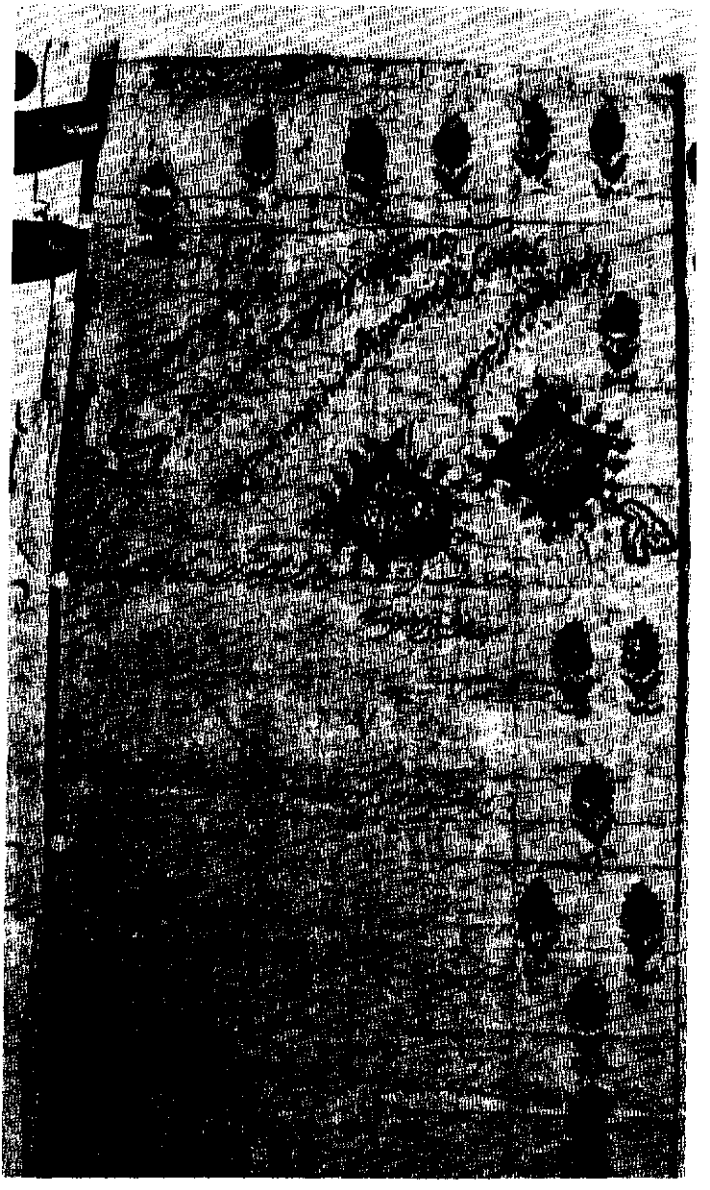

سند شماره ۳٤

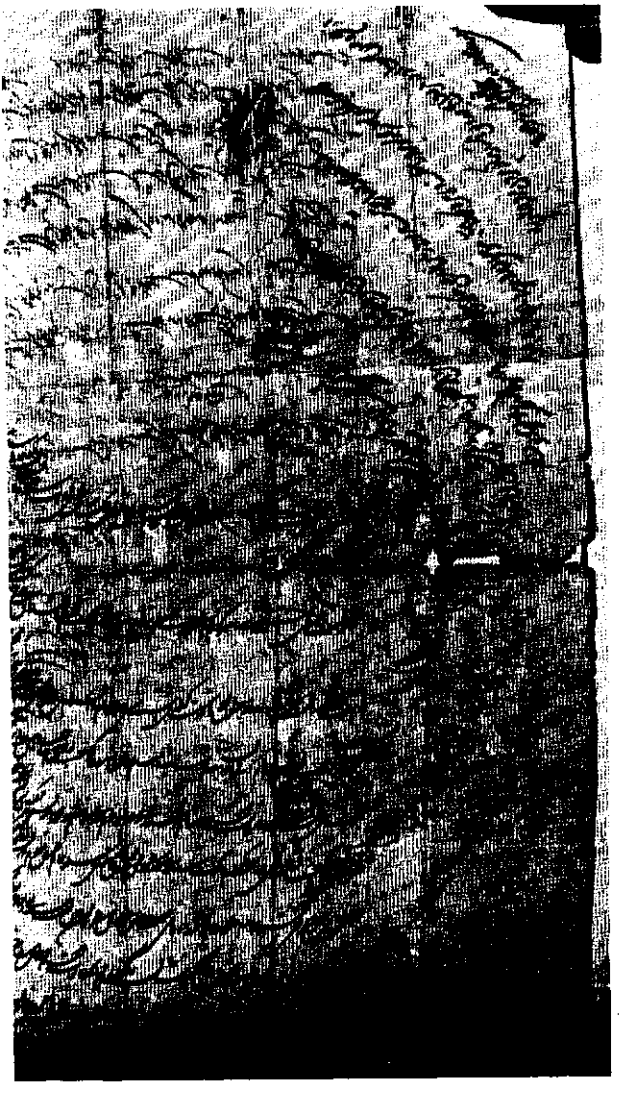

سند شماره ۳۵

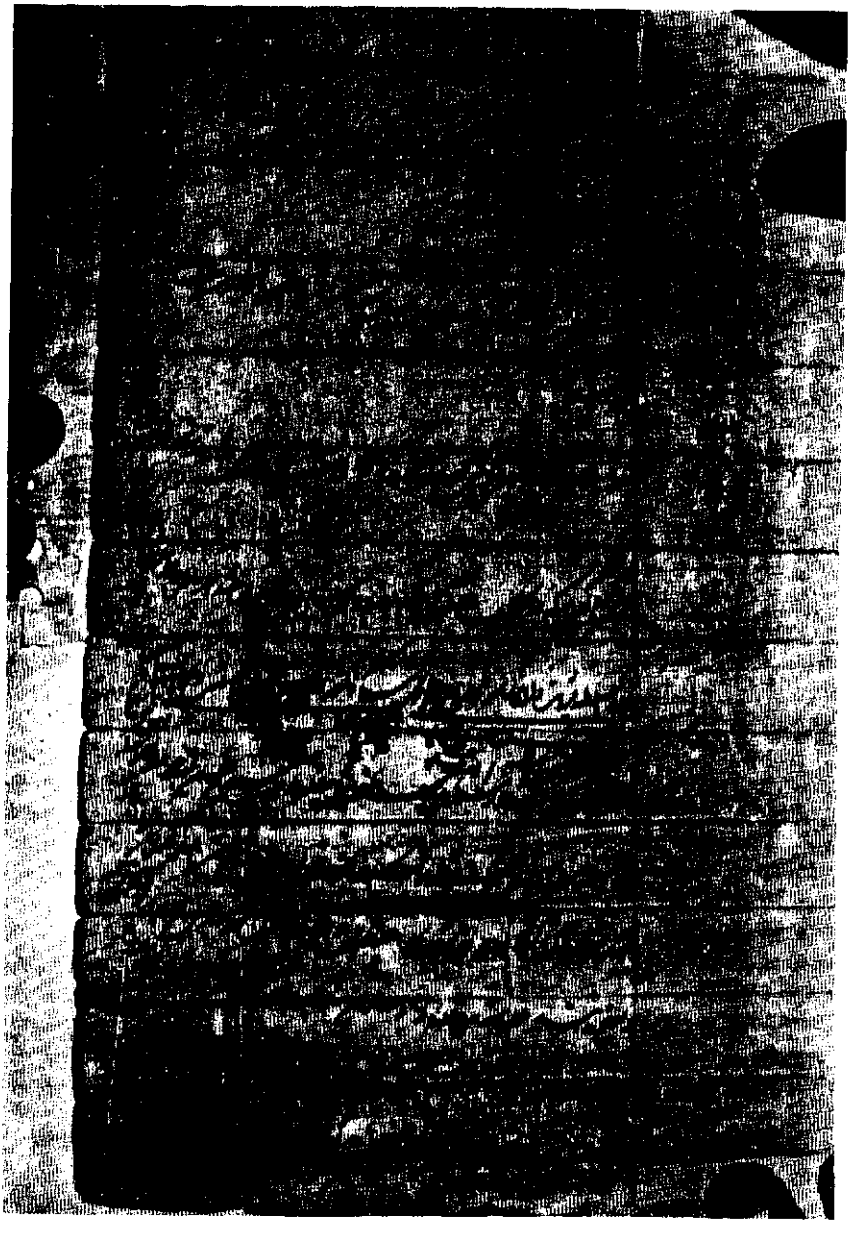

سند شماره ۳۶

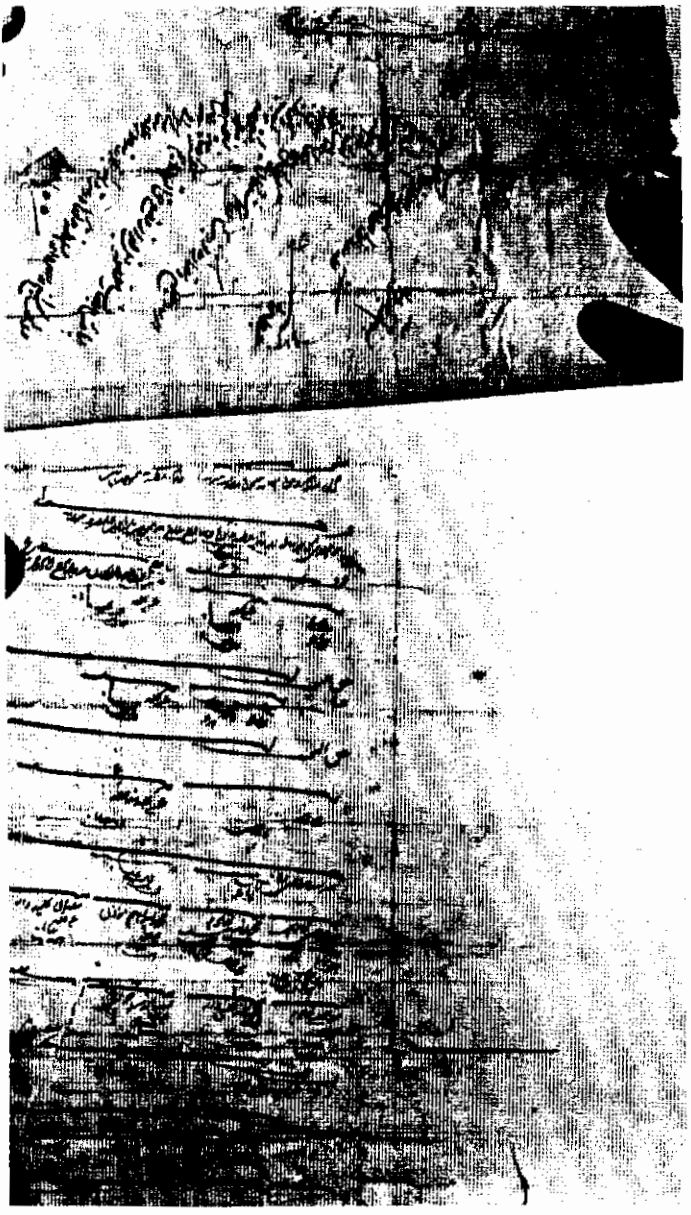

سند شماره ۳۷

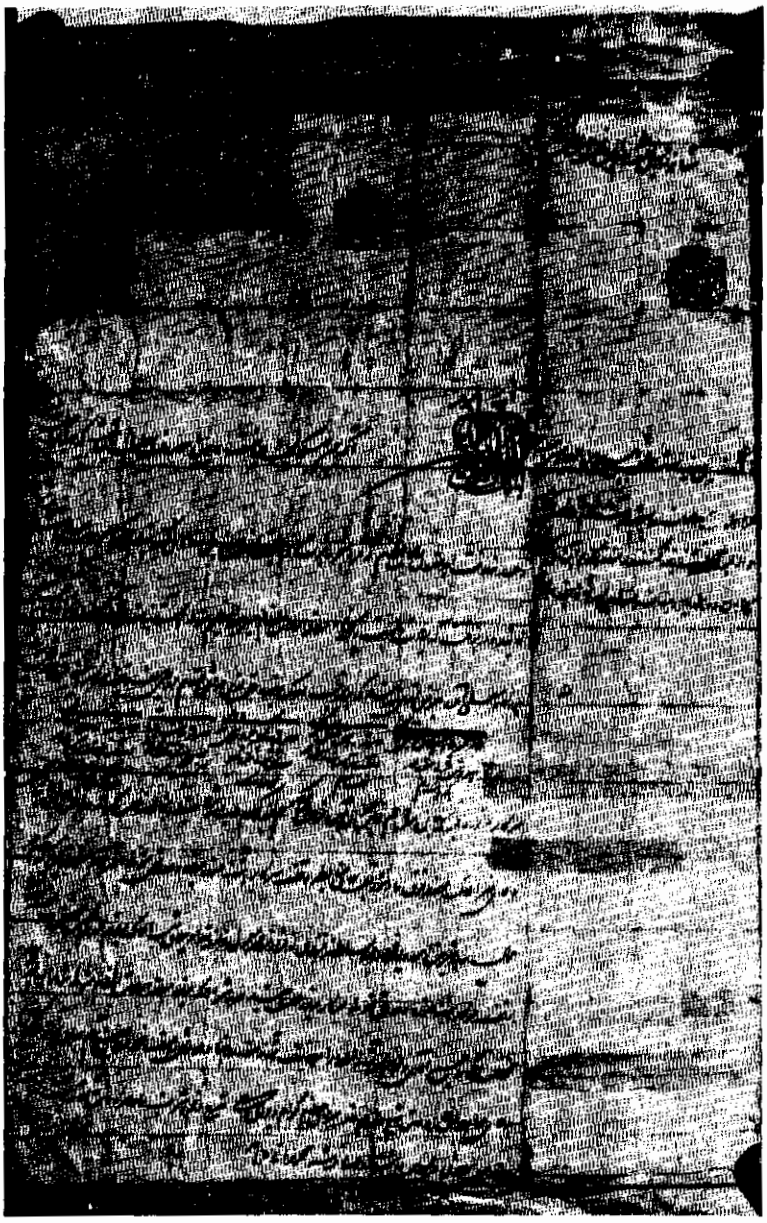

سند شماره ۳۸

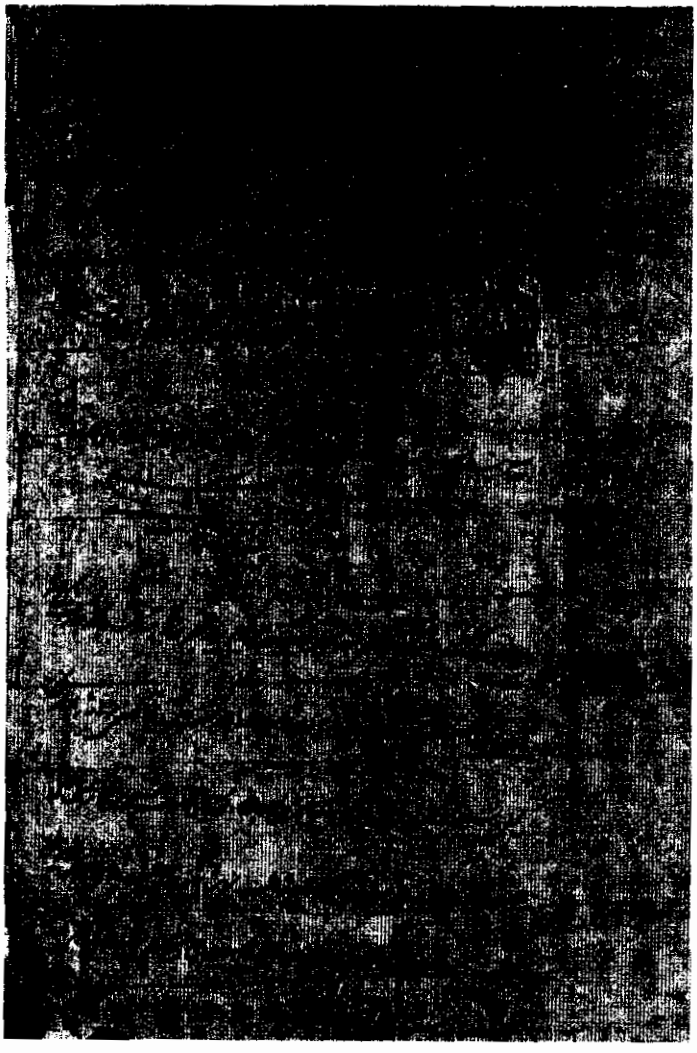

سند شماره ۳۹

سند شماره ٤٠

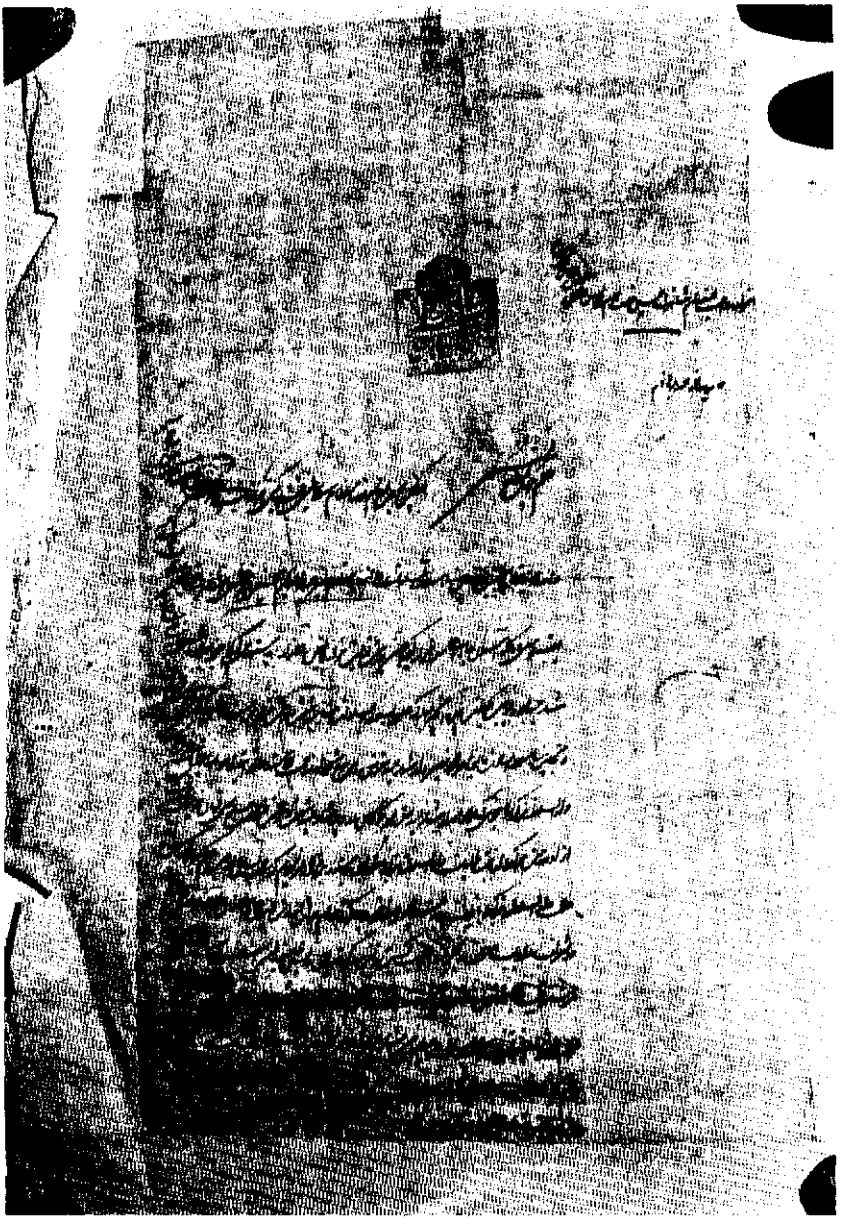

سند شماره ٤١

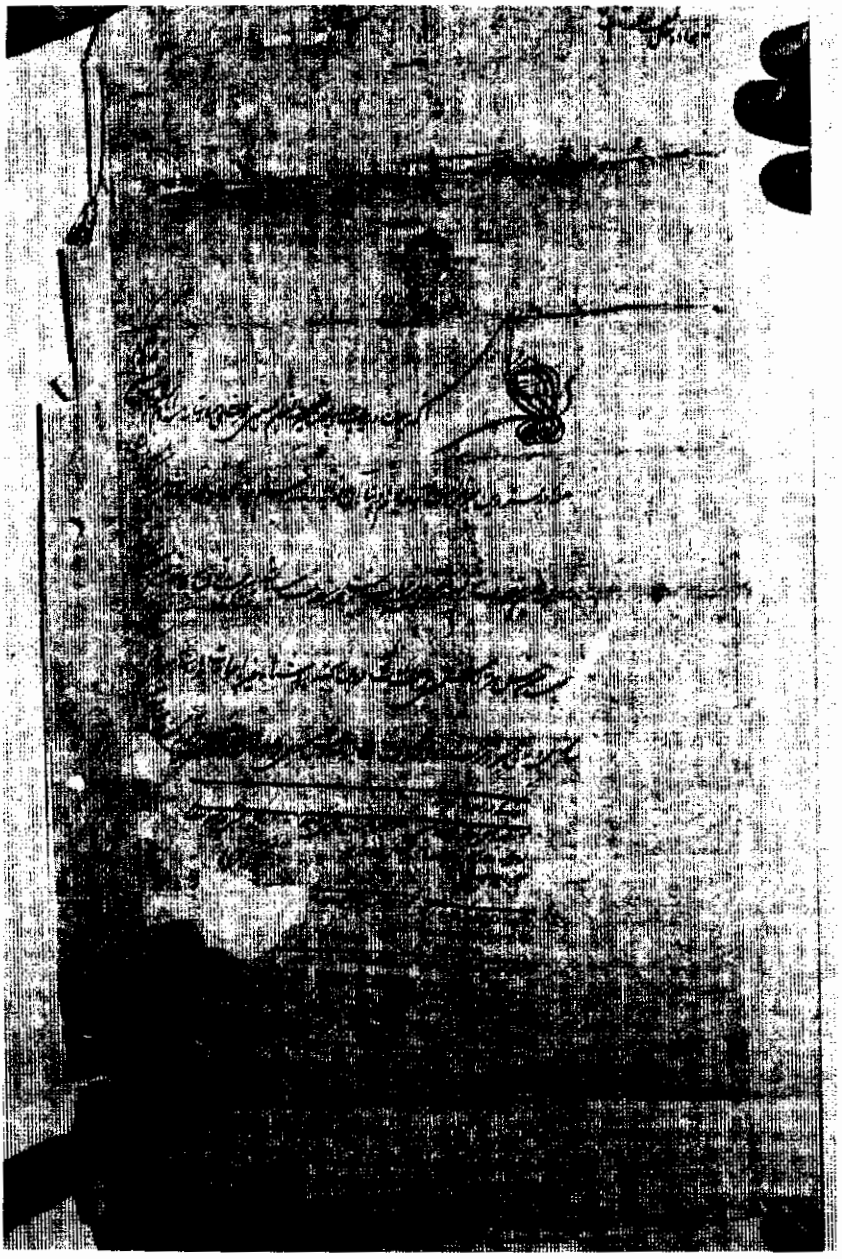

سند شماره ۴۲

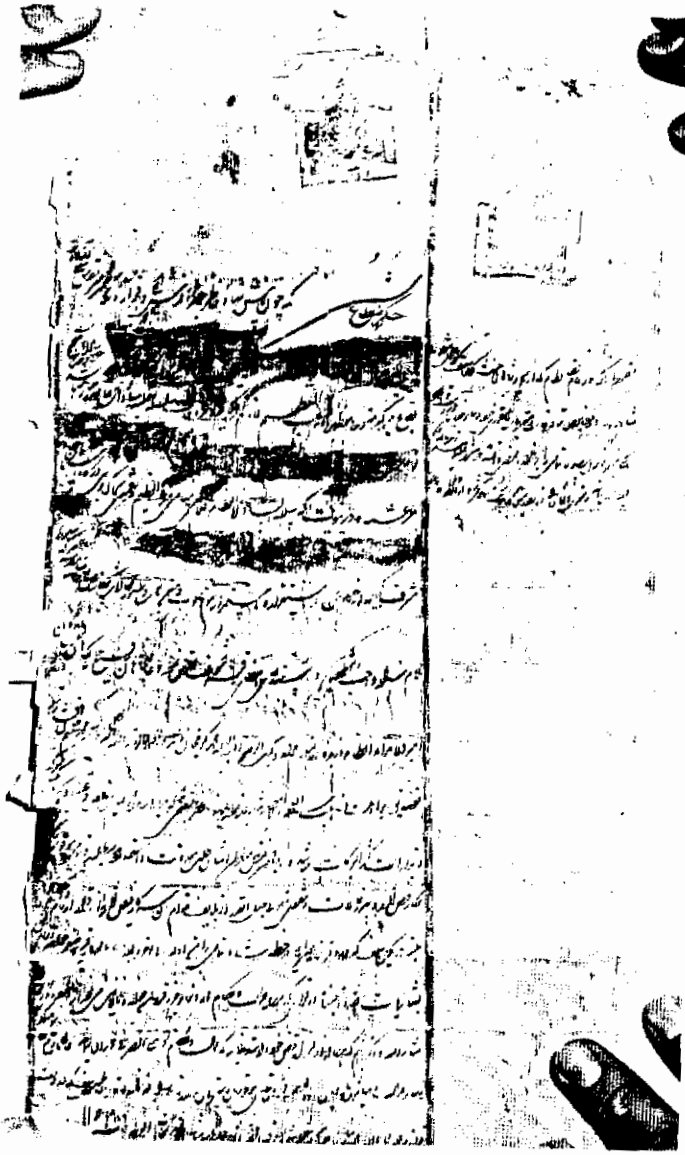

سند شماره ۴۳

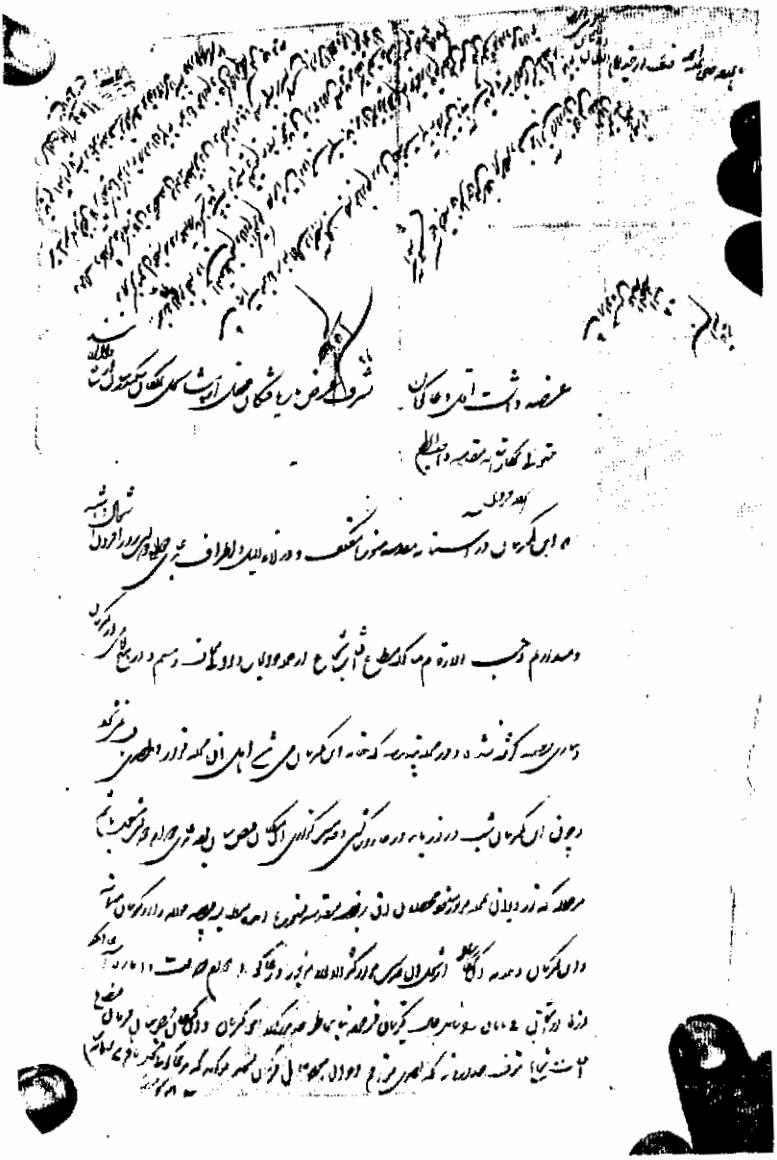

سند شماره ٤٤

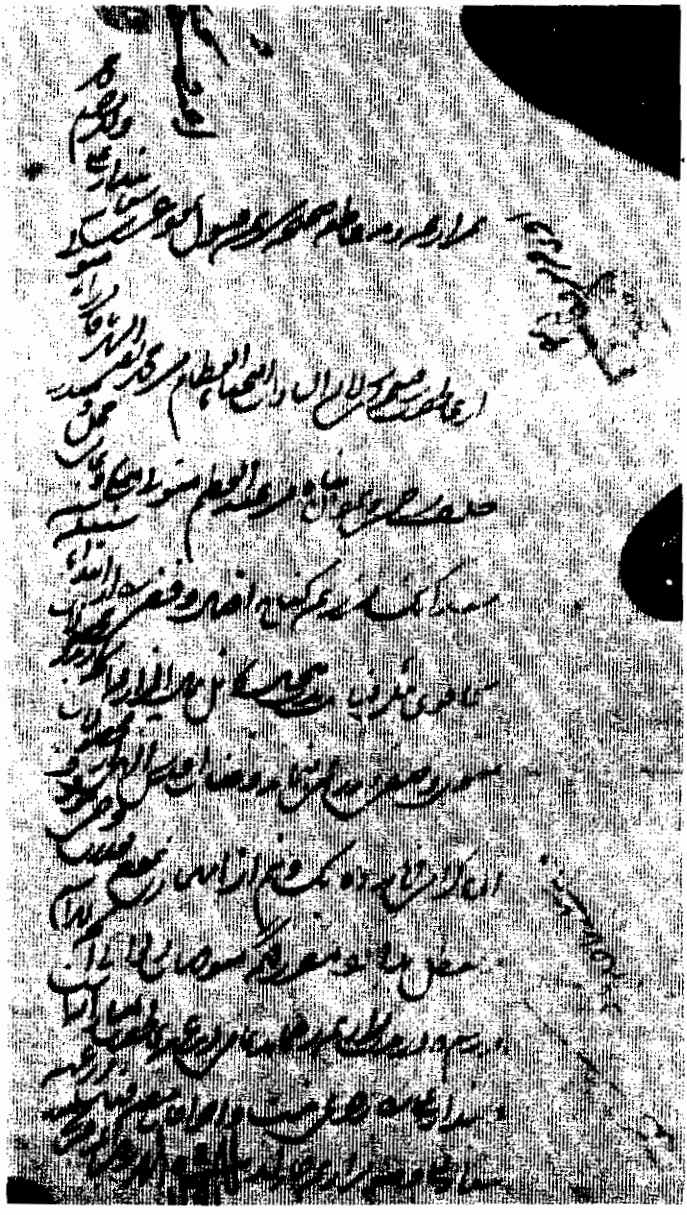

سند شماره ٤٥

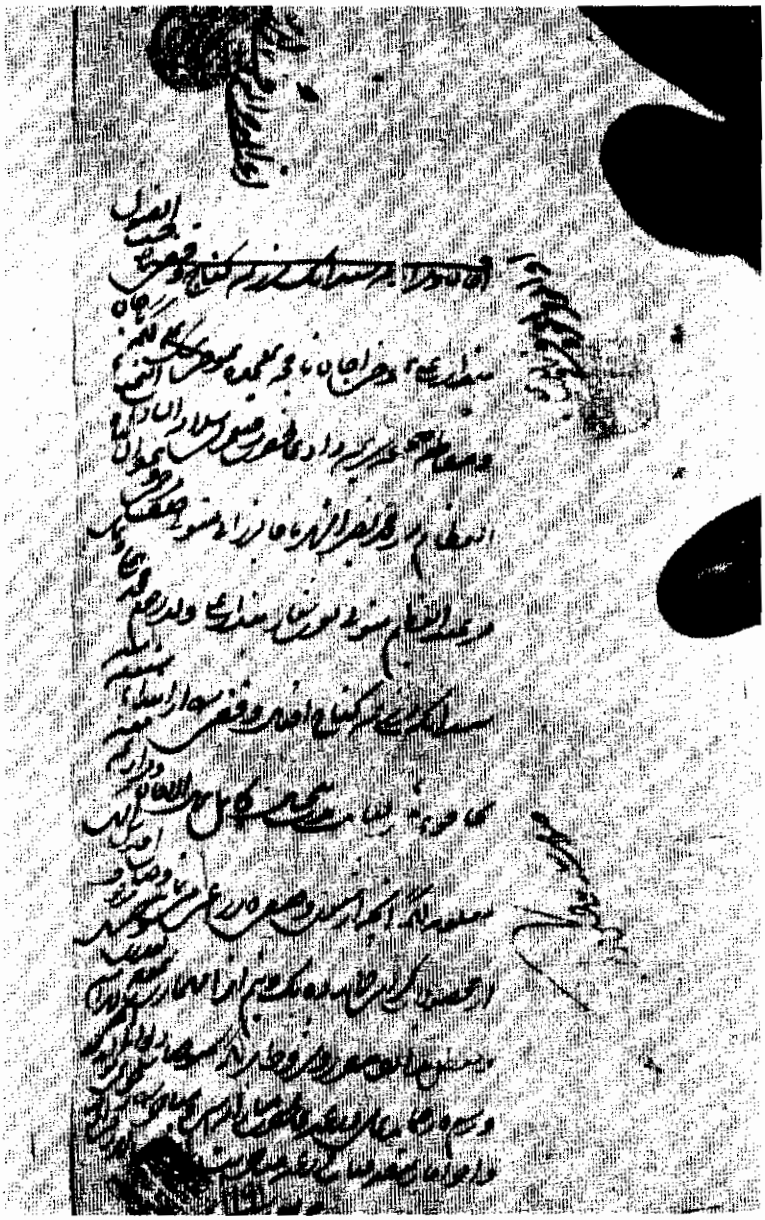

سند شماره ٤٦

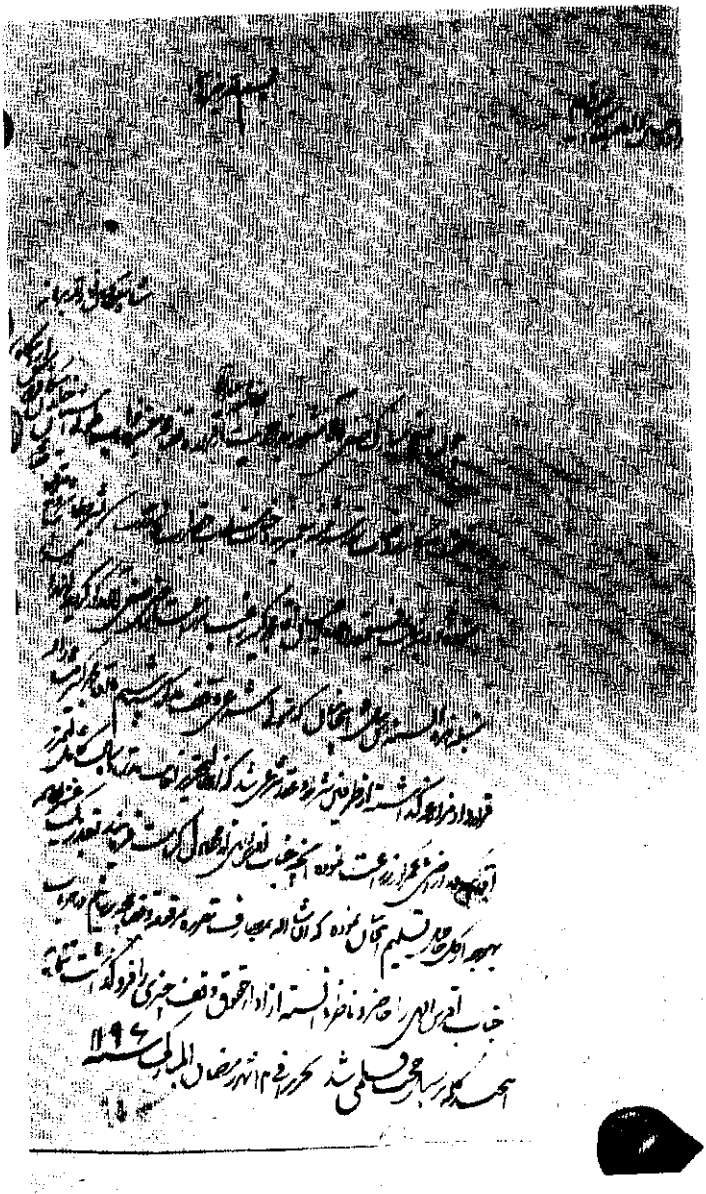

سند شماره ٤٧

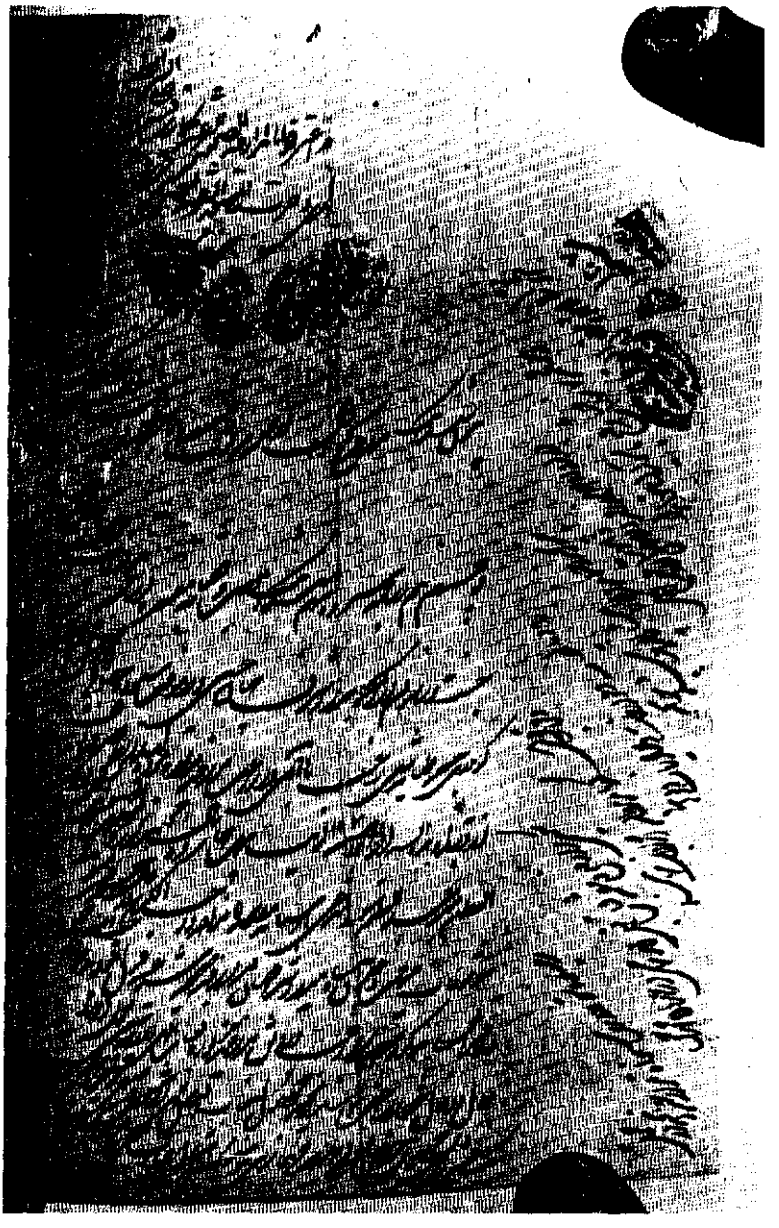

سند شماره ۴۸

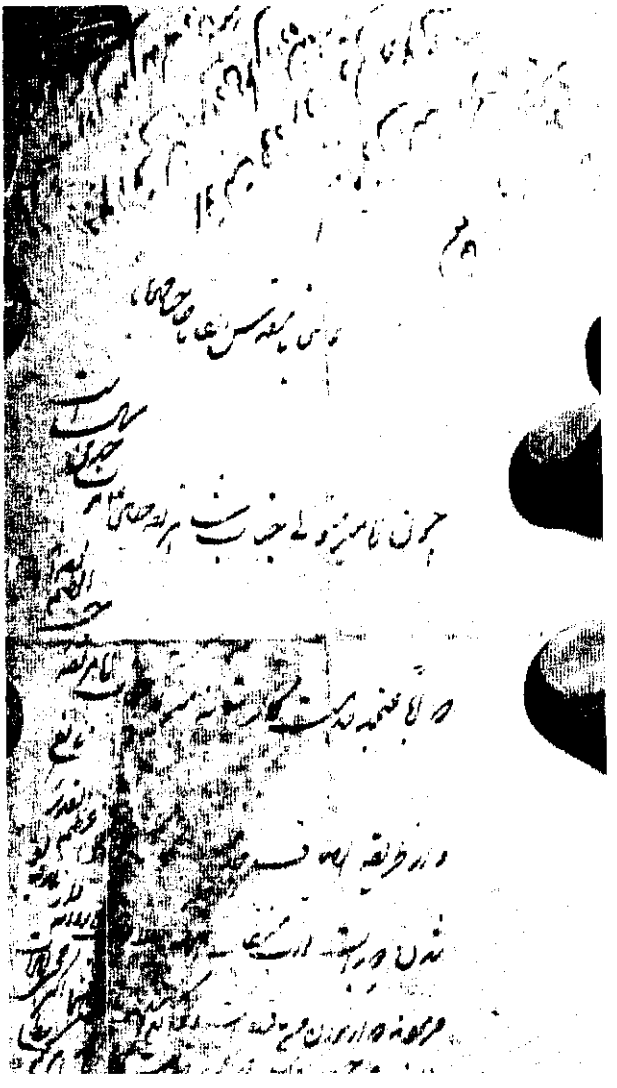

سند شماره ۴۹

سند شماره ۵۰

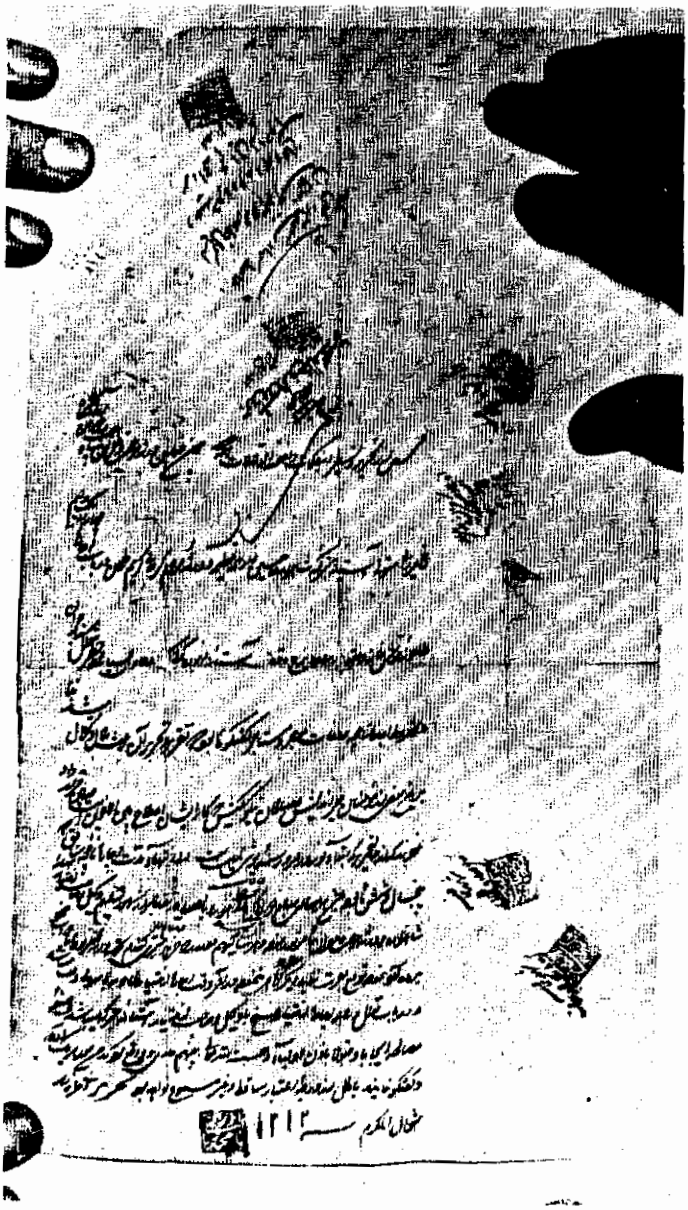

سند شماره ۵۱

سند شماره ۵۲

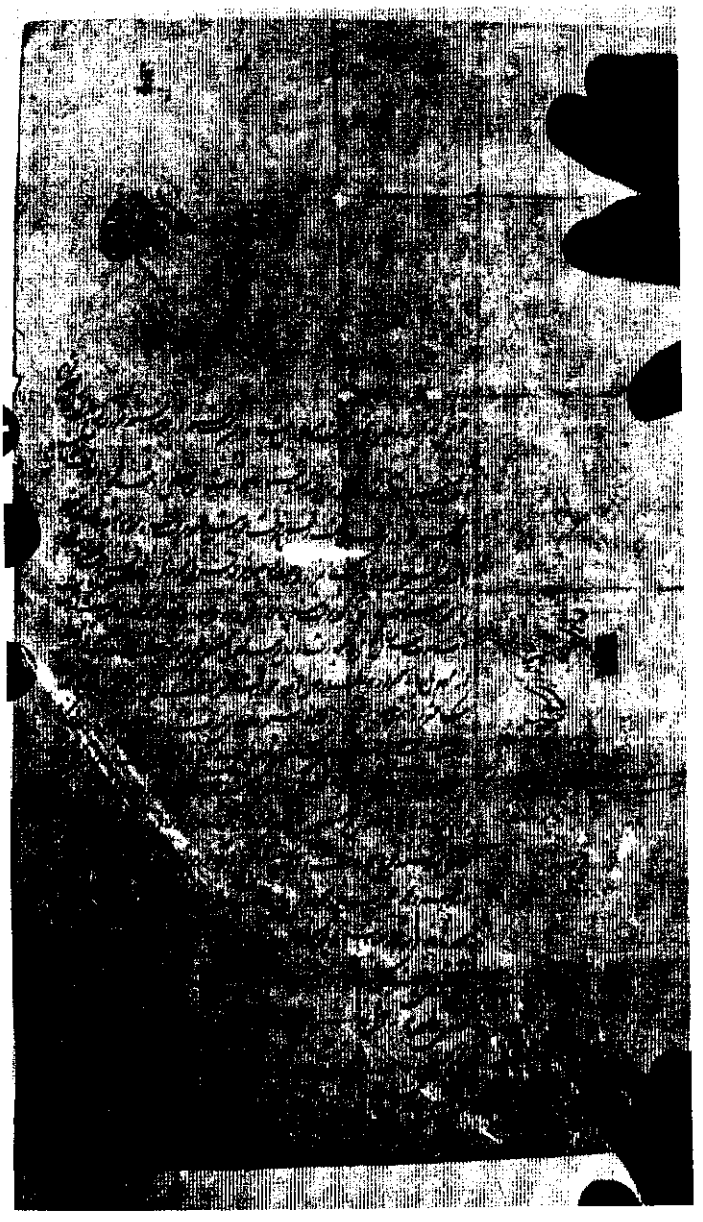

سند شماره ۵۳

سند شماره ۵۵

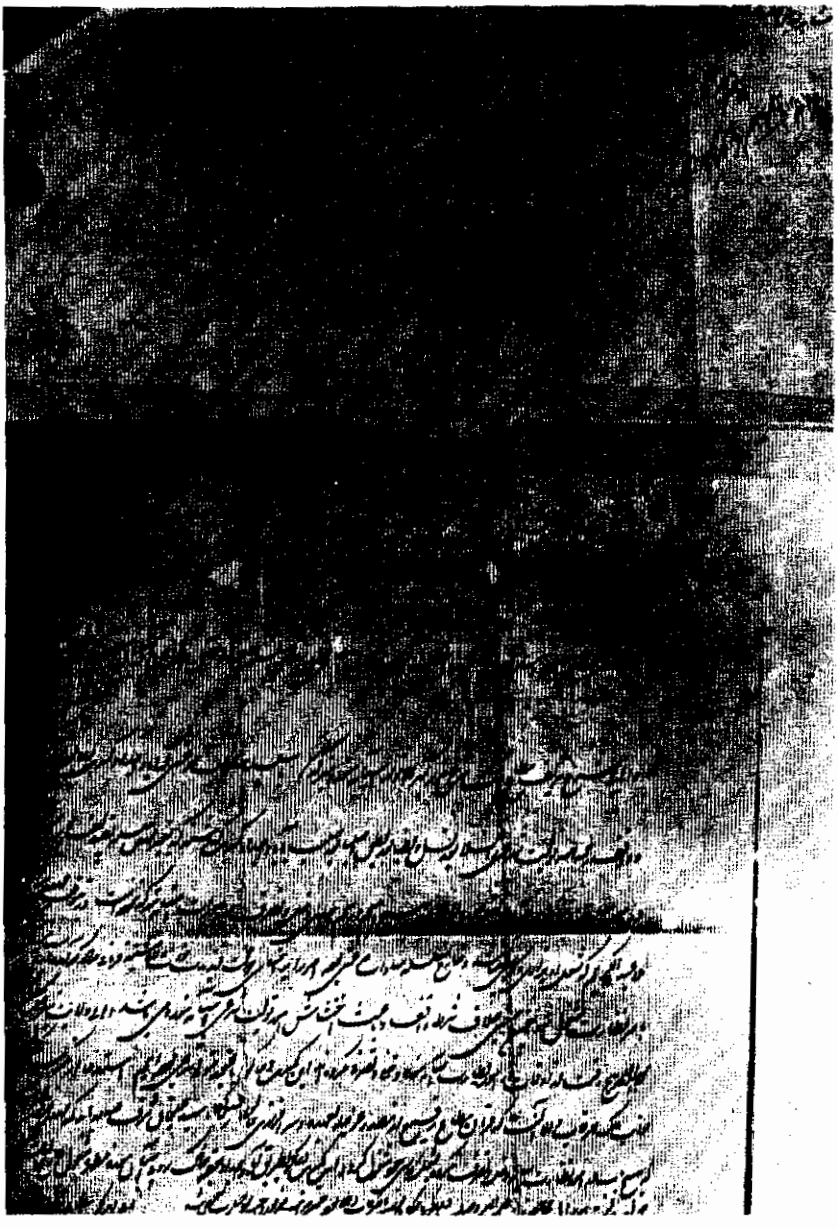

سند شماره ٥٦

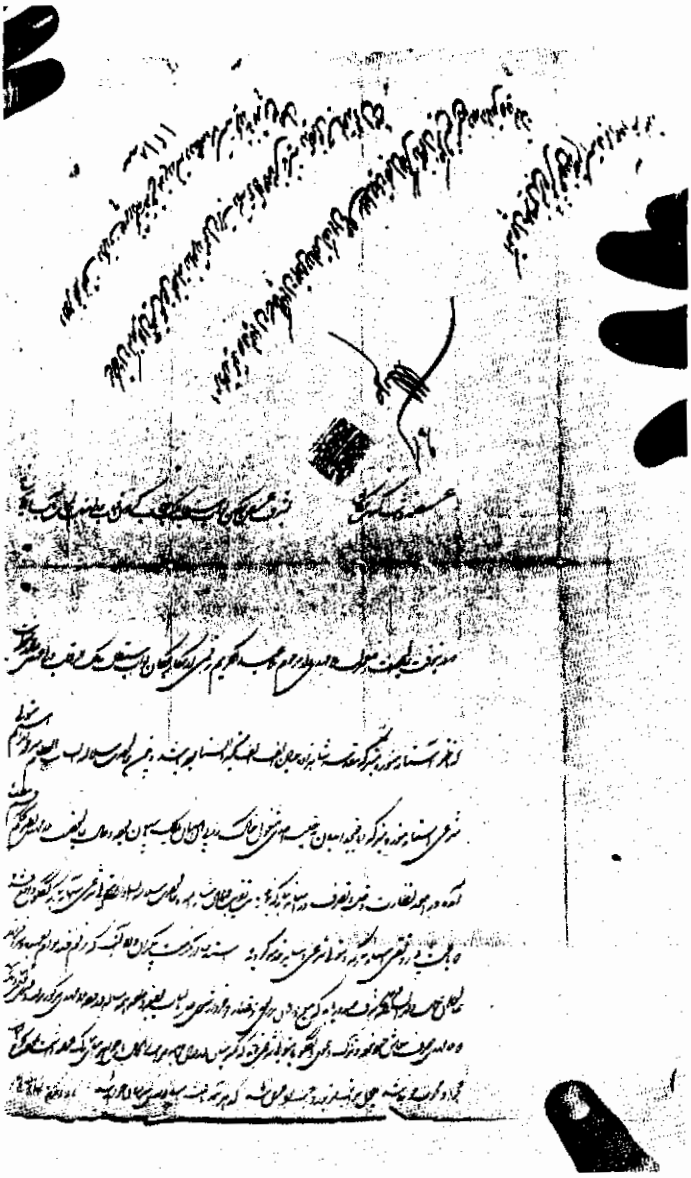

سند شماره ۵۷

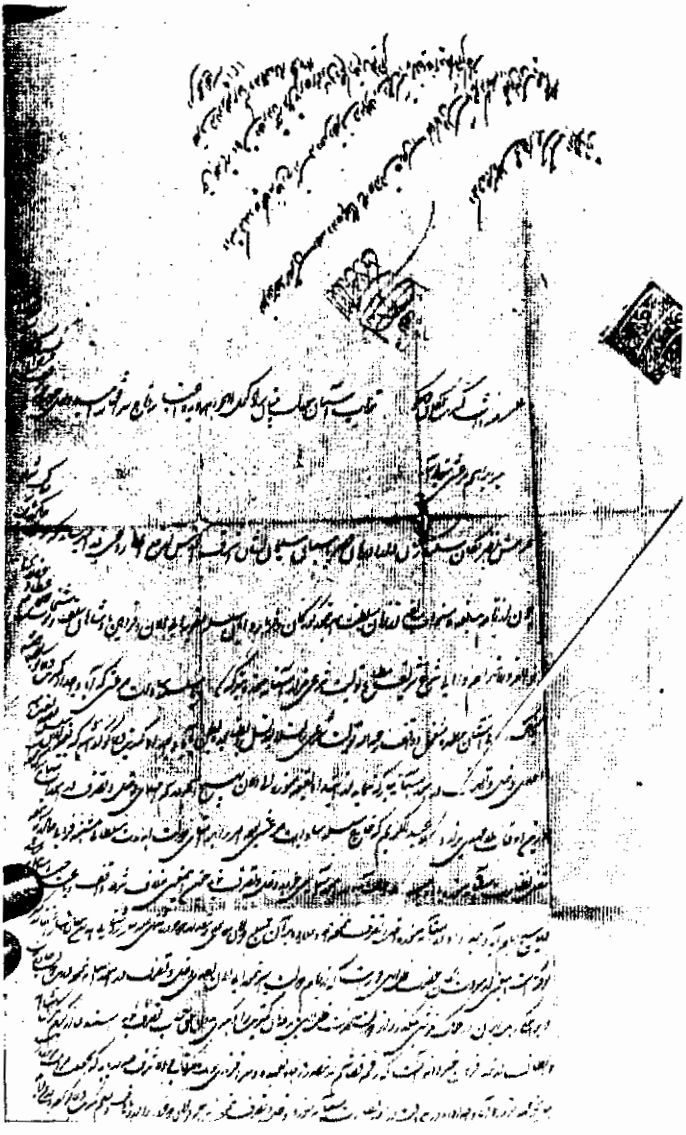

سند شماره ۵۹

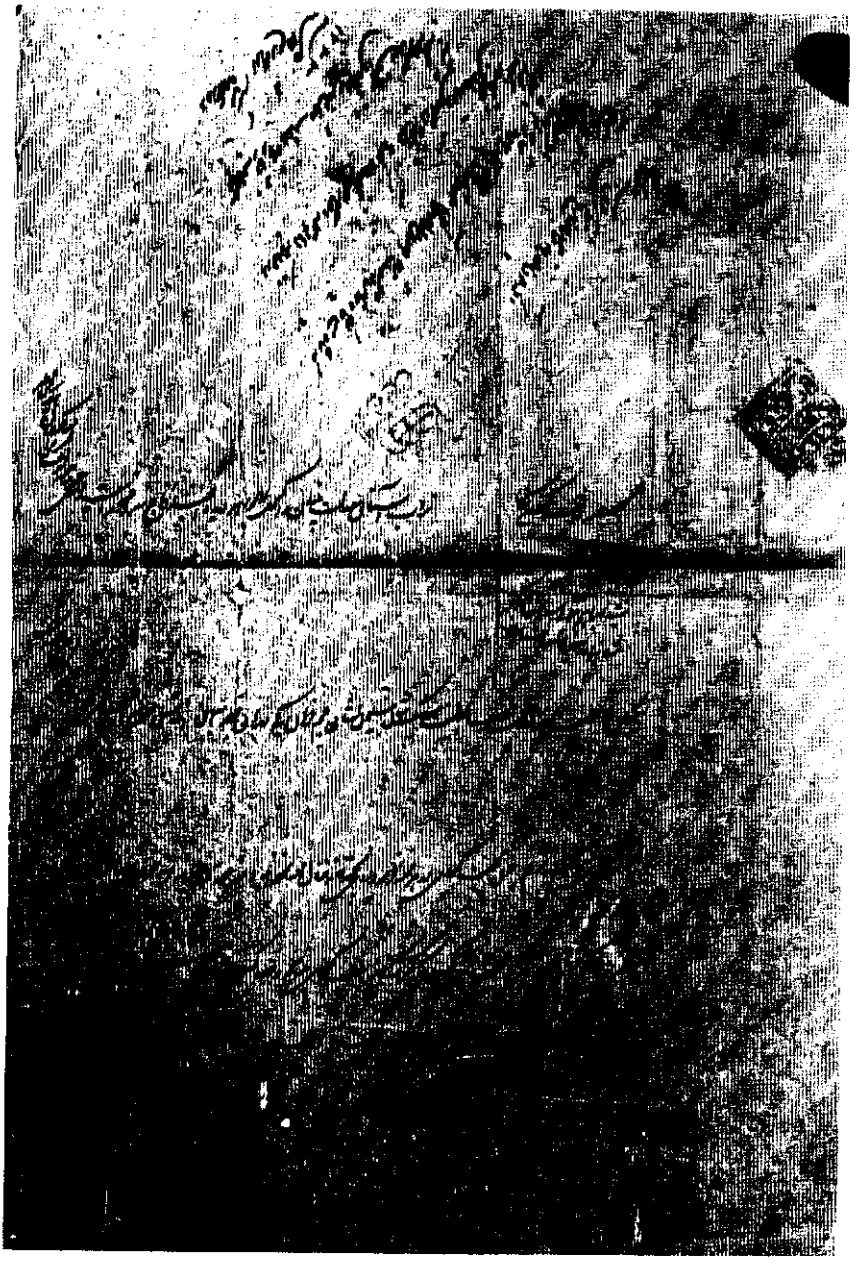

سند شماره ٦١

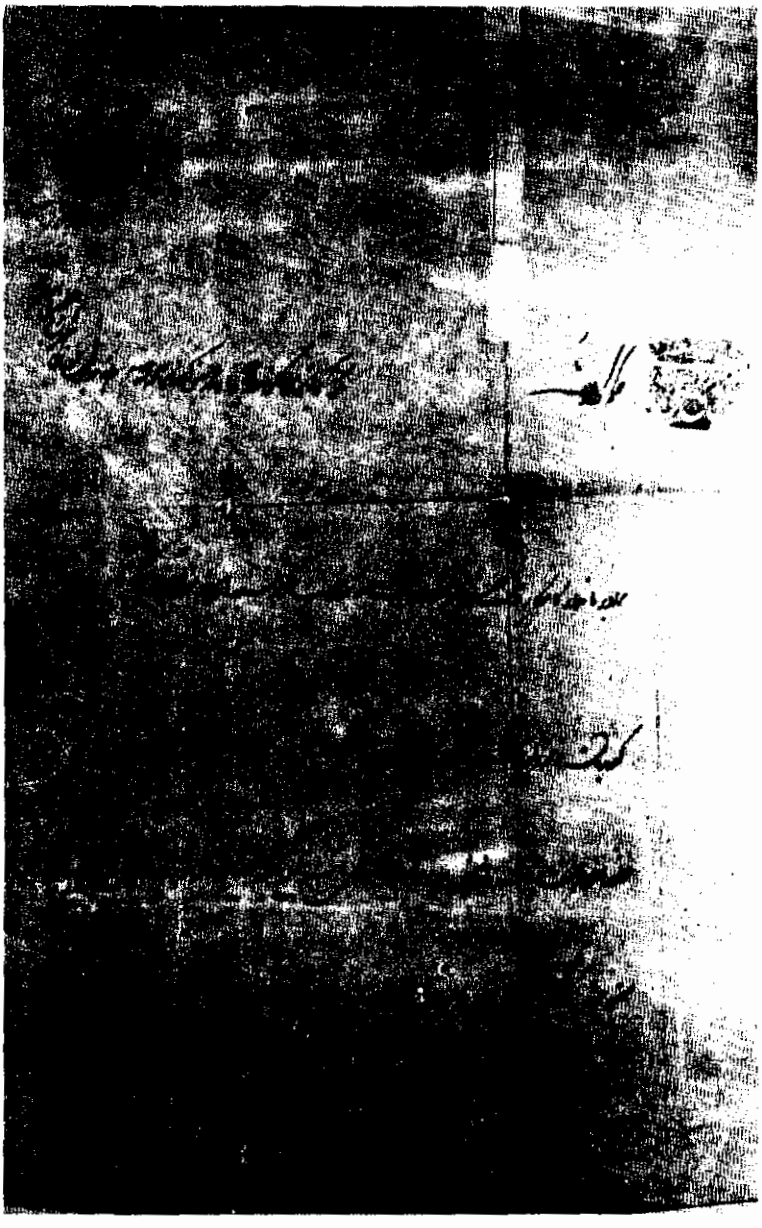

سند شماره ۶۲

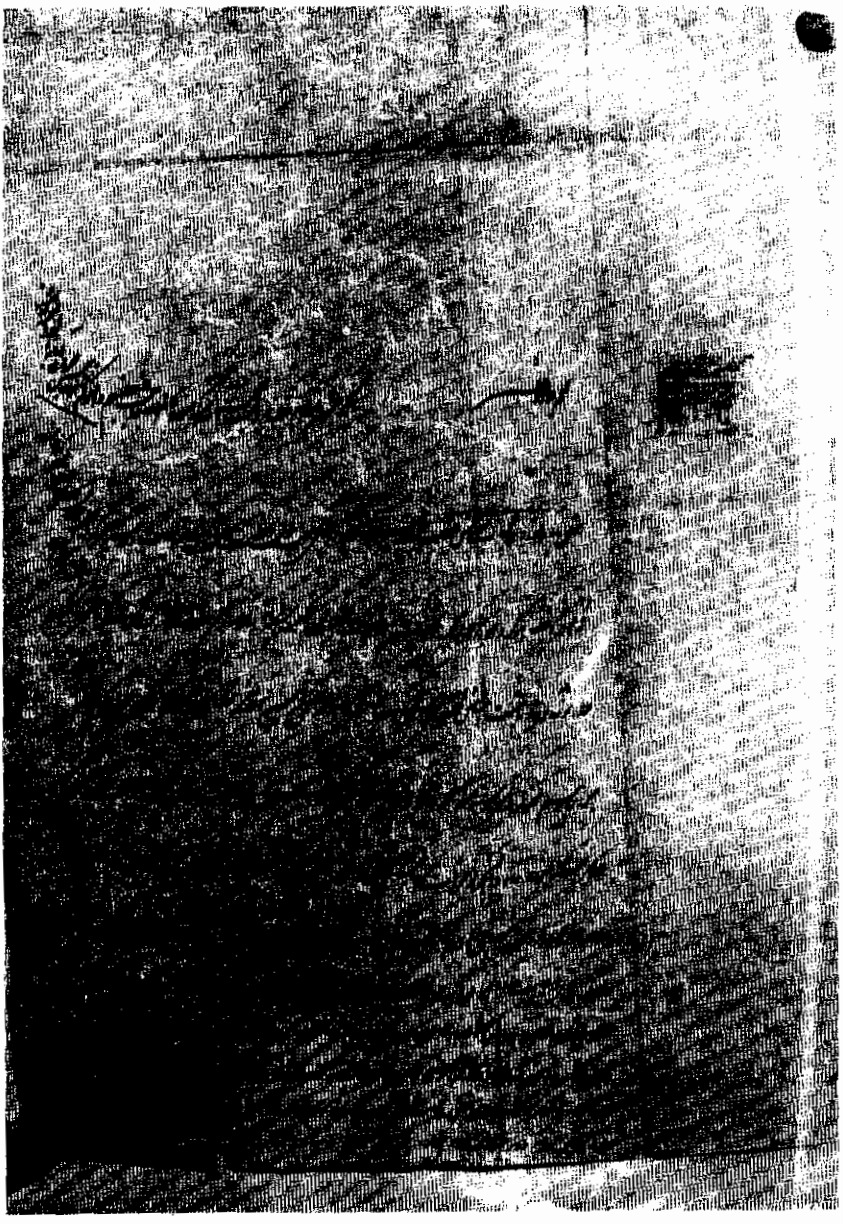

سند شماره ۶۳

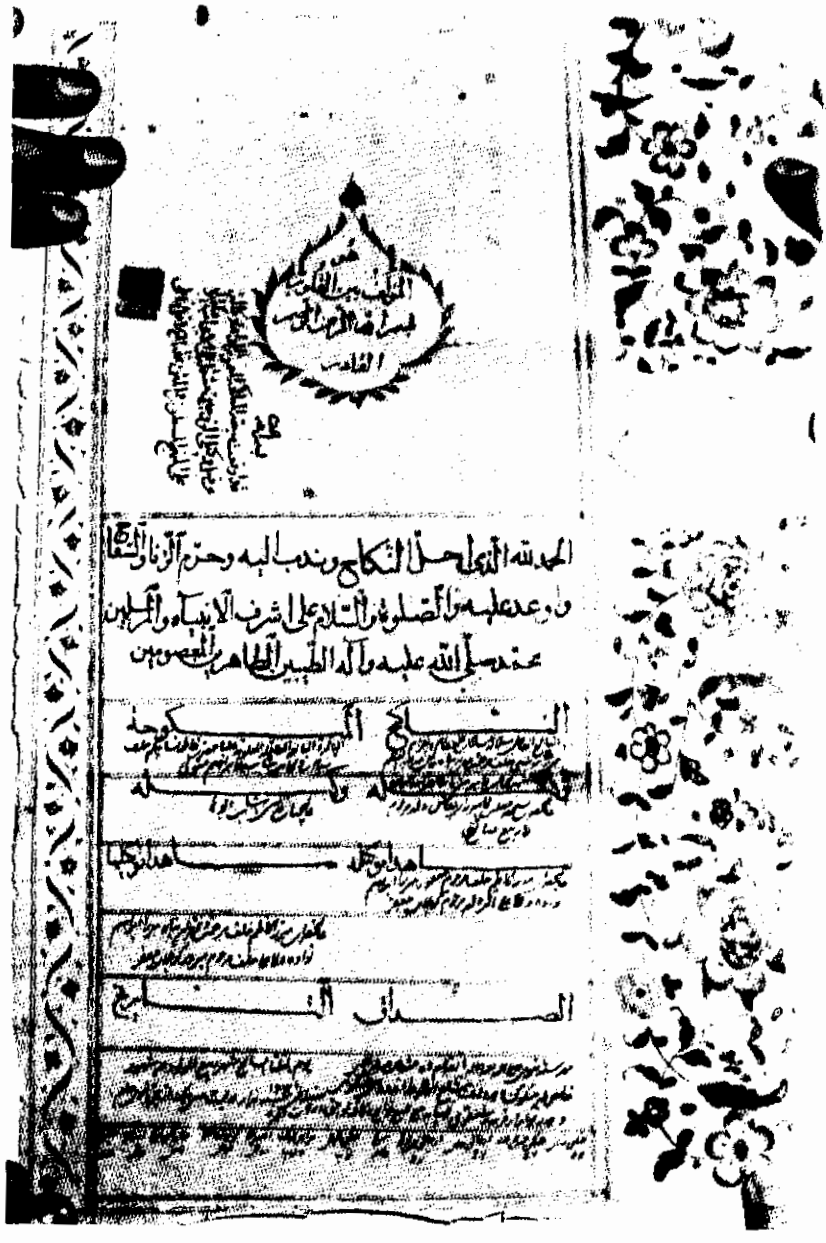

الحمد لله الذي احل النكاح وندب اليه وحرم الزنا والسفاح
واوعد عليه والصلوة والسلام على اشرف الانبياء والمرسلين
محمد صلى الله عليه وآله الطيبين الطاهرين المعصومين

النكاح المنكوحة

وكيله وكيله

شاهدا موكله شاهدا موكلها

الصداق التاريخ

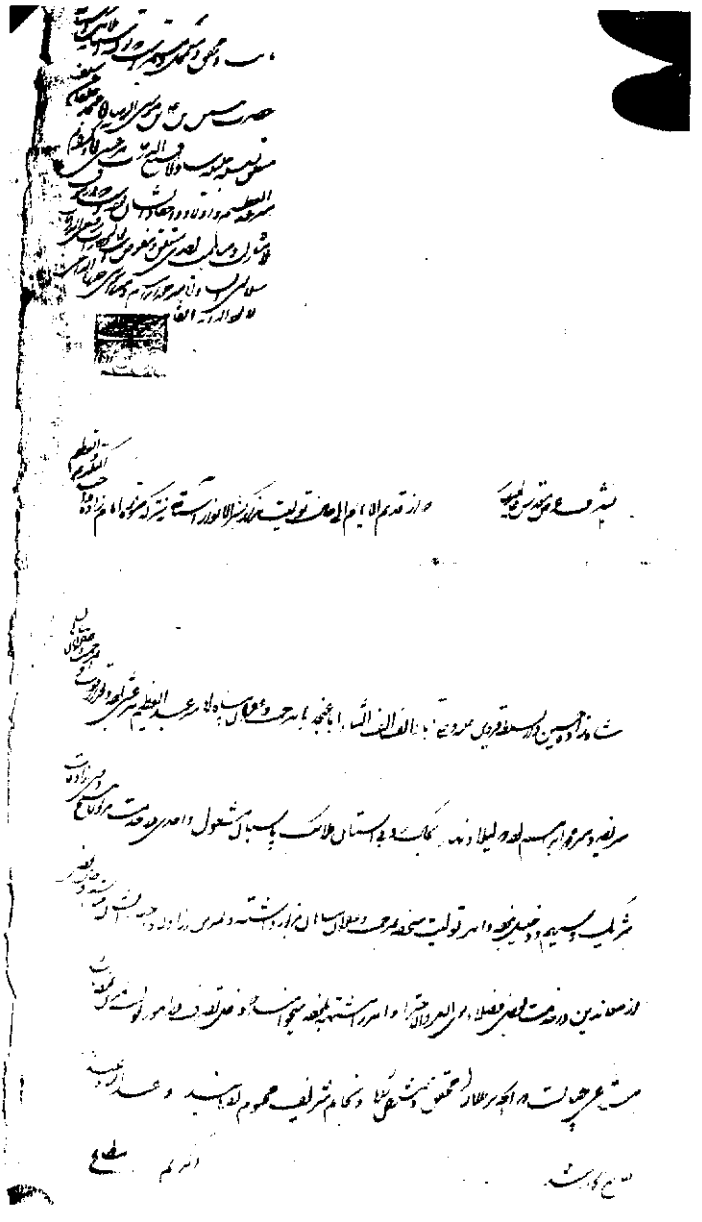

سند شماره ۶۵

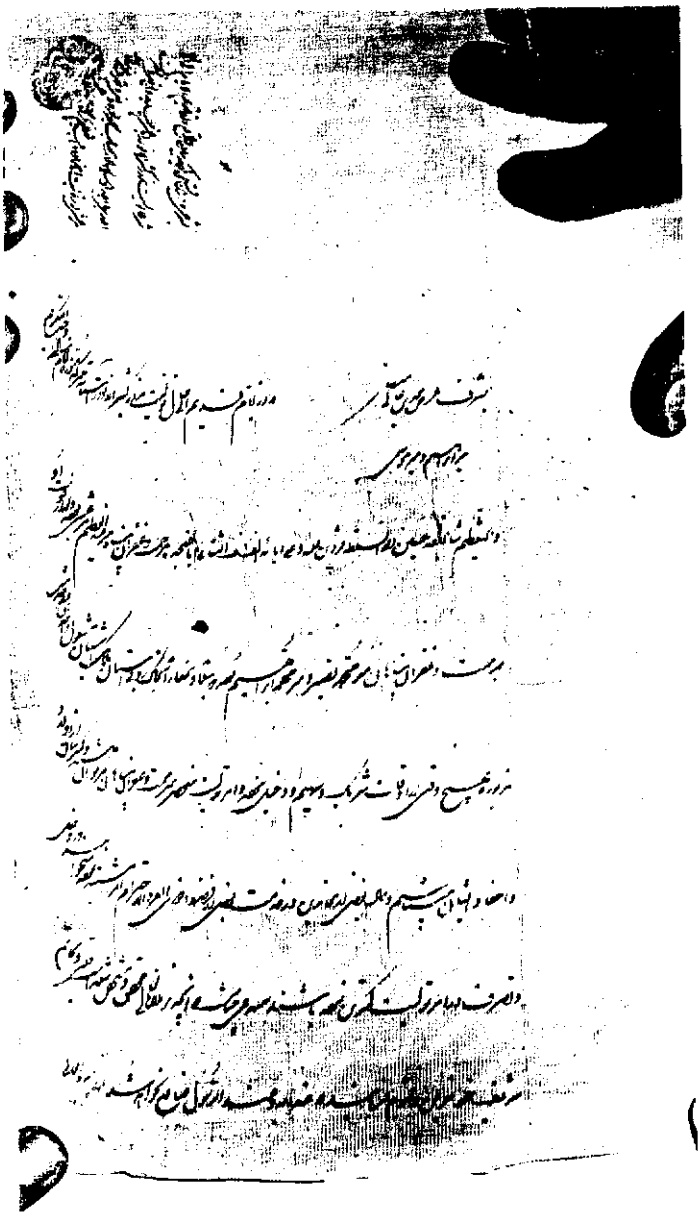

سند شماره ٦٦

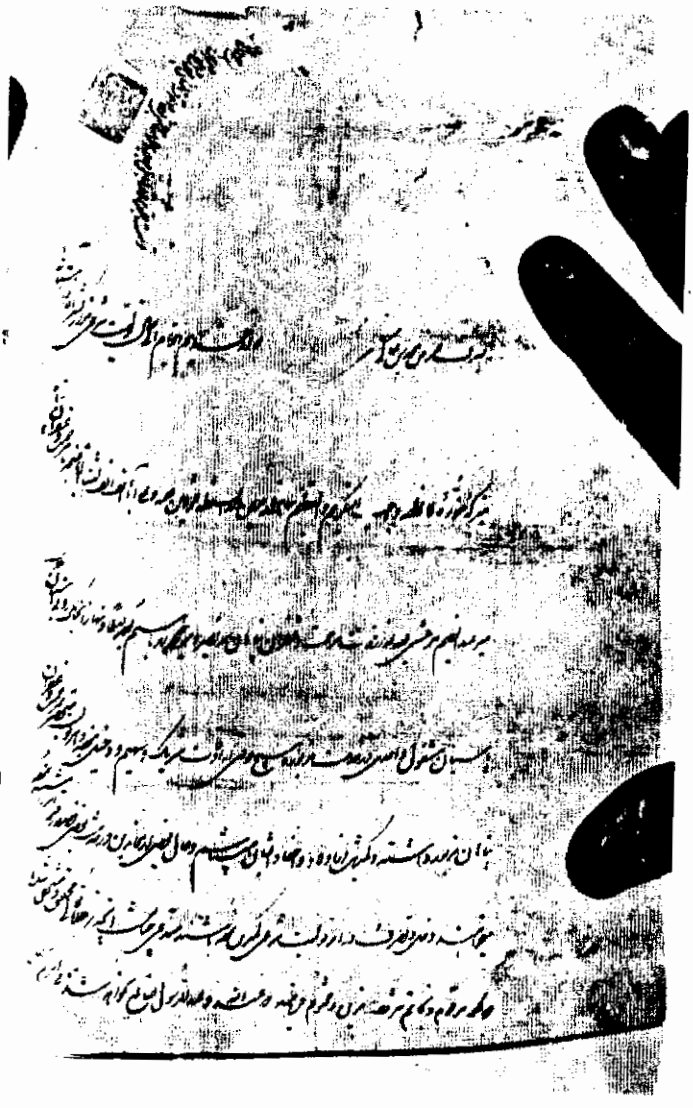

سند شماره ۵۷-

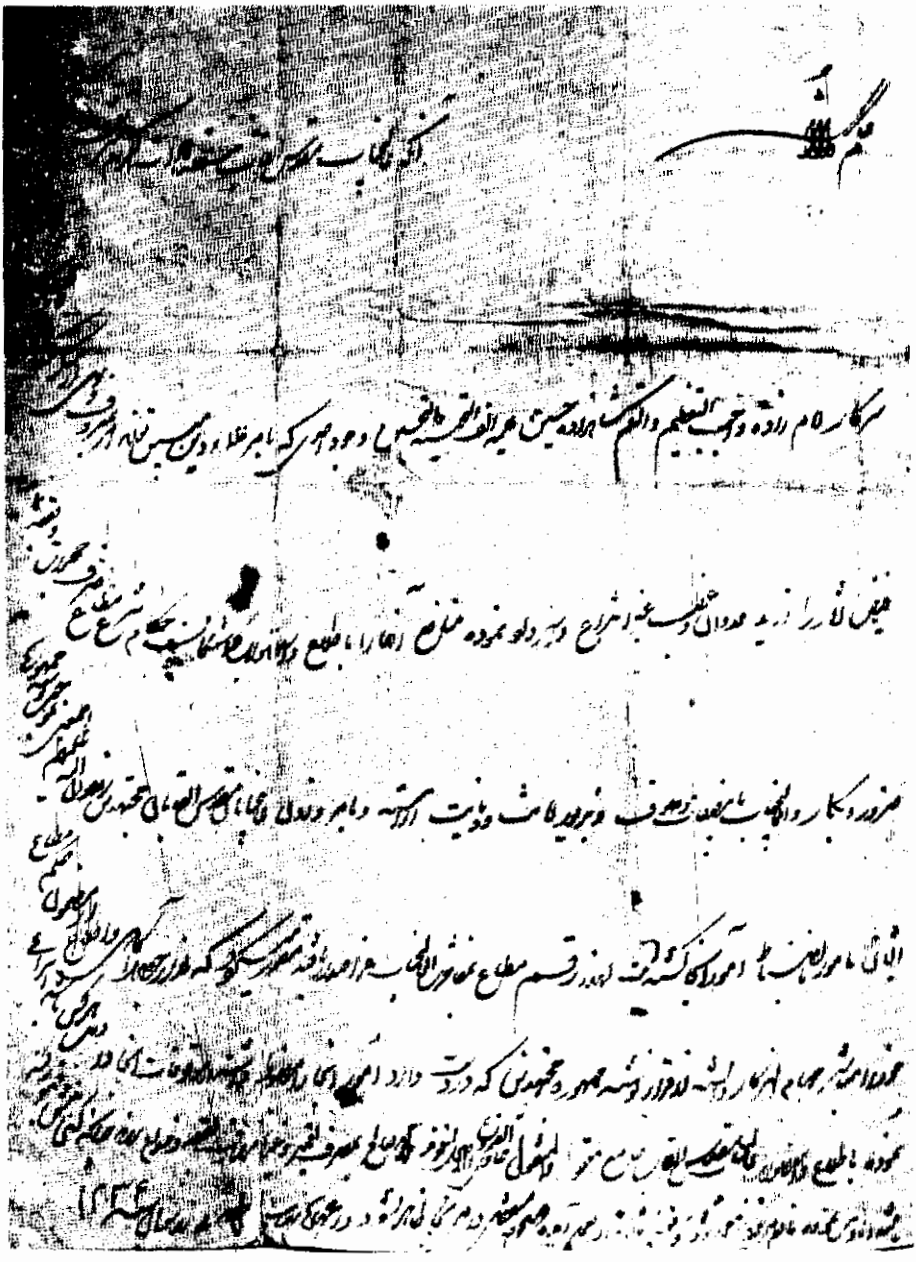

سند شماره ۶۸

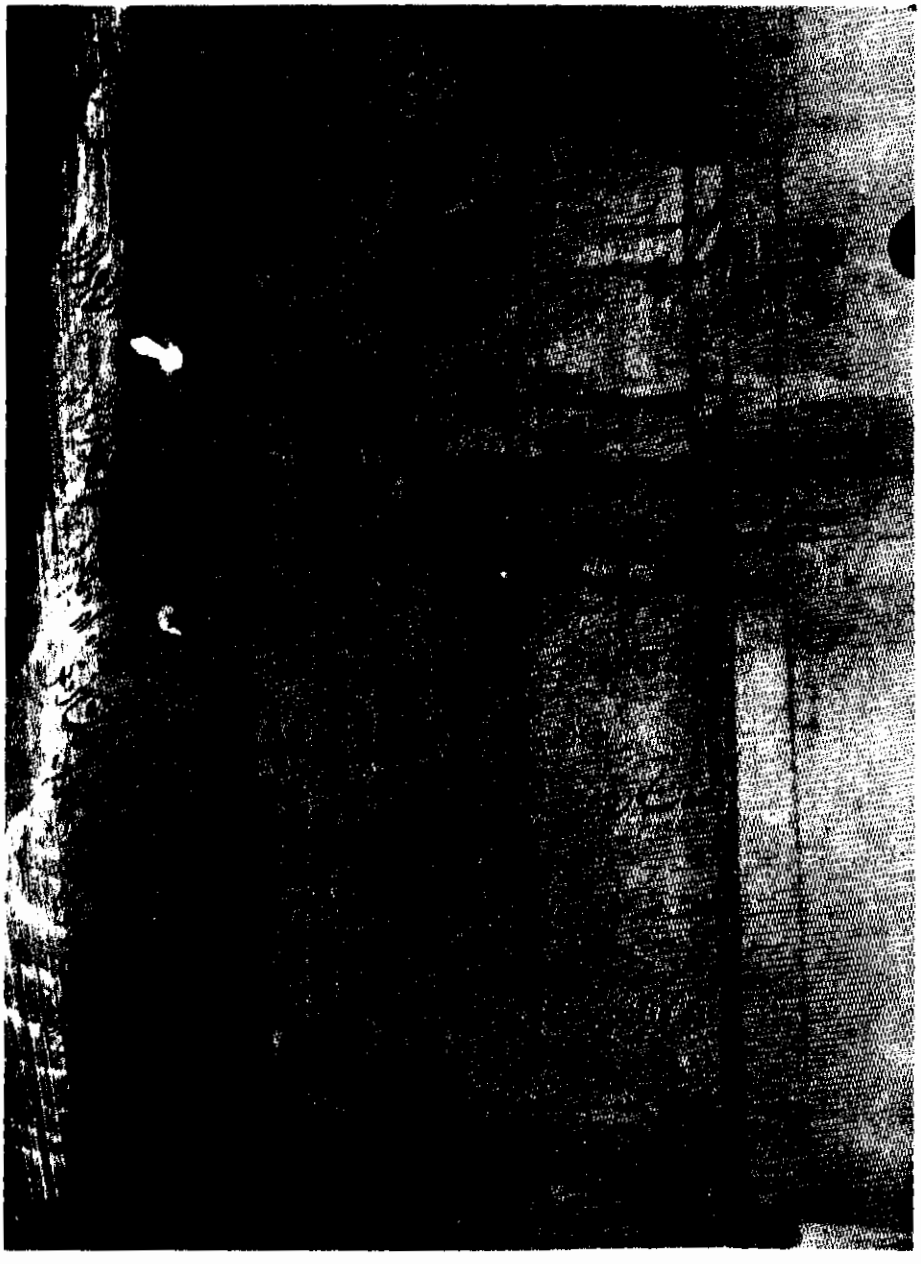

سند شماره ۶۹

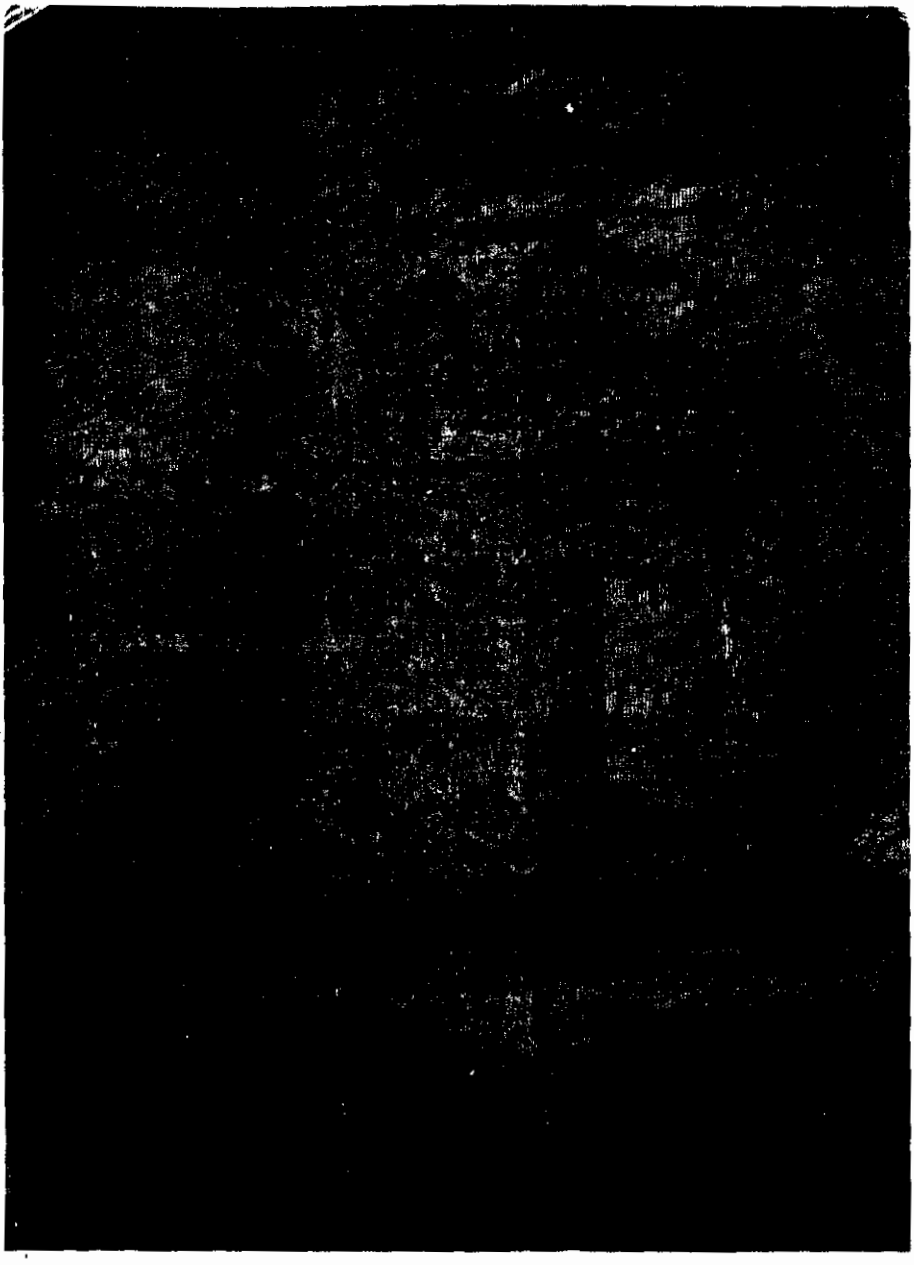

سند شماره ۷۰

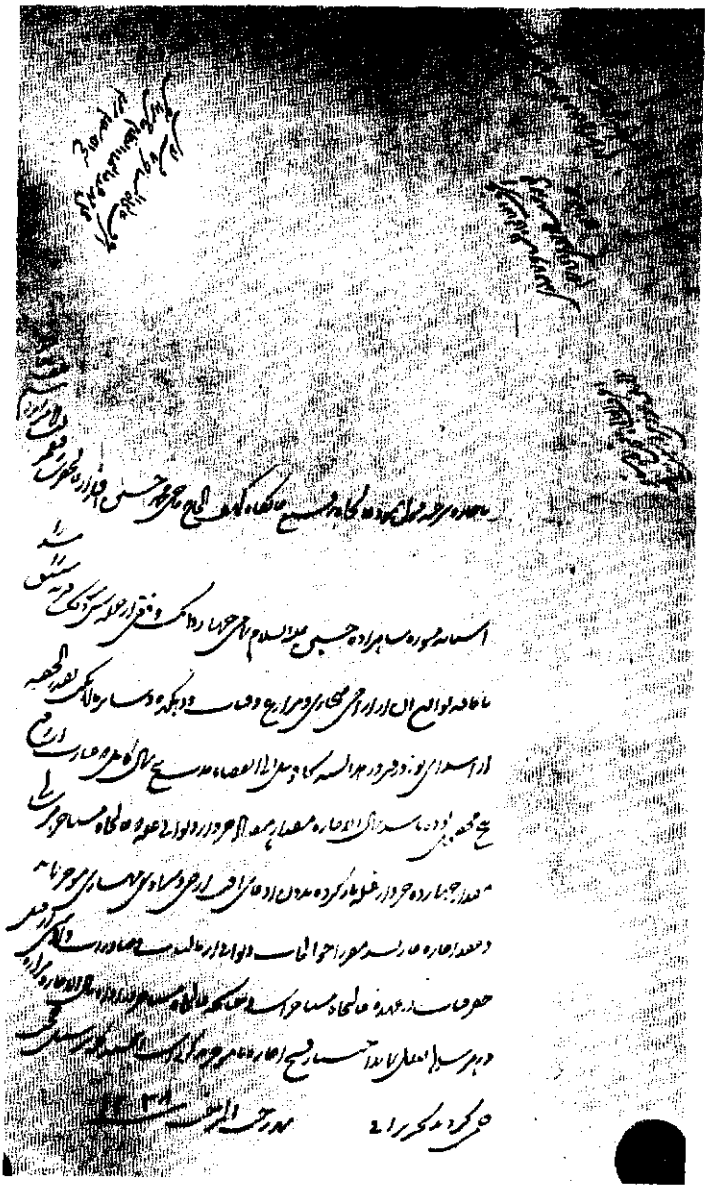

سند شماره ۷۱

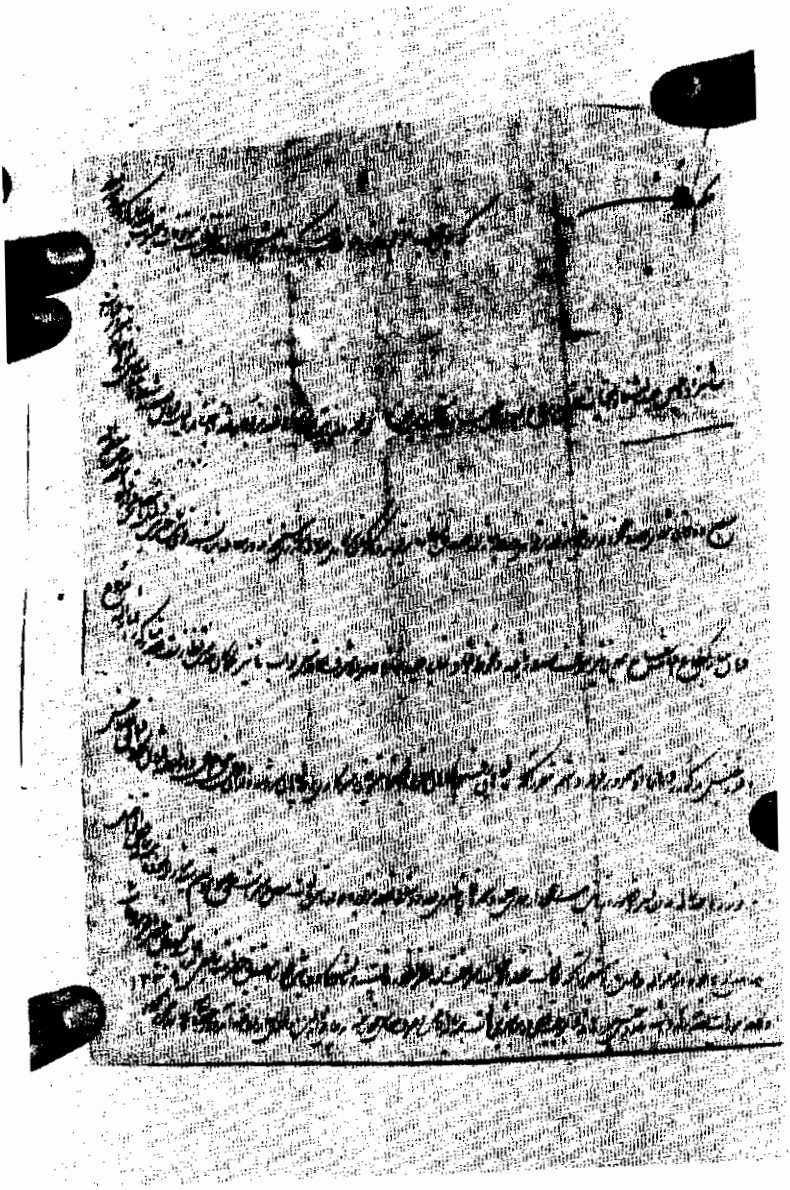

سند شماره ۷٤

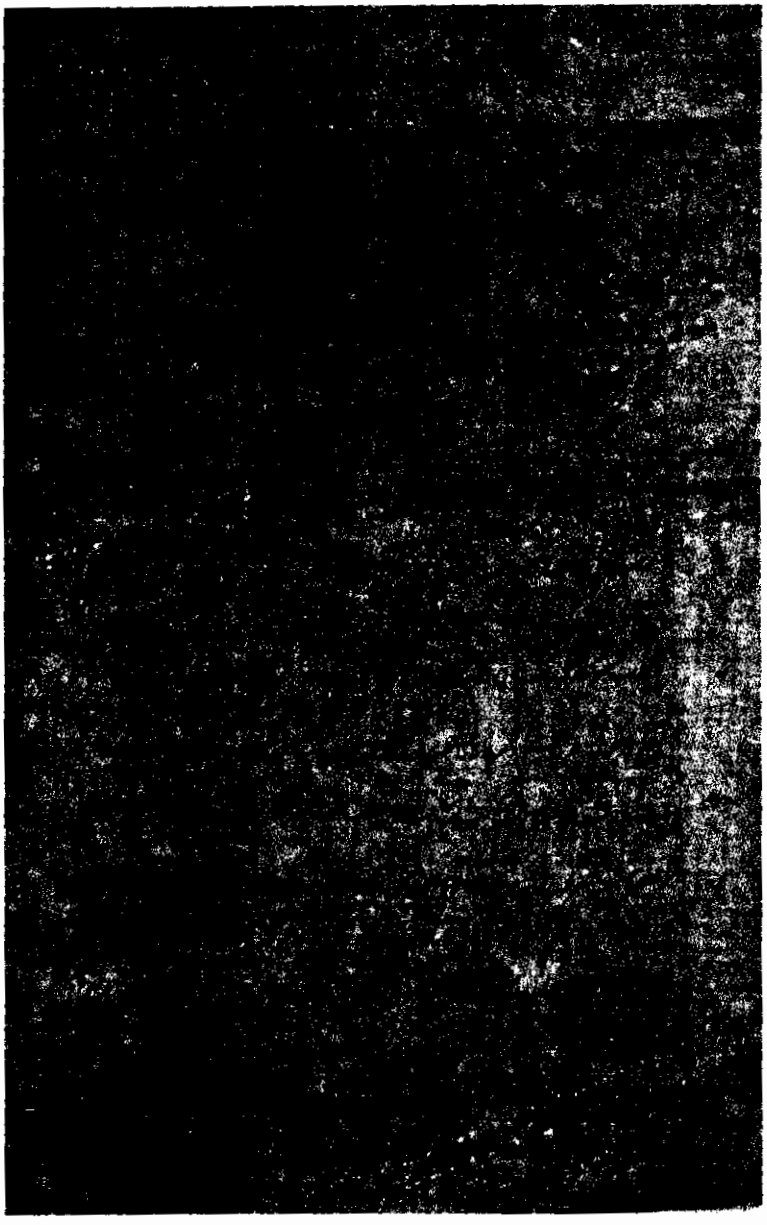

سند شماره ۷۵

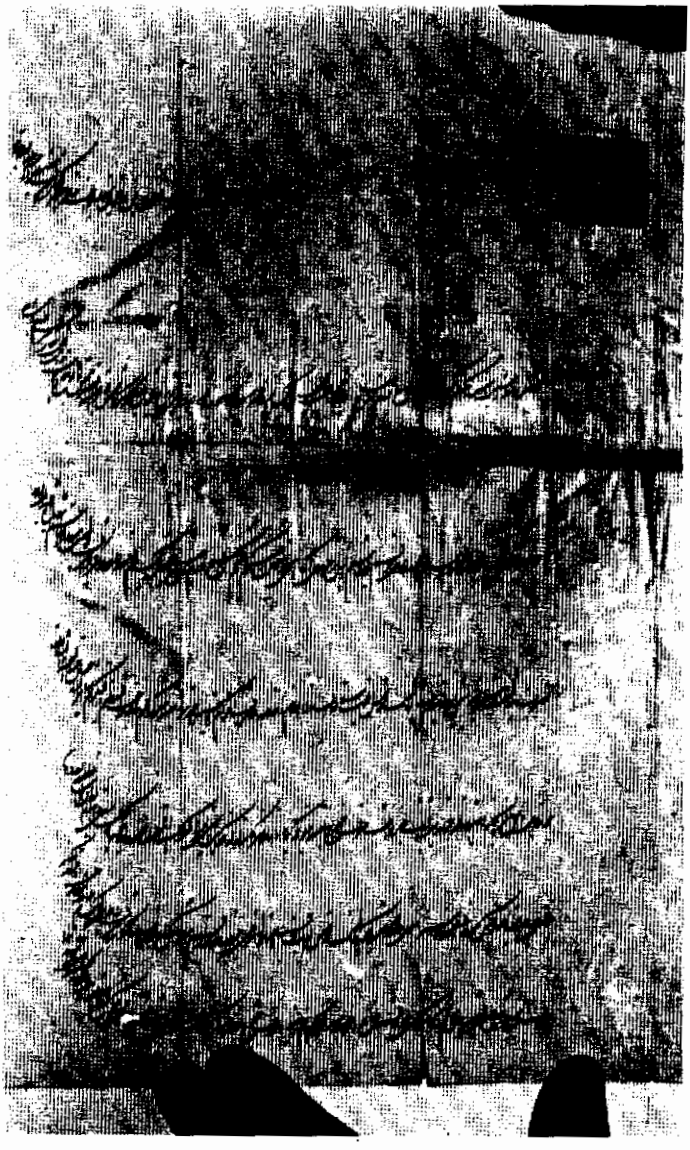

سند شماره ۷۶

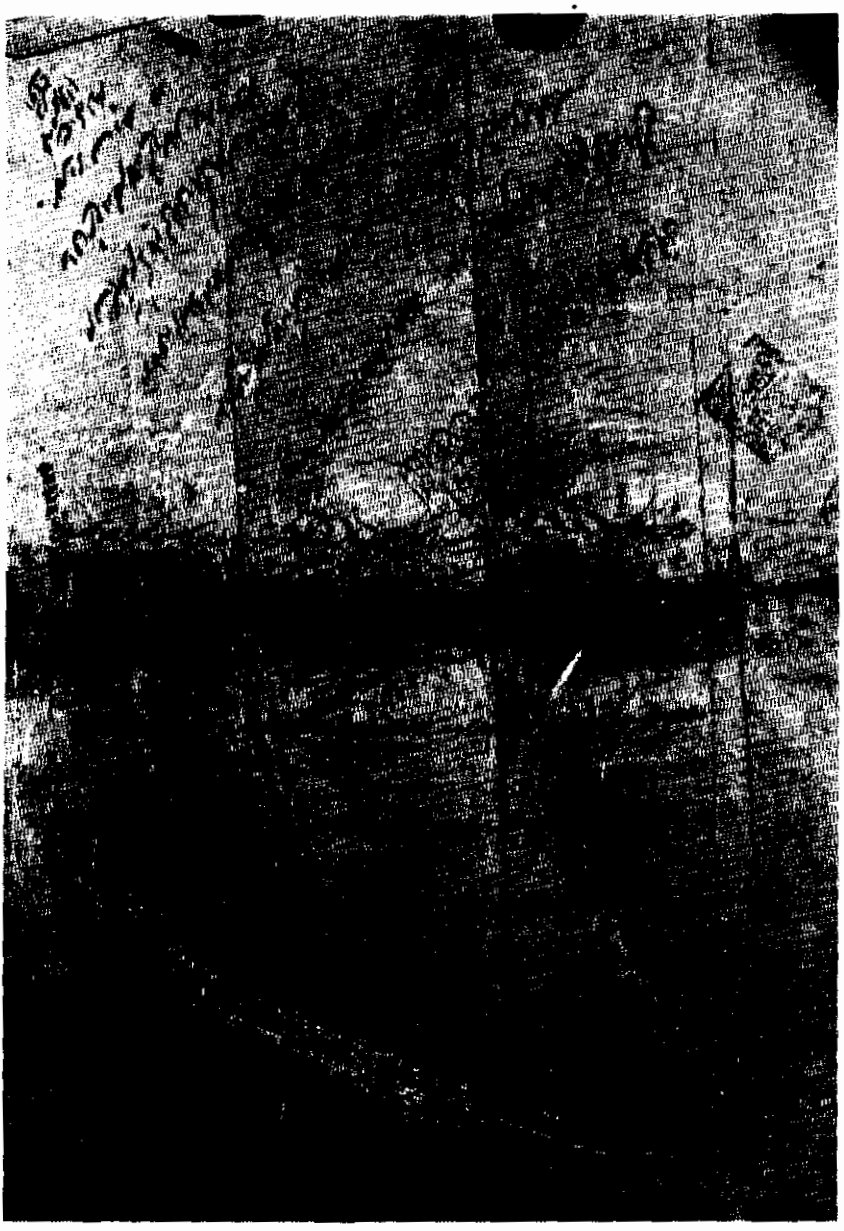

سند شماره ۷۷

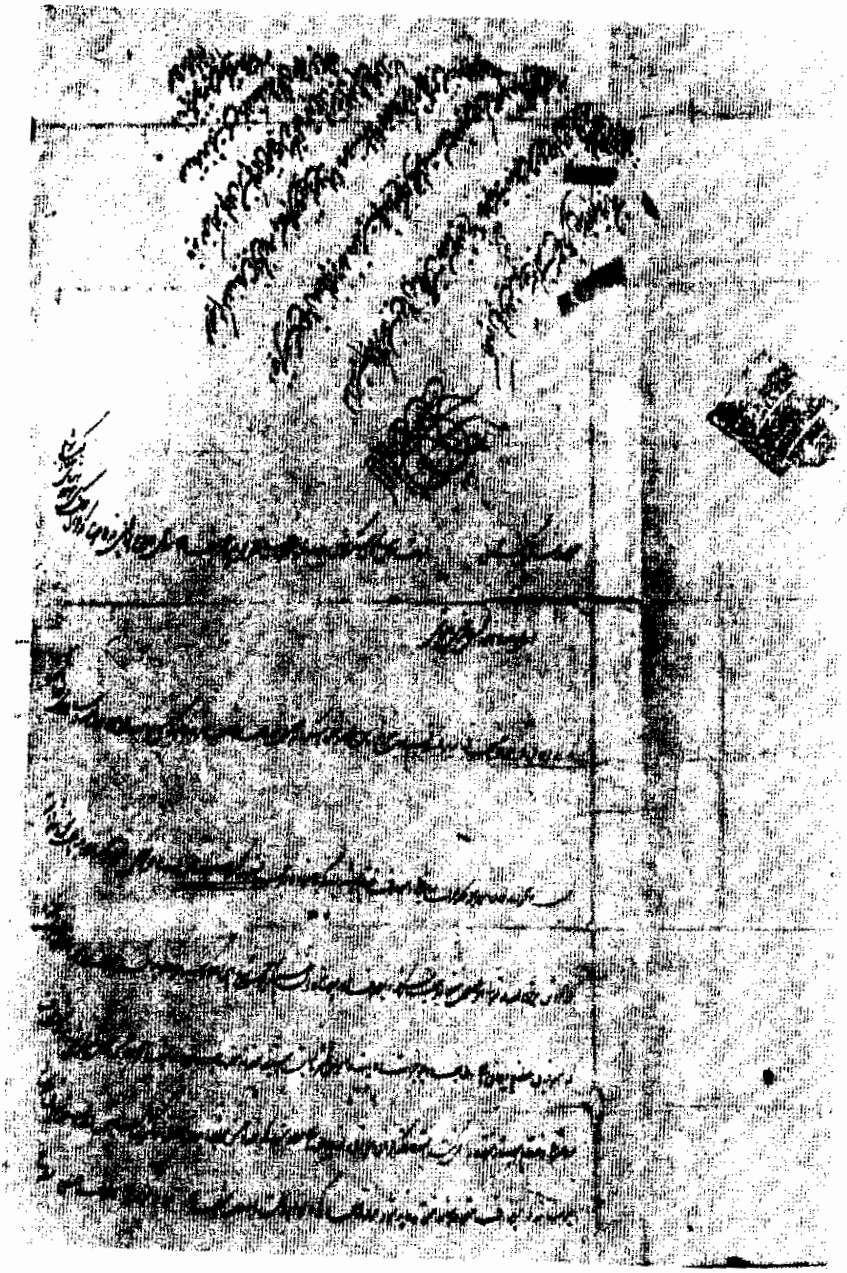

سند شماره ۷۸

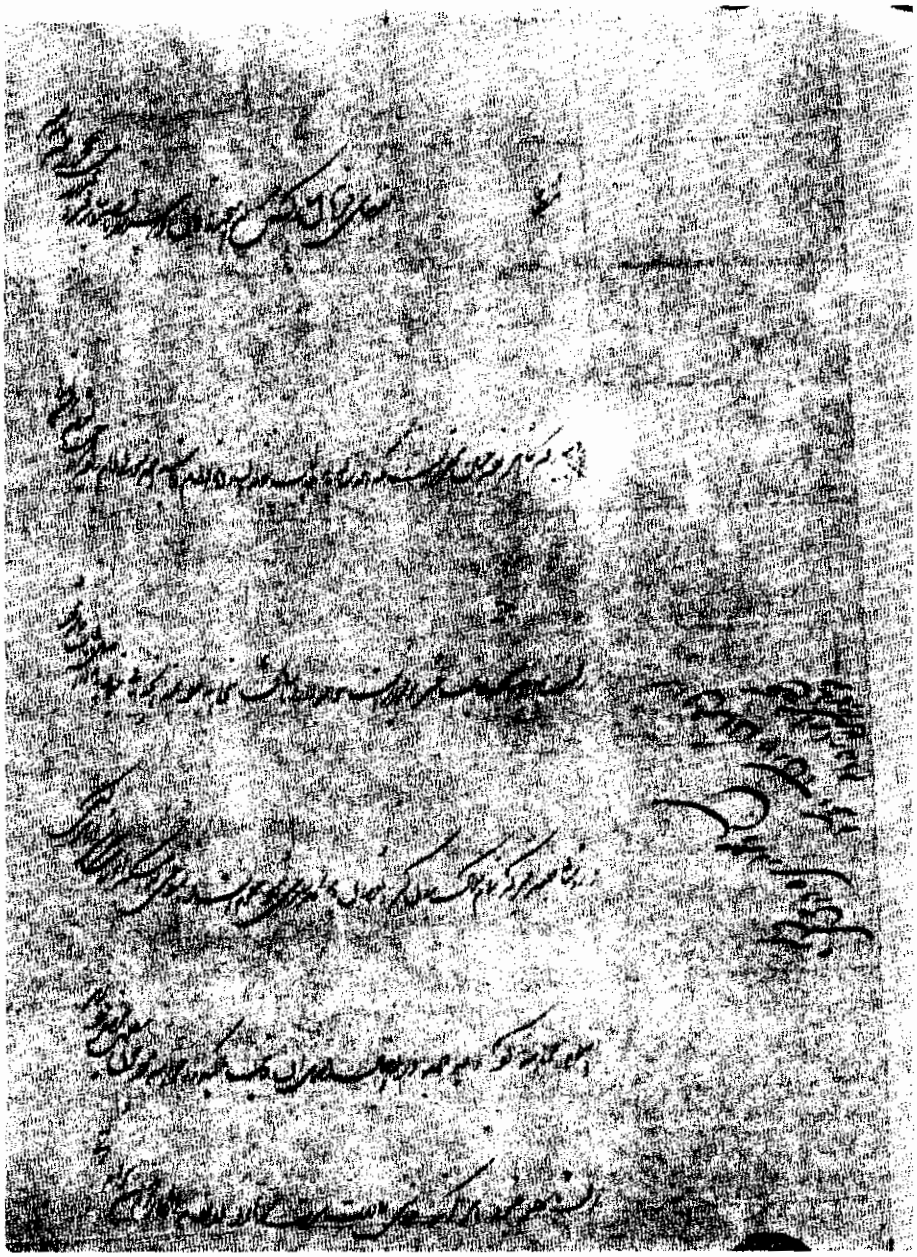

سند شماره ۷۹

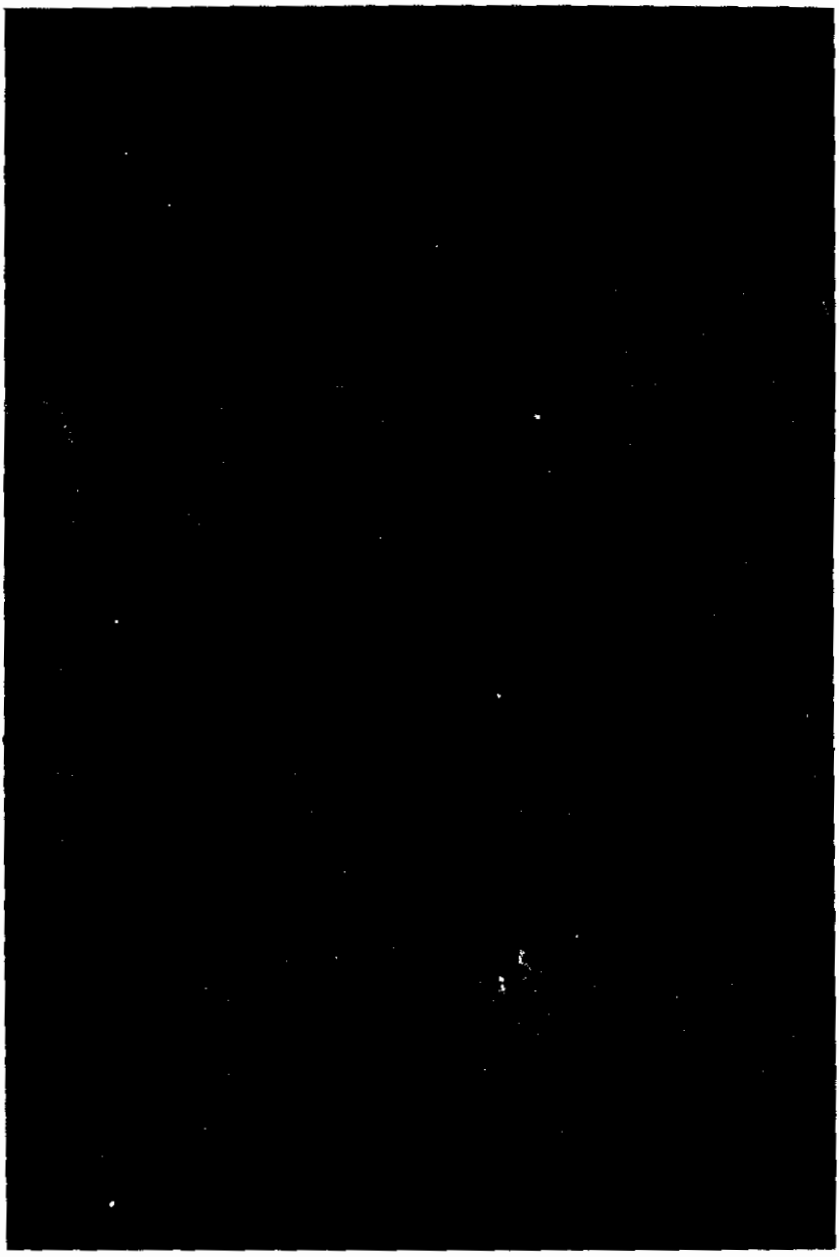

سند شماره ۸۰

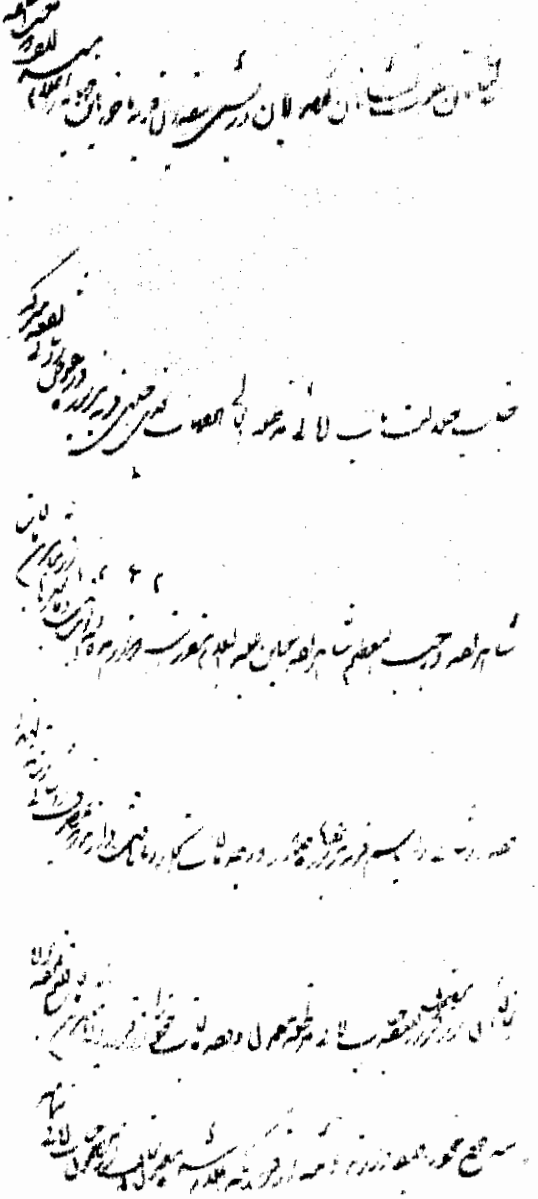

سند شماره ۸۱

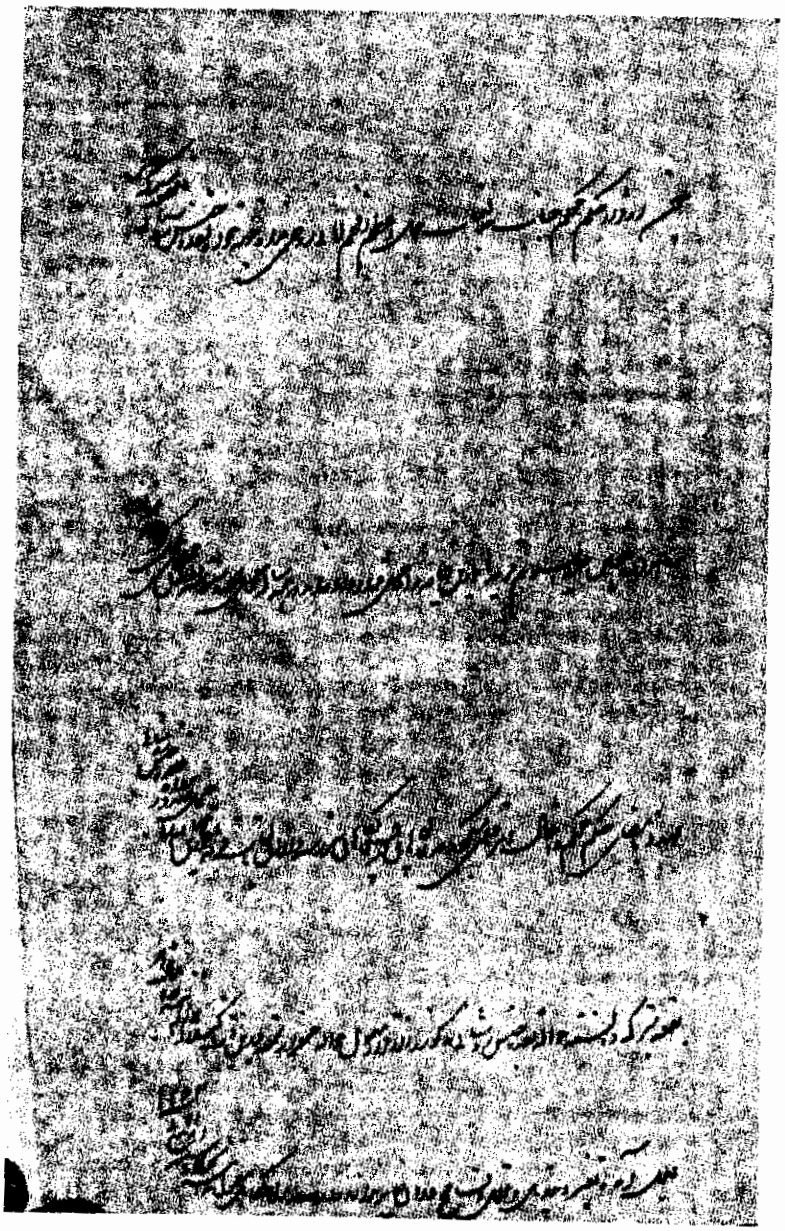

سند شماره ۸۲

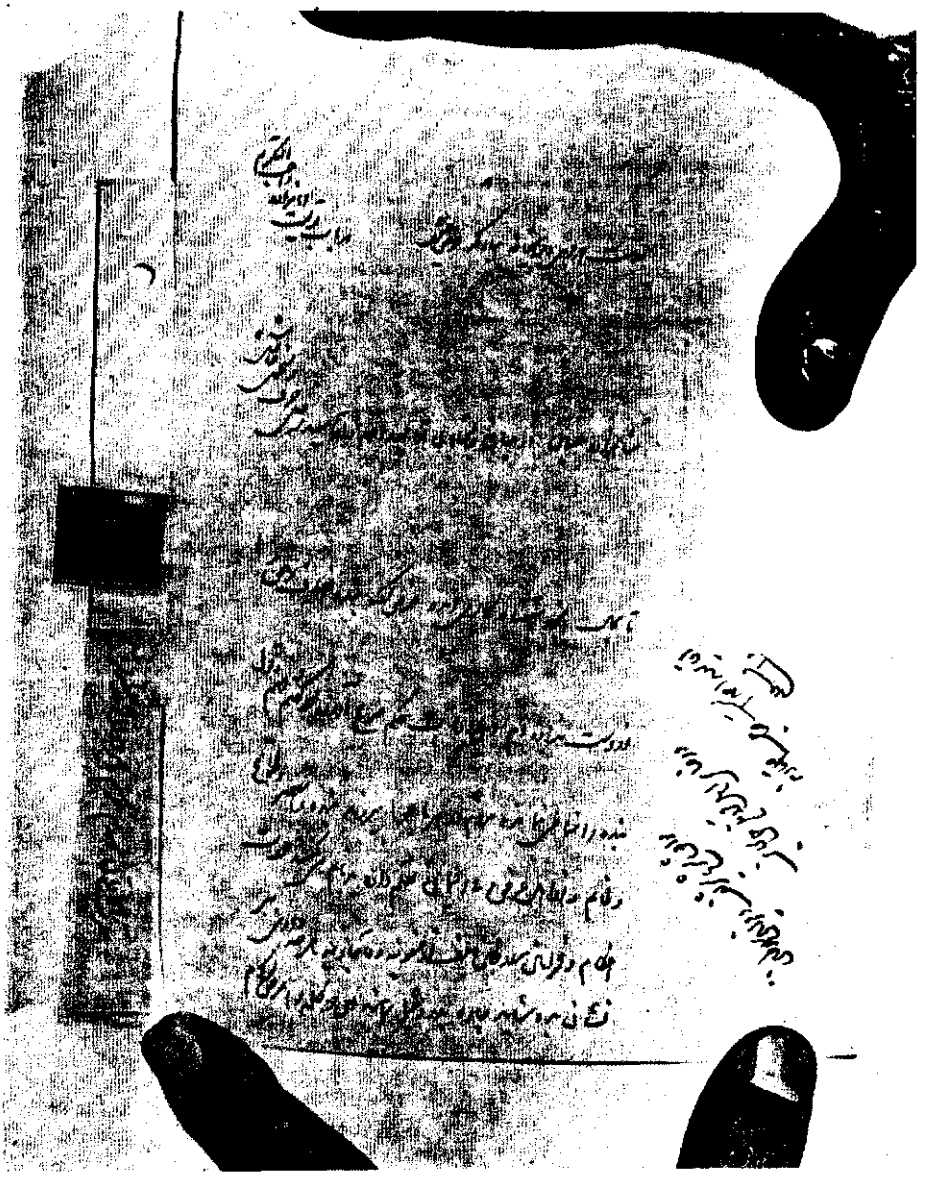

سند شماره ۸۳

سند شماره ۸۴

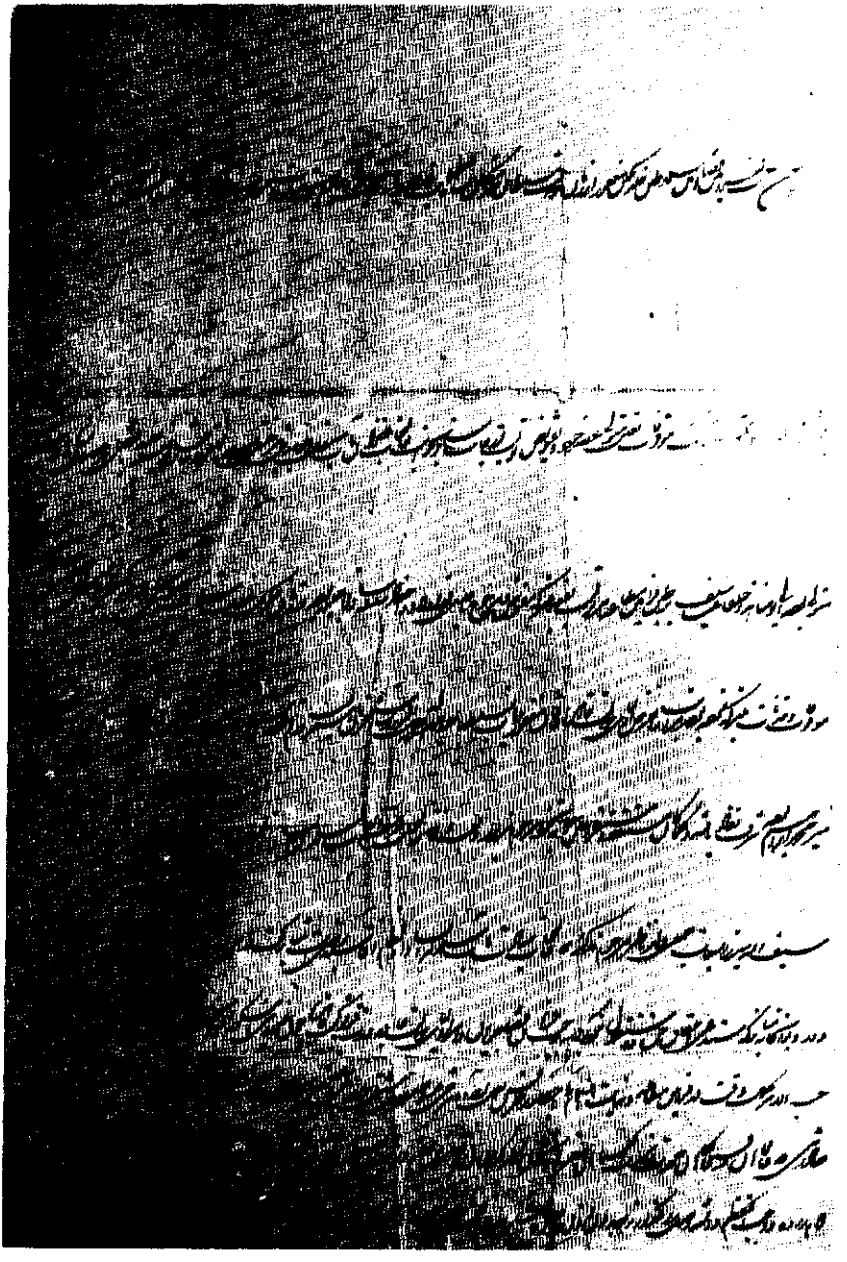

سند شماره ۸۵

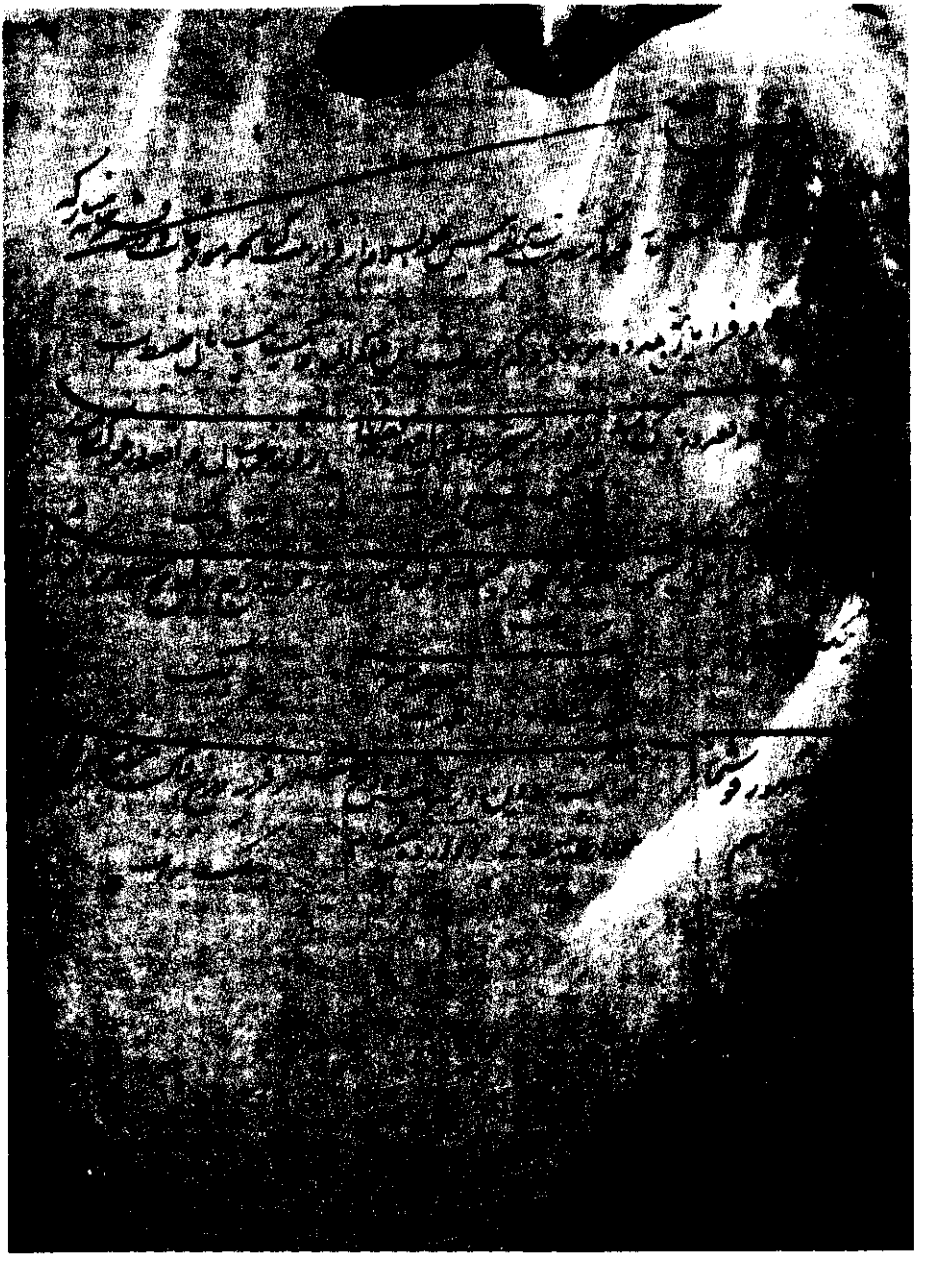

سند شماره ۸۶

سند شماره ۸۷

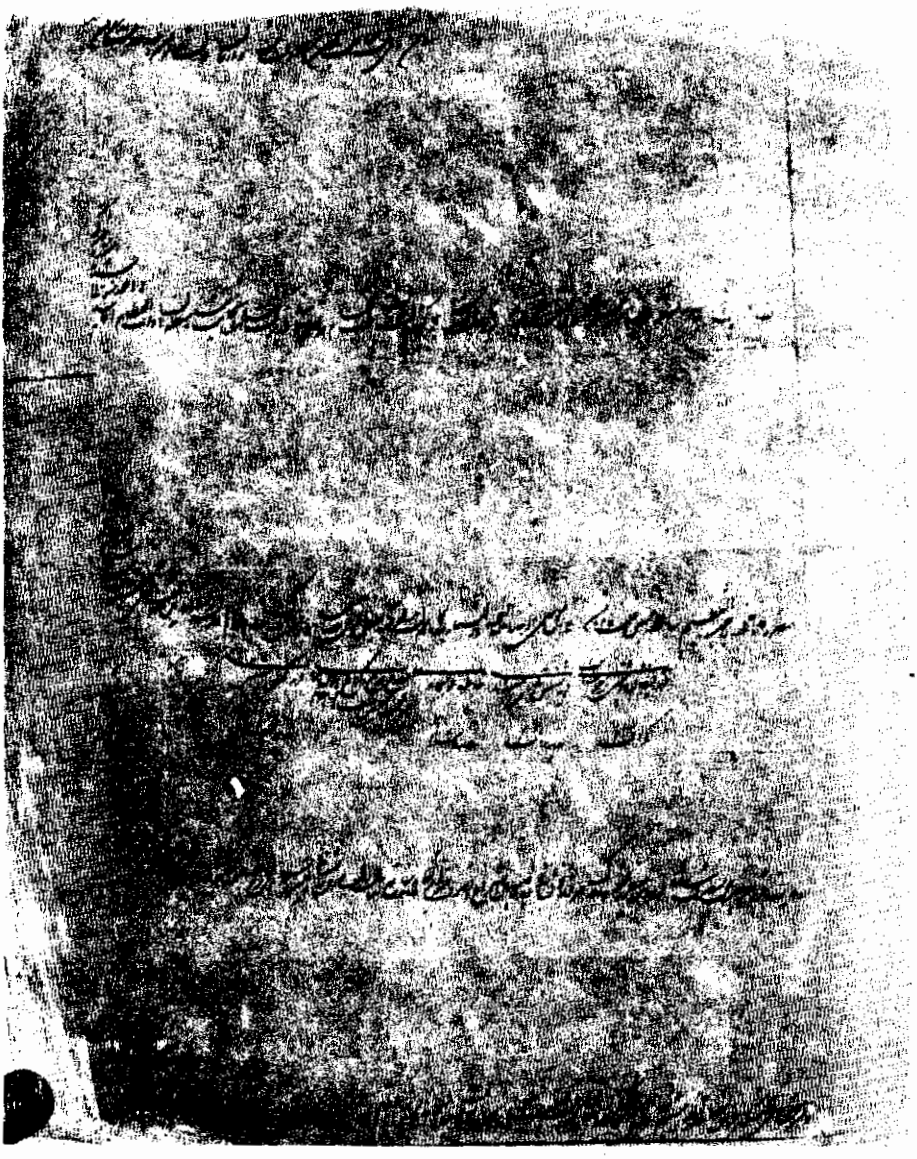

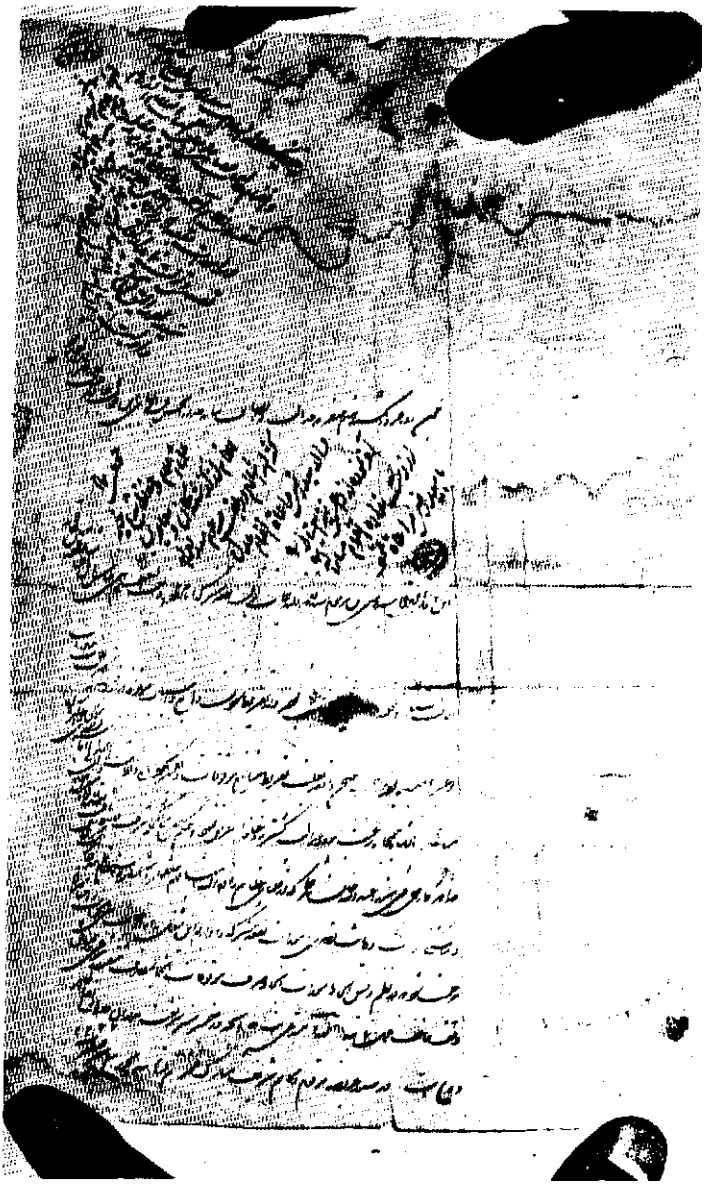

سند شماره ۹۰

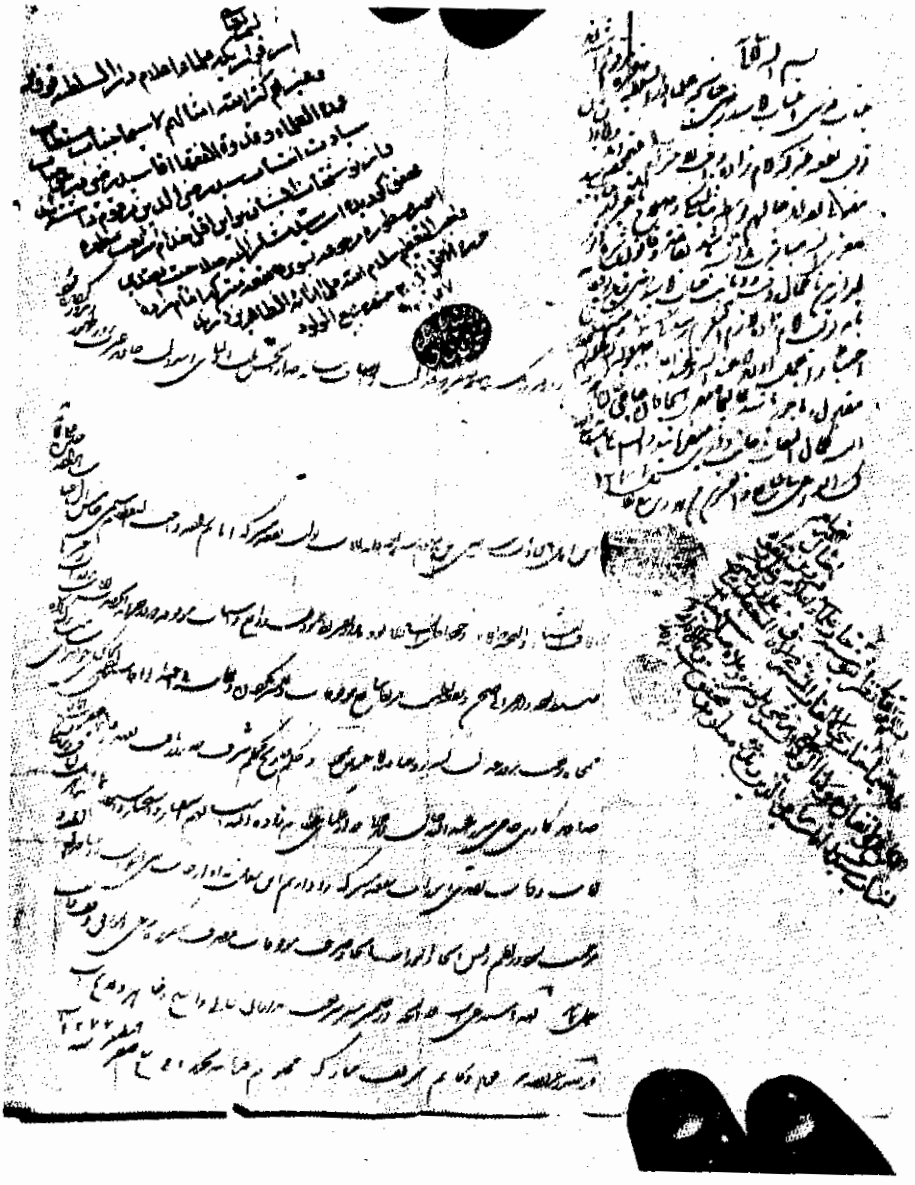

سند شماره ۹۱

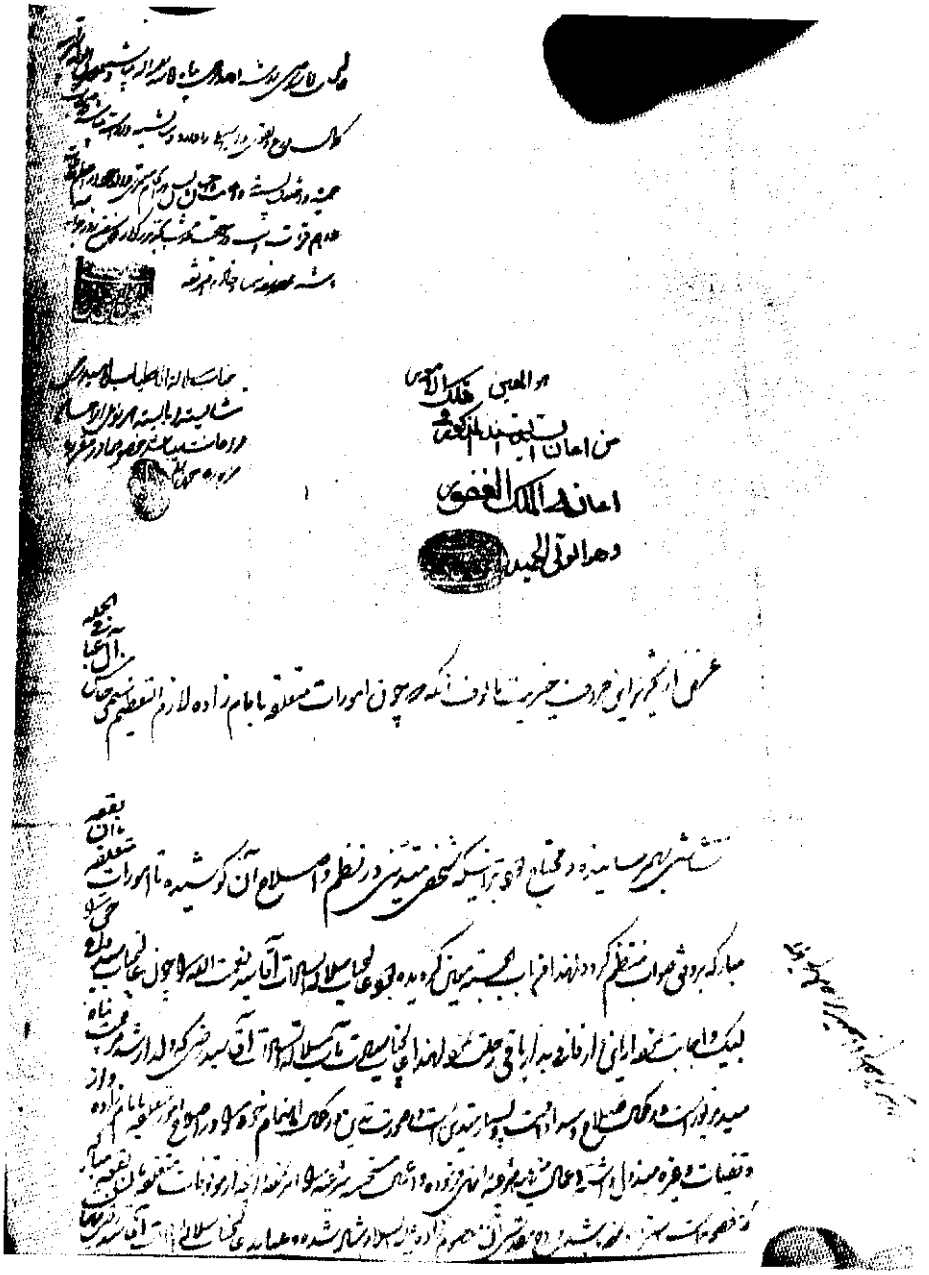

سند شماره ۹۲

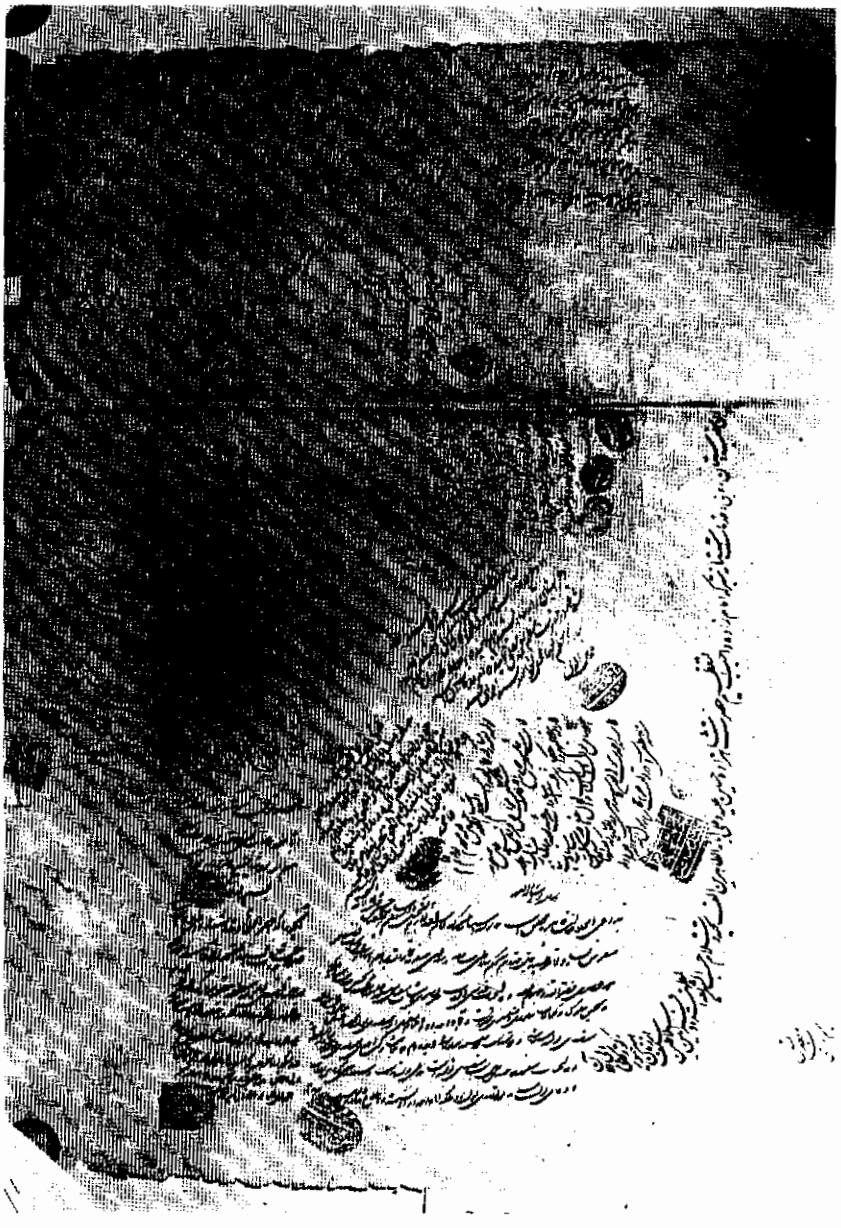

سند شماره ۹۳ (قسمت اول)

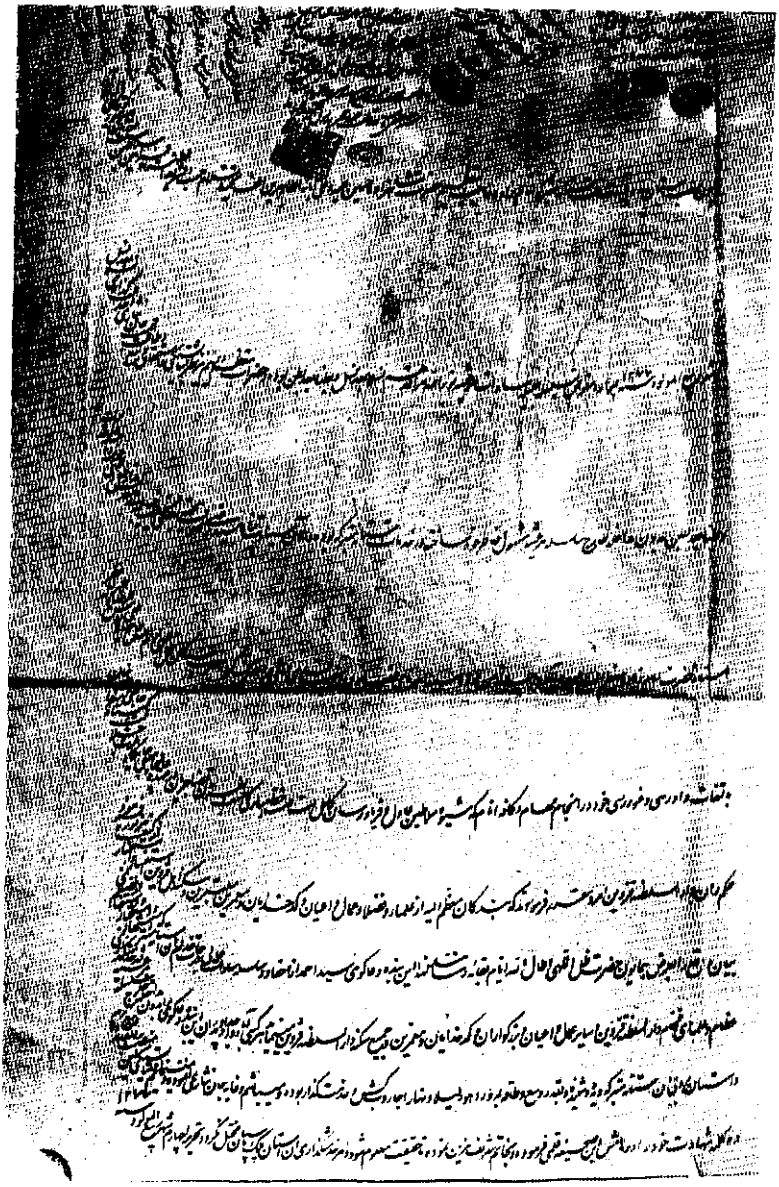

سند شماره ۹۳ (قسمت دوم)

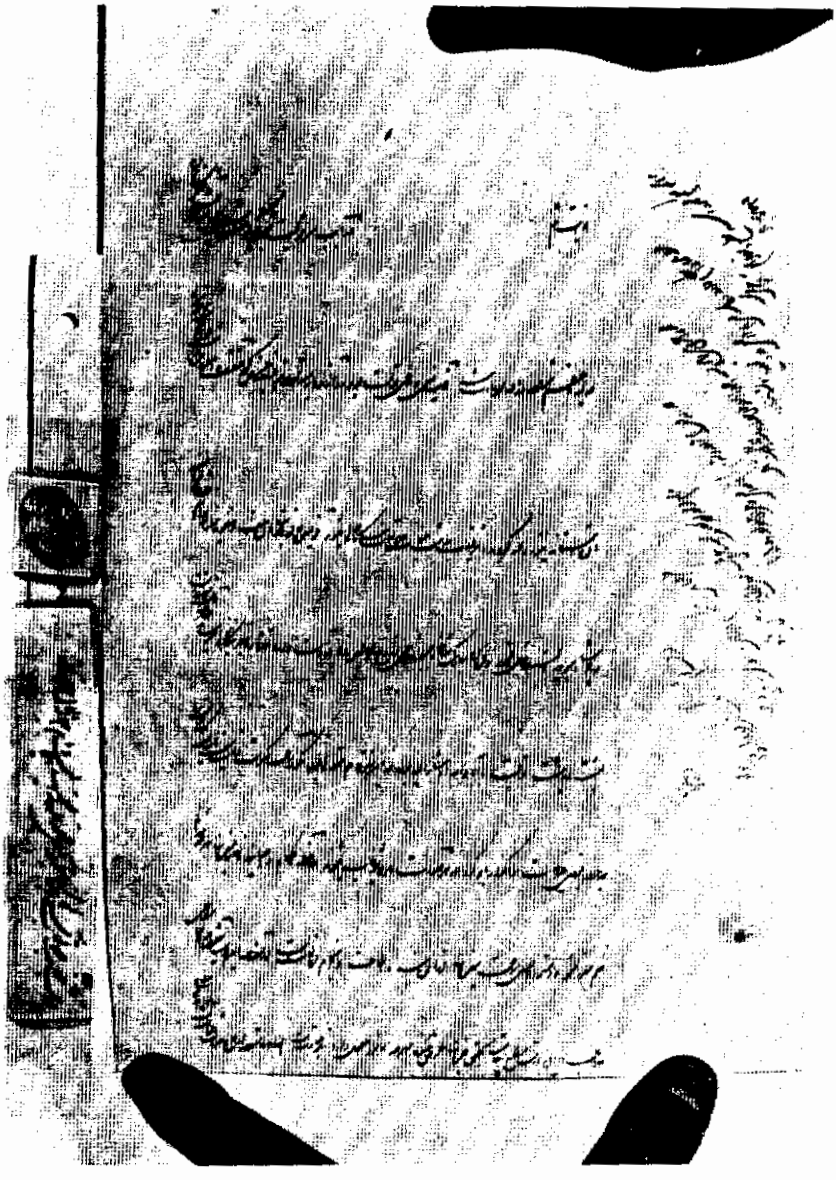

سند شماره ۹۴

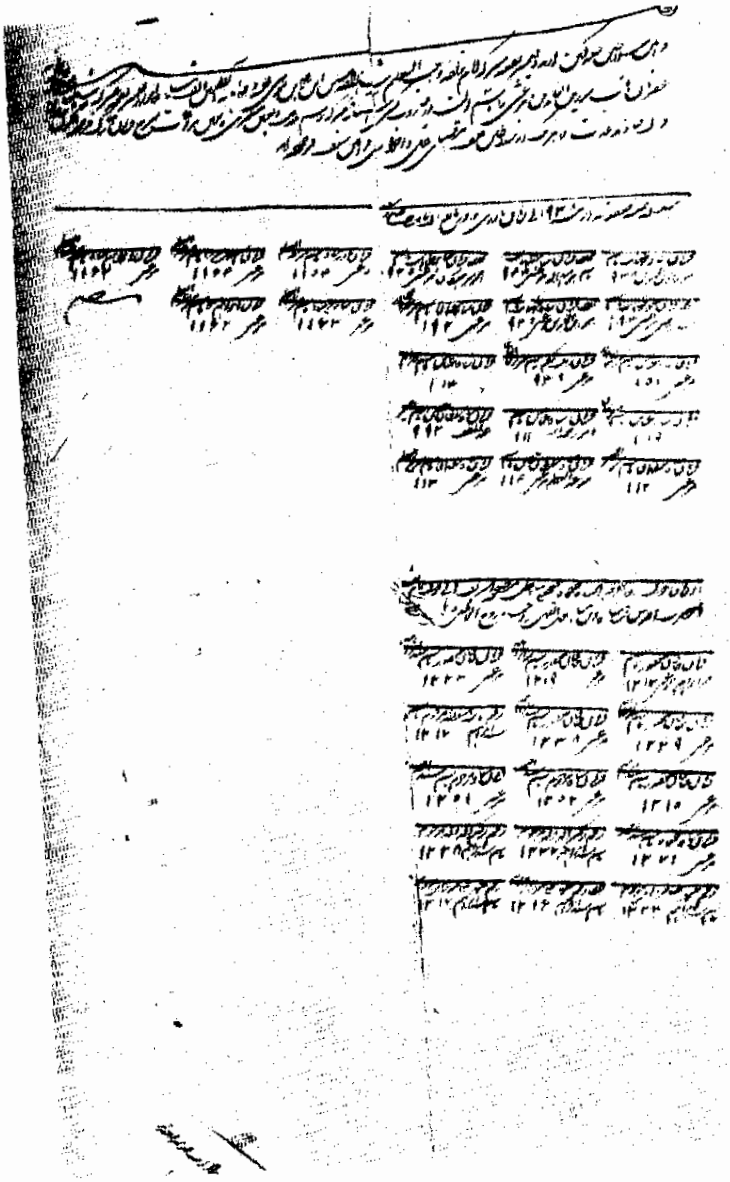

سند شماره ۹۶

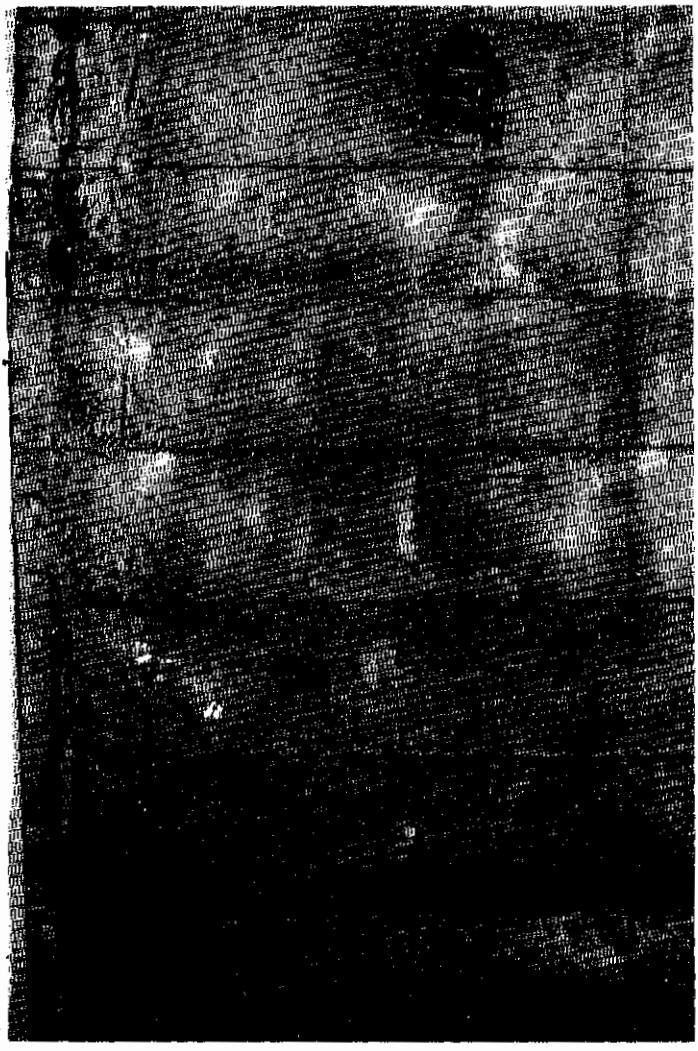

سند شماره ۹۷

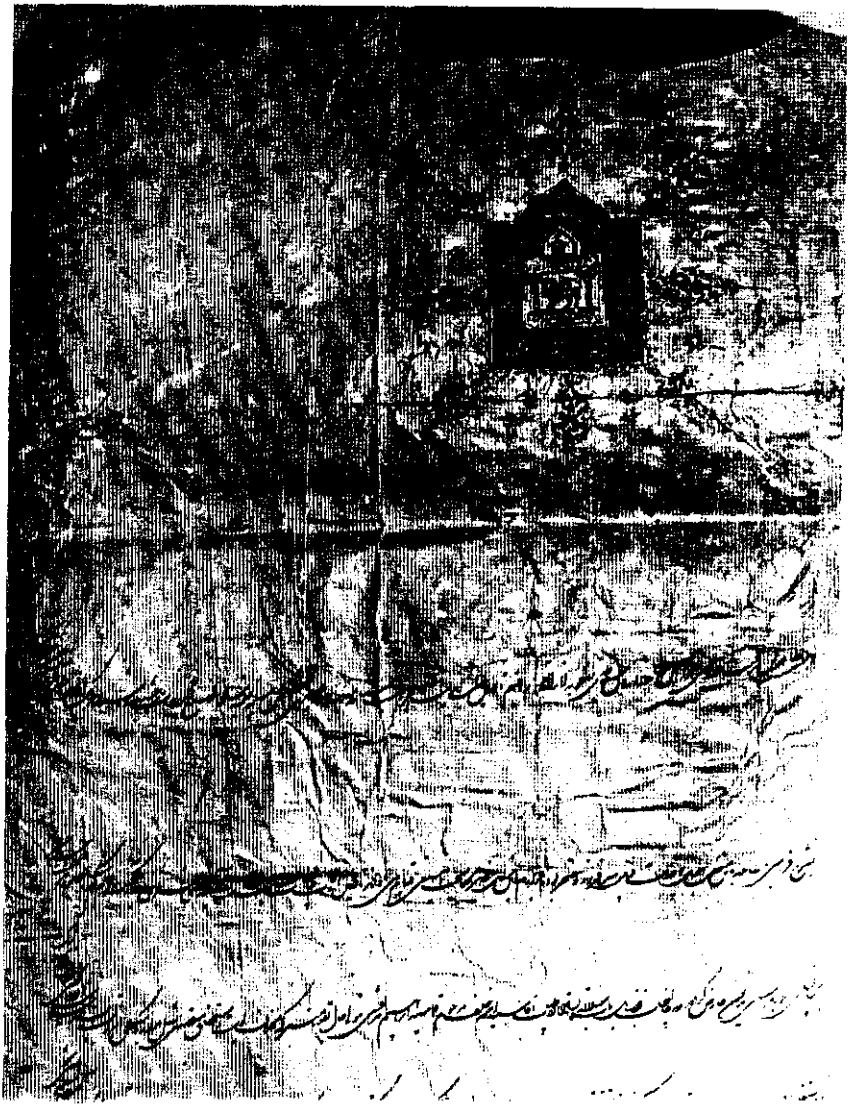

سند شماره ۹۸ (قسمت اول)

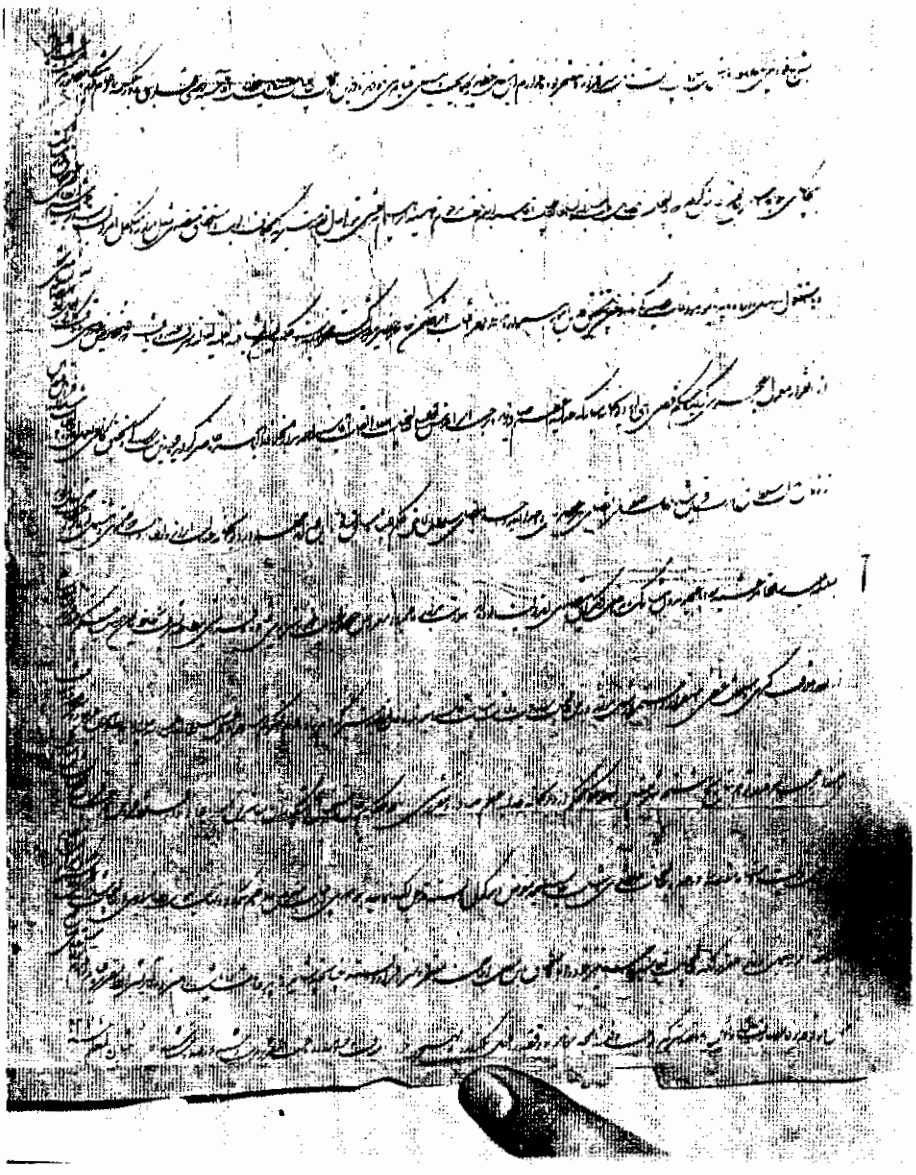

سند شماره ۹۸ (قسمت دوم)

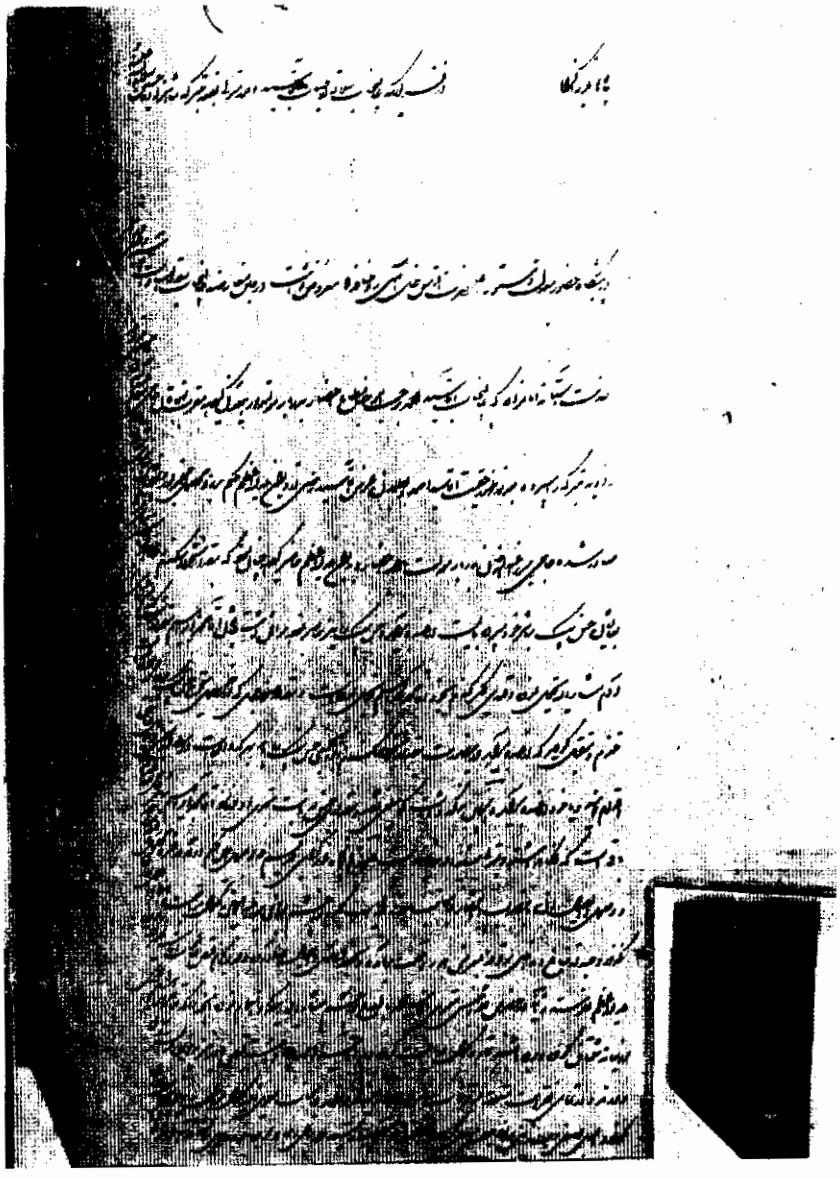

سند شماره ۹۹

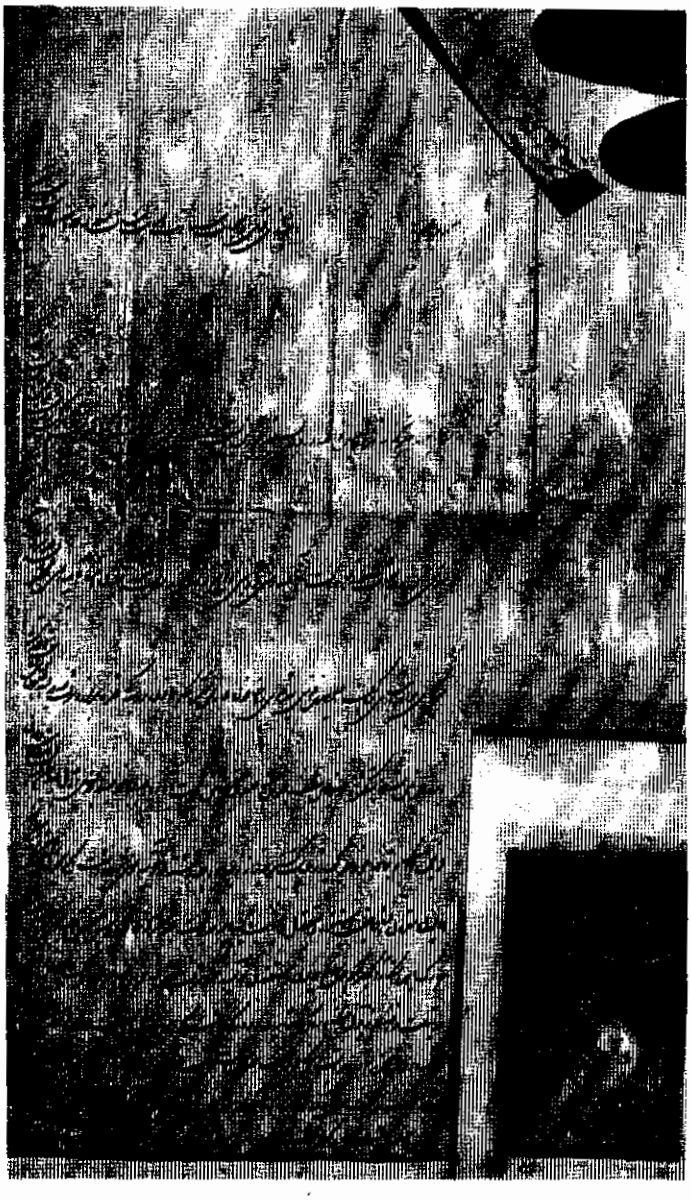

سند شماره ۱۰۰

سند شماره ۱۰۱

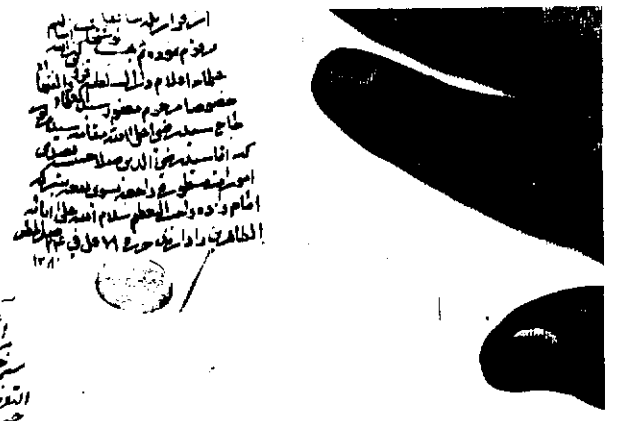

سند شماره ۱۰۲

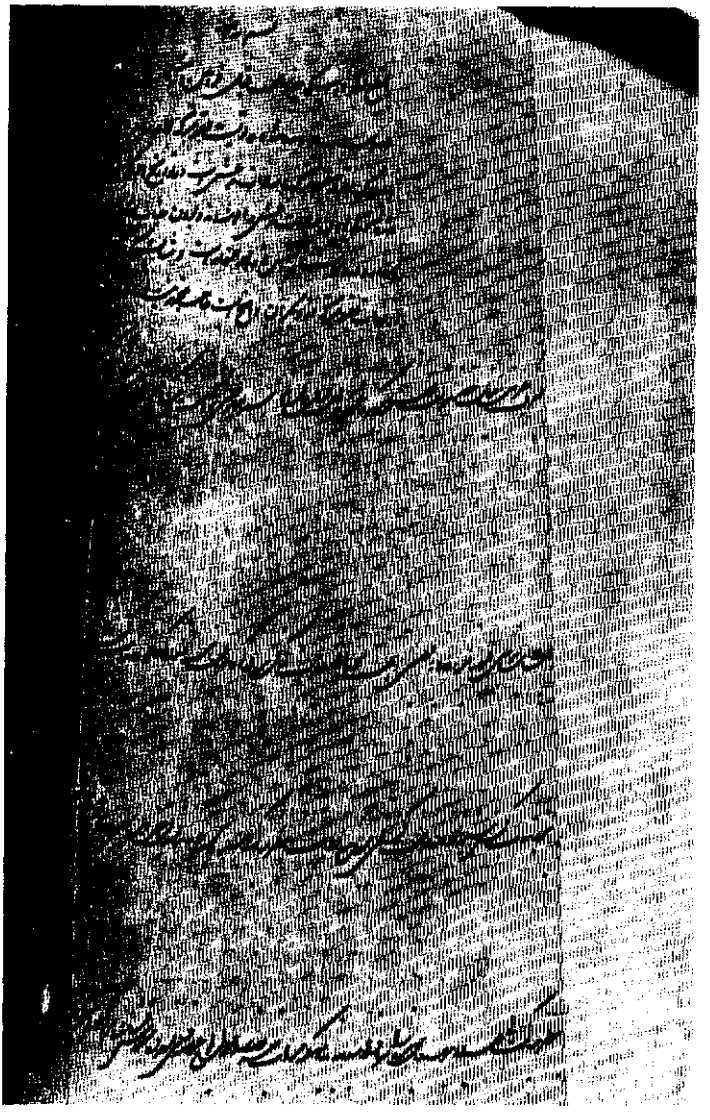

سند شماره ۱۰۳

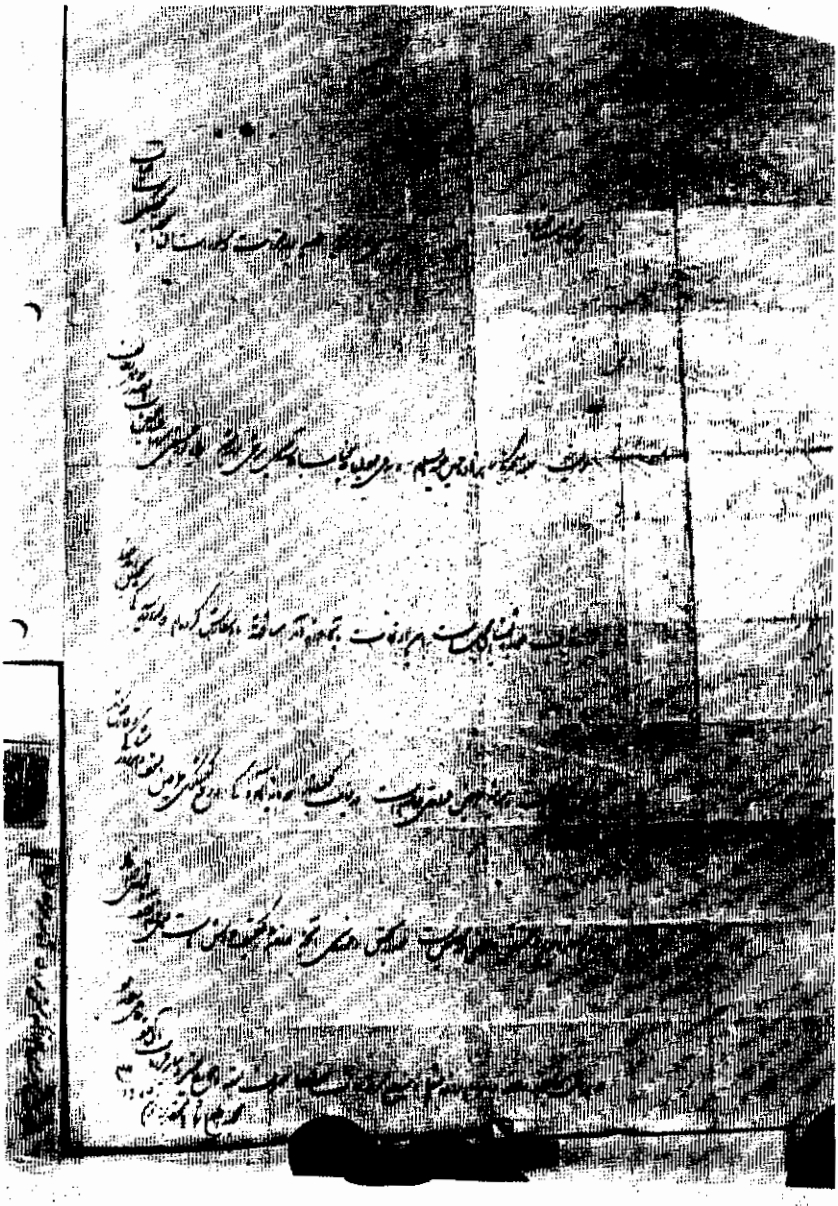

سند شماره ۱۰۴

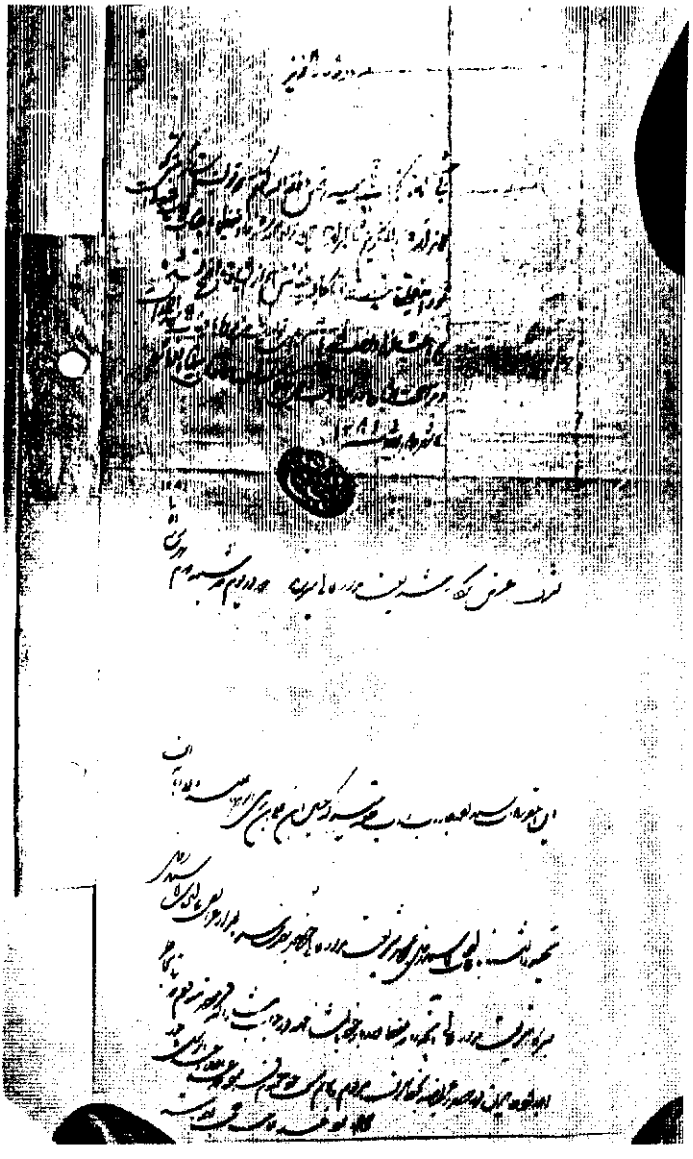

سند شماره ۱۰۵

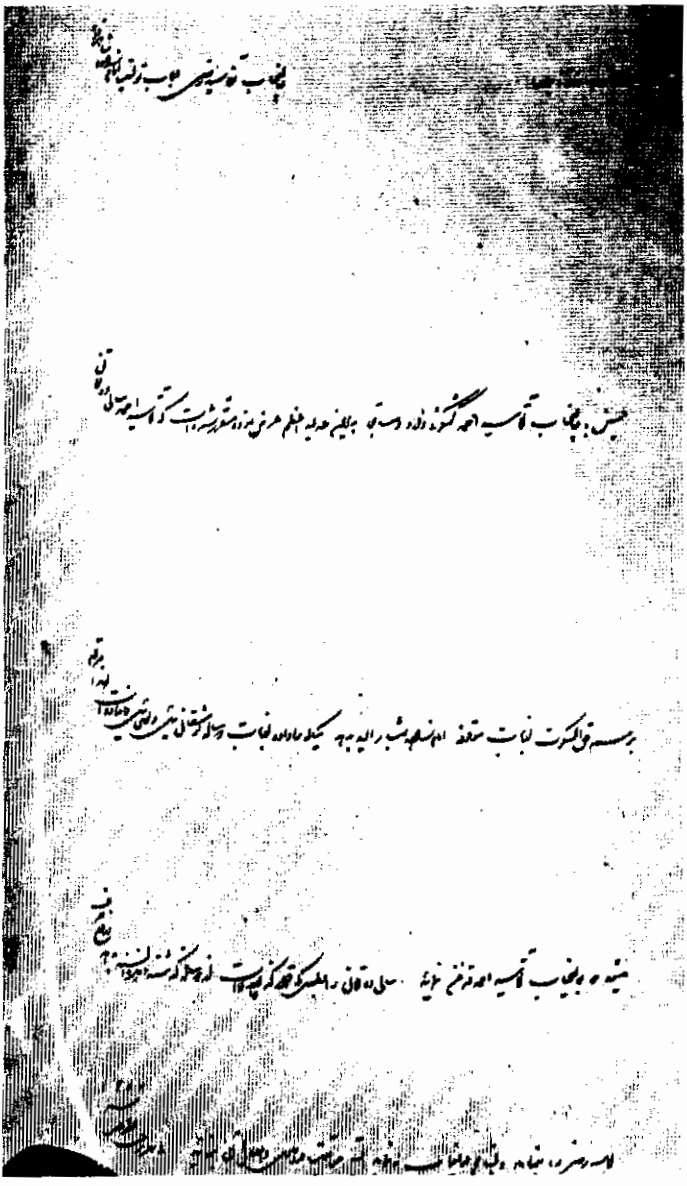

سند شماره ۱۱۲

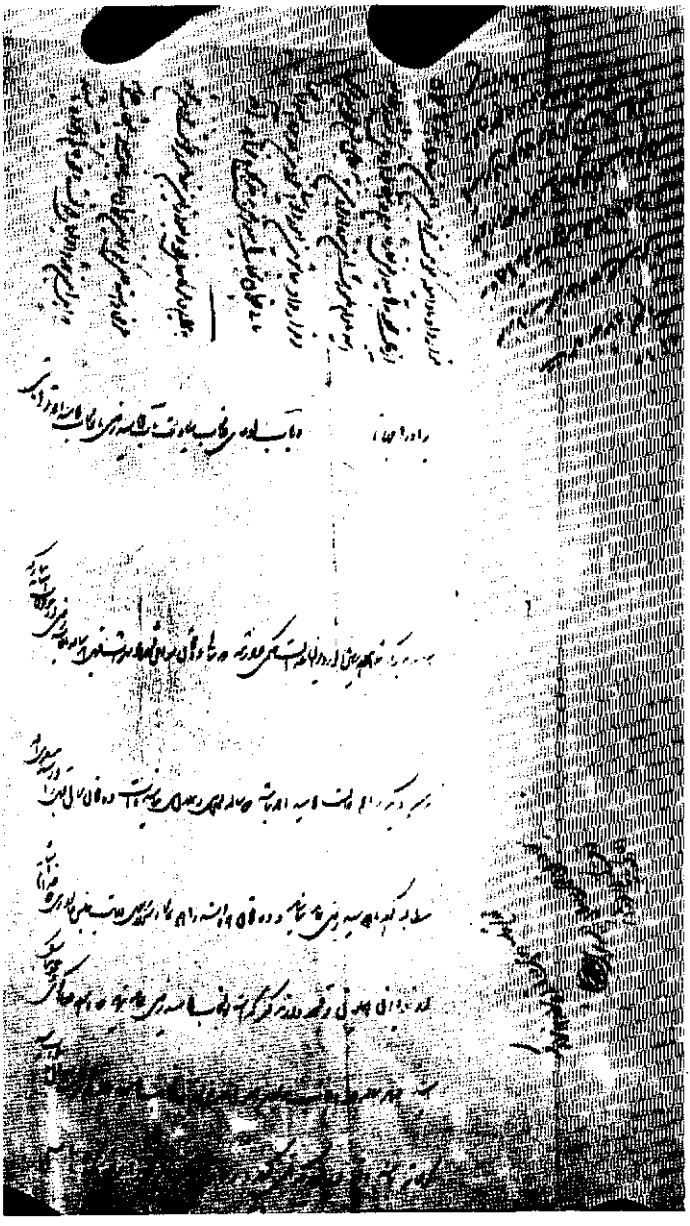

سند شماره ۱۱۳

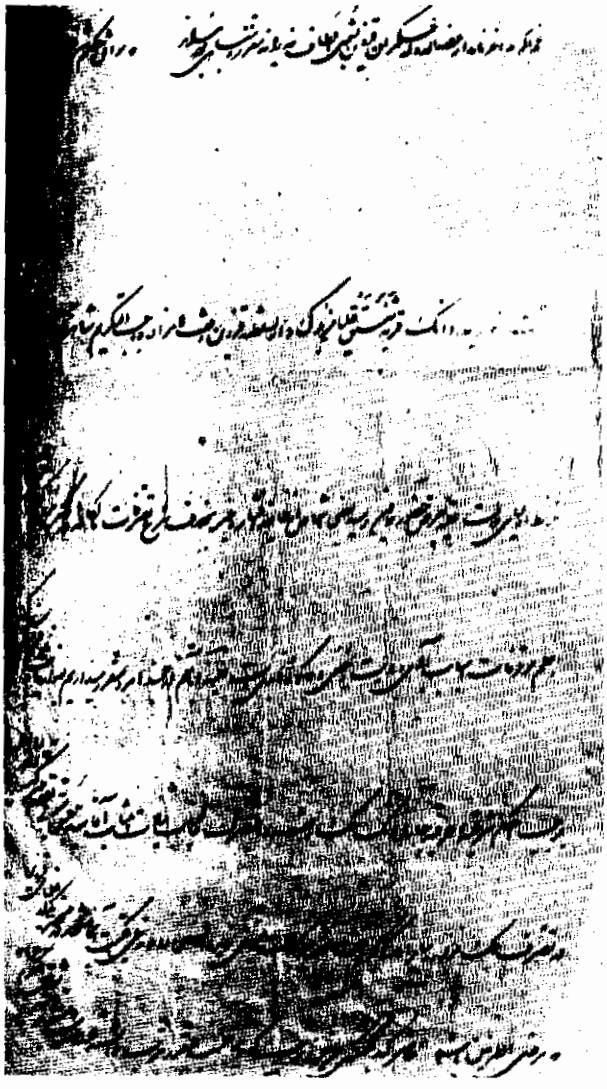

سند شماره ۱۱۹

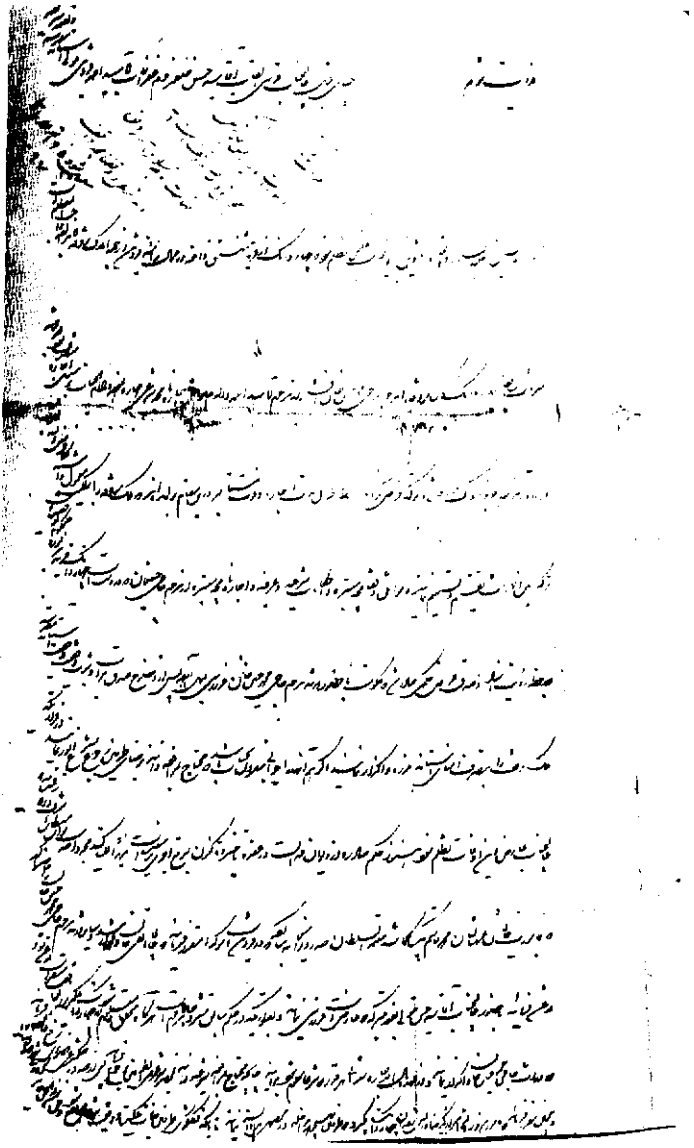

سند شماره ۱۲۰

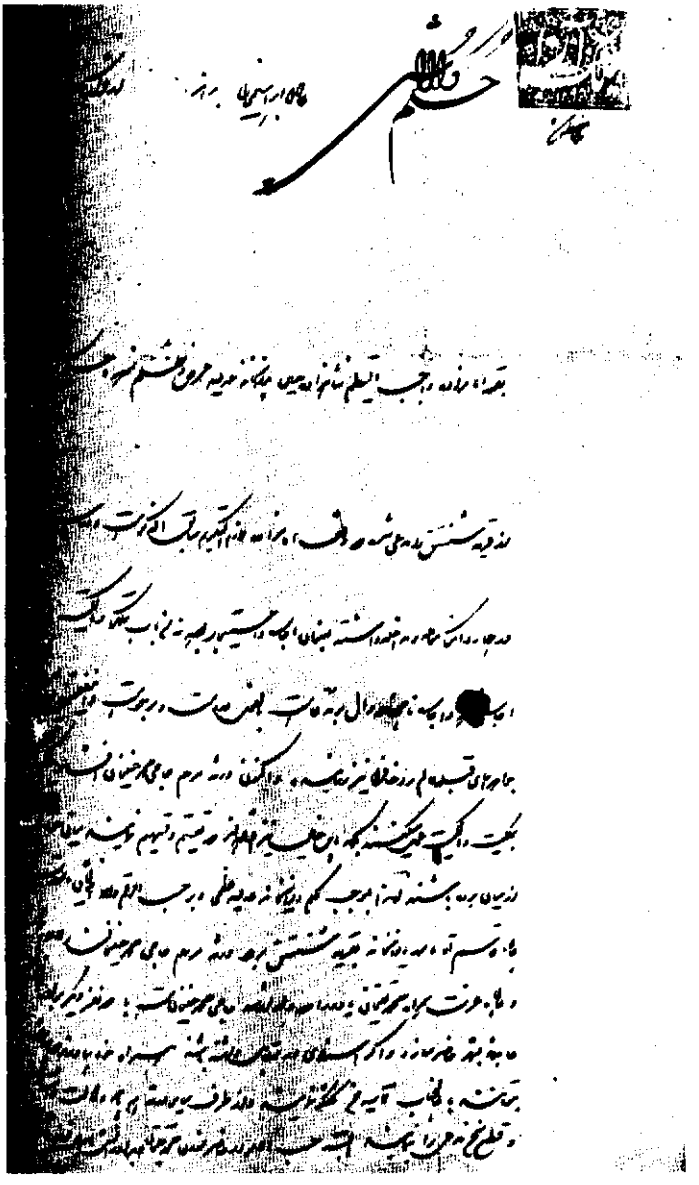

سند شماره ۱۲۱

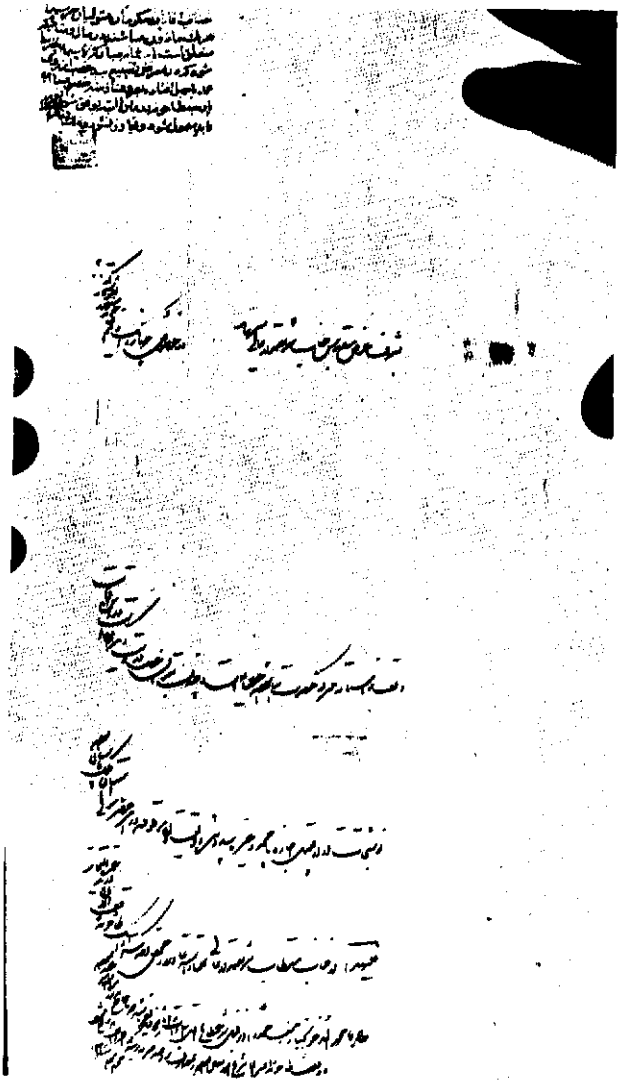

سند شماره ۱۲۲

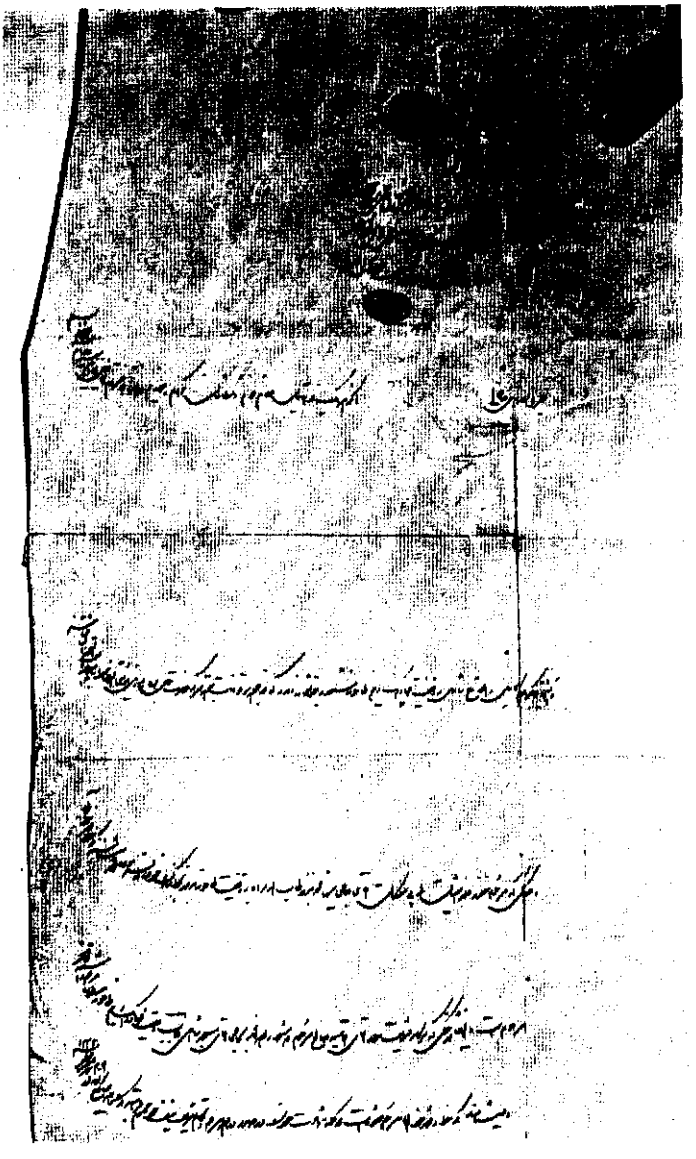

سند شماره ۱۲۳

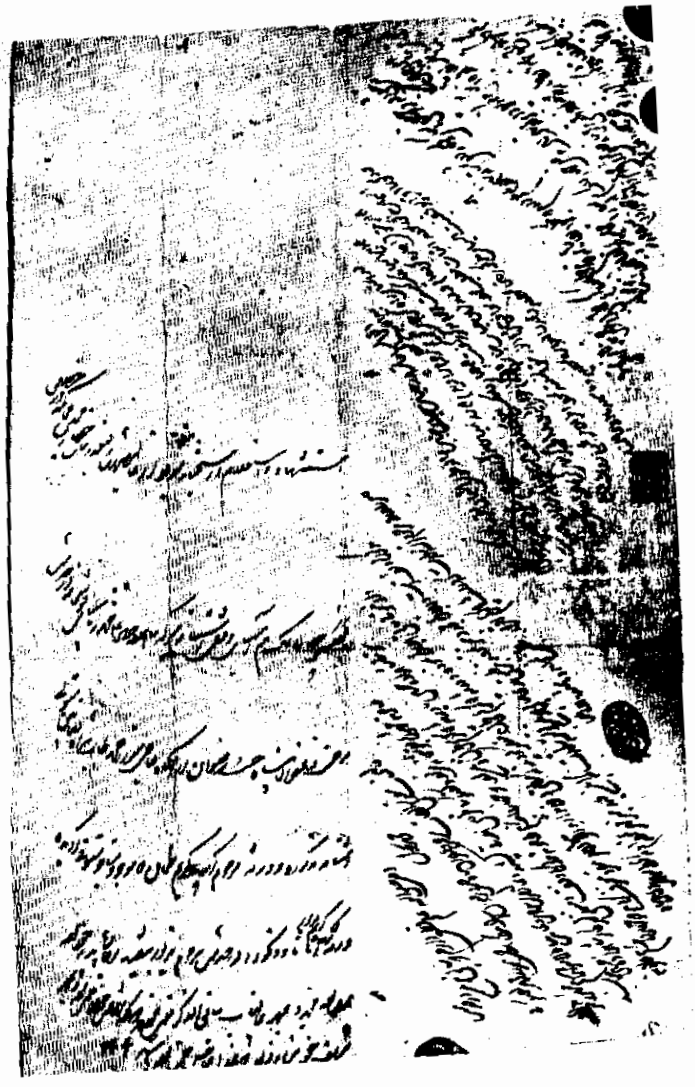

سند شماره ۱۲٤

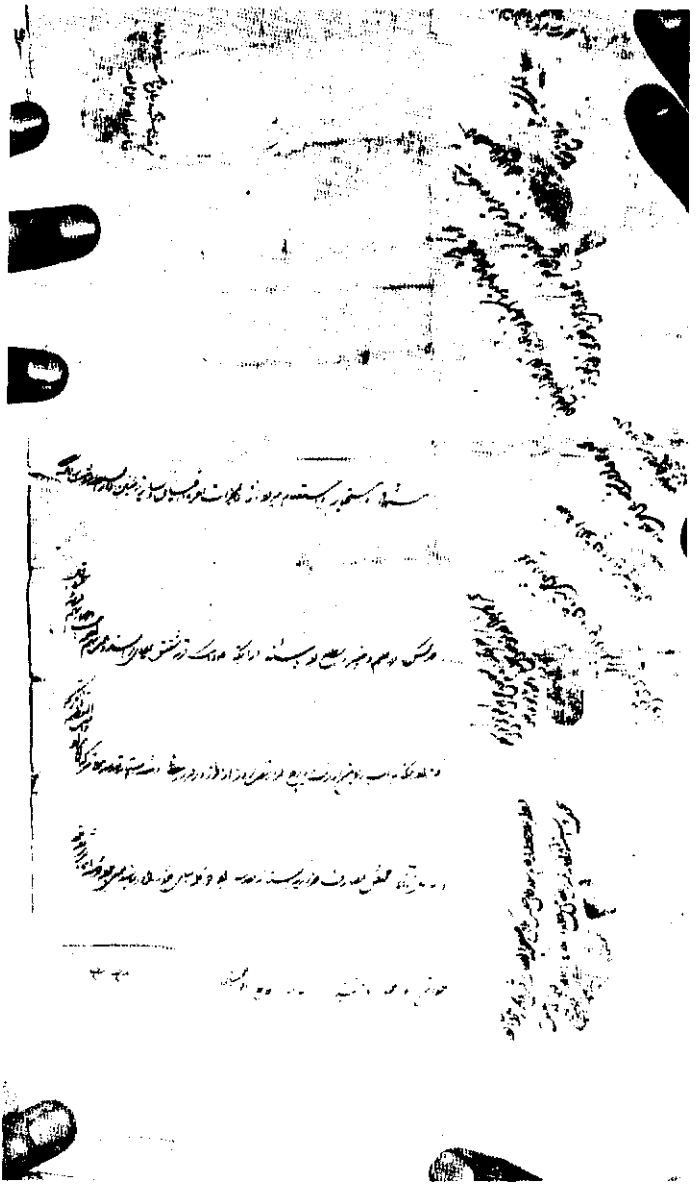

سند شماره ۱۲۵

سند شماره ۱۲۶ آغاز سوادی ازاین سند که شهادت وتأییدات علماء دیگررا دارد

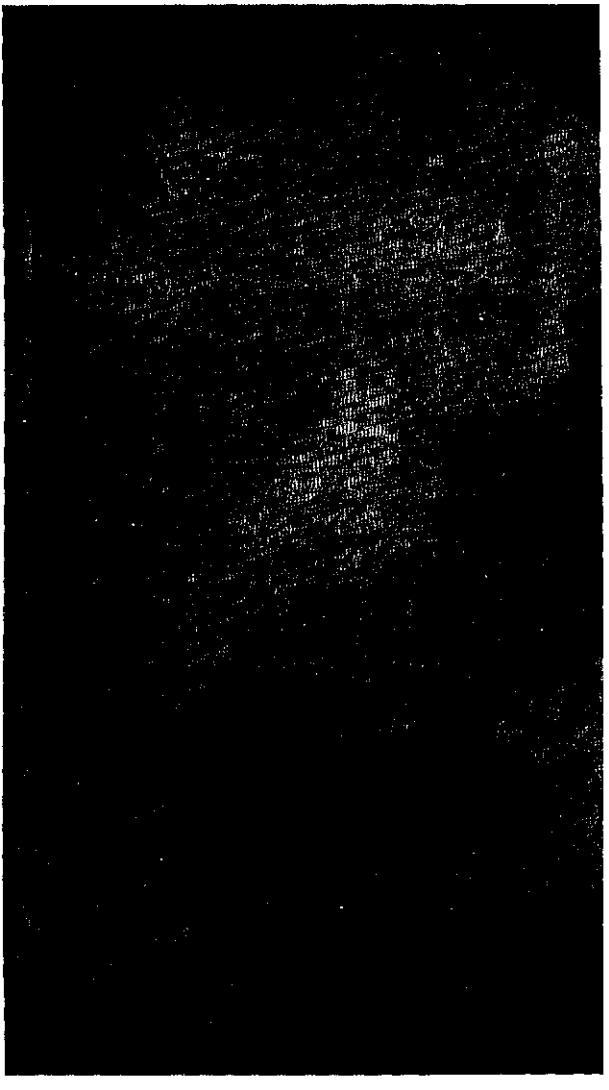

سند شماره ۱۲۷

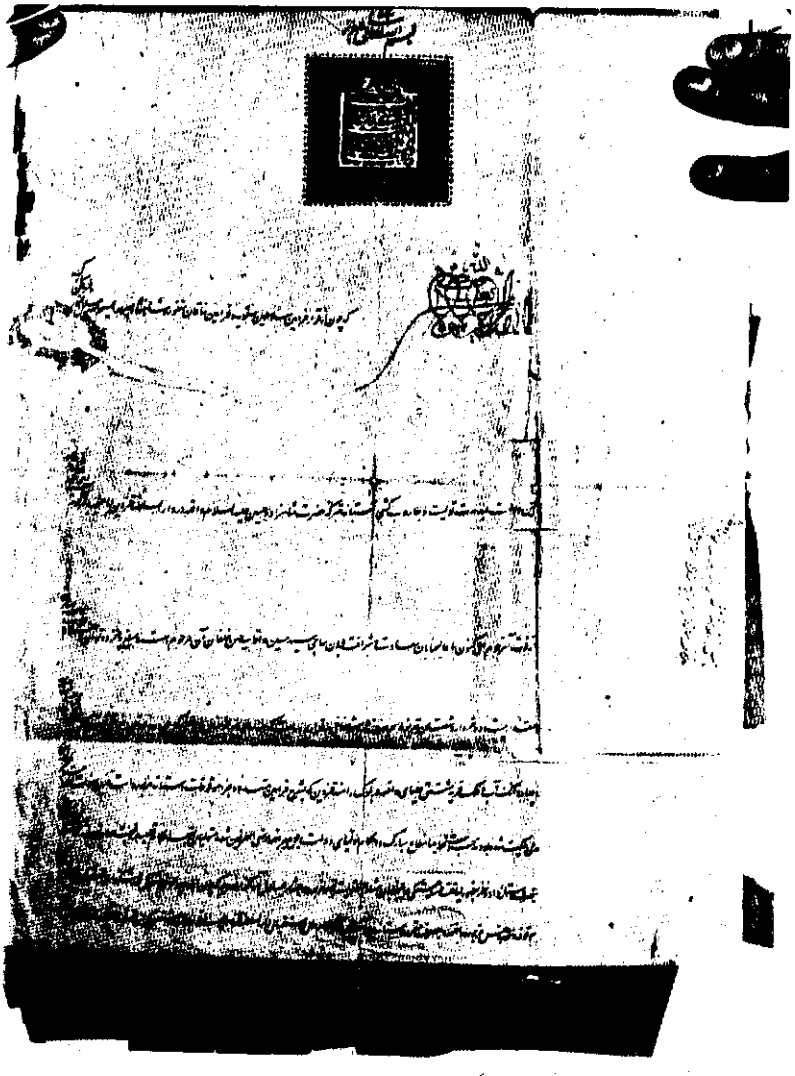

سند شماره ۱۲۸

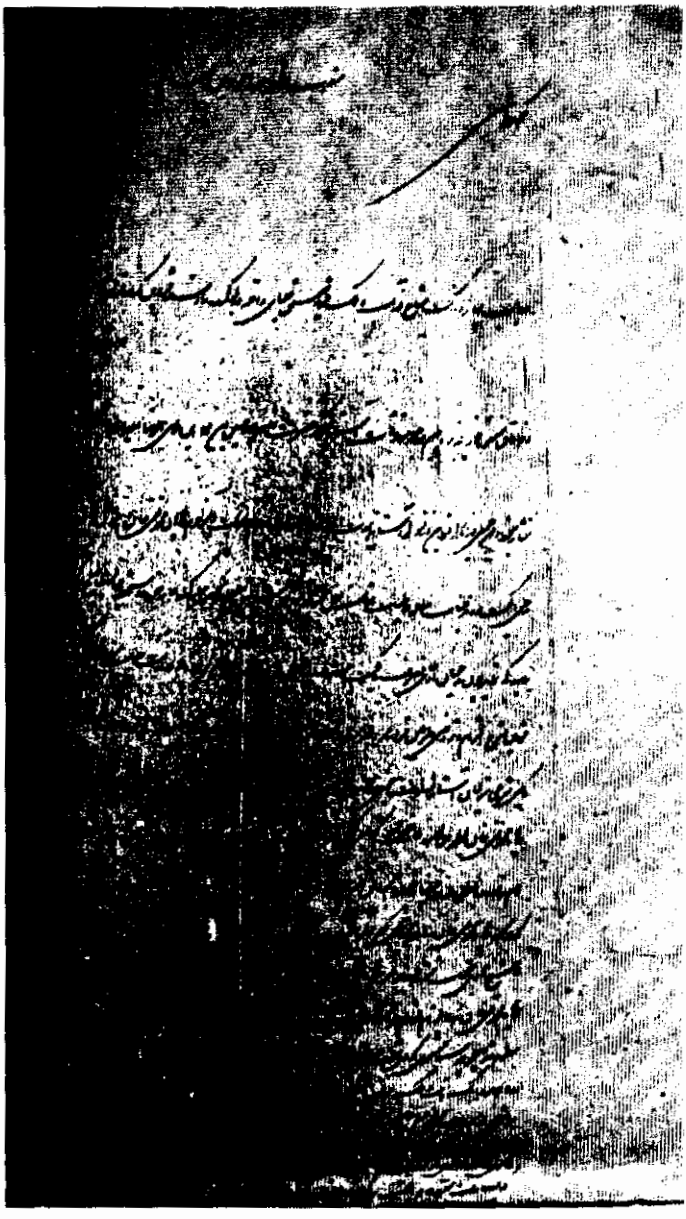

سند شماره ۱۲۹

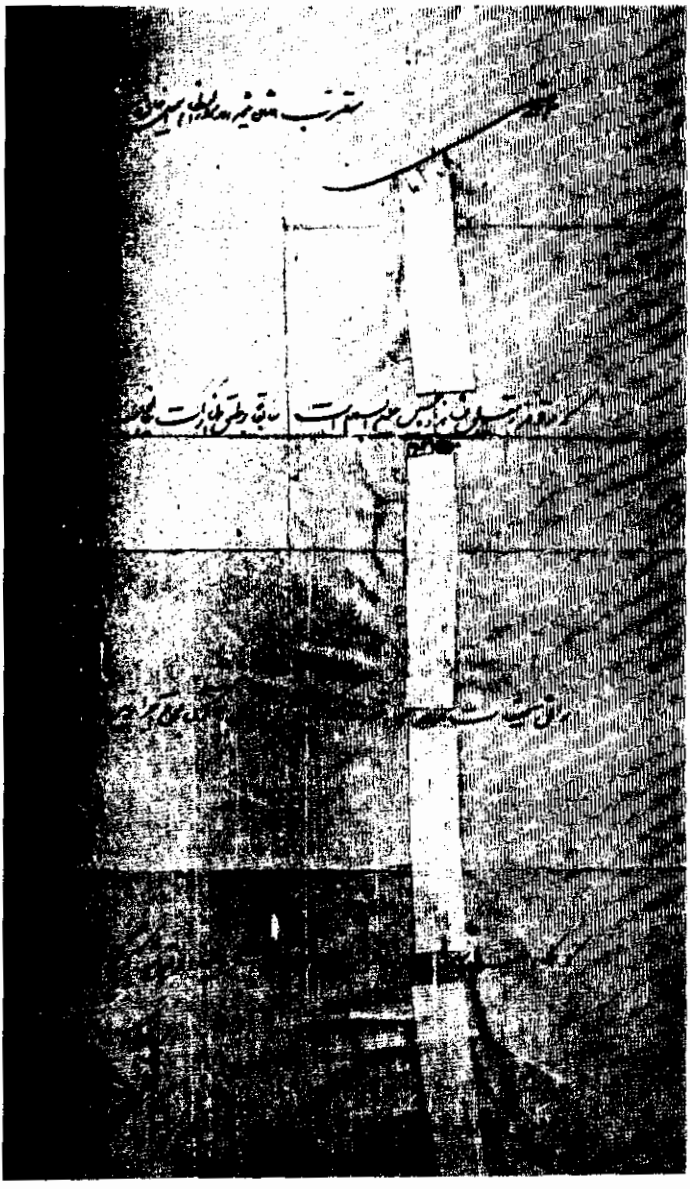

سند شماره ۱۳۰

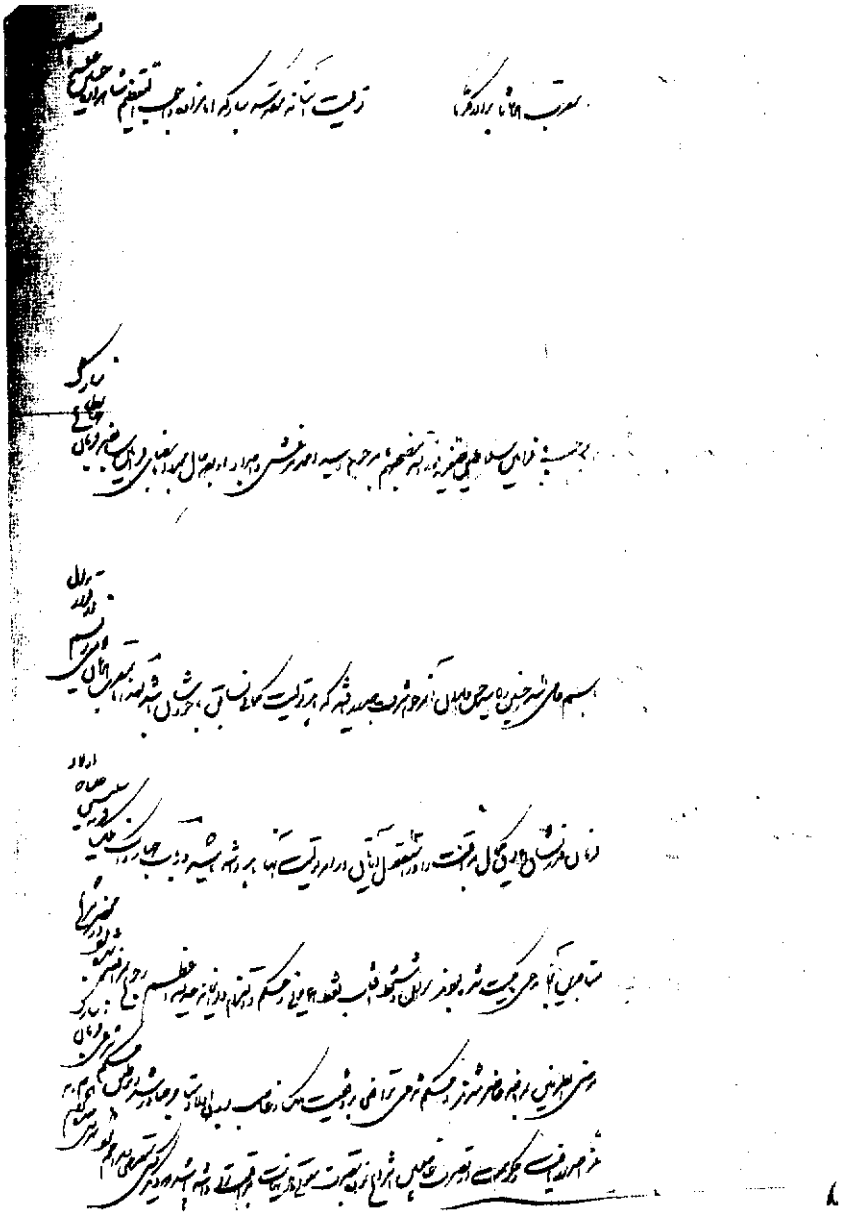

سند شماره ۱۳۱

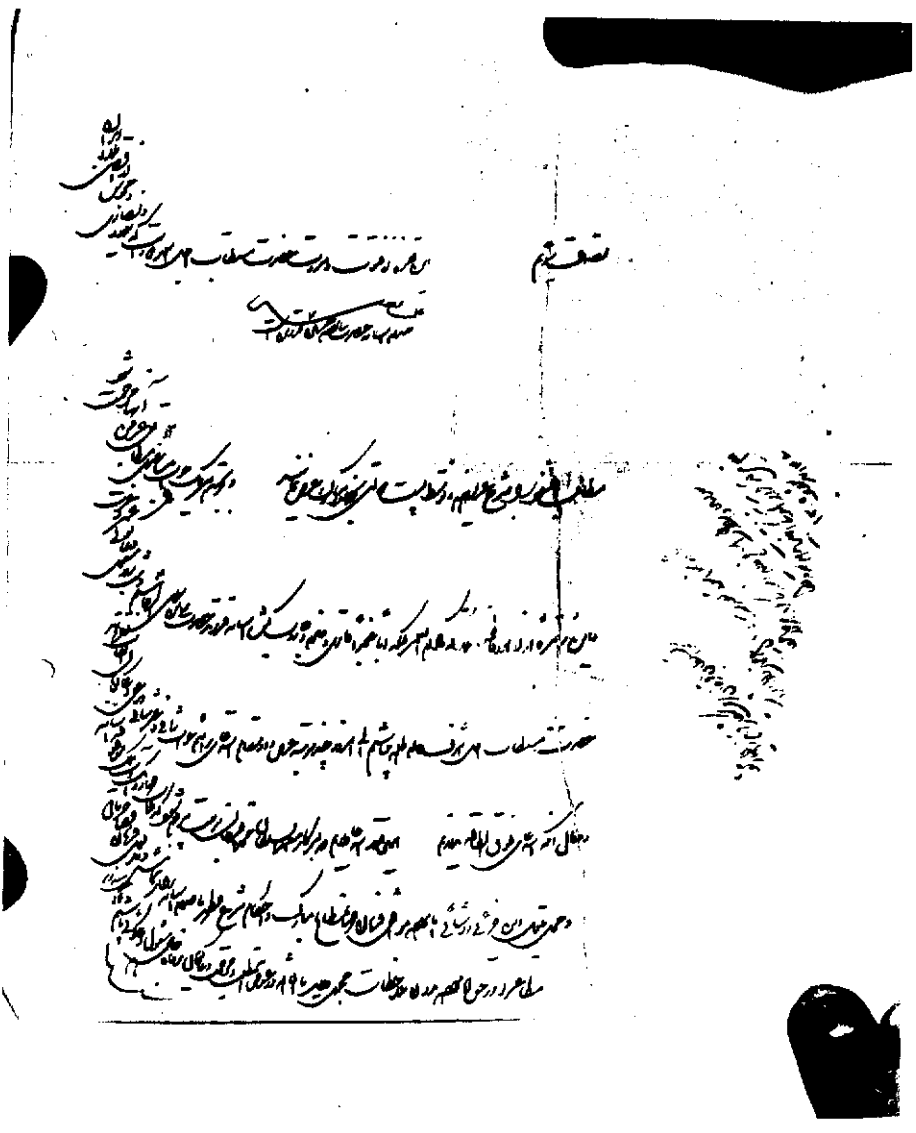

سند شماره ۱۳۲

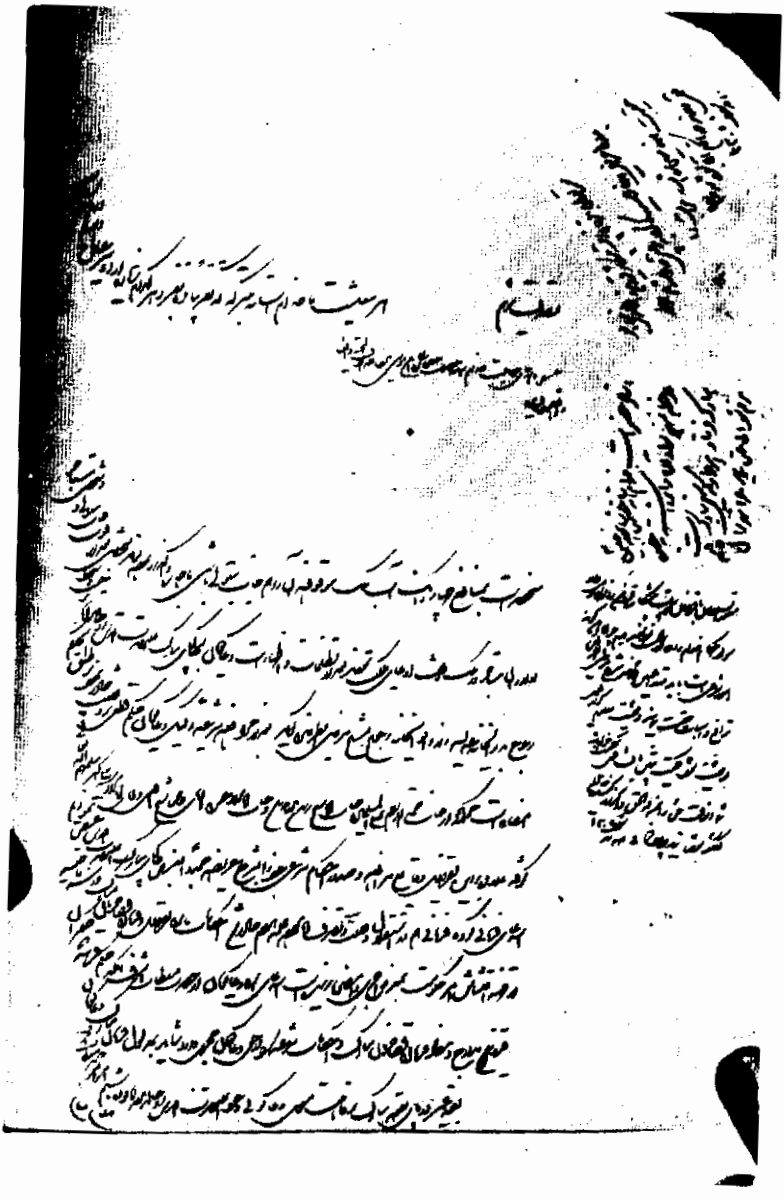

سند شماره ۱۳۳

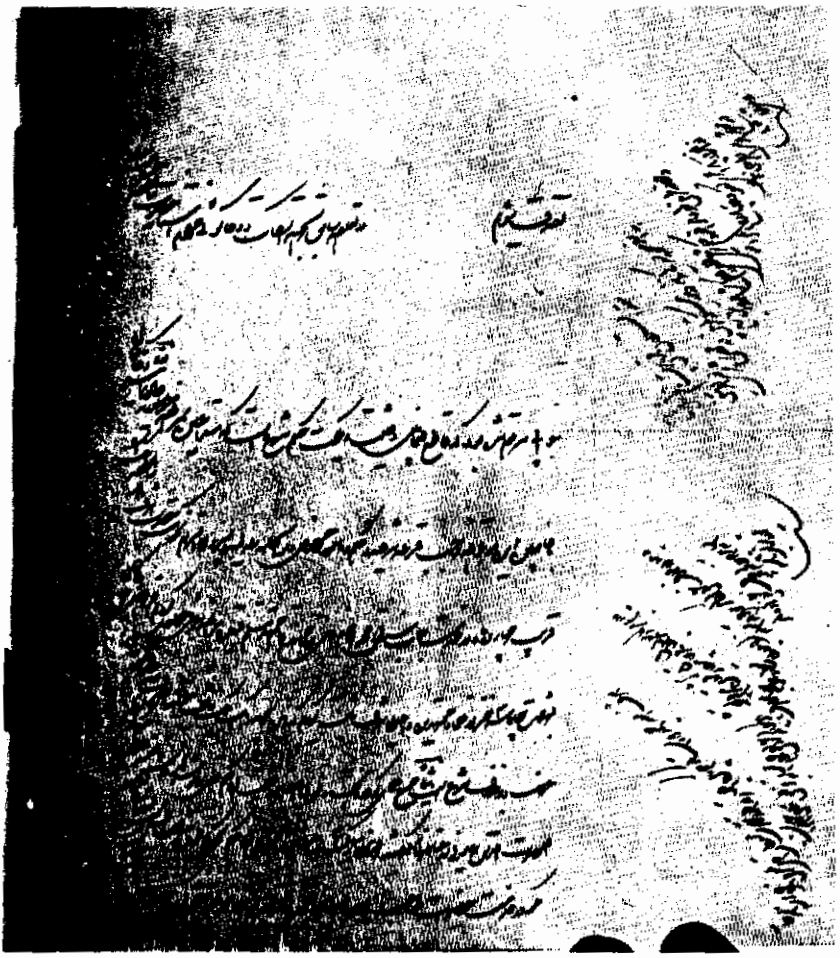

سند شماره ۱۳٤

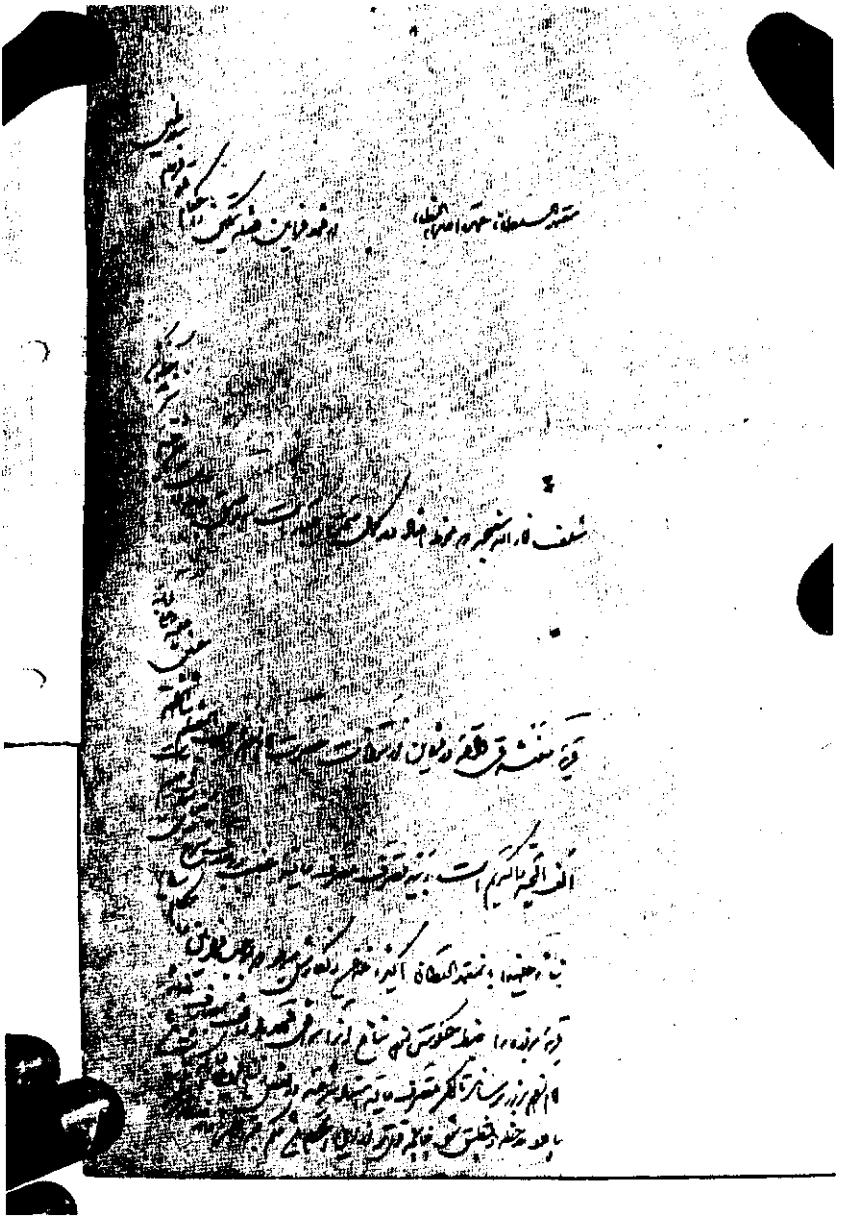

سند شماره ۱۳۵

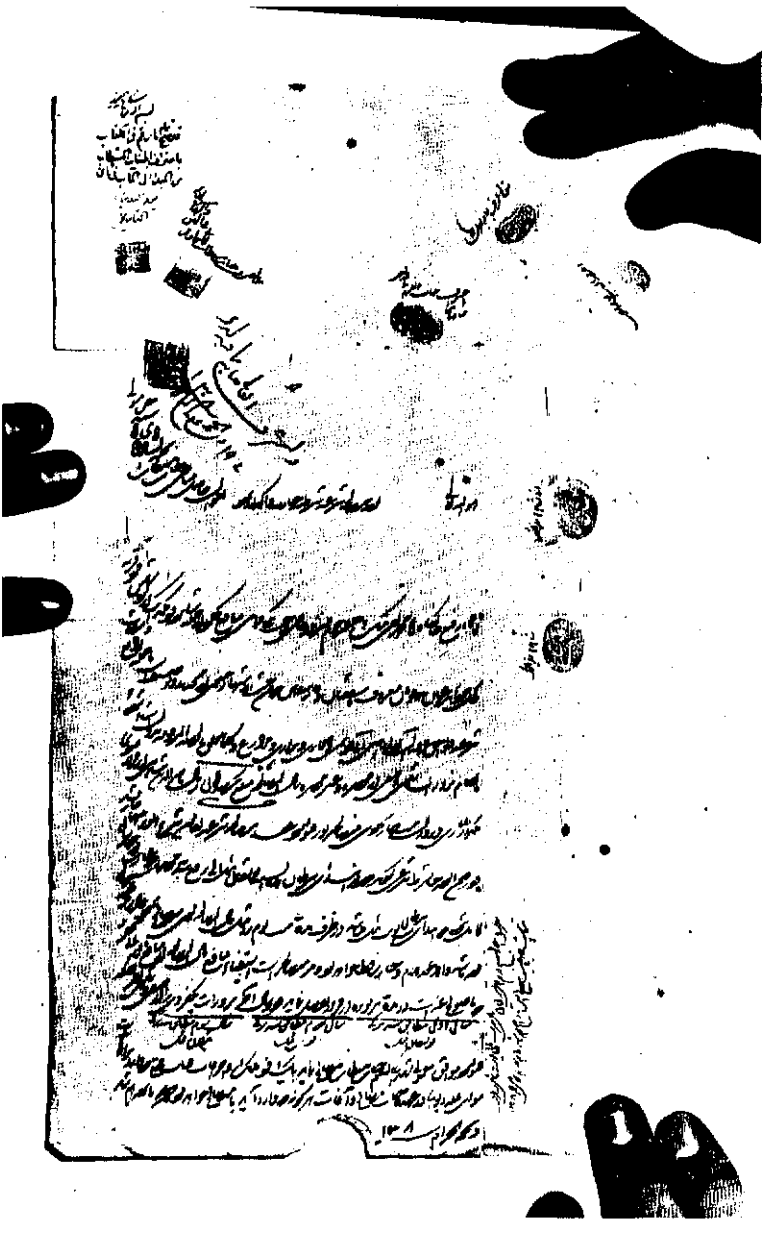

سند شماره ۱۳۶

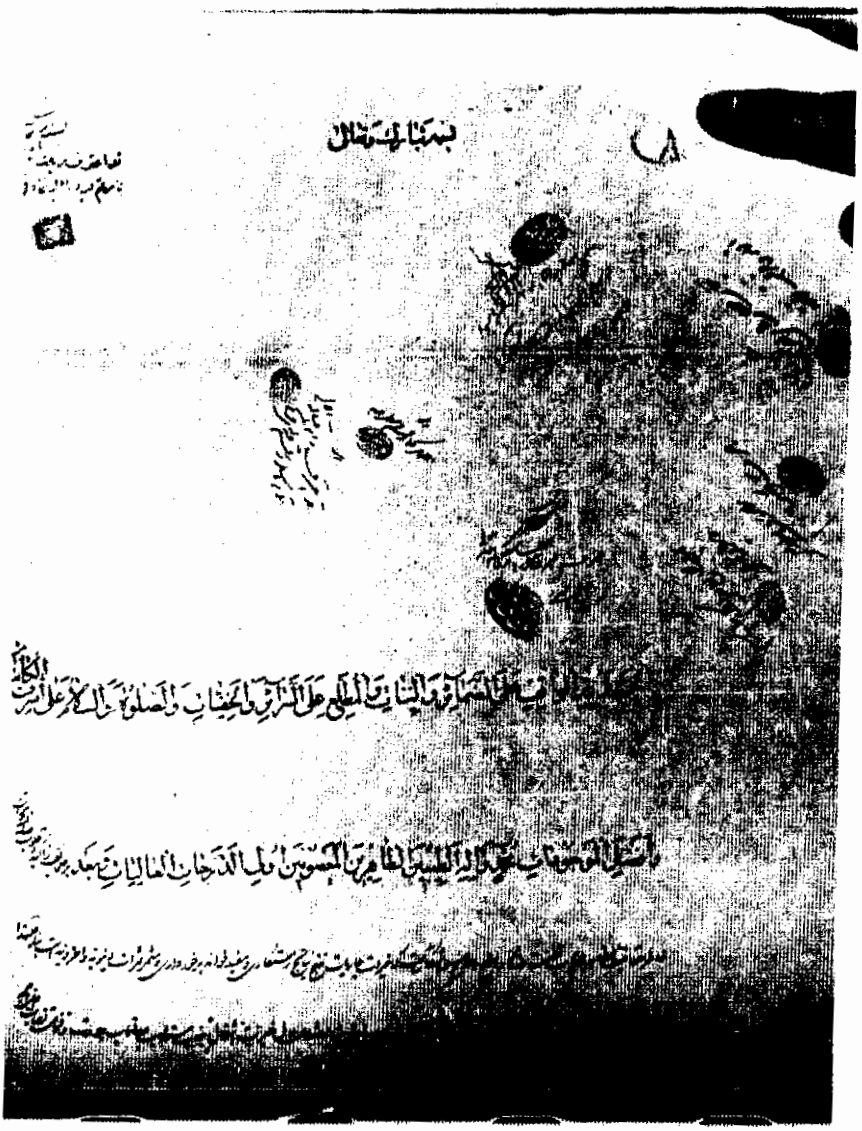

سند شماره ۱۳۷ (قسمت اول)

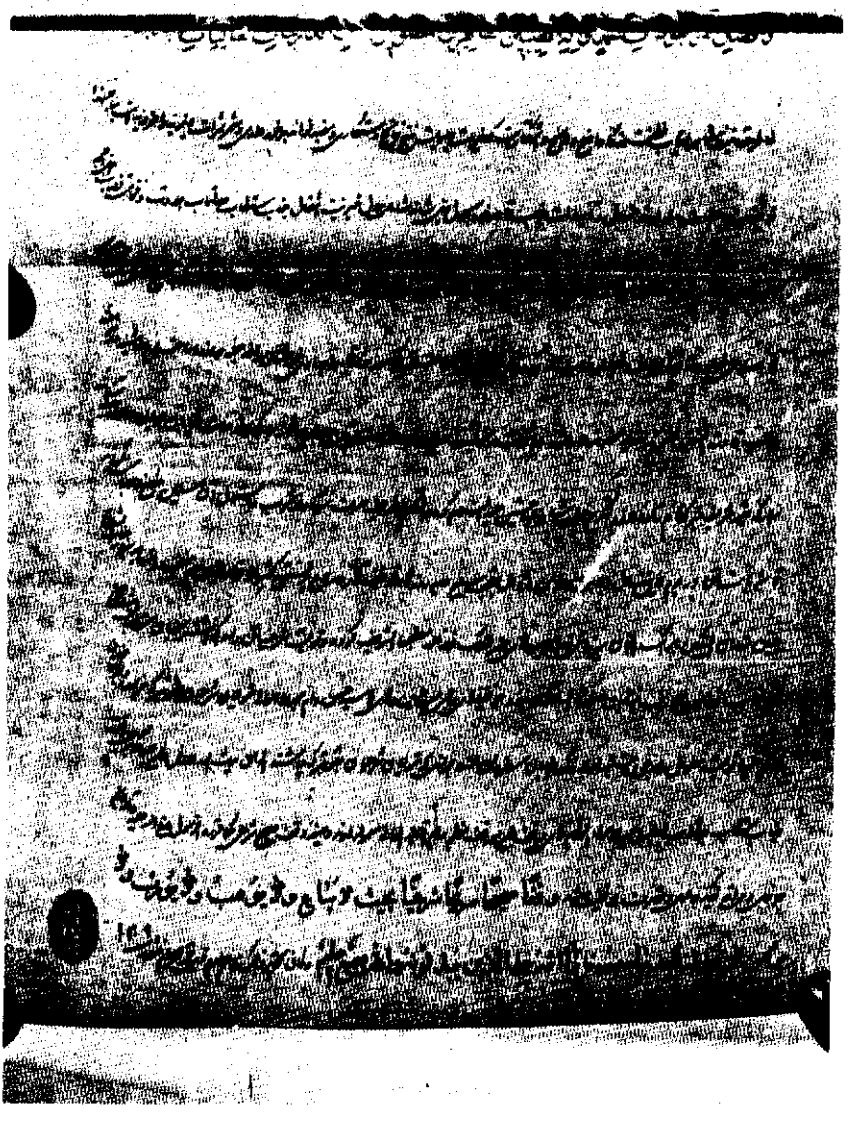

سند شماره ۱۳۷ (قسمت دوم)

سند شماره ۱۳۸

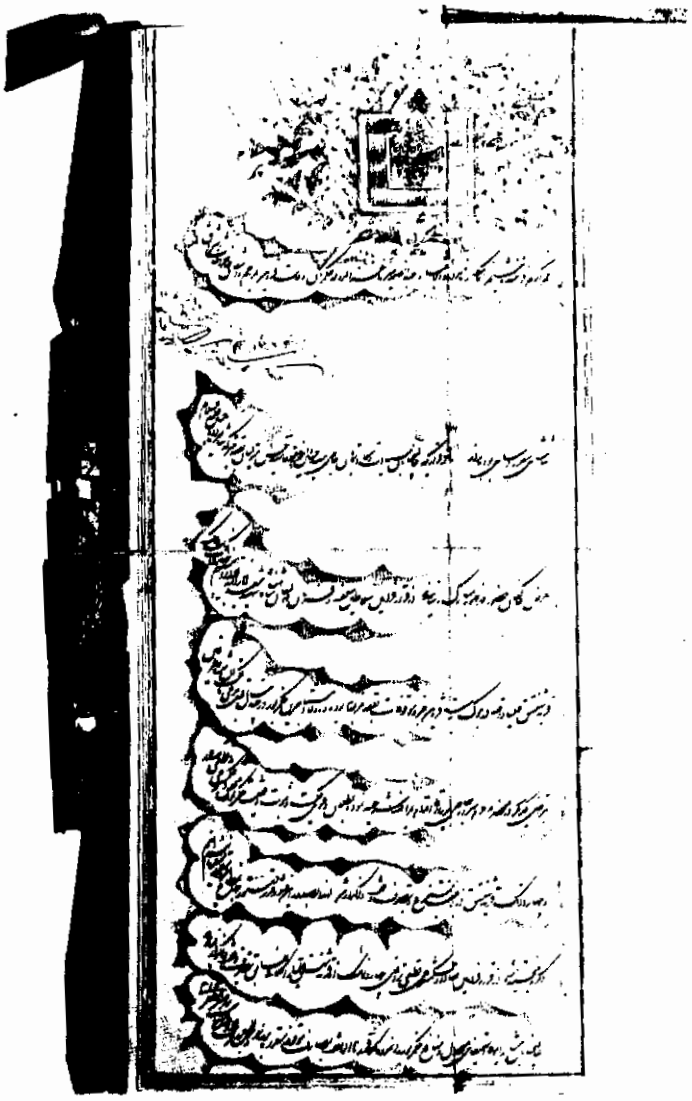

سند شماره ۱۳۹

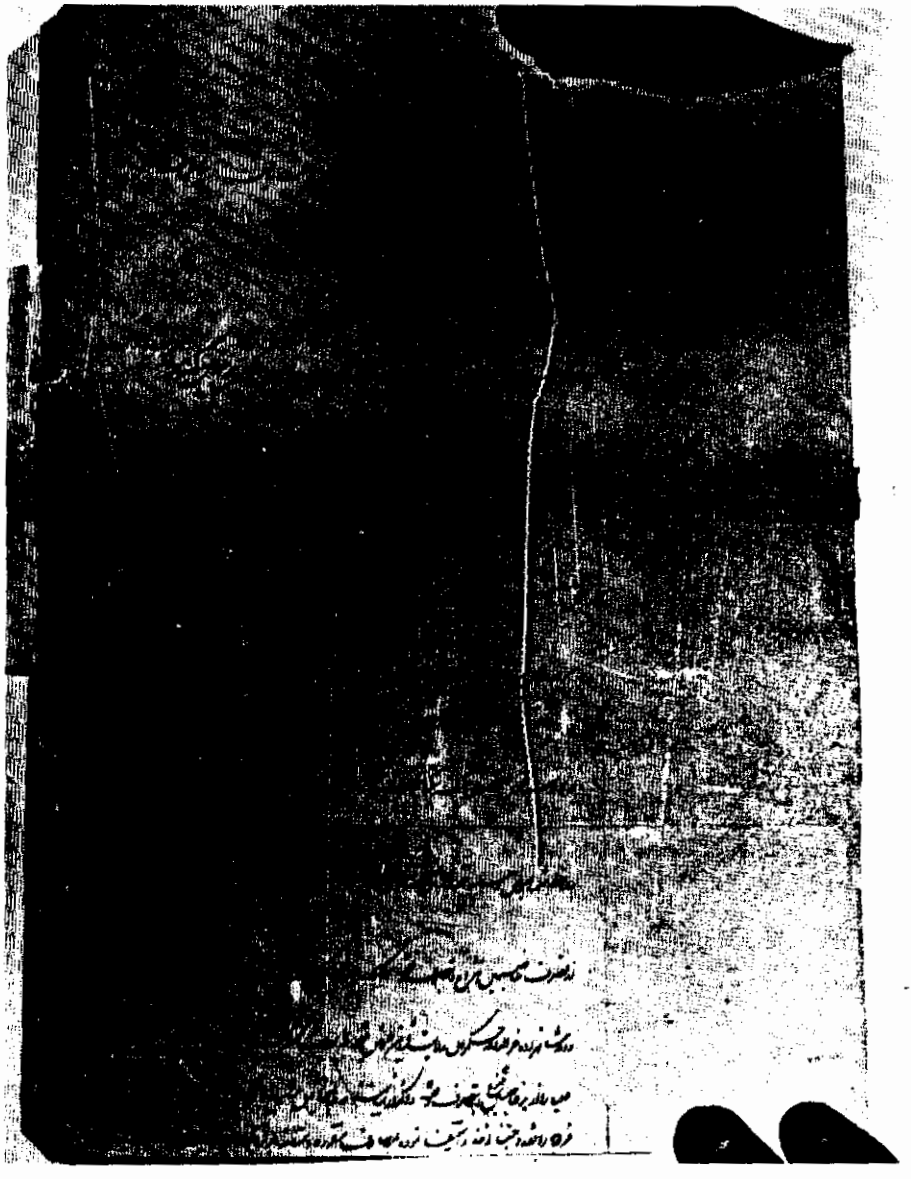

سند شماره ۱۴۰

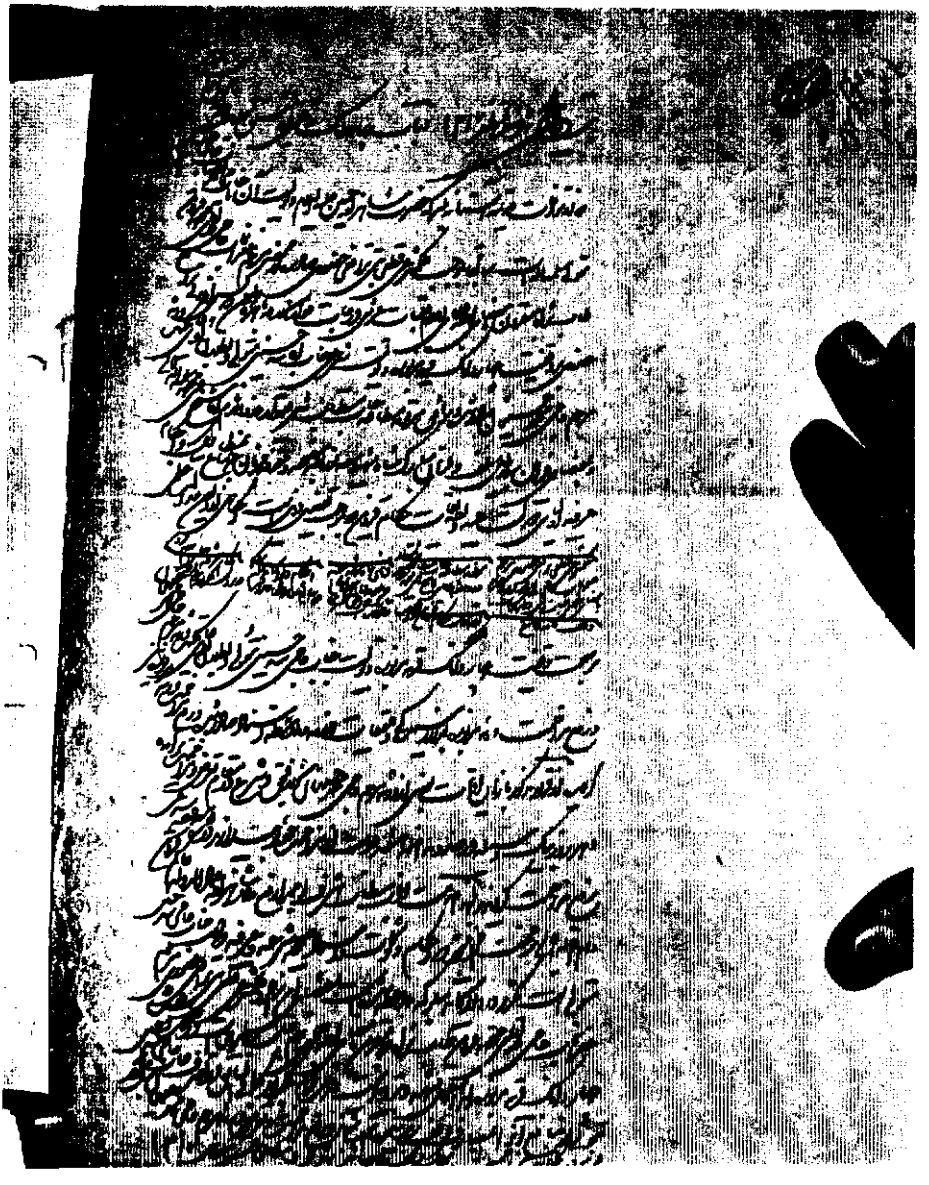

سند شماره ۱۴۱

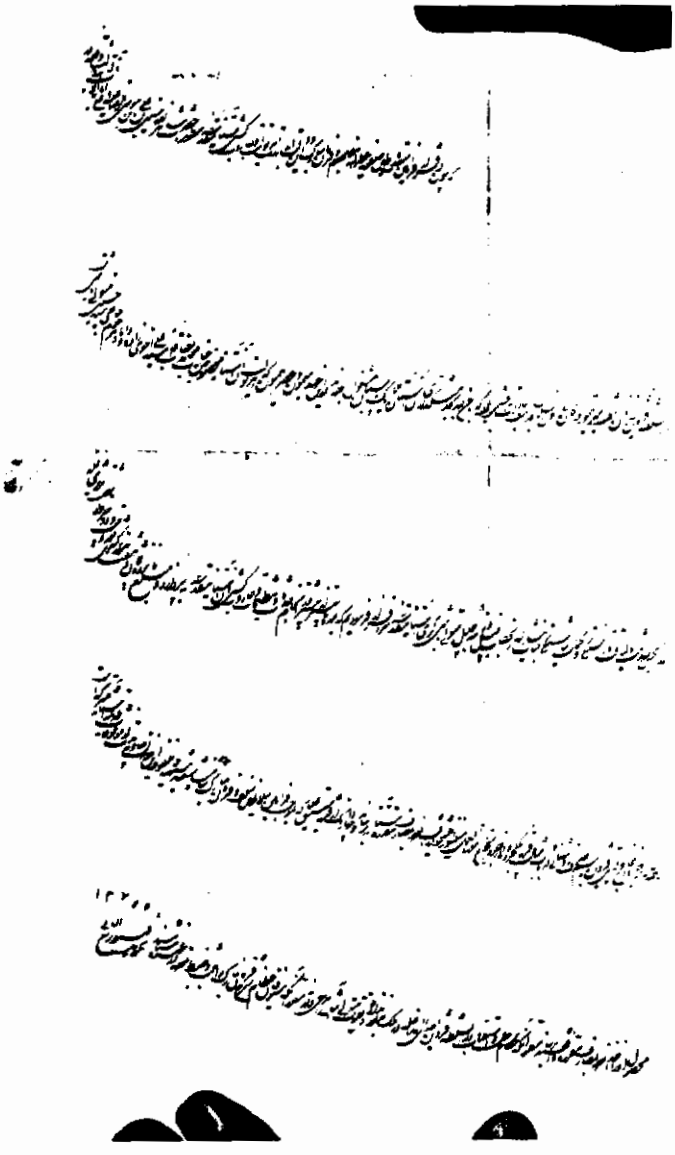

سند شماره ۱۴۲

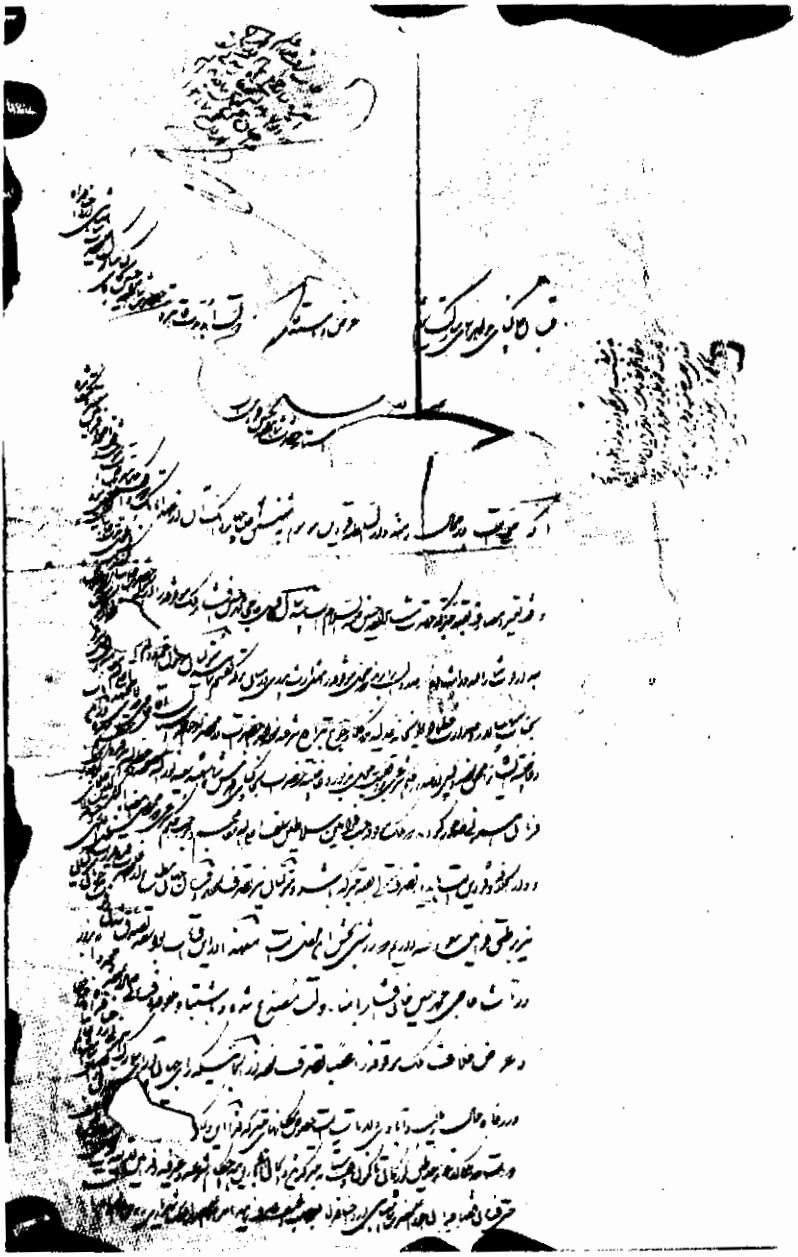

سند شماره ۱۴۳

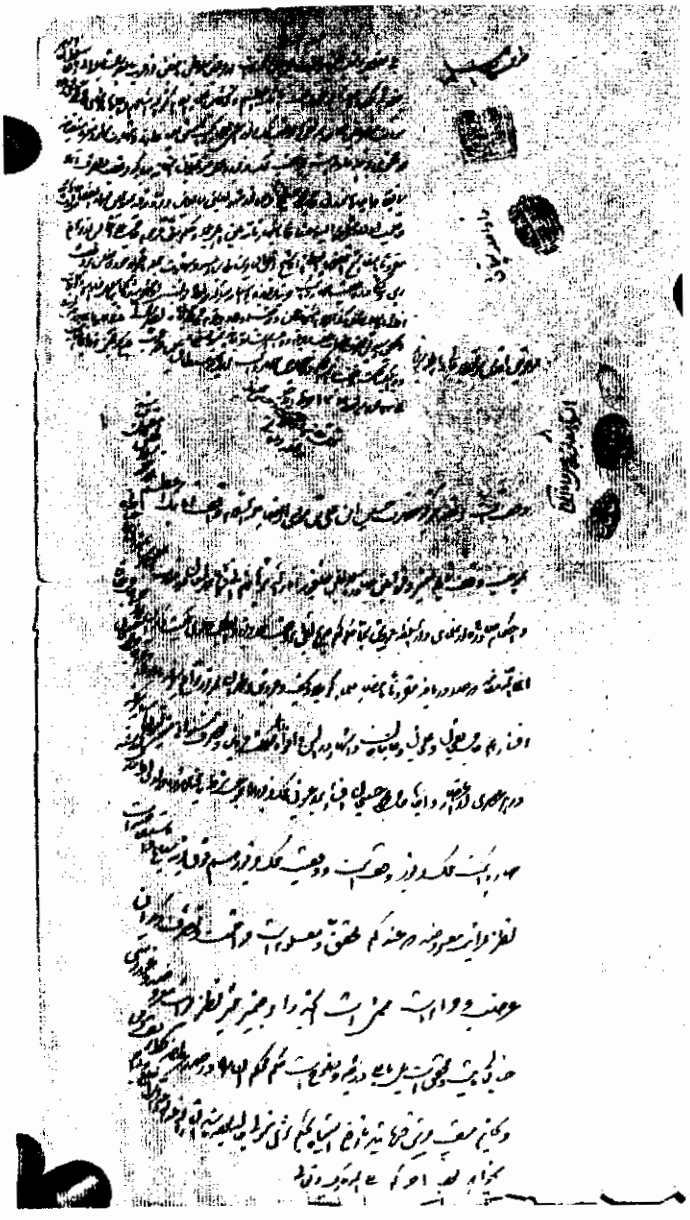

سند شماره ۱۴۴

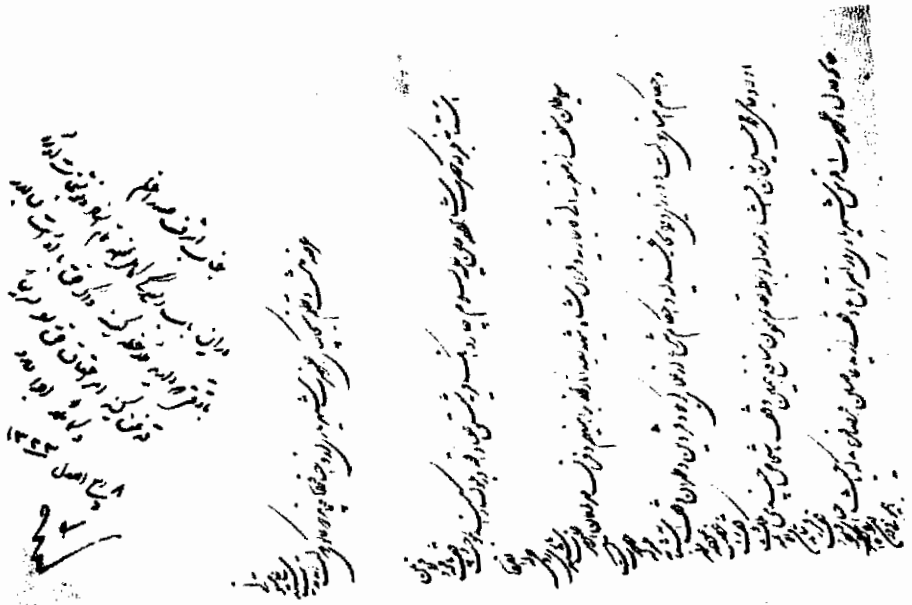

سند شماره ۱۴۵

سند شماره ۱٤٦ (قسمت اول)

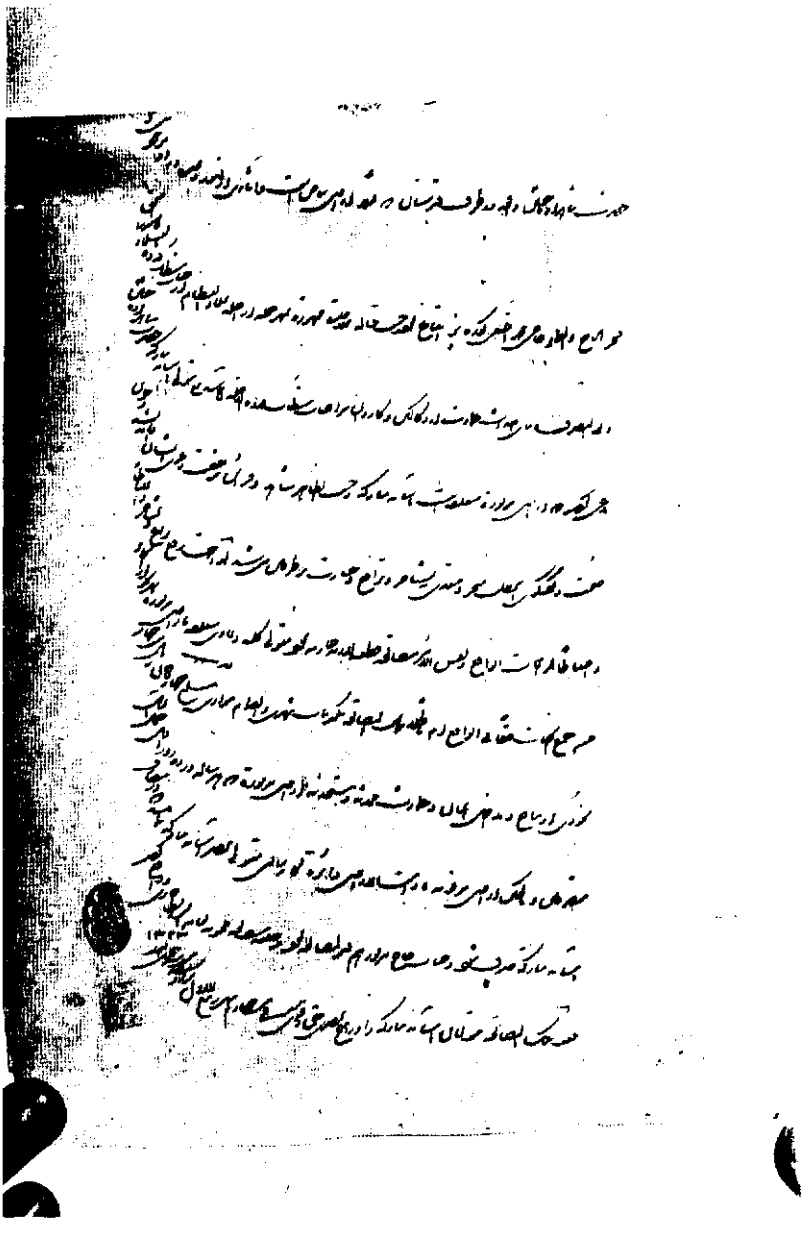

سند شماره ۱۴۶ (قسمت چهارم)

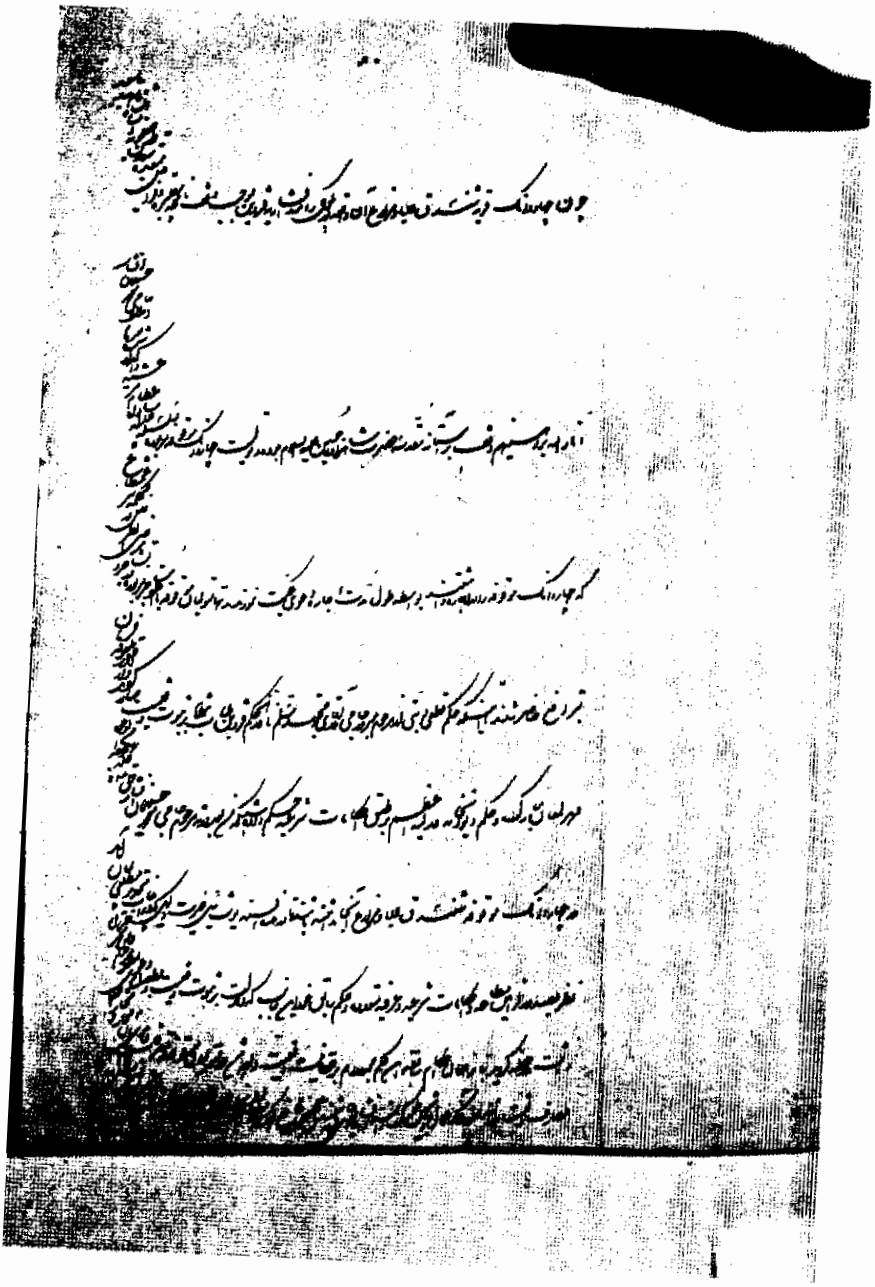

سند شماره ۱۴۷

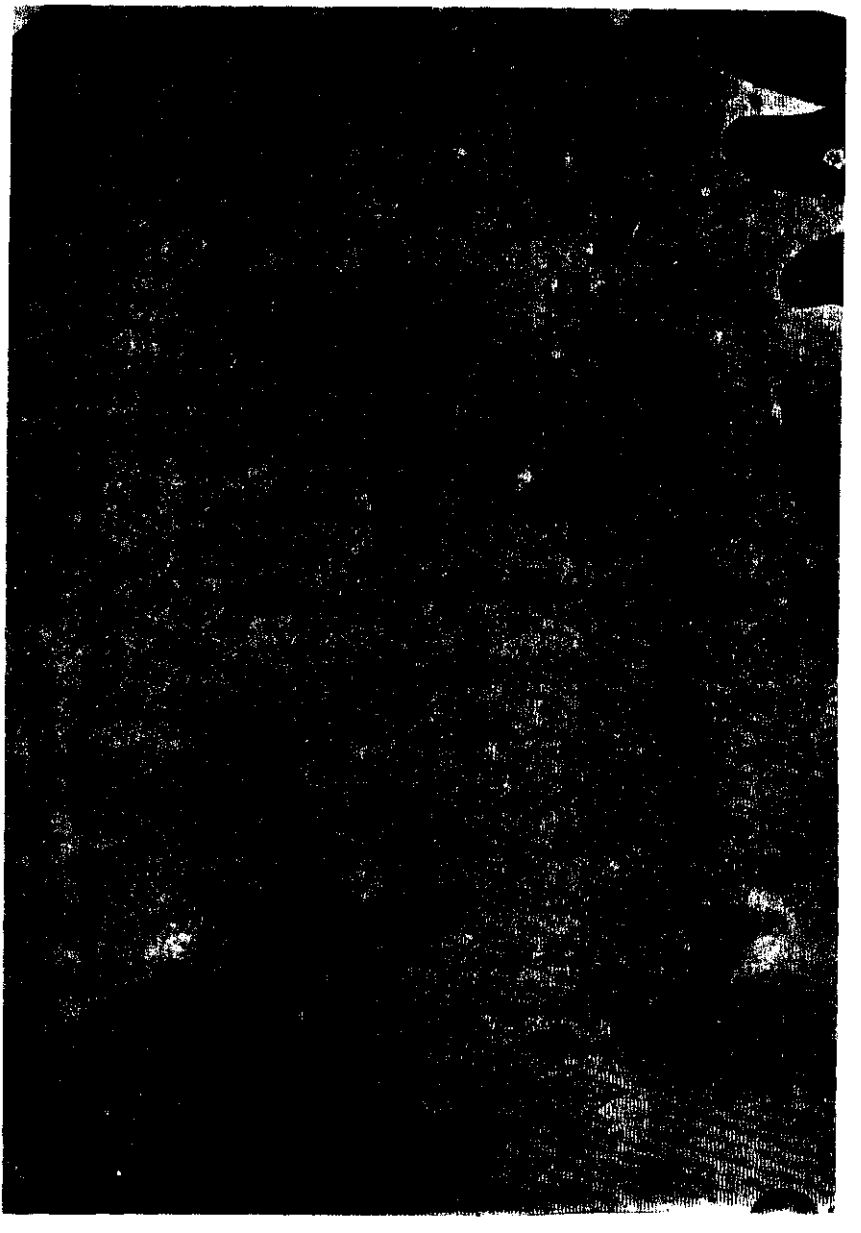

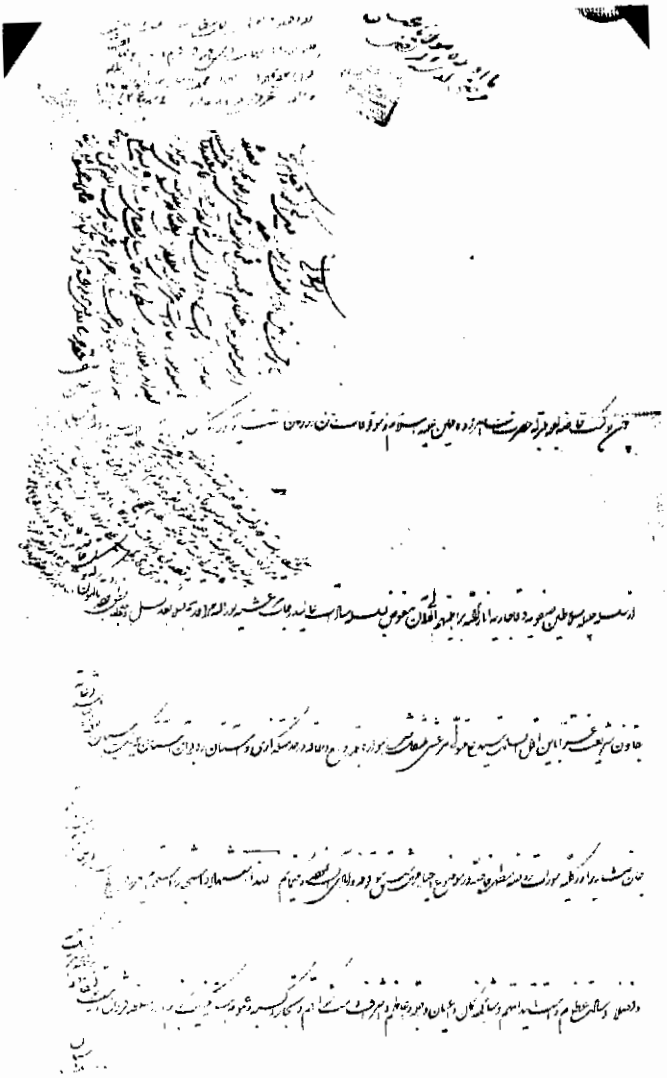

سند شماره ۱۴۹

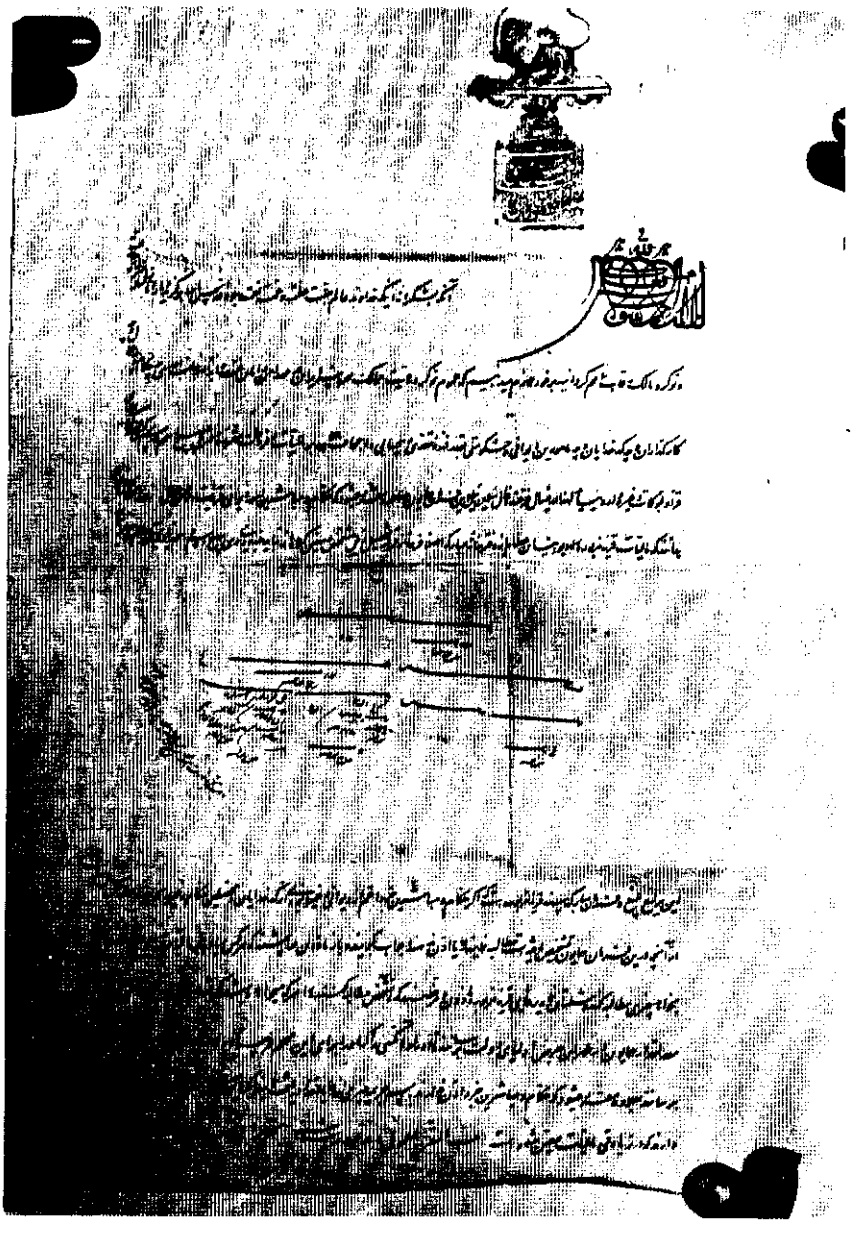

سند شماره ۱۵۰

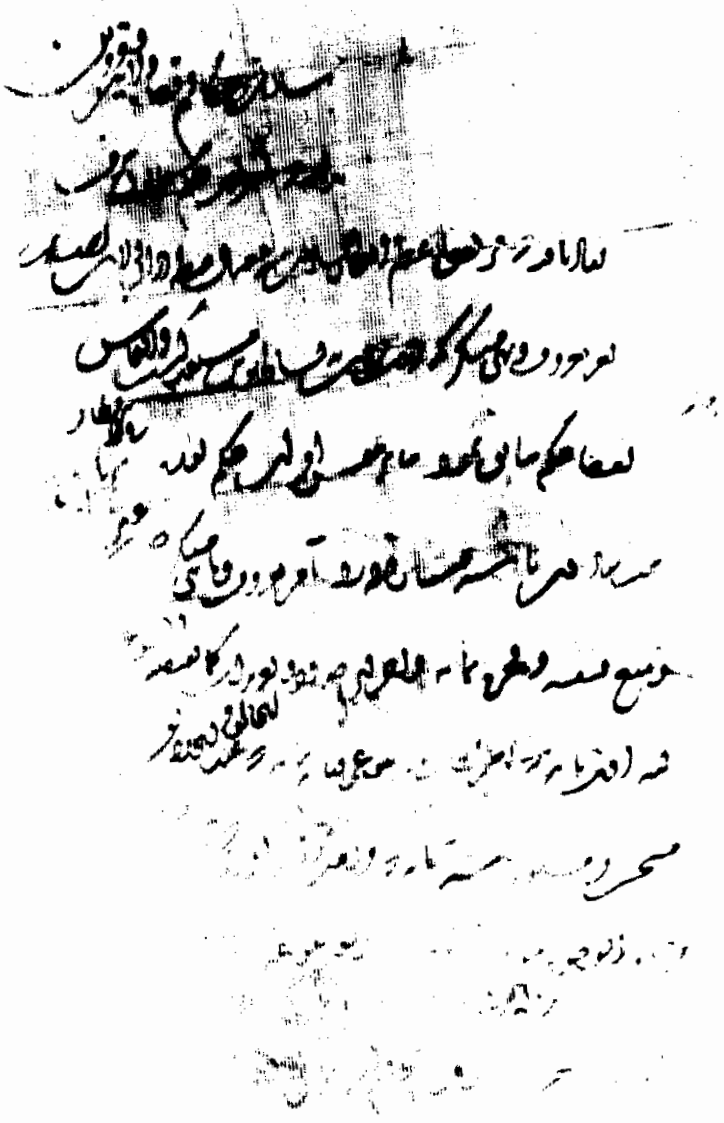

سند شماره ۱۵۱

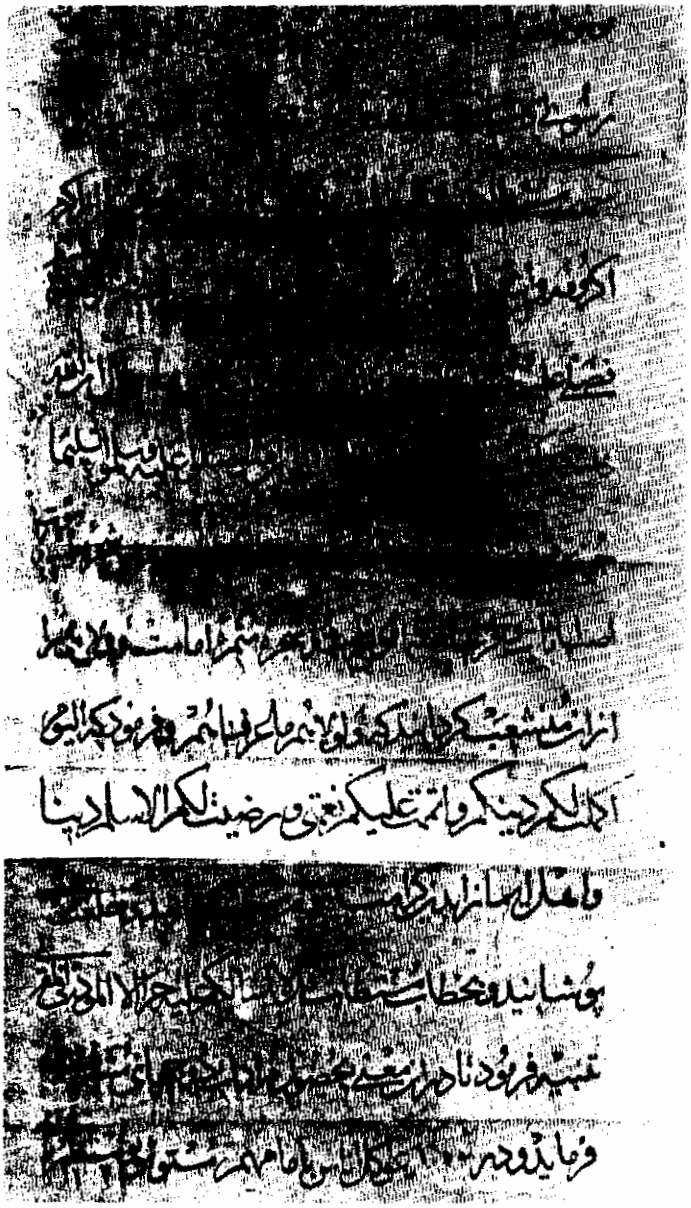

سند شماره ۱۵۲ (قسمت اول)

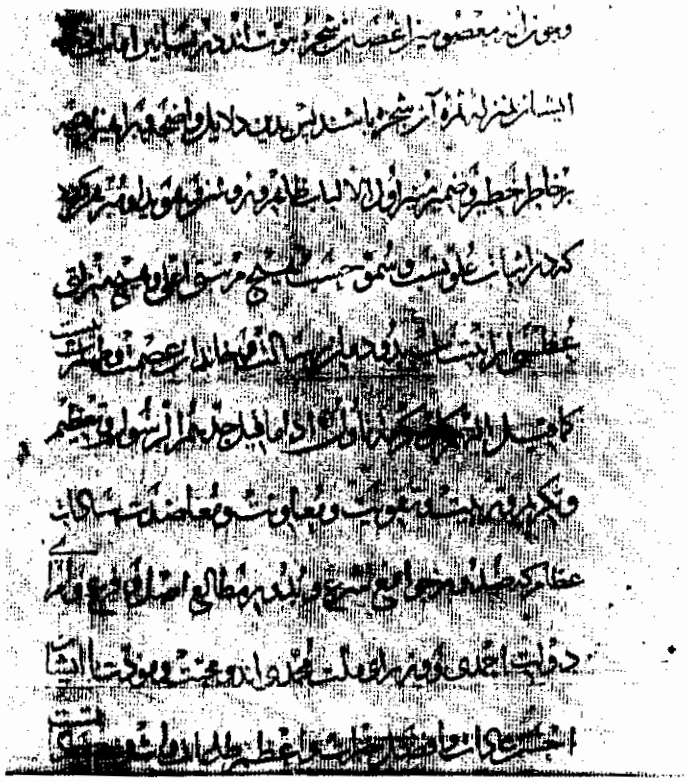

سند شماره ۱۵۲ (قسمت دوم)

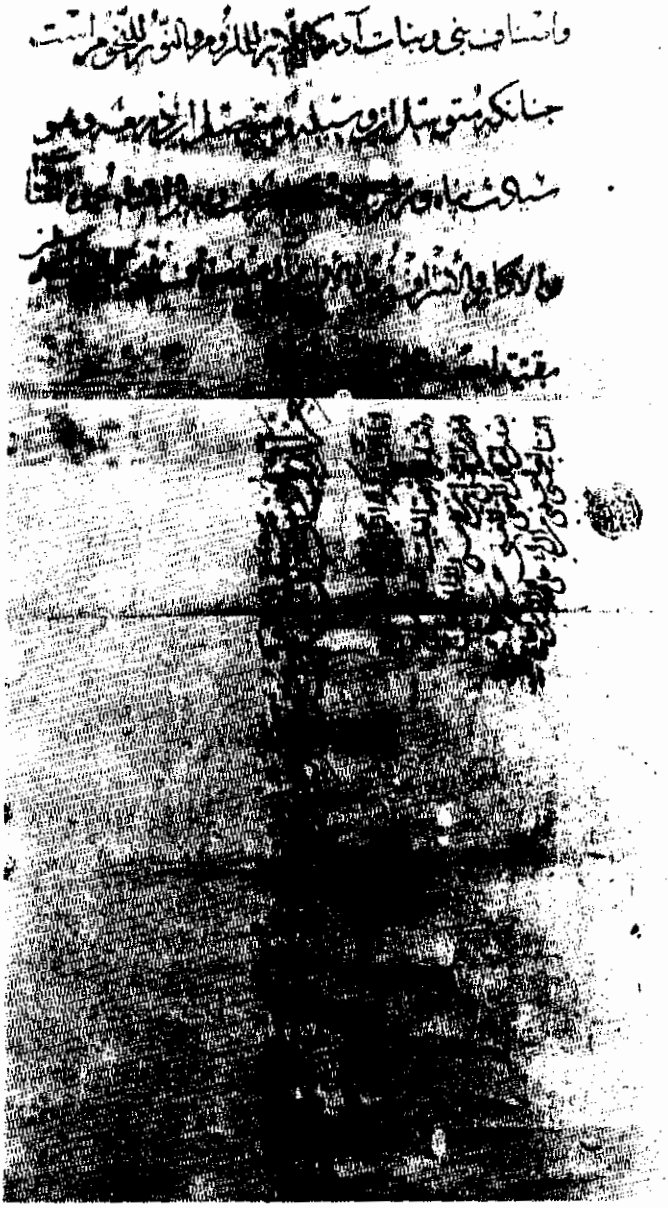

سند شماره ۱۵۲ (قسمت سوم)

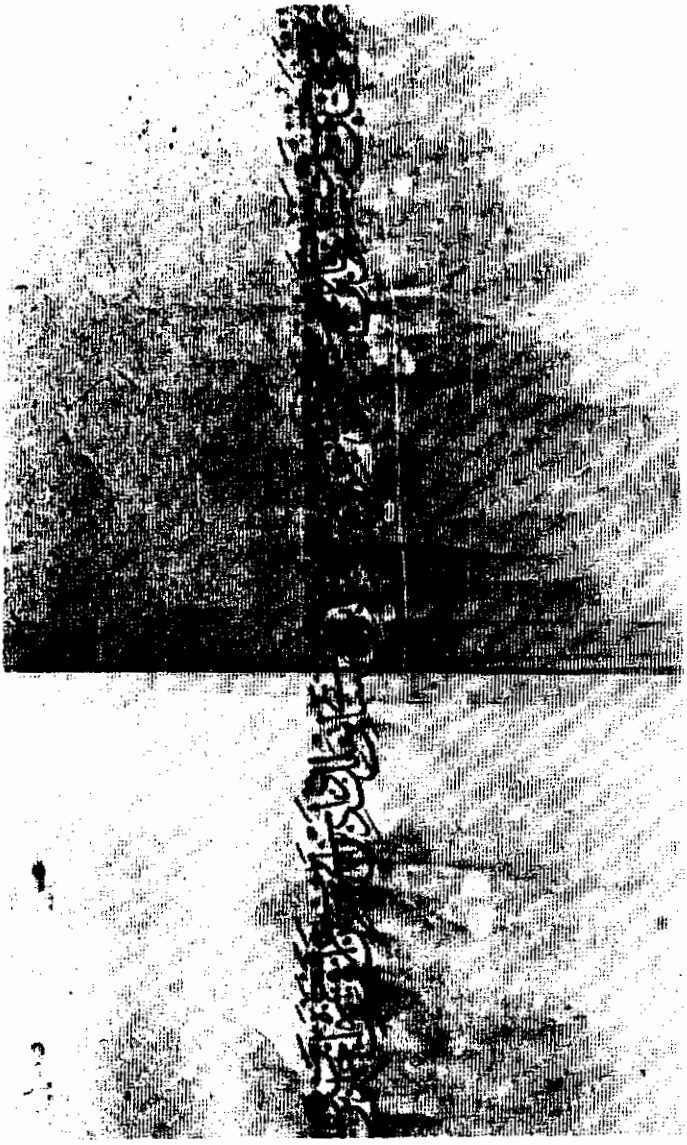

سند شماره ۱۵۲ (قسمت چهارم)

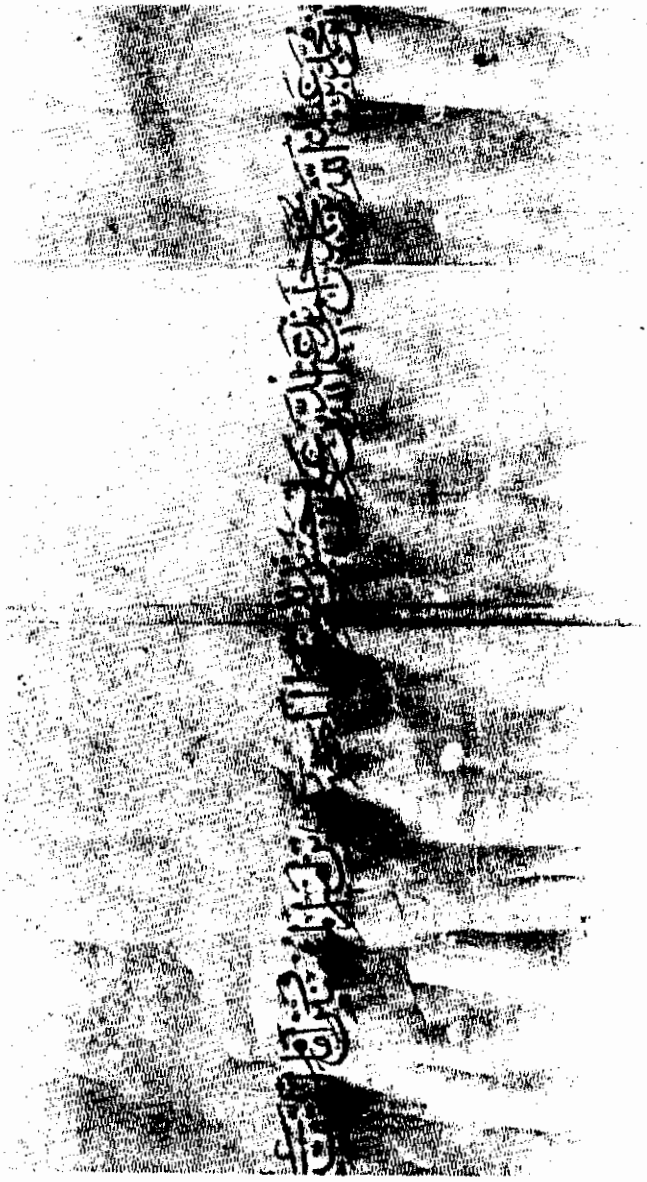

سند شماره۱۵۲ (قسمت پنجم)

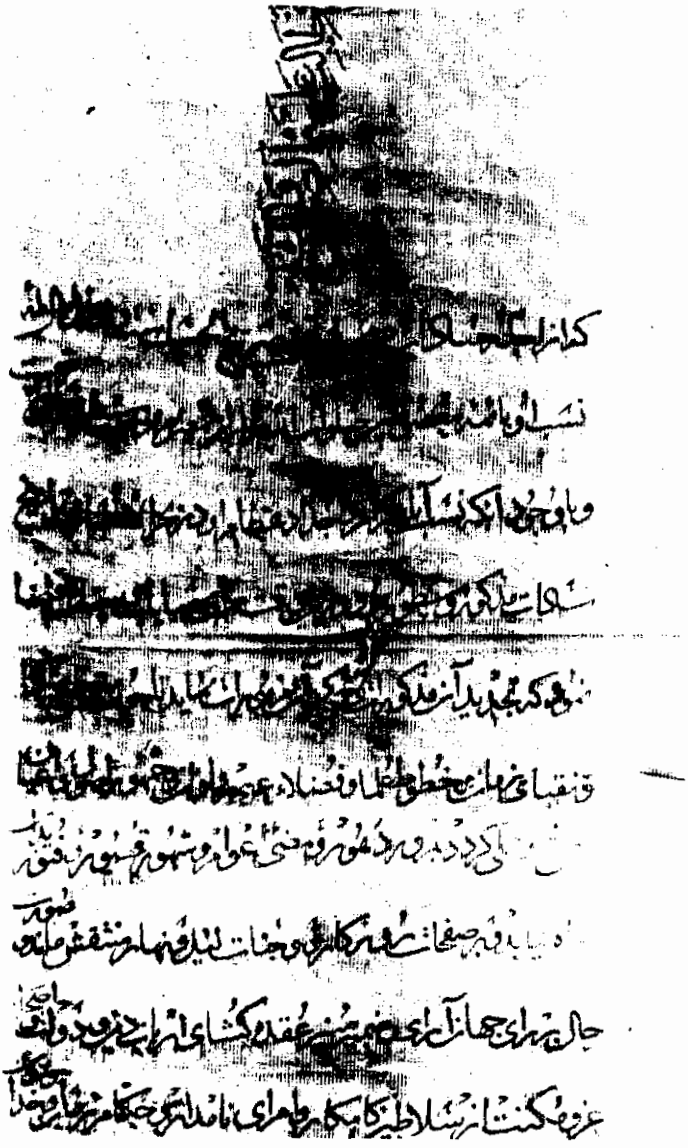

سند شماره ۱۵۲ (قسمت ششم)

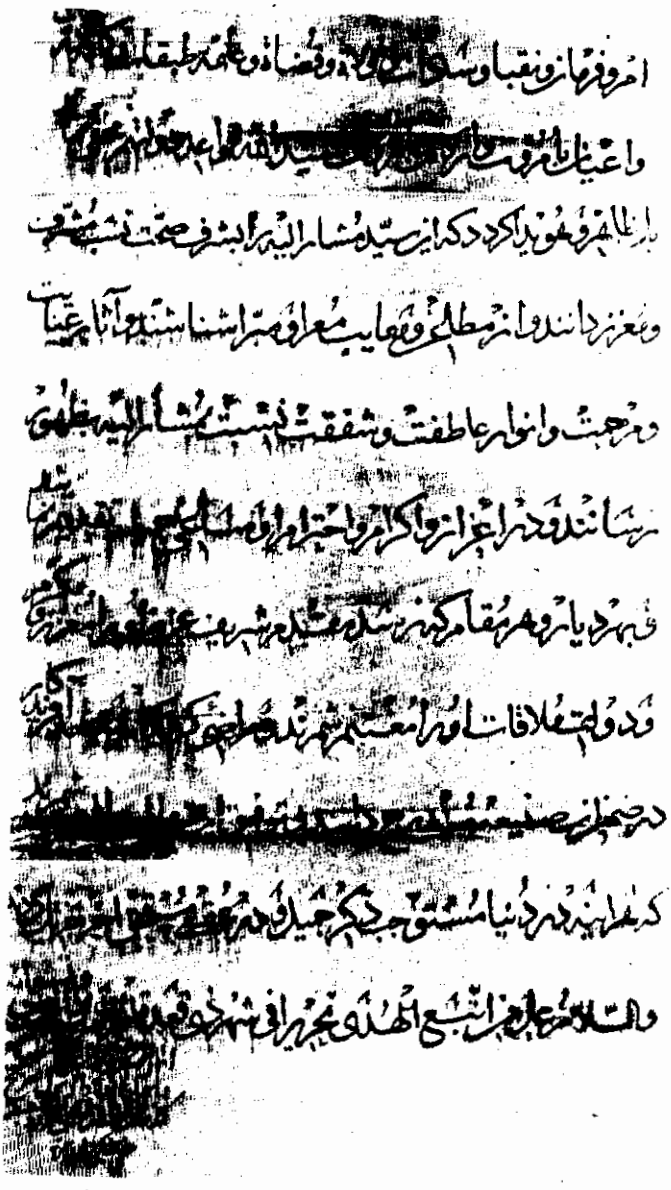

سند شماره ۱۵۲ (قسمت هفتم)

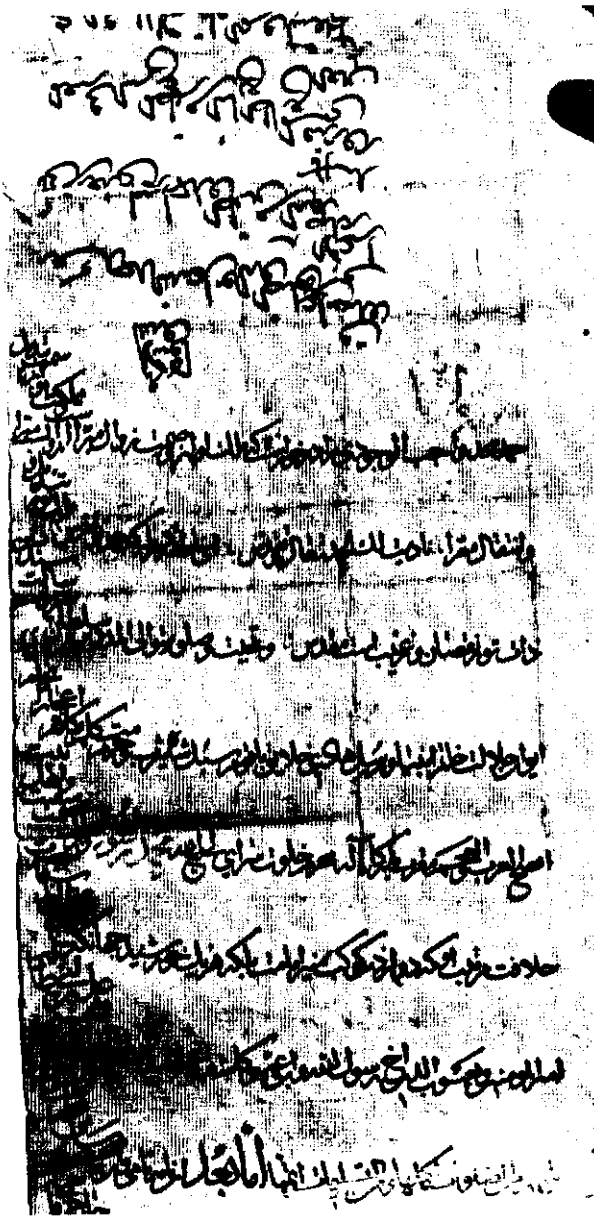

سند شماره ۱۵۳ (قسمت ب)

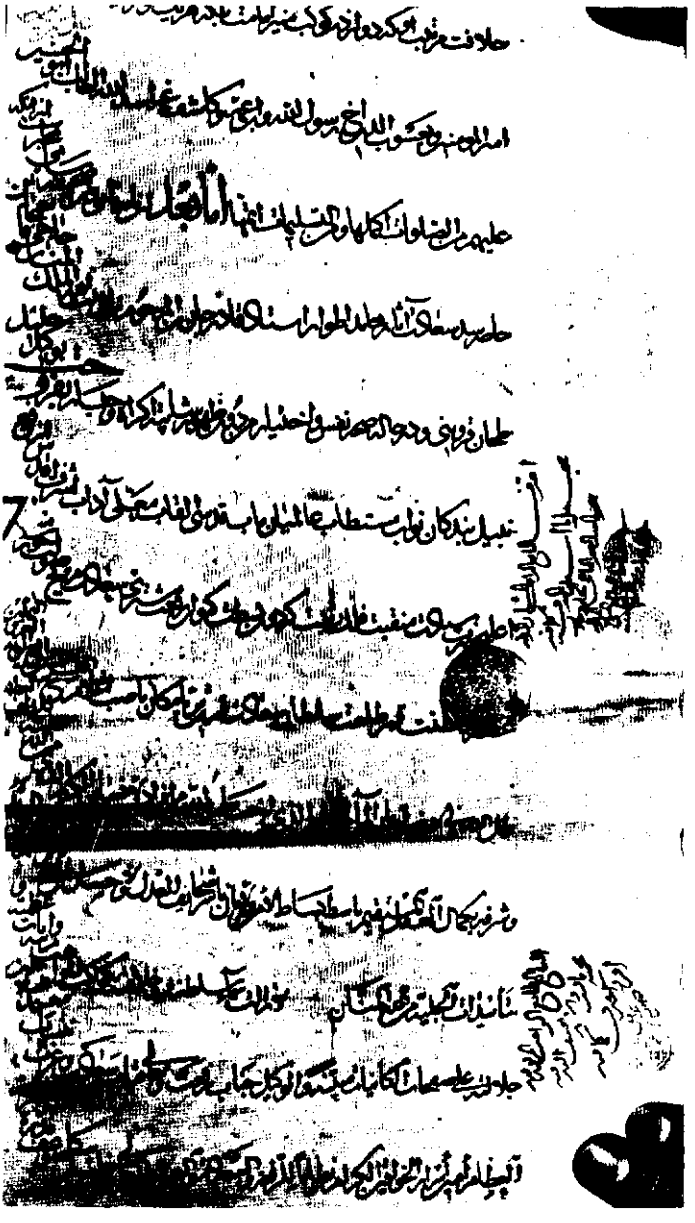

سند شماره ۱۵۳ (قسمت دوم)

ضمیمه سند شماره ۱۵۳ (قسمت سوم)

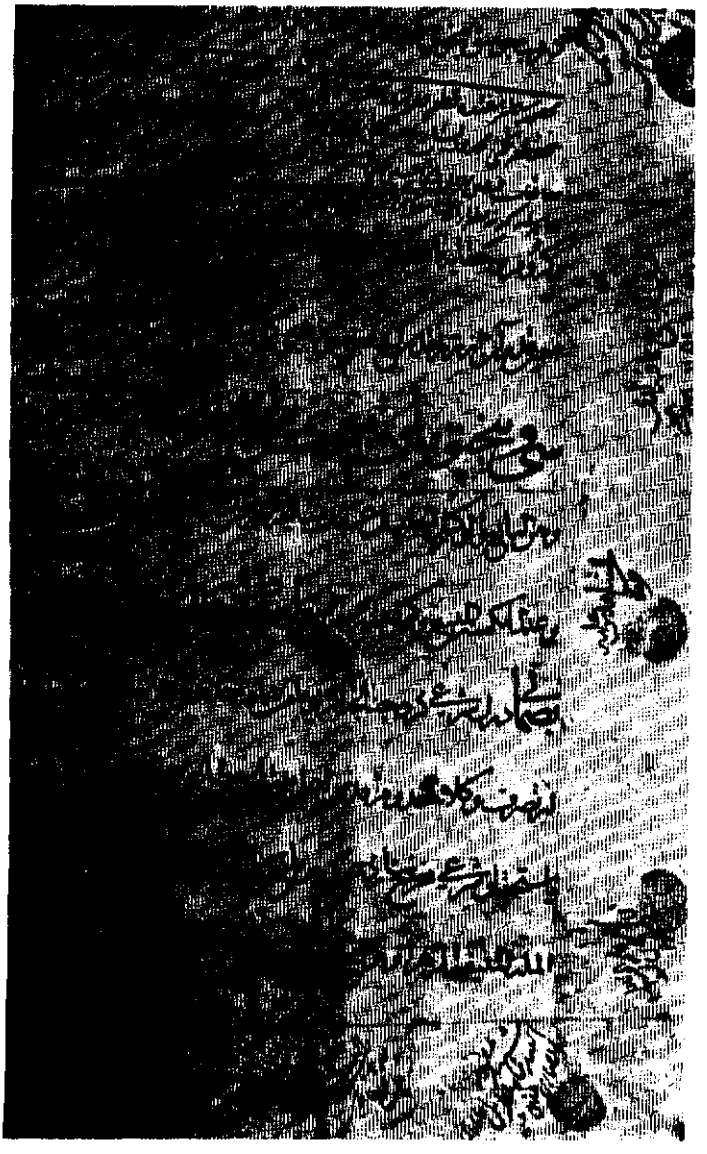

سند شماره ۱۵۳ (قسمت چهارم)

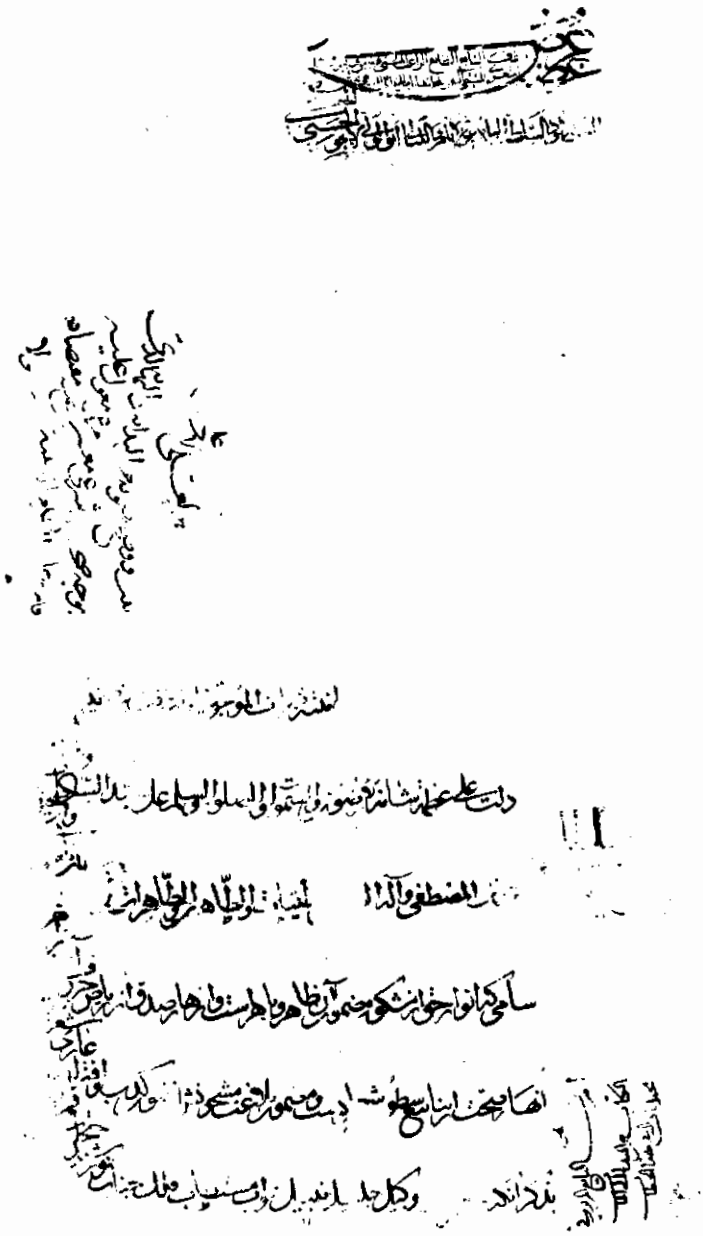

ضمیمه سند شماره ۱۵۳ (قسمت اول)

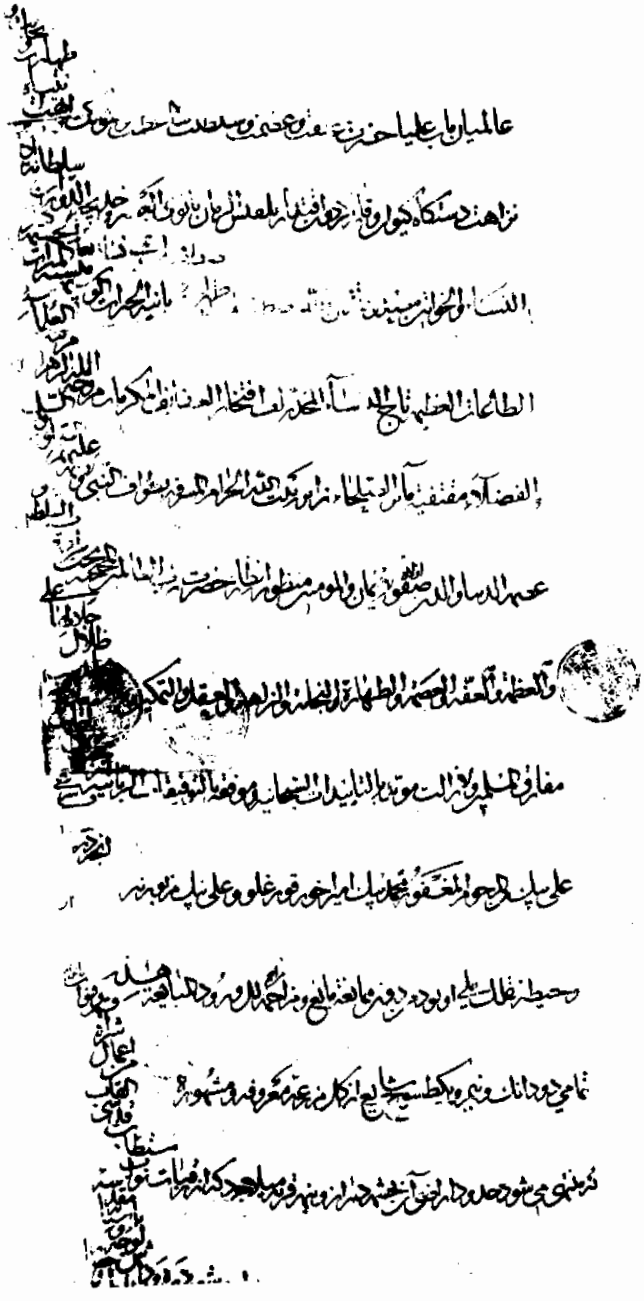

ضمیمه سند شماره ۱۵۳ (قسمت دوم)

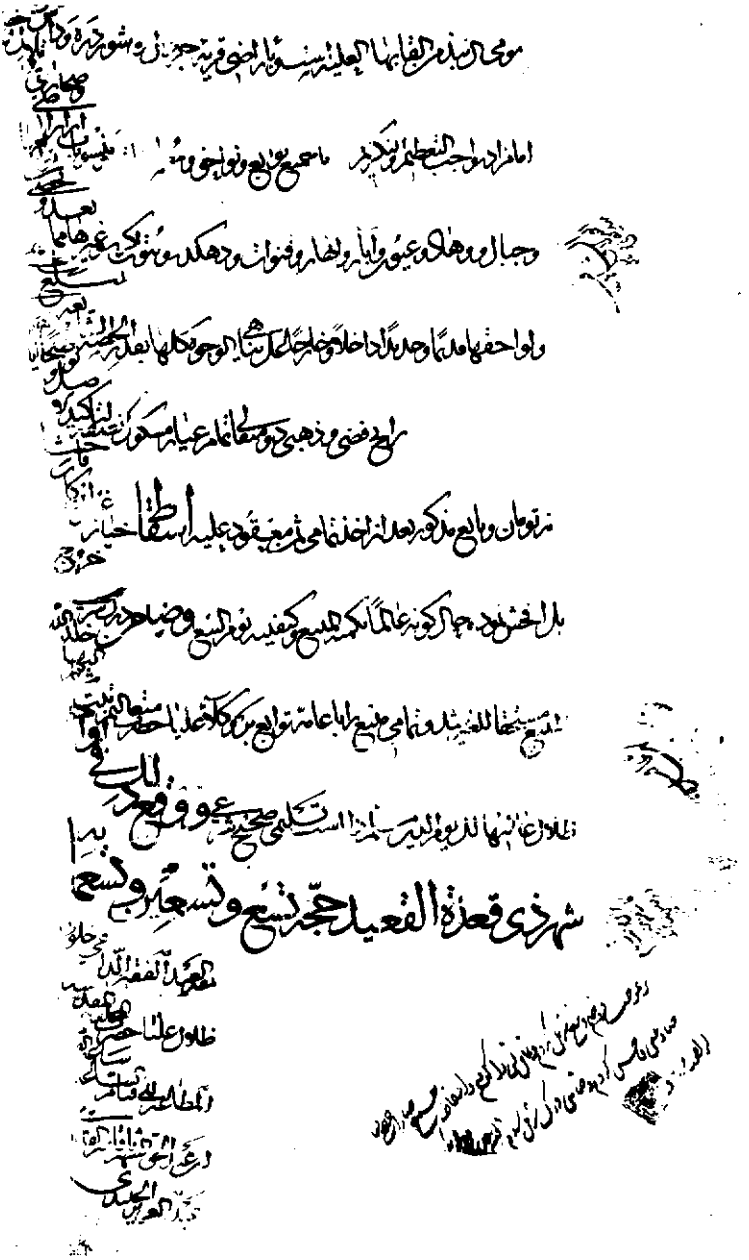

سند شماره ۱۵۳ (قسمت سوم)

نـام کسان

(آ)

آقا شاه خاتون ۱۳۲
آقا ملك ۱۸۹
آقا نبی « دهخدا » ۲٤۷
آیت الله مرعشی نجفی ٦٦

(ا)

ابراهیم (آقا میر- ۳۷۲ ، ۳۷۳
ابراهیم (آقا میر- «کار گزار» ۳۰۹
ابراهیم بن حسنعلی ۳۷۲
ابراهیم خان ثانی ۱۵۷ ، ۳٦۷
ابراهیم بن سید حسن مرعشی (سید - ۷٤ ، ۷٦ ، ۳۰۳ ، ۳۰٦ ، ۳۰۸ ، ۳۳۰، ۳۳۱
ابراهیم شاه نادری ۲۲۲ ، ۲۲٤، ۳۰۳، ۳۲۷ ، ۳۲۹ ، ۳۳۰
ابراهیم بن علی بن موسی الرضا ۱۱
ابراهیم مرعشی (میر- ۷۳
ابراهیم میرزا ۲٦
ابراهیم نواده میرعبدالعظیم ۲٤۳ ، ۲٤٤ ، ۲٤۸ ، ۲۵۰ ، ۲۵۳ ، ۲۵۵ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ، ۲٦۱ ، ۲٦۲ ، ۲٦٤ - ۲٦٦ ، ۲٦۸ - ۲۷۳ ، ۲۷۷ - ۲۸۰ ، ۲۸٦ ، ۲۸۵
ابراهیم بن ناظرطباطبا ۱۳
ابن سکون ٦۹
ابن مهنا عبیدلی ۱۸
ابواسحاق (سید شرف الدین - ٦۳ ، ۱٤۲ ، ۱٤٤

ابواسماعیل مروزی ۱۳
ابوتراب ۳۰
ابوتراب بن حسین حسینی قزوینی ۹۹
۳۶۸ ، ۳۶۹ ، ۳۷۱ ، ۳۷۷
ابوتراب حسینی (حاجی سید ـ ۹۹
ابوتراب بن عبدالوهاب دارالشفاء
۹۹ ، ۱۰۰
ابوتراب بن مرتضی حسینی ۱۰۹
ابوتراب متولی مسجد جامع ۳۷۷
ابوتراب میرزا ـ شاه اسماعیل سوم
۲۳٤
ابوتراب بن میرزا هادی کلانتر ۲۱۳
ابوالحسن ۱۹۲
ابوالحسن کاشی (ملا ـ ٦٥
ابوسعید گورکانی ۱۹
ابوسعید بن محمد بن ابی‌القاسم ۱٤٥
ابوصالح صدرعامه (میرزا ـ ۱۷۳،
۱۹۰ ، ۱۹۱
ابوالفضل بن ناصرمرعشی ٥۷
ابوالقاسم میرزا ۲۸۷ ، ۲۸۸
ابوالمفاخربن فضل الله ۳۱
ابوالنصرمیرزا حسام السلطنه ۹٤ ، ۳۹٤
ابوالولی بن محمود انجو ۱٥٥ ،
۱٥۸ ، ۱٦۱
اتابك اعظم ٤۰۹ ، ٤۱۱ ، ٤۱۲
احسان اشراقی ۱۱٤
احمد « صلی الله علیه وآله » ۱۳۸
احمد (سید ـ ۸۸ ، ۲٥۹ ، ۲٦۰ ،
۳۷۷ ، ٤۱٥
احمد پسرآخوند ملا یوسف (شیخ ـ
۱۰۰
احمد سهیلی خونساری ۱۷
احمد غزالی ۱۹ ، ۲۸
احمد غفاری قزوینی ٦۰
احمد قمی (قاضی ـ ۲۳ ، ٦٤
احمد بن محمد الحسینی الجیلی ۱٤۷
احمد بن محمد علی (میرزا ـ ۲۱۹
احمد بن محمد گیلانی ۱۱
احمدبن مصطفی(حاجی‌ملاآقا خوئینی
۹۹ ، ۳۷٤ ، ۳۷٥ ، ۳۸۰ ، ۳۸۲ ،
٤۰۳ ، ٤۰۷ ، ٤۰۹ ، ٤۱۱ ، ٤۱۲ ،
٤۱۷ ، ٤۱۸ ، ٤۲۰
احمد بن ملاآقا حکمی ۱۰۰
احمد بن میرابراهیم مرعشی (سید ـ

۷۳ ، ۷۴ ، ۷۶ ، ۲۸۷ ، ۲۸۸ ، ۲۸۹ ،
۲۹۱ ، ۲۹۳ ، ۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۲۹۷ ،
۲۹۹ ، ۳۰۵ ، ۳۰۸ ، ۳۱۱ - ۳۲۷ ،
۳۳۰ - ۳۶۰ ، ۳۶۲ ، ۳۶۵ ، ۳۸۳ ، ۳۸۸
احمد میرزا عضد الدوله (سلطان - ۹۲
۹۳ ، ۳۶۱ ، ۳۶۳ ، ۳۶۵
اسحاق حسینی ۱۰۰ ، ۴۱۵ ، ۴۲۱
اسحاق (امیر- ۱۲۲
اسحاق بن محمد ۱۰
اسدالله (امیرشمس الدین - ۵۹ ، ۶۲ ،
۶۳ ، ۱۴۲ ، ۱۴۴ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۳۲۹
اسدالله بن درویش محمد ۴۲
اسکندربیك ترکمان ۳۱
اسکندرمیرزا ۹۱ ، ۹۶
اسماعیل ۳۱۳ ، ۳۲۳
اسماعیل اول صفوی (شاه - ۲۰ ، ۲۱ ،
۲۲ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۵۹ ، ۶۰ ،
۷۸ ، ۱۲۱ ، ۱۳۱ ، ۱۴۲
اسماعیل دوم (شاه - ۲۶ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۶۴
اسماعیل بن حسین مروزی ۵۶
اسماعیل خان نایب الحکومه ۹۷
اسماعیل خان وکیل الرعایا ۳۳۹ ،
۳۷۶ ، ۳۸۶ ، ۳۸۷
اسماعیل سلطان ۲۹
اسماعیل سوم (شاه - ۲۳۴
اسماعیل بن علی بن معصوم ۱۰۱
اسماعیل قزوینی ۱۰۱
اسماعیل فرزندکیا ایران شاه (کیا -
۱۱۶
اسماعیل بن محمد ۱۰۱
اسماعیل بن محمد تقی قزوینی ۱۰۱
اسماعیل میرزا ۲۶ ، ۹۸ ، ۳۲۷ ،
۳۲۹ ، ۴۰۴
اصلان خان (امیر- ۹۲ ، ۳۳۷
افضل ترکه (خواجه - ۶۴
الله قلی میرزا ایلخانی ۹۳ ، ۹۴ ، ۹۷ ،
۳۵۸
امامقلی میرزا ۲۷ ، ۹۰
امام ویردی میرزا ۹۰ ، ۲۷۹ ، ۲۸۱ ،
۲۸۵ ، ۳۰۱ ، ۳۰۸
امیرالمؤمنین علیه السلام ۲۴
امیربیك ۲۴
امیرتومان نصرالملك ۳۹۷ ، ۳۹۸
امیربن محمد المسالی (قاضی - ۱۱۹
امین احمد رازی ۱۲

امین السلطان صدراعظم ٤٦ ، ٤٧ ، ٨٨ ، ٣٧٨ ، ٣٨٩ ، ٣٩٠ ، ٣٩١ ، ٣٩٢ ، ٣٩٤ ، ٤٠٥ ، ٤٠٩ ، ٤١٣
انصاری (شیخ مرتضی ـ ١٠٢
اوزون ١٩

(ب)

باقرحائری (سید ـ ٣٧٥ ، ٣٨١
باقرخان سرتیب ٣٨٧ ، ٣٨٩ ، ٣٩٠ ، ٣٩١ ، ٣٩٢
باقرخان سعد السلطنه ٣٢ ، ٤٦ ، ٤٧ ، ٩٤ ، ٩٥ ، ٩٨ ، ٣٨٩ ، ٣٩٣ ، ٣٩٤
باقردهخدای میانه راه ٢٤٧
باقر(محمد ـ علیه السلام ٤٣ ، ٤٥ ، ١٥٨
باقرواعظ کچوری ١٢
بایزید پسربابا خواجه تبریزی ٤١ ، ٤٢
بتول (فاطمه علیها سلام) ٤٣ ، ٤٥
بجان بن میرزا علی (میرـ ١٢٥
بدیع الزمان میرزا (سلطان ـ ٩٠ ، ٢٨٦ ، ٢٨٨ ، ٢٨٩ ، ٢٩٠ ، ٢٩١ ، ٢٩٢ ، ٣٠٥ ، ٣١٥
بدیع الملك میرزا عماد الدوله ٩٥ ، ٤٠٥ ، ٤٠٦
بندارعلی پسرمحمد ٢٣٨ ، ٢٣٩
بهائی (شیخ ـ ٤٥ ، ٦٧
بهرام میرزا معزالدوله ٩١ ، ٩٦ ، ٢٩٣ ، ٣٦١ ، ٣٦٥
بیکسی خانم ١٣٢
بیگم (شاهزاده ـ ٢٨
بیگی بیگم (شاه ـ «تاجلوبیگم» ٢١ ، ٧٧ ، ٧٨ ، ٧٩ ، ١١٥ ، ١٣١ ، ١٣٣ ، ١٤٢ ، ١٤٣ ، ١٤٦

(پ)

پاشا خان امین شورای کبری ٣٤٧ ، ٣٤٩ ، ٣٥١ ، ٣٥٢
پیراحمد موصلو ٢٩

(ت)

تقی بن ابی بکر ١١٩
تقی (حاج سید ـ ٣٣٩
تقی (شیخ الاسلام ٢٧٨ ، ٣٠٠
تقی (محمد ـ ١٥٨
تقی بن نقی صاحب الفیه ١٠١
تیمور گورکان ٢٠٦ ، ٢١٢ ، ٢٥٣ ،

۲۵۵ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳ ، ۳۰۴ ، ۳۱۱ ،
۳۲۰ ، ۴۰۸

(ج)

جعفربن حسین ۱۰۲
جعفرالحسینی ۲۴۵ ، ۳۹۵
جعفرطیار ۱۳
جعفربن علی بن موسی الرضا ۱۱
جعفرقاضی کمره‌ای (شیخ ـ ۹۷
جعفرقلی ۳۷۸
جعفرمجتهد تهرانی (ملا ـ ۳۷۵ ، ۳۸۰
جعفربن محمد ۴۵
جعفربن محمد عاملی ۱۴۵
جعفرمرعشی (میر ـ محمد جعفر ۲۰۱،
۲۰۳
جلال الدین کیا ۱۱۶
جلال الدین محدث ارموی ۱۰
جمال الدین رضوی ۱۰۳، ۴۱۵، ۴۱۸
جمال الدین بن فلك الدین (کیا ۱۲۵
جواد بن رضا حسینی ۴۱۸

(ح)

حاتم بیك اردوبادی ۱۵۷
حبیب الله خان ۳۷۷
حبیب الله رشتی (حاجی میرزا ـ ۱۰۲
حبیب الله صدر ۱۶۹ ، ۱۷۲ ، ۱۷۸ ،
۱۸۴
حبیب الله مرعشی (امیر ـ ۷۹ ، ۸۲ ،
۸۴ ، ۱۵۸ ، ۲۴۱ ، ۲۴۲
حجت الله (صاحب الزمان) ۴۵
حسام الدین (امیر ـ ۱۲۲
حسام السلطنه ۳۹۷
حسن (سید ـ ۳۷۷
حسن بن احمد (سید ـ ۷۴ ، ۸۷ ،
۳۶۱ ، ۳۶۹ ، ۳۷۴ ، ۳۷۷ ، ۳۸۰ ،
۳۸۲ ، ۳۸۳ ، ۳۸۵ ، ۳۸۸ ، ۳۸۹ ،
۳۹۰ ، ۳۹۲ ، ۳۹۵ ، ۳۹۷ ، ۳۹۹ ،
۴۰۱ ، ۴۰۴
حسن (استاد ـ ۲۶۱ ، ۲۶۵
حسن بیك قورچی ترکمان ۱۸۸
حسن بیك مباشر ۳۳۵
حسن خان ایروانی (سردار ـ ۹۶
حسن خان دربندی ۱۸۹
حسن خان کچلجردی ۸۲
حسن بن زید داعی ۱۳

حسن بن سید علی مرعشی ۷٤
حسن صلاتی (جلال الدین ـ ۱٦۱
حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام
٤٥
حسن علی خان آجودان باشی ۹۷
حسن علی خان خوئی ۹۲ ، ۲۹۷ ،
۳۰۹ ، ۳۵۹
حسن بن علی عسکری ٤٥
حسن بن علی بن موسی الرضا ۱۱
حسن بن عماد بن جوانمرد ـ فخر
زرندی ۱۸ ، ٤۲
حسن بن محمدقاسم النسابه ٤۲۵،٤۲۹
حسن مرعشی ٤۳٤
حسن (میرزا ـ ۳۹۱
حسن میرزا (سلطان ـ ۲۸
حسن بن نظرعلی کچلجردی ۳۹۹ ،
٤۰۰ ، ٤۰۲
حسین بن ابراهیم مرعشی ۷٤
حسین بن احمد (سید ـ ۷٤ ، ۳۷٤ ،
۳۷٦ ، ۳۸۰ ، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۷، ۳۸۸،
۳۹۵ ، ۳۹۷ ، ۳۹۸ ، ٤۰۱ ، ٤۰۸
حسین اصغرفرزند امام سجاد ۵٦
حسین افشارـ محمد حسین افشار ۲۵۹
۲٦۰ ، ۳۹۳ ، ٤۰۵ ، ٤۰٦ ، ٤۰۷
حسین الثائر ۱۲، ۱۳
حسین الحسینی (میرـ ۹۰
حسین حسینی کرکی ۱۷۰
حسین خان سپهسالار ۹۷ ، ۳۸۱
حسین خان مشیرالدوله ، معتمد الملك
۹٤ ، ۳۵۸ ، ۳۸٤ ، ۳۸٦
حسین (شاه سلطان ۳۱ ، ۸۱ ، ۸۲،
۸۵ ، ۱۸۱، ۱۹۰ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۱۹۵،
۲۲٦ ، ۲۳٤ ، ۲٤۰ ، ۲٤۹
حسین شهشهانی ۱۱۳ ، ۲۳٤
حسین بن عبدالصمد ٤۳۳
حسین بن عبدالصمد عاملی ٦۷
حسین بن عبدالصمد قزوینی ۹۸
حسین بن عبداللطیف ۱٤۵
حسین بن علی بن ابیطالب ٤۵ ، ٤۸،
٤۰۰
حسین علی علاقه بند قزوینی ۳۳۹،
۳٤۰
حسین بن علی قزوینی (سید ـ ۱۰۲ ،
٤۱۱

حسین بن علی بن موسی الرضا (شاهزاده ـ ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۹، ۲۵ ، ۳۹، ٤٤ ، ٤٨ ، ٦١ ، ١١٥ ، ١١٧ ، ١٢٥ ، ١٣٥ ، ١٤١ ، ١٤٤ ، ١٤٧ ، ١٥٦ ، ١٦٣ ، ١٧٤ ، ١٧٨ ، ١٨٠ ، ١٨٤ ، ١٨٨ ، ١٩٨ ، ٢٠٦ ، ٢٤٣ ، ٢٥١ ، ٢٥٣ ، ٢٩٢ ، ٢٩٨ ، ٣١٣ ، ٣٢٧ ، ٣٢٩ ، ٣٥٢ ، ٣٥٣ ، ٣٧٠ ، ٣٧٢ ، ٣٧٣ ، ٣٧٩ ، ٣٨٧
حسین قلی ٣٧٨
حسین قلی خان ٣٦٣
حسین قلی ستوده ١٩ ، ٩٣
حسین قلی (کربلائی ـ ٣٧٧
حسین مارگیر (ملا ـ ٢٣٨
حسین بن محمد ندوشنی (مولی سلطان ـ ٦٧
حسین مرعشی (علاء الدین ـ ٦٧
حسین میرزا (سلطان ـ ٢٩
حسین بن میرزا خلیل تهرانی ١٠٠
حمد الله مستوفی ١٠ ، ١١
حمزه بیك بکتاش موصلو ١٣٢
حمزه بیك مستوفی قزوین ١٨١، ١٨٥
حمزه میرزا حشمت الدوله ٩١
حیدر «علی علیه السلام» ١٣٨
حیدرمیرزا (سلطان ـ ٢٥ ، ٦٤

(خ)

خان احمد گیلانی ١٨٨ ، ١٨٩، ٤٢٩، ٤٣١
خان بابا خان (حسن خان ایروانی ٢٧٩ ، ٢٨٠
خانبابا خان بن محمدحسین‌خان افشار ٣٧٦ ، ٣٨٥ ، ٤١١
خدا بنده (شاه ـ ٢٧ ، ٢٩ ، ٨٣ ، ١٥١ ، ١٥٤ ، ١٥٥، ١٦٤، ١٦٩، ١٧٦
خسروخان والی ٩١ ، ٩٦
خلیل الله بن سلیم الله ٤٣
خلیل بن حاجی بابا قزوینی ٢٠٦
خلیل بن عبدالله قزوینی ٩ ، ١٠
خلیل قزوینی (ملا ـ ٢٤ ، ٢٠٦
خلیل بن محمد اشرف قائنی ٢٠٦
خلیل بن محمد زمان ٢٠٥
خلیل المؤمن ٢١٢
خلیل میرزا ٢٢٦

خیرالدین ۲۱۰
خیرالنساء بیگم (مادرشاه عباس) ۲۸

(د)

داود بن سلیمان غازی ۱۰
دباج بن کیا علاء الدین (کیا ـ ۱۲۲
دبیرسیاقی ۱۲۰
درویش بیك مرعشی ۲۲ ، ۶۰ ، ۷۱
درویش رضا ۱۷ ، ۳۰ ، ۳۱
درویش عرب قلی ۷۰ ، ۱۵۴ ، ۱۵۷
درویش قنبر ۷۰ ، ۱۵۴ ، ۱۵۷
درویش کفشدار ۱۶۰ ، ۱۶۳ ، ۱۶۴
۳۰۲
درویش محمد علی ۱۵۴ ، ۱۵۷
درویش محمد قلی ۷۰

(ر)

رحمت الله (امیر ـ ۱۵۹ ، ۳۲۹
رستم بیك آق قویونلو ۲۴
رستم بن علی زرندی ۱۲۶
رسول (میرزا ـ ۹۷
رضا پسرحسن مرعشی ۴۳۴
رضا خیابانی (سید ـ ۱۰۲
رضا (علی بن موسی ـ ۱۵۸
رضا معین السلطنه (میرزا ـ ۹۴
رضی الدین (حاجی سید ـ ۱۰۲
رضی شهرستانی (میرزا ـ ۱۶۱، ۱۶۲،
۳۴۲
رضی الدین بن محمد حسن (آقا ـ
۱۲ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹
رضی بن میرنعمت الله (سید ـ ۷۷،
۲۹۷ ، ۲۹۸ ، ۲۹۹ ، ۳۰۵ ، ۳۰۶ ،
۳۰۸ ، ۳۱۶ ، ۳۲۷ ، ۳۳۱ ، ۳۳۵ ،
۳۳۷ ، ۳۳۸ ، ۳۴۰ ، ۳۶۰
رفیع شهرستانی ۱۶۲ ، ۱۷۰
رفیع صدر(میرزا ـ ۱۷۴ ، ۱۷۵

(ز)

زرندی (قاضی ـ ۱۲۳
زکی (حسن بن علی عسکری) ۱۵۸
زکی مستوفی تفرش (میرزا ـ ۹۷،
۳۳۴
زهره خانم ۱۹۱
زین الدین متولی (سید ـ ۲۲

زین العابدین حسینی ۳۷۲
زین العابدین شیروانی ۱۲
زین العابدین کاشی (میر- ۱۵٤
زین العابدین مازندرانی (شیخ- ۳۷۵،
۳۸۰ ، ۳۸۱ ، ۳۹۱ ، ٤۱۲ ، ٤۱۸
زین العابدین مرعشی (میر- ۵۷ ، ٦۰،
٦۱ ، ٦۲ ، ٦۹ ، ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۳۳،
۱۳۵ ، ۱٤۱ ، ۱٤۷ ، ۱٤۸ ، ۱۵۲ ،
۳۰۲ ، ۳۰۷ ، ۳۲۹
زینب بیگم (دخترشاه طهماسب) ۳۰ ،
٤۳ ، ٤٤ ، ۳۲۹

(س)

سالار اکرم ٤۱۳ ، ٤۱٤
سجاد (علی بن الحسین) ٤۳ ، ٤۵ ،
۱۵۸
سراهنگ مرعشی ۱۵۱ ، ۱۵۲
سرهنگان مرعشی (میر- ٦۲ ، ٦۹ ،
۳۲۹
سعدی ٤۵ ، ٤٦
سلطان مهین بانو ۲۵
سلمان خان استاجلو ۲۸
سلیم خان افشار ۲۳٤ ، ۲۳۵
سلیمان (شاه - ۱۷ ، ٤٤ ، ۷۱ ، ۱٦۹
۱۹۰ ، ۳۰۲ ، ۳۲۷ ، ۳۲۹
سلیمان ثانی (شاه - ۷۳ ، ۲۲٦ ، ۲۲۹
۲۳۸
سلیمان کلید دار(میر- ۲۲۱
سلیمان میرزا ۲٦
سهراب خان ۳۷۸
سیف الله میرزا (شاهزاده - ۷۷ ، ۹۱،
۹۲ ، ۲۹۹ ، ۳۰۱ ، ۳۰۸ ، ۳۲۵
سیفی حسنی قزوینی ۱٦۱ ، ۱٦۳

(ش)

شاه بیگم بنت احمد خان ۱۸۸
شاه بیگی بیگم - بیگی بیگم ٦۲ ،٦۳
شاهرخ تیموری ۲۰ ، ۵۸ ، ٤۲٤
شاهرخ نادری ۲۳۱ ، ۳۲۷ ، ۳۲۹ ،
۳۳۰
شاهزاده حسین - حسین بن علی ۱۲۸
۱۳٤ ، ۳۹٤ ، ٤۰۹
شاه ملا قزوینی ۱۵۳ ، ۱۵٤
شاه میرفرزند یعقوب بیك ۲٤

شاه نظربن آقا بابای انصاری ٤٣٤
شاه وردی خان بیك ٣٠
شاهی بن عبدالکریم ٦١
شرف (میرزا ـ ١٨١ ، ١٨٦
شرف جهان حسینی (میرزا ـ ٢٢ ، ٢٤١ ، ٢٤٢
شرف بن قاضی جهان ٨١ ، ١٤٥
شفیع آشتیانی ٩٧
شفیع نایب الصداره (میرزا ـ ١٠٨
صفی الدین (شکرالله ـ ١٨ ، ٥٧ ، ٥٨ ، ٦٣ ، ٦٩ ، ١٣١ ، ١٣٤ ، ١٣٥ ، ١٤١
شمس الدین بن کیا علاء الدین (کیا ـ ٦٣ ، ١٢٢ ، ١٢٥
شمس الدین میرچراغچی ٢٢١
شمس بن مفلح القاضی ١٤٦
شمس الدین موسوی هندی ٢٤
شهربانوخانم (شاهزاده ـ ٢٨
شهید ثالث ١٠٥
شیبك خان ازبك ٢٣ ، ٥٩

(ص)

صاحب ذریعه ٦٥ ، ٦٧ ، ٦٩
صادق برغانی (شیخ ـ ١٠٨
صادق (جعفربن محمد ـ ١٥٨
صادق فرزند حاجی ملا علیرضا ١٠٨
صادق طحان ٢٤٥
صالح برغانی ـ محمد صالح ١٠٣
صالح جزائری (شیخ ـ ٦٧
صالح (حاج آقای مسجد شاهی ١٠٣ ، ٣٧٠ ، ٣٧١
صالح خان تبریزی ٩٥
صالح بن عبدالله ٢٤٣ ، ٢٤٤ ، ٢٤٨ ، ٢٤٩
صدرالدین (شیخ ـ ٢٠٣
صدق الدوله ٩٥ ، ٤١٦
صفی (شاه ـ ٣١ ، ٤٣ ، ٤٤ ، ١٦٩ ، ١٧٠

(ض)

ضیاء الدین نورالله حسنی مرعشی ٢٢

(ط)

طاهرواقعه نویس (میرزا ـ ١٩٠
طهماسب (شاه ـ ٢٠ ، ٢١ ، ٢٢ ، ٢٣ ، ٢٥ ـ ٣٠ ، ٤٢ ، ٤٣ ، ٥٥ ، ٥٨ ،

٦٠ ـ ٦٤ ، ٧٠ ، ٧٧ ، ٧٩ ، ٨٥ ،
١٢١ ـ ١٢٣ ، ١٢٩ ، ١٣٠ ، ١٣٢ ،
١٣٤ ، ١٣٥ ، ١٣٩ ، ١٤٧ ، ١٤٨ ،
١٤٩ ، ١٥٠ ، ١٥١ ، ١٥٢ ، ١٨١ ،
١٨٥ ، ٣٠١ ، ٣٠٧ ، ٣٢٦ ، ٣٢٧ ،
٣٢٨ ، ٣٢٩ ، ٣٣٣
طهماسب دوم (شاه ـ ١٧٧ ، ١٩٩ ،
٢٥٥
طهماسب قلی‌خان قزوینی ٦٩ ، ٢٩٣ ،
٢٩٥ ، ٢٩٦

(ظ)

ظهیرالدین ابراهیم ١٤٨ ، ١٤٩
ظهیرالدین (سید ـ ١١٦
ظهیرالدین مرعشی ١٩

(ع)

عباس (شاه ـ ٢٢ ، ٢٧ ، ٢٨ ، ٢٩ ،
٣٠ ، ٦٠ ، ٧٠ ، ٨٣ ، ٨٦ ، ١٥٢ ،
١٥٤ ، ١٥٦ ، ١٥٧ ، ١٥٨ ، ١٦٠ ،
١٦١ ، ١٦٢ ، ١٦٤ ، ١٧٢ ، ١٨٦ ،
٣٠٢ ، ٣٢٧ ، ٣٢٩
عباس دوم (شاه ـ ٨٠ ، ١٥٤ ، ١٦٦ ،
١٧٠ ، ١٧٢ ، ١٨١
عباس بن علی علیه السلام ٤٨
عباسعلی پیشنماز(آخوند ١٠٣ ، ٣١٧
عباسقلیخان جوانشیرمعتمد الدوله
٣٢٤ ، ٣٣٤ ، ٣٣٦ ، ٣٦٠
عباسقلیخان قاجار ٩٧
عباسقلیخان نایب الحکومه ٣٨٤
عباسقلی یساول ٨٦ ، ١٦٧ ، ١٦٨
عباس میرزا نایب السلطنه ٧٥ ، ٩١ ،
١١٢ ، ٢٥٥ ، ٢٥٧ ، ٢٩١
عباس میرزا ملك‌آرا ٣٦٧ ، ٣٩٣
عبدالله بهبهانی (سید ـ ٣٧٥ ، ٣٨٠
عبدالله جزائری (سید ـ ١٩٧
عبدالله حسینی کدخدا ٤١٥
عبدالله خان علاء الملك ٩٧
عبدالله خان مستوفی ٣٣٥ ، ٣٣٦
عبدالله بن خلیل الحسینی ١٠٤
عبدالله بن فغفور(شریف ـ ٥٧
عبدالله کفشدار(میر ـ ٢٢١
عبدالله بن محمد بن حسن الدکه ٥٥
عبدالله مرعشی (میر ـ ٦١

عبدالله میرزا دارا ۲۶۸
عبدالله نایب الصدر ۱۰۸
عبدالله بن نبی خان ۳۱۵ ، ۳۱۶ ، ۳۲۰ ، ۳۲۱ ، ۳۲۴
عبدالباقی بن حسین الحسینی ۱۴۶
عبدالجبار (سید نصرالدین ـ ۶۴ ، ۱۴۲ ، ۱۴۴
عبدالجلیل رازی ۱۰
عبدالجلیل (سید ـ ۱۴۹
عبدالجواد بن علی الحسینی ۱۰۳ ، ۴۲۱
عبدالحسین ۳۹۷
عبدالحسین نایب الصدر (میرزا ـ ۱۰۸ ، ۳۳۶ ، ۳۴۴ ، ۳۴۵ ، ۳۴۶
عبدالحسین نوائی ۱۱
عبدالرزاق محمدبن محمد قاضی ۱۱۹
عبدالصمد حسینی ۴۰۰
عبدالصمد بن سید تقی قزوینی ۱۰۳ ، ۳۷۵ ، ۳۸۰
عبدالصمد میرزا عزالدوله ۹۲ ، ۹۵ ، ۹۶ ، ۹۸ ، ۲۹۷ ، ۳۰۶ ، ۳۰۹ ، ۳۱۳ ، ۳۱۵ ، ۳۳۴ ، ۴۰۲ ، ۴۰۴
عبدالعزیز جنیدی ۴۳۰ ، ۴۳۳
عبدالعظیم بن محمد ابراهیم (میر ـ ۷۲ ، ۷۳
عبدالعظیم بن محمدنصیر حسینی مرعشی ۷۵ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۱۹۵ ، ۱۹۷ ـ ۲۰۰ ، ۲۰۵ ، ۲۱۱ ، ۲۱۲ ، ۲۱۴ ، ۲۱۵ ، ۲۱۶ ، ۲۱۸ ، ۲۱۹ ، ۲۲۲ ـ ۲۲۹ ، ۲۳۱ ، ۲۳۴ ، ۲۳۵ ، ۲۴۱ ، ۲۴۲ ، ۲۴۳ ، ۲۵۷ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، ۳۰۳ ، ۳۳۹
عبدالعلی ۲۳۸
عبدالعلی بن ابراهیم ۱۰۳
عبدالغفار«کاتب» ۴۶
عبدالغفارقزوینی (میرزا ـ ۱۱۴
عبدالقادر(سید کمال الدین ـ ۶۲ ، ۶۳ ، ۶۹ ، ۷۲ ، ۱۳۱ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۱۴۱ ، ۱۶۹ ـ ۱۷۱ ، ۱۷۶ ، ۱۷۸ ، ۱۹۵ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹ ، ۳۲۹
عبدالکریم ایروانی (ملا ـ ۱۰۵
عبدالکریم (آقا سید ـ ۱۰۳ ، ۳۷۷
عبدالکریم شریك الکتاب ۱۱۴
عبدالکریم بن محمد رافعی ۱۰

عبداللهیار(امیر- ۱۵۸ ، ۱۵۹
عبدالمطلب مرعشی (سید - ۷۰ ، ۷۱ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۱۴۷، ۱۴۸ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳، ۱۶۹ ، ۱۷۱ ، ۱۷۶ ، ۱۷۸ ، ۳۲۹
عبدالنبی قزوینی ۲۰۶
عبدالواحد بن علی شوشتری ۶۵
عبدالوهاب ۳۱۷
عبدالوهاب (حاجی میرزا ۳۱۵
عبدالوهاب بن محمد تقی ۱۰۴، ۴۱۸
عبدالوهاب بن محمد علی دارالشفائی ۱۰۴ ، ۳۰۰
عبدالوهاب بن ملامحمدصالح برغانی ۱۰۴
عبدالهادی دربندی ۱۸۹
عبیدالله کرد ۹۳
عزالدوله ۳۳۷
عزیز(حاجی میرزا - ۳۴۹ ، ۳۵۰
علاء الدین بن امیردباج ۱۲۲
علاء الدین بن محمد نجاررازی ۴۳
علاء الملك حسینی ۲۱ ، ۲۸ ، ۶۳ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸
علاء الملك حسینی شوشتری ۶۰
علاء الملك بن عبدالقادر ۶۲
علاء الملك قزوینی ۹۲
علی بن ابراهیم قزوینی ۷۵ ، ۲۱۶ ، ۲۱۷
علی بن ابیطالب علیه السلام ۴۳ ، ۴۵، ۴۶ ، ۴۸ ، ۱۲۴ ، ۱۳۳ ، ۱۳۶ ، ۴۳۱
علی بن احمد بن عثمان ۱۱۹
علی اصغرخان امین السلطان ۳۲
علی اکبرتفریشی ۳۷۵ ، ۳۸۱ ، ۳۸۲، ۳۹۱
علی اکبرکاشی‌پز(استاد - ۴۶ ، ۴۸
علی انجومظفرالدین ۲۷
علی پسربابا خواجه تبریزی (استاد - ۴۱ ، ۴۲
علی جان (مشهدی - ۳۷۸
علی بن حسن مرعشی (سید - ۷۴ ، ۴۳۴
علی بن حسن (آقا سید - ۸۷ ، ۴۰۲ ، ۴۰۷ ، ۴۰۸ ، ۴۱۳ ، ۴۱۵ ، ۴۱۷ ، ۴۲۰
علی بن الحسین علیه السلام ۵۵
علی خان شوشتری (سید - ۵۶ ، ۷۱

علی خان بن محمد حسین افشار ۳۷۶، ۳۸۵، ۴۱۱
علی خان نایب الحکومه (سید ـ ۹۶، ۲۵۳، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۳۰۴
علی بن داود ۱۳
علی زنگنه (شیخ ـ ۱۹۰
علی شاه ظل السلطان ۲۸۷
علی بن شمس الدین لاهیجی ۲۰، ۱۲۲
علی بن عبدالعالی کرکی ۶۶، ۱۲۱
علی بن عبداللطیف الحسینی ۱۴۶
علی قزوینی «محشی قوانین» ۱۰۲
علی قزوینی (شیخ ـ ۱۰۴
علی قوی میدانی (سید ـ ۱۰۴
علی کچلجردی ۴۰۰
علی کنی (حاج ملا ـ ۶۷
علی کیا (میرزا ـ ۱۹
علی بن محمد مهرویه ۱۰
علی بن محمد النقی ۴۵
علی المرعش ۵۵
علی بن ملك الدین (آقا سلطان ـ ۱۲۵
علی بن موسی الرضا ـ رضا ۱۰ ـ ۱۲، ۴۵، ۱۶۸، ۲۲۰، ۳۱۲
علی نقی میرزا رکن الدوله ۷۶، ۸۶، ۹۰، ۹۶، ۱۱۳، ۱۱۴، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۵ ـ ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۷، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۳۰
علی نقی کلانتر باغ میشه‌ای ۹۵
علی نهاوندی (آخوند ملا ـ ۶۸
عماد قزوینی (میر ـ ۲۳، ۴۸
عمیدی (سید ـ ۶۹
عیسی بن فتح الله ۱۰۴، ۱۰۵، ۴۲۱
عیسی (قاضی صفی الدین ۶۶
عیسی لهاردی (شیخ ـ ۱۰۵
عیوض (کربلائی ـ ۳۷۸

(غ)

غلامحسین خان سپهدار ۹۲، ۳۵۸
غیاث الدین ۲۰۸
غیاث الدین حسنی (امیر ـ ۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۷
غیاث الدین منصور دشتکی ۱۲۱

(ف)

فتح الله (آخوند حاج ملا ـ ۱۰۵ ، ۳۴۵ ، ۳۴۶ ، ۳۴۷ ، ۳۷۶ ، ۳۸۱
فتح الله بن آقا شیخ صادق ۱۰۵
فتح الله بن رجبعلی ۱۰۵
فتحعلیشاه ۳۱ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۸۶ ، ۸۹ ، ۹۰ ـ ۹۲ ، ۹۶ ، ۱۰۰ ، ۱۰۸ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۲۵۰ ، ۲۵۲ ، ۲۵۹ ، ۲۶۱ ، ۲۶۶ ، ۲۶۸ ، ۲۷۹ ، ۲۸۲ ، ۲۸۴ ، ۲۸۵ ، ۲۹۹ ، ۳۳۰ ، ۳۶۱
فخر رازی (امام ـ ۵۶
فخرالدین بن میرعبدالقادر ـ محمد ۱۷۶ ـ ۱۷۸ ، ۲۰۲ ، ۲۱۱ ، ۲۱۲
فرج خان کاشی ۳۲۶
فرهاد میرزا ۹۳
فضل الله (حاجی ـ ۸۸
فضل الله ملاباشی (میرزا ـ ۸۸ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳
فضل الله نوری (حاجی شیخ ـ ۳۷۶ ، ۳۸۱ ، ۴۱۷ ، ۴۲۰
فضلعلی ۱۹۲
فغفور (میر ـ ۱۸ ، ۳۰ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۶۳ ، ۶۹
فیروزمیرزا نصرت الدوله ۹۲

(ق)

قابودان بیك ۴۳۲
قادرجان بن قاسم خان طحان ۴۲۹ ، ۴۳۱ ، ۴۳۳
قاسم بیك ترکمانی ۲۱
قاسم خان ۱۷۵
قاسم علی ۱۸۲
قاسم بن علی اکبر کدخدا ۳۴
قاسم بن میرمحمد نصیر ۱۹۷ ـ ۱۹۹
قاضی جهان حسینی ۲۲ ، ۲۳
قاضی خان حسینی ۲۲
قاضی سلطان تربتی ۱۶۸
قربان علی ۲۴۱ ، ۲۴۲
قوام الدین الحسینی ۱۰۶ ، ۳۲۰
قوام الدین میربزرگ مرعشی ۶۱
قوام الدین کربالی ۶۰

(ك)

الکاظم ـ موسی بن جعفرعلیه السلام ـ ۱۵۸

کریم طحان (کربلائی- ۲۴۵ ، ۳۷۱، ۳۷۳
کریم خان زند ۱۱۴ ، ۲۱۹ ، ۲۳۴ ، ۲۳۵
کمال الدین ملك بیك ۲۲
کمال الدین میرزا ۱۲۵
کیوان قزوینی ۱۰۱

(گ)

گلچین معانی ۲۸

(ل)

لاچین آقا ۱۵۴
لطف علی خان ۲۶۱ ، ۲۶۵

(م)

مالك اشترنخعی ۲۴
مالك دیلمی قزوینی (مولانا ۲۳ ، ۲۴
مجد الدوله ۳۳۸
مجلسی دوم ۱۹۷
محراب خان افشار ۹۶ ، ۲۶۴
محب الله (سید وجیه الدین - ۶۳ ، ۱۴۲ ، ۱۴۴
محسن بن محمد بن یحیی علوی ۱۴۶
محمد (آخوند ملا - ۳۷۷ ، ۴۱۵
محمد آقا کوره‌پز ۴۱۵
محمد (حاجی میرزا - ۲۴۵ ، ۳۷۰ - ۳۷۳
محمد ابراهیم ۷۲
محمد ابراهیم ۱۰۶
محمد ابراهیم الحسینی ۱۰۷
محمد ابراهیم صدرنادرشاه ۲۱۵
محمد ابراهیم مباشر ۳۳۵ ، ۳۳۶
محمد ابراهیم مؤذن ۲۲۱
محمد ابراهیم نوه میرمحمد جعفر مرعشی ۱۹۰ - ۱۹۲
محمد اسماعیل خان ۳۷۷
محمد اصغرالحافظ الخطیب ۴۲۵ ، ۴۲۹
محمد امام جمعه (آقا - ۱۰۶
محمد (امیرعزالدین - ۱۵۲ ، ۱۵۳
محمد (امیرفخرالدین - ۱۵۳
محمد باقر ۱۰۷
محمد باقرامینی (حاجی - ۳۲
محمد باقربن سید حسن الحسینی ۱۹۲

محمد باقرصدرخلیفه سلطانی ۱۹۰
محمد باقربن علی الحسینی ۱۰۷ ، ۳۲۰
محمد باقربن محمد تقی الحسینی ۱۹۲ ، ۳۷٤
محمد باقربن محمد تقی ۱۰۷
محمد باقر(میرزا ـ ۲۷
محمد تقی بن امیرمؤمن ۱۰۱
محمد تقی بیك ۳۹۵
محمد تقی تستری ۱۱
محمد تقی حسینی ۲۰۵ ، ۲۰۷ ، ۲۳۸ ، ۲۸۳
محمد تقی حسینی قزوینی ۱۰۱ ، ۳۱۳
محمد تقی خان یاور ۳۶ ، ۳٦٤ ، ۳٦٦ ، ۳٦۸ ، ۳۷٦ ، ۳۸۲ ، ۳۸۵ ، ۳۸٦ ، ٤۱۱
محمد تقی ـ شهید ثالث ۱۰۱
محمد تقی شیخ الاسلام ۱۰۷، ۲۱٦ ، ۲۱۷
محمد تقی (آقا شیخ ـ ۳۷۷
محمد تقی (کربلائی ـ ۳۷۸
محمد تقی بن محمد باقر ۱۰۷، ۲۷۲ ، ۲۷٤
محمد تقی بن محمد حسینی ۱۰۸
محمد تقی مصطفوی (سید ـ ٤٦
محمد جعفر ۳۲۳
محمد جعفرفرزند شیخ صادق (شیخ ـ ۱۰۸
محمد جعفرمرعشی (قوام الدین امیرـ ۸٤ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۱۹۹
محمد بن حاجی عبدالکریم ۱۰٦
محمد حسن (میرزا ـ ۳۷۸
محمد الحسنی الحسینی (معزالدین ـ ۱٦۱
محمد حسن پسر کربلائی جعفر ۲٤۱ ، ۲٤۲
محمد بن حسن قزوینی ۱۲
محمدحسن نجفی صاحب جواهر ۱۰٦
محمد حسین تبریزی ٦۸
محمد حسین خان افشارـ حسین افشار ۸٦ ، ۸۷ ، ۲۷۸ ، ۳٦۲ ، ۳٦۲ ، ۳٦۵، ۳٦٦ ، ۳۷٤ ، ۳۷٦ ، ۳۷۸ ، ۳۸۲ ، ۳۸٤ ـ ۳۸٦ ، ٤۰۹ ـ ٤۱۷ ، ٤۳۲
محمد حسین بن فضل الله عضد الملك (میرزا ـ ۸۸ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۲۹۸ ، ۳۰۸ ، ۳۰۹

محمد حسین کدخدای محله پنبه ریسه ۲۶۸ ، ۲۶۹
محمد حسینی (حاج‌میرزا ـ ۱۰۶
محمد حسینی‌جرجانی (میرجمال‌الدین ۱۲۱ ، ۱۲۴
محمد الحسینی مجدی ۱۲
محمد حسینی (رفیع الدین ۱۶۹
محمد حسینی (آقا میرـ ۳۷۷
محمد حسین مدرس ۲۰۵ ، ۲۰۹
محمد حسین میرزا ۲۷
محمد خان ۲۶۵
محمد خان قاجار(آقا ـ ۵۳
محمد خباز(حاجی‌آقا ـ ۳۶۹
محمد خلیل بن محمد شفیع ۲۷۲ ، ۲۷۳
محمد خلیل نایب الصدر ۱۰۸، ۲۰۵ ، ۲۰۸
محمد بن داود (میرزا سید ـ ۲۲۶
محمد رحیم خان امیرنظام ۹۲ ، ۳۵۵
محمد رسول ۳۷۱
محمد رضا حسینی ۲۷۴
محمد رضا خوئینی ۴۳۵
محمد رضا (کربلائی ـ ۳۷۷
محمد بن رضی الدین ۱۹۸
محمد رفیع ۲۰۵ ، ۲۱۰
محمد رفیع بابا حیدر ۲۱۳
محمد سرکانی (مولی ملك ۶۹
محمد سعیدا (آخوند ملا ـ ۹۸ ، ۲۱۶ ، ۲۱۷
محمد سعید غسال باشی قزوین ۱۷۴ ، ۱۷۵
محمد سیفی حسنی (قوام الدین ـ ۴۵ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ، ۱۹۹
محمد بن سید میران (سید ـ ۶۹
محمد شالی ۴۶
محمد شاه ۹۰ ـ ۹۳ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۲۸۷ ، ۲۸۹ ، ۲۹۱
محمد (شاه سلطان ـ ۱۷۱ ، ۱۷۸
محمد بن شاه تقی الدین ۱۶۲
محمد شریف الشریف ۹۸ ، ۴۳۳
محمد شفیع بن بهاء الدین محمد ۱۱۱
محمد شفیع میرزا بزرگ ۱۰۸
محمد صادق (آخوند ملا ـ ۳۷۷ ، ۳۹۵ ، ۳۹۷

محمد صادق حسینی طباطبائی ۳۱۷ ، ۳۴۱ ، ۳۴۲
محمد صالح برغانی ۱۰۹، ۲۷۵، ۳۰۰
محمدصدراسترآبادی (جمال‌الدین ۲۰
محمد صدر(میرزا رفیع الدین ۱۶۷
محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله ۴۳ ، ۱۲۴ ، ۱۲۶ ، ۱۲۷ ، ۱۳۳ ، ۱۳۶ ، ۱۴۷ ، ۴۲۶ ، ۴۳۰
محمد بن عبدالحسین الحسینی ۲۴۵
محمد بن عبدالقادرمرعشی ۷۵
محمد علاف (کربلائی ـ ۲۴۵
محمد علی ۲۰۹ ، ۳۱۳ ، ۳۲۳
محمد علی امینی (حاجی ـ ۳۲
محمد علی بن خوبیار ۶۷
محمد علی دولتشاه ۷۵ ، ۹۰ ، ۲۵۰، ۲۵۲ ، ۲۵۷ ، ۲۵۹ ، ۲۶۲ ، ۲۶۳ ، ۳۳۰
محمد بن علی التقی ۴۵
محمد علی صدرالممالك ۱۱۴، ۲۱۸ ـ ۲۲۰
محمد بن علی بن موسی الرضا ۱۱
محمد علي (مولی ۶۷
محمد علی قاری (آخوند ملا ـ ۳۷۷
محمد علی فرزند میرزا محمد حسین عضد الملك ۱۱۳ ، ۱۱۴
محمد قاسم ۱۰۹ ، ۲۴۱
محمد قاسم بن استاد سلطان حسین ۱۷۵
محمد قاسم بیك ۳۶۶ ، ۳۶۸ ، ۳۷۸
محمد قاسم مختاری ۱۱ ، ۵۹
محمد قاسم (میر ـ ۷۰ ، ۷۲ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳
محمد قلی بیك ۳۷۸
محمد قلی (حاجی ـ ۳۷۷
محمدکارکیا (سلطان ـ ۱۹
محمدکاظم بیك ۱۸۵
محمدکاظم خراسانی (آخوند ـ ۱۰۰
محمدکبیر ۲۴۰
محمدکریم باغبان باشی ۳۱۲
محمد بن کریم ده دوشابی ۲۹۴، ۲۹۵
محمد پسرکیا ملك (کیا ـ ۱۱۵،۱۱۶، ۱۱۹
محمد لاهیجی (شمس الدین ـ ۶۰
محمد (متولی جامع کبیرقزوین) ۲۰۵، ۲۱۰

محمد محسن رضوی ۱۷٤
محمد محروق (امامزاده ـ ۳۰
محمد بن محمد شفیع الحسینی ۱۰٦،
۳۲۳
محمد بن محمود الحسنی ۹۸ ، ٤۳٤
محمد مرعشی (میرزا سید (شاه‌سلیمان
دوم ۲۳۱
محمد بن مسافرالقاضی ۱۲۲
محمد مسیح فرزند محمد قاسم ۱۷٤ ،
۱۷۵
محمد معزالدین ۱٦۲ ، ۱٦۳
محمد مؤمن پیشنماز مسجد کبیرقزوین
۲۰۵ ، ۲۰۸
محمد مهدی حسینی ۲۰۵ ، ۳۵۹
محمد مهدی (مشهدی ـ ۳۷۸
محمد (میرزا ـ ۲٦۵
محمد میرزا رفیع الدین بن محمود
۱٦۸
محمد میرزا سیف الدوله ۹۵
محمد (میرصدرالدین ۱٦۲
محمد بن میرعبدالقادر ـ فخرالدین
(میر ـ ۷۰ ، ۷۱ ، ۸۳ ، ۸٤ ، ۱۵۲ ،
۱۹۲ ، ۱۹۳ ، ۱۹۵ ، ۱۹۷ ، ۱۹۸ ،
۱۹۹ ، ۲۰۵
محمد (میرعزالدین ـ ۷۰
محمد نبی بن محمد حسین ۳۱۸
محمد نصیرآقا میرزائی (میر ـ ۷۳
محمد نصیرخادم (میر ـ ۲۲۱
محمد نصیر بن میرعبدالقادرمرعشی
۷۱ ، ۸۳ ، ۸٤ ، ۱۷٦ ، ۱۷۷ ، ۱۷۸ ،
۱۷۹ ، ۱۸۰ ، ۱۹۷ ، ۱۹۹ ، ۲۰۲ ،
۲۰۷
محمد نصیرا (آخوند ملا ـ ۹۸
محمد نصیرپسرمیرعبدالعظیم (میر ـ
۲۲۹ ، ۲۳۰ ، ۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲٤۵ ،
۲۷۲ ، ۲۷۳ ، ۳۰۲
محمد (نصیرالدین ـ ۱٦۷ ، ۱٦۹
محمد نوربخش (سید ـ ٦۰
محمد واحدی بلیانی اصفهانی ۲۸
محمد ویردی ۲٦۵
محمد هادی ۱۹۸
محمد هادی (آخوند ملا ـ ۳۷٦
محمد هاشم (آقا شیخ ـ ۳۷٦ ، ۳۷۷
محمد یوسف (میر ـ ۱۷ ، ۲۵

محمد یوسف بن محمد تقی حسینی ۱۰۹ ، ۳۲۰
محمدی بیك ۷۱
محمود ۱۰۹
محمود بن حسین دیلمی ۲٤۰
محمود خان دیلمی (شاه شرف الدین
محمود بن شمس الدین ٤۳٤
محمود طبیب (حاج آقا ـ ٤۸
محمودکی ۱۱۱
محمود میرزا ۲۷
محمود نیریزی (شاه ـ ۲٤
مدرس رضوی ۱۱۲
مراد مرعشی (میر ـ ٦۱
مرتضی (آخوند ملا ـ ۳۷۷
مرتضی بن ابوتراب حسینی ۱۰۹ ، ۳۲۲ ، ٤۲۱
مرتضی قاری (میرسید ـ ۲۲۱
مرتضی قلی بن محمد بیك ۲٤۸ ، ۲٤۹
مرتضی لشکرنویس (میرزا ـ ۱۱٤
مرتضی بن محمدمحسن الحسینی ۳۱۸
مرتضی مرعشی (سید ـ ۱۵۱ ، ۳۲۹
مسافربن حسین (قاضی ـ ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲٦ ، ۱٤٦
مسعود حسینی ۱۱۰
مسیح ٤۳
مصطفی میرزا ۲٦
مظاهرمصفا ۲۵۰
مظفرالدین شاه ۳۵۷ ، ٤۰۲ ، ٤۰۷ ، ٤۰۸ ، ٤۱۳
مظفرعلی تربتی خوشنویس ۲۸
معتمد عباسی ۱۳
معتمد الملك مشیرالدوله ـ حسین خان ٤۱۸
معصومه ۱۳۲
معین ۱۱۰
معین الدین فغفور ـ فغفور ۱۷
معین الدین مرعشی ٤۲٤
مقداد (فاضل ـ ٦۹
ملاآقا ـ احمد بن مصطفی
ملك فرزندکیا اسماعیل (کیا ـ ۱۸ ، ۵٤ ، ۷۸ ، ۱۱۵ ، ۱۱٦ ، ۱۱۷ ، ۱۱۹، ۱۲۲ ، ۱۷۹
ملك بیك (کمال الدین ـ ۷۹ ، ۱۳۱ ، ۱۳۳

منصورخادم (میر- ۱۶۰ ، ۱۶۳ ، ۱۶۴ ، ۳۰۲
منوچهرستوده ۱۹ ، ۲۰
موسی بن امیرسید مقصود ۴۲۵ ، ۴۲۸
موسی بن جعفر- کاظم علیه السلام ۱۲ ، ۴۵
موسی بن جعفرقوی میدانی ۱۱۰
موسی بن عبدالوهاب ۱۱۰ ، ۳۲۲
موسی مستوفی تفرشی ۹۶
موسی (میرزا - ۳۷۷
موسی بن میرعبدالعظیم ۷۳ ، ۲۷۱ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳
مؤمن خادم (میر- ۳۲۱
مهد علیا «مادر ناصرالدین شاه» ۳۳۷
مهدی «قائم علیه السلام» ۱۵۸ ، ۲۵۲- ۲۵۸ ، ۲۶۱ ، ۲۶۲
مهدی بن عبدالکریم بزاز ۷۵ ، ۷۶ ، ۲۶۳ ، ۳۰۴
مهدی بن ملا عبدالعلی (ملا - ۱۱۰
مهرعلی ۱۸۲
مهماد بیك بن حمزه بیك ۱۳۱ ، ۱۴۲
میرزاآقاکچلجردی ۴۰۰
میرزا بیك منشی حسینی گنابادی ۵۹

(ن)

نادرشاه افشار ۷۵ ، ۸۶ ، ۲۱۴ ، ۲۱۵ ، ۲۱۶ ، ۲۱۸ ، ۲۱۹ ، ۲۲۰ ، ۲۲۲ ، ۳۲۹
ناصرالدین شاه ۳۱ ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۹۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۳ ، ۳۱۳ ، ۳۲۶ ، ۳۵۸ ، ۳۶۴ ، ۳۸۳ ، ۳۸۸ ، ۴۲۱
نبی خان پسرنصرالله خان (میرزا - ۸۲ ، ۳۹۷ ، ۳۹۸
نجف خان ۷۱
نجف دهخدا ۲۴۷
نصرالله فلسفی ۲۶
نصرالله (کربلائی - ۳۷۸
نصیر(میر- ۳۲۹
نظام الدوله ۹۱
نظام شاه دکن ۲۲ ، ۶۰
نعمت الله حسینی قزوینی (میر- ۷۶ ، ۲۷۵ ، ۲۷۶ ، ۲۸۲ ، ۲۸۴ ، ۲۸۵ ، ۲۹۹ ، ۳۰۰ ، ۳۱۷ ، ۳۱۸
نعمت الله حلی صدر(میر- ۱۲۲

نعمت الله دیلمی ۲٤
نعمت الله بن علی الحسینی ۱۲۷
نقی (علی بن محمد علیه السلام) ۱۵۸
نواب بیگم همسرشاه خدا بنده ۲۷
نورالله شوشتری (قاضی ۵۸ ، ٦۰
نورالدین الحسینی المرعشی ۱٤۷،۵۹
نورالدین محمد شاه مرعشی ٦۰
نوری ـ فضل الله (حاجی ـ ٦۷

(و)

وراجان محمد دیلمی ۱۱۹
ولی (کربلائی ـ ۳۷۸
ویردی خان (مولی ـ ۵۳

(ه)

هادی حسینی موسوی ۱۲۲ ، ۱۲۷
هادی خان نایب الحکومه ۹٦
هادی نجم‌آبادی (آقا ـ ۳۸۲ ، ۳۸۵ ،
۳۹۱ ، ٤۰۵ ، ٤۰٦ ، ٤۱۸ ، ٤۱۹
هاشم خراسانی (ملا ـ ۱۲
هاشم میرزا مرعشی ۲۲٦
هدایت وزیردفتر(میرزا ـ ۷۷
هربرت برس ٤٤

(ی)

یحیی بن ابی المکارم ۹۸
یحیی الحسنی ٤۳٤
یحیی خان مشیرالدوله ۹٤ ، ۳۸۱
یزید بن معاویه ٤۸
یعقوب بیك آق قویونلو
یعقوب خان ۲۰۳
یوسف (ملا ـ ۲۰۳
یوسف مستوفی الممالك ۳۵٤ ، ۳۵٦

نام شهرها وجایها وآبها

(آ)

آب ارزنك ۲۲۳ ، ۲۲٤ ، ۲۲۷ ، ۲۳۲ ، ۳۱۰ ، ۳۲۸ ، ۳٦۲ ، ۳۷۳

آب دزك ۲۲۳ ، ۲۲٤ ، ۲۲۷ ، ۲۳۳ ، ۳۱۰ ، ۳۲۸ ، ۳٦۲ ، ۳۷۳

آب شلویر ۱۸۰

آب قنات خیابان ۳۹۷ ، ۳۹۸

آذربایجان ۱۹ ، ۹۳ ، ۱۳۲

آستانه امامزاده اسماعیل ۳۱ ، ۲٤۰

آستانه بی‌بی هیبت ۱٦۱

آستانه ری ۱۷٤

آستانه شاهزاده حسین ۹ ، ۱۷ ، ۱۹ ، ۲۲ ، ۲٤ ، ۲٦ ، ۲۷ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۳ ، ۵۳ ، ۵٤ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ٦۰ ، ٦۱ ، ٦٤ ، ۷۱ ، ۷۷ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۱۱۰ ، ۱۱۵ ، ۱۱٦ ، ۱۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۹ ، ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۳۳ ، ۱٤۲ ، ۱٤۷ ، ۱٤۹ ، ۱۵۰ ، ۱۵۲ ، ۱۵٤ ، ۱۵۸ ، ۱٦۰ ، ۱٦٤ ، ۱٦۷ ، ۱٦۹ ، ۱۷٤ ، ۱۷۵ ، ۱۷٦ ، ۱۷۹ ، ۱۹۲ ، ۱۹۵ ، ۱۹۹ ، ۲۰۵ ، ۲۱۱ ، ۲۱٤ ، ۲۱٦ – ۲۳۲ ، ۲۳٤ ، ۲۳۷ ، ۲۳۸ ، ۲٤۰ ، ۲٤۱ ، ۲٤۲ ، ۲٤۸ ، ۲۵۰ ، ۲۵۲ ، ۲۵۵ ، ۲۵۸ ، ۲۵۹ ، ۲٦۰ ، ۲٦٤ ، ۲٦٦ ، ۲٦۹ ، ۲۷۰ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، ۲۷۵ ، ۲۷٦ ، ۲۷۷ ، ۲۷۸ ، ۲۷۹ ، ۲۸۰ ، ۲۸۲ ، ۲۸۵ ، ۲۸۷ ،

۲۸۸ ، ۲۸۹ ، ۲۹۰ ، ۲۹۱ ، ۲۹۳ ،
۲۹۴ ، ۲۹۵ ، ۲۹۶ ، ۲۹۷ ، ۲۹۸ ،
۳۰۰ ، ۳۱۲ ، ۳۱۴ ، ۳۱۷ ، ۳۲۰ ،
۳۲۸ ، ۳۳۰ ـ ۳۶۰ ، ۳۶۱ ، ۳۶۴ ،
۳۶۵ ، ۳۶۷ ، ۳۶۹ ـ ۳۷۱ ، ۳۷۲ ،
۳۷۳ ، ۳۷۶ ، ۳۷۸ ، ۳۸۲ ، ۳۸۳ ،
۳۸۴ ، ۳۸۶ ، ۳۸۸ ، ۳۸۹ ، ۳۹۰ ،
۳۹۲ ، ۳۹۷ ، ۴۰۵ ، ۴۰۷ ، ۴۰۹ ،
۴۱۱ ـ ۴۲۰ ، ۴۳۴

آستانه شیخ صفی ۱۵۵

آستانه عبدالعظیم ۱۰

آستانه قدس رضوی ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۵۵

آستانه قم ، حضرت معصومه ۱۰ ، ۵۷
۱۱۵ ، ۱۳۳ ، ۱۷۱

آمل ۶۱

(ا)

ابهر ۱۵۲

اراك ۱۷۰ ، ۱۹۰

اردبیل ۱۳۲ ، ۲۸۷

ارنزك ۱۱۶ ، ۱۱۷ ، ۱۷۹ ، ۱۸۲ ،
۱۸۳ ، ۱۸۴ ، ۱۸۹ ، ۱۹۳ ، ۱۹۶

استرآباد ۲۵

اسفقتان ۳۳۰ ، ۳۴۰ ، ۳۹۶

اشکور ۱۸ ، ۵۴ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶

اصفهان ۲۵ ، ۶۵ ، ۱۲۰

افشاریه (بلوك ـ ۴۱۷

اقبال قزوین ۱۱۶ ، ۱۱۷

اکبرآباد ۸۱

الولك ۱۸۸ ، ۳۷۲

امینقان دشتبی ۸۰ ، ۱۶۰ ، ۱۷۹ ،
۱۹۳ ، ۲۲۳ ، ۲۲۷ ، ۲۳۲ ، ۲۵۰ ،
۲۵۱ ، ۳۰۹ ، ۳۱۴ ، ۳۲۸

انگشتك ۱۸۸

انگورمجین ۸۸

ایران ۹ ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۵۱ ، ۲۰۶ ،
۲۱۴ ، ۲۶۳ ، ۳۰۷ ، ۳۳۲ ، ۳۶۱ ،
۳۶۵ ، ۳۸۹ ، ۴۲۲

ایوان چهل ستون ۲۳

ایوان مصلای مشهد ۱۷۴

(ب)

باتومجین قهپایه ۸۱ ، ۱۷۷ ، ۱۷۹ ،
۱۹۳ ، ۲۰۳

بازارخیابان قزوین ۳۳۹ ، ۳۴۰
باغ امام ۲۴۶ ، ۲۴۷
باغ سعادت‌آباد ۲۳ ، ۱۸۱ ، ۱۸۳ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، ۱۸۷ ، ۱۸۸
باغ سلیمان‌آباد ۳۱ ، ۸۱ ، ۲۴۰
باغ صفی‌آباد ـ هزارجریب ۳۱ ، ۸۱ ، ۲۴۰
باکو ۱۶۱
برجین‌آباد ۸۴ ، ۱۹۰
برخ‌آباد محمد بیگی ۸۳
برزلجین رامند ۸۰ ، ۱۷۹ ، ۱۹۶ ، ۲۰۱ ، ۲۰۳ ، ۲۲۷ ، ۲۳۲ ، ۳۲۸
برلین ۲۲ ، ۵۷
بشاریات ۸۲
بغداد ۲۸۷
بقعه شاهزاده حسین ـ آستانه شاهزاده حسین ۲۱ ، ۳۷ ، ۹۴
بی‌بی دختران (مزار ـ ۱۳۲

(پ)

پل دختر ۱۳۲
پنبه ریسه ۲۶۶ ، ۲۶۷
پیغمبریه قزوین ۳۱ ، ۲۴۰

(ت)

تبریز ۲۵ ، ۱۳۲
ترکمان کندی ۸۲ ، ۲۰۱
توران ۲۱۴
تویسرکان ۲۹۹
تهران ـ طهران ۲۱ ، ۲۸ ، ۸۳ ، ۸۸ ، ۹۵ ، ۹۸ ، ۳۱۳ ، ۴۰۵ ـ ۴۰۷

(ج)

جوسب «جوسق» ۸۰
جوسق مره اقبال ۸۰ ، ۱۷۹ ، ۲۰۱ ، ۲۲۸ ، ۲۳۲ ، ۳۱۴

(ح)

حسن‌آباد ۱۳۲
حمام چهاربازار ۷۹
حمام شاهی قزوین ۷۹ ، ۱۳۴
حمام میرغیاث الدین ۱۲۴

(خ)

خانه‌آقا شیخ هاشم وکیل ۴۰۱

خانه طهماسب خان ۴۰۱
خانه یوسف کرد ۴۰۱
خراسان ۲۹ ، ۲۷۹
خرقان قزوین ۱۱۶
خرم پشته ۳۳۹ ، ۳۴۰
خروزان رامند ۸۱ ، ۱۹۶ ، ۲۵۰ ، ۲۵۱ ، ۳۱۴
خروسان ۳۰۹ ، ۳۲۴
خمسه (ولایت ـ ۹۱ ، ۹۲ ، ۲۶۸ ، ۲۶۹ ، ۳۳۷ ، ۳۳۸

(د)

دانشکده الهیات ۲۱
دانشگاه تهران ۱۳ ، ۲۵ ، ۱۷۴ ، ۲۱۵ ، ۲۲۶
دربارروم ۲۲
درب جوسق قزوین ۴۲۹ ، ۴۳۰ ، ۴۳۲
دروازه درب کوشك ۹۳
دروازه شاهزاده حسین ۴۱۵
درویش‌آباد ۸۳ ، ۱۵۳ ، ۱۶۰ ، ۱۷۹
دزج ۷۹ ، ۱۳۳ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۲ ، ۱۸۳ ، ۱۸۴ ، ۱۸۷ ، ۱۹۳ ، ۱۹۶ ، ۲۰۱ ، ۲۲۸ ، ۲۳۲ ، ۳۱۰ ، ۳۱۴
دستجرد اقبال ۱۶۰ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰ ، ۱۸۲ ، ۱۹۳ ، ۱۹۶ ، ۲۰۳ ، ۲۲۳ ، ۲۲۷ ، ۲۳۲ ، ۳۰۹ ، ۳۲۸ ، ۳۷۳
دستجرد حماد ـ نجف‌آباد ۱۸ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶ ، ۱۱۷
دستجرد علیا ۱۵۲
دکن ۲۲ ، ۶۰ ، ۷۱
ده دوشاب رودبار ۸۱ ، ۲۹۴ ، ۲۹۵
دهستان اقبال ۲۲
دیلمان ۱۹ ، ۱۲۲
دیلمستان ۱۸ ، ۵۴ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶
دیلمه کوچه ۲۴
دیناق ۱۸۹

(ر)

رامند ۱۲۰ ، ۴۰۹ ، ۴۱۶ ، ۴۱۸ ، ۴۲۰
رضی‌آباد ۸۴ ، ۱۶۰
رود ارنزك ۸۰
رودبار ۱۵۲

رودبارین ۱۱۵
رود دزج ۸۰ ، ۲٦٤ ، ۲۸۷
روم ۷۱
ری ۱۰ ، ۲۵ ، ٥٦ ، ۸۳ ، ۲۰۱

(ز)

زاویه شیخ نجم الدین ۱۲۲
زرجرد قهپایه ٤۳۰
زنجان ۲٦۸ ، ۳۳۷
زویار(وادی ـ ۱۸۳ ، ۱۸٦

(س)

سالانك ۸٤ ، ۱۷۷ ، ۲۰۲
ساوج بلاغ ۲۵ ، ۸۳ ، ۱٥۲ ، ۱۷۹ ، ۲۰۱ ، ۲۰٤ ، ۲۰۵ ، ۲۱۹ ، ۲۲۰ ـ ۲۲۴ ، ۲۲۵
ساوه ۸۳
سرحدآباد ۲۰۲
سرزمین قزوین ۱۱٦
سلطانیه ۱۹
سیلجرد ۳۱۰

(ش)

شادات ٤۲۱ ، ٤۲۲
شاهزاده زمین ـ ده دوشاب ۸۱
شرف آباد اقبال ۸٤ ، ۱۹۰ ، ۱۹۱ ، ۲۰۲
شروان ۲۵
شریف آباد ۸۳
شلویر ۱۱٦ ، ۱۱۷
شمس آباد ۸٤
شنستق رامند ۷۹ ، ۸۰ ، ۸٦ ، ۸۹ ، ۱۲۰ ، ۱٦۰ ، ۱٦۷ ، ۱٦۸ ، ۱۷۹ ، ۱۹۳ ، ۱۹٦ ، ۲۲۳ ، ۲۲۷ ، ۲۳۲ ، ۲۵۰ ، ۲۵۱ ، ۲۵۹ ، ۲٦۰ ، ۲٦۱ ، ۲٦٤ ، ۲٦۵ ، ۲۷۸ ، ۲۷۹ ، ۳۰۹ ، ۳۱٤ ، ۳۲۸ ، ۳٦۱ ، ۳٦۸ ، ۳۷۳ ، ۳۷٤ ـ ۳۷۹ ، ۳۸۲ ـ ۳۹۰ ، ۳۹۲ ، ۳۹٤ ، ۳۹۵ ، ٤۰۲ ، ٤۰۳ ـ ٤۰۸ ، ٤۰۹ ، ٤۱۱ ، ٤۱۳ ، ٤۱٤ ، ٤۱٦ ـ ٤۲۰
شوشتر ٦۰ ، ٦۵
شهرارداق ۱۱

شهریار ۲۵
شیراز ۱۳۲

(ص)

صامغان ۸۳ ، ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، ۱۷۲ ، ۱۷۸ ، ۱۹۰ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳
صحن شاهزاده حسین ۴۸
صفی خواجه (قریه ـ ۸۵ ، ۲۳۵

(ط)

طاحونه قوشخانه ۸۱ ، ۸۵ ، ۱۹۳ ، ۲۲۷ ، ۲۴۵ ، ۲۴۶ ، ۲۵۰ ، ۲۶۸ ، ۲۸۸ ، ۲۸۹ ، ۲۹۰ ، ۲۹۱ ، ۳۱۰ ، ۳۱۴ ، ۳۲۸ ، ۳۶۹ ، ۳۷۲
طالقان ۱۵۲
طبرستان ۱۱۶
طهران ـ تهران ۲۸۷ ، ۳۵۵ ، ۳۸۵ ، ۴۱۰ ، ۴۱۱ ، ۴۱۳ ، ۴۱۸ ، ۴۲۳ ، ۴۳۰

(ع)

عباس‌آباد ۸۳ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴
عبدل‌آباد ۸۳ ، ۱۵۳ ، ۱۵۴
عتبات عالیات ۲۹
عراق ۱۲۲
عراق عجم ۱۲۴
عربستان ۴۱۸

(غ)

غرق داغستان ۲۱۷

(ف)

فارس ۹۱
فارسقین (مزرعه ـ ۳۹۶
فخرآباد ۸۴ ، ۱۷۲ ، ۱۷۷ ، ۲۰۳
فردوس ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۵
فند سلیجرد ۸۲ ، ۲۴۷
فند ماجیل‌آباد ۸۲ ، ۲۴۷

(ق)

قاقزان ۳۰
قبرستان قدیم قزوین ۱۳۴
قزوین ۹ ـ ۱۳ ، ۱۷ ، ۱۹ ، ۲۰ ، ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۴ ـ ۳۳ ، ۴۴ ، ۴۵ ـ ۴۷ ،

۵۱ ـ ۶۰ ، ۶۴ ، ۶۷ ، ۷۱ ، ۷۳ ، ۷۶ ،
۷۸ ، ۸۰ ، ۸۳ ، ۸۶ ، ۸۸ ، ۹۸ ـ
۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۵ ، ۱۰۸ ، ۱۱۰ ،
۱۱۱ ، ۱۱۳ ، ۱۱۴ ، ۱۱۵ ، ۱۱۷ ،
۱۲۱ ، ۱۲۴ ، ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۳۳ ،
۱۳۴ ، ۱۴۰ ، ۱۴۲ ، ۱۴۳ ، ۱۴۸ ،
۱۵۱ ، ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۹ ، ۱۶۴ ،
۱۶۵ ، ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۶۸ ، ۱۷۱ ،
۱۷۳ ، ۱۷۵ ، ۱۷۶ ، ۱۷۷ ، ۱۸۰ ،
۱۸۱ ، ۱۸۲ ، ۱۸۴ ، ۱۸۵ ، ۱۸۶ ،
۱۸۷ ، ۱۸۹ ، ۱۹۱ ، ۱۹۲ ، ۱۹۳ ،
۱۹۴ ، ۱۹۶ ، ۲۰۲ ، ۲۰۳ ، ۲۰۵ ،
۲۰۶ ، ۲۰۷ ، ۲۰۹ ، ۲۱۰ ، ۲۱۲ ،
۲۱۶ ، ۲۱۷ ، ۲۱۹ ، ۲۲۰ ، ۲۲۲ ،
۲۲۴ ، ۲۲۵ ، ۲۲۷ ، ۲۲۸ ، ۲۲۹ ،
۲۳۰ ، ۲۳۲ ، ۲۳۳ ، ۲۳۵ ـ ۲۳۸ ،
۲۴۴ ، ۲۴۸ ، ۲۵۰ ، ۲۵۱ ، ۲۵۲ ،
۲۵۳ ، ۲۵۵ ، ۲۵۷ ، ۲۵۸ ، ۲۵۹ ،
۲۶۳ ، ۲۶۴ ، ۲۶۶ ، ۲۶۷ ، ۲۶۸ ،
۲۷۱ ، ۲۷۲ ، ۲۷۳ ، ۲۷۴ ، ۲۷۸ ،
۲۸۰ ، ۲۸۱ ، ۲۸۲ ، ۲۸۳ ـ ۲۹۳ ،
۲۹۸ ، ۲۹۹ ، ۳۰۱ ، ۳۰۴ ـ ۳۱۱ ،
۳۲۴ ، ۳۲۷ ، ۳۳۱ ، ۳۳۳ ، ۳۳۴ ،
۳۳۷ ـ ۳۴۵ ، ۳۵۰ ، ۳۵۲ ـ ۳۵۹ ،
۳۶۱ ـ ۳۶۷ ، ۳۷۰ ، ۳۷۳ ـ ۳۷۶ ،
۳۸۳ ، ۳۸۴ ، ۳۸۵ ، ۳۸۷ ، ۳۸۸ ،
۳۸۹ ، ۳۹۱ ، ۳۹۲ ، ۳۹۸ ، ۴۰۱ ،
۴۰۸ ، ۴۰۹ ، ۴۱۰ ، ۴۱۱ ، ۴۱۳ ،
۴۱۴ ، ۴۱۶ ، ۴۱۷ ، ۴۱۸ ، ۴۲۱ ،
۴۲۲ ، ۴۲۴ ، ۴۳۰ ، ۴۳۵
قم ۹ ، ۱۰ ، ۲۴ ، ۴۱ ، ۶۹ ، ۱۳۲ ،
۳۸۷
قنات آخوند قزوین ۵۲
قنات خیابان ۸۲
قنات میرزائی ۷۹ ، ۱۴۷ ، ۱۴۸
قهقهه (قلعه ـ ۲۶

(ك)

کافورآباد ۳۰
کتابخانه آستان قدس ۱۱۲
کتابخانه خاندان حاج سید جوادی ۴۵
کتابخانه سلیمانیه قزوین ۹
کتابخانه مجلس ۱۷۱ ، ۴۳۰
کتابخانه مدرسه فیضیه ۱۲

کتابخانه مرعشی ۹ ، ۳۱ ، ۶۹ ،
۹۹ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۰۹
کتابخانه مرکزی دانشگاه ۲۱
کتابخانه مسجد اعظم قم ۱۳ ، ۵۶
کتابخانه ملك ۱۱ ، ۱۳ ، ۱۷ ، ۱۸ ،
۲۴ ، ۲۸ ، ۳۱ ، ۵۹ ، ۶۳ ، ۷۸
کتابخانه ملی رشت ۱۷۴
کچلجرد ۷۹ ، ۸۹ ، ۱۶۰ ، ۱۷۷ ،
۱۷۹ ، ۱۹۳ ، ۲۰۲ ، ۲۲۳ ، ۲۲۷ ،
۲۲۸ ، ۲۳۲ ، ۳۰۹ ، ۳۱۴ ، ۳۲۸ ،
۳۳۹ ، ۳۴۰ ، ۳۸۳ ، ۳۸۴ ، ۳۹۵ ،
۳۹۶ ، ۳۹۹ ، ۴۰۱ ، ۴۰۸
کربلا ۴۸ ، ۱۰۹ ، ۳۷۵ ، ۳۸۳ ،
۴۱۰ ، ۴۱۱ ، ۴۱۳
کرهرود ۲۵
کلج بشاریات ۸۳ ، ۱۵۳
کلنجین ـ کلجین ۱۱۶ ، ۱۱۷
کنشگران شراة قم ۴۳۰

(گ)

گرگین ۱۸۶
گناج ۱۸۸ ، ۲۰۱ ، ۲۲۸ ، ۲۳۲ ،
۲۳۸ ، ۲۳۹ ، ۲۴۱ ، ۲۴۳ ، ۲۴۴ ،
۲۴۸ ، ۳۱۰ ، ۳۱۴ ، ۳۲۸
گنجه ۱۶۱ ، ۱۶۲
گیلان ۱۸ ، ۲۸ ، ۶۴ ، ۶۶ ، ۹۵ ،
۱۲۲
گیو ۱۸۶

(م)

ماجیل آباد ۳۱۰
ماحورین قهپایه ۸۵ ، ۲۸۵ ، ۲۹۶ ،
۲۹۷
مازندران ۷۱
محله ارداق ۱۱
محله پنبه ریسه قزوین ۲۳۶ ـ ۲۳۸
محله درب کوشك ۳۹۹
محله دیلمیه ۲۴
محله ری قزوین ۱۱
محله شهرستان ۱۱ ، ۲۰ ، ۱۲۱ ، ۱۲۴
محله فنتهول ۳۹۸
مدرسه مسعودیه ۱۷ ، ۱۱۰
مدرسه نواب مشهد ۱۷۴
مدینه ۱۳۲

مزارشاهزاده حسین ـ آستانه ـ بقعه ۱۷ ، ۱۸ ، ۲۳ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۸، ۵۵ ، ۶۳ ، ۱۵۱ ، ۱۷۰
مزرعه برخ‌آباد محمد بیگی ۲۱۹ ، ۲۲۱
مزرعه گناج اقبال ۸ ، ۲۲
مزرعه مردکران ۸۳ ، ۱۵۴ ، ۱۵۶
مزینان سبزوار ۶۶
مسجد آقا قزوین ۱۰۳
مسجد پنجه علی قزوین ۵۲ ، ۸۸
مسجد جامع قزوین ۵۱ ، ۵۲ ، ۸۴ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۵
مسجد شاه ۱۰۰
مشهد امامزاده حسین ـ آستانه ۱۰
مشهد مقدس رضوی ۲۶ ـ ۲۸ ، ۶۴، ۶۶ ، ۲۲۶
مقابرقزوین ۱۰ ، ۱۱
مقبره شاه عباس دوم ۱۳۲
مقبره علاء الدین حسین ۶۵
مقبره میرفغفور ۱۷ ، ۳۰ ، ۳۲ ، ۳۸ ، ۴۵
ملایر ۲۹۹
ملك‌آباد درویش‌آباد ۸۲ ، ۱۶۰ ، ۱۷۲ ، ۱۷۷ ، ۱۷۹ ، ۱۹۶ ، ۲۰۲ ، ۲۲۸ ، ۲۳۲
مهاباد بشاریات ۸۳
مهاباد (مزرعه ـ ۱۶۰ ، ۱۹۰ ، ۲۰۲
میانه ۱۳۲

(ن)

نجف ۱۳ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۱۰۰ ، ۳۷۵ ، ۳۹۳ ، ۴۱۰ ، ۴۱۱
نجف‌آباد ۷۸
ندوشن ۶۸
نهرآب حیدری ۴۳۲
نیشابور ۳۰

(و)

وادی دزج ۲۹۰ ، ۲۹۱
ورامین ۸۳ ، ۲۰۱
وره ولایت شهریار ۱۴۸ ، ۱۴۹
ولاذجرد ۳۸۳ ، ۴۰۸

(ه)

هزارجریب ۳۱
همدان ۳۱۶ ، ۳۳٤
هند ۲۱٤

(ی)

یخچال فرخ زاد بیك ٤۳۲
یخچال مهدی قلی بیك ٤۳۲
یوسف آباد ۸۳ ، ۲۰۱

کتابها ونوشته‌ها

(آ)

آثار باستانی آذربایجان ۱۳۲
آثارالرضویه ۱۱۲
آشنائی با چند نسخه خطی ۹۹

(ا)

احسن التواریخ ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۶ ، ۲۷، ۵۹ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲
احقاق الحق ۱۸ ، ۵۶ ـ ۵۸ ، ۶۰، ۶۲ ، ۶۴ ، ۶۶
ازآستارا تا استارآباد ۱۶۲ ، ۱۷۲
اسدیه (رساله ـ ۵۸ ، ۵۹ ، ۴۲۵
اسناد فارسی گرجستان ۱۴۹ ، ۱۵۴ ، ۱۶۶ ، ۱۷۲ ، ۱۸۴
اصل الاصول ۱۰۵
اعلام زرکلی ۵۶
اعیان الشیعه ۵۹ ، ۹۹
امل الامل ۱۷۰
انقراض صفویه ۱۹۵
انوارالفقاهة ۱۰۸

(ب)

بحارالانوار ۶۶
بررسی های تاریخی ۳۰
بستان السیاحة ۱۲
بستان الشرف ۵۶
بنیاد فرهنگ ایران (نشریه ـ ۲۳

(ت)

تاریخ تذکره‌های فارسی ۲۸ ، ۱۱۲
تاریخ خانی ۲۰ ، ۱۲۲

تاریخ جهان آرا ۱۱ ، ۲۳ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۱۲۲
تاریخ شاه صفی ۳۱
تاریخ شوشتر ۵۹
تاریخ عالم آرا ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۵۸
تاریخ عرفا ۱۱۲
تاریخ عضدی ۳۶۱
تاریخ قزوین وفضائلها ۹
تاریخ گزیده ۱۱
تاریخ گیلان ودیلمستان ۱۹ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶
تتمیم امل الامل ۲۰۶
تحفه سامی ۱۶۲
تحریر علامه ۱۰۵
تحقیق درامور دیوان اسلامی ۴۴
التدوین فی ذکراخبارقزوین ۹ ، ۱۰ ، ۵۷
تذکره حزین ۱۹۸
تذکره شاه طهماسب ۲۲ ، ۵۷ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۷۱ ، ۱۳۰
تذکره هفت اقلیم ۱۲
تربت پاکان ۲۵ ، ۵۷ ، ۱۱۵ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۷۰ ، ۱۷۱
تکملة الاسماعیلیة ۵۶
تواریخ النبی والال ۱۱
توضیح المقال ۶۷
تهذیب شیخ طوسی ۶۷ ، ۶۸

(ج)

جنة النعیم ۱۲

(ح)

حبیب السیر ۱۹
حدائق السیاحه ۱۲
حدوث الاراده ۲۰۵
حظیرة القدس ۵۶

(خ)

خلاصة البلدان ۱۷۰
خلاصة التواریخ ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۴ ، ۱۳۲ ، ۱۵۵
خلاصه علامه ۶۵
خلد برین ۱۷ ، ۳۱ ، ۳۸ ، ۴۵ ، ۱۷۰

(د)

الدرجات الرفیعة ۵۶ ، ۷۱

درة نادره ٤٥

(ذ)

الذريعة ٢٤ ، ٥٦ ، ٦٠ ، ٦٦ ، ٦٧ ، ٦٨ ، ٩٩ ، ١٠١ ، ١٠٢ ، ١٠٤ ، ١٠٨ ، ١١٢ ، ١٦٨ ، ١٩٠ ، ١٩٧ ، ١٩٨ ، ٢٠٥ ، ٢٠٦ ، ٣٤١

ذيل عالم‌آراى عباسى ١٧ ، ٢٣ ، ٣١ ، ١٧٠

(ر)

رجال ابن داود ٦٦

رجال ايران بامداد ٩١ ، ٩٢ ، ٩٣ ، ٩٥ ، ٩٦ ، ٩٧ ، ١١٢ ، ٢١٨ ، ٢٥٠ ، ٢٦٤ ، ٢٦٨ ، ٣٢٦ ، ٣٣٤ ، ٣٣٨ ، ٣٤٨ ، ٣٥٣ ـ ٣٥٦ ، ٣٥٨ ـ ٣٦١ ، ٣٦٧ ، ٣٨١ ، ٣٨٤ ، ٣٨٩ ، ٣٩٤ ، ٣٩٧ ، ٤٠٥

رجال كشى ٦٦ ، ٦٩

رسائل محقق كركى ٦٧

الرسالة الأسديه ـ اسديه ١١ ، ٥٦

رساله مثال‌هاى صدور صفوى ١٥٥ ، ١٦٢ ، ١٦٨ ، ١٧٠ ، ١٧٤ ، ١٩٠ ، ٤٣٠

رستم التواريخ ٢٣٤

روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه ٩٣ ، ٩٥ ، ٣٨٧ ، ٣٩٧

روضات الجنات ١٢١ ، ١٧٠ ، ١٩٨

روضة الصفا ٢٦

روضة الصفويه ٥٩

رياض العلما ٥٩ ، ٦٠ ، ٦٦ ، ١٦٨ ، ١٧٠

ريحانة الأدب ٥٦ ، ٥٩ ، ١٢١ ، ١٦٢ ، ١٦٣ ، ١٩٨

(ز)

زاد العابدين ١٠٩

زبدة المعاصرين ٩٠

زبور آل داود ٢٢٦

زندگانى شاه عباس اول ٢٦ ، ٢٧ ، ٢٩ ، ٣٠

زندگى وشخصيت شيخ انصارى ٩٩ ، ١٠٢

زينة المجالس ١١ ، ١٢

(س)

سازمان اداری حکومت صفوی ۱۵۱
سالنامه دنیا ۷۷
سراج الانساب ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۸ ،
۵۸ ، ۵۹ ، ۶۳ ، ۶۹
سفرنامه افضل الملك ۳۸۷
سفرنامه خوزستان نجم الملك ۱۲۰
سفرنامه مادام دیولافوا ۱۲
سفرنامه میرزا حسین فراهانی ۱۲، ۴۸
سلافة العصر ۷۱
سواد وقفنامه‌های آستان قدس ۱۱۲

(ش)

شرح حال عباس میرزا ۸۸ ، ۹۳ ،
۹۴ ، ۹۵ ، ۹۸ ، ۳۹۷
شرح زندگی من ۳۸۷
شرح عدة صدرالدین حسینی ۴۵
شرعة التسمیة ۱۶۸
شعشعة ذوالفقار ۱۱۲
شهداء الفضیلة ۵۶ ، ۵۷ ، ۶۹

(ص)

صافی شرح اصول کافی ۲۴
صحیفة الرضا ۱۰
صحیفه سجادیه ۷۱
صمدیه ۷۱

(ض)

ضیافة الاخوان ۱۲

(ط)

طبقات اعلام الشیعة ۵۷

(ع)

عالم‌آرای عباسی ۲۱ ، ۲۲ ، ۲۷ ،
۲۹ ، ۳۰ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۴ ، ۶۵ ، ۶۶ ،
۷۹ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۵۵ ، ۱۵۷ ،
۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۸
عباس نامه ۱۷۰ ، ۱۹۰
عرفات العاشقین ۲۸
عروبة العلما ۵۶
علمای معاصرین ۹۹
عمدة الطالب ۱۳

(غ)

الغدیر ۱۰۱

(ف)

فارسنامه ناصری ۱۳۲
الفخری ۱۳ ، ۵۶
فرامین فارسی ماتنادران ۱۷۰
فردوس درتاریخ شوشتر ۲۱
فرهنگ ایران زمین ۹۴ ، ۳۸۷
فرهنگ سخنوران ۵۹ ، ۱۹۰ ، ۱۹۸ ،
۲۵۰ ، ۲۷۹
فضائل السادات ۱۵۵
فوائد الرضویه ۱۰۱ ، ۱۰۴ ، ۱۶۲ ،
۲۰۶ ، ۳۴۱
فهرست الهیات ۲۱
فهرست کتاب کافی ۶۷
فهرست کتابخانه آستان قدس ۲۱۵
فهرست کتابخانه مجلس ۱۷۱
فهرست کتابخانه مرعشی ۲۴ ، ۱۰۲ ،
۱۰۳
الفهرست لمشاهیرعلماء زنجان ۹۹
فهرست مشکوة ۲۴
فهرست ملك ۲۴
فهرست منزوی ۱۷ ، ۶۰ ، ۷۸ ، ۱۹۰

(ق)

قاموس الرجال ۱۱
قباله‌جات فارسی ماتنادران ۱۶۶ ، ۱۶۸
قرآن کریم ۴۴ ، ۸۲ ، ۱۴۱
قصص العلما ۱۰۴
قم درقرن نهم ۱۳۲
قوانین الاصول ۱۰۲

(ك)

کافی ۶۷
کتابچه قانون ۷۸
کرام البررة ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ،
۱۰۴ ، ۱۰۷ ، ۱۱۰ ، ۳۴۱
کشف الظنون ۵۶

(گ)

گلستان هنر ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۸
گلشن راز ۶۰

(ل)

لباب الانساب ۱۳

(م)

المآثروالاثار ۹۹ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۳۷۵

مجالس المؤمنين ۲۰ ، ۲۴ ، ۵۶ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۴ ، ۱۱۲ ، ۳۱۲

مجله بررسیهای تاریخی ـ بررسیهای تاریخی ۱۹ ، ۴۴ ، ۹۳ ، ۱۱۱ ، ۱۱۴ ، ۱۲۲ ، ۱۷۰ ، ۱۹۵ ، ۲۱۹

مجله راهنمای کتاب ۴۳ ، ۵۸ ، ۷۷ ، ۴۲۴

مجله وحید ۱۰۱ ، ۱۰۸ ، ۱۱۰ ، ۱۵۶ ، ۴۳۰

مجمع التواریخ مرعشی ۲۲۶ ، ۲۳۴

مجمع الفصحاء ۲۵۰ ، ۲۷۹

مجمع المسائل ۱۰۵

مجمل التواریخ ۱۱۲ ، ۲۱۹ ، ۲۲۶ ، ۲۳۱ ، ۲۳۴

مجموعه منشآت سنا ۲۱۵ ، ۲۱۹

محافل المؤمنين ۱۱۲

محبوب القلوب اشکوری ۱۶۲

مختصر المناهج ۱۰۵

مرآت البلدان ۱۲ ، ۲۵۰

مصفی المقال ۶۵ ـ ۶۹ ، ۹۹

مطلع الشمس ۱۷۴

معالم التنزیل ۲۴

معجم الادباء ۵۶

معجم الانساب زامباور ۲۳۱

معجم رجال الفکروالادب ۱۰۱ ، ۱۰۴

مفتاح الفلاح ۱۶۲ ، ۱۶۳

مقالهٔ تاریخچه قزوین ۱۹

مقدمه‌ای برشناخت اسناد تاریخی ۱۵۱ ، ۱۵۷ ، ۲۳۱

مکارم الاثار ۹۹ ، ۱۰۴ ، ۲۱۵ ، ۲۲۶ ، ۲۵۰ ، ۲۷۹

مناهج الاحکام ۱۰۴

مناهج الطریقه ۱۰۵

منتخب الاشعار ۲۱

منتخب التواریخ ۱۲ ، ۱۷۴

منتقلة الطالبيه ۱۳

منتهی المقال ۶۷

منشآت فتوحی شیرازی ۱۵۵
منشآت میرزا مهدیخان ۲۱۵
من لایحضره الفقیه ۶۹
موارد الاتحاف ۱۸ ، ۵۷
مینودر یا باب الجنه قزوین ۱۱ ، ۱۷ ، ۲۳ ، ۲۸ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۸ ، ۴۱ ، ۴۵ ، ۵۱ ، ۵۲ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۸۴ ، ۸۵ ، ۸۸ –۹۷ ، ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۰۷ ، ۱۰۸ ، ۱۱۰ ، ۱۱۱ ، ۱۱۶ ، ۱۲۰ ، ۱۴۲ ، ۱۹۷ ، ۲۴۰ ، ۲۶۶ ، ۳۳۹ ، ۳۴۴ ، ۳۹۷ ، ۴۱۶ ، ۴۲۱

(ن)

ناسخ التواریخ قاجاریه ۲۷۹
نجوم السماء ۱۹۸
نزهة القلوب ۱۰ ، ۱۱ ، ۱۱۶
نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه ۴۳ ، ۴۵ ، ۱۱۳ ، ۱۵۶
نظری به تاریخ آذربایجان ۱۳۲
نقاوة الاثار ۲۶
نقباء البشر ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۳ ، ۱۰۸ ، ۱۰۹ ، ۳۷۵
النقض ۱۰ ، ۵۴

(و)

الوظائف ۱۰۳
وقایع السنین والاعوام ۶۴ ، ۱۲۱ ، ۱۲۲ ، ۱۷۴ ، ۱۹۰

(ه)

هدایة السبیل ۹۳
هدیة الاحباب ۱۹۸

(ی)

یادنامه هزاره شیخ طوسی ۶۸